



در سکفءار انقلاب اسلامى

سلسله هم انديشى ها بمناسبت چهل و دوين سالگرد ايام الله و هم مبارک فخر انقلاب

اسلامى

مؤسسه ي پژوهشى فرهنگى



اقتدرت و نشر آراء حضرت آيت الله العظمى خاتمي نجاتي راجه



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست

۱. مکتب امام^(ره) در اندیشه رهبر حکیم انقلاب اسلامی..... ۵
- سیره، منش و شخصیت امام راحل^(ره)..... ۱۱
- همانندی میان رهبری و امام خمینی(ره) در اندیشه، سیره و شخصیت..... ۱۵
- حکمت سیاسی و انقلابی حضرت امام ره..... ۱۸
- امام خمینی^{ره} و بازگشت به توحید..... ۲۸
۲. جهش تولید در منظومه فکری رهبر حکیم انقلاب اسلامی ۵۲
- مروری بر بیانات رهبر معظم انقلاب در موضوع جهش تولید..... ۵۵
- جهش تولید و نسبت آن با اقتصاد مقاومتی..... ۷۰
- جهش تولید در سایر کشورها و دلالت‌های آن برای جمهوری اسلامی ایران..... ۸۲
۳. خودباوری علمی، اعجاز انقلاب اسلامی ۱۰۲
- آخرین دستاوردهای علم و فناوری انقلاب اسلامی..... ۱۰۷
- پیشرفت‌های علمی کشور در عرصه تولید واکسن (کووید۱۹)..... ۱۲۰
- نقش‌آفرینی پارک‌های علم و فناوری در تراز جهانی..... ۱۲۹
- دستاوردهای علمی کشور در مرزهای دانش جهانی..... ۱۳۶
۴. رسالت جامعه زنان در گام دوم انقلاب اسلامی..... ۱۵۱
- پیشرفت‌های زنان در پس از انقلاب اسلامی..... ۱۵۳
- الگوگیری معاصر از سبک زندگی فاطمی..... ۱۶۵



- جایگاه زنان در گام دوم انقلاب با تاکید بر علم و فناوری..... ۱۷۷
۵. جهاد، ایثار و شهادت در منظومه فکری رهبر معظم انقلاب اسلامی..... ۲۰۱
- جهاد در منظومه فکری رهبر معظم انقلاب اسلامی..... ۲۰۳
- ادبیات و هنر دفاع مقدس..... ۲۱۵
- ایثار و شهادت از دیدگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی..... ۲۲۸
۶. انقلاب اسلامی و معنویت..... ۲۴۷
- جامعه‌پردازی دینی در پرتو خودسازی معنوی..... ۲۵۰
- نظریه انتظار و نسبت آن با انقلاب اسلامی..... ۲۶۳
- الگوی معنویت در ساخت تمدن نوین اسلامی..... ۲۷۱
۷. چگونگی، الزامات، موانع و چالش‌های تحقق تمدن نوین اسلامی..... ۲۹۴
- جایگاه دولت اسلامی در تمدن‌سازی نوین اسلامی..... ۲۹۹
- الزامات تحقق تمدن نوین اسلامی..... ۳۱۱
- ضرورت، امکان و مطلوبیت و مسئله شناسی تمدن نوین اسلامی با رویکرد آینده پژوهی
..... ۳۲۹
۸. مکتب دفاعی در منظومه فکری حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای مدظله
العالی..... ۳۳۹
- امنیت در مکتب دفاعی حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای مدظله العالی..... ۳۴۴
- دفاع هوشمند در اندیشه و مکتب امام خامنه‌ای..... ۳۵۶
- مکتب دفاعی آیت‌الله العظمی خامنه‌ای مدظله العالی در حوزه انتظامی..... ۳۶۹
۹. همبستگی و مسئولیت اجتماعی در اندیشه رهبر معظم انقلاب اسلامی..... ۳۸۱



- موااسات در اندیشه حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای مدظله العالی..... ۳۹۳
- نقش همبستگی و مسئولیت در تقویت نظام اسلامی..... ۴۰۳
- بایسته‌های رسانه‌ای تبیین مسئولیت اجتماعی در مکتب شهید سلیمانی..... ۴۱۶
۱۰. انقلاب اسلامی، مکتب شهید سلیمانی، جبهه مقاومت، استکبارستیزی..... ۴۳۴
- ویژگی‌های شخصیتی و خانوادگی شهید سلیمانی..... ۴۳۸
- شاخص‌های مکتب شهید سلیمانی در اندیشه رهبر معظم انقلاب..... ۴۴۵
- انقلاب اسلامی، اقتدار ملی و شهید سلیمانی..... ۴۵۷
- نظریه مقاومت در اندیشه رهبر معظم انقلاب اسلامی..... ۴۶۵
۱۱. مقایسه انقلاب اسلامی ایران با سایر انقلاب‌های بزرگ جهان..... ۴۷۹
- حفظ آرمان‌ها و دستاوردهای کلان انقلاب اسلامی..... ۴۸۲
- انقلاب اسلامی در چشم‌انداز معرفت تاریخی..... ۴۹۰
- ویژگی‌های اجتماعی انقلاب اسلامی ایران..... ۵۰۱
- پیشرفت در عرصه علمی و فرهنگی..... ۵۰۷
- مولفه‌های ماندگاری انقلاب اسلامی در مقایسه با انقلاب‌های بزرگ جهان..... ۵۱۰
- راه پیش‌روی انقلاب در آینده تاریخی..... ۵۱۸
۱۲. بازتاب انقلاب اسلامی در سایر جوامع..... ۵۲۹
- صدور انقلاب اسلامی در گام دوم با نگاهی به تجارب گام اول..... ۵۳۳
- بازتاب ارزش‌های انقلاب در جوامع شیعی..... ۵۴۷
- انقلاب اسلامی و تغییر در هندسه‌ی قدرت منطقه و جهان..... ۵۵۳



ایجاد امید به آینده در نسل‌های جوان داخل و خارج از کشور..... ۵۶۴

بازتاب انقلاب اسلامی در کشور عراق..... ۵۷۱

بازتعریف اهداف و ارزش‌های انقلاب اسلامی در ابعاد منطقه‌ای و جهانی..... ۵۷۸



مقدمه

ایام الله دهه مبارک فجر، مقطع رهایی ملت ایران و نقطه عطفی از تاریخ است که گذشته را از آینده در تمام ابعاد و عرصه‌های زندگی فردی و اجتماعی متمایز ساخته است. در این دهه بود که هندسه معیوب و رشته بیمار گذشته را قطع و «اسلام» و «مردم» بمثابة مظهریت قدرت حقیقی برشمرده شد. از برکات دهه مبارک فجر انقلاب اسلامی، ایجاد خط نوینی برای تأسیس نظامات اجتماعی مبتنی بر ارزشهای وحیانی است که در حقیقت جزو رشحات اسلام است. زنجیره نسبت سلطان و رعیتی، غالب و مغلوبی و وابستگی و سازشکاری با سلطه استکبار، از ریشه منقطع و بر این اساس این دهه مبارکه خاستگاه ارزش‌های اسلامی گردیده است. از این رو علت بزرگداشت دهه مبارک فجر نیز اشاره به همین نقطه عطفی است که همه انانیت‌ها را در اسلام حل کرد و به برکت اسلام ناب محمدی و رهبری دایمانه امام خمینی^{ره}، تحول هویتی، فکری و روحی عظیمی در مردم ایجاد نمود. دهه مبارک فجر، دهه میثاق قوای نیروهای انقلابی و تجدید یاد و خاطره روزگاران پرشکوه و در حقیقت گرامیداشت بزرگترین معجزه الهی در عصر کنونی محسوب می‌شود که ملت شریف ایران را از چنگال ظلم و فسق قدرت‌های طاغوتی استبدادی و استکباری نجات بخشید و با شکست ابرقدرتها و طاغوت بیرونی به احیای عقلاانیت، معنویت و عدالت پرداخت. لذا همه مساعی انقلابی برای تحقق کامل انقلاب در همه عرصه‌های زندگی اجتماعی سیاسی و تغییر شاکله نگرش و ارزش‌های اجتماعی است.



این نشریه گزارش محتوایی از برگزاری سلسله نشست‌های دهه مبارک فجر سال ۱۳۹۹ است که توسط دفاتر مطالعاتی معاونت پژوهش و آموزش، موسسه انقلاب اسلامی با هدف تبیین ابعاد و زوایای گوناگون گفتمان انقلاب اسلامی و دستاوردهای کم نظیر آن برگزار شده است.

معاونت پژوهش و آموزش



۱. مکتب امام (ره) در اندیشه رهبر حکیم انقلاب اسلامی

*جناب آقای دکتر اسحاقی: انقلاب اسلامی ایران با هویت انقلاب اسلامی و هویت اسلام ناب محمدی، با ابتکار و رهبری امام خمینی شکل می‌گیرد. این احیاگر قرن توانسته است انقلابی را در زمانی رهبری کند و به پیروزی برساند که در مظنه هیچ یک از صاحب‌نظران در بلوک شرق و غرب، فکر اینکه یک انقلابی بر پایه مذهب و دین شکل بگیرد، خطور نمی‌کرد. با این حال این انقلاب به مدد روح الهی و بهره‌گیری از تعالیم ناب و حیانی در جهان دگرگون یافته و جهانی که مدرنیته بر آن مسلط شده و استکبار در اضلاع و انحای جهان سیطره پیدا کرده، شکل گرفت. به نظر می‌رسد که هویت دینی و هویت اسلامی جایی برای ظهور و بروز پیدا نمی‌کند و هر زمانی عرصه بر دین‌داران و به ویژه مسلمانان تنگ و تنگ‌تر می‌شود. انقلاب اسلامی در این وضعیت آن هم در ایران عزیز شکل می‌گیرد، ایرانی که به عنوان یکی از توابع قدرت و سلطه جهانی در دست استکبار جهانی به عنوان یک ابزار قرار گرفت است.

دیکتاتوری که در ایران حاکم است و با کودتا شکل گرفته و حاکم شده است، نسبت به مردم خودش، هویت دینی و ملی خودش سرکوبگر و در مقابل مستکبران و قدرت‌های بزرگ تسلیم مطلق است. این خوی دیکتاتورهاست که نسبت به مردم خودشان معمولاً ظالم و ستمگر و در مقابل قدرت‌های استکباری تسلیم محض هستند. این انقلاب اسلامی با



پیام‌هایی که نجات‌بخش و نویدبخش انسان عصر معاصر است، شکل می‌گیرد. انسان مظلومی که هویت خودش را گم کرده و در سیطره و چنبره مدرنیته و استکبار جهانی و سلطه که در حقیقت دوران جاهلیت خودش را سیر می‌کند. ملت‌های مختلف، آمد و شد آن‌ها در این چارچوب که نظام سلطه دیگر پایان تاریخ لیبرالیسم است تعریف می‌شود و راه نجات دیگری نیست. همچنان که پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) در صدر اسلام و در جامعه بدوی جاهلی آن زمان در شبه‌جزیره، جزیره العرب ظهور می‌کند، قرآن آن زمان را تصویر می‌کند و می‌فرماید: وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا.

انسان‌های عصر ظهور انقلاب اسلامی هم در جاهلیت مدرن غرق شده و هویت انسانی و اسلامی خودش را از دست داده‌اند. انقلاب اسلامی به عنوان احیاگر هویت انسانی، اسلامی و الهی و ریشه‌های وحیانی شکل می‌گیرد، گسترش پیدا می‌کند و به اهداف خودش در زمینه‌های مختلف دست پیدا می‌کند. در اثنا و نقاط گیتی این پیام انقلاب اسلامی رسوخ پیدا می‌کند و این طلیعه را می‌توان دید. همه این پیروزی‌ها و تغییر نگرش‌ها نسبت به وحدانیت و اسلام و دین در حقیقت به مدد یک شخص محوری به نام حضرت آیت‌الله‌العظمی امام خمینی^{ره} است که توانسته است این حرکت عظیم را ایجاد کند و به‌طور نظام‌مند، روشمند و هدفمند شکل دهد. مکتب‌سازی کند، نظام‌سازی کند و اهداف پیش رو را برای سال‌ها و ده‌ها



و سده‌ها ترسیم کند. ما هر چه بیشتر باید با این شخصیت، سیره و روش و منش و اندیشه آشنا شویم و خودمان را هم به آن نزدیک کنیم.

امام خمینی^{ره} شخصیت جذاب برای صاحب‌نظران، برای نخبگان، برای جوانان و اقشار مختلف است. رهبری معظم انقلاب حضرت آیت‌الله‌العظمی امام خامنه‌ای مدظله‌العالی هم ادامه این مسیر را که به عهده می‌گیرند، از این شخصیت بزرگ تعریف می‌کنند و برای ایشان به مکتب امام خمینی (معروف است). این مکتب ویژگی‌ها، ارکان، اصول، ارزش‌ها، روش‌ها و باید‌ها و نبایدهایی دارد، این‌ها باید شناخته شود و شناسانده شود تا از تحریف آن جلوگیری شود. ویژگی‌هایی برای این مکتب توسط رهبری معظم انقلاب برشمرده می‌شود و شامل معنویت، عقلانیت و عدالت است. همچنین ویژگی‌های دیگری توسط رهبری معظم انقلاب بیان می‌شود که من سرفصل‌های آن را اشاره می‌کنم تا مقدمه‌ای باشد برای بهره‌گیری از اساتید محترمی که معرفی خواهیم کرد.

اعتماد به صدق وعده الهی یکی از ویژگی‌هاست که از اصول مکتب امام توسط رهبری معظم انقلاب معرفی می‌شود. دانستن این اعتماد به صدق وعده الهی در شخصیت و سیره امام بحث مفصلی است که انشاء الله برای فرصت مقتضی به آن خواهیم پرداخت. اسلام ناب در مقابل اسلام آمریکایی و اسلام انحرافی؛ اعتقاد به اراده و نیروی مردم لِقَوْمِ النَّاسِ بِالْقِسْطِ. این راه مکتب امام را نشان می‌دهد که در همه فرصت‌ها و در همه زمینه‌ها حضور مردم در صحنه و میدان می‌تواند مؤثر باشد و ما تجربه انقلاب اسلامی را

در به میدان آوردن مردم به ویژه جوانان در عرصه‌های مختلف داریم. قرار گرفتن در جبهه مخالف مستکبران بدون ذره‌ای واهمه و بدون ذره تسلیم و کوتاهی؛ تکیه بر وحدت ملی، حمایت از مستضعفان و طبقه محروم. این ویژگی‌ها و پیام‌های مکتب امام بیش از هر زمان دیگری نیاز امروز ما در ایران، کشورهای اسلامی و سطح جهان است.

فرصتی دست داد که به برکت ایام‌الله دهه فجر انقلاب اسلامی به همه دوستداران انقلاب اسلامی و حاضران در این نشست مجازی و اساتید محترمی که تشریف دارند، تبریک عرض کنم و همچنین میلاد صدیقه زهرا (سلام الله علیها) را به همه دوستداران اهل بیت تبریک می‌گویم که انشاء الله تمام تلاش‌های ما برای ترویج فرهنگ فاطمی باشد و فرهنگ انقلاب اسلامی هم بر گرفته از فرهنگ وحیانی و فاطمی است. خیلی خوشبخت هستیم که در جلسه امروز خدمت اساتید محترمی همچون حضرت حجت‌الاسلام حاج آقا رحیمیان که از یاران امام و رهبری معظم انقلاب بوده و هستند و با سیره، منش و شخصیت معظم له و امام راحل از نزدیک آشنا بودند، دغدغه‌ها ایشان را در عرصه‌های مختلف دیدیم و پیگیری‌هایی که در این عرصه داشتند، می‌توانند تفسیر روشن و شفافی را برای دوستداران امام خمینی^(ره) بیان کنند. برای ما خیلی ارزشمند است که در این زمینه انشاء الله از بیانات ایشان استفاده کنیم.

همچنین استاد محترم جناب آقای حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای ذوعلم رئیس محترم اندیشگاه گام دوم از موسسه پژوهش و فرهنگی انقلاب

اسلامی وابسته به دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای که در حوزه حکمت سیاسی و انقلابی حضرت امام کار کردند، انشاء الله مباحث خودشان را ارائه می‌کنند و همچنین استاد محترم، استاد دانشگاه و نویسنده کتب تاریخی و انقلاب جناب آقای دکتر یعقوب توکلی که در خصوص امام خمینی و بازگشت به توحید انشاء الله مباحثشان را ارائه می‌کند.

سیره، منش و شخصیت امام راحل(ره)

* جناب حجت‌الاسلام و المسلمین حاج آقای رحیمیان: من می‌خواهم موضوع مکتب امام در اندیشه و عمل رهبر معظم انقلاب در همه ابعاد را به این موضوع اضافه کنم. ممکن کسی همه مواضع امام، همه بیست‌ویک جلد صحیفه امام را خوانده باشند و حفظ کرده باشند و به‌صورت تقریبی آن را به‌طور عملی نیز مورد عمل قرار داده باشند؛ اما فراتر از آن، زمانی است که کسی مجموعه تفکر امام و مکتب امام را همراه با اجتهاد فهم کرده باشد.

ممکن است کسی عروه‌الوثقی را بخواند و حفظ کند. حال ممکن است کسی عروه‌الوثقی را به‌صورت اجتهادی و در واقع مستندات و مآخذ تک‌تک احکامی یا فتوایی که در عروه‌الوثقی آمده را هم در واقع اشراف داشته باشد. مقام معظم رهبری آن چراکه از امام دریافته است به‌صورت مبنایی و اعتقادی همراه با مستندات عقاید امام و زیرساخت‌های آن چیزهایی را که امام بیان

کرده است به آن اشراف و اعتقاد دارد. حدود ۴۰ ساعت یا بیشتر مقام معظم رهبری در مراسم سالگرد حضرت امام درصدد تبیین مواضع امام، خط امام و تفکر امام بود که یقیناً کسی را بنده حداقل سراغ ندارم که در این حد و با این عمق و ابعادی که مقام معظم رهبری تبیین کرد، تفکر حضرت امام را تبیین کند.

البته نه فقط در مقام تفکر که عرض کردم در مقام عمل هم، مقام معظم رهبری تمام ابعاد زندگی، رفتار و مواضعش منطبق با خط امام و با تفکر حضرت امام هست. من یک وقتی در سه جلسه‌ای که برای مجموعه‌ای از دوستان امام و مقام معظم رهبری داشتم، وجوه اشتراک این دو بزرگوار را در همه ابعاد زندگی مطرح کردم. عجیب است که من با توجه به اینکه از ۱۳ سالگی در اوایل نوجوانی و لحظه رحلت امام، جز مقاطعی که امام در ترکیه بودند یا پاریس بودند یا در زندان بودند، با امام نبودیم و توفیق نداشتم ولی در قم، در نجف و نهایتاً مدتی که در جماران بودن در خدمتشان بودیم و شاهد ویژگی‌های شخصیت حضرت امام بودیم.

هرچند که ما ظاهری را دریافت می‌کردیم و آن ابعاد معنوی و عمق شخصیت امام را ما درک نکردیم. من خودم وقتی می‌خواهم تشبیه کنم وضعیت نسبی خودمان را با امام، میگم ما مثل یک مورچه‌ای در کنار کوه دماوند بودیم که هم نتوانستیم بلندای این کوه را درک کنیم و هم نتوانستیم ابعاد اعماق این کوه را درک کنیم و هم اینکه نتوانستیم پیرامون این کوه بچرخیم و تماشا کنیم. یک جلوه‌ای محدود منطبق با درک معدود خودمان

از امام داشتیم. آنچه را که ما از امام دریافت کردیم و بعدها در زمان ریاست جمهوری و اوایل انقلاب و در دوران رهبری که از مقام معظم رهبری درک کردیم، واقعاً یک انطباق شگفت‌انگیزی را بین ابعاد مختلف زندگی این دو بزرگوار دریافت کردیم. این انطباق را می‌توان در عبادت‌ها و تقرب در درگاه خداوند متعال یافت. هر دو تا آنجایی که ما اطلاع یافتیم وجه اشتراکی در تجمه‌د نماز شب که شاید یک ویژگی بسیار برجسته این دو بزرگوار بود، داشتند. نمی‌دانم شاید کمتر در زندگی آن‌ها اتفاق افتاده باشد که نماز شب آن‌ها ترک شده باشد.

اعتقادشان و پیوندشان، ارادت و عشقشان نسبت به اهل بیت؛ علاقه خاصشان نسبت به حضرت زهرا (سلام الله علیها)، علاقه‌شان نسبت به شهدا، خانواده شهدا و ایثار گران که در این عرصه من‌خاطرات و مشاهدات متعددی را از حضرت امام نسبت به خانواده شهدا و همچنین مقام معظم رهبری نسبت به خانواده شهدا، شاهد بودم. به‌طور عجیبی این ویژگی بین این دو بزرگوار انطباق دارد. ساده زیستی آن‌ها و سایر ابعاد زندگی که واقعاً انطباق فوق‌العاده‌ای بین این دو بزرگوار وجود دارد. حالا چرا این‌گونه است؟ و علت آن چیست؟

جناب آقای دکتر اسحاقی: جناب حاج آقای رحیمیان عمری از زندگی با امام و در خدمت امام بودند و اشاره کردن که از ۱۳ سالگی در محضر امام بودند و در بزنگاهی مهم انقلاب اسلامی حضور داشتند. سیره، شخصیت،

اندیشه امام را شناختند و دیدند و همچنین در معیت و همراهی با رهبری معظم انقلاب هم این سیره و شخصیت و روش را دیدند که چگونه این همانندی بین امام و رهبری معظم انقلاب وجود دارد. جناب حاج آقای رحیمیان در این سیر انقلاب اسلامی بودند، به همین دلیل برای شناخت این ویژگی‌های مکتب امام، آنچه در نظر و عمل از رهبری معظم انقلاب دیدند، شخصیت آشنا و شایسته‌ای هستند که ما باید بیش از پیش در شناخت این تجربه و جلوگیری از تحریف این شخصیت، منش و هویت مکتب امام از ایشان استفاده کنیم. ایشان از کسانی هستند که در مسیر و مدار حرکت امام بودند و امامین انقلاب اسلامی را با جان و دل قبول دارند و همراهی داشتند.

یکی از مسائل مهم این است که ما به درستی مکتب امام را بشناسیم. این مکتبی که توانسته است این تحول عظیم را در ملت ایران به وجود آورد و یک رژیم منحصر به فردی که در جامعه جهانی به او اعتماد داشتند، به لرزه درآورد و ساقط کند. این انقلاب نه تنها در مرزهای خودش و نه تنها در منطقه و میان کشورهای اسلامی اش محصور نشد بلکه در میان آزادگان جهان هم به درستی این حرکت شناخته شده و دیده شده است. ولی در این مسیر احتمال تحریف هم وجود دارد که رهبری معظم انقلاب به آن اشاره کردند. مجدداً از بیانات حجت الاسلام و المسلمین حاج آقا رحیمیان استفاده می‌کنیم. در خدمت شما هستیم.

هماندی میان رهبری و امام خمینی(ره) در اندیشه، سیره و شخصیت

جناب حجت‌الاسلام و المسلمین حاج آقای رحیمیان: این نکته را عرض می‌کردم که آن چیزی که وجه اشتراک بین این دو بزرگوار را شکل می‌دهد، آن ریشه و مبنا و منشأ تفکر این بزرگوار است و آن پیوندی است که آن‌ها با قرآن دارند، پیوندی که همراه با باور است. ممکن است کسانی قرآن بخوانند، حفظ باشند و نفهمند. در عین حال ممکن است کسانی هم باشند که قرآن را بخوانند، بفهمند و احیاناً قرآن را هم باور داشته باشند ولی در مقام عمل پیوند مستحکمی با قرآن نداشته باشند. آنچه را که من از این دو بزرگوار دریافت کردم آن است که هیچ موضعی، هیچ سخنی از آن‌ها در ارتباط با مسائل نهضت و انقلاب صادر نمی‌شود مگر آنکه مبنای قرآنی داشته باشد و در سنت قطعی معصومین وجود داشته باشد. شخصی که به قرآن باور دارد و بر اساس این باور عامل به قرآن است، به صورت طبیعی و قهری آنچه را که عمل می‌کند و آنچه را که می‌گوید طبعاً با تفکر حضرت امام که دارای همین ویژگی بود، منطبق است. امام و مقام معظم رهبری با اعماق جانشان به مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ در مقام عمل در زندگی خودشان باور داشتند. ما شاهد بودیم که لحظه‌لحظه زندگی، رفتار و اعمال آن‌ها منطبق با این ویژگی قرآنی است.

این معیت با رسول‌الله در اشدا علی الکفار بودن و رحما بینهم؛ آن رحمت‌ها و محبت‌های امام و حضرت آقا نسبت به خانواده شهدا از باب مثال، نسبت

به رزمندگان، نسبت به کسانی که در خدمت دین خدا هستند، کسانی که جان دادند و سلامتی خودشان را دادند، وجود دارد. از آن طرف شدت و غلظت رفتار آن‌ها در برابر کفار و مستکبرین وجود دارد. امام باور داشت و مقام معظم رهبری نیز عیناً، لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا را باور داشت. هر دو به و لکن تَرْضَى عَنكَ الْيَهُودُ وَكَالِ النَّصَارَى باور داشتند. این جریان‌های استکباری و لکن تَرْضَى حَتَّى تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ را باور داشتند و بر اساس این باور عمل می‌کردند. خلاصه اینکه وجه اشتراک اساسی این هست که مآخذ و مبنای تفکر هر دو مآخذ، مبنا و منشأ عمل هر دو بزرگوار قرآن و سنت معصومین است. باور به این معنا را می‌توانیم در یکایک تفکرات این بزرگواران و در رفتار و عمل و مواضع این دو بزرگوار مشاهده کرد. ریشه این‌ها را می‌توان در قرآن و سنت قطعی معصومین بیابیم. به همین دلیل است که ما هیچ تفاوت و اختلافی بین تفکر این دو بزرگوار و رفتار این بزرگوار شاهد نیستیم، چراکه مبنا و منشأ تفکر و عمل آن‌ها، قرآن، وحی الهی و سنت معصومین که مؤاخذ از وحی الهی است، است.

***دکتر اسحاقی:** از جناب حجت‌الاسلام حاج آقا رحیمیان سپاسگزارم. ایشان نکته مهمی که اشاره کردند، همانندی بین رهبری و امام خمینی^(ه) در اندیشه، سیره و شخصیت است که علتش را ایشان در معیت با قرآن و پیوند با قرآن و باور به آن داشتند. این هم در زندگی فردی و هم در رهبری جامعه‌ای که هدایت قرآنی داشته است، وجود دارد. ایشان وجوه اشتراک

امام و رهبری معظم انقلاب را اشاره کردند که انطباق بالایی وجود دارد و ریشه آن قرانی است. بهترین شخصی که توانسته است شخصیت امام را بشناسد، اهداف و هویت مکتب او را بشناسد و هم تبیین کند و هم با رهبری خودش جامعه و نهادها را هدایت بکند و در بزنگاه‌ها نسبت به تحریف هشدار بدهد، به گواهی صاحب‌نظران و منصفان، رهبری معظم انقلاب بودند. ایشان توانسته‌اند این مکتب را تعریف کنند، شاخص‌های آن را بیان کنند و نسبت به جلوگیری از تحریف آن هم هشدارهای لازم را بدهند. سپاس‌گذار هستیم. انشاء الله در فرصت دیگر هم در خدمت جناب حجت‌الاسلام و المسلمین حاج آقای رحیمیان خواهیم بود. به ویژه از خاطراتی که از امام داشتند و همچنین از رهبری معظم انقلاب برای نسل جوان امروز می‌تواند خیلی راهگشا باشد. تصمیمات اساسی‌ای که گرفته شد و نوع برخوردها و منش و شخصیتی که داشتند، کمتر این مطالب گفته شده و حق جامعه جوان ما هست که بیش از گذشته نسبت به این موارد آشنا باشد.

در محضر حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین حاج آقای ذوعلم هستیم. جناب آقای ذوعلم سابقه طولانی‌ای در اندیشه و شخصیت شناسی امام دارند و همچنین در حوزه منظومه فکری مقام معظم رهبری مطالعات، پژوهش‌ها داشتند. بر این اساس این فرصت مغتنم را داریم که ایشان حکمت سیاسی و انقلابی حضرت امام خمینی را بتوانند از منظر رهبری انقلاب تبیین کنند.

حکمت سیاسی و انقلابی حضرت امام ره

*حجت‌الاسلام و المسلمین جناب آقای ذوعلم: ۴۲ سال قبل، این زمان، اولین شب حضور حضرت امام در ایران بود و بعد از ۱۴ سال جدایی اجباری از این کشور به کشور بازگشتند. ما که در آن زمان، در استقبال از امام در جریان حضور عظیم مردم به عنوان قطره‌ای از این اقیانوس حضور داشتیم، آن لذت ورود امام و احساس هویت و نشاط و پیروزی که در کشورمان شکل گرفت از نزدیک شاهد بودیم. حقیقتاً عظمت امام و آن کار بزرگی که انجام دادند بیش از دیگران، شاید آن دوستان جوانی که با خاطرات و با نوشتار سروکار دارند در آن مقطع ملموس و روشن بوده است. حضرت امام حقیقتاً یک آیت عظمای الهی بودند؛ یعنی مؤسس و بنیان‌گذاری نظری و علمی انقلاب بودند و در بیانات رهبر معظم انقلاب در طول سی و یک و دو سال بعد از رحلت امام هرسال ایراد شد.

رهبر معظم انقلاب هرسال یک‌پرده‌ای از پرده‌های عظمت و آن نقش و ظرفیت و کار مهم امام را مطرح کردند. یکی از تعبیری که بارها رهبر معظم انقلاب نسبت به حضرت امام داشتند، بحث حکمت امام است. دوستان می‌دانند که بحث حکمت در معارف اسلامی ما در دو بعد: حکمت نظری و حکمت عملی مطرح می‌شود. حکمت علمی در حقیقت آن نفس اقدام و عمل و آن تأثیرگذاری واقعی و عینی است که یک حکیم در مورد خودش، جامعه و در مورد جهان بروز می‌دهد. فراتر از گفته، نوشته و نظریه‌پردازی و مباحث نظری صرف، تغییری ایجاد می‌کند. امام فراتر از حکمت نظری،

یک تغییر دهنده بنیادین و اساسی بود. منتهی نکته مهم این است که این تغییرات و تحولاتی که امام ایجاد کردند و فهرستی بلندی از آن را رهبر معظم انقلاب در سخنرانی چهارده خرداد امسال بیان کردند، بسیار بحث عمیق و قابل توجه بود.

این تغییر در دو عرصه؛ یکی در عرصه نظر و دیدگاه جامعه و دیگری در عرصه عمل بوده است. در عرصه نظر، نیز یکی در عرصه نظر در توده مردم، امت اسلامی و جهانیان و دیگری، عرصه نظر در نخبگان و به خصوص در مباحث معرفت دینی و معرفت اسلامی در جامعه ما بود که حضرت امام یک غبار تاریخی را از این معرفت زدودند و به تعبیر خودشان یک صورت بندی جدید و ابداعی در باب اسلام بود. ایشان اسلام ناب محمدی (ص) را در قبال اسلام آمریکایی با آن شقوق و مصادیق مختلفش مطرح کردند. تغییر در عرصه نظری که در مورد توده مردم داشتند، این گونه بود که نگاه جامعه را به دین، به سیاست، به هویت، به سعادت به پیشرفت و به این قبیل مفاهیم تغییر دادند، در حقیقت یک نگاه عمیق جدید که از آن اصالت‌ها و ریشه‌های قرآنی و اهل بیت، مکتب اهل بیت و آن ریشه‌های عمیق عقلانی و عرفانی سرچشمه می‌گرفت، امام باز خوانی کردند.

رهبر معظم انقلاب این نکته را چند بار با تعابیر خیلی صریح مطرح کردند که بنامان بر این است که راه امام را موبه‌مو اجرا کنیم و در یکی از سخنرانی‌شان مطرح کردند که اگر ما همان نقشه راه امام را عمل کنیم، به سعادت، پیشرفت، عزت و همه آرمان‌ها می‌رسیم؛ اما اگر از راه امام تخطی

بکنیم سیلی خواهیم خورد که یک بخشی از بیان حضرت آقا پخش شد و شاهدش بودیم. همان طوری که حاج آقا رحیمیان مطرح کردند حقیقتاً باور حضرت آقا است و بدون هیچ گونه مجامله و در واقع مدافعه مطرح می شود. باید مراجعه کنیم به بیانیه گام دوم و ببینیم که در این بیانیه که یک اثر قلمی بسیار پخته و سخنه و جمع بندی شده از رهبر معظم انقلاب است، چه نگاهی نسبت به امام مطرح شد؟ نکاتی را عرض می کنم، اما از فرهیختگان و بزرگوارانی که خدمتشان هستیم، تقاضا این است که روی این مطلب و خصوصاً با آن پشتیبانی نظری و غنی سازی که در بیانات دیگر حضرت آقا است، بیشتر کار شود.

این محورها به عنوان محورهای برجسته ای مورد بحث و کنکاش قرار گیرد که به نظر می رسد چون در بیانیه گام دوم رهبر معظم انقلاب بیش از نگاه به گذشته، نگاهشان به آینده بوده است. در واقع آن سرفصل ها و محورهایی را از حضرت امام مطرح کردند که برای جوانان فرهیخته، برای امتداد این راه نورانی و تعمیق، گسترش، تثبیت و تحکیم آن مورد نیاز است. یک نکته ای که مطرح می کنند، این است که حضرت امام جمهوریت و اسلامیت را ترکیب کرد. حقیقتاً، اگر یک فحل حوزوی، یک اندیشمند حکیم، فقیه و فیلسوف در آن حد متعالی از اعتبار، این بحث را مطرح نمی کرد، قطعاً این بحث با چالش های نظری و علمی بسیار بیشتری مواجه می شد. البته هنوز هم این بحث در مباحث فلسفه سیاسی اسلام و در دیدگاه هایی که متأسفانه بعضی از غرب گرایان امروز ما مطرح می کنند هنوز مورد بحث قرار می گیرد

و نشان می‌دهد که کار نظری و کار فلسفی و کار فقهی بخصوص در باب ترکیب جمهوریت و اسلامیت بسیار کار ارزشمند و مهمی است. امروز هم می‌شنویم که گاهی می‌گویند که این نظام یک نظام دینی است و رأی مردم یک رأی تزئینی است و مردم فقط برای مقبولیت نظام اعتبار دارند.

در حالی که حضرت امام نگاهی که داشتند، به تعبیر حضرت آقا که تعبیر عمیقی است، جز با هدایت الهی و قلب نورانی و اندیشه بزرگ امام خمینی به دست نیامد؛ یعنی جمهوریت و اسلامیت که در فلسفه سیاسی دینی ما که در نگاه اسلام ناب مطرح است، یک ترکیب بسیار عمیقی با هم پیدا کرد که بعد خود حضرت آقا به عنوان برجسته‌ترین شاگرد نظری و عملی حضرت امام که علاوه بر دروس نظری، ۱۰ سال به عنوان یکی از نزدیک‌ترین افراد به حضرت امام در نگاه امام و روش امام و بیان امام هستند و این رگه‌ها و لایه‌های حکمی را دنبال می‌کردند، این ترکیب را مردم‌سالاری دینی بیان کردند و یک تعبیر جدیدی را که در واقع رساننده آن محتوای عظیم است، بیان کردند.

نکته عمیق در دیدگاه حضرت آقا نسبت به این بحث، ترکیب این است که این ترکیب یک ترکیب مصنوعی نیست این جمهوریت در ذات اسلامیت است و اصالت با همان اسلامیت است. چارچوب‌های مشروعیت نظام دینی‌ای که اسلام نمی‌پذیرد که یک نظام عادلانه فقهی و مبتنی بر حقوق اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و اسلام، بدون بستر مردم‌سالاری شکل بگیرد. این نکته بسیار مهمی است و این تعبیر که هدایت الهی در این کار وجود

داشته و قلب نورانی و اندیشه بزرگ امام یعنی امام هم یک برداشت اشراقی و قلبی در این جریان و هم اندیشه امام وجود داشته است. حقیقتاً یادمان هست که در اوایل سال ۵۷ و اواسط ۵۷ به تدریج انقلاب، توسعه پیدا می‌کرد، فراگیر می‌شد و فوج فوج مردم به انقلاب می‌پیوستند. یک سؤال اساسی این بود که آن مدل حکومتی بعد از سقوط رژیم پهلوی چی خواهد بود؟ به خصوص که بحث جمهوریت یک پیشینه‌ای در اندیشه بعضی از علما بزرگوار ما که به گونه‌ای گویا جمهوریت با اسلامیت سازگار نیست، داشت. این روشنفکران هم همین بحث را مطرح می‌کردند و مقاله‌هایی که در همان زمان تصویب قانون اساسی مطرح بود، همین را مطرح می‌کردند که یک ترکیب پارادوکسیکال است و یک تعبیر متناقض ناماست. واقعاً امام این ترکیب ایجاد کردند و خودش یک تحولی در اندیشه سیاسی اسلام بود و از آن حکمت نظری و تحولی که امام ایجاد کردند نشات می‌گیرد.

نکته دوم بحث ایستادگی در مقابل امواجی از خصومت‌ها، خباثت‌ها، توطئه‌های انواع اقسام دشمنان بود. در حقیقت حضرت آقا در این بیانیه گام دوم، نقش عملی و عینی امام را در کنار آن قدرت عظیم ایمان و انگیزه ملت مطرح می‌کند که این هم بدون رهبری اسمانی و تائید شده امام عظیم الشان، این تاب‌آوری ممکن نبود. این تعابیر حضرت آقا بسیار قابل توجه رهبری اسمانی و تائید شده امام است. امام صرفاً یک کار سیاسی صرف انجام نداده، امام یک نگاه عمیق عرفانی و الهی و توحیدی به مقوله انقلاب، مقوله تکلیف، به مقوله جامعه و به مقوله سیاست داشت. آن پشتوانه عظیم

بود که آن استقامت بسیار استثنایی و بی‌بدیل را ایجاد کرد. امام حزبی به معنی احزاب رایج و منبع سرمایه مادی به معنای رایج نداشتند. آنچه امام داشتند ایمان امام بود. به تعبیر استاد مطهری، چهار مقوله، ایمان به وعده‌های الهی، ایمان به راهی که داشتن، ایمان به مردم و توکل به خدای متعال و ایمان به خدای متعال و ایمان به هدف وجود داشت. این‌ها مباحث مهمی هستند از این جهت که این ایستادگی را ما، در آینده نیاز داریم و مایه‌های این ایستادگی جز با یک رهبری تأیید شده، جز با یک اتصال به عالم غیب مقدور نیست در اینجا حضرت آقا مطرح می‌کنند و امروز هم خوشبختانه این تاب‌آوری کشور ما که به خصوصی در این سه چهار سال اخیر یک برگ زرین دیگری شد در امتداد انقلاب حضرت امام، در ذیل هدایت و راهبری حضرت آقا و ایستادگی ملت ما حقیقتاً بسیار قابل وصف است.

نکته سوم که رهبر معظم انقلاب مطرح کردند و از کلید واژه‌های اساسی محسوب می‌شود و ما در آینده هم بیشتر به آن نیاز خواهیم داشت، اعتقاد به اصل ما می‌توانیم و بحث مدیریت جهادی، الهام گرفته از اسلام انقلابی است که به تعبیر حضرت آقا، امام بزرگوار به همه ما آموخت؛ یعنی بعد از امام همه ما این نگاه امام را به اصل ما می‌توانیم از امام یاد گرفته‌ایم و منشأ عزت و پیشرفت ما در همه عرصه‌ها بوده است. حضرت آقا به عنوان برجسته‌ترین، صادق‌ترین و عمیق‌ترین شاگرد امام خوب این حرکت را در مقابل توطئه‌های جدیدی که در برابر این اصل قد علم کرد، ادامه دادند؛ یعنی آن حکمت نظری حضرت امام در ادامه راه انقلاب باید آن‌چنان

بازخوانی شود که بتواند شبهات و اشکالات را پاسخ دهد و در بعدی عملی هم تغییراتی که ما در آینده نیاز داریم بر اساس همین اصل است. اگر ما می‌بینیم بعضی از لایه‌های بچه‌های انقلابی یک‌قدری مأیوس می‌شوند، یک‌قدری ناامید می‌شوند، به خاطر این است که به این اصل حکیمان‌ای که امام به ما آموختن، هنوز به‌طور کامل و عمیق به آن نرسیدیم و دوستان نرسیدند. ما می‌توانیم، جامعه ما می‌تواند، مؤمنین انقلابی و جوانان حزب‌اللهی می‌توانند ورق را برگردانند و آن کاستی‌ها و آن نارسایی‌هایی که ناشی از نفوذ لایه‌های فکری لیبرالیسم و غرب‌گرایی که در جامعه ما متأسفانه هنوز وجود دارد و آن رگه‌هایی از خودباختگی که در بعضی از اقشار دانشگاهی و مدیران ما و حتی در بعضی از لایه‌هایی از حوزه علمیه ما متأسفانه وجود دارد را بزدایند. همچنین در مقابل هم تحجر و هم در مقابل تجدد غرب‌گرایانه بایستند و تمدن نوین اسلامی را پایه‌گذاری کنند.

آخرین نکته بنده، بحث معنویت و اخلاق در جامعه است در فضای عمومی جامعه به خصوص در ارتباطات مدیریتی، در ارتباطات احزاب و جناح‌ها، در عرصه فرهنگ اقتصادی، فرهنگ خانوادگی و فرهنگ تربیتی که رهبر معظم انقلاب این را به عنوان یکی از دستاوردهایی مطرح می‌کنند که از آن انسان معنوی و عارف وارسته از پیرایه‌های مادی سرچشمه می‌گیرد و این ناشی از رفتار و منش حضرت امام بود. هم در طول دوران مبارزه و هم پس از پیروزی انقلاب که یکی از دستاوردهای انقلابی که افزایش معیار معنویت و اخلاق در فضای عمومی جامعه است، حضرت آقا رهبر معظم

انقلاب، این را از رفتار و منش حضرت امام می‌دانند. دوستان این نکته خیلی، خیلی مهم است برای امثال ما بسیار مهم است که افزایش معنویت، افزایش اخلاق و تقویت وجدان اخلاقی جامعه و بیدار کردن شعور معنوی در جامعه، اولاً در یک جامعه اسلامی یک اصل است؛ یعنی این گونه نیست که این در کنار بعد سیاسی، در کنار بعد اقتصادی و این‌ها مطرح شود. اقتصاد ما، سیاست ما، ارتباطات خانوادگی ما و پیروزی ما در عرصه بین‌المللی و غلبه جبهه حق بر باطل بر این مبنا پایه‌گذاری شده است. آن ایمان و معنویت برخاسته از ایمان عمیق به خدای متعال، به وعده‌های الهی، به سنت‌های الهی بسیار مهم است.

نکته مهم‌تر این است که تقویت این بعد در جامعه به تعبیر حضرت آقا، افزایش معیار اخلاق و معنویت، به یک سرچشمه جوشان عملی که این سرچشمه جوشان عملی در رهبری جامعه شکل می‌گیرد، نیاز دارد. اگر آن معنویت و آن خودسازی عمیق خود حضرت آقا و آن اخلاق الهی و معنوی ایشان در مواجهه با دوست، در مواجهه با دشمن و در مواجهه با رقیب، در مواجهه با کسانی که حتی معاندانه با ایشان برخورد می‌کنند، اگر این اخلاق معنوی نبود قطعاً ما بعد از رحلت حضرت امام دچار کاستی اساسی می‌شدیم. برای آینده جامعه، ما نیاز داریم به این سرچشمه‌هایی که بتواند تقویت شوند، بتوانند رشد پیدا کنند و این سرچشمه در سایر سطوح مدیریتی و راهبری جامعه جریان پیدا کند؛ یعنی یکی از مشکلات امروز ما این است که بعضی از اقشار، نخبگان، مدیران، مسئولین در لایه‌هایی

مختلف، در هر سه قوه، در همه ابعاد جامعه، رفتارشان و منششان، با آن رفتار و منش تراز انقلاب اسلامی بعضاً زاویه دارد و بعضاً بسیار دچار کاستی است.

این کاستی اساسی را ما در پرتو آن سرچشمه‌ای که امام به ما آموختن باید بتوانیم روز به روز تقویت کنیم. نکات دیگری در بیانیه گام دوم در همین فرازهایی که من عرض کردم هست که قابل تأمل است. این نکته را می‌خواهم جمع‌بندی کنم که در واقع از نگاه رهبری معظم انقلاب، حضرت امام به عنوان مؤسس و بنیان‌گذار نظری و عملی انقلاب اسلامی یک سرچشمه و ذخیره‌ای هستند، انقلاب ما و نوع مدیریت کلان جامعه ما، انقلابیون ما، باید این سرچشمه را در واقع پاس بدارند و از آن ارتزاق کنند و بهره‌برداری کنند و موبه‌مو آن نقشه راهی را که امام ترسیم کردند را دنبال کنند. در نسل‌های آینده در دوره‌های آینده، این انقلاب می‌تواند انشاءالله به افق روشن خودش هرچه بیشتر نزدیک شود؛ اما اگر خدایی نکرده فقط به تعریف و توصیف از امام پرداختند و در عمل و در التزام، در تطبیق حکمت نظری و عملی خودشان با آن حکمت سیاسی عمیق امام، حکمت انقلابی عمیق امام، ما کم‌توجهی کردیم، خدایی ناکرده ممکن است این دستاوردها تضعیف شود.

خوشبختانه امروز باید عرض کنیم، انقلاب اسلامی در بالاترین نقطه توانمندی، اقتدار، ظرفیت‌سازی و ریل‌گذاری موفق برای آینده قرار دارد و کسی مثل شهید سلیمانی و از این قبیل از شهدای ما هم به این گنجینه ما

افزودند. جوانان انقلابی ما در گام دوم با آن گفتمان‌سازی و شکل‌دهی عملی به دولت جوان و حزب‌اللهی حتماً خواهند توانست کاستی‌ها را برطرف کنند و انشاء الله که نصرت الهی، بیش از گذشته نزدیک است و خدای متعال برکت وجودی امام، برکت وجودی رهبری معظم انقلاب و این طایفه‌ای که در امتداد حقیقی خط امام قرار دارند، بیشتر برای جامعه ما بروز و ظهور دهد.

* جناب آقای دکتر اسحاقی: از جناب حجت‌الاسلام و المسلمین حاج آقا ذو علم سپاسگزاریم که بخشی از شخصیت، سیره و مبانی مکتب امام را از منظر مقام معظم رهبری با بهره‌گیری از بیانیه گام دوم اشاره کردند. در این فرصت در خدمت جناب آقای دکتر توکلی هستیم. آقای دکتر توکلی روی بحث بازگشت به توحید و نقشی که امام خمینی و انقلاب اسلامی در این زمینه داشتند بحثشان را ارائه می‌دهند. همان نکته‌ای که امام به‌کرات به موضوع توحید، وحدانیت، کلمه‌الله تأکید می‌کردند و هم در مسیر زندگی فردی و هم زندگی اجتماعی و نظام‌سازی به او توجه داشتند. مشکل اصلی جوامع امروزی هم این است که در کلمه‌الله و کلمه توحید، در شناختش و در توسل به آن فاصله دارند. به همین خاطر گرفتاری‌هایی که بشر امروز با آن مواجه است ناشی از همین دور شدن از توحید و زنده داشتن این واقعیت است.

انقلاب اسلامی نقش بی‌بدیلی در احیای هویت دینی همه دین‌داران جهان داشته است. نسبت به کارآمدی دین در عصر جدید و سلطه همه‌جانبه مدرنیسم، نقش ویژه‌ای داشته است و بازگشت به توحید و بازگشت به پیامبری و روش پیامبرانه نجات‌بخش انسان در عرصه حاضر هم است. انقلاب اسلامی هم در حقیقت ماهیتش برگرفته از همین تعالیم و حیانی است. در خدمت جناب آقای دکتر توکلی هستیم در بحثی که در همین زمینه در شناخت مکتب امام از منظر رهبری معظم انقلاب و تبیین آن از جنبه احیای هویت دینی و بازگشت به توحید استفاده می‌کنیم.

امام خمینی^{ره} و بازگشت به توحید

***دکتر توکلی:** اینکه باور کنیم که همه‌چیز خوب است و همه قضایا خوب پیش رفته است و همه امور به اصطلاح عالی است، یک مقدار خودمان را دچار مسئله و مشکل خواهد کرد. به عنوان یک معلم تاریخ و به عنوان کسی که نگاه من از گذشته به حال و آینده است، این بحث را می‌خواهم امروز خدمت شما بگویم و یک جاهایی می‌خواهم هم با مهمانان عزیز تعارف نکنم. واقعیت و مخاطرات پیش رو را از حیث تداوم اندیشه امام در زمان امام و در دوره حضرت آقا را بحث می‌کنم. حرکت بسیار بزرگی که امام آغاز کرد این حرکت، حرکت توحیدی بود، حرکتی که ما را بیشتر

به سمت شخصیت‌هایی مانند حضرت ابراهیم و حضرت موسی نزدیک کرد.

حاج آقا رحیمیان و هم استاد ذوعلم بهتر از من می‌دانند که ادبیات شکل گرفته در جریان انقلاب اسلامی عمدتاً حول محور مبارزه با طاغوت بود. آن اَعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ. طاغوتی که در آن زمان به‌طور جدی مورد هدف قرار گرفت یکی مربوط به طاغوت مرکزی بود. دوم طاغوت فرامرزی و سوم مربوط به طاغوت پیرامونی بود. طاغوت مرکزی در ایران شاه بود که در واقع به عنوان کانون این ساختار طاغوتی مورد هدف قرار گرفت و به عنوان جدی‌ترین جریان حاکمی که در مواجهه با اسلام و تشیع است و در مسیر ضد منافع مردم ایران است. انقلاب اسلامی بخشی از مواجهه خودش را با این طاغوت مرکزی انجام داد؛ اما شما می‌دانید که در همان سال‌های آغازین و ماه‌های آغازین قیام، مواجهه با طاغوت فرامرزی هم شروع شد؛ یعنی ما با آمریکا با اسرائیل با انگلیس و با شوروی مواجهه شدیم. امام می‌فرمایند آمریکا از انگلیس بدتر و آمریکا از شوروی بدتر و شوروی از آمریکا بدتر و انگلیس از هر دو بدتر است. مواجهه‌ای که با رژیم صهیونیستی دارد، مواجهه‌ای که با ماجرای کاپیتولاسیون دارد، این ایستادگی در برابر جریانی بود که طاغوت فرامرزی و حاکم در نظام بین‌المللی بود.

همان مطالبی که آقای دکتر اسحاقی که از آن به عنوان نظام مدرنیته حاکم یاد می‌کند، آن نظام مدرنیته حاکم بر طاغوت سنتی جامعه درون ما کاملاً

اشراف داشت. این‌ها با همدیگر دو روی یک سکه بودند و پیوند اساسی به هم پیدا کردند. یک بخش دیگری هم در کشور ما به عنوان جریان طاغوتی داشتیم و آن طاغوت پیرامونی و درون کشوری ما بود. شما مقامات سیاسی، نظامی، خوانین، حکام و تأثیرگذارانی که بر اقتصاد مردم، زندگی مردم و فرهنگ مردم حاکمیت داشتند هرکدام شکلی از طاغوت بودند. این اشکال مختلفی از طاغوت در کشور گسترش داشتند. انقلاب اسلامی فقط علیه شاه نبود، فقط علیه آمریکا نبود بلکه عمدتاً در درون متوجه شاخک‌های متعددی شد که این شاخک‌های مختلف بر حقوق مردم سیطره داشتند و ستمگری می‌کردند. شاید بسیاری از مردم ما مواجهه با شاه را نمی‌دانستند بلکه بیشتر مواجهه با شاخک‌ها را می‌دانستند. مردم دسته‌ای پرستمی که با چنگال‌های خونین بر بدن آن‌ها فرورفته بود آن را احساس کرده بودند. مهم‌تر این‌که تعارض این‌ها را با اسلام، تعارض این‌ها را با تشیع و تعارض این‌ها را با ایران، دیده بودند.

لذا انقلاب اسلامی آمد و این چند حوزه را با هم دیگر هدف قرار داد. توحید و بازگشت به توحید و مبارزه با طاغوت محوریت یافت. وقتی شما ادبیات امام چه در اجتهاد و تقلید و چه در آثار و نوشته‌های بعدی و بعد در کتاب ولایت و فقیه در بیانیه‌های مختلف می‌بیند، متوجه می‌شوید که این چند وجه را دارد؛ اما برای رسیدن به این کانون قدرت و برای رسیدن به حوزه اقتداری که بتواند آنچه را که در ذهن علمای سلف ما بود - از فقهای صدر غیبت و بعد دوره‌های بعدی مثلاً چه ملاصدرا و چه ادبیاتی



که در ادبیات خواجه نصیر آمد و در ادبیات مرحوم نراقی آمد و حتی در اندیشه سیاسی مرحوم آیت‌الله شاه آبادی و دیگران آمد، آن جریان فقاهت و آن جریان توحیدی که به تعبیر آیت‌الله جوادی آملی تلفیق کلام و فقه با هم صورت گرفت- در جامعه عینی سازی کند، اتصال جامعه به تداوم حرکت توحیدی انبیا در مرحله فداکاری حداکثری بود. این مرحله فداکاری حداکثری برای تداوم توحید انبیا، کربلا و عاشورا بود. امام جامعه ما را به حضرت ابراهیم، حضرت موسی، پیامبر گرامی اسلامی و عاشورا پیوند زد. این اتصالی که صورت گرفت آن کبریت احمری بود که مردم ما را از یک جامعه خمود گرفتار ترس در برابر بیگانه تبدیل به یک جریان بسیار نیرومندی کرد که آن جریان نیرومند را هیچ‌کدام از طاغوت‌های بین‌المللی درک نکردند و نه طاغوت‌های بین‌المللی و نه طاغوت‌های داخلی نتوانستند آن را بفهمند.

سازمان سیا نیز در ماه‌های آخر حکومت پهلوی گفت ایران در وضعیت پیشا انقلاب هم نیست. پهلوی‌ها هم نفهمیدند. آقای نصر در خاطراتش می‌گوید که من هم از همه کتاب‌خوان‌تر بودم نیز نمی‌دانستم که در ذهن این آقایان چه چیزی است؟ می‌گوید من در سال ۵۷ یک‌زمانی کتاب ولایت‌فقیه را خواندم تازه فهمیدم که در ذهن آیت‌الله خمینی چه چیزی است، در حالی که نه شاه، نه روسای ساواک و نه مقامات فکری و فرهنگی این‌ها هیچ‌کدام نمی‌دانستند. این‌ها اصلاً نمی‌توانستند فهم کنند. حتی وقتی که قرار شد امام بروند فرانسه آنجا آقای ژیسکاردستن به شاه گفت که

آیا آقای خمینی را برگردانیم؟ گفت اجازه بدهید ۴۸ ساعت فکر کنیم. بعد از ۴۸ ساعت حرفشان این بود که حضور یک روحانی پیرمرد در اروپا متمدن نمی‌تواند هیچ خطری برای ما داشته باشد. ایشان آنجا باشد بهتر است چون دور از دسترس است.

نکته مهم اینجاست که آن اندیشه‌ای که امام آورد، با آن جامعه ما و طیفی از یارانش را متحول کرد. خصوصاً بخش وسیعی از جوانان جامعه ایران را به این اکسیر اعظم توحید و شهادت متصل کرد. لذا از دل این جامعه سید حسین علم الهدا، عبدالحمید دیالمه، محمدحسین فهمیده بیرون آمد و از دل این جامعه هزاران، هزار شهید بیرون آمد. هزاران هزار افرادی ظهور و بروز پیدا کردند. شما وقتی که با آن‌ها گفتگو می‌کردید ترجمان زبان امام بودند. آن‌ها می‌فهمیدند که امام چه گفته است. آن حقیقت را فهم می‌کردند. لذا یک نسل فداکار در انقلاب اسلامی به وجود آمد که نسل فداکار معتقد هستند. حالا درست است که یکسری نسل فداکار متقاعد هم داشتیم. اینجا یک اتفاقی افتاده است و آن این است که نسلی از کسانی که با اندیشه امام همراه شدند آن حس فداکاری معتقدانه را نداشتند. هرچند حامی جریان انقلاب شدند و بعد از انقلاب هم شریک جریان قدرت انقلاب شدند.

اتفاقاً به دلیل اینکه بعضی از این‌ها رویه‌های طاغوت پیرامونی را خوب بلد بودند، سریع‌تر مسیر را طی کردند و فرصت‌های اقتصادی پیدا کردند. در این میان جریان فداکار انقلابی به دنبال اجرای نظریات امام و به دنبال اجرای نظریات مقام معظم رهبری بود؛ اما جریانی که آمد و خودش را به

انقلاب متصل کرد، آن توان و انگیزه فداکاری را نداشت. همه هم از سرخوش‌بینی به این قصه نگاه کردیم. نتیجه چه چیزی بود؟ نتیجه آن چیزی بود که ما الآن شاهد یک واقعیت در جامعه هستیم. استاد ذوعلم صحبت می‌کردند بیانشان این بود که اندیشه‌های مقام معظم رهبری در جوانان باید نمود پیدا کند. اینجا مسئولین چه کاره هستند؟ مسئولین که حلقه واسطه امام جامعه و مردم هستند اینها چه کاره هستند؟ این یک سؤال است؟ حتماً آقای ذوعلم به ما خواهد گفت که اینها انگیزه‌های لازم را ندارند. بله درست است. چرا ما برای کسانی که انگیزه‌های لازم را ندارند، ظرفیت ایجاد کردیم و این‌ها در رأس امور قرار بگیرند؟ من چهارتا شخصیت را معرفی می‌کنم، اینان جوان و تاریخ‌خوان بودند. شهید سید حسین علم الهدا، شهید عبدالحمید دیالمه، آقای عطا مهاجرانی و شهید آیت.

این شهدای عزیزی بودند که در مسیر فداکاری قرار گرفتند. شهید علم الهدی در میدان جنگ به شهادت رسیدند. شهید دیالمه و شهید آیت در مواجهه با تروریسم به شهادت رسیدند. مثلاً تروریست‌ها به سراغشان آمدند. این‌ها کاری نکرده بودند که با انفجار و یا با تروریسم به شهادت برسند؛ اما شما می‌بیند که ما بخشی از فرهنگ، تصمیم‌گیری‌های سیاسی، بخشی از رهبری مواجه با رژیم صهیونیستی و این‌ها را دست آقای مهاجرانی دادیم. در حالی که آقای مهاجرانی فداکار انقلاب نبودند هرچند حامی انقلاب بودند. ما ساختار حکومت و بخش‌هایی از حکومت‌ها را به کسانی دادیم که فداکار انقلابی نبودند. در نتیجه این شد که ما طی سال‌های اخیر دوباره

مجبور شدیم که به جامعه جوان برگردیم اما باید این مانع غیر فداکار را برداریم. تعارف اصلاً نباید بکنیم.

ممکن است در خیلی از جاها به ایران افراد برای محاکمه دسترسی نداشته باشیم و نتوان خیلی از آقایان را به دادگاه بکشانیم، اما می‌توان آن‌ها را در حضور جمع مواخذه کنیم. حق مواخذه که داریم. امام جامعه امام علی (ع) بعضی از دوستان نزدیکش، همچون ابن عباس، به عنوان جدی‌ترین راوی روایت‌های مربوط به امام علی، جدی‌ترین راوی روایاتی که در حوزه تفسیر و در حوزه حیات امام علی است. امام علی در جایی که نسبت به رفتار او در بیت‌المال تردید می‌کند در مواجهه با او اصلاً تردید نمی‌کند و مآخذ می‌کند؛ و می‌فرمایند که ابن عباس اگر تو را یافتم با آن شمشیر می‌زنم که خودت می‌دانی که توی جهنم جای دیگر نمی‌توانی بروی. بقیه که زدم جز جهنم جای دیگر نرفتند. عثمان بن حنیف و برادرش سهل بن حنیف جز یاران بسیار نزدیک امام بودند که به خاطر یک شام، امام با او چه برخوردی کرد؟ یک اشتباه استراتژیک جناب کمیل بن زیاد انجام داد، آن نیرویی که باید در برابر هجوم بسر بن ارطاه تقسیم می‌کرد، کل نیرو را برداشت برد بیرون شهر برای دنبال بسر. در حال انجام وظیفه بود اما در انجام وظیفش اشتباه استراتژی نظامی کرد؛ یعنی باید نیروش را تقسیم می‌کرد؛ یعنی بخشی را داخل شهر می‌گذاشت و با بخشی دیگر باید به دنبال پیدا کردن بسر می‌رفت. امام چه برخوردی با او کرد؟ بعد که آن رفتار اصلاح شد، دوباره امام نوازشش کرد.

این مطالبه جدی در مواجهه با مسئولین را هم مقام معظم رهبری و هم حضرت امام هردو داشتند؛ اما این واقعیت را بدانید ما در انقلاب که در چهل و دومین سال قرار دارد با این مشکل جدی و آسیب جدی مواجه هستیم. ما باید بخش زیادی از این آقایانی که در جمهوری اسلامی آمدند و بر دوش جمهوری سوار شدند باید با این‌ها خداحافظی کنند. چقدر نظام جمهوری اسلامی باید هزینه بدهد بابت اشتباهات بعضی از آقایان؟ بی‌تعارف عرض می‌کنم یکی از این آقایانی که وزیر مسکن بود و سالیان سال در وزارت جهاد بود، سال ۶۲ یعنی اوج فداکاری مردم و جوانان ما، کمیسیون اصل ۹۰ این آقا را به خاطر فساد مالی برادر ایشان احضار کرده است، می‌توانید اسنادش را ببینید. از آن سال ایشان وزیر وزارت می‌شوند. در سال‌های اخیر مجبور شدند، آقا را کنار گذاشتند. لذا ما در مسیر انقلاب اسلامی آنچه را که امام برای ما مشخص کرد راه توحیدی، عاشورایی و راه رسیدن به نظام امامت بود. جوانان ما برای رسیدن به نظام امامت فداکاری کردند و فداکاری می‌کنند این را ما نخبگان فکری جریان انقلاب، این را باید بدانیم و به همدیگر بگوییم.

اما این جامعه فداکار که برای توحید جنگید، امام و حضرت آقا را مظهر بازگشت به توحید، بازگشت به عاشورا و بازگشت به امامت می‌داند. موانع و مشکلاتی در کشور وجود دارد که متأسفانه الآن یقه گیر است و باید به آن توجه داشته باشیم. چرا؟ چون ما دشمنانی که داریم دشمنان گسترده‌ای هستند. آن جمله‌ای که حضرت آقا فرمود که من دشمنانی با دندان به هم

فشرده، مشت‌های گره شده، تصمیمات و عزم‌های جدی برای نابودی این ملت را می‌بینم. این دشمنان در چهار حوزه فعالیت می‌کنند. یکی در حوزه اسلام است. شما حجم گسترده‌ای از کسانی که در اطراف ما و بیرون این سرزمین هستند و دارند با اسلام مواجه می‌کنند و به خاطر ضدیت با اسلام دارند با ما می‌جنگند این حجم گسترده است. آمریکا و اسرائیل و مواجهه ما با دولت فرانسه، آن‌ها خیلی نگران محمدرضا پهلوی نیستند، دشمنی تاریخی این‌ها با اسلام به عنوان پیشگام‌ترین دولت ضد اسلامی در دنیا است. بعضی از دولت‌هایی که حمایت می‌کنند، آن‌ها ضدیت با اسلام دارند. دولت‌های کمونیستی که حضور داشتند آن‌ها نیز از باب ضدیت با اسلام عمل می‌کردند.

بخش وسیعی از دشمنان ما دشمنان تشیع هستند. ممکن است شناسنامه اسلامی داشته باشند. جریان وهابیت الآن در دنیای اسلام تبدیل به جریان به شدت نیرومند شده است و تعارف نیست. پول گسترده عربستان و ادبیات طولانی جریان‌های ضد شیعی وهابیت و ادامه تفکر اسلام اموی یک جریان گسترده‌ای است و آن‌ها حواسشان است. لذا شما از یک طرف وهابیت و از طرف دیگر جریان بهائیت را دارید و هرکدام این‌ها در جاهای مختلف نفوذهای متعددی دارند. آقای ذوعلم می‌دانند من در سال‌های اخیر خیلی جاها مطالبی که نوشتم، کتاب‌هایی که نوشتم و بعضی وقت‌ها یک جاهایی جریان شناسایی‌هایی کردم، چوب‌های سنگینی بابت آن‌ها خوردم و مورد لطف خیلی قرار گرفتم. به خاطر اینکه خیلی از این شبکه‌های فکری قابلیت

روئیت و قابلیت دیدن هست. چه اینکه اسم آن‌ها را نفوذ بگذاریم و چه اینکه بگوییم از قدیم حضور دارند. بخشی از این‌ها حضورشان تداوم پیدا کرد.

جریانی که مخالف ایران است. جریان‌های متعدد چه در درون مرزی و چه برون مرزی که به دنبال تجزیه سرزمینی هستند و به دنبال نابود کردن این شبکه موجود هستند. این‌ها یک حجم گسترده‌ای دارند. من چند وقت پیش یک نشست در یکی از دانشگاه‌ها برگزار کردم تحت عنوان جامعه‌شناسی مخالفان جمهوری اسلامی و آن‌هایی که واقعاً به دنبال تغییر نظام هستند و در حال مواجهه جدی با نظام هستند. حتی جاهایی دست به کارهای خطرناک می‌زنند. این بحث را تحلیل و تبیین کردم. علاوه بر اینکه یک طیف گسترده‌ای که با خود انقلاب اسلامی مواجهه دارند، ممکن است با تشیع، با اسلام مسئله نداشته باشند، ممکن است با ایران هم مسئله نداشته باشند اما با انقلاب اسلامی و امامین انقلاب مسئله دارند. اینجا اندیشه امام و مقام معظم رهبری تداوم پیدا کرد. دیدگاه استراتژیک امام در دیدگاه مقام معظم رهبری تداوم پیدا کرده است. من عمیقاً معتقدم که جریان مذهبی و شیعی در طول تاریخ ایران عمیق‌ترین و جدی‌ترین باورهای دفاع از خاک و سرزمین ایران را داشتند.

برعکس جریان‌هایی که ادعای ناسیونالیستی داشتند دفاع از ایران، وطن‌خواهی، کورش‌گرایی و باستان‌گرایی داشتند این‌ها همیشه ضعیف‌ترین و ناتوان‌ترین مجموعه‌ها در حفظ سرزمین بودند. یک استادی از کشور

لتونی استاد روابط بین‌المللی در ایران بود، با بعضی از آقایان اساتید تاریخ نشستی داشت و آن‌ها گفته بودند که جمهوری اسلامی از بین‌المللی‌گرایی در زمان امام خمینی به ملی‌گرایی و ناسیونالیسم در داخل کشور گرایش پیدا کرد. حالا آقایان می‌خواهند داخل وطن را حفظ کنند. این استاد کشور لتونی مطالعه زیادی هم کرده بود و با خیلی‌ها نشست بود و این نشست با جنگ ۵۲ روزه اسرائیل علیه غزه هم‌زمان بود. یک مسئله جدی در آن زمان وجود داشت و آن این بود که موشک‌های فجر ۵ ایران از سوی گروه‌های چریکی و مقاومت در غزه علیه اسرائیل شلیک می‌شود. من بحثی کردم با این استاد محترم و گفتم که این دوستان چون بینش ناسیونالیستی و ناقصی دارند متأسفانه این نگاه را دارند. من برای شما دو تا مسئله را ترسیم می‌کنم. اولین گروهی که بعد از انقلاب اسلامی، انقلاب را به رسمیت شناختند و مجموعه‌ای که سفر به ایران انجام دادند گروه‌های فلسطینی بودند.

آقای عرفات آمد، گفتم ما در آن زمان به فلسطینی کمک می‌کردیم؛ اما مشهورترین چیزی که در ایران در آن زمان شهرت پیدا کرد مسئله این بود که عرفات آمد و یک جلسه با امام داشتند و شاید آقای رحیمیان بهتر از من بدانند و در آن جلسه آنگوشتی هم خورده شد و دولت هم یک حمایت‌هایی کرد. بیشتر حمایت‌های ما متوجه جامعه شیعیان لبنان بود که در واقع آن‌ها را بیشتر حفظ کنیم و البته از فلسطین هم حمایت کردیم. از جمله از لحاظ رسانه‌ای و تبلیغاتی حمایت کردیم؛ سازمان آزادی بخش را به رسمیت شناختیم و دولت اسرائیل را تأیید نکردیم. متنها من سؤال دارم

از شما؟ الآن در غزه و اسرائیل چه موشکی شلیک می‌شود؟ گفت که مشهور است که این موشک‌های فجر ۵ هستند. گفتیم این موشک‌های فجر ۵ را چه کسی ساخته است؟ ما (ایران) ساختیم. الآن دوره حضرت اقا است. ما از جلسه آبگوشت‌خوری به شلیک موشک‌های فجر ۵ رسیدیم. برای رسیدن به این نقطه که شما بتوانید در فلسطین به شدت تحت محاصره، محاصره صددرصدی، کمک و امکانات برسانید و آن‌ها را مسلح کنید، ساختار طولانی است. لذا اگر روزگاری امام دست اسرائیل را در ایران قطع کرده بود. الآن دست اسرائیل را در سرزمین خودش قطع می‌کند.

این راهی است که حضرت آقا ادامه داد. جمهوری اسلامی ادامه داد، این تداوم پیدا کرد و این تداوم عینی شد. بسیاری در ایران هستند که علاقه دارند و آرزو دارند که این ماجرا خاتمه پیدا کند. لذا ما در طول این سال‌ها اندیشه امام چه در بحث توحید و چه در بحث تداوم راه امام که تداوم راه تشیع و امامت بوده و چه در بحث دفاع از سرزمین، حضرت آقا آن راه را مستمر طی کرد، مستمر رهبری کرد و مستمر به نتیجه رساند. این یک واقعیت است؛ اما این را باید بدانیم که انقلاب اسلامی توسط طاغوت‌های داخلی چه در قالب فساد، چه فساد اداری و چه فساد سیاسی و چه فساد اقتصادی الآن گسترش پیدا کرده است و این متأسفانه باعث تکدر و ناراحتی جامعه شد. ما باید در برابر این ماجرا بایستیم.

***دکتر اسحاقی:** من یکبار دیگر آن چارچوب‌های اصلی مکتب امام را عرض می‌کنم. رهبر معظم انقلاب در یکجایی خیلی خلاصه می‌کند که اسلام و مردم دو محور اصلی و همیشگی همه اصول امام خمینی هستند. اسلام در درجه اول اهمیت، مربوط به تکیه به مردم در همه ابعاد و عدالت اجتماعی، دشمن‌شناسی و فریب نخوردن از دشمن، حساس به سرنوشت مسلمین عالم و همچنین نگاه جهانی به مکتب است. اسلام به عنوان نجات‌بخش همه انسان‌های آورده‌هایی دارد که ما باید آن‌ها را بشناسیم و بشناسانیم. نکته‌ای که آقای دکتر توکلی اشاره کردند که مدیران در جمهوری اسلامی باید خودشان را با این مکتب نزدیک کنند، آشنا بشوند. البته انقلاب، این قدرت را دارد و در طی زمان نشان داد که توانسته است انحرافات، ناسالم‌ها و ناپاکی‌ها را تسویه کند. حاج آقا رحیمیان در خدمت شما هستیم نکات زیبایی را در بعضی از جلسات از شما شنیدم که برای ما شنیدنی بود. در این جلسه هم اگر نکته مهمی هست که بتواند کمک کند به ما در شناخت همین سیره، شخصیت و منش و اندیشه امامین انقلاب با تأکید بر امام خمینی که همه ما وامدار آن حرکت هستیم و احیای هویت همه ما که نقش حیاتی برای همه ما دارد.

***جناب حجت الاسلام و المسلمین حاج آقا رحیمیان:** فکر می‌کنم که چند تا مصداق بیان کنم که خیلی محسوس‌تر و ملموس‌تر باشد. سه عنوانی که در اینجا مطرح است شامل عقلانیت، معنویت و عدالت است. من در

سه محور سه نکته را عرض می‌کنم. در ارتباط با عقلانیت، من یادم هست که در محضر حضرت امام در نجف اشرف وقتی که بحث حکومت اسلامی را مطرح می‌کردند، یک روز بحث امام به اوج رسید و آن‌چنان همه افراد حاضر در درس امام احساسی و برانگیخته شدند که احساس بر این بود که الآن بعد از درس آقا، بلند شویم و از مسجد شیخ انصاری خارج شویم و یک تفنگی از یک جای پیدا کنیم و به سمت مرز ایران راه بیفتیم و حکومت اسلامی تشکیل دهیم؛ یعنی این طوری برانگیخته شدند. وسط صحبت حضرت امام فریاد زدند که حالا ما چه کار کنیم؟ در چنین شرایط احساسی امام برگشت و نگاهی کردند و فرمودند که فعلاً تولید مثل کنید. حالا چون ایام جشن و شادی هم هست، تعبیر حضرت امام، البته منظورشان کادر سازی بود ولی حالا با تعبیر تولید مثل همه نگاه کردن به حاج آقا مصطفی و سرشان را زیر عبا کردند و خودشان را نگاه داشتن که صدای خنده آن‌ها بلند نشود، چون در محضر امام خیلی کسی جرئت نمی‌کرد خنده صدا دار بکند. حالا تولید مثل می‌توانست به دو معنا باشد، به هر صورت منظور حضرت امام کادر سازی بود. این نمونه‌ای از عقلانیت حضرت امام بود.

عقلانیت ایجاب می‌کند که کادر سازی و زمینه‌سازی شود تا در زمان مناسب خود برسد و این میوه از درخت قابل چیدن باشد. این عقلانیت در کل زندگی امام و طول نهضت ما شاهد بودیم و عیناً در مدیریت و راهبری حضرت آقا هم من در طول زمان این عقلانیت را در عرصه‌های مختلف چه در عرصه داخلی و چه در عرصه بین‌المللی و چه در ارتباط با نهضت‌ها

و مسئله جریان انقلاب در منطقه و سایر جاها در همه عرصه‌ها دنیا دیدم. حتی دشمنان به قدرت و قوت آقا و عقلانیت آقا اذعان دارند و بین ایشان و همه سران دنیا مقایسه می‌کنند که اصلاً نمی‌شود مقایسه کرد.

در مورد ترامپ که همه دنیا قضاوت می‌کنند وی را به عنوان یک آدم کذایی شبه دیوانه واقعاً دیوانه می‌دانند. از این طرف، قضاوتی در دنیا در مورد عمل و مواضع مستحکم مقام معظم رهبری در تمام عرصه‌ها وجود دارد و نسبت به این مواضع رهبری اعتراف می‌شود، این یک نکته بسیار مهمی است.

تطابق مسئله عقلانیت در زندگی شخصی، اجتماعی و مذهبی هر دو بزرگوار به‌گونه‌ای است که واقعاً بی‌نظیر و در طول تاریخ کم‌نظیر است. در ارتباط با مسئله معنویت، اگر چنانچه می‌خواهند عقلانیت در جامعه جاری بشود اول باید خودشان مصداق کامل عقلانیت باشند. اگر می‌خواهند معنویت در جامعه حاکم باشد رهبر باید خودش در جامعه باید مصداق بارز معنویت باشد هم امام و هم مقام معظم رهبری در اوج معنویت بودند و در یک کلمه عرض کنم که هر دو عبد خدا بودند و چون عبد خدا بودند، عبد شهوت، شهرت، خودپرستی، ریاست‌طلبی و مرجع شدن نبودند. دیدید که در انتخاب رهبری که تقریباً شبه اجماعی بود برای رهبری ایشان، ولی خودشان مخالفت کردند. در همه عرصه‌ها واقعاً عبد خدا بودند و از همه تقیدات دیگر آزاد بودند. در ارتباط با زندگی حضرت امام و هم در ارتباط با زندگی مقام معظم رهبری یک کتاب مطلب است.

مسئله عدالت، باید خودش عادل باشد. ما در ارتباط با ولایت فقیه می‌گوییم که ولایت فقیه یک معنای حاکمیت فقاقت و عدالت است. یک رکن اصلی در ولی فقیه عدالت خود شخص است. ما عدالت را در زندگی حضرت امام (دیدیم). وقتی که حتی در نجف تمام مراجع تقلید ما در آنجا مرحوم سید محسن حکیم، مرحوم سید محمود شاهرودی، مرحوم شیرازی از مراجع بزرگ بود، مرحوم آیت‌الله خویی بود. مرحوم آقای حکیم، کادیلاک داشتند مرحوم آقای خویی بنز داشت و آقای شاهرودی شورلت داشت. عادی هم بود در جایگاه مرجعیت می‌خواستند جایی بروند سوار آن می‌شدند. تنها مرجعی که در نجف سوار درشکه می‌شد امام بودند. بعد مطرح کردند که آقا این سوار درشکه شدن شما ممکن است به نوعی تعریض به بقیه مراجع باشد آقا خواهش می‌کنیم که شما سوار ماشین بشوید. حداقل ماشین کرایه که یک برداشتی نسبت به بقیه نشود. بحث پای دیگران پیش آمد که تلقی منفی‌ای شود و باعث زیر سؤال رفتن دیگران شود، اما قبول کردند از این به بعد برای رفت و آمدهایشان که خیلی هم محدود بود در سطح نجف به جای خاصی بروند مثلاً سوار ماشین کرایه‌ای شوند؛ اما امام مسیرهای نزدیک را پیاده رفت و آمد می‌کردند؛ یعنی روزی هشت بار امام از منزلشان می‌رفتند بیرون و برمی‌گشتند. قبل از ظهر می‌رفتند مسجد شیخ انصاری برای درس و برمی‌گشتند. ظهر به مسجد شیخ انصاری برای نماز جماعت می‌رفتند و برمی‌گشتند. در مغرب نیز برای نماز مغرب جماعت می‌رفتند و

پیاده برمی‌گشتند. شب ساعت سه حرم می‌رفتند و برمی‌گشتند. مجموعاً هشت بار رفت و آمد داشتند (پیاده).

امام راحل در نجف و جماران مستأجر بود. در خانه اجاره‌ای زندگی کرد و در خانه اجاره‌ای غسل داده شد. امروز در مورد مقام معظم رهبری خبر دارم و حتی بعضی از خارج‌نشینان هم به این اذعان دارند که پاک‌ترین و سالم‌ترین زندگی یک رهبر در دنیا، زندگی مقام معظم رهبری است. آن را در زندگی ایشان سراغ داریم و شاهد بویدم که چگونه در اوج ساده‌زیستی هستند. نگاه واقع‌گرا و مثبت هر دو بزرگوار نسبت به مردم وجود دارد هرچند قضاوت‌ها متفاوت است اما عجیب است که این خاطرات متعددی که من از امام دارم، آن‌گاهی که امام نسبت به مردم داشت و مقام معظم رهبری دارند نگاه واقع‌گرا، مثبت و امیدوارانه به آینده است. هم در امام و هم در مقام معظم رهبری ما مجموعه‌ای از کلمات خیلی روشن و صریحی این بزرگوار را می‌بینیم که چطور آینده را روشن می‌بینند. البته این نگاه روشن و امیدوار از آینده مبتنی بر آیات قطعی قرآن است و مبتنی بر سنت قطعی خداوند متعال است.

***جناب آقای دکتر اسحاقی:** سپاسگزاریم از جناب حاج آقای رحیمیان که نکات هم تبیینی مکتب و هم سیره شخصیت امام و رهبری مقام معظم رهبری داشتند. دو تا سؤال را ما اینجا شاهد هستیم که یکی از سؤالات را سرکار خانم زهرراد نوشتند. بهترین راهکار و راهگشا برای تبیین و

شناساندن انقلاب اسلامی در عرصه بین‌المللی که روز به روز درصد تحریم نهادهای فرهنگی ما هستند چیست؟ سؤال دوم هم از جناب سامان ابراهیمی است که نوشتند، چگونه می‌توان مکتب امام را در شرایط امروز جامعه با توجه به مشکلات اقتصادی که داریم بتوانیم تا اعماق جامعه تعمیم بدهیم و طبق فرموده مقام معظم رهبری جذب حداکثری داشته باشیم؟ این دو تا سؤال است. پاسخ جناب آقای توکلی و رحیمیان را داشته باشیم.

*جناب حجت الاسلام و المسلمین حاج آقا رحیمیان: برای تبلیغ آنچه ما از آیات و روایات می‌توانیم برداشت کنیم، مصداق عملی است. در حکومت حضرت امام علی در حکومت پیامبر هم از این نارسایی‌ها جنگ‌های داخلی‌ای بوده است و گرفتاری‌هایی که جریان‌های مختلف یا همین مردم به اصطلاح مسلمان ایجاد کردند. بالاخره مشکلات و اشکالات همیشه بوده و هست. لیکن ما جنبه‌های مثبت را که بر روند کلی نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که مثبت است. از کجا به کجا رسیدیم؟ با این روند می‌توانیم پیش‌بینی کنیم. وقتی ما ۵۵ سال و ۵۷ سال پیش را با الآن مقایسه کنیم و قدرت نظام در اول کار با الآن مقایسه کنیم و پیشرفت‌هایی که در عرصه‌های مختلف داشتیم، چه در داخل و چه در عرصه منطقه‌ای و چه در عرصه جهانی، مجموعاً روند مثبتی است. چه کسی در جهان تصور می‌کرد یک روزی اسرائیلی که در جنگ شش روزه و ظرف چند ساعت اول شروع جنگ، ماشین جنگی مصری که ابر قدرت دنیای عرب بود، ابر قدرت شمال

افریقا بود و همچنین سوریه و اردن را در ظرف چند ساعت، ماشین جنگی اش را با بمباران کرد از کار انداخت. اسرائیل توانست، بلندی‌های جولان را در ظرف شش روز و صحرای سینا و غرب رود اردن را اشغال کند. این اسرائیل بعد از ۴۰ سال، ۴۰ بار قدرتش افزایش یافته است.

به دنبال آن روزگاری نه یک کشور، نه لبنان چندمیلیونی، بلکه حزب‌الله به عنوان بازوی انقلاب اسلامی در جنگ ۳۳ روزه اسرائیل را با خاک مذلت نشانده. برای اولین بار تلخی شکست را در کام اسرائیلی که همه هویتش به قدرت نظامش بود، فروریخت. این پیروزی حزب‌الله را نگاه کنید. این عظمت، اقتدار حزب‌الله را نگاه کنید. آن انسانیت و عمل سید حسن نصرالله را مقایسه کنید با جریان داعش که دست پرورده آمریکاست. دست پرورده همین دموکرات‌هاست. سربریدن‌ها و جنایت‌ها آن‌ها را مقایسه کنید، نقش سازنده و متعالی حزب‌الله در منطقه ببیند. آیا این نماد از پیشرفت اسلام و مکتب اهل بیت در دنیا نیست؟ که میلیون‌ها نفر از نخبگان جهان اسلام و برادران اهل تسنن نسبت به این حقانیت اذعان کردند. روزی روزگاری شد که حزب‌الله و سید حسن نصرالله را به عنوان محبوب‌ترین چهره جهان عرب (مطرح کردند). این خودش یک تبلیغ است. تصور می‌کردید روزگاری آن جمعیت باشکوه زیر آن بمباران‌ها، آن مراسم باشکوه، آن مرگ بر اسرائیل‌ها و آمریکا را از آن‌ها بشنوید؟ من می‌خواهم بگم که مهم‌ترین عامل پیشرفت انقلاب و صعود اسلام ناب در دنیا نقش عملی است که امام پایه‌گذاری کرد، مقام معظم رهبری شکوفا کرد.

حزب الله محصول تفکر حضرت امام بود. سید حسن نصرالله آن وقتی که به عنوان محبوب‌ترین چهره عرب شناخته شد در سالن کنفرانس اسلامی. دست آقا را بوسید. وقتی از او پرسیدند که کار نامناسبی انجام دادی و آنجا جای دست‌بوسیدن نبود؟ گفت خواستم به دنیا نشان بدهم در حالی که ده‌ها شبکه بین‌المللی به صورت زنده پخش می‌کردند این مراسم می‌خواستم به دنیا بگم اگر من را به عنوان یک شخصیت محبوب انتخاب کردند و رأی دادند من هرچه دارم از دست‌بوسی مقام معظم رهبری دارم. اسرائیلی که یک روزی به دنبال مسئله نیل تا فرات بود امروز دور خودش دیوار بتونی می‌کشد؟ آیا این نمادهایی از پیشرفت اسلام و مکتب ناب اسلامی در دنیا نیست؟

جناب آقای دکتر اسحاقی: ما باید یک جلسه ویژه داشته باشیم، دستاوردها، پیشرفت‌ها و همچنین چالش‌ها و مشکلات، موانع و بعضی از مشکلاتی که وجود دارد را در عرصه‌های مختلف برای شناخت بهتر مسیر راه رفته و پیش‌رو انشاء الله تبیین کنیم. جناب آقای توکلی سئوالاتی را عزیزان حاضر در جلسه داشتند و حاج آقا رحیمیان بخشی را پاسخ دادند. جناب عالی نظری در این خصوص دارید بفرماید. تا جمع‌بندی کنیم.

***جناب آقای دکتر توکلی:** در عرصه فرهنگی ما یک واقعیت را باید توجه کنیم و این واقعیت تلخی است. واقعیت تلخ در عرصه فرهنگی این است

که در این سال‌های طولانی ما ضعیف‌ترین مدیران بر حوزه‌های فرهنگی حکومت کردند. مهندسان کارخانه، کسانی که نه صاحب تألیف بودند و نه صاحب اندیشه بودند و فقط بلد بودند که اعداد و رقم بدهند و بالادستی‌های خودشان را قانع کنند. همچنین بعضی از افرادی بودند که پست سیاسی گیرشان نیامد به حوزه فرهنگ آمدند. خاطریم است که کتابی در یکی از انتشارات مشهور کشور منتشر شد که در آن کتاب ادبیات ضد پیامبر آمد. در کتاب جستارهایی در تاریخ‌نگاری من آن مقاله آمده است. آنجا منتشر شد و یک نقدی نوشته شد به آن نقد توجه نکرد و من یک نقد مفصلی در مورد آن دو سه کتاب نوشتم. مدیر آن انتشارات چون دقت نکرده بود و نخوانده بود و احاطه نداشت، آن کتاب‌ها یکی درباره ترویج بهائیت بود و دیگر نقد پیامبر بود. در یکی از سازمان‌های اسلامی دینی ما منتشر شد. من که نقد نوشتم رئیس آنجا را برداشتند بعد کارمند اداری - مالی سازمان دیگری را در اثر لابی برای یکی از بزرگ‌ترین سازمان‌های فکری و فرهنگی ایران آوردند.

شاید همان آقایان حسن نیت داشتند و چرا ما دنبال این نیستیم که چهرهای علمی و دانشمند ما چه در حوزه رسانه، چه در حوزه فرهنگ و چه در حوزه مقاومت، کسانی که آشنایی دقیق داشته باشند، این‌ها بیایند راهنما شوند؟ ما کارگزارانی داریم که واقعاً توان اداره ندارند. من نمی‌دانم به چه زبانی بگویم، بسیاری از دوستانی که الان مدیریت فرهنگی دارند در حد مدیر دفتر آن سازمان‌ها هم نیستند. ما شوخی و تعارف نباید بکنیم. در مورد

جنبش مقاومت حزب الله لبنان، یک کتاب جدی توی این سال‌ها کسی نوشته است؟ غیر از رساله، پایان‌نامه اسداللهی و کتاب حقیقت سمیر من یک کسی یا یک کتاب جدی در این حوزه نوشته است؟ تازه نمی‌دانیم با چه بدبختی توانسته‌ایم این کار را به نتیجه برسانیم. همین الآن من کتاب سیاست بازسازی جمهوری اسلامی ایران در لبنان را نوشتم و نمی‌دانید با چه بدبختی‌ای با این قصه مواجه هستم. چرا؟ مدیریت‌ها متوجه نیستند.

یک واقعیتهای وجود دارد ما برای رشد جریان انقلاب اسلامی، باید سمت متفکران انقلاب اسلامی برویم، باید بستر را کسانی که سال‌های سال در این حوزه کار کردند استفاده شود. اساتید زیادی هستند که مطالعات گسترده دارند و نظریات مختلفی را می‌داند اما کسی سراغ این‌ها نمی‌رود و حالشان را نمی‌پرسد. چرا؟ چون به این دلیل که آن مدیر فرهنگی که بر این مجموعه حاکم است چون قیفش وارونه است و توانایی و احاطه فکری ندارد، سراغ آدم‌های ضعیف‌تر رفته است و این یک واقعیت است. ولی ما در همین فضا تحریمی که شما می‌فرمایید، ما در عرصه فرهنگ واقعاً فیلمی ساخته‌ایم که این فیلم در دنیا دیده نشد؟ فیلم‌های ما دیده می‌شود. آیا کتاب ترجمه کردیم در دنیا منتشر نشد؟ الآن جدی‌ترین کتاب‌های مقاومت ما چند تا از آن‌ها که آمده به باب ترجمه، اولین بار در آمریکا منتشر شد. این آقای اسپایکمن، کتاب‌هایی جنگ و دفاع ما را منتشر کرده است. انتشارات متعددی هستند و الآن کتاب حقیقت سمیر ما به محض اینکه از چاپ آمد بیرون یکی از ناشر عربی آمده است این را آماده کرد تا منتشر کند.

ما ظرفیت داریم. در امریکا لاتین این فرصت وجود دارد در اروپا این فرصت وجود دارد. نمایندگی‌هایی فرهنگی ما در بیرون ببینید، این بیماری و مشکلات که من گفتم دامادها، فامیل‌ها، پسرخاله‌ها و دخترخاله‌ها، برادرزاده‌ها این قدر رفتند در این سازمان‌ها جای گرفتند. طرف ممکن است ماها و سال‌ها حقوق بگیرد اما حداکثر کارش برگزاری نمایشگاه کتاب باشد. من یکی از مشهورترین مقامات مسئولان فرهنگی ما در همان کشور لبنان که حاج آقای رحیمیان اشاره کردند. ایشان قرار شد با یکی از چهره‌های مقامات مصاحبه کند و ساطتش را من کردم. یک روحانی بسیار عالم آمده با ایشان گفت گو کرده، گفت ایشان تنها چیزی که بلد نبود تاریخ و مصاحبه بود و فقط عربی بلد بود. ما باید عرصه‌هایی که توان ما هست و فرصت داریم در آن، آن توان و آن گنج خودمان را که حضرت آقا فرمودند به یک ثروت نقد تبدیل کنیم. چطور یک کتاب شهید برونسی بالای صد و خورده‌ای بار منتشر می‌شود؟ چطور الآن شهید هادی تبدیل می‌شود به سودای جوانان ما؟ یک عزیزی وقت گذاشت ما باید بیایم این انرژی‌ای که در جامعه ما وجود دارد به سمت ترجمه و فیلم‌سازی، تولید ادبیات ببریم. هیچ تحریمی نمی‌تواند جلوی گسترش قدرت فکر انقلاب اسلامی را بگیرد. ورود یک ایرانی به مصر ممنوع بود، من سال‌ها که در حوزه مصر نوشتم در جریان بودم. بیشترین اشاعه فکر انقلاب اسلامی ترجمه آثار مطهری، آثار مرحوم دکتر شریعتی دیگران بیشترین شیوع را در مصر دارد و در بقیه جاهای دنیا هم به همین صورت است. ما خودمان باید بیشتر

بنخواهیم و اهدافی که داریم، باید برای آن اهداف، ابزار لازم را بیاوریم. اگر شما به پشت‌بامی می‌خواهید بروید که ۸ متر است، شما نمی‌توانید با پلکان و نردبان سه یا چهارم‌تری بروید. باید پلکانی فراهم کنید که ۸ متر باشد.

*جناب آقای دکتر اسحاقی: به‌هر حال مکتب امام خمینی راهگشا بود و یک ملت را به حرکت درآورد. آرمان‌ها و اهدافی برای آن‌ها به وجود آورد که در آن‌سوی مرزها توانسته تجلی پیدا کند. همچنین افق‌های جدیدی را مطرح می‌کند. مشکلاتی در این مسیر وجود دارد و برخی از این موضوعات را عزیزان اشاره کردند. آنچه را که ما نیاز داریم کار درست و تمیز فرهنگی است که اگر انجام بگیرد می‌توان پیام انقلاب اسلامی در همه این مشکلات تحریم‌ها و سختی‌ها به اهلس رساند. چون پیام انقلاب اسلامی یک پیام فطری است که در دل‌ها و جان‌ها می‌نشیند و همچنین یکی از پیام‌های انقلاب اسلامی این است که به این چارچوب‌های مکتب امام خمینی و آنچه را که رهبر معظم انقلاب تشریح و تبیین می‌کنند ما وفادار باشیم، بشناسیم، بشناسانیم و به آن هم عامل کنیم.

۲. جهش تولید در منظومه فکری رهبر حکیم انقلاب

اسلامی

*جناب آقای دکتر اسحاقی: در این نشست، در خدمت اساتید محترم حجت‌الاسلام معلی، جناب آقای دکتر سعیدی، دکتر غفاری و دکتر نظریان هستیم. بحث مهم عدالت اجتماعی و جهش تولید را انشاء الله مورد بررسی قرار می‌دهیم. در مقدمه این نکته را عرض کنم که جایگاه عدالت اجتماعی و اقتصاد در منظومه فکری امامین انقلاب امام خمینی^(ره) و همچنین حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای^(مدظله العالی) جایگاه مهمی و رفیعی دارد و آن برگرفته از آموزه‌های وحیانی و قرآنی است. ما در یک دهه اخیر با یک جنگ همه‌جانبه اقتصادی و تهاجم اقتصادی به شکل‌های مختلف مواجه هستیم و انواع تحریم‌ها که به اذعان غربیان و همه جهانیان فلج کننده است را شاهد هستیم. ملت مقاوم ایران و نظام مقدس جمهوری اسلامی با این تحریم‌ها مواجه بوده و راه‌حلی که رهبری معظم انقلاب اسلامی در این یک دهه با نام‌گذاری شعار سال‌ها به آن اشاره داشتند، جهت دادن به ظرفیت‌های اقتصادی و توجه به اقتصاد مقاومتی است.

البته در یک نقشه کلان‌تر ما با سه ضلع یک مثلثی که نوک اصلی به سمت تشکیل تمدن نوین اسلامی است در درازمدت و به‌عنوان یک غایت مواجه هستیم. یک ضلع این مثلث فرهنگ و ضلع دیگر آن علم و فناوری است. انشا الله در شب‌های آینده به بحث پیشرفت‌های علم و فناوری انقلاب اسلامی در سطح جهان و شاخص‌ها و رتبه‌های مهمی که به دست آورد،

خواهیم پرداخت. اما ضلع سوم آن، اقتصاد است. اقتصادی که فرهنگ پایه و دانش بنیان باشد. در مجموعه سیاست‌های ابلاغی رهبر معظم انقلاب، علاوه بر چشم‌انداز ۲۰ ساله و همچنین سیاست‌های حاکم بر برنامه‌های توسعه، سیاست‌های جامع اقتصاد مقاومتی را می‌توان مشاهده کرد که راه‌حل و برون‌رفت کشور از معضلات و مشکلات اقتصادی و رشد و شکوفایی بخش‌های مختلف است.

حداقل در دو سال اخیر موضوع تولید ملی و همچنین رونق و جهش تولید را می‌توان در بیانات رهبری معظم انقلاب و تأکید بر آنها به‌عنوان راه‌حل مهمی برای مقابله با تحریم‌ها و بی‌اثر کردن آن یافت. اهمیت موضوع اقتصادی و عدالت اجتماعی در مبانی دینی و قرآنی و مکتب اسلام هم از اهمیت وافری برخوردار است. اینجا نمی‌خواهیم از اهمیت این موضوع بحث کنیم. در اینجا اشاره می‌شود که این مکتب انقلاب اسلامی و معارف انقلاب اسلامی و شعارهای مردم مسلمان ایران که برگرفته از همان آموزه‌های وحیانی و اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله) بوده است بر روی اقتصاد به‌عنوان یک رکن اصلی تأکید شده است. **وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ** مربوط به همه زمینه‌ها و از جمله اقتصاد دانش بنیان است و هر عرصه‌ای که ملت ایران و جوانان آن وارد کارزارها شدند توانستند سربلند بیرون بیایند.

در ایام انقلاب اسلامی و ۸ سال دفاع مقدس، مردم و به‌ویژه جوانان با حضور جانانه توانسته‌اند کار شگرفی را انجام دهند و پیروزی‌های مهمی را

به دست آوردند، به گونه‌ای که یک وجب از خاک مقدس جمهوری اسلامی ایران را در قبال تهاجم همه‌جانبه قدرت‌های بزرگ و عوامل و نیروهای نیابتی آنها از دست ندادند. این تجربه موفق می‌تواند در زمینه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی هم تکرار شود.

در حوزه (عدالت اجتماعی و اقتصادی) در منظومه فکری مقام معظم رهبری جناب آقای دکتر غفاری از پژوهشگران معارف انقلاب اسلامی که در دوره‌های تربیت پژوهش‌گر موسسه حضور داشتند و در این زمینه صاحب اندیشه و روش و آثار هستند، مباحثشان را ارائه خواهند کرد. دکتر غفاری مروری بر بیانات رهبر معظم انقلاب معظم انقلاب در موضوع جهش تولید خواهند داشت. البته این نکته را هم باید توجه داشت که از طریق تولید و ارتقای سطح اقتصاد ما به عدالت اجتماعی مورد نظر اسلام و شعار انقلاب اسلامی و آنچه در بیان و سیره و عملکرد امامین انقلاب اسلامی و همچنین قانون اساسی به‌عنوان میثاق ملی آمده است، دست پیدا خواهیم کرد. جناب حجت‌الاسلام معلی موضوع جهش تولید و نسبت آن را با اقتصاد مقاومتی تبیین خواهند کرد. نظریه اقتصاد مقاومتی که از سوی رهبری معظم انقلاب بیان شده است نظریه بدیعی است که البته بخش‌هایی از آن در علم اقتصاد و دانشمندان اقتصاد ممکن است شناخته شده باشد. اما سیاست‌های جامعی که از تمام جنبه‌های و ابعاد به این موضع توجه کرده باشد کمتر به‌صورت یک سند جامع و پیشرفته‌ای داریم.

هر آنچه به این سیاست‌ها عمل شود به همان میزان می‌توان به اتکا، خودباوری و پیشرفت در حوزه‌های مختلف دست یافت. البته سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی هم در این زمینه یک سیاست پیشرفت‌های است که در جای خودش بحث و گفت‌وگو می‌طلبد. جناب آقای دکتر سعیدی تجربه جهش تولید در کشورهای دیگر و دلالت‌های آن برای جمهوری اسلامی ایران را ارائه خواهند کرد. دکتر نظریان هم تأکیدی بر عدالت اجتماعی و جهش تولید خواهند داشت. ما چهار سخنرانی مهم توسط برادران و اساتید محترم داریم. انتظارمان این است که اساتید محترم انشا الله در زمان تعیین شده بحث‌هایشان را ارائه کنند. همچنین برای گفت‌وگو و پاسخ به سؤالات و توجه به نکاتی که حاضران در جلسه ارائه می‌کنند زمانی را اختصاص خواهیم داد.

مروری بر بیانات رهبر معظم انقلاب در موضوع جهش تولید

*جناب آقای دکتر غفاری: طبق بررسی و مطالعه‌ای که ما انجام دادیم، موضوع جهش در بیانات حضرت آقا موضوعیت دارد و می‌توان همین موضوع جهش را بررسی کرد. بعد از آن، بحث تولید و ارتباط بین این دو مقوله با یکدیگر بررسی می‌شوند. در بحث جهش پنج موضوع مهم در بیانات رهبر معظم انقلاب وجود دارد و این موضوعات شامل شرایط ایجاد جهش، عوامل ایجاد جهش، ضرورت جهش، نمونه‌های موفق جهش در

کشور و همچنین اهمیت انتخاب مسیر برای جهش می‌شوند. در بحث تولید چهار موضوع محوری در بیانات رهبر معظم انقلاب وجود دارد. بحث اهمیت تولید، وظایف در حمایت از تولید ملی، ویژگی‌های تولیدات داخلی و همچنین بخش‌های تولیدی که شامل کشاورزی، خدمات و صنعت است، از جمله این موضوعات می‌باشند.

با توجه به زمان، مطالبی که در مورد جهش است را با رویکرد جهش تولید عرض می‌کنم. در خصوص شرایط ایجاد جهش دو نکته مهم در بیانات رهبر معظم انقلاب وجود دارد. اولین نکته این است که امتحان‌های بزرگ مثل جنگ زمینه‌ساز شناخت فرصت‌های جهش در کشور است. جلسه برای اینکه منور به بیانات رهبر معظم انقلاب شود، به این بیانات اشاره می‌کنم. (رهبر معظم انقلاب) «توان یک ملت در جنگ آشکار می‌شود، ضعف‌های ملی و خصلمتی در جنگ آشکار می‌شود، ضعف‌ها و سستی‌های تشکیلاتی و دولتی در جنگ‌ها بیشتر آشکار می‌شود. این دولت و حکومت نقطه ضعف‌های اساسی‌اش کجاست؟ در زندگی عادی خیلی معلوم نمی‌شود. در امتحان‌های بزرگ مثل جنگ آشکار می‌شود. فرصت‌هایی که برای جهش یک ملت در داخل کشور وجود دارد در جنگ معلوم می‌شود مثلاً ما در جنگ فهمیدیم که ملت ما یک فرصت فوق‌العاده دارد یک فرصت ملی است که مردم احساس مسئولیت دارند. مردم ایران این‌گونه هستند. شاید همه مردم دنیا این‌گونه نباشند».

در این سال‌های اخیر هم به فرموده حضرت آقا کشورمان دچار جنگ تمام‌عیار اقتصادی بوده است و این جنگ در واقع ضعف‌ها و فرصت‌هایی را در زمینه اقتصاد برای ما فراهم کرده است. در حال حاضر می‌دانیم، ضعف‌های ساختاری مثل وابستگی به نفت، اقتصاد دولتی، ضعف‌هایی در برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی در کشور وجود دارد. لذا این ضعف‌ها باید برطرف شود تا جهش در کشور صورت گیرد.

نکته دوم در مورد شرایط ایجاد جهش، دشمنی‌ها هستند. (رهبر معظم انقلاب) «ملت‌ی که قوی، متحد و با ایمان باشد هیچی دشمنی برایش خطرناک نیست. گاهی دشمنی‌ها حتی مایه حرکت، جهش و پیشرفت است. لذا دشمنی مهم نیست، مهم اتحاد، ایمان و قدرت مردم است» این قضیه را ما در صحنه اقتصاد هم دیدیم هرچند که تحریم‌ها و برخی از بی‌تدبیری‌های داخلی مشکلاتی را به وجود آورده است ولی همین تحریم‌ها باعث شد که بخشی از ظرفیت‌هایی که تا قبل از تحریم توجهی به آنها نشد، شناسایی شوند و آن ظرفیت‌ها را بکار گرفته شوند. در حوزه تولید داخلی حرکت شروع شده است و انشاء الله طی سال‌های آینده ثمرات آن را خواهیم دید. موضوع دوم بحث عوامل ایجاد جهش است. به صورت کلی و عمومی و نه صرف اقتصاد، در بحث حضرت آقا چهار عامل برای جهش شناسایی شد. عامل اول علم است و علم به‌عنوان یک عنصر جهش‌آفرین محسوب می‌شود. در بیانات حضرت آقا تأکیدات بسیار زیاد در این مورد وجود دارد. (بیانات رهبر معظم انقلاب): «خب، علم زیرساخت اصلی کشور است. اگر

ما در صنعت، در کشاورزی، در نفت، در نیرو، در بهداشت و درمان و در بخش‌های دیگر، عنصر علم را داخل کنیم و عنصر علم و ابتکار علمی و پیشرفت علمی و حضور دانشمندان، وارد معادلات شد، بکلی اوضاع فرق می‌کند؛ جهش به وجود می‌آید؛ ما نباید این را دست‌کم بگیریم؛ من اعتقادم این است». پس یکی از مهم‌ترین عوامل ایجاد جهش بحث علم است.

عامل دوم در ایجاد جهش؛ ایمان، اخلاص، هماهنگی و همکاری است. (بیانات رهبر معظم انقلاب): «با رفتار معمولی نمی‌شود به نقطه‌ی مطلوب رسید؛ ما به جهش احتیاج داریم. این جهش، ایمان می‌خواهد، اخلاص می‌خواهد، هماهنگی می‌خواهد، همکاری نیروها را با یکدیگر لازم دارد. قوای سه‌گانه با هم همکاری بکنند، همدلی کنند، به هم کمک کنند؛ مردم به مسئولین، بخصوص به قوه‌ی مجریه که وسط میدان است کمک کنند، همکاری کنند، همراهی کنند، ما بتوانیم راه‌های نرفته را برویم؛ کارهای بزرگی که در انتظار ماست، انجام بدهیم».

یکی از عوامل ایجاد جهش بحث مجاهدت، حماسه و تلاش است. طبیعی است که هر اقدامی که بخواهد صورت بگیرد به تلاش و مجاهدت نیاز دارد. (بیانات رهبر معظم انقلاب): «اگر ملت ایران همین سرعت و شتاب پیشرفت را — چه در زمینه‌ی علمی، چه در زمینه‌ی سیاسی، چه در زمینه‌ی اجتماعی، چه در زمینه‌ی فرهنگی و معرفتی — حفظ کند، بلاشک زمان زیادی طول نخواهد کشید که در جایگاه شایسته‌ی خود قرار خواهد گرفت. آن چیزی که شایسته‌ی ملت ایران است. بدون حماسه، این جهش‌ها به

وجود نمی‌آید. آن وقتی که حماسه باشد، شور و نشاط باشد، جهش قابل تصور است؛ می‌توان فرض کرد که جهش انجام بگیرد. بخش‌های اقتصادی کشور در همه قسمت‌های دولتی و غیردولتی اگر به توفیق الهی پایبند به این مجاهدات باشند، یک جهش به وجود خواهد آمد و همه مردم در این موفقیت سهیم‌اند».

بیان بعدی (رهبر معظم انقلاب) در مورد تلاش است. «هوشمندی و برخورداری از هوش و استعداد و ظرفیت ذهنی یکی از عوامل بسیار هم است که در ما هست باید آن عنصر و عامل دوم را با عامل کار و تلاش و خسته نشدن است هم همراه کنیم. بدانید که در آن صورت انشا الله کشور حرکت جهشی خواهد داشت. پیشرفت جهشی خواهد کرد و کارهای بزرگ انجام خواهد شد».

آخرین عامل ایجاد جهش، موضوع عامل برنامه‌ریزی خوب، ثبات در مدیریت، اهتمام در فرهنگ‌سازی و گفتمان‌سازی است. نمونه‌های موفق از جهش در کشور وجود دارد. یکی از این نمونه‌ها مسئله فناوری نانو بوده است. حضرت آقا هم به این اشاره می‌کنند و عواملی که باعث جهش در فناوری نانو شدند را برمی‌شمارند و معتقدند که این عوامل باید در سایر مجموعه‌ها تقویت شوند. (رهبر معظم انقلاب): «خوشبختانه مسئله‌ی فناوری نانو یک تجربه‌ی موفق است برای کشور ما؛ و نشان‌دهنده‌ی این است که وقتی یک مجموعه‌ی علاقه‌مند و دلسوز و با معرفت به کار متمرکز می‌شوند بر روی یک نقطه‌ی خاصی و کار را با برنامه پیش می‌برند،

پیشرفت‌های محسوس و جهش‌واری در آن کار به وجود می‌آید. پیشرفت کار فناوری نانو در واقع برای ما علاوه بر اینکه خودش ارزش دارد، از این جهت هم که یک نمونه‌ای است که ما بتوانیم در همه‌ی کارهای کشور از این نمونه تبعیت کنیم و آن را معیار قرار بدهیم، برای ما ارزش دارد». در واقع اینجا حضرت آقا به نکته بسیار مهم تکثیر تجربه‌های موفق اشاره می‌کنند. اگر ما بتوانیم این کار را انجام بدهیم در واقع خود این‌ها می‌توانند جهش را در کشور رقم بزنند.

(رهبر معظم انقلاب): «امروز خوشبختانه می‌بینیم ما در این مقوله‌ی علمی و تحقیقی جهش به وجود آمده؛ یعنی کار به صورت جهشی پیش رفت. خدای متعال را شکر می‌گزاریم که یک چنین اتفاقی افتاده؛ مهم این است که شما ببینید عوامل این پیشرفت جهشی چه بوده است، این عوامل را بایستی نگه دارید؛ وجود برنامه‌ی خوب، ثبات در مدیریت، اهتمام به فرهنگ‌سازی و گفت‌وگو سازی. ما این را الگو قرار بدهیم برای کارهای گوناگونمان و همین عوامل پیشرفت را که به بعضی از آنها اشاره کردم، حفظ کنیم؛ کسانی که دست‌اندرکار هستند جوری عمل کنند که تولید ان‌شاءالله جهش پیدا کند و یک تغییر محسوس در زندگی مردم ان‌شاءالله به وجود بیاورد. البته این احتیاج به برنامه‌ریزی دارد؛ سازمان برنامه به نحوی، مجلس شورا و مرکز تحقیقاتش به نحوی، قوه‌ی قضائیه به نحوی - قوه‌ی قضائیه هم نقش دارد - مجموعه‌های دانش‌بنیان به نحوی. این‌ها باید همه در برنامه‌ریزی‌ها شرکت کنند و این کار با برنامه‌ریزی ان‌شاءالله پیش

برود». این هم بحث عوامل جهش تولید بوده است که من چهار مورد را خدمت شما عرض کردم.

یکی از مسائل مهم در مورد جهش، ضرورت جهش است که باید روی آن کار شود تا این ضرورت کاملاً روشن شود. در دو موضوع می‌توان بحث ضرورت جهش را در بیانات رهبر معظم انقلاب مشاهده کرد. یکی از این ضرورت‌های مربوط به جهش در علم است و دیگری به ضرورت جهش در تولید اشاره دارد. حالا در مورد علم مباحث زیاد است، آقای دکتر اسحاقی هم فرمودند که یک جلسه در مورد این موضوع صحبت خواهد شد. من کوتاه به یکی از بیانات در مورد ضرورت جهش در علم اشاره خواهم کرد. (رهبر معظم انقلاب): «جهش در علم برای ما ضروری است؛ چون هم امکانش را داریم، هم نیازش را داریم. شتاب خیلی خوبی است؛ لیکن نقطه‌ی شروع ما عقب است. بله، فلان کشوری که اسم می‌آورند، شتابش از ما کمتر است؛ منتها نقطه‌ی شروعش در آن مقطعی که ما شروع کردیم، خیلی جلوتر از ماست. ما باید این فاصله را جبران کنیم. ما باید بدویم، ما باید در این میدان بتازیم؛ جهش لازم است».

در بند بعدی هم حضرت آقا به این نکته توجه داشتند که ما یک عقب‌ماندگی تاریخی در کشور داریم. حالا این عقب‌ماندگی در علم باعث عقب‌ماندگی در سایر موضوعات از جمله تولید شده است. یکی از مهم‌ترین ضرورت‌های جهش بحث عقب‌ماندگی هم در علم و هم در تولید است. حضرت آقا می‌فرمایند که به دلیل ظرفیت‌ها و استعدادهای موجود در

کشور، امکان جهش وجود دارد. همچنین چون جمهوری اسلامی ایران یک کشور مستقل است، جهش علم ضرورت دارد. از آنجایی که صاحبان قدرت‌های زورگو با کشور دشمنی دارند، باید در علم جهش پیدا کنیم تا به تبع آن در سایر حوزه‌ها هم بتوانیم جهش داشته باشیم.

موضوع دوم در جهش، مربوط به ضرورت جهش در تولید است. جهش در تولید ضرورت‌های مختلفی دارد و من سعی می‌کنم به صورت خلاصه آن را عرض کنم. اولین نکته‌ای که عرض کردم، عقب‌ماندگی در علم است و این باعث عقب‌ماندگی در تولید شده است. (رهبر معظم انقلاب) «چرا می‌گوییم جهش تولید؟ به خاطر اینکه ما از لحاظ تولید عقبیم. این کارهایی که دوستان اشاره کردند که انجام گرفته، کارهای بسیار برجسته و خوبی است، منتها این‌ها کافی نیست و ما نیاز به توسعه‌ی بیشتر تولید و تقویت بیشتر تولید و پیشرفت بیشتر تولید داریم» این اولین ضرورت جهش تولید است.

همان‌طوری که آقای دکتر اسحاقی هم به درستی اشاره کردند، دومین ضرورت جهش تولید، بحث ایجاد قوت و اقتدار در کشور است. این هم در واقع یک هدف کاملاً اسلامی و برگرفته از قرآن است. (رهبر معظم انقلاب): «کشور بایستی قوی بشود؛ قوی شدن کشور جزو هدف‌های ما است. این هم از خطوط اصلی نسخه‌ی بعثت است؛ این هم از بعثت گرفته شده؛ این هم از قرآن گرفته شده. قرآن می‌فرماید که «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ»؛ هر چه می‌توانید قوت را زیاد کنید. حالا این قوت در وهله‌ی اول،

در نگاه اول، ممکن است قوت نظامی به نظر برسد، لکن ظاهراً خیلی وسیع‌تر از دامنه‌ی قوت نظامی است. ابعاد قوت ابعاد وسیعی است؛ ابعاد اقتصادی دارد، قوت اقتصادی، قوت علمی، قوت فرهنگی، قوت سیاسی - که زمینه‌ساز قوت سیاسی، استقلال اقتصادی است».

رهبر معظم انقلاب در بیانات دیگرشان اشاره کردند که «این سه عنصر اگر مورد توجه قرار گرفتند، یک ملت قوی می‌شود: یکی اقتصاد، یکی فرهنگ، و سومی علم و دانش» است. آن چیزی که در حوزه اقتصاد، اقتدار آفرین است، موضوع تولید است. پس ما اگر می‌خواهیم به تعبیر قرآن در کشور قوت و اقتدار داشته باشیم، یکی از زمینه‌های آن جهش در تولید است.

ضرورت بعدی در جهش تولید اهداف و آرمان‌های بلند انقلاب اسلامی است. از آنجایی که در انقلاب اسلامی اهداف بسیار بلندی مدنظر است، به همان میزان هم کشور نیاز به کارهای جهش گونه دارد. (رهبر معظم انقلاب): «کشور ما و ملت بزرگ ما با اهداف و آرمان‌هایی که دارد، به حماسه‌سازی در بخش‌های مختلف نیاز دارد. ما باید با جهش پیش برویم. ما احتیاج داریم به جهش در این راه، ما عقب‌ماندگی زیادی داریم با رفتار معمولی نمی‌شود به نقطه مطلوب برسیم. در واقع نقطه مطلوب همان اهداف و آرمان‌هاست. ما به جهش احتیاج داریم. همچنین از ملت عزیزمان انتظار داریم که در عرصه‌ی اقتصادی با حرکت جهاد گونه کار کنند، مجاهدت کنند. حرکت طبیعی کافی نیست؛ باید در این میدان، حرکت جهشی و

مجاهدانه داشته باشیم». پس این هم یکی از ضرورت‌های جهش تولید است.

یکی دیگر از ضرورت‌های جهش تولید، احیای اقتصاد کشور است. خب مستحضرید در این سال‌های اخیر به دلایل گوناگون که الآن نمی‌خواهم در مورد آن صحبت کنم، اقتصاد کشور دچار آسیب‌هایی شده است. شاید بهترین انگیزه و بهترین راه برای احیای اقتصاد کشور مسیر و طریق جهش باشد. (رهبر معظم انقلاب): «حرکت تولید در اقتصاد آغاز شده است ولی می‌خواهم این را عرض کنم که ما با حرکت معمولی به‌جایی نمی‌رسیم، جهش لازم است، حرکت مضاعف لازم است و زمینه حرکت مضاعف در کشور وجود دارد. جهش تولید خواهد توانست اقتصاد کشور را احیا کند». پس یکی دیگر از بحث ضرورت‌های جهش در واقع موضوع احیای اقتصاد کشور است.

یکی دیگر از ضرورت‌های جهش که به نظر بسیار مهم است و همه عزیزان باید به آن توجه داشته باشند این نکته است، (رهبر معظم انقلاب): «فرصت محدود برای ایجاد ثروت پایدار. ما بیست سال این فرصت را داریم؛ اگر در این بیست سال توانستیم پایه‌های کار خودمان را محکم کنیم که بُرد کردیم؛ اگر غفلت کردیم و این بیست سال فرصت از دستمان رفت و کشور وارد عرصه‌ی سالمندی و فرسودگی شد، دیگر کاری نمی‌شود کرد. خب در این بیست سال از این فرصت چه استفاده کنیم؟ دو مطلب اساسی هست: یکی مسئله‌ی جمعیت که نگذاریم جمعیت کاهش پیدا کند، نگذاریم

جمعیت جوان کاهش پیدا کند، مولید را افزایش بدهیم؛ دوّم ایجاد ثروت پایدار برای کشور».

یکی از مهم‌ترین ضرورت‌های جهش در تولید در واقع فرصت محدودی است که برای جهش وجود دارد و ۲۰ سال هم فرصت زیادی برای این امر نیست. ادامه بحث حضرت آقا را با توجه به اهمیت آن مطرح می‌شود. (رهبر معظم انقلاب): «این دو کار باید انجام بگیرد. اینکه بنده نسبت به مولید و مسئله‌ی فرزند آوری و مانند این‌ها این همه اصرار می‌کنم، معنایش این است؛ یعنی اگر چنانچه به این مسئله بی‌توجهی بشود - که متأسفانه در بُرهه‌ی طولانی‌ای بی‌توجهی شده - اگر این بی‌توجهی ادامه پیدا کند و همه به فکر فرزند آوری نيفتند و این حرکت عظیمی که در کشور لازم است انجام بگیرد، انجام نگیرد، بیست سال آینده - که مثل برق خواهد آمد؛ بیست سال زمان زیادی نیست - وارد یک مسیری خواهیم شد که دیگر کار برایمان بسیار مشکل خواهد شد. یکی هم مسئله‌ی ثروت آفرینی [است]». پس یکی از ضرورت‌های جهش در تولید بحث فرصت محدودی است که وجود دارد.

یکی دیگر از ضرورت‌های جهش بحث ایجاد آمادگی برای جهش است. در سالیان گذشته اتفاق‌های بسیار بزرگی در کشور به وجود آمده است، زیرساخت‌های فروانی شکل گرفته و این‌ها باعث شده است که کشور به‌واسطه این امکانات و زیرساخت‌ها آماده جهش باشد. وضعیت کشور

به‌گونه‌ای است که در واقع آماده جهش است و امکانات زیرساخت‌هایی در کشور به برکت انقلاب اسلامی فراهم شده است. یکی دیگر از ضرورت‌های جهش تولید که معمولاً بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد. بحث خنثی‌سازی نقشه دشمنان با جهش اقتصادی است. از سال ۸۹ این تحریم‌ها به جنگ تمام‌عیار اقتصادی تبدیل شده است. لذا آن مسیر و طریقی که می‌تواند این نقشه دشمنان را خنثی کند، بحث جهش در تولید است.

یکی دیگر از نکاتی که رهبری به آن اشاره کردند نمونه‌های موفق جهش در کشور است. همان‌طوری که عرض کردم ما در موضوعاتی جهش داشتیم. آنچه رهبری به‌عنوان یکی از نمونه‌های موفق جهش از آن نام می‌برند بحث جهش در تولید است. یکی دیگر هم جهش در اثرگذاری در مسائل منطقه‌ای و جهان است. (رهبر معظم انقلاب): «یکی از نقاط مثبت ما در این مدت ارتقای جهش‌وار در مسائل عمده منطقه و جهان است. امروز نظام جمهوری اسلامی کشور اثرگذار است؛ «آری» و «نه» او در مسائل منطقه، حتی در مسائل جهانی اثر می‌گذارد». اینجا جا دارد یاد کنیم از سردار بزرگ اسلام، سردار شهید حاج قاسم سلیمانی که بخش زیادی از این جهش را مدیون تلاش‌ها و مجاهدت‌های این شهید بزرگوار هستیم. اما موضوع بسیار مهم در مورد جهش بحث مسیر برای جهش است. ما از چه مسیر و طریقی باید به جهش دست پیدا کنیم؟ نکته اولی که بحث رهبری در این زمینه وجود دارد راه غلط غربی‌ها برای جهش است. (رهبر

معظم انقلاب): «غربی‌ها در زمینه‌ی مادی یک جستی زدند، در یک دورانی جهشی کردند؛ اما این جهش جدا و مباین و معارض با حرکت اخلاقی بود؛ یک جهش صد درصد مادی بود. اول کسی نفهمید چه اتفاقی افتاد، اما حالا دارند می‌فهمند، دارند خسارت‌های غیرقابل جبران آن را یواش یواش احساس می‌کنند». پس این اولین نکته در انتخاب مسیر است که مسیر غربی‌ها یک مسیر غلط است.

دومین نکته که بسیار مهم این است که پیشرفت مسیر تمدن اسلامی با تمدن غربی متفاوت است. این نظام حرکت و موفقیتش فقط به برکت تقوا امکان‌پذیر است. (رهبر معظم انقلاب): «خاصیت نظام الهی این است. نظام حق، بی‌تقوا پیش نمی‌رود. نظام باطل که در مقابل حق است، طور دیگری است. البته آنجا هم تقیدات و پایبندی‌هایی به یک سری اصول لازم است تا پیش بروند؛ اما تقوا به معنای طهارت و پاکی و پرهیزگاری و رعایت حال همه‌ی ارزش‌ها - که در یک جامعه‌ی ارزشی و مکتبی و اسلامی لازم است - در جبهه‌ی باطل لازم نیست. آنها چون پایبندی ندارند، از روش‌های باطل پرهیز نمی‌کنند، از پیامدهای زشت اجتنابی ندارند؛ می‌زنند و پیش می‌روند، چیزی از دست می‌دهند و چیزی هم گیر می‌آورند. اما جبهه‌ی حق این‌طور نیست. جبهه‌ی حق، فقط در صورتی که باخدا و باتقوا و باطهارت باشد، خواهد توانست در مقابل جبهه‌ی باطل بایستد و پیش برود، و لاغیر. این جبهه، فقط باتقوا پیش خواهد رفت. این نظام، جز با رعایت تقوا و طهارت و پاکی و محاسبه‌ی دقیق و صحیح و حسابرسی هرکدام ما

از خودش - «حاسبوا انفسکم» - پیش نخواهد رفت. اشتباه است اگر کسی خیال کند همان کارهایی که دیگر حکومت‌ها و دیگر کارگزاران دولت‌ها در دنیا می‌کنند، ما هم همان‌ها را بکنیم. ما اصولی داریم، ما روش‌های مخصوص به خودمان را داریم؛ این‌ها متعلق به اسلام است. این اصول باید بر دنیا حاکم بشود؛ نه اینکه اصول غلط دنیای جاهلی و استکباری، خودش را بر ما تحمیل بکند».

نکته سوم این است که جهش باید درون‌زا باشد. چون روش‌هایی همچون تأکید بر سرمایه‌گذاری خارجی برای جهش وجود دارد و این به شدت می‌تواند جهش را نفی کند. (رهبر معظم انقلاب): «حرکت جهشی باید درون‌زا باشد. پیشرفت آن‌وقتی است که "درون‌زا" باشد، آن‌وقتی است که متکی به استعداد درونی یک ملت باشد. وزن و اعتبار کشورها و دولت‌ها و ملت‌ها هم وابسته‌ی به همین درون‌زایی است. اگر چنانچه از درون، یک حرکتی، جهشی، رشدی به وجود آمد، به یک کشور، به یک ملت، وزن می‌دهد، اعتبار می‌دهد، ارزش می‌دهد، ابّهت می‌دهد».

آخرین نکته مربوط به توجه به عنصر عدالت در مسیر جهش است. (رهبر معظم انقلاب): «امروز کشور در مسیر پیشرفت‌های جهشی است؛ این یک واقعیتی است. خوشبختانه حرکت کشور به سمت پیشرفت - به معنای عام - یک حرکت سریعی است. امروز با بیست سال قبل حقاً قابل مقایسه نیست. امروز حرکت رو به پیشرفت ما جهشی است. در موقعیتی که یک چنین حرکت‌های جهشی به وجود می‌آید، احتیاج به تصمیم‌گیری‌های

بزرگ است؛ باید تصمیم‌گیری‌های بزرگی انجام بگیرد. خب، اگر چنانچه در این تصمیم‌گیری‌های بزرگ، عنصر عدالت مغفول‌عنه باقی بماند، آن وقت ضررها و ضایعاتش غیرقابل محاسبه خواهد بود. لذا امروز بخصوص باید توجه به عدالت زیاد باشد؛ بخصوص رابطه‌ی پیشرفت و عدالت مشخص شود».

قسمت اول عرایض بنده تمام شد. مباحثی که در مورد جهش در بیانات رهبر معظم انقلاب وجود داشته است را مطرح کردم. چون برای دکتر نظریان مشکلی پیش آمده است و توفیق نداریم که در خدمت ایشان باشیم. بحث عدالت را در زمان مقرر، مطرح خواهم کرد.

*جناب آقای دکتر اسحاقی: جناب آقای دکتر غفاری یک احصاء خوبی را انجام دادند، شرایط، ویژگی‌ها، عوامل، ضرورت، اهمیت و ویژگی‌های این جهش تولید را بیان کردند. همچنین معلوم می‌شود که تمام ابعاد و ویژگی‌های موضوع جهش تولید، توسط رهبر معظم انقلاب تبیین شده است. امکان‌پذیری جهش را با معرفی نمونه‌های موفق در عرصه‌های مختلف به صاحب‌نظران و مسئولین اجرایی و سازمان‌ها و دستگاه‌های اقتصادی نشان دادند. به‌طورکلی موضوع جهش هم ضرورت و هم امکان‌پذیر است.

در فرصت‌های دیگری در نشست‌های آتی که طراحی هم شده است، نسبت به میزان توجه و تحقق موضوع جهش تولید و سیاست‌های آن توسط

دستگاه‌ها و نهادهای مختلف بحث خواهد شد. البته می‌دانید که این نام‌گذاری‌ها و ضرورت‌ها برای یک‌زمان خاصی یا سال خاص نیست، بلکه این ضرورت‌ها در صورتی به نتیجه می‌رسد که تداوم و استمرار داشته باشد؛ فرهنگ‌سازی شود. باور کنید که می‌توانیم و امکان‌پذیری آن با توجه به نمونه‌های موفق خواهد بود.

اشاره هم کردند که عدالت در مسیر جهش تولید و همچنین پیشرفت از اهمیت زیادی برخوردار است. بنابراین پیشرفت در هر صورت و با هر قیمتی و یا جهش تولید و پیشرفت اقتصادی به هر قیمتی نیست. در حقیقت این جهش در چارچوب مجموعه‌ای از ارزش‌ها خواهد بود. در خدمت حجت‌الاسلام معلی هستیم که ایشان نسبت جهش تولید را با اقتصاد مقاومتی تبیین خواهند کرد.

جهش تولید و نسبت آن با اقتصاد مقاومتی

*حجت‌الاسلام و المسلمین حاج آقا معلی: امسال را مقام معظم رهبری سال جهش تولید نام‌گذاری کردند. در اذهان عمومی مردم و همچنین نخبگان سؤالاتی به وجود آمد که اساساً چرا رهبری معظم سال ۹۹ را با توجه به چالش‌های اقتصادی کشور، شروع و ویروس کرونا و اوضاع اقتصادی تحریم، جهش تولید نام‌گذاری کردند؟ آیا این کار واقع‌بینانه بود

یا نه؟ چرا اصلاً ما برای رسیدن به رشد و پیشرفت باید در مسیر جهش تولید حرکت کنیم؟ چرا باید به سراغ تولید برویم؟

کشورهای دیگر که یک عقب‌ماندگی تاریخی از لحاظ اقتصادی دارند مثل ژاپن و آلمان که بعد از جنگ جهانی دوم این عقب‌ماندگی را جبران کردند، از چه مسیری استفاده کردند؟ این می‌تواند برای جمهوری اسلامی هم تجربه باشد و از آن استفاده کرد. از سال ۹۲ به بعد، بعد از ابلاغ سیاست‌های کلان اقتصاد مقاومتی، تنها راه برون‌رفت از معضلات کشور، اقتصاد مقاومتی عنوان شد. رابطه این جهش تولید با اقتصاد مقاومتی چیست؟ در طول تاریخ کشور، فرصت‌هایی برای جهش تولید وجود داشت. بعد از اینکه جهش تولید را شناختیم باید به این موضوع هم بپردازیم که فرصت‌های تاریخی جهش تولید در ایران کی بوده؟ و آیا اصلاً الآن هم یکی از آن فرصت‌های تاریخی جهش تولید است؟

به همه این سؤالات به دلیل زمان اندک پاسخ داده نمی‌شود، اما من سعی می‌کنم تعریفی از جهش تولید ارائه دهم. ما با کمک دکتر مجتبی غفاری و دکتر علی سعیدی کتابی را در مورد بحث جهش تولید و رسانه ملی با همکاری مرکز راهبری اقتصاد مقاومتی و صدا و سیما تدوین کردیم. در آنجا به‌طور مبسوطی به این مسائل پرداخته شد و من عزیزان را به این کتاب ارجاع می‌دهم. البته کتاب دیگری که در حال نهایی شدن است که با همکاری مجمع تشخیص مصلحت نظام و به سفارش همین مرکز انجام

شد. این دو کتابی است که دوستان را برای بحث‌های تفصیلی به آنها ارجاع می‌دهم.

به‌طور کلی تحقق جهش تولید می‌تواند به دو صورت تصویر شود. در حالت اول، همه عوامل مؤثر بر تولید باید به شکل کارا به کار گرفته شوند که بحث کارایی عوامل تولید مطرح است تا از این طریق هم فرصت‌هایی جدید اقتصادی ایجاد شود و هم مقیاس تولید کشور افزایش یابد. حالا اینکه عوامل مؤثر بر تولید چیست؟ را در حین تعریف عرض می‌کنم. ولی عوامل شامل اگر تقاضای مؤثر جدید چه داخلی و خارجی برای تولید داخلی ایجاد شود، سرمایه مناسب برای سرمایه‌گذاری فراهم شود، مواد اولیه موردنیاز، نیروی انسانی متخصص و فرهنگ و عواملی دیگر می‌شود. این عوامل اگر فراهم باشد و بتوان به شکل کارا از آنها بهره‌برداری کرد، جهش تولید اتفاق می‌افتد.

ما دوره‌های رونق و رکود اقتصادی را داریم که حول خط تولید ناخالص داخلی شکل گرفتند. یک دورانی، دوران رونق است و دوران دیگر، دوران رکود است. در زمان رکود با سیاست‌های پولی و مالی تلاش می‌شود اقتصاد از حالت رکود خارج شود و به حالت رونق برگردد. کشور یک GDP بالقوه‌ای دارد اما لزوماً این باعث جهش تولید نمی‌شود. اما جهش تولید در این بخش وقتی اتفاق می‌افتد که تولید ناخالص داخلی به سمت بالا تغییر مسیر بدهد و شیب آن افزایش پیدا کند. این در صورتی است که بتوان عوامل تولید را به شکل کارا تر در خدمت بگیریم. رشد تولید ناخالص ما

از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰ تقریباً حدود ۴ تا ۴,۵ افزایش پیدا کرد. یک‌زمانی رونق در کشور وجود داشت و در زمان دیگر شاهد رکود بودیم. ولی نرخ رشد تولید ما تقریباً ثابت است. بعد از ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۱ یک تغییر شیئی حاصل شد که متأسفانه فتنه ۸۸ که بحث مفصلی دارد، معیشت مردم را عقب انداخت و مشکلاتی برای اقتصاد کشور ایجاد کرد. این بحث جداگانه‌ای می‌طلبد که قابل بررسی و اثبات است. اگرچه در کشور رونق تولید و افزایش تولید وجود داشت ولی جهشی صورت نگرفت. البته طبق تعریفی که عرض خواهم کرد. اگر ما آن مسیر سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰ را بعد از آن ادامه می‌دادیم، شاهد جهش می‌شدیم. اتفاقاً بعد از سال ۲۰۱۰ و فتنه ۸۸ به بعد کشور دچار رکود شد. در سال ۹۰ تا ۹۱ مخصوصاً بعد از تحریم اثراتش را گذاشت. تحریم هم حاصل همان فتنه ۸۸ بود که عرض کردم و وارد بحثش نمی‌شویم.

حالت دوم جایی است که تغییر بنیادین مثلاً تغییر تکنولوژیکی که تغییر برون‌زا هم محسوب می‌شود در منحنی تولید، تغییر ایجاد می‌کند. به‌طوری که این منحنی به سمت بالا انتقال پیدا می‌کند و در این حالت هم می‌توان تصویر کرد که جهش تولید به وجود آمده است. به هر صورت لازم است که افزایش تولید در جهش تولید هم مستمر و هم در درون‌زا باشد. چون اگر مستمر نباشد ما نتایج جهش تولید را نخواهیم دید و جهش محقق نخواهد شد. مقام معظم رهبری فرمودند که در سفره مردم باید آثار افزایش و جهش تولید دیده بشود. بنابراین هم باید مستمر باشد و هم درون‌زا باشد.

یعنی متکی بر ظرفیت‌ها و امکانات داخلی باشد؛ اگر این‌طور نباشد امکان استمرار وجود نخواهد داشت. اگر بر اساس درون‌زایی و مبتنی بر ظرفیت داخل کشور این کار انجام نشود، نمی‌توان به شکل مستمر جهش تولید داشت.

بر اساس این دو فرضی که مطرح شد. جهش تولید این‌گونه تعریف می‌شود. افزایش پرشتاب، مستمر و درون‌زا در سطح تولید کالا و خدمات به‌منظور کاهش عقب‌ماندگی تاریخی و اقتصادی از طریق بهره‌گیری کارا از عوامل مؤثر در تولید که فرض اول بود. حالا عوامل مؤثر بر تولید چیست؟ این عوامل شامل تقاضا، سرمایه، نیروی انسانی، مواد اولیه، علم و فناوری، بحث زیرساخت‌ها، محیط کسب‌وکار و فرهنگ تولید و یا ایجاد تغییرات بنیادین می‌شود که تغییرات بنیادین به فرض دوم اشاره دارد.

جهش تولید برای اقتصاد ایران نه تنها امر ممکن است بلکه واجب و ضروری است. در بحث ممکن بودن جهش تولید می‌توان تجربه سایر کشورهایی که دوره مانع داشتند و آن مانع را رفع کردند و تولید آنها جهش یافت را مطالعه کرد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که اوضاع ایران بدتر از آنها نیست. آقای دکتر سعیدی حتماً به این موضوع اشاره خواهند کرد. من کشور برزیل را مثال می‌زنم که در نیمه دوم قرن بیستم، دچار ابر تورم بود. گاهی در سال، آنها بیش از ۶ هزار درصد تورم داشتند. برزیل در آن برهه زمانی، آرامش در قیمت‌ها و بازار نداشت و رسیدن به ثبات اقتصادی در برزیل یک رؤیا بود. حتی سال ۶۷، ۸۱ و ۸۹ (میلادی) سه بار صفر پول ملی

خودشان را حذف کردند. اما چون نقدینگی بالا بود و در تولید استفاده نمی‌شد، این سیاست‌ها نتوانست تورم را مهار کند. البته الآن تورم برزیل ۴ درصد است. حالا چگونه این تورم را مهار کردند؟ آقای کاردوسو در سال ۱۹۹۳ وزیر دارایی برزیل شد. طرحی را مطرح کرد که بر اساس آن ساختار بودجه برزیل را اصلاح کرد و همچنین ولخرجی‌ها و مصرف دولت را کم کرد.

در گام بعدی مالیات سنگینی بر درآمد، اموال و مصرف طبقه ثروتمند جامعه وضع کرد. این دولت سعی کرد یک قدرت خریدی در توده‌های مردم به وجود بیاورد. از آنجایی که تقاضا مردم کالاهای لوکس نبود اما ثروتمندان کالاهای لوکس مصرف می‌کردند، بنابراین دولت برزیل با تغییر تقاضا از سمت کالاهای لوکس به سمت کالاهای مصرفی، زمینه مهار تورم و جهش اقتصادی و جهش تولید در برزیل را به وجود آورد. در اواخر دهه ۹۰ (میلادی) این تورم چند ده‌ساله و کهنه برزیل مهار شد. مطالعه کشورهای همچون هنگ‌کنگ، چین، آلمان، ژاپن و آمریکا، انگلیس و فرانسه و ... نشان می‌دهد که جهش تولید برای ایران هم ممکن است به شرطی که خواسته عمومی و ملی باشد.

درعین حال بحث جهش تولید و حرکت به سمت جهش تولید برای کشور ضروری است. چراکه عقب‌ماندگی تاریخی اقتصاد ایران مدام هم در حال تغییر و افزایش است. طبق آمار سال گذشته، ایران رتبه ۱۸ دنیا را در GDP به خود اختصاص داد. البته با نرخ ارز فعلی تنزل هم پیدا کرده و زیر ۲۰

رفته است. به هر حال تولید ایران حدود نیم درصد از تولید جهان است. آمریکا ۲۴ درصد، چین ۱۵ درصد و سه کشور انگلیس و فرانسه و آلمان مجموعاً ۱۲ درصد از تولید جهان را دارند. در مجموع ۱۰ کشور اول ۶۳ درصد از تولید جهان را انجام می‌دهند. فاصله قدرت اقتصادی ایران با آلمان و سایر کشورهای صنعتی در حال افزایش است. بنابراین برای جبران این عقب‌ماندگی و قوی شدن اقتصاد کشور، باید فعالیت‌های جهاد گونه و جهش گونه به کار گرفته شود.

بحث دیگر مربوط به وجود ظرفیت‌های فراوان استفاده نشده در کشور است. ایران یک درصد از جمعیت جهان، ۹ درصد از ذخایر نفتی و ۱۶ درصد ذخایر گازی را دارد. اما به میزانی که منابع طبیعی و ظرفیت دارد، تولید نمی‌کند. لذا حدود نیم درصد از صادرات دنیا و همین مقدار از واردات جهان متعلق به ایران است.

من چند مثال در مورد هایتک به‌عنوان پیشران جهش تولید در کشور عرض می‌کنم. بر اساس استناد به شبکه‌های دانش در سال ۹۶ رشد علمی ایران حدود ۱۰ درصد بود و رشد اول علمی دنیا را در اختیار داشت. این در حالی است که چین نصف ایران یعنی حدود ۴٫۵ درصد رشد علمی داشت. رتبه علمی ایران در سال ۹۷ به رتبه ۱۶ جهان ارتقا پیدا کرد. در حق ثبت اختراع، رتبه دهم در دنیا را داشتیم. در سال ۹۲، ۵۵ شرکت دانش بینان در کشور فعالیت می‌کردند. این رقم در سال ۹۸ به چهار هزار و هفتصد شرکت رسید. این به‌شدت مستعد آن است که پیشران اقتصاد مقاومتی باشد.

این شرکت‌ها هم از لحاظ تعداد و درآمد برای کشور رشد خوبی داشتند و می‌توان از آنها به‌عنوان پیشران استفاده کرد.

بحث بعدی جنگ تمام‌عیار است که علیه کشور راه انداختند. دشمنی از اول انقلاب بود ولی از اواخر دهه ۸۰ (شمسی) این دشمنی‌ها به جنگ تمام‌عیار اقتصادی به رهبری آمریکا علیه ایران تبدیل شد و حوزه بانکی کشور را در کنار صنعت نفت مورد هدف قرار دادند. به‌طوری که فروش نفت ایران با مشکل مواجه شد و امکان دسترسی به دارایی‌ها و ذخایر ارزی بسیار محدود شد. نام‌گذاری سال‌ها این را نشان می‌دهد که سیاست کشور برای مقابله با این تحریم‌ها، بحث قوی شدن، توجه و اهتمام به مسئله تولید است. امسال هم از طرف رهبری سال جهش تولید نام‌گذاری شد.

وقتی با کشورهای متخصص مثلاً با کشورهای ۱+۵ در مذاکرات هسته‌ای، مذاکره می‌شود باید به این نکته توجه داشت که آنها حدود ۱۰۰ برابر تولید ملی ایران تولید می‌کنند و ۵۵ درصد از تولیدات جهان مربوط به همین ۶ کشور جهان است. بنابراین برای مقابله با این قدرت‌ها نیاز است که اقتصاد کشور قوی شود و باید جهش چشمگیری در تولید اتفاق بیفتد تا فاصله ایران با این کشورها کاهش پیدا کند و از این طریق بتوان قدرت چانه‌زنی بهتری در ارتباط با این کشورها داشته باشیم.

نکته بعدی شکست گفتمان مذاکره در سال‌های اخیر مخصوصاً بعد از قصه نافرجام برجام است. تأکید و خواست عمومی برای تکیه بر توان داخلی

است. ماحصل آن این است که نه تنها با خواست عمومی، جهش تولید برای کشور امکان‌پذیر است بلکه یک ضرورت است.

در بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با هیئت دولت در ۳ شهریور ۱۳۹۵ اشاره شده است که در اقتصاد مقاومتی آن چیزی که مورد انتظار است یک کار جهشی است. اساساً تئوری اقتصاد مقاومتی مبتنی بر فعالیت‌های جهاد گونه که ثمره آن تولید و توسعه جهشی در اقتصاد کشور است، می‌باشد. در اینجا نسبت جهش و تولید با هر کدام از مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی بررسی می‌شود. من چهار مؤلفه و نسبت آن با جهش تولید را مطرح می‌کنم. مؤلفه اول، مؤلفه مردم بنیانی است. اساس اقتصاد مقاومتی و اقتصاد اسلامی بر مردم و حرکت‌های مردمی است. حتی بزرگ‌ترین اقتصادهای دنیا بدون مشارکت‌های مردمی، موتور اقتصادی جامعه آنها به حرکت در نمی‌آید. منظور از مشارکت مردم هم طبق فرموده مقام معظم رهبری این است که اقتصاد باید با سرمایه‌گذاری مردم، با مدیریت مردم و مالکیت مردم انجام شود و زمینه برای ورود آنها به عرصه تولید فراهم شود. آن جهش تولیدی مطلوب کشور است که به شکل مردمی بنیان انجام شود. سیاست‌های کلی نظام مثل سیاست کلی اصل ۴۴ قانون اساسی که روح حاکم بر آن ورود سرمایه‌ها و مدیریت مردم در میدان اقتصاد و تولید است، در همین راستا قرار دارد. تحقق صحیح این سیاست‌ها می‌تواند سبب شکوفایی و جهش تولید با استفاده از سرمایه، همت، ابتکار و انگیزه مردمی شود.

بحث بعدی بحث عدالت محوری به عنوان یکی از مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی است. دو نکته در این مطرح می‌شود. نکته اول این است که عدالت اقتضا می‌کند که کشور وقتی وارد تولید می‌شود روابط تولید و به‌کارگیری عوامل تولیدی باید به شکلی باشد که حداکثر بهره‌وری از منابع، یعنی بیشترین تولید توأم با بیشتر صرفه‌جویی صورت گیرد. بنابراین عدالت اقتصادی را به این بیان می‌توان در راستای جهش تولید در نظر گرفت. اگر عدالت اقتصادی محقق شود، عوامل تولید را می‌توان کاراتر به خدمت گرفت.

نکته دوم در فرایند تولید، نحوه به‌کارگیری و سهم‌بری عوامل تولید است. کار، سرمایه، منابع طبیعی مهم‌ترین بخش برای تحقق نظام عادلانه تولید هستند. اگر فرایند تولید عدالت‌محور نباشد یک عامل می‌تواند عوامل دیگر را به استثمار بگیرد و به استخدام خودش درآورد. بنابراین در عدالت محوری، تحقق جهش تولید نباید به شکلی باشد که زمینه بهره‌کشی یک عامل تولید نسبت به عوامل دیگر را فراهم کند. مثلاً در نظام بانکی، اعطای تسهیلات نباید به گونه‌ای باشد که سرمایه، حاکم بر بقیه عوامل تولید شود. تحقق جهش تولید باید بر این اصل و اساس انجام شود.

مؤلفه بعدی مؤلفه دانش‌بنیانی است که از آن صرف‌نظر می‌کنم. دیگری بحث برونگرایی و درون‌زایی است. درون‌زایی ضامن استمرار جهش تولید است. چون پیشرفت خریدنی نسبت و باید تبدیل به خواست عمومی شود در غیر این صورت نمی‌تواند مستمر باشد. با پول نمی‌توانید این را از خارج

بخرید. (اگر وارداتی باشد) صرفاً شاهد یک رشد کاریکاتور گونه‌ای هستیم که فقط برخی از بخش‌های صنعتی اقتصاد دچار پیشرفت‌های خاص و کاریکاتور گونه می‌شوند. بنابراین باید انواع فرصت‌ها و زمینه‌های بالفعل و بالقوه جمهوری اسلامی شناسایی شده و ظرفیت‌های برتر ساماندهی شوند. لذا باید به شکل درون‌زا به سمت جهش تولید رفت تا استمرار داشته باشد. در بحث برونگرایی هم بحث دیپلماسی اقتصادی مطرح می‌شود. اگر تعامل با دنیا ضعیف باشد به‌جای اینکه کشور به سمت بازار ۶۰۰ میلیونی کشورهای همسایه و کشورهای دوست برود، همه انرژی و همت دستگاه دیپلماسی صرف کشورهای اروپایی و آمریکایی می‌شود که نه شرایط اقتصادی و توان رقابت با آنها را داریم و نه می‌توانیم بازار صادراتی خاصی در آنجا داشته باشیم. لذا منابع کشور هدر رفت. درحالی‌که ما می‌توانستیم با دیپلماسی فعال‌تر خیلی راحت‌تر زمینه‌های جهش تولید را فراهم کنیم. پس جهش تولید مبتنی بر دو رویکرد بود که معرفی شد. یکی کارایی عوامل تولید بود که عوامل تولید را احصا کردیم. اگر این عوامل به شکل کارا، مستمر و درون‌زا به کار گرفته شوند ما شاهد جهش تولید خواهیم بود. از طرف دیگر، اگر متغیرهای برون‌زایی مطرح شود و تغییر بنیادین ایجاد کنند مثل تغییر تکنولوژیکی، در اقتصاد کشور، در تولید و در عوامل تولید، جهش تولید ایجاد می‌شود. در نهایت تولید به‌عنوان ستون فقرات اقتصاد مقاومتی است و اساساً حرکت جهادی و جهش گونه بخشی از اقتصاد مقاومتی است. ما با هر مؤلفه‌ای از مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی می‌توانیم نسبت جهش

تولید را با آن بسنجیم. اثرات آن مؤلفه به‌عنوان یک اصل و اصل بالادستی حاکم بر جهش تولید است و جهش تولید هم می‌تواند بر این مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی اثرگذار باشد.

***جناب آقای دکتر اسحاقی:** از حجت‌الاسلام و المسلمین معلی، معاون پژوهشی مرکز راهبری مطالعات اسلامی اقتصاد مقاومتی حوزه‌های علمیه، سپاسگزاریم. ایشان رابطه بین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و جهش تولید را بیان کردند. موضوع جهش تولید هم ضرورت و هم امکان‌پذیر است. در مجموعه اندیشه رهبری مقام معظم رهبری انقلاب که حداقل در یک دهه اخیر، دهه عدالت نام‌گرفته و نام‌گذاری‌های سال که به حوزه اقتصاد، اختصاص یافته است و همچنین در سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و بیانیه گام دوم مشاهده می‌شود که بحث اقتصاد و عدالت اجتماعی و اقتدار در اقتصاد (اشاره شده و مورد تأکید قرار گرفته است). این آرایش در مقابل تهاجم همه‌جانبه دشمنان و نظام سلطه (بوده است). ما می‌توانیم از این مجموعه از راهبردها و راهکارها برای پیشبرد اهداف جمهوری اسلامی در سطح ملی و منطقه‌ای استفاده کنیم. رهبر معظم انقلاب نیز این آرایش را برای کشور و مسئولین به‌خوبی تبیین کردند و از تجویز و حمایت مختلف از مسئولین و بخش اقتصاد مردمی هیچ‌گاه فروگذاری نکردند. انتظار هم این است ما تحقق این فرامین را هم توسط (بخش‌های مختلف) شاهد باشیم.

از جناب دکتر سعیدی عضو هیئت علمی دانشگاه قم دعوت می‌کنیم در مورد موضوع جهش تولید و کشورهای مختلف که یک تجربه‌ای است که در کشورهای دیگر هم وجود دارد و امکان‌پذیر است، تحقیق خودشان را ارائه بدهند. در این مسیر جمهوری اسلامی ایران چه بهره‌گیری از تجربه‌های جهانی می‌تواند داشته باشند؟ و نخبگان جوان ما و صاحبان اندیشه بدانند که این تأکید بر جهش تولید به‌عنوان یک‌راه میانبر و سرعت بخشیدن به (کاهش) نارسایی‌ها و کمبودها و همچنین استفاده از ظرفیت‌ها و امکانات که مهم‌ترین آن‌هم ظرفیت‌های انسانی و خدادادی است، چرا یک امر ضروری است و چرا حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به این موضوع تأکید دارند و سال به سال بر دانش بنیان بودن اقتصاد، رشد علم و فناوری در جهت توسعه اقتصادی به همراه توسعه معنویت و اخلاق اشاره دارند؟ به مدت ۲۰ دقیقه در خدمت جناب دکتر سعیدی هستیم و در پایان نیز به مدت ۲۰ دقیقه به پرسش و پاسخ خواهیم پرداخت.

جهش تولید در سایر کشورها و دلالت‌های آن برای جمهوری اسلامی

ایران

*جناب آقای دکتر سعیدی: بحثی که دوستان گفتند که من در خدمت عزیزان باشم، بررسی تاریخی جهش تولید بین کشورهای مختلف است و اینکه چه درس‌ها و عبرت‌هایی برای ما به دنبال دارد. وقتی ما از جهش

تولید صحبت می‌کنیم باید ببینیم که در حال وضعیت ما در عرصه جهانی کجاست؟ وزن اقتصاد ما در تولید در حال حاضر چقدر است؟

آمارها نشان می‌دهند که امریکا ۲۴ درصد، چین ۱۴ درصد، ژاپن حدود ۶ درصد، کشورهای اروپای غربی مثل فرانسه، انگلیس، و آلمان در کنار هم بیش از ۱۰ درصد از تولید دنیا را انجام می‌دهند. همین پنج کشور نزدیک به ۶۰ تا ۷۰ درصد از کل تولید دنیا را انجام می‌دهند. سهم ایران تقریباً نیم درصد از کل تولید دنیا است. درحالی‌که بر اساس ظرفیت‌های جغرافیایی، ترانزیتی، تاریخی و انسانی، ظرفیت‌های اقتصادی ما خیلی بیشتر از این چیزهاست. ولی ما در سطح تولید جهانی نیم درصد از تولید دنیا را انجام می‌دهیم.

آمار سطح تولید بین کشورها نشان می‌دهد که چین از سال ۲۰۰۰ یک جهش داشته است. ژاپن هم یک دوره‌ای جهش داشته است و توانست تولید اقتصادی در سطح بالاتری داشته باشد. سطح تولید ما در مقایسه با کشورهای مختلف یک سطح پایینی قرار گرفته است و ما در فضای جهانی حتی به لحاظ قدرت خرید هم در سطح بسیار پایین قرار داریم. ما در فضای جهانی با یک اقتصاد به شدت طبقاتی مواجه هستیم. یکسری از اقتصادهای برتر دنیا هستند که GDP سرانه آنها بر اساس برابری قدرت خرید آن‌هاست، یعنی قدرت خریدی که مردم آن کشور به صورت متوسط دارند. آمارها نشان می‌دهد در سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ این کشورها بالای ۴۰ هزار دلار در سال درآمد سرانه داشتند. نمونه آن را می‌توان به آمریکا، آلمان،

انگلستان، فرانسه اشاره کرد. حتی کره جنوبی، یک جهشی زیادی از سال ۱۹۹۰ داشته است. جهش کره‌ای‌ها با تأخیر شروع شد. اما جهش تولید کشورهای اروپایی یک جهش تاریخی بوده است که نکات آن مطرح خواهد شد.

چین از سال ۲۰۰۰ به سرعت در حال کم کردن فاصله خود است. چینی‌هایی که اوایل سال ۱۹۹۰ فاصله زیادی با ایران داشتند، در حال حاضر قدرت خرید سرانه آنها تقریباً به اندازه ایران رسیده است و رشد می‌کند. بالاخره چین یک و نیم میلیارد جمعیت دارد و حجم تولید زیادی که در چین صورت می‌گیرد، تقسیم بر تعداد این جمعیت زیاد می‌شود. در سال ۲۰۱۹ چینی‌ها در قدرت برابری خرید از ایران هم پیشی گرفتند. به خاطر شرایط دهه ۹۰ (شمسی) از جمله به خاطر تحریم‌ها و شرطی کردن اقتصاد به مذاکرات، یک سوم از اقتصاد ایران از سال ۹۰ تا ۹۸ کوچک شده است. یعنی نه تنها رشد نداشته است بلکه حتی کوچک هم شده است. اما در عین حال کشورهای دیگر بیش از دو برابر و نزدیک به سه برابر ایران قدرت خرید دارند.

این قدرت خرید در واقع بیانگر قدرت اقتصادی کشورهای مختلف است. بدین معنی که مردم آن کشور چه قدر توانایی خرید کالا و خدمات را دارند؟ ما علیرغم همه ظرفیت‌هایی که همه ما به آن اذعان داریم و در رسانه‌ها هم تکرار می‌شود، ولی سهم کوچکی در این ماجرا داریم. اگر مقایسه جزئی‌تری انجام دهیم، می‌بینیم که فاصله سه کشور اروپای غربی با

ما نه تنها زیاد است بلکه در حال زیاد شدن هم می باشد. نه تنها ما در طول تاریخ یک عقب ماندگی تاریخی به لحاظ اقتصادی داریم که پیشینه آن به دوران قاجار برمی گردد، این فاصله سال به سال در حال بیشتر شدن هم است و این خیلی مسئله را بغرنج تر می کند. این امر ضرورت جهش تولید را برای ما بیشتر روشن می کند.

در مورد ژاپن هم باید گفت که این کشور یک جهش اقتصادی را از اوایل دهه ۶۰ و ۷۰ میلادی شروع می کند و در چند مرحله کلاً سطح اقتصادی خودشان را عوض می کند و در سطح بالاتری عمل می کند. در صورتی که وضعیت برای ایران ثابت است. هر چند در دهه ۸۰ (شمسی) یک گامی به سمت جهش تولید برداشته شد، ولی اواخر دهه ۸۰ (شمسی) و اوایل دهه ۹۰ (شمسی)، اقتصاد ایران کاملاً سرکوب می شود و یک سوم کوچک شده است. GDP ایران از حدود شش صد میلیارد دلار به حدود چهارصد میلیارد دلار رسیده است یعنی اقتصاد ایران دویست میلیارد دلار کوچک تر شد. این در حالی است که اقتصاد کره و انگلستان در حال رشد است. دوره رشد اقتصادی چین از ۱۹۹۰ شروع می شود و در سال های ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵ به اقتصاد سوم دنیا ارتقا پیدا می کند. از سال ۲۰۰۸ هم از اقتصاد ژاپن پیشی می گیرد و به اقتصاد دوم جهان تبدیل می شود. پیش بینی می شود که در سال ۲۰۲۵ یا ۲۰۳۰ چین از اقتصاد آمریکا هم پیش خواهد گرفت.

منجی تولید ناخالص داخلی یعنی تولیدی که در یک سال در داخل یک کشور انجام می شود. وقتی حرف از جهش تولید زده می شود، چنین شیبی

(تغییر رو به بالا) مدنظر ماست. ۱۹۷۲ تا ۱۹۹۰ یک جهش اقتصادی در اقتصاد ژاپن مشاهده می‌شود. در دهه ۹۰ میلادی اقتصاد ایران و کره جنوبی گام به گام پیش آمد و حتی اقتصاد ایران بزرگ‌تر از کره هم بوده است. ولی از دهه ۱۹۹۰ به این طرف اقتصاد ایران درجا زده است اما کره توانسته است جهش را در اقتصاد خودش رقم بزند و تولید را بسیار افزایش بدهند. اگرچه ایران در دهه ۸۰ (شمسی) فاصله خودش را با کره کم کرده است، ولی در دهه ۹۰ (شمسی) فاصله آن‌قدری زیاد شد که جبران کردن آن زمان می‌برد. نکات کلی که از مطالعه دوره‌های جهش در کشورهای مختلف به دست آمده است را مطرح می‌کنیم. در ۱۰ و ۱۵ اقتصاد اول دنیا که ۸۰ تا ۹۰ درصد تولید دنیا توسط این کشورها انجام می‌شود، تقریباً دو یا سه دسته از کشورها را می‌توانیم احصا کنیم.

یک دسته از کشورها، کشورهای استعمارگر هستند که در رأس آنها انگلستان و فرانسه قرار دارند. این‌ها دوره جهش تولید خودشان را از قرن ۱۷ و ۱۸ شروع کردند. جهش تولید در این کشورها عمدتاً مبتنی بر استعمار است. چون این کشورها خودشان منابع طبیعی و ثروت‌های طبیعی کافی و نیروی کار کافی نداشتند. در واقع از لحاظ عوامل تولید در فقر شدیدی قرار داشتند. این دو کشور در مقایسه با اقتصادهای قرن ۱۶ و ۱۷ مثل اقتصاد دوره صفویه ایران، عثمانی و هندوستان و چین، حرفی برای گفتن نداشتند. اما انگلستان و فرانسه از یک سو با اتکا به استعمار یعنی با تکیه بر قدرت نظامی و از سوی دیگر نفوذ سیاسی اولاً به یک به یک اقتصادهای بزرگ

آن زمان را ورشکسته کردند. اول از هندوستان شروع شد که در آن حکومت گورکانیان هندوستان سقوط کرد که حکومت اسلامی هم بود. حکومت صفویه هم در ایران سوق می‌کند. در نهایت حکومت عثمانی سقوط می‌کند. برای سقوط این‌ها یکسری فعالیت‌های سیاسی و یکسری فعالیت‌های نظامی باهدف غارت منابع طبیعی صورت گرفت. فرانسه و انگلیس، کشورهای مختلفی از کشورهای جنوب شرق آسیا تا کشورهای غرب آسیا و کشورهای شمال آفریقا، کل آفریقا و حتی کشورهای شمال آمریکا، را بین خود تقسیم کردند. برای نمونه در منطقه غرب آسیا، ایران، عراق و برخی از کشورهای حاشیه خلیج فارس سهم انگلستان بوده است و سوریه، لبنان و فلسطین سهم فرانسه بود. در مصر هم این امر اتفاق افتاد. در کشورهای آفریقایی هم یک به یک کشورها فرق می‌کنند که با توجه به زبانشان که فرانسوی و انگلیسی است، می‌توان متوجه شد که مستعمره کدام یک از این کشورها بودند.

انگلستان و فرانسه با اتکا به غارت منابع طبیعی از کشورهای دیگر و با استفاده نظام برده‌داری و بردگانی که از آفریقا گرفتن برای تأمین نیروی کار موردنیاز خود، توانستند عوامل تولید را در کشور خودشان جهش بدهند و به سطح بالایی برسانند. از طرف دیگر با قدرت استعماری‌ای که در مستعمرات خودشان پیدا کردند، تلاش می‌کردند تا تقاضای موردنیاز برای منابع خودشان را از طریق استعمار تضمین کنند. یعنی کشورهای مستعمره این دو کشور، وظیفه آنها این بود که مواد خام را به آن کشور استعمارگر



خودشان عرضه کنند و کالاهای مصرفی موردنیاز خودشان را فقط از آن کشور استعمارگر دریافت کنند. پس استعمار یک عامل اصلی جهش تولید در این کشورها بوده است.

کشورهایی مثل آمریکا، دوره جهش تولید آن با مدل فرانسه و انگلستان فرق می‌کند. آمریکا یک دوره تقریباً صدساله حمایت‌گرایی و درون‌گرایی اقتصادی داشتند. یعنی زمانی که انگلستان و فرانسه برای دستیابی به در مستعمرات با یکدیگر رقابت می‌کردند، آمریکا با حمایت‌های تعرفه‌ای از صنایع خود و دیگر اقدامات حمایتی و به علت برخورداری از منابع طبیعی گسترده در قلمرو سرزمینی خود و دور بودن از کشمکش‌های نظامی و سیاسی جهانی توانستند جهش تولید را رقم بزنند.

کشورهای مثل المان یا ژاپن توانستند با یک روحیه ناسیونالیسم اقتصادی جهش تولید را رقم بزنند. آلمان و ژاپن مقداری دیر به استعمار رسیدند و جهان بین انگلستان، فرانسه و روسیه تقسیم شده بود و هرکدام از این‌ها منطقه نفوذی برای خودشان دارند. این‌ها اول کشورگشایی به سبک دوره‌های استعماری را شروع کردند. ولی چون قدرتشان کم بود به ناسیونالیسم اقتصادی و تجهیز منابع داخلی روی آوردند و از این طریق تلاش کردند تا جهش اقتصادی را در کشورشان رقم بزنند.

دسته سوم، کشورهایی هستند که بعد از جنگ جهانی دوم توانسته‌اند جهش تولید را رقم بزنند. مثلاً چین و کره، قدرت استعماری نداشتند و فرصت تاریخی جهش برای آنها ایجاد نشده بود. هرچند چین و کره متفاوت هستند

اما یک مشخصه مشترکی دارند آن‌هم این بود که این دو کشور توانستند با یک دیکتاتوری محکم و آهنین و از طریق فشار مضاعفی که بر نیروی کار وارد کردند، جهش تولید را در اقتصاد خودشان رقم بزنند. همچنین تجهیز منابع، هدایت اعتبارات، جذب سرمایه‌گذاری خارجی بسیار هدمند و محدود و انتقال تکنولوژی، صورت گرفت.

تجربه کشورهای مختلف بر اساس اقتضائات تاریخی، اجتماعی، تکنولوژیکی و فرهنگی خودشان بوده است. حالا جمهوری اسلامی ایران چه کاری می‌تواند انجام دهد؟ امکان استعمار برای ما وجود ندارد و از لحاظ ارزش‌ها و نگاه‌های اعتقادی و مذهبی‌ای که داریم به دنبال استعمار هم نیستیم. یعنی حتی اگر امکان استعمار هم برای ما وجود داشته باشد - که متأسفانه برخی از دوستان یک نگاه‌هایی دارند که مثلاً ما نسبت به کشورهای جبهه مقاومت مثل عراق و سوریه یک نگاه استعماری داشته باشیم و این کشورها را به خودمان وابسته کنیم و همانند اروپایی که صدسال پیش انجام دادند ما هم انجام بدهیم. - این کار از لحاظ شرعی و ایدئولوژیکی برای ما مطلوب نیست و حتی شدنی هم نیست. حتی اگر این کشورها بخواهند مستعمره بشوند ترجیح می‌دهند که مستعمره کشورهای اروپایی و آمریکا شوند تا اینکه بخواهند مستعمره کشوری مثل ما شوند. بنابراین عملاً استعمار به دلایل مختلف برای ما قابل‌الگو برداری نیست.

نگاه‌های دیکتاتوری و سیاست‌های آهنین ناسیونالیستی هم برای ما نمی‌تواند الگوی مناسبی باشد. چون مردم ایران به لحاظ تاریخی و به لحاظ

فرهنگی مردم سلطه‌پذیری نیستند. برعکس مردم شرق آسیا که مردم بسیار سلطه‌پذیر هستند و بسیار قانون‌مند به این معنا که این روحیه را به لحاظ فرهنگی دارند که فقط مشغول کاری باشند که به آنها امر شده است و به امور دیگر دخالتی نکنند، اما مردم ما به لحاظ تاریخی، فرهنگی و اعتقادی یک فضای بازتری دارند. این روحیه اطاعات‌پذیری محض نسبت به دیکتاتور در جامعه ما وجود ندارد و به‌ندرت پیدا می‌شود. مدل کشورها هم خیلی نمی‌تواند برای ایران راهگشا باشد. چون کارگران ایرانی حاضر نیستند مانند کارگران چینی کار کنند، مثل آنها کم مصرف کنند و در خانه‌های سلولی زندگی کنند. با این وضعیت اقتصادی‌ای که ایران دارد مردم از خانه‌های ۶۰-۷۰ و ۸۰ متری هم شاکی هستند و آن را کوچک می‌دانند و می‌گویند که ما دوست داریم در خانه‌های بزرگ‌تر و ویلایی زندگی کنیم. این وضعیت را مقایسه کنید با کارگرانی که در چین، کره یا ژاپن در خانه‌های شبیه خوابگاه زندگی می‌کنند.

بنابراین علیرغم همه درس‌هایی که این تجربه‌ها می‌تواند در مورد سیاست‌گذاری‌ها، هدایت‌اعتبارات، در جذب تکنولوژیکی داشته باشد، ولی به لحاظ مبانی اقتصاد سیاسی ما نیازمند این هستیم که برای جهش تولید خود به یک الگوی منحصربه‌فردی دست پیدا کنیم. این الگوی منحصربه‌فرد ضمن اینکه باید مبتنی بر مؤلفه‌های اعتقادی، دینی، مذهبی و فرهنگی ایران باشد، باید بتواند شرایط خاص اقتصادی ما را هم در نظر بگیرد. ایران در یک شاهراه ترانزیتی بسیار استراتژیکی قرار دارد، دارای ذخایر منابع طبیعی

بسیار منحصربه‌فرد است و همچنین نیروی انسانی با ضریب هوشی بسیار بالایی دارد. این عوامل یک شرایطی را برای کشور فراهم کرده است که اگر بعضی از نگاه‌های محدود، تقلیدی و تحقیرآمیز داخلی نباشد و اقتصاد رها شود، به راحتی جزو ده اقتصاد دنیا قرار خواهد گرفت.

اینکه در اوایل دهه ۹۰ (شمسی) اقتصاد ۱۸ جهان بودیم و الآن اقتصاد ایران به اقتصاد ۲۵ و ۲۶ دنیا تبدیل شده است و عقب رفتیم، به خاطر فشارهایی است که هم از جانب دشمنان خارجی و هم از عوامل نفوذی داخلی به اقتصاد کشور وارد می‌شود. این فشارها را باید بتوان مدیریت کرد و این‌ها عمدتاً مسائل داخلی کشور هستند. شرطی کردن اقتصاد کشور نسبت به مذاکرات و نرخ ارز و همچنین دلاریزه کردن اقتصاد کشور (نمونه‌ای از این مسائل هستند که ریشه داخلی دارند). دلاریزه کردن اقتصاد یک خیانت بزرگ‌تری از خود مذاکرات و برجام است. در واقع دلاریزه کردن اقتصاد کشور و فرهنگ خام فروشی که در دولت‌مردان ما وجود دارد، این‌ها بزرگ‌ترین مانع برای جهش تولید هستند. این امر نه تنها اجازه جهش تولید را نمی‌دهد بلکه تولید را سرکوب هم می‌کند.

در مدل بومی و اسلامی خودمان نیاز داریم که به جهش تولید برسیم. نظریه اقتصاد مقاومتی فضای خوبی را به لحاظ تئوریک برای ما باز کرده است. ولی به لحاظ افکار عمومی و دستگاه‌های کارشناسی‌ای که می‌خواهند این نظریه اقتصاد مقاومتی را ادراک کنند و بعد آن را در فضای عینیت جامعه به کار ببندد، ضعف‌های جدی‌ای وجود دارد. بدنه کارشناسی کشور باید

تغییر کند و فکرش باید تغییر کند. اگر این فکر تغییر نماید، محقق شدن جهش تولید در کشور، عجیب نخواهد بود.

***جناب آقای دکتر اسحاقی:** وضعیت کشورهای نمونه را آقای دکتر سعیدی اشاره کردند. هرکدام از این کشورها برای جهش خودشان زیرساخت‌ها، علل و عواملی داشتند و جمهوری اسلامی هم علیرغم همه تهاجم اقتصادی و انواع تحریم‌ها و همچنین انواع کارشکنی‌هایی که در مسیر پیشرفت اقتصاد ایران وجود داشت، جزو ۲۰ اقتصاد بزرگ جهان بوده است. در سال‌های اخیر علیرغم همه چالش‌های اقتصادی، یک مقدار از این جایگاه ما تنزل پیدا کرد. بنابراین باید توجه داشته باشیم که علیرغم تلاش‌های همه‌جانبه نظام سلطه و دشمن آنکه تعبیر تحریم فلج‌کننده را به کار بردند و رتبه جمهوری اسلامی مقداری پایین‌تر آمده است، با این حال جزو ۲۴ و ۲۵ کشور اول قرار گرفته است. کشورهایی که هیچ‌گونه تحریمی ندارند، درهای بازی برای رشد دارند و از همه امکانات کشورهای پیشرفته برخوردار هستند، مشاهده می‌شود که یک اقتصاد وابسته‌ای دارند. کشورهایی مثل مالزی که به گفته آقای سوروس با یک چمدان دلار تمام اقتصاد آنها سقوط می‌کند. کشور کره هم همچنین است که با کمک و دوپینگی که نظام سلطه می‌کند این کار را انجام می‌دهند.

اینکه رهبر معظم انقلاب اقتصاد مقاومتی را مبتنی بر درون‌زایی، برون‌گرایی و دانش بنیان بودن بیان می‌کنند، مسیر رفته نظام علم‌کشوری است که ما

در حوزه‌های مختلف توانسته‌ایم این تجربه را داشته باشیم. رشد علم ما بالاترین رشد را داشته است. رشد اول را در صنایع هایتک و فناوری‌های پیشرفته داشتیم. در بعضی از این‌ها ما جزو سه کشور و در بعضی‌ها جزو ده کشور اول هستیم. بالاترین ظرفیت که منابع انسانی است دانشمندان ما هستند که دامنه سنی زیر ۳۰ سال دارند و فعال هستند. به همین خاطر است که دشمن درک کرده است که آپارتاید علمی، تحریم‌های اقتصادی، تهاجم نظامی و انواع ترورها جلوی پیشرفت‌های مختلف ایران را بگیرد. با این حال انقلاب اسلامی علیرغم همه مشکلات و سختی‌هایی که بوده است، در چهل سال اخیر و سال جدید هم توانسته است، تمام موانع را پشت سر بگذارد. اگر به سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، فرامین و توصیه‌های رهبر معظم انقلاب توسط مسئولین و سازمان‌های مختلف توجه شود، ما دستاوردهای بهتری خواهیم داشت. انتظارم جزو این نیست که با روحیه انقلابی و مدیریت جهادی بتوانیم این مسیر را طی کنیم.

سئوالاتی را برخی از حاضرین مطرح کردند که مقام معظم رهبری ساخت مسکن را به‌عنوان مسکن کارآفرین معرفی کردند. در این مورد به‌طور ویژه واژه مسکن کارآفرین را به کار بردند که فرمودند ساخت هر واحد مسکونی یک شغل را ایجاد می‌کند. سؤال این است که چرا در سال‌های اخیر در این حوزه اقتصادی به‌عنوان پیشران و پسران اقتصادی که نه‌تنها جهشی در راستای شعار سال صورت نگرفته بلکه غفلت هم شده است، آیا برنامه برای

این مورد مهم وجود دارد؟ همچنین سوال کردند که جهش تولید امسال بسیار ضعیف بوده است و چه جهش تولیدی بارزی امسال داشتیم؟ مجدداً سوال کردند که در خیلی از کشورها مثلاً کشورهای اروپایی که اقتصاد آزاد را مطرح می‌کنند، ولی یارانه‌های بزرگی را به بخش تولید مثل کشاورزی می‌دهند. چرا در کشور ما برای جهش در تولیدات دامی و کشاورزی یارانه‌ای داده نمی‌شود؟ در حقیقت یارانه‌ها را به تولید مولد می‌دهند که نتیجه آن را می‌توان در توسعه تولید و فراورده‌ها و نتیجه نهایی آن را مصرف‌کننده‌ها دید و می‌توان جلوی رانت‌ها را هم گرفت. این سیاست‌های درستی است که در اقتصاد مقاومتی به آن اشاره شده است و این‌ها باید علمی شود. اشاره بعدی این است که بخش تحقیق و توسعه در کشور ما ضعیف است. اقتصاد دانش بینان بند دوم سیاست‌های اقتصادی است که دانشگاه‌ها، مراکز علمی و پژوهشی باید در این زمینه فعال‌تر از گذشته باشند. مأموریت دار شدن دانشگاه‌ها هم در این زمینه مطرح است.

***جناب آقای دکتر غفاری:** در مورد نکته اول که بحث ساخت مسکن است را باید از دولتمردان پرسید که چرا به این حوزه ورود پیدا نکردند؟ و چرا اقداماتی که امکان‌ش بود و فراهم بود و حوزه مسکن اتفاقاً از حوزه‌هایی است که ما وابسته به خارج نیستیم و تحریم‌ها هم در این حوزه اثرگذاری نداشت، ولی چرا این حوزه پیشران را که می‌تواند بین ۱۵۰ تا ۳۰۰ صنعت را به دنبال خودش بکشانند و به‌عنوان پیشران عمل کند، چرا

عملیاتی نشد؟ من یک جمله عرض کنم این است که بحث دید در اقتصاد خیلی مهم است. ما دیدیم که در دوره‌ای مسکن مهر مطرح شد، هرچند که یکسری اشکالاتی داشت ولی توانست هم عده زیادی را صاحب مسکن کند و هم باعث رونق بسیاری از کسب‌وکارها شد. این دولت با آن دید مسکن مهر رابطه چندانی نداشت و جملاتی در مورد مسکن مهر از سوی وزرا مطرح شد که معروف هم شدند. این دید در حوزه اقتصاد بسیار مهم است. ما با دیدهای لیبرالی در اقتصاد به‌جایی نخواهد رسید و همین پسرفت‌ها ادامه پیدا خواهد کرد.

در بحث جهش تولید باید گفت که جهش تولید ظرف یک سال یا دو سال امکان تحقق ندارد و آن‌یک دوره‌ای دارد که هر کشور بنا بر ظرفیت‌ها، مسائل فرهنگی و زیرساخت‌ها و ظرفیت‌هایی که دارد، جهش می‌یابد. جهش تولید در کشور ما شروع شد. حالا امسال به خاطر کرونا، تحریم‌ها و بی‌تدبیری‌های داخلی جهش چندانی را شاهد نبودیم. ما امیدواریم انشا الله از سال آینده این جهش تولید ظهور بیشتری داشته باشد و مردم بتوانند آثار آن را لمس کنند.

دو کتاب در این زمینه چاپ شده که ما تقریباً پنج الی شش کشور را با جزئیات بررسی کردیم. سیاست‌هایی که این کشورها برای جهش تولید از جمله در حوزه کشاورزی در پیش گرفتند. حوزه کشاورزی، به قول حضرت آقا محور پیشرفت در کشور است و باید به این بخش یارانه داده شود. اینجا دوباره بحث دید مطرح است. در کشور ما ادعا و تمایل به

توسعه صنعتی وجود دارد به همین دلیل توجه لازم به بخش کشاورزی نشده است. این خلاف صحبت‌های حضرت آقا هم است که بخش کشاورزی را محور توسعه می‌دانند و باید به این بخش توجه شود. در حال حاضر عمده اقلام وارداتی ما به لحاظ ارزش محصولات کشاورزی، نهادهای دامی، سویا و ذرت است و این واقعاً خجالت‌آور است که کشوری با این عظمت عمده اقلام وارداتی در این تنگنای ارزی محصولات کشاورزی باشد.

***جناب آقای دکتر اسحاقی:** امروزه بحث امنیت غذایی و سلامت غذا از امور راهبردی کشورهاست که با توجه ظرفیتی که جمهوری اسلامی ایران دارد نه تنها برای تأمین نیازهای خودش بلکه برای نیازهای منطقه و بازار شش صد میلیونی منطقه و فرا منطقه هم می‌تواند عمل کند. این نیاز به داشتن استراتژی و برنامه است که در اینجا سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، زمینه و جهت گیرها را روشن می‌کند، سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی ظرفیت مردمی را مطرح می‌کند، همچنین اقتصاد دانش بینان و کاربردی کردن دانش‌ها و مأموریت‌های آنها، باید درست فعال و به کار گرفته شوند. این مسیری بود که رهبر معظم انقلاب در دو دهه اخیر به صورت مشخص توانستند راهبری نظام علمی را به سمت رتبه‌هایی ببرند که ما توانسته‌ایم جهش‌هایی را در علم داشته باشیم. در حوزه اقتصاد هم اعم از بحث اقتصاد صنعتی، اقتصاد کشاورزی و اقتصاد فرهنگ، ظرفیت‌های فراوانی وجود دارد

که در بیانات رهبر معظم انقلاب در ابتدای نشست هم آمده است. این ظرفیت‌های نهفته‌ای است که وجود دارد و باید به کار گرفته شوند و مسلماً با مدیریت جهادی و راهکاری که رهبر معظم انقلاب اشاره کردند و با دولت جوان حزب‌اللهی می‌توان به صورت فعالانه و با نشاط و با مدیریت جهادی و خستگی‌ناپذیر این مسیر را طی کرد. آقای دکتر سعیدی هم اگر نکته‌ای دارند بفرمایند.

***جناب آقای دکتر غفاری:** سؤالی پرسیدند که آیا سند علمی وجود دارد؟ سند وجود دارد. شورای عالی انقلاب فرهنگی، سیاست‌ها و برنامه‌های اقدام علمی و فناورانه و فرهنگی جهش تولید را در ۹۹/۴/۲۴ تصویب کرده است.

***جناب آقای دکتر اسحاقی:** نقشه جامع علمی کشور که مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی است یک نقشه جامعی است که علم، فناوری و نوآوری را در عرصه‌های مختلف مورد هدف‌گذاری قرار داده است. ما سندهای علمی و تخصصی که در آنها اهداف کمی مشخص برای در اختیار گرفتن رتبه‌های منطقه‌ای و جهانی وجود داشته باشد، داریم. در حوزه‌های هوافضا، گیاهان دارویی، نانو، بیو و بعضی از امور مهم دیگر ما این سندها را که خیلی عملیاتی هستند، در اختیار داریم. هم اکنون هم در شورای عالی انقلاب فرهنگی بحث سند امنیت غذایی و سند کشاورزی با هدف‌گذاری امنیتی و سلامت و دسترسی و توسعه آن وجود دارد و امکان‌پذیر هم است.

با اعمال این سیاست‌ها و به‌کارگیری روش علمی و اقتصاد دانش بینان این شدنی است و تحولی هم باید در این عرصه‌های صورت گیرد. بحث تحولی که رهبر معظم انقلاب در ۱۴ خرداد امسال بیان کردند و گفتند که امام، امام تحول هستند، این تحول‌ها باید در روش‌ها و در سازمان‌ها و فرایندها ایجاد شود و باید به کار بگیریم. ما ظرفیت و استعداد فراوان هم انسانی و هم منابع مادی داریم. خداوند به اندازه کافی برای همه ملت‌ها در سرزمین‌های خودشان این امکان را فراهم کرده است. در ایران هم همین‌طور است. وضعیت ژئوپلیتیکی که ایران دارد از نظر دریایی، از نظر منطقه‌ای چیزی نیست که بشود از آن دست کشید یا آن را نادیده گرفت.

نظام سلطه و کشورهای غربی می‌خواهند یک واقعیتی را انکار کنند و در این زمینه فشار بی‌آورند. ذات دشمن دشمنی است و نباید به آن اعتماد کرد. ویژگی‌های مکتب امام خمینی و انقلاب اسلامی را که از منظر رهبر معظم انقلاب بیان کردم، یکی از آنها در مورد دشمن‌شناسی و فریب نخوردن از دشمن و اعتماد نکردن به دشمن در عرصه‌های مختلف است. با این حال جمهوری اسلامی اهل تعامل است. می‌تواند الهام‌بخش باشد و برنامه دارد. ولی در مقابل سلطه ایستادگی می‌کند و در این ایستادگی خودش موفق بوده و قاطع است و به آن ایمان هم دارد.

*پژوهشگر: بحث‌های اقتصاد مقاومتی انجام شده و سیاست‌هایی تدوین شده است. اقتصاد می‌تواند کارا و موفق باشد. همه امکانات را داریم ولی

انجام نشده است و خوب پیش نرفته است. چراکه دولت مسئول بوده است و همه را به زمین دولت پاس دادیم. حالا اگر دولت‌ها هیچ کدامشان خیلی اهمیتی به قضیه اقتصاد نکردند مثل این دولت که حضرت آقا چندین بار تذکر داده است که توجه کنید و نیروهایی که اعتقاد به حوزه اقتصاد مقاومتی دارند را به کار بگیرید، چه باید کرد؟ علیرغم تأکیدی که داشتند به این دولت، این دولت هم زیر بار نرفت و انجام نداده است، حالا باید چه کاری انجام داد؟ دولت اگر قبول نکرد چگونه می‌توانیم به دولت و مجموعه دست‌اندرکاران فشار آورد؟

من خودم یک کاری را در بحث رصد از نگاه حضرت آقا در حال انجام هستم. حضرت آقا رصد را به سه دسته تقسیم می‌کنند: رصد موردی، رصد دائمی و رصد مستمر. حضرت آقا در بحث رصد دائمی می‌فرمایند که تمامی سیاست‌هایی که تدوین می‌شوند مجموعه‌ها اولاً خودشان باید مسئول باشند. در بحث ستاد اقتصاد مقاومتی می‌فرمایند که خودتان یک مرکز رصد اقتصاد مقاومتی را تشکیل بدهید و مرتباً رصد کنید و مرحله به مرحله با شاخص‌ها، این را به مردم اعلام کنید. از نظر رهبر معظم انقلاب مردم باید مخاطب باشند چراکه آگاهی عمومی باعث تنویر افکار عمومی می‌شود و تنویر افکار عمومی خودش یک فشاری روی مجریان ایجاد می‌کند که آنها، کار را انجام دهند.

بحث مرکز رصد را دولت انجام نمی‌دهد. (این در حالی است که) حضرت آقا در بحث اصل ۴۴ و در (سند) چشم‌انداز با تأکید این قضیه را مطرح

می‌کنند. من پیشنهاد می‌کنم که خود موسسه یک مرکز رصدی دایر کند و شاخص‌های تمام این مباحث را استخراج کند و سال به سال این سیاست‌ها را رصد کند و وضعیت پیشرفت کشور را گزارش دهد. این خودش باعث می‌شود که فشاری بر مجریان باشد که این کار را انجام دهند. حضرت آقا در بحث عدالت، به مجلس این پیشنهاد را می‌دهد که مرکز رصدی را تشکیل بدهید، شاخص‌های عدالت را استخراج کنید و هر سال بسنجید و وضعیت پیشرفت کشور را اعلام کنید.

***جناب آقای دکتر اسحاقی:** البته وظیفه دولت‌هاست که این سیاست‌ها را توجه و اعمال کنند و گزارش هم بدهند. این یک مطالبه عمومی هم در این زمینه است. البته این گونه هم نیست که دولت‌ها نخواهند این سیاست‌ها را عملیاتی نکنند. به هر حال ممکن است که نوع نگاه و برنامه‌های آنها متفاوت باشد. این مطالبه‌گری و فشار آوردن، فرهنگ‌سازی و تبدیل شدن به یک گفتمان حتماً یک امر ضروری است و ما هم می‌توانیم با نشست‌هایی مسئولین مرتبط را دعوت کنیم تا در این زمینه روشن‌گری کنند. در بحث آن مرکز رصدی که اشاره کردید که بتواند در حوزه‌های مختلف بر اساس شاخص‌هایی رصد کند و به صورت مستند، گزارش‌های راهبردی ارائه کند و در اختیار مسئولین و همگان بگذارد و فاصله‌ها را با وضع مطلوب و انحراف‌هایی که وجود دارد را به موقع (بررسی کند) تا در اصلاح مسیرها



مؤثر باشد، نکته خوبی است. اما باید در مورد چگونگی و سازوکار آن گفتگوی بیشتری شود.

۳. خودباوری علمی، اعجاز انقلاب اسلامی

*جناب آقای دکتر اسحاقی: این نشست علمی به مناسبت دهه مبارک فجر برگزار می‌شود؛ ایام‌الله دهه فجر که ۴۱ سال از آن می‌گذرد و ملت بزرگ و مسلمان ایران به رهبری بزرگ‌مردی از خاندان نبوت امام خمینی، انقلاب را شروع کردند که طلیعه آن پیروزی‌هایی در عرصه‌های فرهنگی، علمی، اجتماعی و سیاسی و منطقه‌ای در بر داشته است و در عصر حاضر زبانه‌زدن خاص و عام در این زمینه‌هاست. ما در ده شبی که چند شب آن گذشته است به بازخوانی و تبیین برخی از مسیرهای رفته و پیش روی ملت بزرگ ایران در مسیر حرکت به سمت تمدن نوین اسلامی و ایرانی در ذیل اندیشه، سیره، شخصیت و عملکرد حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبری معظم انقلاب اسلامی پرداختیم.

در شب اول ما در مورد مکتب امام از منظر رهبری معظم انقلاب هم در گفتار و عمل بحث کردیم. این مکتب و شخصیت امامین انقلاب به خاطر اینکه ریشه در هدایت و رهنمودهای قرآنی داشته است انطباق بالایی در هم داشته است و به همین دلیل تداوم رهبری امام را در تأسیس انقلاب اسلامی و پیشبرد آن شاهد هستیم. آن نهالی که امام غرس کردند، امروزه رشد فزاینده آن را در عرصه‌های مختلف می‌بینیم. یکی از این عرصه‌های مهم بحث علم و فناوری است. علم و فناوری یکی از گفتمان‌های اصلی در منظومه فکری رهبر معظم انقلاب است. راهبری نظام علمی کشور



تاکنون به گونه‌ای بوده است که جمهوری اسلامی ایران در رتبه‌های برتر جهانی در صنایع پیشرفته و علوم پیشرفته قرار گرفته است و این زبان زد خاص و عام است.

امروزه ایران با برخورداری از یک درصد جمعیت جهان، بیش از یک درصد تولید علم جهان را بر عهده دارد. رشد علم در جمهوری اسلامی ایران در دو دهه اخیر به گونه‌ای است که ۱۵ تا ۱۶ برابر بالاتر از کشورهای پیشرفته رشد علمی داشته است و در صنایع پیشرفت‌های که به بخش‌هایی از آن خواهیم پرداخت ایران به مدد دانشمندان و اتکا به ظرفیت‌های علمی، دانشگاهی و حوزوی خود توانسته است در برخی از صنایع، علوم پیشرفته و هایتک به رتبه اول تا سوم برسد. در برخی از اینها جزو ده کشور اول است و در برخی از علوم پیشرفته تا رتبه بیستم را به خود اختصاص داده است. در برخی از صنایع پیشرفته جزو کشورهای است که زبانزد خاص و عام است و در تراز علم جهانی است. امروزه دستاوردهای حوزه علم و فناوری که ذیل رهبری معظم انقلاب شکل گرفته از خط‌مشی‌ها و اسناد راهبردی در این عرصه گرفته تا تعیین اولویت‌ها تا حمایت از جریان علمی، معلوم است که این حمایت و رهبری در عرصه‌های مختلف وجود داشته است. این دوراندیشی که حضرت امام (ره) داشتند و رهبری انقلاب آن را ادامه داده و تعمیق بخشیدن، امروزه میوه‌های آن را می‌توان در عرصه‌های مختلف چید.

یک بخشی از این پیشرفت‌های مربوط به همین کووید ۱۹ و گسترش ویروس کرونا در جهان است که جمهوری اسلامی به مدد دانشمندان و جوانان خودش موفق عمل کرده و در تولید واکسن جزو هفت کشور اول جهان است. در تولید واکسن کووید ۱۹ هم پیشرفت‌هایی داشته است و در کنار ۴-۵ کشور جهان است که امروز انشا الله بیشتر به آن خواهیم پرداخت. در خدمت جناب آقای دکتر طیبی رئیس محترم جهاد دانشگاهی هستیم که به آخرین دستاوردهای جهاد دانشگاهی در عرصه‌های علم و فناوری و نوآوری اشاره خواهند کرد. جهاد مولود انقلاب است و در اوایل سال‌های بعد از پیروزی انقلاب در همه دانشگاه‌ها و همه نهادهای علمی شکل گرفت. جهاد امروز خط‌شکن عرصه‌های مختلف مورد نیاز کشور است و علم کاربردی و راهبردی در دستور کار آن قرار دارد. در بخشی از نشست هم‌نکاتی را جناب آقای دکتر جلیلی عضو هیئت‌علمی دانشگاه تهران در مورد پیشرفت‌های علمی کشور در عرصه تولید واکسن کووید ۱۹ مطرح خواهند کرد. بنابراین علی‌رغم اینکه بعضی از بدخواهان سعی می‌کنند در موضوع پیشرفت‌های علمی ایران تردید ایجاد کنند، ولی در عمل می‌توان واقعیت‌های آن را در صحنه دید. در صنعت هسته‌ای کشور ما جزو کشورهای تولیدکننده اورانیوم و همچنین ساخت سانتریفیوژهای پیشرفته است. به‌طور کلی در صنعت هسته‌ای تمام تجهیزات مورد نیاز، توسط دانشمندان جوان و اساتید دانشگاه‌های ایران ساخته است که تمام تحصیلاتشان هم در دانشگاه‌های ایران بوده است. جناب آقای دکتر جلیلی،

به عنوان یک نمونه به پیشرفت‌ها و مسیرهایی که همانند کشورهای پیشرفته، ما در ساخت تولید واکسن کووید ۱۹ طبق آخرین پروتکل‌های جهانی داشتیم، اشاره خواهند کرد.

دکتر صفاری نیا رئیس محترم پارک علم فناوری پردیس، دستاوردهایی که کشور در عرصه راه‌اندازی پارک‌های علم و فناوری در تراز جهانی و فعال شدن گروه‌های مختلف دانشمندان جوان در مراکز علم و فناوری، در مراکز رشد و همچنین کارخانه‌های نوآوری و پارک‌های علم و فناوری داشته است را بیشتر تبیین خواهند کرد. در واقع این مسیری برای توسعه، پیشرفت و گفتمان علمی است که رهبری معظم انقلاب تبیین کردند و بر آن اصرار دارند و به گونه‌های مختلف حمایت کردند و ما می‌توانیم مسیرهای تعالی آن را هم ببینیم.

نهایتاً جناب آقای دکتر زلفی گل، از دانشمندان کشور و هیئت علمی دانشگاه بوعلی همدان، به آخرین دستاوردهای کشور را در علوم پایه که در مرزهای دانش جهانی است، اشاره خواهند کرد. پیشرفت‌های علم و فناوری جمهوری اسلامی ایران، دانشمندان و جوانان ما به گونه‌ای بوده است که نظام سلطه پیشرفت‌های علمی جمهوری اسلامی را در عرصه‌های مختلف بر نمی‌تابد. اصل انقلاب، خیزش و استقلال خواهی و اینکه می‌خواهیم روی پای خودمان به ایستیم و ملت مستقل باشیم، برنتابید، در عرصه علم نیز همین‌گونه است. ولی جوانان این مرزوبوم تحت زعامت رهبری معظم انقلاب توانست مرزهای دانش را گسترش دهند. این جوانان برخلاف

خواست استکبار جهانی که تحریم‌های همه‌جانبه‌ای را حتی در عرصه علم ایجاد کردند و به یک نوع آپارتاید علمی دست زدند، توانستند این مرزهای را بشکنند و در گسترش مرزهای دانش هم نقش آفرین باشند. این مسیر ادامه دارد و حتماً تعمیق پیدا خواهد کرد و کمیت و کیفیت آن می‌تواند گسترش پیدا کند. دستاوردهای علمی جمهوری اسلامی در صنایع هوافضا، نظامی و پزشکی، سدسازی، کشاورزی هوشمند و در عرصه‌های مختلف می‌توان گفت که در مرز و تراز جهانی قرار دارد و بیش از گذشته هم باید این پیشرفت‌ها را ادامه دهیم. هرچند در این مسیر مشکلات و نارسایی‌های هم وجود دارد که باید به آنها هم بپردازیم.

برای اینکه فرصت گفت‌وگویی بیشتری در محضر عزیزان داشته باشیم، به جناب آقای طیبی رئیس محترم جهاد دانشگاهی خوشامد عرض می‌کنم. دکتر طیبی از اول تشکیل جهاد در دانشگاه‌ها و مراکز مهم علمی حضور داشتند و از نزدیک شاهد این پیشرفت‌ها و تعالی‌ها بوده‌اند و از این حرکت علمی حمایت کردند و سعی کردند که جهاد را به عنوان یک عنصر پیشرفته در طراحی‌های نظام عملی کشور و راهبری آن مدیریت کنند. جهاد دانشگاهی که در همه دانشگاه‌ها و در همه ظرفیت‌های علمی، علوم انسانی، علوم پایه و نوآوری فعال بوده است و به عنوان مولود انقلاب است، باید پیشرفت‌های آن در معرض دید جوانان قرار گیرد. بزرگ‌ترین خدمتی که امام به ملت ایران و جوانان کرد باور به این است که ما می‌توانیم. احیای هویت ملت ایران و جوانان که جنبه‌های مختلفی دارد، پیشرفت‌های علمی

که باعث غرور، امید و اعتماد به نفس ملی می‌شود (از ثمره‌های این باور می‌باشد). در خدمت دکتر طیبی هستیم.

آخرین دستاوردهای علم و فناوری انقلاب اسلامی

*جناب آقای دکتر طیبی: سخنم را با این کلام امام علی (علیه السلام) شروع می‌کنم که فرمودند: الْعِلْمُ سُلْطَانٌ مَنْ وَجَدَهُ صَالِحًا بِهِ وَ مَنْ لَمْ يَجِدْهُ صَالِحًا عَلَيْهِ (دانش، سلطنت و قدرت است، هر که آن را بیابد با آن یورش برد و پیروز شود، و هر که آن را نیابد بر او یورش برند و مغلوب گردد). امروز هم در دنیا ملاک اصلی سنجش اقتدار اقتصادی و اقتدار دفاعی کشور فناوری و کاربردی کردن آن در رسیدن به اقتدار اقتصادی دانش‌بنیان و اقتدار دفاعی دانش‌بنیان است که بتوانند رقابت و روزآمدی خودشان را حفظ کنند.

رهبر معظم انقلاب فرمودند که غربی‌ها خودشان با پیشرفت (دیگران) در حوزه علمی و فناوری جلوگیری می‌کنند. (غرب) تبلیغاتی را در مورد عدم خودباوری جوامع دیگر انجام می‌دهد و این را (القا می‌کند) که حلال همه مشکلات، جوامع غربی هستند. با پیروزی انقلاب و دمیده شدن روحیه خودباوری توسط امام خمینی (ره) این نگرش در بین جوامع دانشگاهی و جوانان (شکل گرفت) که بتوانیم (این عقب‌ماندگی) را جبران کنیم. راه اصلی، ایجاد خودباوری در نسل جوان ما بود.

(در سال ۱۳۵۸ جهاد سازندگی تأسیس شد) که درصدد رفع محرومیت‌ها در روستاها و نقاط (دورافتاده در ایران بود). وقوع انقلاب فرهنگی فرصت مناسبی را برای تشکیل این نهاد انقلابی (جهاد دانشگاهی) در سال ۱۳۵۹ به وجود آورد. متأسفانه شروع (جنگ تحمیلی) و (مباحث) لجستیک جنگ (باعث شد که) انجام فعالیت‌های فناورانه در تأمین لجستیک جنگ اختصاص پیدا کند. در حوزه غیرنظامی فعالیت‌های خودمان را در حوزه فنی و مهندسی، کشاورزی، پزشکی و علوم انسانی و اجتماعی شروع کردیم. اولویت اصلی تولید فناوری‌های مورد نیاز کشور و رفع عقب‌ماندگی‌هایی بود که کشور در زمینه تولید فناوری ملی داشت. صنعت ما یک صنعت مونتاژی بود که دانش و تجهیزات آن عموماً توسط خارجی‌ها تأمین می‌شد و ما در کشور فقط مونتاژ می‌کردیم.

اولویت دوم ما این بود که باید به تحولات علمی و فناورانه روز دنیا هم توجه شود و فاصله خودمان را با آنها پرکنیم. در حوزه پزشکی کار را با درمان ناباروری شروع کردیم. باید هم فعالیت علمی انجام می‌دادیم و با تحقیقات کاربردی که به دانش دست پیدا کنیم و هم اینکه این دانش را در قالب محصول و خدمات به بالین بیاوریم. خوشبختانه این کار با موفقیت بسیار زیاد انجام شد. در زمانی که بسیاری از مردم ما برای درمان ناباروری البته آنهایی که تمکن مالی داشتند به خارج از کشور می‌رفتند، امروز درمان ناباروری به‌طور کامل در کشور انجام می‌شود و پژوهشگاه رویان جهاد دانشگاهی جزو ده موسسه برتر دنیا در زمینه درمان ناباروری است.

در نگاه به علوم نوین و آینده علمی، ما بحث سلول‌های بنیادین را خیلی زود و هم‌زمان با دنیا شروع کردیم. به لطف خود و تلاش جهادی توانسته‌ایم در مرز علم حرکت کنیم و علم خودمان را تبدیل به فناوری کنیم و این فناوری را در زمینه سلول‌های بنیادین به بالین بیاوریم. امروز سلول درمانی انجام می‌دهیم. کار جدید ما استفاده از سلول درمانی در درمان پارکینسون بود که فاز آزمایشگاهی و فاز مطالعه حیوانی آن با موفقیت کامل به پایان رسیده است و محقق ارزشمند ما دکتر بهاروند موفق به دریافت جایزه مصطفی شدند. در زمینه سرطان پستان هم به موفقیت‌های بسیار خوب فناورانه و درمانی دست پیدا کردیم.

در حوزه فنی و مهندسی یکی از فعالیت‌هایی که شروع شد ساخت فرستنده‌های رادیویی بود که قبلاً در این زمینه وابستگی وجود داشت. امروز توان ساخت انواع فرستنده‌های رادیویی را در موج کوتاه و متوسط و در بالاترین قدرتی که در دنیا تولید می‌شود، وجود دارد و نه تنها توانایی تأمین نیازهای کشور را داریم بلکه به کشورهای مختلفی هم صادر کردیم. در صنعت نفت ایران که جزو صنایع مادر کشور است تقریباً هایتک‌ترین فناوری‌های مورد نیاز این صنعت را تولید شد. امروز دانش طراحی و ساخت دکل‌های حفاری نفت و گاز در کشور وجود دارد. امروزه جهاد مته‌های حفاری را که یکی از پیشرفته‌ترین تجهیزات در صنعت نفت و گاز ایران هستند را با دانش صد درصد ایرانی می‌سازد.

کار جدیدی که در حال انجام است و جزو فناوری‌های بسیار پیشرفته است، طراحی و ساخت سیستم‌های رانش واگن‌های مترو است. مترو در کشور ما و در شهرهای بزرگ به سرعت در حال پیشرفت است و ایران واگن‌ها را عمدتاً از خارج از کشور وارد می‌کند و در حال حاضر این قابلیت وجود دارد که بدنه تعداد کمی از واگن‌ها در داخل کشور ساخته شود. با کمک معاونت علمی و فناوری یک پروژه تحت عنوان طراحی و ساخت یک رام قطار هفت واگن مترو، طراحی شد که امیدواریم تا پایان اسفندماه آزمایش نهایی آن را انجام شود. پیشرفته‌ترین قسمت این واگن، یعنی دانش طراحی و ساخت سیستم رانش واگن‌های مترو که از آن به عنوان مغز، قلب و بازوی واگن‌های مترو یاد می‌شود، این دانش به‌طور موفقیت‌آمیزی به دست آمده است و انشاالله این واگن به‌زودی تست خواهد شد.

در حوزه کشاورزی فعالیت‌های ارزنده‌ای وجود دارد. یکی در زمینه اصلاح نژاد دام سبک و سنگین ایران است چراکه ما یک کشوری هستیم که ۱. آب‌وهوای خشک داریم، ۲. مشکل علوفه داریم. بنابراین برای رفع وابستگی‌های کشور در حوزه واردات کره و گوشت، باید نژاد دام را به روش علمی اصلاح کرد و این دانش در جهاد دانشگاهی وجود دارد. با کمک سازمان اوقاف شرکتهای را ایجاد شد تا این فناوری به‌طور وسیع در اختیار دامداران صنعتی و نیمه‌صنعتی خودمان قرار گیرد. اصلاح نژاد دام‌های سبک و سنگین به روش کنونی بر اساس دانشی که در پژوهشگاه

رویان به دست آوردیم، انجام می‌شود. همچنین فعالیت بسیار موفقی را در زمینه تولید بذره‌های هیبریدی، بذرهایی با بهره‌بروی بسیار بالا داشتیم. هدف از بیان بخشی از توانمندی‌های جهاد دانشگاهی این بود که ما توان انجام کارهای بزرگ را در کشور داریم. تلاش کردیم با الگوسازی، در نسل جوان خود، ایجاد خودباوری کنیم و این خودباوری خوشبختانه مؤثر واقع شد و امروز حجم کارهای بزرگ علمی و فناورانه‌ای که در کشور انجام می‌شود شاهد این است که این خودباوری در نسل جوان و در مردم ما ایجاد شده است.

قبل از انقلاب سطح سواد مردم حداکثر ۴۷ درصد بود و امروز این رقم بالای ۹۲ درصد رسیده است و (مابقی هم) جمعیت سالخورده هستند که علاقه‌ای به تحصیل ندارند. قبل از انقلاب نمایش داشتن اراده در کشور را وجود داشت ولی کسان دیگری بودند که کشور را اراده می‌کردند. به‌طوری که بالای ۲۴ هزار مستشار خارجی در کشور حضور داشتند، ولی امروز یک کشوری مستقل در اداره کشور هستیم. تعداد دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور در قبل از انقلاب حدود ۲۳۲ دانشگاه بود و در سال ۱۳۹۹ این رقم به حدود ۲۵۴۰ دانشگاه رسید. تعداد دانشجویان قبل از انقلاب ۱۷۵ هزار نفر بودند که این رقم به بالای ۴ میلیون دانشجو رسیده است که در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری در کشور در حال تحصیل هستند. دانش‌آموختگان خانم از ۶ درصد در سال ۱۳۵۷، امروز به بالای

۴۵ درصد رسیده است و ۲۳ درصد از زنان ایرانی دارای تحصیلات عالی در سطح کارشناسی ارشد و دکتری هستند.

با ضرس قاطع اعلام می‌کنم که با حمایتی که رهبر انقلاب از پیشرفت دانش بینان کشور دارند و انجام می‌دهند ما در فرصت کمی در حداکثر با دو برنامه پنج‌ساله می‌توانیم به تمامی اهداف انقلاب اسلامی، شهدا، امام و مقام معظم رهبری برسیم. به هر حال این نیاز دارد که این اتکا به توان ملی بیشتر و بیشتر شود و این ظرفیت عظیمی که انقلاب در کشور ما ایجاد کرده است در جهت رسیدن به تحقق اهداف انقلاب استفاده شود.

***جناب آقای دکتر اسحاقی:** آقای دکتر بحثی را شما در مورد دکل‌های نفتی یک‌بار در صحن عالی شورای انقلاب فرهنگی اشاره کردید و گفتید که تکنولوژی ساخت دکل‌های نفتی نه تنها رسیده بلکه ساخته هم شده است. با این حال وقتی که به سمت خرید کالاهای خارجی می‌روند، این فرصت‌ها کمتر در اختیار نظام علمی کشور و جوانان قرار می‌گیرد.

***جناب آقای دکتر طیبی:** مشکلاتی که در کشور وجود دارد، این است که علاوه بر بحث عدم باور به توان داخلی که حاصل همان کار فرهنگی است که غربی‌ها سال‌ها روی ما انجام دادند، بحث درآمد آسان نفت هم بوده است که باعث شد مسئولین به فکر خرید سریع دانش و تجهیزات از خارج از کشور باشند تا زودتر خدمات را ارائه دهند. به هر حال انقلاب ما انقلابی

است که با شعار نه شرقی و نه غربی به پیروزی رسیده است، یقیناً ما در غرب و شرق دشمن داریم و باید اقتصاد و دفاع کشور را با اتکا به توان ملی تقویت کنیم. لذا این طوری نباید باشد که چون منابع مالی ارزان داریم باید به سمت خارجی‌ها رفت.

دو مثال عینی وجود دارد که چگونه خارجی‌ها درصدد هستند همین الآن از توسعه علمی و فناوری کشور جلوگیری کنند، در واقع اینها موضوعاتی هستند که برای جهاد دانشگاهی به وجود آمده است. در حوزه پزشکی در زمینه درمان ناباروری بیان شد که در حال حاضر ۱۷ هزار سیکل درمان در کشور انجام می‌شود و حدود ۵۰ درصد سیکل درمان کشور است. یعنی چیزی حدود ۱۶۰-۱۷۰ مرکز وجود دارد ولی ۵۰ درصد سیکل توسط ۹ مرکز ما انجام می‌شود که بخشی از آن به خاطر روحیه جهادی است که در مجموعه جهاد حاکم است. در بحث تشخیص درمان سرطان هم وضعیت خوبی وجود دارد. در زمینه سلول درمانی محصولات بسیار متعددی تولید شده است. در زمینه کرونا هم فکر می‌کنم که اولین کیت تشخیص کرونا در جهاد دانشگاهی ساخته شد. به فرمان رهبر معظم انقلاب برای حفظ ذخایر ژنتیکی کشور یک مرکز ملی ذخایر ژنتیکی کشور تشکیل شد که این ذخایر به صورت استاندارد نگه‌داری می‌شوند و بعد در خدمت تحقیق و توسعه در کشور قرار می‌گیرند. در زمینه دارویی که یکی از مزیت‌های اصلی کشور است، هم در زمینه دانش بومی‌سازی و دانش تکثیر علمی و

هم در زمینه تولید داروهای گیاهی فعالیت‌های ارزنده‌ای در جهاد دانشگاهی انجام شده است.

در حوزه کشاورزی یکی از فعالیت‌هایی که جهاد در دست اجرا دارد مربوط به تولید مجموعه زنجیره فناوری‌هایی برای پرورش ماهی در قفس است. بر اساس برنامه ششم توسعه و همچنین برای امنیت غذایی کشور باید سالانه بیش از ۲۰۰ هزار تن ماهی تولید شود که در اینجا تور، قفس، بچه ماهی، غذا و دارو از خارج از کشور وارد می‌شود. در زمینه اصلاح نژاد دام جهاد دانش تکثیر دام‌های سنگین را به دست آورده است و در حال حاضر در سطح وسیعی تولید می‌شود. همچنین در اصلاح دام‌های سبک نیز اقداماتی صورت گرفته است که یکی از این روش‌ها کلونینگ یا شبیه‌سازی است که این کار با موفقیت در جهاد در حال انجام است.

در حوزه فنی و مهندسی فرستنده‌های رادیویی طراحی و تولید شدند. FM و MW و بزرگ‌ترین قدرت که هزار کیلووات است، توان طراحی و ساخت آنها در جهاد وجود دارد. انواع و اقسام تجهیزات برقی مورد نیاز صنایع مختلف کشور همچون صنعت برق، نفت و پتروشیمی در حال ساخت هستند. جهاد در سال ۱۳۷۸-۷۹، دانش مبدل فرکانسی موتورهای دور متغیر را به دست آورده است که این دانش برای انتقال برق به صورت DC است. یک‌زمانی قرار بود در عسلویه نیروگاه‌ها را تأسیس کنیم. برای اینکه از عسلویه به اقصا و نقاط کشور برق را انتقال دهیم، منطقی بود که برق تولیدی که AC است به DC تبدیل شود و بعد از ارسال دوباره DC را

به AC تبدیل کنیم. این کانورت کردن (تبدیل کردن) و اینورت کردن (معکوس کردن) نیاز به یک تکنولوژی داشت که این دانش را به دست آوردیم. این دانش چیزی شبیه همان سلول‌های بنیادین در حوزه فنی و مهندسی و حوزه الکترونیک قدرت بود و یک کار هایتکی محسوب می‌شود.

در صنعت نفت قرار شد کار بزرگی را انجام بدهیم و توربین‌های قدیمی را که پمپ و کمپرسور بودند را با موتورهای دور متغیر جایگزین کنیم. مدیران وقت به ما گفتند که شما باید با دو تا از شرکت‌های اروپایی همکاری کنید. وقتی ما اینها را آوردیم و آزمایشگاه را به آنها نشان دادیم، اینها به قدری متعجب شدند و گفتند اصلاً امکان ندارد که با شما همکاری کنیم و دانش همین چیزی است که شما دارید. اینها گفتند که شماها می‌خواهید با اسم ما (شرکت‌های اروپایی) وارد صنعت خودتان شوید و ما این شانس را به شما نمی‌دهیم. خیلی عجیب بود که حاضر بودند بازار بسیار بزرگی را از دست بدهند ولی اجازه ندهند ما وارد بازار صنعت خودمان شویم. ولی ده سال مقاومت کردیم و ده سال طول کشید که در سال ۹۲ این تجهیز را ساختیم و وارد بازار ایران کردیم.

جهاد قطعات حفاری را با دانش بومی خودش ساخت. این قطعات جزو پیشرفته‌ترین دانش است و این مته‌ها برای استفاده در صنعت نفت ایران در حال ساخت هستند. نفتی که از درون چاه به سطح زمین می‌آید حجم زیادی آب و آب‌نمک دارد و این آب و آب‌نمک باید جدا شوند تا نفت قابل

ارسال به پالایشگاه‌ها و صادرات باشد. در یک پایلوت ۲۵ بشکه در روز یک کارخانه نمک‌زدایی را به‌طور کامل ایجاد کردیم و دانش آن را به دست آوردیم و با صنعت نفت ایران قراردادی منعقد شد که یک مجموعه ۵۰ هزار بشکه‌ای را برای آنها بسازیم. انواع و اقسام مواد شیمیایی برای صنعت نفت ایران ساختیم که در حال حاضر هم ادامه دارد.

یکی از چیزهایی که در کشور خود برای صاحب دانش شدن غفلت می‌کنیم، این است که بازار کشور را نزدیک صدسال رایگان در اختیار خارجی‌ها قرار دادیم، در صورتی که باید بازار را در مقابل انتقال فناوری در اختیار خارجی گذاشت. جهاد مجوز ساخت سه دستگاه دکل را گرفت و برای ۴۵ درصد دانش اصلی‌ای که بود ما ۵۵ درصد، البته ۵۵ درصد همه آن چیزی نبود که باید از خارج بخریم، چهار تجهیز اصلی که باید از خارج می‌خریدیم به این دلیل بود تولید آن در آن مقطع زمانی اقتصادی نبود و ما در مقابل خرید آن تجهیزات ۴۵ درصد امتیاز انتقال دانش را گرفتیم. همان طوری که می‌دانید آنها دانش را که انتقال نمی‌دهند فقط نقشه را انتقال می‌دهند. لذا دانش را باید فهم کنید و ارتقا دهید تا بتوانید دانش را متعلق به خودتان کنید. در حال حاضر ما صاحب دانش در حوزه طراحی و ساخت دکل‌های حفاری در کشور هستیم.

دانش طراحی و ساخت غبارگیرهای صنعتی همچون بگ فیلتر و الکترو فیلتر و پروژه‌های خنک‌کن را به‌صورت پایلوت به دست آوردیم و اجازه ندادند که وارد صنعت ایران شویم. بالاخره وزیر وقت را قانع کردیم که ما

را به عنوان پیمان کار اصلی وارد کنند و ما یک ساب کانترکتور خارجی داشته باشیم که حتی آن بیسیک را طراحی کند و ما ساخت داخلی را انجام بدهیم. به قدری به سرعت به دانش مسلط شدیم و دانش را ارتقا دادیم. وقتی آنها متوجه شدند، ما را به آن کشور خارجی فراخواندند و به صراحت به من به عنوان رئیس وقت گفتند همان طوری که شما نه تنها نباید غنی سازی کنید، شما نباید وارد طراحی شوید. شما نه تنها به سطح ما رسیدید بلکه ارتقا هم دادید. اتفاقاً با خود آنها نیز در یک کشور خارجی رقیب شدیم و برنده هم شدیم. در حال حاضر سومین الکترو فیلتر بزرگ دنیا و بزرگ ترین الکترو فیلتر خاورمیانه را ما به صورت صد درصد طراحی و ساخت داخلی برای گندله سازی سه چاهون در استان یزد با دو میلیون متر مکعب هوای ورودی ساختیم که کار بسیار ارزشمندی به لحاظ تکنولوژی است.

سیستمی که در حال حاضر برای متروهای کشور کار می شود، سیستم رانش مترو است و واقعاً کار فوق العاده و هایتک است. انشا الله در اسفندماه قطار وارد تست های خودش می شود. فناوری های هایتک بسیاری زیادی را در دست تولید داریم. دانش تولید نشاسته، حفاری، سبب زمینی، پارچه هایی برای بک فیلترها که دانش پیشرفته هستند و پارچه های نسوز هستند و همچنین بحث ساخت کاتالیست خودرو را در دستور کار داریم که یک کار هایتک محسوب می شود.

ساخت موتورهای درون چاهی نمونه دیگری از این پیشرفت های محسوب می شود. وقتی چاه های نفت به نیمه عمر خودشان می رسند فشار گاز از روی

آنها برداشته می‌شود و نفت به سطح زمین نمی‌آیند. بلکه باید الکترو پمپ‌هایی به درون چاه فرستاده شود تا در عمق ۲۰۰۰-۳۰۰۰ متر و در دما بالا و با ضریب اطمینان بالا کار کنند. این موتورها جزو محصولات هایتک و تحریمی هستند. بخش اصلی دانش را به دست آوردیم. در بحث حفاری‌های جهت‌دار و افقی، هیدرو موتورها را در حال ساخت هستیم، البته ساخته شده و برای تست ارسال شد.

در بحث کشاورزی نیز دانش‌هایی برای مقابله با کرم خراط را به دست آوردیم که بسیاری از درختان گردو و میوه به خاطر این کرم آسیب‌های زیادی دیدند. همچنین بذره‌های هیبریدی کاهو، گوجه‌فرنگی، خیار و فلفل را در دست تولید داریم. مجموعه پایلوت و گلخانه ۵ هزار متری که البته اینها فقط برای پایلوت هستند و بذر باید در گلخانه‌های بزرگ‌تری تولید شوند. سعی داریم دانش تولید بچه ماهی را به دست آوریم و متعهد به تولید ۵ میلیون بچه ماهی هستیم.

به هر حال اینها بخشی از فعالیت‌ها بود چون فرصت کم است، به همین بسنده می‌کنم. اینها بیان‌کننده آن است که توان انجام کارهای بزرگ در کشور را داریم. حوزه علوم انسانی فرصتی نبود ولی در حوزه علوم انسانی هم کارهای بسیار ارزنده‌ای انجام شده است. در حوزه آموزش انجام شد. حضرت آقا در سال ۱۳۹۲ گله کردند که غربی‌ها از طریق آموزش زبان انگلیسی سعی دارند فرهنگ خودشان را منتقل کنند. در جهاد خیلی صحبت شد و مجموعه‌ای را تشکیل دادیم که هشت مجموعه انگلیسی که مسما آن

وجود امام هشتم (ع) است، تولید کنیم. کار بسیار ارزنده‌ای بود که در حال حاضر وارد بازار آموزش کشور شده است.

***جناب آقای دکتر اسحاقی:** آقای دکتر طیبی از دانشمندان کشور هم در عرصه علم و هم به خاطر پیاده‌سازی آنها و علاقه‌مندی و دلسوزی‌ای که دارند، هستند. علی‌رغم اینکه دشمنان در صحنه مشکلاتی را ایجاد کردند، تحریم‌هایی که به وجود آوردند، ترور دانشمندان و خرابکاری در تأسیسات را در پیش گرفتند، با این حال علم مسیر حرکت خودش را ادامه داد. از آنجایی که دشمنان به این موضوع پی بردند که نمی‌توانند جلوی این حرکت علمی که آغاز شده و رهبری هم حمایت کردند و مسیر را نشان داده و تبیین‌ها لازم را انجام دادند، بگیرند، به دنبال ایجاد تردید و شبهه در پیشرفت علمی و همچنین ایجاد انحراف در این مسیر هستند. چون این پیشرفت‌ها بومی شده است، تلاش‌های دشمن نتوانسته است جلو این حرکت را بگیرد. اهدافی که توسط نظامی علمی کشور به مدد جهاد و دانشمندان کشور طراحی شده است، اهداف بزرگ و دست‌یافتی است و با صحنه زندگی مردم سروکار دارد. لذا اینها باید بیش از گذشته برای مردم و به‌ویژه جوانان معرفی شوند و باید بدانند که این علم و تکنولوژی چه تأثیری در زندگی آنها دارد.

پس یک‌طرف تحریم علمی و نقش دشمنان است و طرف دیگر هم مربوط به باور در مجموعه‌های داخلی است تا این فرصت را ایجاد کنند و اعتماد

نمایند. با این باور می‌توان ثمرات شیرین آن را چشید و میوه‌های آن را چید. از دکتر طیبی به خاطر فرصتی که در اختیار ما قرار دادند تشکر می‌کنم و این گزارش باید بیشتر تفسیر و تبیین شود. انشا الله در فرصت‌های دیگر به صورت اختصاصی مرور جدی‌تری در مورد دستاوردهای جهاد دانشگاهی خواهیم داشت.

جناب آقای دکتر اسحاقی: در خدمت دکتر جلیلی عضو هیئت علمی دانشگاه تهران هستیم که یک نمونه از پیشرفت‌های علم و فناوری کشور را معرفی می‌کنند و بیشتر به پیشرفت‌های علمی کشور در عرصه تولید واکسن کووید ۱۹ می‌پردازند. در خدمت آقای دکتر هستیم. آقای جلیلی سلام عرض می‌کنیم و به شما خسته نباشید می‌گوییم. این ایام شما حسابی مشغول کار هستید و همه چشم‌ها به سمت شما دوخته شده است. انشا الله که موفق باشید. در این شب عزیز، شب میلاد حضرت زهرا، از روح بزرگ این حضرت مدد می‌جویم و انشا الله خداوند توفیق شما، ملت و دانشمندان کشور را بیشتر کند و این حرکت علمی که انقلاب آغاز کرده است بیش از پیش آشکار شود.

پیشرفت‌های علمی کشور در عرصه تولید واکسن (کووید ۱۹)

***جناب آقای دکتر جلیلی:** با آغاز پاندمی کرونا در سرتاسر دنیا، شاید به فاصله اندکی بعد از شیوع کرونا، جامعه علمی جهان به این نتیجه رسید که

تنها راه خلاصی از این پاندمی، توسعه یک واکسن است و هیچ راه غیر از این وجود ندارد. دنیا با چالش‌هایی مواجه بود، چالش‌هایی همچون اینکه توسعه یک واکسن گاهی تا ۱۳ سال طول می‌کشد. در خوش‌بینانه‌ترین حالت ۵ ساله بود. به هر حال تحقیقات در دنیا آغاز شد. در این میدان مسابقه عده‌ای به خاطر پدیده سارس و مرس جلوتر از سایرین بودند. تحقیقات در واکسن برای سارس و مرس در جریان بود و نکته حائز اهمیت این است که به دلیل اینکه سارس جهش پیدا کرده بود و خودش از بین رفته بود، تحقیقاتشان متوقف شد، به هر حال طی مسیر صورت گرفت. مراکز تحقیقاتی هم روی این ویروس‌ها و کرونا در حال مطالعه بودند. اما کشور ما مبتلا به نبود و تحقیقات هم نداشت. بنابراین در این میدان مسابقه ما طبیعتاً مقداری عقب بودیم.

نکته دومی که در پدیده واکسن اتفاق افتاد، پدیده‌ای بود که شرکت‌های داروسازی بزرگ دنیا در این پدیده عقب‌افتاده بودند. گفته می‌شود که سه واکسن فایزر، مدرنا، آسترازنکا امرجنسی یوز گرفتند و در دنیا مورد استفاده قرار گرفتند. واکسن فایز توسط شرکت بایو انتک آلمان توسعه یافته است. بایو انتک این واکسن را بر اساس ام.آر.ان.ای ایجاد کرد و ترامپ خواست کل این شرکت را به قیمت ۸ میلیارد دلار بخرد. اما صدراعظم آلمان اعتراض کرد که نباید این شرکت واگذار شود و حدود ۱,۸ میلیارد دلار به بایو انتک کمک نقدی شد مشروط بر اینکه تولید انبوه این واکسن در فایز آمریکا صورت بگیرد.

نکته بعد اینکه گرفتن مجوزها از سازمان FDA آمریکا راحت تر بود. چون آمریکایی ها چند سال قبل، برنامه ای را تدوین کرده بودند که اگر کشور با یک پاندمی ویروسی مواجه شود چگونه می توانیم در کوتاه ترین زمان ممکن خودمان را در برابر این پاندمی ویروسی مجهز کنیم. بنابراین یک گاید لاینی از سوی FDA ترسیم شد که بتوانند سریع تر مجوز واکسن ها را صادر کنند. بنابراین برای بایو انتک راحت تر بود که مجوزها را از آمریکا به جای اتحادیه اروپا بگیرد. لذا یک شرکت دانش بنیان این واکسنی را تولید کرده است و تولید انبوه آن را به شرکت تولیدکننده دارویی به نام فایز واگذار کرد.

شرکت مدرنا در سال ۲۰۰۰ تأسیس می شود. نکته حائز اهمیت آن است که این هم یک شرکت دانش بنیان است که یک محصول هم نداشته است. اولین محصولی که تجاری کرده است همین واکسن مدرنا است. خانم کاریکو که مجاری اصل بود، اولین بار تحقیقات خودش را در مورد واکسن ام.آر.ان.ای در سال ۱۹۷۸ در مجارستان شروع می کند. ۱۹۸۳-۱۹۸۴ به آمریکا مهاجرت می کند و در دانشگاه پنسیلوانیا تحقیقات خودش را ادامه می دهد و بعد به دلیل اینکه تحقیقاتش موفق نبوده است دانگرید می شود و می گوید تکنسینی که در آزمایشگاه با او کار می کرده در آمدش از او بیشتر بود. در سال ۲۰۱۲ به عنوان معاون شرکت بایو انتک شاهین از آمریکا به المان مهاجرت می کند و دانش ۳۰ ساله خودش را در اختیار شاهین قرار می دهد و تکنولوژی ام.آر.ان.ای به وجود می آید. لازم به ذکر است که شاهین همان فردی است که ما سال قبل به وی جایز مصطفی را دادیم. در

سال ۲۰۰۰ فردی به نام (دریک) روسی با استفاده از مقالات خانم کاریکو، شرکت مدرنا را تأسیس می‌کند و در نهایت این واکسن را به تولید انبوه می‌رساند.

واکسن آسترازنکا انگلیسی که به واکسن آکسفورد معروف است، توسط یک شرکت دانش بینان به نام جنر اینستیتو با همکاری آکسفورد، توسعه پیدا می‌کند. با گرنتی که ترامپ می‌دهد قرار شد که شرکت آکسفورد و جنر تولید خودشان را در اختیار آسترازنکا قرار بدهند و تولید انبوه انجام شود. در این ماجرا ما با یک پدیده‌ای مواجه بودیم و آن این بود که شرکت‌ها دانش‌بنیان توسعه دانش دادند و دانش خودشان را در اختیار شرکت‌های عظیم قرار دادند تا این شرکت‌ها تولید انبوه را انجام دهند. این تحولی است که در دنیا اتفاق افتاده است. شرکت‌های بزرگ واکسن ساز تا این مرحله، محلی از اعراب نداشتند. برعکس این هم بود یعنی انیستو پاستور فرانسه که قدمت چند ده‌ساله دارد واکسن را توسعه می‌دهد و شکست می‌خورد، اما شرکت‌های دانش بینان در این زمینه موفق عمل کردند.

این مقدمه به نسبت طولانی به این خاطر مطرح شد که نشان بدهم که فرمایش حضرت آقا در مورد توسعه اقتصاد دانش‌بنیان و حمایتی که ایشان از این شرکت‌ها داشتند و آن ابتکاری که برای حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان خرج دادند، دوراندیشی ایشان بود که در کشور ما این شرکت‌ها در طی چند سال اخیر جا افتادند. یک وضعیتی در جهان به وجود آمد مبنی بر اینکه این شرکت‌های دانش بینان هستند که در حال ایفای نقش‌های

کلیدی در عرصه علم و اقتصاد هستند. این یک نقطه قوتی بود که ما در طی این سال‌ها با آن مواجه بودیم.

واکسن چهار راه دانش بشری است. برای توسعه یک واکسن رشته‌های مختلفی باید کمک کنند و دست به دست هم بدهند تا بتوانند یک واکسن را به مرحله تولید انبوه و استفاده عمومی برسانند. آن چیزی که اهمیت پیدا می‌کند نقش رشته‌های بین‌رشته‌ای است. حضرت آقا بارها از سال‌ها پیش، در مورد توسعه رشته‌های بین‌رشته‌ای خیلی تأکید داشتند و متأسفانه در طی این چند سال اخیر به شدت نسبت به توسعه این رشته‌های بین‌رشته‌ای کم‌لطفی و بی‌توجهی شده است.

نکته سوم به عنوان مقدمه است، توسعه زیرساخت‌های دانشگاهی و پژوهشی در طی سال‌های اخیر در کشور انجام شد. نیروی انسانی که در کشور در مقاطع تحصیلی متفاوت وجود داشت و متأسفانه این بحثی که ما این همه رشته‌های مختلف و فارغ‌التحصیل داریم و خیلی هم سروصدا شد، اینجا یک نیروی انسانی‌ای وجود داشت که اینها به کمک ما آمدند. دنیا با تکیه بر دانش‌بنیان‌ها و با تکیه بر رشته‌های نوظهور و بین‌رشته‌ای توانسته است واکسن را توسعه دهد. در کشور ما هم این اتفاق افتاد. بخش عمده‌ای از آن مدیون شکل‌گیری این حلقه‌های در چند سال اخیر است.

در ستاد اجرایی فرمان امام نیز با تکیه بر همین الگو، از بدو اپیدمی کرونا در کشور، در عرصه تولید واکسن قدم گذاشتند. با توجه اینکه ما هم در کشور زیرساخت‌های مناسبی که داشتیم توانستیم در یک‌زمان به نتیجه

برسیم. فراموش نشود که در این میدان مسابقه دیرتر از دیگران شروع کردیم. آنها از چند سال قبل روی سارس کار کردند و ما مبتلابه نداشتیم. نکته دوم تحریم‌ها بود. (دشمنان) وقتی متوجه می‌شوند که با کیت‌های ساده می‌شود آزمایشات بیوشیمی و غیر انجام داد و می‌فهمند که این یوزر آن ایران است، این تجهیزات را به ایران نمی‌دهند، یا به اندازه‌ای کارشکنی می‌کنند که به دست شما نرسند. لذا تحریم‌ها ما را متوقف نکرد. همه این مسائل دست به دست هم داد ولی به حمدالله توانستیم یک واکسن کشته‌شده از این ویروس را تهیه کنیم.

از اسفندماه کار جداسازی ویروس شروع شد و به مرحله خالص‌سازی، فرمولاسیون و بعد تست پیش بالینی رسید. در خرگوش و موش جواب گرفت و این مایه خوشحالی بود. اما این فرایند باید دوباره بهینه‌سازی می‌شد. بعد از این وارد فاز مطالعات میمونی شد که الحمدالله نتایج بسیار خوب بود. بعد یک محلی برای تولید مقدماتی ساخته شد تا واکسن‌های مورد نیاز فاز مطالعه بالینی را تأمین کند. بعد از اینکه وارد فاز مطالعات انسانی شدیم بلافاصله کار ارتقای همین سیستم موجود را انجام دادیم تا در حد چند صد هزار واکسن تولید کنیم. در حال حاضر در جریان است و امید داریم که در اسفندماه بتوان یک یا دو میلیون واکسن را تولید کرد.

فاز یک مطالعات انسانی را شروع کردیم و تا به امروز بالای ۳۵ نفر تزریق شده و الحمدالله عوارض جانبی خیلی کم و خفیفی داشتند. طبیعتاً فاز یک سلامتی واکسن مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. فاز دوم اثربخشی آن مورد

مطالعه قرار می‌گیرد. البته در فاز یک هم نیم‌نگاهی به اثربخشی واکسن وجود دارد. امیدواریم که فاز یک را به فضل خدا و دعای هم‌وطنان عزیز با موفقیت سپری کنیم و از اواخر اسفندماه وارد فاز دوم شویم. زیرساخت تولید انبوه ماهی ده میلیون دوز هم انشا الله در اردیبهشت‌ماه راه‌اندازی خواهد شد. یک کار شبانه‌روزی انجام شد که تقریباً به غیر از عاشورا هیچ روزی تعطیل نبوده است و البته اخیراً شهادت حضرت زهرا به تعطیلات اضافه شد. اگر از فروردین در نظر گرفته شود، همین جوانان ۲۵ تا ۳۵ و ۴۰ سال مشغول کار هستند و دانش واکسن را توسعه می‌دهند.

کرونا عزیزان ما را گرفت، ده‌ها هزار نفر از پدر، مادر، خواهر و برادر، دوستان صمیمی از دست رفتند. این ضربه بزرگی بود اما برکاتی هم داشت. یکی از آنها، پررنگ شدن نقش جاهایی بود که قبلاً دیده نمی‌شد و نقاط ضعف ما را هم نشان داد. در هشت سال اخیر در برخی از رشته‌های بین‌رشته‌ای ضعیف عمل کردیم و نمی‌دانم و آماری از رشته‌های بین‌رشته‌ای دارد یا نه؟ و چقدر رشته‌های بین‌رشته‌ای جدید حداقل در علوم زیستی پا به عرصه وجود گذاشتند؟ من خاطرم است وقتی که کیت‌های PCR در اسفند، فروردین و اردیبهشت در حال توسعه در کشور بود، همگان عنوان می‌کردند که متأسفانه ما فارغ‌التحصیلی که بتواند روی این PCR کار کند و تجزیه و تحلیل کند به‌اندازه کافی در شهرستان‌ها نداریم. از طرف دیگر، متأسفانه در این پاندمی وزارت علوم هیچ ایفای نقشی نکرد و این باید

آسیب شناسی شود که وزارت علوم به عنوان یک بازوی علمی کشور در اینجا چه نقشی ایفا کرد؟ اگر من اشتباه می‌گویم لطفاً تصحیح بفرماید.

اینها نقاط ضعفی بود که در طی این مدت مشاهده کردیم. نکته سوم این بود که در انگلستان کمیته واکسن در دولت تشکیل شد و حتی عده‌ای پیشنهاد دادند که وزارت واکسن تشکیل شود که بتواند سازمان‌دهی کند. اما ما یک سازمان‌دهی را در طی این مدت ندیدیم. با بودجه محدود فعالیت‌هایی که دارای همپوشانی هستند چیزی جز اتلاف سرمایه نیست. بنابراین این سازمان‌دهی می‌بایستی صورت می‌گرفت تا افراد متمرکز کار کنند. من هیچ مدرکی برای این گفته خودم ندارم و این یک برداشت شخصی است و افراد می‌توانند آن را نقد کنند. من حدس می‌زنم که حتی در مورد پلت فرم واکسن‌هایی که در دنیا کار شد یک هماهنگی صورت گرفته بود. آمریکا سراغ ام.آر.ان.ای رفت. انگلستان به سراغ چیز دیگری. اینها حتی با همدیگر خیلی با هم همپوشانی نداشتند. این نکته‌ای بود که باید از آن درس بگیریم که در چنین مواقعی چگونه بتوان از سرمایه‌های محدود خود و با سازمان‌دهی مناسب و با به‌کارگیری همه بازوهای علمی کشور نه تنها معاونت علمی، نه تنها وزارت بهداشت، بلکه وزارت علوم و مؤسسات پژوهشی‌ای که زیرمجموعه وزارت علوم هستند باید وارد میدان شوند.

در عرصه کرونا برخی از تحقیقات بنیادی که می‌توانست توسط وزارت علوم صورت گیرد مغفول ماند. این نقصانی بود که باید از آن تجربه گرفت.

حتی من اعتقاد دارد که ماجرای کرونا و واکسنی که اتفاق افتاد می‌تواند درس عبرتی برای سیاست‌گذاری‌های آتی کشور باشد. شرکت‌های دانش‌بنیان کشور توانستند فاصله بین صنعت و دانشگاه را تا حدودی پر کنند اما اعتقاد راسخ دارم هنوز به اندازه کافی، شرکت‌های دانش‌بنیان حلقه میانی وصل شدند. روی این مسئله باید تمرکز شود، آسیب‌ها شناسایی شوند و به دنبال مسیرهایی برای تقویت اینها باشیم.

***جناب آقای دکتر اسحاقی:** جناب آقای دکتر جلیلی خیلی متشکریم. امیدواریم که در این کار مهم و افتخارآمیزی که پیش گرفته آید موفق باشید و مردم هر چه زودتر ثمره تأکید رهبر معظم انقلاب در مورد نهاد علمی و اعتماد و باور اینکه ما می‌توانیم را در عمل ببینند. این دستاورد که مرهون تلاش همه دانشمندان است، هرچه زودتر برای همه بشریت انشا الله ارائه شود. در خدمت عزیزان هستیم و اگر سؤالی داشته باشند به خدمت شما ارائه خواهد شد. فعلاً از شما خداحافظی می‌کنیم.

دکتر صفاری‌نیا رئیس محترم پارک‌های علم و فناوری پردیس بحث‌های خودشان را با این محور که موضوع پارک‌های علم و فناوری چگونه در کشور شکل گرفت و در تراز جهانی فعالیت می‌کند؟ مطرح خواهند کرد. آقای دکتر جلیلی اشاره کرده بودند، رهبری معظم انقلاب علاوه بر اینکه بر مسیر علم و فناوری تأکید کردند و به ایجاد زیرساخت‌های نرم‌افزاری و

سخت‌افزاری اشاره داشتند؛ تأکید ویژه‌ای هم بر شرکت‌های دانش‌بینان به عنوان حلقه واسط بین نهادهای علمی و کسب‌وکار داشتند.

نقش آفرینی پارک‌های علم و فناوری در تراز جهانی

*جناب آقای دکتر صفاری نیا: ما هم در سطح جهانی شاهد موج‌های مختلفی از موج کشاورزی، صنعت، اقتصاد دانش‌بنیان و اخیراً حوزه نوآوری هستیم. این فضای جهانی هم در کشورها دنبال شد. ما قبل از انقلاب نهایت موفقیتی که داشتیم در حوزه صنعت بود. ولی در حوزه فناوری و نوآوری هیچ سابقه‌ای در کشور نداشتیم. بعد از انقلاب یکی از دستاوردهای مهم حوزه دانش‌بنیان و حوزه فناوری‌های پیشرفته بود که در حوزه‌های مختلف شاهد آن هستید.

از دهه ۸۰ موج تولید علمی در کشور شکل گرفت و یک جهش علمی را در حوزه علم با افزایش تعداد مقالات شاهد بودیم. در اواخر دهه ۸۰ عملاً کارهای فناوری‌ای که از سال ۸۰ و ۸۱ در کشور شکل گرفتند، توانستند خروجی‌های خودشان را به جامعه عرضه کنند و شاهد یک جهش در حوزه فناوری مخصوصاً تصویب قانون حمایت از شرکت‌های دانش‌بینان در مجلس شورای اسلامی بودیم.

موج دوم عملاً شکل گرفت که مربوط به جهش در حوزه فناوری با ایجاد شرکت‌های دانش‌بنیان بود. در حال حاضر شاهد هستیم که تعداد این شرکت‌ها به بیش از ۵ هزار رسیده است و با حدود ۱۲۰ هزار میلیارد تومان

فروشی که شرکت‌های دانش‌بینان دارند، توانستند در ابعاد اقتصادی کشور تأثیرگذار باشند.

از اوایل دهه ۹۰ موج دیگری در کشور شکل گرفت که مربوط به حوزه زیست‌بوم نوآوری کشور است. یک اکوسیستم و زیست‌بوم جدیدی در کشور شکل گرفت که شاهد بازیگری نهادهای جدید، صندوق‌های پژوهش و فناوری و مجموعه‌هایی که در حوزه‌های مختلف زنجیره تجاری‌سازی ورود پیدا کردند، هستیم. در این حوزه، زیست‌بومی نوآوری کشور از اوایل دهه ۹۰ شکل گرفت. امروز زیست‌بوم نوآوری ما بعد از حوزه علمی و فناوری، یکی از بزرگ‌ترین زیست‌بوم‌ها در منطقه است که با ده‌ها مجموعه‌های مختلف در این حوزه فعالیت می‌کنند و نزدیک به یک صد شتاب‌دهنده نوآوری وجود دارد که روی ایده‌ها سرمایه‌گذاری می‌کنند. پارک‌های علمی و فناوری، مراکز رشد و صندوق‌های سرمایه‌گذاری زیاد شدند.

مجموعه‌هایی که در زنجیره تجاری‌سازی حوزه‌های مختلف فناوری و نوآوری سرمایه‌گذاری می‌کنند به صدها مجموعه رسیدند. این بازیگران و نهادهای جدید عملاً توانستند در کشور نقش‌آفرینی کنند و نهادهای سابق، نهادهای توسعه و فناوری توانستند عمق پیدا کنند و تأثیرگذاری آنها در سطح اقتصاد دانش‌بنیان کشور بالاتر رفته است.

در حال حاضر در حوزه پارک‌های فناوری که به عنوان نهادی که زائیده انقلاب است و در ۲۰ سال اخیر پایه‌گذاری شده است، نزدیک به ۵۰ پارک فناوری در حوزه‌های سلامت و آموزش عالی در کشور وجود دارد که

زیرمجموعه‌هایی وزارت علوم و وزارت بهداشت، جهاد دانشگاهی و مجموعه‌های مختلف در تأسیس آنها نقش‌آفرینی کردند. بیش از ۲۰۰ مرکز رشد فناوری در کشور وجود دارد. در حال حاضر بیش از ده هزار تیم و مجموعه در این پارک‌های فناوری مستقر هستند و فرایند تجاری‌سازی خودشان را توسعه می‌دهند. نکته مهم این است که این مجموعه‌ها، هم پارک‌های فناوری و هم شتاب‌دهنده‌های نوآوری، در کل جغرافیای کشور گسترده هستند و این‌گونه نیست که این پارک‌ها و شتاب‌دهنده‌ها فقط در پایتخت و شهرهای بزرگ مستقر باشند. در سیستان و بلوچستان، در استادهای مرزی، جنوبی، شمالی، غربی و شرقی این گستردگی اتفاق افتاده است. حتی در شهرهایی که این باور وجود داشت که ظرفیت دانش و نوآوری در آنها وجود ندارد، شاهد حضور و رشد مراکز فناوری هستیم و این مراکز برای نخبگان و تیم‌های کارآفرین در کشور تبدیل به پایگاهی برای پناه گرفتن شدند و بیش از ۲۰ هزار نفر افراد در این شرکت‌ها مشغول به کار هستند.

پارک فناوری پردیس و نهاد توسعه فناوری، زیرمجموعه معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری قرار دارد. این مجموعه در زیست‌بوم ملی کشور و در شمال شرقی استان تهران قرار دارد. این مجموعه ۲۰ سال پیش از یک پروژه اولیه ۲۰ هکتاری به عنوان فاز اول پارک شروع کرد. ولی بعد از دهه اول، یک شتاب‌شدیدی در توسعه ایجاد شد و هر ۱-۲ سال یک فاز به فاز فناوری پردیس اضافه می‌شود. در مجموعه پارک فناوری پردیس

بیش از چهارصد مجموعه دانشی و فناور مشغول به کار هستند. این مجموعه‌ها نزدیک به ۶۵۰۰ نفر از متخصصین کشور و افراد تحصیل کرده را توانستند در خودشان جای بدهند و نقش آفرینی کنند. سهمی که در حوزه اقتصاد دانش‌بنیان داشتیم سال به سال در حال افزایش است. حدوداً سالی بین ۳۰-۴۰ درصد، هم در تعداد شرکت‌ها و هم در فروش محصولات دانش‌بنیان افزوده می‌شود. سال گذشته این میزان بیش از ۱۱ هزار میلیارد تومان بوده است و پیش‌بینی این است که تا پایان سال ۹۹ نزدیک به ۱۵ هزار میلیارد تومان برسد که تماماً محصولاتی هستند که عملاً مبتنی بر دانش ایرانی شکل گرفتند.

موضوع قابل توجه این است که سهم تحقیق و توسعه R&D در مجموعه پارک فناوری پردیس بیش از ۴ درصد است که خیلی فراتر از سهمی است که در سطح ملی وجود دارد و آن حدود یک درصد است. این نشان می‌دهد که شرکت‌ها از سهم فروش خودشان عددی خوبی را برای تحقیق و توسعه اختصاص می‌دهند. لذا شاهد محصولات جدید در آینده خواهیم بود. حدود بیش از ۱۰۰۰ محصول در مجموعه پارک فناوری پردیس تولید می‌شود و سال گذشته تولید این مجموعه باعث صرفه‌جویی ۸۸ میلیون دلار ارزی برای کشور شد که عملاً این میزان قبلاً صرف واردات محصولات خارجی می‌شد.

این مجموعه توانست در ۲-۳ سال گذشته بیش از ۳۰ مجموعه از فارغ‌التحصیلان خوب کشور که در ۱۰۰ دانشگاه اول دنیا فعالیت می‌کردند

به کشور برگرداند. در حال حاضر هم در مجموعه پارک شرکت مشغول فعالیت هستند. برخی از آنها موفقیت خوبی داشتند و برخی هم در مسیر تجاری‌سازی هستند تا بتوانند در آینده محصول خودشان را وارد بازار کنند. عملاً توانستیم به عنوان سرپلی برای بهره‌برداری از ظرفیت‌های دانشی خودمان در خارج از کشور، نقش‌آفرینی کنیم.

اتفاقی که افتاده است با مدیریت دولت و نه با پول و سرمایه دولت بوده است. یعنی ما بیش از ۱۰۰ هزار متر فضای پژوهش فناوری در مجموعه پارک فناوری پردیس داریم که بخش خصوصی دانشی ما سرمایه‌گذاری و ایجاد کرده است. این میزان از فضا با سرمایه‌گذاری بیش از ۴ هزار میلیارد تومان سهم بخش خصوصی است و بخش خصوصی تاکنون نزدیک به ۴۳۰۰ میلیارد تومان در پارک فناوری پردیس سرمایه‌گذاری کرده است که این عدد ۱۴ برابر آن چیزی است که دولت تاکنون به این مجموعه کمک کرده است. کلاً ما توانسته‌ایم منابع دولتی را به عنوان اهرم و ابزاری برای جذب منابع بخش خصوصی به کارگیریم و اعتمادی که بخش خصوصی فناور ما به مجموعه حاکمیت، دولت و نظام انجام داده است، خیلی ارزشمند است. آنچه ما در حال توسعه هستیم، فعالیت‌های صادراتی پارک است که نزدیک به ۲۷ میلیون دلار به ۳۰ کشور جهان در سال گذشته صادرات داشته است. ما می‌خواهیم این سهم را افزایش بدهیم و بتوانیم در سال‌های آینده هم نقش‌آفرینی بزرگ‌تری در اقتصاد دانش‌بنیان کشور و حوزه صادرات و کسب سهم مناسب از بازارهای خارجی داشته باشیم.

برنامه توسعه‌ای که برای ۱۵ سال آینده هدف‌گذاری کردیم، این است که به لحاظ فیزیکی به نزدیک هزار هکتار توسعه پارک برسیم. مقدمات این از سالیان پیش شروع شده است. برنامه‌ها محتوایی و اجرایی در هیئت امنای پارک تهیه و تأیید شده و وارد مراحل اجرایی و عملیاتی شده است. ما در افق توسعه که هر سال بخشی از آن را محقق می‌کنیم، هدف‌گذاری کردیم که به بیش از ۱۰ هزار شرکت دانشی در مجموعه پارک که تبدیل به ناحیه نوآوری پردیس می‌شود، برسیم.

دو دانشگاه در این ناحیه مستقر خواهد شد که در حال حاضر نیز در طرح توسعه ما مستقر شدند. تلاش می‌کنیم که بتوانیم از سهم دانشی سایر کشورها استفاده کنیم، مجموعه‌هایی که می‌تواند به عنوان سرمایه‌گذاران خارجی بخشی از دانش فنی که مورد نیاز ماست را وارد کشور کنند. در حال حاضر نیز از این جنس در مجموعه پارک فناوری پردیس وجود دارد که مبتنی بر همکاری مشترک داخلی و خارجی است.

امیدواریم که سهم صادراتی هم بتواند در این افق توسعه، به یک میلیارد دلار برسد. ظرفیت دانشی و دانش‌بنیان کشور بسیار ظرفیت بزرگی شده است. در حوزه زیرساخت و امکاناتی که بتواند به حوزه تجاری‌سازی و ورود محصولات جدید دانشی به کشور کمک کند، عقب هستیم و خیلی جای کار دارد. حوزه دانش بینانی ما جلوتر از امکانات و زیرساخت‌هایی است که ما در کشور داریم. باید کاهش بروکراسی در این حوزه صورت

گیرد و تسهیل کننده باشد. اینها جزو برنامه‌هایی است که هم از طریق دولت و هم از طریق مجلس در حال پیگیری است.

جناب آقای دکتر اسحاقی: از جناب صفاری نیا تشکر می‌کنیم. یکی از کارهای بزرگ در حوزه علم و فناوری همین مجموعه‌های شرکت‌های دانش‌بنیان و پارک‌های علم و فناوری و به‌ویژه پارک علم و فناوری پردیس است. این پارک توانسته است با حمایت‌ها و مدیریتی که در آنجاست، تلاش‌های خوبی انجام دهند. مجموعه‌ای به وجود آمد که در حوزه علم و فناوری، نوآوری، طراحی و تولید و به‌طور کلی از ایده تا محصول و ثروت مشغول فعالیت هستند. کسانی که معجزه انقلاب اسلامی را در باور به جوانان می‌خواهند، باید به این پارک‌های علم و فناوری مراجعه کنند، از روسا تا کلونی‌هایی که جوانان در مجموعه‌های کوچک و بزرگ مشغول فعالیت هستند. جوانانی با نشاط، با امید و باور به اینکه می‌توانند، مشغول به فعالیت هستند.

این ارزش بزرگی برای کشور ماست و سرمایه بزرگی است که باید بیش از گذشته به آن توجه شود. با این چشم‌اندازی که اشاره کردند، حتماً ما دستاوردهای بیشتری را پیدا خواهیم کرد و هر چه این کارها بیشتر انجام شود، دشمن به بی‌ثمر بودن تلاش‌های خودش در اینکه بخواهد سنگی جلوی پای ایران بگذارد، پشیمان‌تر خواهد شد. **يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ،** می‌خواهند با دهانشان نور الهی که در کشور جلوه‌گر شده و اراده

الهی بر شکست مستکبران است، را خاموش کنند. وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلِي خدایند تمام کننده نور خودش است و اراده الهی بر آن است و انشا الله همه ما بتوانیم نسبت به زحمت‌هایی که عزیزان می‌کشند، قدردان و شاکر باشیم و آن هم باید در عمل باشد.

در فرصت دیگری در خدمت جناب آقای دکتر زلفی گل، عضو هیئت علمی دانشگاه بوعلی همدان و از دانشمندان کشور در عرصه‌های مختلف از جمله علوم پایه که در سطح جهانی فعالیت می‌کنند، هستیم. دانشگاه بوعلی همدان هم از دانشگاه‌های پیشرفته کشور محسوب می‌شود و آقای دکتر هم مسئولیت‌های متعددی در نظام علمی کشور داشتند. انشا الله از گزارش خوب ایشان که در مورد دستاوردهای علمی کشور است بهره‌مند خواهیم شد.

دستاوردهای علمی کشور در مرزهای دانش جهانی

*جناب آقای دکتر زلفی گل: اگر بنخواهیم نگاهی اجمالی به بحث وضعیت علمی کشور داشته باشیم، راهی جز این نیست که به پایگاه‌های اطلاعاتی علمی دنیا مراجعه کنیم. قبل از پرداختن به وضعیت علمی کشور در عرصه‌های بین‌المللی، باید به این نکته توجه شود که وضعیت علمی‌ای که در حال حاضر در دهه پنجم انقلاب هستیم از چه مسیری عبور کرده است و به آن دست پیدا کردیم.

دهه اول انقلاب اسلامی، دهه ترویج علم و کسب دانش بود و برنامه آموزش عالی کشور این بود که کارشناسانی تربیت کند که بتوانند در مدیریت جامعه و در سیستم‌های اجرایی و اداری نقش آفرین باشند.

دهه دوم انقلاب که با تأسیس دوره‌های تحصیلات تکمیلی و به‌ویژه دکتری آن هم از دانشگاه افتخارآفرین شیراز شروع شد، به این صورت بود که قبل از انقلاب اصلاً دوره دکتری در داخل کشور وجود نداشت. بهترین فرزندان، خارج از کشور می‌رفتند که تعدادی از آنها برمی‌گشتند و تعدادی هم برنمی‌گشتند. مقطع دکتری در سال ۱۳۶۵ در دانشگاه شیراز با جسارت اساتید دانشگاه شیراز آغاز شد و بقیه دانشگاه‌ها با تأسی از دانشگاه شیراز به مرور رشته‌های دکتری را تأسیس کردند و اولین رشته دکتری که در دانشگاه شیراز تأسیس شد، رشته شیمی بود که ما به این کار می‌بالیم.

دهه سوم انقلاب، استانداردسازی و استاندارد پذیری در عرصه تولید علم بود. به مهندسی تولید علم پرداخته شد. پیشنهاد تأسیس یک پایگاه بومی علمی مطرح شد. تا قبل از این دهه در کشور سیستمی نبود که مقالات و کتب فارسی را نمایه کند. وقتی شما می‌خواستید در یک زمینه علمی جستجو کنید و بخواهید ببینید که پیشینه تحقیق در این زمینه در مقالات فارسی چه چیزی است، واقعاً سیستم نمایه‌سازی وجود نداشت. انقلاب ما این جرئت را به خود داد که پایگاه استنادی جهان اسلام (ISC) که برای نمایه کردن مجلات کل کشورهای اسلامی است را تأسیس کند. در حال حاضر این نمایه به بلوغ رسیده است و یک افتخار برای جمهوری اسلامی

ایران است. اگر شما بخواهید در زمینه تحقیقات علوم انسانی و علوم طبیعی جستجو کنید، با باکس سرچ پایگاه استنادی جهان اسلام می‌توانید کل پیشینه تحقیق را مشاهده کنید. به نظر من قلب پیشرفت جمهوری اسلامی جسارت در تأسیس پایگاه نمایه‌سازی علمی ISC بوده است.

در دهه چهارم انقلاب اسلامی در بخش علمی، بحث کیفیت بخشیدن به آموزش و پژوهش علمی مطرح شد. به این معنی که از این به بعد ما چه استاداردهایی در زمینه تولیدات علمی رعایت کنیم که تولیدات علمی کشور علاوه بر برد ملی، برد فراملی هم داشته باشد. در دهه چهارم انقلاب اسلامی، بحث کیفیت آموزش عالی و به‌ویژه تولیدات علمی مطرح شد که به نظر من بسیار هم موفق بوده است و من جا دارد که از تمامی مسئولین وزارت خانه علوم در ادوار مختلف کشور تشکر کنم، چون این توفیقاتی که حاصل شد نتیجه تمام زحمات مدیران وزارتخانه‌های متولی علم و دانش کشور است. بی‌انصافی است که ما آنها را نبینیم.

دهه پنجم که در حال حاضر در آن حضور داریم، دهه توسعه فناوری، تولید ثروت از دانش یا تولید دارایی از دانایی است. در این دهه، به نظر می‌رسد که دانشگاه‌ها و پارک‌های علم و فناوری می‌خواهند به منویات رهبری معظم انقلاب که بحث رونق تولید ملی و تولید ثروت از دانش است، پاسخ بدهند. در حقیقت دانشگاه‌ها، مؤسسات آموزشی و پژوهشی کشور در دهه پنجم انقلاب اسلامی، بحث مسئولیت‌پذیری اجتماعی را سرلوحه کار خودشان قرار دادند. امیدواریم در این عرصه هم موفق باشند.

برای اینکه ببینیم کجا بودیم، به کجا رسیدیم و کجا می‌خواهیم برویم، باید به پایگاه‌های اطلاعات علمی که در دسترس همگان هم است، مراجعه شود. پایگاه‌های نمایه‌سازی سایماگو و اسکوپوس برای همگان در دسترس هستند و خیلی راحت می‌توان اطلاعاتی را به دست آورد. ایران در سال ۲۰۱۹ رتبه ۱۵ را در همه رشته‌های علمی در کشور داشته است. امیدواریم در سال ۲۰۲۰ رتبه از این هم بهتر شود. ایران در رشته مهندسی شیمی رتبه ۱۱ و در رشته شیمی رتبه ۱۲ را در جهان دارد. رتبه ایران در حوزه پزشکی نیز رتبه ۱۳ در جهان است. در مجموع رتبه ۱۵ را در سطح جهانی داریم. زمانی که انقلاب اسلامی پیروز شد، کل مستندات علمی کشور زیر ۱۰۰۰ است. اما در سال ۲۰۲۰ حدود بیش از ۷۳۰۰۰ سند علمی بین‌المللی در اسکوپوس نمایه شده است که حدود ۱۷۰۰۰ سند علمی از رقیب خود یعنی ترکیه پیش هستیم. این آمار سال‌های مختلف است که ما از سال ۲۰۰۹ در منطقه خاورمیانه رتبه اول و بلامنازعه را کسب کردیم. ایران، ترکیه و عربستان سه کشوری هستند که در زمینه علمی رقیب همدیگر هستند. ترکیه به دلیل بحث کودتایی که در کشورشان اتفاق افتاد از آن زمان به بعد، از لحاظ علمی قابل مقایسه با ایران نیست. ایران همچنان سرفرازانه در حال پیشتازی است.

یکی از آیتم‌های دیگری که نشان دهنده بلوغ و مرجعیت علمی ایران است، تعداد دانشمندان بین‌المللی یک درصد است. ما قبل از انقلاب یک دانشمند نداشتیم اما در سال ۲۰۱۹، ۲۸۳ دانشمند بین‌المللی جزو یک درصد

دانشمندان دنیا هستند. اخیراً هم که دانشمندان دو درصد را اعلام کردند، چیزی در حدود ۵۰۰ دانشمند دو درصد در سطح دنیا داریم. این بحث را گروهی از دانشمندان دانشگاه استنفورد استخراج کردند و سیستم آن را ارائه کردند. این نشان می‌دهد که گام‌های علمی کشور در راستای مرجعیت علمی که مدنظر مقام معظم رهبری است، توسط دانشمندان، اساتید دانشگاه و پژوهشگران برداشته شد.

یکی از آیتم‌های بسیار مؤثر و کلیدی دیگری که نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی در زمینه علمی با سرعت مناسبی به سمت دست‌یابی به مرجعیت علمی گام برمی‌دارد، تعداد مجلات کشور است که در ISI و Scopus نمایه می‌شوند. این نمایه‌ها، به خاطر تحریم‌ها، استانداردهای خاصی را در نظر می‌گیرند، با این محدودیت‌ها، بیش از ۲۰۰ مجله ایرانی توسط نمایه‌های بین‌المللی، نمایه شدند. محققین دنیا مقالاتشان را به این مجلات می‌فرستند.

در انجمن شیمی ایران، هفت مجله تحت نظارت انجمن شیمی ایران است که سه مورد از آنها بین‌المللی هستند و در این نمایه‌ها، نمایه شدند. من خودم ادیتور مجله انجمن شیمی ژورنال کیمیکال سوسایتی هستم که مقالاتی از اقصا و نقاط دنیا ارسال می‌شود تا داوری کنیم و در مجله کشور خودمان چاپ کنیم. انتشارات بین‌المللی قبول کردند که خیلی از مجلات را به صورت مجانی منتشر کنند و ۲۰ درصد از فروش آن را به صاحب مجله برگردانند.

در مجله انجمن شیمی ایران، مجله جیکس ایران، سالانه ۲۰ درصد از درآمد فروش این مجله را به انجمن شیمی ایران می‌دهند. به خاطر اینکه این مجله جزو مجلات ارزشمند بین‌المللی قرار گرفته است. خیلی از مجلات کشور ما به این درجه از بلوغ رسیدند. همان طوری که گفته شد تأسیس پایگاه استنادی جهان اسلام ISC، یکی از افتخارات ایران است و خیلی از کشورها آن را ندارند. پایگاه معروف استنادی علمی در ابعاد بین‌المللی Scopus و ISI است. این باعث افتخار جمهوری اسلامی ایران است که خودش پایگاه علمی دارد که از تمام کشورهای اسلامی مجلات خودشان را به آن می‌فرستند و در این پایگاه نمایه می‌شود. امیدواریم که ایران و مسئولین کشور ما به رئیس این پایگاه استنادی جهان اسلام چک سفید بدهند تا بتواند فعالیت‌های خودش را توسعه بدهد. انشاءالله به رقیبی برای پایگاه‌های بین‌المللی Scopus و ISI تبدیل شود. من قلبم روشن است که این اتفاق خواهد افتاد.

یکی از دستاوردهای بزرگ علمی ایران این است که کارهای تیمی را یاد گرفتیم و در حال یاد دادن در دانشگاه‌ها هستیم. علاوه بر اینکه خودمان یاد گرفتیم که تیمی کار کنیم، یاد گرفتیم که با گروه‌های علمی و تحقیقاتی معتبر بین‌المللی هم کار بین‌المللی انجام دهیم. از نظر علمی به درجه‌ای از بلوغ رسیدیم که آنها حاضرند با ما کار کنند و اطلاعات علمی را به صورت مشترک تکمیل و منتشر کنیم. در حال حاضر حدود ۳۰ درصد مقالات علمی ایران با مشارکت بین‌المللی کشورهای مختلف است. دانشمندان

بین‌المللی باور دارند که دانشمندان ایرانی هم چیزهایی دارند که می‌تواند به تحقیقات آنها کمک کند. این یک دستاورد ارزشمندی است که جمهوری اسلامی ایجاد کرده است.

در حال حاضر ما بیش از ۸۰ هزار عضو هیئت‌علمی در دانشگاه داریم. بیش از ۳,۵ میلیون نفر دانشجو داریم که ۷۰۰ هزار نفر از آنها دانشجوی کارشناسی ارشد است و ۱۵۰ هزار مربوط به دانشجویان دکتری می‌شود. در حال حاضر در هر دانشگاهی پژوهشگران پسادکتری قابل‌توجهی را می‌پذیرند. اینها چیزی‌هایی نیستند که راحت به دست آمده باشند. این‌ها نتیجه چهار دهه تلاش سیستم علمی کشور با مدیریت مدبرانه رهبر معظم انقلاب است که ملاحظه می‌شود که بارها تأکید دارند که ما نسبت به مسائل علمی اصلاً کوتاه نمی‌آییم و باور داریم که اگر بخواهیم اقتصاد مقاومتی را داشته باشیم و از کیان و ناموس کشور خودمان دفاع کنیم و موجب رونق تولید و اشتغال در کشور شویم، راهی جز توجه و سرمایه‌گذاری برای علم نداریم.

باور داریم که بهترین سرمایه‌گذاری برای آینده و آیندگان کشور سرمایه‌گذاری برای علم، دانش و فناوری است. چون که کشور معادن متنوع، نفت، گاز و اقلیم چهار فصل دارد، موقعیت جغرافیایی بی‌نظیری دارد. فرهنگ مردم کشور ما این‌گونه است که حاضرند فرش زیر پای خودشان را بفروشند تا فرزندان خودشان را به مدرسه و دانشگاه بفرستند. بیش از ۲۰ میلیون تحصیلکرده دانشگاهی داریم. تقریباً کشورهای محدودی این

ویژگی‌ها را دارند. اینها نعمت بزرگی است که تقریباً در هر روستایی از ایران، تعداد تحصیل کرده‌های دانشگاهی با تحصیلات عالیه، قابل توجه است و خیلی با شهر فرق ندارد. این نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی به عدالت آموزشی که مدنظرش بوده است، به معنای واقعی دست پیدا کرده است.

بیش از ۶۰ درصد از دانشجویان کشور ما خانم هستند. این نشان دهنده این است که در جمهوری اسلامی ایران به بحث استعدادها توجه ویژه‌ای کرده است و بحث جنسیت را در علم و دانش اصلاً مدنظر قرار نداده است. متأسفانه دشمنان برعکس جلوه می‌دهند، اما با آماری که از دانشگاه‌های گرفته شود، مشخص می‌شود که بیش از ۶۰ درصد از فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های ایران خانم هستند. این دستاورد کمی نیست. خانم‌هایی هستند که جزو دانشمندان یک درصد هستند. دانشمندان خانمی داریم که به وجود آنها افتخار می‌کنیم. اینها از نعمات جمهوری اسلامی بوده که موقعیت و عدالت آموزشی را ایجاد کرده است.

در حال حاضر در هر دانشگاهی در بحث فردی، گروهی، محلی و ملی به مرجعیت علمی رسیدیم. در دانشگاه ایلام، کردستان، سیستان و بلوچستان، بیرجند دانشمندان و اساتیدی هستند که در سطح بین‌المللی به معنای واقعی مرجعیت دارند. اینها دستاوردهای بسیار ارزشمندی هستند.

یک نکته‌ای را باید به آن توجه ویژه داشت، آن این است که دانایی تدریجی است و آسان سوری، سزارینی و رانتی نمی‌باشد. یعنی نمی‌شود با یک

تزریقی، یک نفر را به انسان دانا تبدیل کرد؛ یا به صورت آسانسوری انتظار داشته باشیم که کشور ما در زمینه علمی بتواند بدون فوت زمان، به بلوغ علمی و مرجعیت علمی برسد. می‌توان از روی موانع پرید و به گونه‌ای برنامه‌ریزی کرد که مسیر دستیابی را کوتاه کرد، می‌توان در زمینه‌های علمی جدیدی که دنیا تازه شروع کرده است به موقع شروع کنیم و اجازه ندهیم، شکاف ایجاد شود. اما باید باور داشته باشیم که رسیدن به دانایی تدریجی است و زمان‌بر می‌باشد و باید برنامه داشته باشیم. به همین دلیل است که شورای عالی انقلاب فرهنگی، برنامه ۲۰ ساله سند نقشه جامع علمی کشور و سند بنیادین آموزش و پرورش را تصویب کرد و این نشان می‌دهد که با برنامه‌ریزی می‌توان به اهداف علمی خود رسید.

اکوسیستم پژوهش و فناوری مثل یک پازل است. تکه‌های خاص خودش را می‌طلبد، به مرور این تکه‌ها را کامل کنیم. مثل تیم فوتبالی که می‌خواهد بازی کند به دروازه‌بان، هافبک، مهاجم، دفاع چپ و راست، تدارکاتی، احتیاج دارد و همان طوری که یک تیم فوتبال بخواهد گل بزند و پیروز شود به بازیکنان خاص خودش نیاز دارد، در عرصه علمی و فناوری هم اکوسیستم پژوهش و فناوری تکه‌ها و پازل‌های خاص خودش را می‌خواهد. تا چند سال پیش، پژوهشگران پسادکتری در کشور وجود نداشتند و الحمدالله در حال حاضر به این موضوع توجه شد. در حال حاضر به این نتیجه رسیدند که باید در داخل دانشگاه‌ها، کرسی‌هایی تعریف شود و اساتیدی به عنوان پژوهشگر استخدام شوند. اینها کارشان این باشد که در

تیم یک پروفیسور فعالیت کنند که در آن استادیار و دانشیار معنا داشته باشد. این نکات را گفتیم که برای اینکه در آینده توجه خاصی به تکه‌های پازل پژوهش و فناوری داشته باشیم.

اتفاق دیگری که در زمینه علمی که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی رخ داد و این تحریم‌ها باعث شد که نوع نگاه ما به مقوله علم و سرمایه‌گذاری تغییر کند، نگاه بنیان پیشرفت و تغییر دیدگاه است. قبلاً مسئولین فکر می‌کردند که مزیت‌های نسبی همان نفت و گاز است. اما الآن به این باور رسیدند که باید مزیت‌سازی صورت گیرد، باید مزیت‌های جدید ایجاد شود و از کویر، نور خورشید و صنعت توریست استفاده شود. پس مزیت‌سازی کردن و مزیت‌های جدید ایجاد کردن، نوع نگاهی است که نگاه علمی محسوب می‌شود.

بحث آخر این است که ما باید سیستم نمایه‌سازی ISC کشور را توسعه دهیم. تحقیقات ما در دانشگاه‌ها، بخش قابل‌توجهی از آنها در راستای نیازهای جامعه نیست، چه‌کاری باید انجام شود که بخش قابل‌توجهی از تحقیقات ما در دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها در راستای نیازهای جامعه باشد، و دانشگاه‌ها به مسئولیت اجتماع خودشان بیشتر توجه کنند. پیشنهاد من این است که همانند کشور ژاپن که هر شهروندی می‌تواند پیشنهادهایی را ارائه بدهد، در یکجایی ثبت شود و در معرض دید پژوهشگران و دانشمندان آنها قرار بگیرد؛ ISC ما نیز باید یک سیستمی را طراحی کند که هر ایرانی هر نیازی را تشخیص داد در داخل فرمی در سیستم نمایه‌سازی

ISC نمایه شود و پایان‌نامه‌های ارشد و دکتری کشور در راستای نیازهایی باشد که در این سیستم نمایه شده است.

جناب آقای دکتر اسحاقی: از جناب آقای دکتر زلفی گل تشکر می‌کنیم. گزارش خیلی خوب و چکیده‌ای را ارائه کردند و اگر می‌خواستند این گزارش را ادامه بدهند ساعت‌ها باید همین مستندات خودشان را ارائه می‌کردند. واقعاً دستاوردهای شگرف، قابل افتخار و اعجاب‌آور است. این نشست هم موضوع آن در مورد پیشرفت‌های اعجاب‌انگیز انقلاب اسلامی در حوزه علم و فناوری است. آقای دکتر اشاره کردند که رشد علمی و علم به صورت پلکانی و تدریجی است و نمی‌توان علم را خریداری کرد. بعضی از کشورهای منطقه ادای پیشرفت علمی را در می‌آورند. با خرید مقالات و دستاوردهای علمی و ساخت برخی از نهادهای علمی می‌خواهند در این زمینه کار کنند. ولی نهاد علم در کشور ما کاملاً بومی شده است. صفر تا صد صنعت هسته‌ای در کشور بومی شده است. اوباما هم گفته بود که دلم می‌خواهد تمام پیچ و مهره‌های صنعت هسته‌ای ایران را باز کنم ولی چه فایده‌ای که اینها به هم چیز دست پیدا کنند و بومی شده است. در علوم پزشکی و علوم پایه هم شاهد آن هستیم.

در هر حال وقتی کشور دانش‌بنیان باشد دفاع و صنعت آن هم دانش‌بنیان می‌شود. وقتی عرصه‌های مختلف دانش بینان شدند، اَلْعِلْمُ سُلْطَانٌ را به دنبال دارد. این اَلْعِلْمُ سُلْطَانٌ را ما در بیان رهبری مقام معظم انقلاب به کرار

شنیدم. از همین اَلْعِلْمُ سُلْطَان، ایشان سیاست‌ها و راهبردهای علمی کشور را بنیان گذاشتند و پیگیری و حمایت کردند تا ما به قله‌هایی از علم و فناوری و نوآوری برسیم. تازه این از طلّیعه سحر است و صبح آن بدمد، آن وقت طلّیعه تمدن نوین اسلامی است. اینها مقدماتی برای آن گام اساسی است که در جلسه شب گذشته اشاره کردیم.

خیلی تشکر می‌کنیم. سؤالاتی هم عزیزان حاضر در جلسه نوشتند. سؤالی را مطرح کردند که چقدر امکان استفاده از دانشجویان و فارغ‌التحصیلان دکتری وجود دارد و چگونه می‌توانند در بخش‌های مختلف علمی وارد شوند؟ ایشان نکته خوبی اشاره می‌کنند و می‌گویند به علوم پایه کم‌لطفی می‌شود. آقای زلفی گل در این زمینه کار کردند و مقام معظم رهبری هم در این ۱-۲ سال پیش تذکر دادند که در دانشگاه‌ها و نظام علمی به رشته‌های علوم پایه توجه شود. همان‌طوری که به رشته‌های پزشکی و صنعتی نیاز داریم، به این علوم هم نیاز است. از علوم پایه است که بقیه وام می‌گیرند، اگر این نباشد، صنعت هسته‌ای، هوافضا و سایر موارد وجود نخواهد داشت. آقای دکتر زلفی گل اگر مایل باشند به این سؤال در خصوص رشته‌های علوم پایه و رشته‌های جدید و همچنین میان رشته‌ها و چند رشته‌هایی که امروز در حال شکل‌گیری هستند، پاسخ دهند.

*جناب آقای دکتر زلفی گل: سؤال خوبی را پرسیدند. وقتی تمام هم و غم واردات محصولات از خارج از کشور باشد، صنایع خصوصی رونق پیدا

نمی‌کند. صنایع خصوصی هم رونق پیدا نکند، آینده آن‌چنانی نخواهد داشت. در حال حاضر با توجه به گران شدن ارز که البته به مردم فشار می‌آید اما از طرف دیگر اگر از این عرصه خوب استفاده شود تولیدات ملی با قیمت مناسب‌تر عرضه می‌شود و امکان توسعه صنایع ملی افزایش پیدا می‌کند. به تبع آن مراکز تحقیق و توسعه R&D باید توسعه پیدا کند. البته در آینده برای اینکه یک شرکتی باور داشته باشد که باید رقابت کند تا سرپا بماند، باید R&D داشته باشد و به نوآوری و خلاقیت خاص خود توجه کند و مجبور است که از افراد با صلاحیت علمی و با مدارک بالای کارشناسی ارشد و دکتری استفاده کند. رشته بیوفیزیک یکی از رشته‌های بسیار اساسی است که در بحث‌های هسته‌ای، داروسازی، داروهای نو ترکیبی و در موارد مختلفی می‌تواند کاربردهای خاصی داشته باشد. من فکر می‌کنم اگر این سوال کننده با کارخانه‌های صنایع دارویی تماس بگیرند برای رشته بیوفیزیک امکان جذب وجود دارد. ضمن اینکه رشته‌های علوم پایه خواستگاه آنها تحقیقات بنیادین است که جای این تحقیقات نیز در پژوهشگاه‌ها و دانشگاه‌هاست.

***جناب آقای دکتر اسحاقی:** موضوع مرجعیت علمی مطرح شده است که مقام معظم رهبری هم به آن اشاره کردند و باید به این مرجعیت علمی برسیم و فاصله خود را با کشورهای جهان از شاخص‌های مختلف علم، فناوری و نوآوری، کاهش دهیم. برنامه‌ریزی هم شد و نقشه جامع علمی

کشور هم با این هدف تهیه شده است که یک نقشه راه مشخصی پیش رو دانشمندان و نهادهای علمی کشور است. در عین حال، این نقشه راه جلوی ما است، با رصد رقبا و کشورهای دیگر باید بتوان گام‌های اساسی برداریم و در تولید علم جهانی پیشرفت کنیم، تا از این طریق هم بتوان نیازهای کشور را بر طرف کرد و کاملاً عینی و کاربردی باشد و هم اینکه استفاده از آن برای بقیه بشر نیز امکان پذیر باشد.

***جناب آقای دکتر صفاری نیا:** ارتباط صنعت و دانشگاه که بخش تحقیق و توسعه که یکی از زیرمجموعه‌های ارتباط است، باید برنامه‌ای برای آن وجود داشته باشد. در مجموعه پارک و فناوری سامانه‌ای ایجاد شده است که بیش از ۵۰ هزار نفر عضو آن هستند و هر سال در چند نوبت فرصت‌های کارآموزی، استخدام و فعالیت‌های پژوهشی شرکت‌ها را با دانشگاه‌های به اشتراک می‌گذاریم. ما با برنامه‌ای در سطح خودمان این کار را انجام می‌دهیم و هر سال ده‌ها نفر جذب شرکت‌های می‌شوند که بخش مهمی در بخش تحقیق و توسعه کار می‌کنند و نام این سامانه، صدف (صنعت، دانشگاه و فناوری) است.

***جناب آقای دکتر اسحاقی:** البته الان آقای دکتر طیبی تشریف ندارند که به سؤال دیگری در مورد موضوع درمان ناباروری و حمایت‌هایی که در این زمینه است، اشاره کنند. اما این نکته را عرض می‌کنم که کشور ما در

انواع درمان‌های ناباروری، در علم، درمان و در تجهیزات پزشکی پیشرفت فوق‌العاده‌ای داشته است. یکی از منابع درآمدی کشور توریست درمانی است و برای درمانی ناباروری به کشور می‌آیند. در سیاست‌های جمعیتی هم که مورد تأکید رهبر معظم انقلاب بود، این موضوع دیده شده است. طرحی که در مجلس در حوزه جوانی جمعیت و تعالی خانواده است به موضوع ناباروری و حمایت‌های همه‌جانبه در این عرصه، یعنی در عرصه درمان، فناوری و بیمه زوج‌های نابارور اشاره شده است.

البته سؤال‌های دیگری در مورد سیستم‌های رانش داشتند که آیا برای سرعت بالای ۳۰۰-۴۰۰ کیلومتر در ساعت برنامه‌ریزی شده است؟ اخیراً در اخبار هم آمده است که جمهوری اسلامی ایران در تولید ریل جزو چند کشور اول خودکفا است. قبلاً ریل‌های ایران از چین و هند وارد کشور می‌شدند. در مورد لوکوموتیو و واگن‌سازی هم آقای دکتر اشاره کردند که اینها جزو صنایع هایتک هستند. چند سال پیش ایران به دنبال اخذ همان واگن‌ها و لوکوموتیو از آلمان بود که قطار سریع و سیر مشهد را راه‌اندازی کنند اما خانم مرکل صدراعظم آلمان اعلام کرد که این تکنولوژی‌ها را به ایران نمی‌دهیم که از آنها استفاده کند. حالا شما شعارها و عمل‌های اینها را ببینید. انشاءالله شاهد این خواهیم بود که قطارهای پیشرفته و سریع و سیر را هم دانشمندان و جوانان ما بتوانند تولید کنند، نه تنها نیازهای داخل را تأمین کنند بلکه به کشورهای دیگر هم صادر کنند.

۴. رسالت جامعه زنان در گام دوم انقلاب اسلامی

*جناب آقای دکتر اسحاقی: با درود و سلام و صلوات بر شهدای انقلاب اسلامی، امام امت که این ایام، ایام پیروزی انقلاب اسلامی و دهه فجر انقلاب اسلامی، یادآور فداکاری‌ها و روزهای بزرگی است که نه تنها بر ملت

مسلمان ایران، بلکه بر آزادگان جهان گذشت، امیدها زنده شد و بر مستکبران جهانی و جریان‌های نظامی سلطه، آنچه که گذشت بر باد رفتن بسیاری از نقشه‌هایی که برای اسارت انسان و جهان اسلام تنظیم کرده بودند، طراحی کرده بودند و در این مسیر انقلاب اسلامی سال‌به‌سال و گام‌به‌گام الان که در گام دوم انقلاب اسلامی هستیم، بسیاری از توطئه‌های آن‌ها شناخته شده، بسیاری از نقشه‌های آن‌ها برملا شده و انقلاب اسلامی توفنده‌تر از قبل به پیش رفته و امروزه در دل‌وجان آزادگان جهان جای گرفته است.

ما در ایام دهه فجر انقلاب اسلامی، از طرف مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی وابسته به دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب، ده‌گانه‌ای را پیش‌بینی کردیم.

امروز که روز میلاد حضرت صدیقه‌ی زهرا سلام‌الله علیها و روز مادر و روز زن هست و همچنین میلاد امام خمینی (ره)، در خدمت جمعی از خواهران دانشمند هستیم تا با آن‌ها این مسیر رفته و در پیش را، به‌ویژه رسالت جامعه زنان در گام دوم انقلاب اسلامی را به بازخوانی بنشینیم. اساتید محترمی که در جمع گفتگوی مجازی ما حضور دارند، سرکار خانم دکتر قوی، عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی و صاحب‌نظر و نویسنده در حوزه‌ی مسائل زنان و سرکار خانم دکتر علاسوند عضو هیئت علمی پژوهشکده‌ی زن و خانواده که مسئولیت در مراکز علمی و پژوهشی داشتند، موضوع ایشان ارائه‌ی الگوگیری معاصر از سبک زندگی فاطمی هست؛ و

همچنین سرکار خانم دکتر کیانوش خسروی دارانی، عضو هیئت علمی انستیتو تحقیقات تغذیه‌ای و صنایع غذایی کشور، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی و استاد پژوهشی حوزه‌ی زیست‌فناوری حضور دارند.

فرصت ما چون محدود هست در محضر بخشی از جامعه نخبگانی زنان هستیم و آلاً اگر فرصت گسترده بود همین جا می‌شد مجموعه‌ای از دستاوردها و پیشرفت‌هایی که در این حوزه انقلاب اسلامی فراهم کرده است و رسالت‌هایی که انجام شده و در پیش است را به گفتگو می‌نشستیم. در فرصت اول سرکار خانم دکتر قوی، گزارشی را از پیشرفت‌هایی که جایگاه زنان در پس از انقلاب اسلامی داشتند، ارائه می‌کنند و بعد از آن هم بیانات اساتید دیگر را هم خواهیم داشت.

پیشرفت‌های زنان در پس از انقلاب اسلامی

***سرکار خانم دکتر قوی:** در رابطه با دستاوردهای انقلاب و بحث پیرامون کارآمدی من بیشتر تأکید هست، در رابطه با انقلاب عرایضم را خدمتتان تقدیم کنم. در رابطه‌ی با آن نگاهی که ما نسبت به هر نظامی داریم که حالا آن نظام و آن سیستم، در واقع بحث، رابطه‌ی مستقیم با مبانی آن را مدنظر قرار بدهیم؛ اینکه اگر نظامی در رابطه با مسیری که انتخاب می‌کند برای تحقق اهدافش و بحث کارآمدی به‌عنوان یک مجموعه‌ی منسجم باشد، یقیناً و بی‌تردید می‌تواند در واقع توسط خود افرادی که دارند ایفای نقش می‌کنند

و توسط افرادی که از بیرون دارند به آن نظام در واقع نگاه می‌کنند، مورد سنجش قرار بگیرد.

نظام جمهوری اسلامی ایران در زمانی که در واقع تولد و ولادتی برای این نظام، در این عصر جدید داریم، می‌بینیم که در بین گفتمان‌های مختلف متولد می‌شود. در زمانی که نگاه به زن شاید بتوان بگوییم که یک نگاه متحجرانه هست که او در یک محدوده به اسم خانه می‌خواهد محدود کند و از طرفی نگاه مدرن را داریم.

ما امروز بعد از آن ولادت و تولدی که برای در واقع یک اندیشه قائلیم و آن را گفتمان انقلاب اسلامی و حضور زن در انقلاب اسلامی، راجع به آن بحث کنیم، می‌خواهیم بگوییم نه آن نگاه افراطی و متحجرانه را دارد و آن نگاه تفریطی و آن نگاه مدرنی که مغایر با مبانی هست. پس ما گفتمان انقلاب اسلامی را در حوزه زنان مبتنی بر مبانی و در واقع منابع اصولی که خود انقلاب، مبتنی بر آن هست، می‌خواهیم بگوییم. این نکته بسیار مهم است. نکته بعدی که بسیار مهم است در رابطه با این هست که این نظام اگر بخواهیم ما بگوییم که این نظام در بین این گفتمانی که ما برایش قائل هستیم در همه حوزه‌ها، اداره کردن چه سمت و سویی را دارد، چه سیستمی را برای اداره خودش این نظام دارد که زنان را هم در همان سیستم باید ما سنجش کنیم.

ما همه می‌دانیم که نظام و سیستم ما بر اساس یک سازمان مدیریتی هرمی شکل است که در رأس هرم مقام ولایت قرار دارند و بر اساس اصل ۵

قانون اساسی، آنچه که نظام قوامش به لحاظ اندیشه‌ای هست و از لحاظ قوانین هم اصل ۴ را داریم که حاکم بر تمام اصول در این نظام هست. در حوزه زنان هم همین، تمام قوانین فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی همه مبتنی بر اسلام باید باشد. این دو تا نگاه مهم در این گفتمان است.

از همه مهم‌تر اینکه در این گفتمان ما، نظام خود را یک، نظام الهی-مردمی می‌بینیم، مبتنی بر قانون اساسی است و مشارکت و حضور مردم. مردم به تعبیر ما در نگاه اسلام، انسان اعم زن و مرد است، اینجا هم می‌توانیم بگوییم، با آن نگاهی که در قانون هست، مردم اعم از زن و مرد هستند. پس بحث مشارکت مردمی هست، یعنی حضور در واقع جنس را می‌طلبد و این هم در واقع نکته‌ی بسیار مهمی در مقدمه‌ی عرض من هست.

اما این نظام را ما چگونه می‌خواهیم سنجش کنیم و بگوییم دست آورده‌هایی دارد؟ یقیناً و بی‌تردید آن‌قدر دست آورده‌های نظام اسلامی در حوزه‌های مختلف زیاد است که در اینجا نمی‌گنجد؛ اما آن نکته‌ای که مهم است و در اینجا می‌توانیم به آن اشاره‌ای کنیم این است که تعریف من از دست آورد با همه عزیزان این‌گونه باشد که وقتی می‌گوییم دست آورد، ممکن است که بین این دست آوردها، ضعیف، قوی، مثلاً، اگر کارنامه‌ای بنخواهیم به آن نگاه کنیم، ۱۵، ۱۴، ۱۲، ۱۰، ۱۹ و ۲۰ هم باشد.

اما عرض من یک مقدار فراتر از بحث دست‌آوردهاست. بیشتر بحث کارآمدی است. حالا کارآمدی را چگونه معنا می‌کنم که در ادامه بحث بتواند مرکز ثقل عرض بنده باشد؟ کارآمدی را تعاریف زیادی از آن کردند، اما

من مبتنی بر آن چند اصلی که عرض کردم، کارآمدی را معنا می‌کنم. من تعاریف زیادی را از کارآمدی در کتب مختلف مدیریتی دیده‌ام، ولی معمولاً این کارآمدی با توسعه ارتباط مستقیم برقرار می‌کند. واژه توسعه، یک واژه‌ایی است که معمولاً تک ساحتی سنجیده می‌شود. مثلاً گفته می‌شود کشورهای توسعه یافته، اقتصادشان خوب است، نظامی آن‌ها خوب است، امنیتشان خوب است و... یک کشور توسعه یافته می‌شود؛ اما مبتنی بر آن نظام فکری که من عرض کردم که ما بینش توحیدی داشتیم و نظام ما ولایی بود، مردمی و الهی بود، کارآمدی هم را، همین‌طور، بر اساس این معنا باید تعریف کنیم که در اینجا دیگر نمی‌شود نگاه تک ساحتی به کارآمدی داشت، بلکه آن میزان توانایی نظام جمهوری اسلامی ایران در رشد، بهبود، پیشرفت در وضعیت زنان با توجه به شاخص‌هایی که تعریف شده است.

شاخص‌ها را می‌توان گفت یک سری از آن‌ها بین‌المللی است و یک سری از آن‌ها هم باید ما بومی کنیم. اتفاقاً عرض من در کارآمدی همین‌جاست، ما ممکن است در بعضی از چیزها بر اساس فرمایشات کل مسئولین نظام، مخصوصاً مقام معظم رهبری می‌گوییم، ممکن است که ما بر اساس شاخص‌های کلان داشته باشیم که بگوییم بحث زنان در بهداشت و سواد و امثال این مانند جهان خوب است، اما این شاخص‌های بومی را هم باید در این تعریف کارآمدی بیاوریم. شاخص‌های بومی ما، یعنی آن شاخص-هایی که با حفظ مبانی، اصول و ارزش‌های اسلامی، در راستای دستیابی به اهداف کلان نظام در این سیستم باید مدنظر قرار بگیرد و با ساحت مادی

و معنوی این شاخص‌ها سنجیده می‌شود. به‌طور مثال، اگر ما بگوییم در همه ابعاد و شاخص‌های بین‌المللی ما پیشرفت کردیم، خیلی خوب، اما در بحثی همانند حجاب، رعایت عفاف، در بحثی مانند خانواده، در بحثی مانند پایبندی زنان با اولویت و مشارکت زنان در اجتماع با اولویت خانواده، یعنی بگوییم ما در این شاخص‌ها خیلی وضع خوبی داریم، اما این شاخص‌های بومی را مدنظر قرار ندهیم، نمی‌توانیم صحبتی کنیم. ما باید این نگاه را در تمام ابعادی که می‌خواهیم بگوییم کارآمد است، در فرهنگ، در اقتصاد، در سیاست، در مشارکت، باید مدنظر قرار بدهیم، این است که پذیرش قوانین بر حاکمیت الهی باشد؛ یعنی اگر شاخصی هست که مانند سواد که یک شاخص بین‌المللی است ما می‌پذیریم، اما آنجایی که ما می‌گوییم بر اساس این شاخص ما کارآمد هم هستیم، باید ببینیم در چه میزان توانستیم پذیرش قوانین الهی را داشته باشیم.

من این‌ها را احصاء کردم، حفظ حرمت انسانی زن را در نظر بگیریم. بحث عدالت، بحث تکلیف و حقوق، نه فقط حقوق، چون معمولاً در بین شاخص‌ها وقتی نگاه می‌کنیم، در عرصه بین‌المللی و دیگر کشورها، فقط بحث حقوق زن مطرح است، اما با آن نگاه تکلیف و مسئولیت و حقوق باید شاخص‌ها را و کارآمدی آن را بسنجیم.

نکته دیگر است که یک نگاه متعادل و پاسخگو بودن مسئولین هست که بتواند این قدرت انطباق این سیاست‌ها و قوانین را با شرایط جدید در جامعه در واقع به‌روزرسانی بکنند؛ و نوعی دیگری که شاید این بحث عوامل

کارآمدی باشد برای ما هم خیلی مهم است، در تعاملات بین‌المللی، این هست که ما در نگاهی که به عرصه بین‌المللی داریم، تعامل را داریم، منتهی حفظ مبانی و ارزش‌های بومی بشود.

نکته‌ی بعدی هم در عوامل کارآمدی هم به نظر می‌رسد که وجود آن ساختارها و سیاست‌گذاری‌ها و یک سیستمی که رصد و پایشی را داشته باشد، برای حرکت به طرف مطلوب. حالا این روشی هم که ما می‌خواهیم کارآمدی را بسنجیم هم مهم است، روش سنجش کارآمدی و در نگاهی که بنده در ادامه در خدمتتان خواهم بود، این است که ما کارآمدی را باید یک مبدأ و مقصدی باید بسنجیم. الان کارآمدی را نسبت به چه چیزی می‌خواهیم بسنجیم؟ نسبت به چه مقطعی بسنجیم؟

من به نظرم می‌رسد، مقطع قبل و بعد از آن انقلاب، بتواند یک روند و یک ریل خوبی باشد که ما بسنجیم، قبل از انقلاب چه بوده است و بعد از آن انقلاب در حوزه زنان، به لحاظ بررسی تطبیقی در شاخص‌های کمی، کیفی، به لحاظ روشی، مدنظر قرار دهیم. ممکن است در اینجا یک سؤالی پیش بیاید، بگوییم اگر ما سنجش بین قبل و بعد را انقلاب داشته باشیم، می‌بینیم بعضی از موارد، ساختارها، در قبل از انقلاب نبوده است. چگونه می‌خواهیم بسنجیم و تطبیق بدهیم؟ من به لحاظ روشی عرض می‌کنم که می‌توانیم، آن ساختارهایی که قبل از انقلاب بوده است، در واقع، تأسیسی نیست، امضائی هستند.

مثلاً ما مجلس را داشتیم، مجلس قبل و بعد را در نظر بگیریم؛ اما در جاهایی که در واقع در قالب ساختارهای تأسیسی هستند در نظام جمهوری اسلامی ایران، می‌توانیم دهه‌ای بسنجیم. برای اینکه ببینیم روند کارآمدی در آن چگونه بوده است. نکته مهمی که به نظرم خیلی خیلی مهم می‌رسد، بر اساس یک مقدماتی ما از لحاظ روشی خدمتتان عرض کردم، چون من هنوز وارد عرصه تطبیق این نگاه تحولی قبل و بعد از آن انقلاب نشده‌ام که بگویم نظام کارآمد بوده است؛ اما به نظر می‌رسد یک مفهومی را باید خیلی به آن دقت کرد، یک مفهومی که زیربنایی است، یعنی که اگر در این حوزه ما بتوانیم تغییر حاصل کنیم، در حوزه‌های دیگر هم تغییر حاصل می‌شود. آن مفهوم چیست؟ مفهوم سیاست‌گذاری است. آن چیزی که امروزه از آن در مفاهیم مختلف یاد می‌کنند، به نظرم بحث سیاست‌گذاری است، اگر ما در حوزه سیاست‌گذاری در یک نظامی، مثلاً، نظام جمهوری اسلامی، به نسبت نظام پهلوی که در گذشته بوده است، اگر بگوییم تغییر حاصل شد، این سیاست‌گذاری تغییر کرد، بر اساس آن، راهبردها، اقدامات، برنامه‌ها هم می‌تواند تغییر کند. به تبع اگر سیاست‌گذاری در یک نظامی تغییر کند، بر اساس آن مبانی که قبلاً عرض کردم، اگر سیاست‌گذاری ما در حوزه‌ی زنان در جمهوری اسلامی تغییر می‌کند و مبتنی بر نگاه الهی می‌شود، از آن نظامی که شاید هیچ‌نگاهی به مفاهیمی که در مسیر ارزش‌های الهی حرکت کند در حوزه سیاست‌گذاری زنان، نبود، به تغییر در حوزه سیاست‌گذاری برمی‌گردد.

حالا این سیاست‌گذاری را ما چه چیزی تعریف می‌کنیم؟ تصمیم‌گیری، خط‌مشی، تدبیر، راه‌حل مسئله برای رسیدن به هدف و معمولاً یک فرآیند است؛ یعنی سیاست‌گذاری را فرایندی می‌بینیم. آن سیاست‌گذاری که منجر به استفاده بهینه از همه‌ی منابع بشود، برای اینکه ما به هدف برسیم، در یک محیط و تأثیر و تأثر تعامل با محیط و عوامل خارجی را نیز باید در نظر بگیریم. نقاط ضعف، نقاط قوت، فرصت‌ها و تهدیدها. بدون تردید اگر ما این سیاست‌گذاری را از سطح عالی و کلان آن که هر چه به سمت خردتر هم می‌رود، همانند موضوع زنان، سیاست‌گذاری ما در بحث کلان که نظام جمهوری اسلامی تغییر کرده است. در یک خرده نظامی هم که مثل نظام حقوق زنان هست، تغییر می‌کند، با توجه به این، ما می‌توانیم بگوییم که عرصه‌های مختلف، ساختارها و نهاد تغییر می‌کند. حضور در ارکان نظام، قوه مقننه، قوه مجریه، قوه قضاییه تغییر می‌کند، چون سیاست‌گذاری‌ها تغییر کرده است و همین‌طور مراکز و نهادهایی که ساخته می‌شود در یک نظام و یک سیستم در نظام جمهوری اسلامی، تغییر کرده است.

جمع‌بندی عرض من در این قسمت این است که ما در نظام جمهوری اسلامی بعد از انقلاب اسلامی، می‌توانیم ادعا کنیم به لحاظ مبانی علمی پذیرفته شده، نظام جمهوری اسلامی، نظامی است در حوزه زنان، با توجه به تغییر در سیاست‌گذاری کلان نظام و به تبع آن خرده نظام زن در اسلام یا خرده نظام زن و خانواده در اسلام، سیاست‌ها به‌طور کلی تغییر کرده است و با تغییر سیاست‌ها و سیاست‌گذاری‌ها، زنان توانستند مبتنی بر ارزش‌های

الهی مشارکت‌هایی را در عرصه‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و همه‌ی ظرفیت‌هایی که در نظام داریم را، داشته باشند. حالا آن ظرفیت‌های ما در نظام چیست؟ این ادعا را باید اثبات کنیم

ظرفیت‌هایی که در نظام داریم چیست؟ که آن سیاست‌گذارهای مبتنی بر آن در واقع معنا پیدا می‌کند، یکی از آن ظرفیت‌ها نگاه به زن در قانون اساسی است، به‌طور خاص که به نظر من ایجاد شد. این را من بررسی کردم و در جای خودش در قسمت بعدی خواهم گفت. ما در قانون اساسی که قبل از انقلاب بود، اگر ردپایی هم از زن می‌بینیم، اما در عمل ارزش‌گذاری به زن را نداریم. پس بعد از آن انقلاب اینکه ما ادعا می‌کنیم، می‌گوییم، موضوعیت پیدا کرد زن در قانون اساسی حالا اصول مختلفش، همه مردم، مردم ایران اعم از زن و مرد این واژه‌ها را می‌بینیم، من به این‌ها کاری ندارم، اما به آن اصولی که در واقع مثل اصل ۲۱ که می‌گوید دولت موظف است حقوق زن‌ها را در تمامی جهات منتهی با توجه به مضامین و موازین اسلامی رعایت کنید تا هدف در آن سیاست‌گذاری، شخصیت زن احیا شود و حقوق مادی و معنوی او زمینه‌سازی بشود. ظرفیت در قانون ما ایجاد می‌شود. ظرفیت دیگر ما این است که بحث خانواده هم موضوعیت پیدا می‌کند، یعنی موضوعیت پیدا کردن زن و خانواده، دو ظرفیت مهم است که در سیاست‌گذاری خیلی باید به آن توجه کرد.

یک ظرفیت دیگر ساختاری نیز ما داریم. تأسیس مراکز و شعبه‌هایی است که در رابطه با بحث زنان در همه‌ی مراکز به تبع آن سیاست‌گذاری شکل

می‌گیرد؛ و این باعث جامع‌نگری در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی و اقدامات در خصوص زنان داشته باشیم؛ و از همه مهم‌تر یک ظرفیت دیگر، اسناد بالادستی، به‌طور خاص در حوزه‌ی زنان ایجاد می‌شود. در اسناد بالادستی شاید بگوییم، خب، ما برنامه توسعه را قبل از انقلاب هم داشتیم، ما زنان قبل از انقلاب هم در مجلس بودیم، ما این را قبول می‌کنیم، ما البته می‌آییم این‌ها را بررسی می‌کنیم، تطبیق می‌دهیم. خیلی باهم فرق می‌کنند؛ اما مهم این است که ما اسناد بالادستی ویژه زنان که به‌صورت خاص و عام؛ خاص و عام را من این‌طوری تعریف کردم، اسناد بالادستی خاص مثل منشور حقوق زنان یا درواقع منشوری که نسبت به بحث کودکان و جوانان مصوبه داریم و اسناد بالادستی عام مثل نقشه مهندسی فرهنگی کشور که بخشی به بحث زنان پرداخته است و به‌طور خاص نیست.

از همه مهم‌تر یک ظرفیتی را ما در بعد از آن انقلاب داریم و داشتیم که خیلی می‌تواند در خصوص زنان، در ابتدا تا الان که ۴۲ سال گذشته، بعد از این تا زمانی که درواقع ما این ادعا را برای کارآمدی به معنی به‌روزرسانی هم داشته باشیم. آن نگاه مبتنی بر دین این خیلی مهم که ما با این نگاه می‌توانیم در حوزه سیاست‌گذاری و در حوزه‌ی تحولات این‌چنینی، این نگاه اجتهادی را به مدد بگیریم و اتفاقاً من این را می‌خواهم بگویم که این نگاه اجتهادی یک بُعد است، اما یک بُعد دیگرش اصل ۱۱۰ قانون اساسی است. در اصل ۱۱۰ قانون اساسی ما داریم در بند یک یا بند هشت، درواقع

مقام رهبری سیاست‌های کلی نظام را تبیین می‌کند. آن سیاست‌گذاری‌ها کلی نظام یکی در روند عادی است و یکی در حل معضلات هست. با این نگاه من می‌خواهم بگویم، بسیار دقیق و بسیار عمیق مبتنی بر دین که در نظام ولایی فقط می‌تواند شکل بگیرد، اگر معضلی در خصوص زنان پیش آمد با نگاه اجتهادی علما، فقها، حوزه و همه جا، در مباحث مختلف این‌ها به مدد می‌آیند، اما با این هم بالاخره معضلی بود که نشد حل بشود. قانون به کمک ما می‌آید و در اینجا می‌گوید، اصل ۱۱۰ قانون اساسی بند یک و هشت آن می‌گوید، در اختیار رهبری است. این می‌شود همان ظرفیتی که ما سیاست‌های ابلاغی آقا را، در بحث خانواده، در بحث جمعیت، در بحث اشتغال زنان داریم.

من عرضم را می‌خواهم با این جمله‌ها تمام کنم که مقام معظم رهبری خودشان، یعنی دیدگاه امام و رهبری هم که دیدگاه خود حضرت امام و مقام معظم رهبری هم ظرفیتی است در نظام؛ یعنی ما همیشه به درواقع صحبت‌های آقا و امام گفتیم، آقا این را فرمودند، حضرت امام این را فرمودند. من با یک نگاه علمی و در یک مسیر تئوریزه کردن اندیشه‌های رهبری و حضرت امام می‌خواهم بگویم که خود این‌ها ظرفیت است. آقا می‌فرمودند که اسلام در سه قلمرو برای حرف دارد: قلمروی تکامل انسانی، قلمروی خانوادگی و قلمروی اجتماعی. خود همین ظرفیت بسیار زیادی است که ما از این ظرفیت استفاده کنیم و درواقع در سیاست‌گذاری‌ها، در کلام امام هم که از یک طرف فرمودن، از یک طرف فرمایشات آقا است

و از یک طرف فرمایشات حضرت امام که فرمودند: زنان باید همان‌گونه که در انقلاب کردن بودن، در حین انقلاب، پیروزی انقلاب، بعد از آن انقلاب هم باید در سیاست دخالت کنند؛ و حالا آن اشکالاتی می‌کنند، در واقع امروزه ما در یک نگاه متحجرانه می‌بینیم حضور زن را در بعضی از عرصه‌ها، نگاه تقلیلی می‌خواهند به او بدهند؛ من می‌خواهم بگویم که شاید مقداری مغایرت هم با دیدگاه اصلی داشته باشد، ما ظرفیت آن نگاه امام و رهبری را، اگر به ظرفیت‌ها نگاه اجتهادی، ظرفیت قانون اساسی، موضوعیت پیدا کردن زن و خانواده در قانون اساسی و اسناد بالادستی نگاه کنیم، همه این‌ها می‌تواند در واقع مبنای محکمی در عرصه سیاست‌گذاری در نظام اسلامی باشد که این سیاست‌گذاری به‌طور آبشاری تا امروز در ۴۰ سال توانسته است تحولات اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، زمینه را آماده کند برای حضور زنان که در ادامه دیگر بحث من آماری خواهد بود که چه تحولاتی را بر اساس این سیاست‌گذاری‌ها در واقع توانستیم شکل بدهیم.

***جناب آقای دکتر اسحاقی:** خیلی متشکر سرکار خانم دکتر قوی که به چارچوب‌هایی از نحوه‌ی ارزیابی تفاوت‌هایی که قبل از انقلاب و بعد از آن انقلاب در زمینه حضور زنان و نقش زنان در جامعه داشته اشاره کردن و البته گفتگو در مورد خدمتی که انقلاب اسلامی به جامعه زنان کرده و نحوه نگرش آن‌ها را در جامعه مشخص کرده است. ضمن اینکه حضور فعال آن‌ها را در جامعه که ساختار آن‌ها را فراهم کرده است و به رسمیت شناخته

است و به جنبه‌های مادری و نقش همسری هم توجه دارد و برای اینکه جامعه‌ای پویا و فعالی داشته باشیم و به‌ویژه ما الان که برای گام دوم داریم بحث می‌کنیم، حتماً نقش جامعه‌ی زنان، نقش ویژه و منحصر به فردی هست و حتماً هم همچون در گام اول در پیروزی انقلاب اسلامی، شکل-گیری نظام و همچنین در دوران دفاع مقدس و همچنین در نهضت علمی که حضور فعالی و مستمری داشتند؛ در گام دوم هم إن شاء الله پویاتر از گذشته با توجه به الزامات و نیازها و ضرورت‌های جامعه باید این نقش-آفرینی صورت بگیرد.

در خدمت سرکار خانم دکتر علاسوند هستیم. بحثی را که ایشان ارائه می‌کنند، الگوگیری معاصر از سبک زندگی فاطمی هست. در هر حال ما تغییرات فرهنگی اجتماعی داشتیم و گذر زمان تغییراتی را به وجود آورده، معمولاً هم این سؤال می‌شود که چگونه می‌شود بین قدیم و جدید این ارتباط را برقرار گردد؟ به‌ویژه الگوی مستمر و دائمی سبک زندگی فاطمی برای ما و به‌ویژه برای جوانان خیلی مفید می‌تواند باشد.

الگوگیری معاصر از سبک زندگی فاطمی

سرکار خانم دکتر علاسوند: موضوعی که پیشنهاد داده بودم در واقع در بیان و استفاده از تجربه زیستی زنان مسلمان انقلابی در دوران انقلاب است که بتوانیم از آن برای کار در گام دوم استفاده کنیم. حالا هم اوامر شما را

سعی می‌کنم در بحثم آن قدر که مقدور است بیاورم و ارجاع بدهم به سبک زندگی حضرت صدیقه طاهره سلام الله علیها با نگاه معاصر سازی و هم بحث خودم را.

عرضم رو با این مسئله می‌خواهم شروع کنم که بارها پیشنهاد دادم به نهادهای انقلابی که برای آیندگان بماند قرائت زنانی که به هر آنچه که اسمش امروزه پیشرفت به معنای واقعی کلمه رسیدن، در بستر انقلاب اسلامی رسیدند و این فایل آن بسته است و آیندگان به نظرم اگر ما امروز نکوشیم نخواهند شنید به طور دقیق و مستقیم که انقلاب اسلامی در حق زنان چه کرده است. آن هم بر اساس تجربیات مستندی که افراد از خودشان ارائه می‌کنند؛ یعنی کسانی تقریباً هم سن و سال بنده و بزرگ‌تر از من چند تا سالی که نوجوانی و جوانی خودشان را در انقلاب اسلامی طی کردند و اصولاً، کاملاً و به‌طور واضح و شفاف شرایط بیش از انقلاب را هم در ذهن دارند و نقطه عطف جدی که انقلاب اسلامی در زندگی‌شان داشته و به نقاطی که امروزه هستند رسیدند، همه در اساس بر اساس این گفتمان، یعنی گفتمان انقلاب اسلامی و امامین انقلاب هم که در این ۴۲ سال بر آن تأکید داشتند و اصلاً این پویش و این حرکت از همین گفتمان هم شروع شده است؛ یعنی یک کسی متکفلش بشود و انجامش بدهد تا این نسل بالاخره به هر بلای زمینی و آسمانی از دنیا نرفتند. می‌خواهم بگویم این قصه خیلی مهم و من این را الان مبدأ صحبت‌م قرار می‌دهم.

مطالعات ما نشان می‌دهد که در تمام تاریخ تشیع قاطعانه عرض می‌کنم اصولاً مکتب تشیع برای زنان منبع خیزش و حرکت و پیشرفت بوده. این نه بحث شعاری است، حرف کاملاً مستندی است و من ارجاع می‌دهم به منابع متعددی که از اما یکی از منابع اخیر که در این زمینه نوشته شده و حالا یا منتشر شده یا در دست انتشار است. یک مجموعه دو جلدی هست از نقش زنان شیعه در پیشبرد علوم اسلامی که دقیقاً نشان می‌دهد که این حرکت با وجود تمام فشارهایی که جریان تشیع در طول تاریخ خودش متحمل شده بسیار طوفانی جلو آمده ولی طبیعتاً چون زن است و مستوری، این واقعیت‌ها خیلی خوب برملا نشده فاش نشده و آشکارسازی نشده و اتفاقاً یکی از دستاوردهای مهم انقلاب اسلامی به نظرم بنا بود این باشد و بوده در حد قابل توجهی که این نقش برجسته را در واقع ضمن اینکه شکوفاتر می‌کنه نشان دهد. این مانیتور کردن این نقش به نظر من خیلی مهم و مانع از قرائت‌های سلیقه‌ای از اسلام و مقام و نسبتش به زن و مسئله زن خواهد بود.

چیزی که می‌خواهم عرض بکنم این است که چند تا اتفاق همزمان در شروع انقلاب اسلامی افتاد که روی زندگی هر کسی شاید اثر داشت من به عنوان یک زن به عنوان یک کسی که نوجوان بودم وقتی انقلاب اسلامی آغاز شد و پیروز شد و آن دوره در واقع در مهیج‌ترین سن خودم طی کردم از آن تجربه دارم عرض می‌کنم و آن اتفاق‌ها در زندگی زنان و دختران بیش از شاید بقیه طبقات اثر داشت. من می‌خواهم کمی راجع به آن صحبت

کنم پیام بر رسم به حالا نتیجه بحثم. کسانی مثل من و امثال من که حالا زیاد بودیم، در یکی از قسمت‌های منتهی‌الیه ایران در واقع زندگی می‌کردم. من اهل خوزستان بودم و پیام انقلاب اسلامی با همان سرعت و با همان هیجان به ما رسید که مثلاً در مرکز کشور و پایتخت بود؛ و این خودش جداگانه قابل مطالعه است و واقعاً قابل مطالعه است این را کار ندارم.

در جایی که فرهنگ مثلاً انگلیسی خیلی کاملاً رسوخ کرده بود، حدود یک قرن و نیم انگلیس با تمام مظاهر فرهنگی خودش در آن استان وجود داشت مسلط بود و تأثیرگذاری‌های خودش رو در هر جایی که می‌توانست به صورت خزنده داشت. در شهری که شاید مثلاً حتی روحانی اکثر مردمش به چشم نمی‌دیدن. یکی دو تا روحانی در آن شهر بود. ولی با انقلاب اسلامی اتفاق‌هایی افتاد. آن اتفاق‌هایی را که می‌تواند خیلی زیاد باشند ولی من چون الان واقعاً در قحطی آن اتفاقات داریم به سر می‌بریم برای نسل جدید می‌خواهم آن‌ها را رو بزرگ کنم.

یکی از آن اتفاقات این بود که تو زندگی من در تجربه من شخصی که ممکن است امثال من بسیار زیاد بودن اثر فوق‌العاده گذاشت این بود که انقلاب اسلامی، نیروی انسانی برایش مهم بود، قبل از اینکه نهادها و ساختارهای برایش مهم باشد. البته میدانم این خاصیت انقلاب است و هر انقلابی بعد از یک مدت شروع می‌کند به نهادسازی و ساختارسازی ولی هر انقلابی که درگیر شود، بماند و درجا بزند در نهادسازی و ساختارسازی و از منابع آن اصلی یعنی نیروی انسان غافل شود آن وقت طبیعتاً نمی‌تواند

به اهداف برین خودش که آنها را شروع کرده برسد و پایبند باشد. یک اتفاقی افتاد مثلاً یک مثالش این سیل عظیم روحانیونی که آمدن در اقصی نقاط کشور پخش شدند و این روحانیون آمدن در جایی مستقر شدند که به عنوان نقطه دوم می‌خواستیم به آن اشاره کنم که مدارس بودند مثلاً یا دانشگاه‌ها بودند.

من به عنوان یک بچه مدرسه‌ای آن زمان می‌گویم، در مدارس آمدن مستقر شدند بعد روی نیروی انسانی کار کردن بدون بروکراسی بدون هیچ‌گونه مثلاً برنامه‌ریزی‌های منسجمی شاید که بعداً پدید آمد ولی نمی‌دانم چرا کم خاصیت تر شد و خیلی از مسائلی که آن زمان اتفاق می‌افتد که من می‌گویم چون موضوع تحول انسان بود، موضوع تحول این نیروی انسانی بود؛ یعنی دقیقاً هدف گرفته بود که این آدم‌ها این بچه‌ها، این نوجوانان این جوانان باید تغییر کنند کل برنامه‌ریزی در حول آن می‌چرخید؛ و با وجودی که آن موقع تئوری‌ها و اندیشه‌های چنین و چنانی که الان است، مثلاً این همه ما الان سند داریم راجع به پرورش نخبگانی. آن موقع آدم‌ها هنوز فکر نکرده بودند که برای پرورش نخبگانی سند بنویسند منشور بنویسند میثاق بنویسند. اما خیلی واضح و روشن این اتفاق افتاده بود از روی طلقای، یعنی آن القای خود به خودی آن فهم خود به خودی آدم‌ها، خوب اگر این لیدرها اگر آن رهبرها اگر آن شخصیت‌های نخبه، اگر آن بچه زرنگ‌های مدرسه درست شوند بقیه هم درست می‌شوند دقیقاً آمدن در بسترهای رفتارهای کاملاً آزاد، آمدن بچه‌های خوب مدارس را انتخاب کردند، بچه‌های زرنگ

مدارس انتخاب کردند نه الزاماً بچه‌های مذهبی، چون همه داشتیم تازه با هم شروع می‌کردیم همه داشتیم تازه با هم با حجاب می‌شدیم همه داشتیم تازه با هم نمازخوان می‌شدیم. این اتفاقات با هم داشت می‌افتاد برای خیلی از مردم. در نتیجه آمدن آن آدم‌ها رو گرفتن و روی آن آدم‌ها کار کردند. من اصلاً نمی‌بینم و ندیدم این اتفاق در مورد فرزندان من و در مورد نوه‌های من رخ بده الان در مدارس که مهم چه چیزی باشد مهم آدم باشد. اصلاً مهم مراسم دهه فجر نیست که چقدر تراکت می‌زنیم چقدر ما سرود اجرا می‌کنیم چقدر ما فلان می‌کنیم. در یک پروسه‌ی دائمی، مثلاً ۹ ماه بچه‌ها در مدرسه‌اند، ۹ ماه قرار است بر روی این نیروی انسانی کار شود، تازه به این هم اکتفا نمی‌کردند، یک ماه هم ببریمشان اردو در تابستان، نه ماه بر روی این‌ها مثلاً فعالیت کردیم و کار کردیم به همین مقدار اکتفا نکنیم و الزاماً باز یک مثلاً نیروی مضاعفی این‌ها باید دریافت بکنند، با آدم‌های دیگر و حالا من در این زمینه چون حرف زیاد دارم، الان زمان نداریم، می‌گذارمش بسته‌اش بماند که یک کسی یک وقتی ما را استنطاق کند.

ببینیم چه روش‌هایی وجود داشته که این روش به وضوح درباره من به عنوان یک دختر مثلاً ده دوازده سال آن زمان خیلی اثر داشته و اولین اثرش امروز که من رو بشدت آرمان‌خواه کرد، به شدت آرمان‌گرا کرد، من را از این تنگنا درآورد که یک دختر بچه هستی، از یک خانواده مثلاً معمولی، متوسط مذهبی معمولی، در یک شهر مثلاً احیاناً دور افتاده یا در یک روستای که

امثال من زیاد هستند در همه جا، تو را چه به این حرف‌ها، اساساً با برنامه‌هایی که من گاهی وقت‌ها می‌گویم، فهرست کارهایی که ما در کنار درس‌هایمان انجام می‌دادیم، آن‌قدر آن فهرست بزرگ بود، آن‌قدر کارهای مهمی فکر می‌کردیم باید انجام بدهیم که امثال بنده در متن آن حادثه‌ها، داشتم بالیده می‌شدم، بزرگ می‌شدم و آرمان‌هایم شکل می‌گرفت.

دومین مطلبی که می‌خواهم به آن اشاره کنم، همین نکته است که تمام تمرکز یک‌دفعه آمد روی خیل نوجوان و جوان‌ها، چرا؟ چون امام پیشتر تو برنامه‌شان فرموده بودند، می‌گفتند آن‌هایی که میان پای کار من، کسانی هستند که الان توی گهواره‌اند و یک اندیشه به شاگردانش و کسانی که می‌آمدن در شهرها و اقصی نقاط کشور فعالیت می‌کردند، این بود که آقا کشور را باید این‌ها بسازند. این جوان‌گرایی یک دفعه در یک فطرتی در انقلاب ما مُرد، واقعاً مُرد، یعنی اگر که به چیزی که مرتب از مطالبات مقام معظم رهبری که خیلی هم روی آن حساسیت دارند، البته با تعریفی که حالا از جوان‌گرایی هست، من نمی‌خواهم بگویم بحث سن و سال است، ولی می‌خواهم بگویم اگر بنا بود که در یک مقطعی کشور ساخته شود و پیشرفت کند که پیشرفت‌ش هم واقعاً پیشرفت شگفت‌آوری بود، این اتفاق بر اساس این ذهنیت افتاد که ما باید متمرکز بشویم در بین نوجوانان و در بین جوان‌ها و این به این هم من بسته ذهنم خیلی بزرگ و خیلی فایل‌م باز که چه کارهای متنوع و متکثری انجام شد.

یکی از آن‌ها را من فقط مثال می‌زنم، از باب نمونه، می‌خواهم بگویم آن روحانی که خیلی هم درس‌های حرفه‌ای تربیتی و کار با نوجوان و مخاطب شناسی رو نکرده بود، مثلاً می‌آمد، مدرسه ما می‌گفتند، اردوی یک روزه داریم، اردوی یک روز، با کمترین امکانات می‌خواهیم بریم خارج از شهر، یکی از کارهایی که این روحانی انجام می‌داد می‌گفت بچه‌ها آن درخت را می‌بینید، آن درختی که آنجا وسط بیابان است، نگاهش کنید. برای آن درخت یک قصه بگویید. بچه‌ها فکر می‌کردند، قصه می‌گفتند، قصه‌های ما رو می‌شنید، بعد از اینکه قصه‌های ما رو می‌شنید و کلی ما را به خلاقیت ذهنی وا می‌داشت، این جمله حضرت امیر را می‌خواند که اعلا و آن شجره البریه، بریه، اصل بودن، درختی بیابانی چوبش سفت‌تر است، می‌خواهم بگویم خیلی این روش شاید ساده بود، ولی آن آدم می‌دانست باید روی این نیروی انسانی در این سن سرمایه‌گذاری بکند. ما گرفتار نهاد و ساختار شدیم آن قدر که مانده‌ایم از نیروهای انسانی. به قول حضرت آقا ریزش‌هایی بوده، ولی رویش‌های ما نیز فوق‌العاده بوده و این در واقع وضعیت پویا و دینامیک انقلاب اسلامی و مال ما از این جهت، وضعیت خیلی استثنایی و بهتری دارد. می‌خواهم بگویم ما آن موقع یک جهش داشتیم ولی الان از آن جهش افتادیم. ما نیاز به آن جهش داریم پس باید برگردیم روی این دو نکته.

نکته سوم که آخرین نکته می‌باشد، کلاً انقلاب اسلامی، حالا در هر حال با اندیشه امام مطلع شد، متأثر از همان الگوی فاطمی، متأثر از همان الگوی مکتب تشیع، اصولاً نظام معنایی ساخت برای هر چیزی. ببینید، پیغمبر اکرم

می‌آید در مدنیه و احکام و حقوق برای مردم بیان می‌کند، بسته قرانی مربوط به زنان و جایگاه ارزشی‌شان را هم بیان شده، بعد از آن یک سری ساختارهای اجتماعی و متناسب در همان ریل، پیغمبر اکرم می‌سازد، بعد، یک نمونه مشعشعی از همه آن چیزی که در گفتارش آورده را به مردم هم بیان می‌دارد، جلو چشم مردم فاطمه زهرا تکریم می‌شود، فاطمه زهرا تجهیز می‌شود، فاطمه زهرا به‌عنوان یک سوژه اجتماعی فعالیت می‌کند، حرکت می‌کند، تأثیرگذار است و این مسئله نه فقط در مثلاً طبقه اول زنان اهل بیت از دختران و مادران، در بین طبقاتی که در کنار این جریان مثل دومینو ساخته می‌شوند، یعنی زنان شیفته‌ی مکتب اهل بیت هم همین حرکت اتفاق می‌افتد، یعنی زنان فرهیخته، من گاهی اوقات وسط صحبت‌هایم گفته‌ام که فقط یک کسی، یک عدد کتاب، نه زیاد، نه درباره حضرت زهرا، درباره تربیت شدگان مکتب حضرت زهرا مطالعه کند؛ کتاب الوافدات علی معاویه، زنانی که جان‌نثاران مکتب تشیع و امیرالمؤمنین بودند و تا پای جان ماندند و تاوان پس دادند، تبعید شدند، سختی کشیدند، زبانشان در کامشان خشک نشد در دفاع از امیر المومنین و معاویه صرفاً بر اساس سیاست تزویر، برای ساکت کردن آن‌ها، می‌گفت بیایند شام، یا در ایام حج به دیدارشان رفته بود که دلجویی بکند که مثلاً زمینه‌سازی بکند که زبان آن‌ها بر علیه او بسته شود، شما مکالمات آن‌ها را با معاویه که می‌خوانید، می‌بینید آن‌ها همه از روی فهم، از روی تشخیص، از روی امام شناسی، از روی ادله‌ی مستندی که مشروعیت به امام و جریان امامت می‌دادند، با بیانی غرا و سری نترس، از

مکتب اهل بیت دفاع کردند، همان زنانی که اولویت‌های مادری و همسری هم داشتند.

این ناشی از این است که یک نظام معنایی وجود دارد، یک فضایی وجود دارد که این مفاهیم در آن فضا معنا می‌شوند. انقلاب اسلامی وقتی حجاب را برای من معنا کرده به‌عنوان یک نوجوان، می‌خواهم حجاب را بپذیرم، حجاب را که دارم می‌پذیرم، با آن هم احساس شرف کردم، هم احساس عزت کردم، هم احساس امنیت در فضای اجتماعی کردم، هم احساس کردم این حجاب کلی معنا پشت آن هست، مثلاً عفت، وقار، قناعت پشت آن وجود دارد. من آدمی از این نظام معنایی دفاع کردم و این نظام معنایی را پذیرفتم، نه فقط چادر، نه فقط مثلاً فلان. ببینید ما وقتی آن نظام معنایی را می‌بینیم پشت سر حجاب، خب طبیعتاً یک عده‌ای در مقابل آن گارد می‌گیرند، بعد من برای حجاب جنگیدم.

این را در پراکنش بگویم، چرا برای حجاب جنگیدم؟ چون مثل امروز نبود، مدارس اسلامی، مانند مدرسه رفاه، مدرسه روشنگر، مدرسه علوی، مدرسه نیکان، مدرسه و... من اصلاً کاری به خط و خطوط سیاسی ندارم، مدارس اسلامی که همه بچه چادری‌ها، از همه‌ی مدارس جمع کردن، بردن یکجا و این‌ها، اصلاً هیچ وقت برای حجابشان جنگ نمی‌کنند، هیچ وقت در غیریت قرار نمی‌گیرند که در آن غیریت بفهمند که آن نظام معنایی حجاب خود را که یعنی چه چیزی؟ خب، حجاب برای من یک نظام معنایی داشت، من آن را پسندیدم، آن برای من جذاب بود، من بارها با خانم‌های چادری

صحبت کردم، خانم‌هایی که چادری هستند ولی اصرار دارند که من چادرم را دوست ندارم، مجبورم که این چادرم را استفاده کنم. نظام معنایی زندگی زنان، وقتی امام آمد و بعد از آن هم وقتی مقام معظم رهبری آمدن، مرتب دارند این منظومه را بیان می‌کنند، مادری من را و اولویت‌هایش را، همسری من را و اولویت‌هایش را، در کنار یک شخصیت فهیم، برجسته، دارای بینش، احیاناً دارای فعالیت‌های اجتماعی بیان می‌کنند. این نظام معنایی را، من نمی‌گویم جریان ضد انقلاب، جریان انقلابی پاره‌پاره کرده است، شما یک عده را درست در گفتمان انقلاب اسلامی دارند صحبت می‌کنند، ولی به بحث زنان که می‌رسند، می‌گویند فقط مادری، یک عده‌ی دیگر به بحث زنان که می‌رسند، فقط حضور اجتماعی را می‌گویند، این‌ها در تفکر و اندیشه انقلاب و امام نیست و این جذاب هم نیست، برای عصر حاضر هم نیست. عرضم تمام، می‌خواستم عرض بکنم که من سه تا محور را می‌خواستم تبیین کنم که در آن تجربه زیستی این‌ها مهم بودند و متأسفانه این‌ها امروزه وجود ندارد.

*جناب آقای دکتر اسحاقی: خیلی متشکرم سرکار خانم عباسوند، حتماً تجربه موفق انقلاب اسلامی در به‌کارگیری نیروی انسانی که عامل اصلی شکل‌گیری، استمرار، بقا، موفقیت انقلاب اسلامی بوده است، برای گام دوم هم همین‌طور است؛ و در مورد نیروی انسانی هم فرقی هم در مکتب اسلام، آموزه‌های وحیانی و اهل بیت علیهم‌السلام و مکتب انقلاب اسلامی و

دیدگاه‌ها و نظریات، سیره و عملکرد امامین بزرگ انقلاب اسلامی نیست و هر آنچه که غیر از این باشد در واقع پیرایه‌هایی است که موجب آسیب‌هایی هم شده و خواهد شد.

ولی در گام دوم انقلاب اسلامی یک تجربه‌ی نهفته‌ای هم هست که این تجربه‌ها باید شناخته شوند، شناسنده بشود و به کار گرفته شود. در گام دوم حتماً باید، نظام‌مندتر، روشمندتر و با نگاه‌های باز و انقلابی برای حضور فعال نسل جوان، دختر و پسر، باید طراحی صورت بگیرد و حضورها، حضورهای با معنا و هدف و روشمند ان شاء الله باشد. این گفت‌وگوها باید خیلی، بیشتر و بیشتر از این شکل بگیرد و گفته شود. برای نسل جوان ما که امروز، دانشگاه‌های ما، بیش از ۵۰ درصد جامعه‌ی دانشگاهی ما را، زنان تشکیل می‌دهند و سطح نظام آموزش عالی آن با قبل از انقلاب قابل مقایسه نیست.

این‌ها هستند که در لابراتوارها، آزمایشگاه‌ها، در جاهای مختلف حوزه‌ی عرصه علم و فناوری و نوآوری، فعال هستند. حالا سرکار خانم دکتر خسروی عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی، جایگاه زنان در گام دوم انقلاب را با تأکید بر علم و فناوری، نشان خواهند داد و ما اگر بخواهیم اینجا یک فهرستی از زنان دانشمند را که در نظام انقلابی آمده‌اند هویت پیدا کردند، شکل پیدا کردند و فعال شدند و در صدر دانشمندان جهان قرار گرفته‌اند را بگوییم، یک فهرست طولانی و درخشانی خواهد بود.

جایگاه زنان در گام دوم انقلاب با تاکید بر علم و فناوری

*سرکار خانم دکتر خسروی: همان‌طور که آقای دکتر اسحاقی دستور دادند، در بحث نقش زنان در گام دوم و در تولید علم و فناوری من دعوت شدم، ولی عرض کردم که با اینکه بخواهیم در مسائل علمی و فناوری و پژوهشی نگاه جنسیتی داشته باشیم، موافق نیستم. علم و فناوری و پژوهش خیلی ورزش نیست که بخواهیم بگوییم نقش زن در علم یا مسابقه بانوان فناوری بین بانوان و این رکن را از سایر جامعه جدا کنیم. ولی خوب دستور دادند، بیایید و همین نقطه نظرات را ارائه بدهید و در بُعد کلان بحث کنیم. همان‌طور که خانم دکتر قوی و خانم دکتر علاسوند اشاره کردند، به‌هر حال سهم زنان در تحولات جامعه بر هیچ‌کس پوشیده نیست، زنان نیمی از جامعه و رکن رکین آن هستند. پس ببینید ما اگر در هر بحثی، چه علم و فناوری و پژوهش و چه فرهنگ و هر موضوعی، داریم صحبت می‌کنیم، در مورد جامعه‌سازی و تمدن‌سازی داریم حرف می‌زنیم، قطعاً که نقش زن حداقل به‌عنوان ۵۰ درصد جامعه مهم هستند.

ولی خوب همه ما میدانیم، همان‌طور که امام راحل بارها تکرار کردند که زن موجود جامعه‌ساز و تمدن‌سازی هست، حتی گاهی معادل اینکه قرآن جامعه‌ساز و تمدن‌ساز است، به زن اشاره می‌شد. ما نمی‌توانیم از نگاه لیدرها و رهبران این فهم را منها بکنیم که زن این تأثیر عظیم را دارد و از نه نظر بحث‌های روانشناسی، پس من اگر یک جامعه‌ای می‌خواهم که چه

در بحث گام دوم که می‌خواهیم تشریح کنیم، یا نه اصلاً می‌خواهیم فراتر از این موضوع در باب تولید فناوری، تولید محصول و تولید علم و پژوهش صحبت کنیم، شک نکنید که اگر این نیمه اثرگذار جامعه را ما، بالنده بار آوردیم، این تأثیر در سازندگی آینده‌ی جامعه بسیار مهم است. کما اینکه اگر تاریخچه‌ی حضور زن در جامعه و در عرصه را ما بررسی کنیم، حتماً تأیید می‌فرمایید که مرور بر روی تاریخچه زن در عرصه، خیلی به من کمک می‌کند که بفهم نقش زن چقدر مؤثر بوده است. از عهد باستان تا سه دهه پیش، سرنوشت زن در جامعه ایران، به گونه‌های متنوعی رقم خورده است، از اوج عزت تا حضيض ذلت، نوسان داشته است. ما دوران‌هایی قبل از انقلاب داشتیم، در دوره ساسانیان که پادشاه از بانوان بوده است، در یاسالار داشتیم، ولی به هر حال در طول تاریخ ایران، دوران‌های خیلی زیادی بوده است که زنان عقب‌نگه‌داشته شدند، حالا در دوران قبل از انقلاب هم یک سری اقداماتی جهت ارتقاء وضع و سطح زندگی زنان اتفاق افتاده است که قابل انکار نیست، اگرچه من معتقدم تمام این تغییرات را باید نرمالایز کنیم، چه با خودِ جامعه، چه با آن دوران و آن زمان.

در دوران قبل از انقلاب بهر حال یک موجی از تمدن‌گرایی در منطقه بوده است، نمی‌توان ربط داد به سیاست‌گذاری خاصی؛ ولی نمی‌شود انکار کرد که یک سری از اتفاقات خوب در جهت ارتقا وضع اتفاق افتاد؛ اما مسئله کشف حجاب، آن‌قدر مخرب و توهین‌آمیز بود که خیلی از فعالیت‌های سازنده را تخریب کرد، بانوان یا به انتخاب خودشان، یا به درخواست و

فشار خانواده‌های متعصب خود، به شدت به کنج خانه‌ها خزیدن و یک بحران هویت و اصالت پدید آمد برای این جنس تأثیرگذار جامعه. گرچه در قشرهای خاص، طبقه‌های خاص، شهرهای خاص، عرصه‌هایی محدود برای آموزش و رشد زنان در بُعد علم و پژوهش بوده است، وزیر زن هم ظاهر شد، ولی هویت و اصالت زن مورد توهین قرار گرفت.

من با مرور این عقب‌نگه‌داشتن، می‌خواهم مرور کنم که یک ریشه‌ی انقلاب ما همین حرکت و جوشش بود که جامعه‌ی ما، یک جامعه‌ی مسلمان بود، زن مسلمان ایرانی که هم از مفاهیم اسلام و هم از آن تاریخ و فرهنگ باستانی خودش می‌دانست که حق دارد که تکریم بشود و در انتخاب خودش مستقل باشد و خودش را به یک تاریخ، فرهنگ و البته مذهب مقدسی متعلق می‌دید که شعار در اکثر این مفاهیم، احترام به زنان هست در روح و بطن همه‌ی این فرهنگ، اسلام و تاریخ ایران، این احترام، نهادینه‌شده بود، بنابراین زن ایرانی نمی‌توانست بی‌تفاوت باشد نسبت به این عقب‌نگه‌داشته شدن و بعد کم‌کم شد یک ریشه انقلاب این موج و از غالب فرمایشی و عروسکی بیرون آمد و در نهایت خویشتن گمشده‌ی خودش را پیدا کرد و به یک زن قهرمانی و قهرمان ساز تبدیل شد.

من واقعاً از صمیم قلب اعتقاد دارم که یکی از عالی‌ترین برنامه‌های اسلام که این دین را سرآمد تمام ادیان کرده است، از بین بردن تمام بی‌عدالتی‌هاست، با فهم ناقص خودم، هر وقت سعادت دارم قرآن را ورق بزنم، می‌بینم این بی‌عدالتی، یکی از اصلی‌ترین شعارهایی هست که لذت

می‌برم در اکثر آیه‌ها در تمام جنبه‌ها، خب قطعاً وقتی یک همچنین مفاهیم ارزنده‌ای در قران هست، از بحث بی‌عدالتی نسبت به زن هم متقی خواهد بود.

اگرچه مفاهیم قران را کمتر جامعه‌ای توانسته است اجرا کند، حتی در کشور عزیز خودمان، در نظام مقدس جمهوری اسلامی که این پسوند زیبا را هم به یدک می‌کشیم، ولی کمتر توانستیم این بار امانت را به منزل مقصود برسانیم و واقعاً اگر از دید مهندسی به این مدلی که قران ارائه فرموده، در مورد برنامه‌هایی که برای زن ارائه کرده، همیشه مخالفم که بعضی‌ها نومن به بعض و نکفرو به بعض، یک آیه را می‌گیرند و می‌گویند تو چطوری می‌خواهی، این تکریم و این بی‌عدالتی را با این آیه تفسیر کنی؟ درحالی‌که من به‌عنوان یک دید مهندسی عرضم این است که یک مدل، یک تابع چند جمله‌ای، حداقل ۱۰۰ جمله‌ای و شما نمی‌توانی یک تک جمله رو بگیری و بگویی چطور این تابع درست در می‌آید.

شما کل مفاهیم را کنار هم بزار تا آن تابع، آن مدل کار خودش را بکند؛ بنابراین می‌خواهم عرض کنم که مفاهیم سلام صددرصد مخالف بی‌عدالتی نسبت به زن است، گرچه برای زنان در ابعاد فردی و اجتماعی قوانین ویژه‌ای وضع کرده است، ولی در برابرش حقوق شایسته‌ای برای آن‌ها قرار داده است که موجب تعالی شخصیت آن‌هاست. کمتر در عرف جامعه ما رعایت می‌شود و نهایتاً زن شجاع و انسان‌ساز را تولید کرد این مفاهیم اسلامی و نهایتاً زنان حین انقلاب، این توانایی حضور در عرصه را پیدا

کردند، حضور زن جدی و تأثیرگذار شد و اگرچه مبارزات زنان شاید به شکل سامان یافته‌ای نبود ولی هر جا احساس می‌کردند که حضورشان لازم است، به زیباترین و لطیف‌ترین وجه ممکن نقش‌آفرینی می‌کردند.

زنانی که در مکتب انقلاب و در گفتمان ناب امام، به زن طراز انقلاب ارتقا پیدا کردند و در دوران دفاع مقدس اوج جایگاه زن در جامعه بود. مادران همسرانی که نه تنها عزیزانشان را در جبهه مانع نبودن، بلکه مشوق آن‌ها بودند و در بازگشت پیکر بی‌جان عزیزان خود را همراهی کردند. همین زن می‌تواند الان در گام دوم انقلاب با همان مفاهیم و با همان انگیزه‌ها به جهاد سازندگی و به تولید و به عبور از کریدور فناوری کمک بکند و کشور ما را در گام دوم موفق بکند. خیلی با فرمایشات خانم دکتر علاسوند موافقم که آن فهم و آن تعالی پشت هر قانونی باید وجود داشته باشد که آن حالت بی‌احترامی و تخریب کم شود و آن خودباوری که در زنان ما به وجود آمد، روزبه‌روز بیشتر شود و ما شاهد افت در ارزش‌ها نباشیم.

نهایتاً دیدیم که زنان در معنای کامل در عرصه انقلاب و جنگ حماسه‌های سترگی را به وجود آوردند، بعد از جنگ این حماسه‌سازی و این خودباوری به عرصه‌های علمی کشیده شد. کما اینکه تعداد تحصیل‌کرده‌های خانم در مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا در هر دو وزارتین علوم و بهداشت به طرز محسوسی افزایش پیدا کرد، من نمی‌خواهم خیلی حوصله حضار محترم را با عدد و رقم سر ببرم، من اولاً بنده در حال حاضر پستی ندارم و معمولاً تولید خودم نیست این عددها و ثانیاً اینکه به هر حال ممکن

است در این مقال ننگجد و من هم زمانم محدود است، ولی می‌خواهم عرض کنم کشور در گام دوم، حرکتِ روبه‌پیشرفت در حوزه‌ی علم و فناوری دارد، بخصوص در جامعه دانشگاه و حوزه فناوری ما جایگاه خوبی را الان در دنیا داریم. عرض می‌کنم، هر موضوعی را به تغییرات و ترند جهانی نرمالایز می‌کنیم. رتبه ۱۶ تولیدات مقالات علمی کم نیست برای کشوری که به زیر یک دهم در صد بود، یا کیفیت و استنادات سایتیشن به مقاله‌ها، از توفیقات واقعاً بزرگی که ۴۰ تا ۵۰ درصد، البته بسته به رشته‌های مختلف این مشارکت و این‌که تولید در مقالات را بانوان به عهده داشتند. از سال، ۱۳۸۲ به این طرف ما، رشد بانوان را در دانشگاه‌ها زیاد داریم، در دانشگاه دولتی، همچنین دانشگاه آزاد که از ۱۳۹۵، به ۴۳ درصد جمعیت زنان رسیدیم.

البته این عدد در یکی دو سال اخیر، باز خیلی بیشتر شده است، کم‌کم به نظر من جا دارد نگران باشیم که آن‌قدر سهم بانوان در مقام آموزش و یادگیری هر دو، چه در بُعد دانشجو و چه در بُعد آموزشگر، زنان سهمشان به طرزی دارد زیاد می‌شود که فکر می‌کنم جا دارد بررسی و آسیب‌شناسی بشود، ممکنه است اگر این تغییرات و نرخ ادامه پیدا کند، کم‌کم در سال‌های آینده به یک عدم توازن و تفاهمی بین این دو جنس شاهد باشیم. این‌ها را عرض کردم که به هر حال، همان زنی که پیکر عزیزش را در عرصه انقلاب و عرصه جنگ همراهی می‌کرد، مشایعت می‌کرد همان زن بعد آمد در ثبت اختراعات، ثبت مقالات، رتبه آورد و خوب الان مثلاً از سال ۹۴ تا سال ۹۸،

۷ درصد ثبت اختراعات توسط خانم‌ها را داشتیم یعنی در بُعد، پتنت، اولاً هم در بُعد کلان کشور، یکم که نه هنوز نسبت به بُعد بین‌المللی عقیبیم و هم با ثبت پتنت خانم‌ها، جزء معدود جنبه‌های علمی هست که عقب هستند و در هر صورت، عرضم این است که اگرچه نسبت به نرم جهانی حتی، کم بودن سهم بانوان در پتنت، یک نرم جهانی هست، ولی باز هم در کشور ما این موضوع جا دارد که کمی روی آن کار کنیم و نقش قابل قبول بانوان در عرصه علم و فناوری شاهد باشیم.

من می‌خواهم از این تریبون یک استفاده دیگری هم ببرم، فکر کنم یک ۵ دقیقه‌ای وقت دارم و آن هم این است که اگر گام دوم را، حال من نمی‌خواهم تشریح کنم، چون خود حضرت‌عالی، برگزارکنندگان محترم این نشست و همه‌ی مهمانان مطالعه کردن بُعدهای گام دوم و اهداف را می‌دانند، ولی من معتقدم ما به اهداف گام دوم نمی‌رسیم مگر اینکه این رشد زنان را که کماکان در همه عرصه‌هایی که اسم بردم، وجود داشته، در عرصه مدیریتی هم اجازه بدهیم که رشد کنند و ما این توازن جنسیتی را در نقش‌ها و سمت‌های مدیریتی باید داشته باشیم، باید قبول کنیم که الان نداریم و ما کمتر اجازه دادیم علی‌رغم اینکه تحصیل‌کرده‌های خانم زیاد هستند ولی هنوز ما نقش‌های مدیریتی به بانوان به اندازه کافی ندادیم، یا جامعه‌شناسان چندین سود می‌شمارند برای اینکه زنان باید در نقش‌های مدیریتی باشند، ولی بنده با بررسی خودم و حالا با برداشت خودم معتقدم که اصلاً به اهداف گام دوم نخواهیم رسید یا جزئی خواهیم رسید، اگر ما

جلوی این روند بگیریم، بارها دیدید ریاست‌های جمهور جدید می‌آیند و بعد که از آن‌ها پرسیده می‌شد چرا تو کابینه باز زن نیست، خوب اشاره می‌کنند که خوب با توجه به اینکه تجربه ندارند، کمتر خانمی که تجربه داشته است که ما تا چه زمانی باید این روند را شاهد باشیم، من نمی‌دانم. اولاً که بحث عدالت منطقاً و قانوناً زیر سؤال است، انصاف نیست و بایستی اصلاح شود. دوم بحث قدرت تصمیم‌گیری است، عدم حضور زنان به عنوان بخشی از تیم اجرایی و تصمیم‌گیرنده، باعث می‌شود زوایای گوناگون یک مسئله به هنگام تصمیم‌گیری در نظر گرفته شود. یا بحث توزیع عادلانه سرمایه تا زمانی که زنان در نقش‌های کمرنگ‌تر باقی بمانند، دستمزدهای کمتر دریافت خواهند کرد و این مسئله موقعیت آن‌ها را چه به لحاظ حرفه‌ای و چه به لحاظ مالی محدود و عقب‌نگه‌داشته می‌کند اگر می‌خواهیم ادعاهایی اسلامی کنیم باید نگذاریم که این بی‌عدالتی وجود داشته باشد.

بحث مسئولیت؛ ثابت شده در همه‌جا که شرکت‌هایی که زنان بیشتر در پست‌های مدیریتی بودن به طرز قابل توجهی، شرکت نسبت به شرکتی که زنان در مقامات بالادست ندارند، در فعالیتهای خیرخواهانه شرکت کردند؛ یعنی نتایج نشان دادند، شرکت‌هایی که مدیران زن داشتند، نه تنها نسبت به مسئولیت اجتماعی‌شان متعهدتر بودن، بلکه طرح‌های اجتماعی را هم با کیفیت‌تر عمل کردند و یا بحث کاهش تبعیض و سیاست‌های مطلوب به نفع منابع انسانی همیشه ثابت شده، رهبران زن همیشه تمایل بیشتری به دیدگاه‌های عام‌المنفعه و منش‌های رهبری دارند و بهبود مالی سازمان‌ها هم

هست که با سهیم شدن زنان در مدیریت اجتماعی، فایده بزرگی نصیب جامعه می‌شود.

هنوز می‌خواهم که به این گله‌مندی و این درخواستم اشاره‌ای کردم، ولی معتقدم که زنان کشور من بایستی از یک جایی این تجربه رو شروع کنند، گام دوم انقلاب بستر مناسبی برای شکوفایی زنان در عرصه‌های مختلف فراهم کرده است، گام دوم در واقع یک فرصت طلایی برای نقش‌آفرینی زنان است و زنان را به‌عنوان نیروهای تمدن‌ساز و جامعه‌ساز به میدان عمل کشانده است. در ابتدای گام دوم انقلاب هستیم، این شروع یک که اقتضائاتی دارد که قسمت عمده‌ی آن، نگاه به گام اول هست، یعنی ما گام‌هایی را که در مسیر تمدن‌سازی طی می‌کنیم باید پیوسته و تقویت‌کننده‌ی یکدیگر باشند. همان‌طور که رهبر انقلاب هم فرمودند، ما باید نگاهی به گام اول داشته باشیم، چه از منظر آسیب‌شناسی، چه از منظر اینکه تابلویی باشد برای ترسیم ادامه‌ی مسیر و از این منظر در گام دوم انقلاب آنچه که در حوزه زنان اتفاق افتاده این است که به حرکت‌هایی موفقیت و اهداف برمی‌گردد که منجر خواهد شد و کمک خواهد کرد که زنان را از محکومیت به دو نگاه مسلح شرق و غرب، یا به عبارتی دو نگاه سنتی و تحجرگرا و یک نگاه حداقلی و فرودستی به زن که معتقدند تنها راه نجات و آزادی و برابری زن اینکه یک رقابت مداوم مردانه در عرصه‌های اجتماعی بکند، برای کسب موقعیت‌های اجتماعی و اقتصادی، اما نه ما به باور را نداریم که خانم دکترها قبل از من اشاره کردند.

در کل این را به عنوان جمع بندی عرض کنم که اگر تحول اساسی در رشد و پیشرفت فناوری در گام دوم انتظار داریم و تصویرسازی هایی که در گام دوم اشاره شده، لازم است یک اکوسیستمی داشته باشیم که در آن، هر دو جنس زن و مرد در تمام لایه های مختلف، دوش به دوش هم در سطوح مساوی و برابر امکان حضور داشته باشند و ان شاء الله بتوانند دوشادوش یکدیگر ایران اسلامی را بسازند. خیلی متشکرم از وقتی که به من دادید و آرزوی بهترین ها را در این روز بسیار عزیز برای همگی دارم.

دکتر اسحاقی: خیلی متشکر از نکات خیلی خوبی که خانم دکتر اشاره کردند. الان اگر حاضران در جلسه نکته و سؤالی دارند، می توانند بنویسند و اگر فرصت گفتگو هم خواستن اشکالی ندارد، ولی ما برویم سراغ بخش دوم بحث اساتید محترم و خانم دکتر قوی اگر آن بخش دوم را یک سری گزارش های آماری داشتند، خواستند ارائه بکنند بفرمایند. بعد هم خانم دکتر علاسوند و دو بار هم اگر خانم دکتر خسروی نکته ای خواستند بفرمایند، در خدمت ایشان هستیم.

دکتر قوی: من عرض سلام مجدد دارم و ایام الله دهه فجر را مجدداً تبریک عرض می کنم، در این ایامی که ما در گام دوم انقلاب هستیم، می خواهم مروری داشته باشم بر آن بحث تطبیقی خودم، ادامه ی عرایضم را با یک نگاه کیفی و آماری، یعنی کمی و کیفی توأمأ ارائه بدهم. چون وقت خیلی کم است، این گونه بحثم را آغاز می کنم که انتهای عرایضم عرض کردم که اگر در سیاست گذاری در یک نظامی به طور کلان و به طور خاص هم در

رابطه با حقوق زنان، بخواهیم بینیم اتفاقی رقم خورده است، یقیناً می‌توانیم با بررسی کردن سیاست‌گذاری و تغییر سیاست‌گذاری این را تسری بدهیم. می‌خواهم از همین‌جا شروع کنم، یعنی تطبیقی داشته باشم بین سیاست‌گذاری و مراکز سیاست‌گذاری، به‌طور خیلی خلاصه قبل و بعد، بعد وارد عرصه‌ی آماری بشوم.

در بحث سیاست‌گذاری در قبل از انقلاب ما می‌بینیم که سیاست‌گذاری، اجرا، نظارت، همه تجمیع شده در شخصیت‌هایی که شاید مثلاً در رأس آن اشرف قرار داشته است و خود اشرف خواهر شاه، سمت‌هایی را داشته است که سازمان خدمات اجتماعی، سرپرستی کمیته ایرانی حقوق بشر، ریاست اجلاس کمیسیون مقام زن و ده‌ها مسئولیتی که رابطه با زنان بوده است، کلاً عرصه سیاست‌گذاری‌ها دست او داده شده است. اگر بخواهیم از لحاظ تاریخی از سال ۱۳۳۰ که در واقع سیاست‌گذاری شروع می‌شود، در دوره پهلوی اول که چیزی نبوده است، به‌جز کشف حجاب که آن بحث قانون است، در سیاست‌گذاری چیزی نبوده است، اما در پهلوی دوم از ۱۳۳۰ به دست اشرف می‌افتد و یک شورایی تشکیل می‌شود، شورای عالی جمعیت زنان. این شورای عالی جمعیت زنان، ایفای نقش آن به این شکل بوده است که در واقع با یک جمعی، اتحاد ۱۷ تا جمعیت‌های مختلفی که آن زمان در واقع در زمان پهلوی شکل گرفته بوده است را، ۵۰ عضو، جلساتی را تشکیل می‌دهند ولی این ناکارآمدی که در واقع خودشان احساس می‌کنند دارد را، بعد ۸ سال حالت انحلال را به خودش می‌گیرد و در آن مقطع ما

می‌بینیم که ساختار دیگری شکل می‌گیرد، ساختاری که تحت عنوان سازمان زنان هست، بعد در سال ۴۵ هم این ساختار دارای اساسنامه و مباحث مختلف می‌شود.

این نگاه را ما داریم تا زمانی که سال ۵۷ می‌بینم تمام عرصه سیاست‌گذاری به دست اشرف و فرح دیباست. در زمانی که حزب رستاخیز در ایران شکل می‌گیرد، سیاست‌گذاری در کشور تک حزبی می‌شود و در حوزه زنان نتیجه این می‌شود، اگر احزابی و سازمان‌انجمن‌های پراکنده بودند، همه این‌ها باید تحت عنوان سازمان زنان به ریاست اشرف شکل بگیرد؛ و این وضعی که در اینجا هست، من می‌توانم بگویم تقریباً بر اساس تمام آثاری که در این ارتباط بود، جمع‌بندی کردم، یک کتاب ۶۰۰ صفحه‌ای شده که قبلاً چاپ شده بود، ولی به‌روزرسانی شد، این کتاب در آنجا می‌بینیم که چند ضعف را به لحاظ سیاست‌گذاری، از کسانی که باورمند به انقلاب‌اند، از افرادی که حالا بی‌طرف هستند و خودشان را اندیشمند می‌دانند، من فقط جمع‌بندی کردم، نگاه آن‌ها این است که بحث زنان از بحث‌هایی بود که اشرف، در آن زمان، مثلاً با قانون سقط جنین، با قانونی کردن سقط جنین، با حضور زنان در پادگان‌ها در زمانی که بحث سربازی بود، یا با قانون لایحه حمایت از خانواده، در سیاست‌گذارهای کلان تأثیر گذاشته بود ولی در عرصه بین‌المللی هم بحث نگاه‌های فمینیستی، به سازمان ملل بود.

ما در بحث داخل سیاست‌گذاری‌ها تغییر کرد. آن نظام ولایی که گفتیم، شورای فرهنگی اجتماعی زنان، تحت شورای عالی تشکیل شد و در آن ما

مرکزی را در واقع، زیر نظر مجمع تشخیص مصلحت نظام داریم، کمیته امور بانوان و جوانان مجمع تشخیص در سیاست‌گذاری کلان وارد می‌شود و مجموعه‌ی دیگری که سیاست‌های ابلاغی رهبری است؛ یعنی از نگاه تک بعدی و حاکمیت فردی، به یک حاکمیت سازمانی می‌رسیم.

حالا این تدوین سیاست‌گذاری باعث می‌شود ما در بخش‌های مختلف می‌بینیم که در رشد و پیشرفت شاهدش هستیم. حضور زنان در همه عرصه‌ها در واقع مباح می‌دانند، بلکه ضروری می‌دانند، منتها دو شرط دارند، منوط به اینکه زن عقیفانه وارد فعالیت‌های اجتماعی شود یعنی عفت و حیا و حجاب را رعایت کند و دیگری اولویت خانواده است. با این نگاه من الان عرض می‌کنم خدمتتان که در ساختارها و نهادها چه تغییراتی حاصل شد. در قانون اساسی قبلی ما فقط در اصل دو و متمم آن اشاره‌ی غیرمستقیم شده ولی باین حال ما بعد از آن انقلاب تأکید را برای حضور زنان در قانون اساسی در مقدمه آن داریم، در اصل ۱۰ و اصل ۲۰ داریم در اصل ۲۱ و در همه‌ی بندها آنجایی که ملت و مردم و آحاد هستند زن را شامل می‌شود.

یعنی آن ساختار تسری پیدا کرد از قانون اساسی حضور زن شروع شد و موضوعیت پیدا کردن بحث زنان. بعد از این شما برنامه توسعه را می‌بینید. ما در برنامه‌های توسعه در قبل از انقلاب، یک بُعدی بود نگاه اقتصادی، اما بعد از آن انقلاب در ۶ برنامه توسعه با توجه به مبانی دین، می‌بینیم زن و اصولی در خانواده و چند اصل در برنامه‌های توسعه به زنان اختصاص پیدا می‌کند. در صورتی که در برنامه‌های توسعه در زمان شاه این گونه نبود. این

را هم عرض کنم خدمتتان در رابطه با اسناد یعنی مرحله بعدی، به لحاظ آماری، اسناد خاص و عام داریم. اسناد خاصی که ما اصلاً در قبل از انقلاب راجع به زن ندیدیم. بعد از آن انقلاب منشور حقوق زنان را داریم، حقوق و مسئولیت زن را داریم که مصوب شورای عالی و مجلس هستند، سند ملی حقوق کودک و نوجوان و سیاست‌های کلی ابلاغی رهبری در خصوص خانواده را داریم، در موارد دیگر هم موجود هست ولی ما خاص خانواده را می‌گوییم، مثل جمعیت، مثل اشتغال زنان، مثل خود خانواده.

اسناد بالادستی که عام هست ولی باز بخش زنان دارد، سند چشم‌انداز، نقشه مهندسی، نقشه جامع علمی کشور، سند دانشگاه اسلامی، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش را داریم؛ یعنی در همه این اسناد ما بحث زنان و خانواده را داریم. در قوه مقننه قبل از انقلاب شما ببینید ۲۴ دوره مجلس تشکیل شده است، ۱۲۸۵ تا ۱۳۵۷، در این ۲۴ دوره، از دوره اول تا چهارم دوره قاجار، اصلاً زن نه می‌تواند نماینده شود نه کاندید. از دوره پنجم تا دوازدهم، ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ دوره رضاخان، باز زن نه کاندیدا نه حضور در مجلس. از سیزده تا دوره بیستم، یعنی ۱۳۲۰ تا ۱۳۴۲، پهلوی دوم با همه‌ی ادعایی که اشرف در سیاست‌گذاری دارد، می‌رود سازمان ملل، حقوق بشر، کمیسیون مقام زن، یک دوره جلسات سازمان ملل در ایران تشکیل می‌شود، زن‌ها حق کاندید شدن و رأی دادن ندارند. قانون می‌گوید دارند، ولی آن‌ها اجزاء نمی‌دهند. یعنی ۱۲۸۵ تا ۱۳۴۲، بیست دوره مجلس تشکیل می‌شود ولی هیچ زنی نیست؛ اما بعد از آن انقلاب ما چه چیزی داریم؟ بعد از آن

انقلاب حضور زنان را در عرصه‌های مختلف علاوه بر اینکه زن می‌تواند در قانون اساسی، بیاید و کاندیدا و نماینده شود، یازده دوره‌ای که ما در واقع ما مجلس داریم، راجع به حضور زن مشکلی نداریم، در خصوص زنان و خانواده، زنان در شورای شهر، در شورای روستا هستند.

زن‌ها در تمامی آن‌هایی که قرار هست حضور پیدا کنند، این مهم است که انقلاب اسلامی، منوط و مبتنی بر اسلام است. در دوره بیستم تا بیست و چهارم، پنج نفر، شش نفر، ولی همه وابسته، همه به‌طور کلی وابسته هستند به در واقع دربار. این در عرصه‌ی تقنین. اجرا و نظارت چگونه است؟ قبل از انقلاب اجرا و نظارت، ساختارهای مختلف نبود که بگوییم بخش زنان داریم، واحد خواهران داریم، باز همان اشرف و تیمش بودند، اما شما بعد از آن انقلاب شما شاهد این هستید که در همه مراکز و سازمان‌ها، علاوه بر قوای سه‌گانه که معاونت در بحث اجرا داریم، در ریاست‌جمهوری، اما در همه سازمان‌ها و مراکز بخش زنان به لحاظ ساختاری در واقع ایجاد می‌شود.

در قوه قضاییه شما می‌بینید قبل از انقلاب نگاه، نگاه حداقلی است، من خیلی از منابع را دیدم، مثلاً چهار نفر مثل شیرین عبادی و دیگران، اما بعد از آن انقلاب اولاً که مبنا عوض می‌شود بر اساس اسلام. من می‌خواهم آماري را ارائه بدهم، ما الان بر اساس آمار قریب به ۶۰۰ زن را در قوه قضاییه داریم، یعنی مبتنی بر مبانی دینی، زن دادیار، زن بازپرس، زن قاضی مشاور، خانم‌هایی را ما در دیوان عالی داریم که رئیس شعبه دیوان عالی هستند. این بحث که امروز شبهه می‌کنند که زنان در دستگاه قضا نیستند،

من آخرین آماری ۹۸ گرفتم، ششصد زن در پایه‌های مختلف را داریم. ما در قوه قضاییه تغییرات بسیار اساسی برای زنان داریم. ایجاد مرکز ارشاد را داریم، اقدامات حمایتی از زنان را داریم، از زنانی که زندانی هستند، حالا همه این‌ها ساختار دارد، ایجاد اداره حمایت از حقوق زنان و کودکان را در قوه قضاییه را داریم، برنامه تخفیف مجازات زنان بزهکار و زنانی که حالا به‌نوعی زندانی شدند را داریم، من نگاه کردم دیدم، قریب به بیست یا سی قانونی که در حمایت از زن در قوه قضاییه هست، یعنی در خود ساختار قوه قضاییه که قبلاً اصلاً این خبرها نبوده است

در بحث NGO که نهایتاً خیلی با نگاه خوش بینانه در نظر بگیریم ما الان ۲۷۲۲ سازمان غیردولتی داریم که بیشتر آن‌ها را در عرصه داخل و در عرصه بین‌المللی هم تعدادی از آن‌ها قابل توجه هستند. در فعالیتهای بین‌المللی، اشرف بود و اشرف قبل از انقلاب، الان ما شش نهاد رسمی داریم، یکی از آن نهادها اداره امور بین‌الملل زنان در وزارت امور خارجه هست، شبکه غیردولتی زنان، معاونت امور زنان، بخش بین‌المللی در ریاست‌جمهوری، مجمع جهانی تقریب بخش زنان، اداره کل سازمان ارتباطات بخش زنان و دیگر مراکزی که می‌توانند ایفای نقش بکنند. بر اساس سواد خانم دکتر فرمودند من دیگر آمار نمی‌دهم، چون این‌ها شاخص‌های کلی بود؛ اما شاخص‌های بین‌المللی که می‌گوید سواد و آموزش، ما قبل از انقلاب زیر ۳۰ درصد کل جمعیت زنان زیر ۲۰، درصد، الان ما بالای ۹۰ درصد زنان را داریم که در عرصه سواد توانستن ایفای نقش کنند.

۴۰ دانشگاه ویژه دختران داریم، یعنی ۴۰ دانشگاه دولتی و غیردولتی که ویژه زنان است. کتابخانه ویژه زنان، مجلات ویژه زنان، دانشگاه‌ها و درواقع مؤلفین که در بحث‌های مختلف، خانم‌ها هستند. در قبل از انقلاب همچنین خبرهایی نبود که بخواهیم دنبال آمارش هم بگردیم. در عرصه بهداشت ما امید به زندگی را از ۵۷ به ۷۹، در نظام سلامت رساندیم. نکته‌ی آخری که خیلی مهم است که در بحث بهداشت فکر می‌کنم آن‌قدر بدیهی است که من ۲۵ مورد رو یادداشت کردم که خدمتان بگویم، وقت نیست بگویم، برگ خرید می‌گیرم، اما شاخص یک بومی داریم و خیلی از اول تأکید کردم و آن، این بود که ما وقتی می‌گوییم سلامت، فقط در بهداشت و سلامت در قبل از انقلاب اگر هم بود، فقط بحث سلامت جسمی بود؛ اما بعد از آن انقلاب، من سلامت را جسم و روح را می‌بینم، یعنی اگر می‌گوییم در سلامت جسمی پیشرفت کردیم، حالا بحث ناباروری، بحث حمایت از زنها در عرصه‌های مختلف، در بحث جسمی ما ورزش را می‌توانیم بیاوریم، درواقع تطبیق آن بین قبل و بعد از آن انقلاب، آمار عجیب و غریبی را ما از المپیادها داریم، از انجمن‌ها، مثلاً تأسیس رشته تربیت‌بدنی در دانشگاه‌های دولتی ۷۰ واحد دانشگاهی داریم. در صورتی که قبلاً همچنین خبری نبود. سیاست‌های ورزش را در خصوص زنان داریم که ۵۰ سیاست را شورای زنان تقریباً تا حالا سیاست‌گذاری کرده یکی از آن‌ها بحث ورزشی است. موفقیت‌های زنان را در عرصه‌های ورزشی داریم

تمامی این آمار در کتابی تحت عنوان درآمدی بر کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران در قلمروی زنان که این قلمرو را از فرمایشات آقا اتخاذ کردم را به مخاطبان تقدیم می‌کنم.

***جناب آقای دکتر اسحاقی:** اگر اجازه بفرمایید خانم دکتر علاسوند و خانم دکتر خسروی هم ناظر به سؤالاتی که حاضران داشتند، اگر نکات تکمیلی دارند، ناظر به سؤالات در فرصت بفرمایند که همگان استفاده بکنند.

***سرکار خانم دکتر علاسوند:** خیلی کوتاه عرض می‌کنم، من هم مطلب قبلی را تکمیل کنم و به آن بهانه پاسخ این سؤال را عرض بکنم، وجود مقدس صدیقه طاهره سلام‌الله علیها در سیره ایشان یک امر همیشه وجود داشته است و این قابل توجه است، به خصوص در شرایط خطیر بعد از رحلت پیغمبر و آن تربیت زنان آگاه، رحیم و نکته‌سنج است. حالا این بحث مفصلی دارد و زمان هم نداریم راجع به آن صحبت کنیم؛ ولی اگر کسی فقط فرمایشات حضرت صدیقه طاهره را در کتاب با زنان مهاجر و انصار مطالعه کند که زنان معمولی، زنان کوچه و بازار، زنان همسایه‌ی حضرت، عوام‌الناسی که آمده بودند دیدار حضرت صدیقه طاهره و از حضرت احوال‌پرسی کرده‌اند و از ایشان پرسیدند، *كَيْفَ أَصْبَحْتَ مِنْ عِلْتِي* یا بنت رسول‌الله؟ حالتان چطور است؟ با بیماری چگونه کنار آمدید؟ این را تبدیل کردند به یک کلاس فوق‌العاده تحلیلی درباره‌ی حوادث جامعه.

امروز این نشان می‌دهد در دکترین تشیع که بعداً در گفتار امامین انقلاب کاملاً واضح و روشن همواره تأکید شده است، اسلام و تشیع از زنان مطالبه اجتماعی دارد، دست‌کم این است که باید نسبت به مسائل حساس اجتماعی حساسیت در بینش و اعلام موضع داشته باشد؛ بنابراین در این چهارچوب که اسلام و مکتب تشیع از زنان هم‌خانه را می‌خواهد و هم حوزه اجتماعی را، نمی‌خواهم بگویم حوزه اجتماعی در یک‌شکل خاصی، نمی‌خواهم بگویم اسلام از زنان یک ابر زن به‌صورت تک‌الگویی می‌خواهد، نه، ولی این فضا را مفتوح کرده است که زنان ضمن اینکه به بحث‌های خانگی اهمیت می‌دهند، چون عرصه خانگی، امر طبیعت مردانه و زنانه، اقتضایش را دارد که حالا این‌ها بحث‌هایش مفصل است و الان نمی‌توانی به آن پردازیم، اما انقلاب اسلامی و مکتب سیاسی تشیع یک مطالبه اجتماعی هم از زنان دارد، اگر از زنان دو عرصه را می‌خواهد، زنان از مردان الزاماً قوی‌تر نیستند، بنابراین برای اینکه بتوانند وظایف خود را به درستی انجام بدهند در دو عرصه، ضرورتاً، در شرایط تحولی امروز، نهادهای اجتماعی و ساختارهای دولتی باید با کمک این وضعیت بیایند، هیچ نسخه دیگری وجود ندارد، یعنی شما فکر نکنید یک نسلی از زنان که می‌شود گفت آن‌ها کمتر دیگر در نسل‌های بعدی وجود دارند، با کم گذاشتن از خودشان، یعنی شخص خودشان، با فداکاری بسیار زیاد، یک الگویی را ارائه کردند؛ که اتفاقاً مقام معظم رهبری هم همیشه می‌فرمایند این الگوی تراز است، این الگوی سوم است که خانه و خانواده را نگهدارند

و نسبت به مسئولیت اجتماعی هم حساسیت داشتند، حالا یا شاغل بودن یا مثلاً در حوزه‌های ngo فعالیت کردند، یا نه اساساً نسبت به مسئله‌های انقلاب حساسیت داشتند و یک کارهایی را انجام دادند.

ولی ممکن است همه‌ی نسل‌ها این توان و این روحیه انرژی را نداشته باشند و نتیجه آن‌هم این شد دیگر، آن‌هایی نتوانستند و توانایی نداشتند یا دیر ازدواج کردن یا ازدواج نکردن یا ابعاد خانوار خود را کوچک کردن، از یکی از این الگوها تبعیت کردند. چرا؟ چون آن چیزی که خانم دکتر قوی هم اشاره کرد و این‌ها که در اسناد بالادستی چنین آمده است، در قانون اساسی چنان آمده است، ما در حوزه عملیات و اجرا این پشتوانه‌های قوی اسنادی را محقق نکرده‌ایم. ما اگر می‌خواهیم مادری داشته باشند زنان ما و درعین حال از آن‌ها، مطالبات اجتماعی داریم؛ یا اینکه نه اصلاً شرایط اجتماعی به‌گونه‌ای است که نمی‌شود آن‌ها را به قعر خانه‌ها فرستاد و درست هم نیست؛ طبیعتاً باید برای مادری هزینه کنیم و برای اینکه برای مادر هزینه نکنیم، الگوهای متعددی وجود دارد که در بسیاری از کشورها که اصلاً از این تئوری مادری هم دفاع نمی‌کنند، فقط صرفاً به خاطر حل بحران جمعیت آن‌قدر سوبسید مادری دادند و آن‌قدر یارانه به مادری دادند که به‌وضوح و به‌راحتی زنان شاغل آن‌ها بچه‌دار می‌شوند، تازه ما درصد کمی از زنان شاغل را داریم و درصد بسیار زیادی میل به فرزندآوری و جمعیت ندارند، تحلیل و بررسی این البته زمان می‌برد که چرا هر زن، آیا فقط زنان چون شاغل هستند بچه نمی‌آورند که من اصلاً با این دیدگاه

موافق نیستم، چون تعداد زنان شاغل ما در جامعه زیاد نیستند. آیا زنان چون تحصیل کردن، بچه‌دار نمی‌شوند، من با این حرف هم موافق نیستم، اگر ما آمدیم و این‌طوری تمام آن نقاط قوت انقلاب اسلامی و دست‌آوردهای آن برای زنان را به یک نقطه سیاه تبدیل کردیم، یعنی در واقع به آرمان‌های انقلاب پشت کردیم، این وسط یک گج دیگری هست، یک شکاف دیگری هست، در واقع ما باگ‌های سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی را با همدیگر ندیدم، یکی از باگ‌ها هم این است که اگر یک اصل قانون اساسی وجود دارد، اگر یک مطلبی در اسناد می‌آید، آن نیاز به حوزه‌ی عملیات و اجرا دارد.

الان، از زمانی که فرض کنید، افزایش مرخصی زایمان از ۶ ماه به ۹ ماه در دولت‌های مختلف و مجلس‌های مختلف مطرح است، هنوز همه دولت‌ها و مجلس‌ها درگیر این هستند که وزارت خانه زیر بار این افزایش نمی‌روند، یعنی حاضر نیستیم تاوان بدهیم برای مادری که اگر بنا هست که دختران جوان ما تربیت توحیدی بکنند، تربیت نسل جوان بکند، این نیاز دارد که نهادهای واسطه، آموزشی و دوره‌های مختلف پودمانی بسیار به شکل پیشرفته در اختیار همه افراد باشد، اما این‌ها کم است. البته کشور ما یک کشور ۸۰ میلیونی است، کار کردن در کشور ۸۰ میلیونی کار آسانی نیست. یک کشور جوان است، کار کردن در این کشور آسان نیست.

طبیعتاً تمام فعالیت‌هایی که تا حالا انجام شده است که موجب این آمار شگفت‌انگیز شد نسبت به پیش از انقلاب، همه باید دیده شود؛ ولی وقتی

که ما در جلوی چشم‌هایمان با یک سری از مشکلات مواجه هستیم، باید ببینیم که بالاخره این شکاف در جایی پر بکنیم؛ که در این زمینه بحث زیاد است. تشکر می‌کنم از همهی کسانی که به عرایض بنده توجه داشتند.

جناب آقای دکتر اسحاقی: ان‌شاءالله باز در نشست‌های دیگر هم از بیانات اساتید محترم استفاده می‌کنیم. خانم دکتر خسروی، شما اگر نکته تکمیلی دارید بفرمایید، ناظر به سؤالات هم اگر خواستید نکته‌ای بفرمایید، خوب است. در حال در این دقایق پایانی از بیانات شما هم استفاده بکنیم.

***سرکار خانم دکتر خسروی:** فرمایشات را که مطالعه می‌کنم می‌بینم که هر کدام را بخواهیم باز کنیم، موضوع ذبح می‌شود و فرصت کافی خیلی نیست، ولی با فرمایشات دوستان می‌توانم این جواب کلی را بدهم که بحث آموزش را من خواهم می‌کنم، همان برگزاری کارگاه‌ها، دوره‌ها. چرا که بانوان ما اگر ما معتقدیم که ما نمی‌خواهیم محکوم باشیم به آن دو نگاه متحجر افراطی یا تفریطی غرب‌زده و ما می‌خواهیم خودمان یک مدل متعالی ایران اسلامی باشیم، من معتقدم ضمن اینکه تمام برابری‌ها و عدالت‌های اجتماعی لازمه که در همه‌ی سطوح اتفاق بیفتد، این آموزش به دختران ما و به زنان ما باید داده شود که اگر شما هر پستی دارید، حتی همین بحث‌های مدیریتی که راجع به آن داریم تأکید می‌کنیم؛ اگر قرار است شما به ناسا بروید و به فضا بروید، یا هر اتمی که بشکافی، باید از آن کار انرژی بگیرید و امید بگیرید و بیاید در منزل نقش‌آفرینی اصلی خود را انجام بدهی. چرا

که جامعه از آحاد و واحدهای سازنده‌ای تشکیل شده است به نام خانواده که اگر ما غافل شویم از نقش خودمان در آن آحاد، نقض غرض کردیم، اگر ما می‌گوییم زن تمدن ساز و جامعه‌ساز است، به خاطر اینکه تفکرات زن می‌تواند بچه را بسازد و آینده‌ساز باشد.

اگر قرار باشد برای آن بچه و آن خانواده وقت و انرژی کافی را آن خانم مدیر یا خانم تحصیل کرده و خانم اجتماعی نگذارد، همان می‌شود که این گسل‌هایی که شاهد هستیم در جامعه ما اتفاق افتاده بین نسل اول انقلاب و بچه‌های امروز، بین حتی مادر و فرزند در جامعه و بین فقیر و غنی و انواع و اقسام گسل‌ها را در جامعه داریم. ولی یکی از مخرب‌ترین آن این است که آن اتحاد و انسجام داخل خانواده اتفاق نیفتد، آنجاست که خانم‌ها نقش خودشان را باید باور کنند، خیلی به نقش آموزش اعتقاد دارم، این را فکر می‌کنم بیشتر جواب‌ها را این می‌پوشاند. یک سؤالی که فرمودند راجع به رتبه‌ها، ببینید سیاست‌گذارهای که وزارتین علوم و بهداشت داشتند در جهت اینکه ارتقای اساتید، نمی‌دانم هر اهرمی که وزارتخانه در دستش بوده است، در راستای هر هدفی که تعریف شده، ما به آن رسیدیم.

شاید مقاله نوشتن تا بیست سال پیش یک چیز خیلی ایده آل و دست‌نیافتنی بود ولی الان ببینید هر کدام از ما که اراده کنیم، می‌توانیم این کار را انجام دهیم. استنادات همین‌طور، این‌ها فرهنگ می‌خواهد، آموزش می‌خواهد و نهایتاً معتقدم که هیچ‌کدام دست‌نیافتنی نبوده و سیاست‌گذاری.

*جناب آقای دکتر اسحاقی: انشاءالله این بحث را یک مقداری الان روشن تر شد موضوع بحث و نقش هایی که باید ایفا شوند و شناخته شوند و همچنین مباحث امروز انشاءالله می توانند در اختیار جامعه علمی ما هم قرار بگیرد و برای ادامه ی مباحث، یک مقداری عینی تر در گام دوم، مسئله شناسی و ارائه ی راهکارها می تواند خیلی کمک بکند. در این جلسه هم نظرات خوب و پیشنهادهای خوبی برای این موضوع بود که انشاءالله با تداوم این بحث و گفت و گوها این ظرفیت در جامعه نخبگانی ما هست که ان شاءالله در مسیر پیشرفت و تعالی گام برداریم.

۵. جهاد، ایثار و شهادت در منظومه فکری رهبر معظم انقلاب اسلامی

*جناب آقای دکتر اسحاقی: یکی از آموزه‌های مهم ادیان الهی و فرهنگ انقلاب اسلامی راه پرفروغ و با افتخار شهادت است. فرهنگ ایثار، جهاد و شهادت، انسان‌ها و جوامع انسانی را از هرگونه پستی، ذنات، اسارت و ذلت رها می‌کند. این آموزه در فرهنگ اسلامی به‌طور خاص و فرهنگ شیعی به‌طور اخص و در فرهنگ انقلاب اسلامی و در فرهنگ فاطمی، رضوی، محمدی و علوی وجود دارد. این فرهنگ موجب تحول عظیم در بعد فردی و اجتماعی در جهان اسلام و در جهان بشریت و کشور عزیز اسلامی ایران شده است.

موضوع فرهنگ ایثار، جهاد و شهادت، یک موضوع فطری است که در فرهنگ ولایی و اهل بیت (علیهم السلام) معنا و عمق پیدا کرده است و دارای آثار و برکاتی برای جوامع انسان‌ها بوده است. در فرهنگ شهادت صف اول آن اولیای الهی، پیامبران عظام و ائمه معصومین (علیهم السلام) قرار دارند. همچنین در مسیر تداوم فرهنگ عاشورایی، فرهنگ انقلاب اسلامی وجود دارد که این فرهنگ باعث آزادی‌سازی انسان‌ها و جوامع انسانی شده است. در مقابل فرهنگ شهادت، ملتی که شهادت دارد و اسارت ندارد، تمام جناح استکباری به زانو درآمدند و نتوانسته‌اند سدی در برابر این فرهنگ متعالی داشته باشند.

در آموزه‌های امامین انقلاب اسلامی موضوع جهاد، ایثار و شهادت در مجموعه‌ای از معارف انقلاب اسلامی معنا پیدا می‌کند و جایگاه رفیعی برای نجات انسان‌ها دارد. فوز شهادت به گونه‌ای است که وقتی امام علی (ع) به شهادت می‌رسند ندای فُرْتُ وَ رَبِّ الْكَعْبَةِ را سر می‌دهد. خداوند جایگاهی که برای شهید و شهادت در قرآن شریف بیان می‌کند به گونه‌ای است که همه آزادی خواهان و همه انسان‌ها طلب فوز شهادت می‌کنند. به همین دلیل شناخت این مفهوم، آثار و برکات ارزش‌های حاکم بر آن و چگونگی انتقال آن به نسل جدید و آینده و چگونگی حفظ و حراست آن از هرگونه تحریف و وظیفه همه نخبگان و اندیشمندان است. آنهایی که به فکر سعادت دین و دنیای خود هستند حتماً در این زمینه مسئول هستند.

به همین خاطر زنده نگه داشتن این مفهوم، این راه و شاخص‌های آن، از وظیفه اساسی همه آزادگان جهان است. مهم‌ترین وظیفه در عرصه فرهنگ، شناخت و ترویج آن است که در منظومه فکری رهبری معظم انقلاب اسلامی به عنوان زیربنای فرهنگ انقلاب و بیانات امام^(ره) که منطبق بر مرجعیت قرآنی است، وجود دارد. عمق این فرهنگ بعد از چهل سال همچون خون شهید و همچون خون اباعبدالله الحسین زنده و تازه و پرتراوت است.

در جلسه امشب خدمت اساتید محترمی هستیم تا این منظومه فکری را تبیین کنند. در بخش اول، خدمت حضرت استاد آیت‌الله کعبی هستیم. با توجه به صبغه فرهنگی، جهادی و انقلابی و آشنایی با معارف اهل بیت (علیهم



السلام) و معارف انقلاب و منظومه فکری امامین انقلاب به ویژه رهبری معظم انقلاب، قبول زحمت ایشان افتخاری بود که امشب بتوانیم از منظر ایشان این جایگاه و منشأ سعادت را در منظومه فکری رهبر انقلاب بشنویم و بهره بگیریم.

جهاد در منظومه فکری رهبر معظم انقلاب اسلامی

※ آیت الله کعبی: در آغاز سخن، بنده هم میلاد صدیقه کبری فاطمه زهرا (سلام الله علیها) و اولین مدافع ولایت و مجاهد بزرگ اسلام را تبریک عرض می‌کنم. همچنین میلاد فرزند زهرا، بنیان‌گذار انقلاب اسلامی ایران، امام راحل و دهه فجر شکوهمند انقلاب اسلامی را به فجر آفرینان و نسل ادامه دهنده راه فجر آفرینان انقلاب اسلامی، جوانان گام دوم انقلاب اسلامی، رهبر معظم انقلاب و ملت مجاهد، انقلابی و حاضر در صحنه ایران اسلامی تبریک عرض می‌کنم.

یکی از مبانی انقلاب اسلامی که بر پایه قرآن، سنت، عقل و اجماع مسلمین است، جهاد فی سبیل الله می‌باشد. یعنی انقلاب اسلامی بر پایه و مبنای جهاد فی سبیل الله و از جمله امر به معروف و نهی از منکر و دیگر مبانی شکل گرفته است و بر اساس این مبنا حفظ شد و تداوم یافت. در حال حاضر نیز ملت ایران با هدایت‌های راهبردی حضرت امام خامنه‌ای، چهل و دو سال جهاد تمدنی را برای تحقق، رشد، تعالی، پیشرفت، عدالت، عزت و کرامت انسانی در پیش گرفته است. در اینجا جهاد را به عنوان یکی از

مبانی مهم نهضت اسلامی و انقلاب ملت ایران از منظر امام خامنه‌ای توضیح می‌دهم و اگر احیاناً سؤالی هم وجود دارد، پاسخ می‌دهم.

اولین سخن این است که جهاد به چه معنی است؟ مرحوم صاحب جواهر در جلد ۲۱ صفحه ۳۰ به بعد جهاد را این‌گونه تعریف می‌کنند که «من الجهد بالفتح لغه التعب و المشقه، أو منه بالضم كذلك أيضا الوسع و الطاقه، و شرعا بذل النفس و ما يتوقف عليه من المال في محاربه المشركين أو الباغين على وجه مخصوص، أو بذل النفس و المال و الوسع في إعلاء كلمه الإسلام و إقامة شعائر الإيمان، و هو و آن كان شاملا للكافرين و الباغين لكن فيه أنه غير مانع، لأن إعزاز الدين أعم من كونه بالجهاد المخصوص، إلا أن الأمر في أمثال هذه التعاريف التي لا يراد منها إلا التمييز في الجملة سهل كما تسمعه أن شاء الله في نظائرها و على كل حال فهو».

مرحوم صاحب جواهر و بسیاری از اعلام فقها و از جمله رهبر معظم انقلاب اسلامی در مباحث جهاد اشاره می‌کنند که جهاد از واژه جَهْد به معنای تعب، مشقت و خستگی است و یا از جُهْد به معنای وسع، طاقت و توانایی گرفته شده است. در شرع مقدس، جهاد یعنی آمادگی برای فدا کردن جان و آنچه متأثر از جان همچون مال، ابرو و حیثیت و امثال این‌هاست، برای جنگ با مشرکان و ستمکارانی که علیه امام خروج می‌کنند. (جهاد به) بذل جان یا مال و همه توانمندی‌ها جهت اعلاّی حاکمیت اسلام و اقامه شعار ایمان تعریف شده است. این تعریف دوم از شهید ثانی در مسالک گرفته شده است. بر اساس تعریف لغوی و اصطلاحی، جهاد اعم

از قتال است و جهاد به معنای جنگ و رزم در میدان با اسلحه و صرفاً نظامی نیست و جهاد میدان‌های وسیعی همچون جهاد فرهنگی، سیاسی، دیپلماتیک، اجتماعی، اقتصادی، امنیتی، خدماتی، مدنی، جهاد نظامی و ... را در برمی‌گیرد. لذا جهاد اعم است.

رهبر معظم انقلاب هم در درس‌های خود، جهاد را اعم از قتال معرفی می‌کند و می‌فرمایند؛ جهاد به معنای قتال نیست. ادله زیادی وجود دارد مبنی بر این جهاد اعم از قتال است. از جمله ادله این است، واژه جهادی که در قرآن کریم هم در دوران مکه و قبل از تشکیل حکومت و قبل از اذن به قتال نازل شده است و هم بعد از تشکیل حکومت در مدینه و اولین جنگی که صورت گرفت، اعم از قتال به معنای جنگ نظامی است. از جمله این آیات مکی باید به آیات سوره عنکبوت اشاره شود که می‌فرماید وَ مَنْ جَاهِدْ فَإِنَّمَا يُجَاهِدُ لِنَفْسِهِ إِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ. آیه آخر سوره عنکبوت می‌فرماید، وَ الَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ. آیه ۵۱ سوره فرقان نیز می‌فرماید، فَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَ جَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا. این آیه به جهاد کبیر اشاره دارد و قطعاً معنای غیر از معنای قتال می‌دهد. بنابراین جهاد در قران و در روایات اعم از قتال است.

جهاد لسانی یکی از بخش‌های جهاد به حساب می‌آید و آیه شریفه می‌فرماید جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ. جهاد منافقین بیشتر جهاد لسانی است. رسول اکرم در دوران خودشان با منافقین جنگ نظامی نداشتند

مگر در موارد خاص که این مورد فعلاً بحث نمی‌شود. این نکته اول در مورد جهاد بود.

نکته دوم در مورد جهاد، این است که بر اساس معنای لغوی، اصطلاحی و اهداف جهاد، چهار عنصر وجود دارد. عنصر اول تولید قدرت و به‌کارگیری قدرت برای مصلحت اسلام و مصلحت مسلمانان و به‌طور کلی برای سود بشریت است. لذا به‌کارگیری این قدرت و تولید قدرت در بعد جهاد قرار می‌گیرد. چراکه جهاد دو واژه جهد یعنی زحمت و جهد یعنی توانمندی اشاره دارد. بنابراین عنصر اول در جهاد به‌کارگیری تمام توان عقلی، ظرفیت‌های روحی و عاطفی، وقتی، ابرویی و حیثیتی برای اینکه ضعف به قدرت و تهدید به فرصت تبدیل شود. مجاهد هم کسی است که تلاش خستگی‌ناپذیر می‌کند.

عنصر دوم جهاد این است که این تلاش خستگی‌ناپذیر و کوشش طاقت فرسا و به‌کارگیری همه استعدادها و توانمندی‌های مادی و معنوی، فردی و اجتماعی، جزئی و کلی باید فی سبیل الله باشد و باید در جهت مصلحت اسلام، مسلمین، بشریت و در نهایت حاکمیت خداوند، آرمان‌ها و ارزش الهی از جمله تحقق تمدن اسلامی بر اساس آموزه‌های الهی باشد.

عنصر سوم جهاد، تولید قدرت و به‌کارگیری قدرت برای تحقق آرمان‌ها و ارزش‌های الهی و انسانی است که باید با شناخت دشمن و درگیری، منکوب کردن و ضعیف کردن دشمن همراه باشد. عنصر سوم در جهاد، دشمن شناسی و درگیری، ضربه زدن و منکوب کردن دشمن است. به‌طور کلی

این عنصر به شناخت میدان درگیری و به شکل هدفمند با دشمن درگیری شدن و ضعیف کردن آن اشاره دارد.

عنصر چهارم جهاد به این موضوع اشاره دارد که این تولید قدرت برای اسلام، امت اسلامی و بشریت باید در جهت تحقق آرمان‌های الهی و ارزش‌های انسانی و تحقق حاکمیت دین و تضعیف و منکوب کردن دشمن باشد و همچنین باید تحت امر رهبری واجد شرایط الهی باشد که در عصر غیبت، فقیه جامع شرایط و ولی فقیه است. بنابراین کارهای خودسرانه را نمی‌توان جهاد تلقی کرد. لذا در جهاد چهار عنصر تولید قدرت، تلاش برای تحقق آرمان‌های الهی و ارزش‌های انسانی، مقابله و تضعیف دشمن بعد از شناخت دشمن و تحت هدایت و امر رهبری الهی عمل کردن، شرط است. در واقع این را می‌توان به عنوان جهاد فی سبیل الله دانست.

جهاد فی سبیل الله اقسام و مراحل دارد. یکی از اقسام جهاد فی سبیل الله، جهاد تبیینی و جهاد توضیح اسلام ناب محمدی و آموزه‌های اهل بیت برای بشریت معاصر و آشنا کردن آنها با اسلام، پاسخگویی به شبهات و انحراف، مقابله با بدعت‌ها و امثال اینها و حفظ اصل اسلام می‌باشد که به این جهاد تبیینی، جهاد الدعوة الی الله می‌گویند.

مرحله دوم جهاد، جهاد صبر و مقاومت در راه خداوند است. بعد از دعوت به خدا، دشمنان اسلام و جریان‌های ضد اسلامی همچون ظالمین، مفسدان، ستمکاران، معاندان، طاغوت‌ها و کسانی که مصالح، منافع و مقاصد و طغیان آنها از تبیین حقیقت اسلام ناب محمدی و مکتب اهل بیت، حاکمیت توحید

و عدالت و حاکمیت عزت و کرامت انسانی، متضرر می‌شوند، در مقابل جریان حق اسلام می‌ایستند. این جهاد به جهاد صبر و مقاومت معروف است. لذا در مقابل دشمنان کینه‌توز اسلام باید صبر و مقاومت کرد و موانع را از راه برداشت و به جهاد تبیین و دعوت به خدا ادامه داد.

مرحله سوم جهاد فی سبیل الله بسیج ظرفیت‌ها مردمی و ایجاد تشکل و سازمان و به حرکت درآوردن جریان‌های مردمی جهت تأسیس دولت اسلامی است. این جهاد به جهاد تأسیس دولت اسلامی معروف است. مرحله چهارم جهاد که باید بعد از تأسیس دولت اسلامی باید به آن توجه داشت، مربوط به حفظ دولت و نظام اسلامی است. هرگونه اقدامی که برای حفظ نظام اسلامی جهت اقامه حکم الله صورت می‌گیرد، جهاد فی سبیل الله است.

جهاد مرحله پنجم، جهاد توسعه نظام اسلامی، حاکمیت دین و گسترش آن در عرصه بین‌المللی است. جهاد ششم جهاد حمایت از محرومان و مستضعفان و ملت‌های تحت ستم طاغوت و شیاطین است. این هم یک نوع جهاد است که جهاد آزادی‌بخش نام‌گذاری می‌شود.

این مراحل جهاد دقیقاً منطبق بر سیره رسول اکرم و ائمه معصومین است. دعوت پیامبر بعد از بعثت دعوت مخفی بود. بعد از اینکه دعوت علنی شد جهاد تبلیغ اسلام تبدیل به جهاد صبر و مقاومت در برابر مشرکین شد. پیامبر در خلال جهاد صبر و مقاومت در برابر مشرکین، مردم مکه را برای تأسیس دولت بسیج کردند اما استجابت نشد. از مکه به طائف هجرت

کردند و در آنجا هم استقبال نشد. بعد از بیعت عقبه اولی که بیعت ایدئولوژیک با رسول الله بود و بیعت عقبه دوم که بیعت جهادی با رسول الله بود، پیامبر مُصْعَب بن عُمَیر را برای جهاد تبلیغی اسلام به مدینه فرستادند تا خانه به خانه، محله به محله و قبیله به قبیله اسلام را تبلیغ کنند. زمانی که مردم در مدینه آماده استقبال از اسلام شدند، پیامبر به مدینه هجرت کردند و دولت اسلامی را بر پایه ایمان و عمل صالح تأسیس کردند و برای مدینه قانون اساسی تدوین کردند. در آن زمان جهاد حفظ مدینه آغاز شد و جهاد تأسیس دولت به جهاد حفظ دولت اسلامی تبدیل شد. بعد از آن جهاد توسعه دولت اسلامی و فتح مکه و سپس گسترش دولت اسلامی تا تشکیل دارالاسلام بزرگ و توسعه حاکمیت اسلام و حمایت از ملت‌های تحت ستم و نهضت‌های آزادی‌بخش در دستور کار قرار گرفت. در این زمینه بحث مفصلی است که به این مقدار، از باب تطبیق جهادی که گفته شد، بسنده می‌شود. ائمه اطهار هم جهاد رسول اکرم را برای حفظ اصل اسلام و تداوم اصل، ثبات و پایداری و مقابله با بدخواهان و کینه‌توزان، ادامه دادند.

رهبری معظم انقلاب هم در طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن و بحث‌های پیرامون نبوت و نقشه راه، در کتاب انسان ۲۵۰ ساله و در کتاب هم‌زمان حسین، سیره رسول الله و ائمه اطهار را بدون استثنا بر پایه جهاد فی سبیل الله و جهاد مبارزه برای تشکیل حکومت، به خوبی تبیین کردند. ائمه معصومین (ع) مسیر جهاد را طی کردند و از این منظر باید گفت که جهاد

ملت ایران در مقابل طاغوت و رژیم ستم‌شاهی برگرفته از سیره پیامبر و امامان معصومین در جهت بسیج ظرفیت‌ها برای تأسیس و اقامه حکم الله است. یکی از مبانی جهاد ملت ایران از ۱۵ خرداد به بعد و قیام ملت ایران، اطلاعات جهاد فی سبیل الله و بازتولید جهاد پیامبر و ائمه معصومین در عصر غیبت است. یکی از اقسام جهاد مقابله با طاغوت است.

مبنای انقلاب اسلامی مبتنی بر اطلاعات و آیات جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، دفاع از اسلام و تولید قدرت برای اسلام و دیگر مباحث است. بعضی از این مبانی را امام راحل در فصل فی الدفاع و تحریر الوسيله بیان کردند و رهبری معظم انقلاب هم در نوشتار و تألیفات خودشان، جهاد در مقابل جائر را به خوبی توضیح دادند. بر اساس یکی از مبانی فقه شیعه، اطاعت از حاکم جائر از گناهان کبیره است و چنانچه رهبری الهی در عصر غیبت علیه جائر قیام کند، بر ملت و امت مؤمن واجب است به امام مسلمین برای تشکیل حکومت اسلامی کمک کنند. همین اتفاق افتاد و پیروزی حاصل شد. ملت ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به جهاد حفظ نظام اسلامی در برابر دشمنان اسلام و کینه‌توزان ملت ایران و جهاد در مقابل بدخواهان امت اسلامی که در عصر حاضر آمریکا و صهیونیست‌ها هستند، روی آوردند. در واقع قبل از انقلاب جهاد علیه طاغوت ستم‌شاهی و فرعون منطقه بود و این جهاد علیه فرعون منطقه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به جهاد علیه طاغوت اکبر و علیه شیطان بزرگ و استکبار جهانی تبدیل شد.

در طول این چهل سال، توطئه‌ها و جنگ پیچیده دشمنان اسلام به ملت ایران و علیه این انقلاب و دولت اسلامی افزایش یافت و ملت ایران با هدایت امام راحل و هدایت رهبری معظم انقلاب در این جهاد مقدس پیروزی شدند. مسیر پیشرفت، عدالت، رشد و تعالی و مسیر خودسازی، جامعه پردازی و تمدن سازی با قدرت تمام ادامه دارد و جهاد تمدنی ملت ایران، آمریکا و صهیونیست‌ها را به ستود درآورد.

این بخش جهاد تمدنی ملت ایران، چند عرصه داشت. یک عرصه جهاد حفظ نظام اسلامی که در اندیشه مقام معظم رهبری، حفظ نظام از اهم واجبات است زیرا بر پایه حفظ نظام می‌توان حاکمیت دین را پیش برد و بر پایه حفظ نظام، نظامات اسلامی محقق می‌شوند و می‌توان اقامه حکم الله کرد. ۴۲ سال جهاد تمدنی ملت ایران در دهه فجر جشن گرفته می‌شود و این جهاد توسط جوانان گام دوم که موتور و پیشروان حرکت پیشرفت علمی و ایمانی ملت ایران هستند، ادامه خواهد یافت.

جهاد تمدنی چند بعد دارد. جهاد فرهنگی به ایستادگی در مقابل جنگ نرم، تهاجم فرهنگی، شبیه خون فرهنگی، ناتوی فرهنگی، مقابله با سبک زندگی غربی که دشمنان اسلام می‌خواهند بر ملت ایران تحمیل کنند و هرگونه مقابله با عرصه جنگ نرم، اشاره دارد. تولید قدرت نرم در مقابل جنگ نرم به عنوان جهاد نرم محسوب می‌شود.

عرصه بعدی جهاد ملت ایران به عنوان جهاد سیاسی معروف است. منظور از جهاد سیاسی، مدیریت جهادی نظام اسلامی و مقابله با جریان نفوذ در

بدنه نظام اسلامی و تلاش برای حفظ استقلال و آزادی و پاسداری از جمهوری اسلامی و مردم‌سالاری دینی و همچنین حفظ دستاوردهای انقلاب اسلامی شکوهمند ایران است. تلاش برای تشکیل دولت جوان، انقلابی و جهادی و حل مشکلات ملت ایران و استحکام انقلاب اسلامی یکی از عرصه‌های جهاد سیاسی محسوب می‌شود.

عرصه بعدی جهاد را باید در جهاد اقتصادی دانست. چون دشمن تحریم همه جانبه‌ای را علیه ملت ایران تحمیل کرده است، ایستادگی در مقابل تحریم‌ها و عبور از تحریم‌ها و (توجه به) اقتصاد مقاومتی که (مبتنی بر) جهاد مقاومتی و جهش تولید است که در بیانات رهبری معظم انقلاب قرار دارد، یکی از عرصه‌های مهم جهاد محسوب می‌شود که به جهاد اقتصادی معروف است. در واقع تلاش و کوشش برای خودکفایی بر پایه خودباوری و دین‌باوری و (مقابله با) دشمنانی که به ظن باطن خودشان می‌خواهند ملت ایران را محاصره کنند، یکی از عرصه‌های جهاد است. یکی دیگر از عرصه‌های جهاد در زمان ما، جهاد سلامت و مقابله با کرونا و حفظ بهداشت و امنیت جانی ملت است.

عرصه بعدی جهاد، جهاد دیپلماتیک است. منظور از جهاد دیپلماتیک این است که بدانیم، دنیا فقط آمریکا نیست و آمریکا و صهیونیست‌ها در زمان ما دشمن شماره یک اسلام و امت اسلامی هستند و از منظر امام و مقام معظم رهبری اینها دشمنان شماره یک هستند. لذا از این منظر قابل مقایسه با مشرکین قریش به عنوان دشمن شماره یک در دوران رسول‌الله می‌باشند.

بنابراین مذاکره با آنها به معنای کوتاه آمدن از اهداف انقلاب اسلامی و یک نوع تداعی تسلیم شدن است و این برخلاف جهاد دیپلماتیک است. جهاد دیپلماتیک یعنی جهاد مقاومت در مقابل دشمنان ملت ایران و جهاد فتح عرصه‌های دیپلماتیک جهت مقابله با دشمنان اسلام و امت اسلامی یعنی آمریکا و صهیونیست می‌باشد. جهاد بسیج ظرفیت‌ها دولت‌ها و محورهای مقاومت و مقابله با آمریکا و صهیونیست، جهاد بهره‌مندی از تجارت و اقتصاد ۲۵ کشور همسایه و تشکیل بلوک قوی اسلامی در مقابل بلوک استکبار جهانی، جهاد دیپلماتیک تلقی می‌شود.

عرصه بعدی جهاد، جهاد امنیتی و جهاد برای حفظ امنیت در مقابل محاربان، مفسدان، فی‌الارض، براندازان، ضدانقلاب و دنبال‌های آمریکا و صهیونیست که به دنبال ضربه زدن به ملت ایران و بازگشت به جاهلیت طاغوت هستند، می‌باشد. این هم یک جهاد بسیاری مهمی برای حفظ امنیت است. عرصه بعدی جهاد، جهاد نظامی است و به بازدارندگی در برابر دشمنان و تهدیدات اشاره دارد. عرصه دیگر جهاد، تولید قدرت و آمادگی دفاعی و بالا بردن قدرت ایران اسلامی و قوی شدن بر پایه آیه شریفه *وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ* است.

یکی دیگر از میدان‌های جهاد، جهاد پیشرفت علمی است و فتح قله‌های دانش و استفاده علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشریت و تلاش برای پیشبرد آنهاست. خوشبختانه در این عرصه دستاوردهای انقلاب اسلامی در

این ۴۲ سال در همه عرصه‌های علمی و فناوری خیره کننده است اما باید پیشرفت تداوم یابد.

مجموعه عرصه‌های متنوع جهاد در قلمروهای گوناگون جهاد را جهاد تمدنی می‌نامیم و مبتنی بر جهاد برای ساخت تمدن نوین اسلامی بر پایه ایمان و عمل صالح و بر پایه ساخت جامعه اسلامی و بر پایه تشکیل دولت اسلامی است. لذا رهبر معظم انقلاب پنج مرحله را برای انقلاب اسلامی ۱. مرحله انقلاب کردن؛ ۲. مرحله استقرار نهادهای انقلاب بر پایه قانون اساسی و استقرار قوای سه‌گانه؛ ۳. مرحله دولت اسلامی؛ ۴. تشکیل جامعه اسلامی و کشور اسلامی و ۵. بازسازی امت اسلامی و تشکیل تمدن اسلامی، مطرح کردند. از نظر مقام معظم رهبری در حال حاضر ما در مرحله جهاد برای تشکیل دولت اسلامی بر پایه ساختار و محتوای نظامات اسلامی، استفاده از ظرفیت‌های مادی و معنوی ایران اسلامی و تلاش برای تشکیل کشور اسلامی، جامعه پردازی و در نهایت تمدن سازی (قرار داریم).

البته نمی‌توان دیوارهای جدا شده از هم و نفوذ ناپذیر بین مراحل پنج‌گانه انقلاب ایجاد کرد. حرکت انقلابی ملت ایران بر پایه جهاد تداوم دارد. انقلاب و انقلابی‌گری همیشه باید در همه ارکان نظام و انقلاب، دولت و کشور و اقشار گوناگون ملت وجود داشته باشد تا بتوان انقلاب اسلامی را نوسازی کرد و به پیشرفت کنیم.

*جناب آقای دکتر اسحاقی: از حضرت آیت‌الله کعبی سپاسگزاریم، خیلی دوست داشتیم بیشتر استفاده کنیم ولی به خاطر تنگی وقت مجبور هستیم که بحث را با یکی دیگر از ارائه‌دهندگان ادامه دهیم. آقای دکتر رحمان دوست اگر امکانش است بحث خودتان را ارائه دهید.

ادبیات و هنر دفاع مقدس

*جناب آقای دکتر رحمان دوست: من هم روز ولادت حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) و روز ولادت امام امت، خمینی کبیر و ایام دهه مبارک فجر را خدمت همه عزیزان تبریک عرض می‌کنم. طرح واره‌ای را به عنوان کسی که در عالم قلم زدن در دفاع مقدس است و آثار ناقابل شعر، داستان و پژوهش ادبی در مورد داستان جنگ که به عنوان مبانی ایثار و مقاومت و تجلی‌های ایثار و مقاومت در دفاع مقدس است را خدمت شما عرض می‌کنم.

در سالروز ولادت حضرت فاطمه زهرا این صحبت‌ها را می‌کنیم که ما ایشان را یک جانباز می‌دانیم و ایشان مادر و همسر شهید هستند، اگر به اعتبار نوع رحلت پیامبر اکرم که شهادت حساب می‌شود، می‌توان حضرت زهرا را فرزند شهید هم حساب کرد. در حال حاضر نیز ما به عنوان نسل معاصر ادامه‌دهندگان راه ائمه اهل‌البیت، ائمه معصومین (علیهم‌السلام) و فاطمه زهرا (سلام الله علیها) هستیم که در دوران جنگ هشت‌ساله‌ای که پشت سر گذاشتیم و جهادهای دفاع از حرم و مدافعان سلامت، مدافعان وطن و

مدافعان در برابر همه انواع تهدیداتی که این نظام را تهدید می‌کند، و به‌طور کلی در مدافعان، جانبازان و شهیدان، مفقودانی و جهادگران بزرگ (جلوه‌گر شده است).

ملت‌هایی که این انتظار را دارند که بتوانند بر جوامع دیگر تأثیر بگذارند، باید سرمایه‌هایی داشته باشند که این سرمایه بتواند در فرهنگ کشورهای دیگر و در نسل‌های آینده کشور خودش تأثیرگذاری باشد و آنها را به حرکت درآورد. ملت‌هایی بالنده و سرافراز هستند که برای کشورهای دیگر حرفی برای گفتن داشته باشند. باید آن چیزی را که جوهر یک پیام مهم را تشکیل می‌دهد در دل، زبان و بیان کشور وجود داشته باشد تا کشورهای دیگر بدانند حرف این ملت چیست. ما مدعی هستیم که در جهان حرف تازه برای جهانیان داریم و حرف تازه‌ای برای نسل‌های آینده خودمان داریم. بنابراین اولاً برای اینکه روی ملت‌های دیگر و ثانیاً روی نسل‌های آینده کشور خود تأثیرگذاری داشته باشیم باید ۱. اندیشه بزرگی داشته باشیم و ۲. باید بتوانیم این اندیشه بزرگ را در قالب ساختارهای مقبول که ملت‌های صاحب اندیشه این مطلب را بپذیرند و فهم کنند، مطرح کنیم. بنابراین یک محتوایی به نام اندیشه و یک فرمی به نام ساختارهای قابل قبول برای انتقال اندیشه نیاز است.

ادبیات و هنر اصلی‌ترین و تأثیرگذارترین راه انتقال یک فرهنگ از ملتی به ملت‌های دیگر و از نسلی به نسل‌های دیگر محسوب می‌شود. پس ابتدا باید اندیشه وجود داشته باشد و بعد بتوان این اندیشه را در قالب ادبیات و

هنر انتقال داد. اگر ملتی صاحب اندیشه باشد و حرف تازه داشته باشد و بتواند این حرف را در قالب‌های ادبی و هنری مقبول و ساختارهای مناسب به نسل‌های آینده خود یا ملت‌های دیگر انتقال دهد گام مهمی در انتقال اندیشه برداشته است.

من معتقد هستم دوران طلایی ۸ ساله دفاع مقدس ایران، دوران فشرده و متراکمی بود که به وسعت چندین دهه به تجربه سیاسی-اجتماعی ملت فهمیم ایران افزوده است. لذا دست مردم ما برای داشتن اندیشه‌ای که بتواند به نسل‌های آینده و ملت‌های دیگر انتقال دهد، پر است. این ۸ سال گنج بزرگی برای ایران فراهم کرد و کافی است که بتوان با ساختارهای قابل قبول ادبی و هنری آنها را انتقال داد. بنابراین برای خلق آثار ادبی، اولین چیزی که نیاز است، سرمایه یا اندیشه و محتوا است. پشتوانه اصلی آثار ادبی و هنری در هر کشوری همان اندیشه و محتواست و تجربه فردی و اجتماعی ملت ایران از جنگ ۸ ساله آن‌قدر فاخر و ارزشمند است که سرمایه بسیار بزرگی در اختیار ملت ایران است که بتواند کار کند و در قالب‌های ادبی و هنری ارائه نماید.

به اعتقاد من هرچند سرمایه یا اندیشه اولیه قوی باشد اما نتوان آنها را در قالب‌های فرهنگی، هنری و ادبی قابل قبول، ارزشمند و جذاب منتقل کرد، چه بسا آن اندیشه عقیم می‌ماند و منتقل نمی‌شود. اگر روش‌های انتقال دهنده اندیشه به شکل روش‌های ادبی، هنری پیشرفته و جذاب باشد ولی حرفی برای گفتن وجود نداشته باشد و به طوری که فقط مبتنی بر فرم،

ساختار جذاب و بدون پشتوانه اندیشه و محتوا باشد، در این صورت هم انتقال اندیشه محقق نمی‌شود. چون اندیشه‌ای وجود ندارد.

جنگ هشت‌ساله ایران برای دست‌مایه قرار گرفتن و خلق این آثار ادبی و هنری هیچ‌چیزی کم ندارد و همه‌چیز وجود دارد. چند نمونه به عنوان مثال مطرح می‌شود. بخش بزرگی از جنگ ما بر دوش بسیج یعنی حضور مردم در جنگ بود. اینکه در یک کشوری مردم پای کار تحقق آرمان‌های آن کشور بیابند، یک تجربه بزرگ تاریخ بشری است که کمتر کشورهایی توانسته‌اند از این تجربه استفاده کنند. یک تجربه بزرگی به نام بسیج با ده‌ها هزار شهید بسیج و حتی ۳۶ هزار شهید دانش‌آموز وجود دارد. بنابراین بسیج عمومی و حضور مردمی در جنگ یک سرمایه و پشتوانه اندیشه‌ای خوب برای انتقال به نسل‌های آینده خود و کشورهای دیگر است.

موضوع دوم مقاومت مردم در برابر جنگ شهری است. همه آنهایی که دوران جنگ ۸ ساله را دیدند می‌دانند که جنگ هشت‌ساله به صرف جنگ نظامی تمام نشد بلکه این جنگ با بمباران شهری از سوی رژیم بعث عراق بر شهرهای مختلف به ویژه‌های شهرهای نزدیک به مرز و دزفول انجام می‌شد و مردم توانستند در برابر بمباران شهری و جنگ شهری مقاومت کنند. در این جنگ شهری زن، پیرزن، پیرمرد، نوزاد، مادری که هنوز فرزندش متولد نشده بود، شهید شدند و خانه‌ها، اماکن، جاده‌ها، خیابان‌ها و مسیرهای تردد مردم تخریب شدند. بنابراین مردم ما در برابر جنگ شهری

خیلی عجیب خودشان را نشان دادند و سر تسلیم در برابر دشمن فرود نیاوردند.

نکته سوم مربوط به مادران، همسران و فرزندان شهدای این کشور است. همسران شهدای این کشور بعد از اینکه همسرانشان به شهادت رسیدند، سال‌های سال عزتمندانه از حیثیت همسر شهید خودشان دفاع کردند. مادران شهدای این کشور که به فرزند شهید خودشان افتخار کردند. فرزندان شهدای این کشور یتیمی، مشکلات و انواع مصیبت‌های خانه‌ای که سرپرست آن به شهادت رسیده است را تحمل کردند. این چیزی نیست که به راحتی شود از کنار آن رد شد. من هم در اقوام نزدیک خود از این جنس نمونه‌ها دارم و کسی هم نیست که همسر، فرزند، مادر، خواهر و بردار شهیدی ندیده و نداشته باشد. این داستان بسیار بزرگی است که اندیشه و پیام‌های ارزشمندی را برای ملت و انتقال برای نسل‌های آینده و دیگر ملت‌های مختلف فراهم می‌کند.

موضوع بعدی عظمت جانبازان و توان بالای آنها و فروخوردن دردهای خودشان است. این جانبازان با دردهای فراوان مواجه بودند و هستند. اینها دردهای خودشان را فروخوردند و لب به شکوه نگشودند و اگر گشودند در درون محدوده محرم خانوادگی خودشان این کار را کردند. داستان جانبازان، داستان زخم و درد است و داستانی است که پشتوانه هنری و همچنین اندیشه و محتوای فکری و فرهنگی ملت ایران را برای انتقال فراهم می‌کند. چه بسیار از جانبازانی که بعد از سی و چند سال که از پایان جنگ

می‌گذرد هنوز زخم‌های عمیقی همچون چشم نابینا، دست و پا قطع شده، نخاع قطع شده، اعضای از کار افتاده و زخمی بر تنشان وجود دارد. به قول عزیزی مادامی که زخمی بر تن جانباز در این کشور وجود دارد جنگ برای آن آدم ادامه دارد هرچند که جنگ به پایان رسیده است. اما برای جانبازی که این آثار جنگ بر تنش است برای او جنگ تا لحظه‌ای که از این دنیا برود و درد را تحمل کند، گویا جنگ هنوز ادامه دارد. اینها مؤلفه‌های ارزشمند تشکیل دهنده پیام ملت ایران است.

امام خمینی مجتهد، عارف، فقیه، فیلسوف، مسئله‌گو، مسئله‌دان و فهیم و در عین حال شجاع هستند. ایشان نائب عصر و فرمانده کل قوا بودند. واقعاً یکی از ظلم‌هایی که از نظر انتقال اندیشه در نسل معاصر و کتاب‌های ادبی و هنری انجام شده، به حضور امام خمینی در جنگ توجه خوبی نشده است. بسیاری از رمان‌ها، داستان‌ها و شعرهای کشور به موضوعاتی همچون عملیات، خانواده شهدا، شرایط اقتصادی و اجتماعی پرداختند، اما در مورد امام خمینی، مطالب کمی در آثار ادبی و هنری وجود دارد و باید به این موضوع توجه ویژه‌ای شود. به قول عزیزی اگر امام خمینی از جنگ حذف شود، هیچ چیزی باقی نمی‌ماند و ستون خیمه جنگ فرو می‌پاشد. این به عنوان مؤلفه بزرگ و تشکیل دهنده فرهنگی است که باید در قالب‌های ادبی و هنری به آن پرداخته شود و به نسل حاضر و کشورهای دیگر انتقال داد. بخش دیگر شهدای نوجوان هستند. در کشور ما بسیج مردمی فراوان بود. آنچه در این میان به شدت چشمگیر بود شهدای نوجوان کشور بودند. بر

سر مزار شهدای عمق جنگ تحمیلی، شهدای کربلای ۵، کربلاهای مختلف و شهدای سال‌های ۶۲-۶۳ بروید. سال شهادت و تولد را محاسبه کنید و ببینید که چقدر شهید ۱۵-۲۰ ساله داریم. به اعتقاد من چندین ده هزار شهید زیر ۲۰ سال در این کشور در جنگ داشتیم. در واقع شهدای نوجوانی که به خصوص از قشر دانش‌آموز بودند و همان طوری که عرض شد ۳۶ هزار شهید دانش‌آموز داریم. کسانی که بعضاً هم به سن بلوغ نرسیدند و اینها نه در بمباران شهری بلکه در جبهه و عملیات مختلف جنگ به شهادت رسیدند. این مؤلفه انتقال فرهنگ و اندیشه است.

باید به مواردی مثل ایثارگران امدادگر در اوج جنگ و درگیری که برانکار، آتل، باند و کیف کمک‌های اولیه به دست بودند، توجه شود. این امدادگران و کادر درمانی در جنگ ۸ ساله اقدامات مهم و عجیبی داشتند. هرچند که اینها پشت خط جنگ بودند در بعض موارد در خط مقدم هم به داد جانبازان و رزمندگانی که به زمین می‌افتند، می‌رسیدند. یک نمونه از انتقال اندیشه و فرهنگ کادر امدادی و درمانی در جبهه‌های جنگ، در کتاب پایی که جا ماند از آقای سید ناصر حسینی پور آمده است. به اقدامات کادر درمانی در جبهه و به خصوص در شرایط حاد جنگی توجه شود. البته ایشان در مورد دوران اسارت خودش می‌گوید. بچه‌ها در دوران اسارت با مجروحیت‌های خودشان در اردوگاه‌های نگهداری اسرا که بعضی‌ها نگهداری می‌کردن، چگونه تحمل کردند. اینها را باید به نسل معاصر ارائه شود.

از سوی دیگر باید به قشرهای دیگری مانند روحانیت، شهدای نیروهای مسلح و زنان شهید توجه شود. به نسبت تعداد روحانیون در کشور و شهدایی که از روحانیون به شهادت رسیدند، بیشترین نسبت از روحانیون شهید است. باید به نقش زنان شهید که در طول این دوران چه در لباس رزمندگی و چه در لباس پشت جبهه و همچنین شهدای بمباران شهری و کلاً زنان شهید توجه شود. باید به نیروهای مسلح هم توجه داشت، هرچند ممکن است که گفته شود که این تکلیف نیروهای مسلح بود که در جبهه جنگ حضور یابند. اما من اعتقاد دارم که در این جنگ فقط بسیجی‌ها شهید شدند. شبهه ایجاد نشود که غیره بسیجی شهید نشدند، من معتقدم که حتی آن ارتشی که شهید شد خط مقدم رفتن را انتخاب کرد و آماده به شهادت رسیدن بود.

آماده شهادت شدن به‌گونه‌ای که بسیجی‌وار، ولو با لباس ارتشی، سپاهی، نیروی انتظامی و با انواع لباس عشایری به استقبال شهادت رفتند. بنابراین اگر بسیجی را این‌گونه بیان کنیم که داوطلبانه عازم جنگ و جبهه می‌شود و شهادت را انتخاب می‌کند، تقریباً می‌توان گفت که ارتشی‌ها و سپاهی‌ها ما و تمام کسانی که شهید شدند، اول به‌گونه‌ای بسیجی شدند و آن وقت به شهادت رسیدند. بنابراین خود شهدای نیروهای مسلح ما که کم هم نیستند، اینها در فرهنگ بسیجی غوطه‌ور شدند و در خط مقدم به شهادت رسیدند. اینها مؤلفه‌های پیام رسان اندیشه‌ای است که دفاع مقدس امکان

آن را دارند که اینها را با ساختارهای ادبی و هنری مقبول و جهان پسند به جهانیان ارائه کند.

از سوی دیگر ابتکار عمل در جنگ ما وجود داشت. در زمان جنگ ایران تحریم بود و امکانات وجود نداشت. من که به عنوان یک عنصر بسیجی که در مقطعی حضور داشتم، در خط‌های ما پر از ابتکار عمل برای پل‌سازی، خاک‌ریز زدن، به ازای هر سلاحی که از کار می‌افتاد، کمبود قطعات مورد نیاز نظامی، تعمیر بی‌سیم و دیگر موارد وجود داشت. هیچ‌گاه بچه‌های ما دچار عجز نشدند و با کمترین ابزارها سعی کردند نیازهای مورد نظر خودشان را برای خودروهای نظامی، بی‌سیم، اتصال خط‌ها و انواع نیازهایی که داشتند، بر طرف کنند. همان ابتکار عمل‌ها بود که بعد از پایان جنگ به مرکز هماهنگی ساخت قطعات مورد نیاز جنگ، بی‌سیم‌های پیشرفته، مخابرات پیشرفته، قایق‌های هجومی، ماسک‌های ضد شیمیایی جنگ و انواع تسلیحات تبدیل شدند. یک مقطعی در جایی کار می‌کردم که به یک صنعت‌گر گفتیم که از این، لوله تفنگ درست کنید، وقتی برگشت گفت که پیچ‌های گام خان را در لوله بیشتر کردم تا برد را بیشتر کند، اگر نمی‌خواهید همانی را که شما گفتید، آماده می‌کنم. صنعتگر عادی ما که شاید تحصیلات بالایی هم نداشت و بر اساس فن و مهارت صنعتی‌ای که داشت، مبتکر عمل تهیه تسلیحات پیشرفته و جدید شد. همین ابتکار عمل‌ها منجر به ساخت پهبادها، زیردریایی‌ها و موشک‌ها شد. همه اینها تداوم ابتکار عمل‌های زمان جنگ است.

زمانی که من در مجلس نهم بودم به بازدید برخی از تسلیحات و مهماتی که وزارت دفاع ساخته بود رفته بودم. زیر اینها یک مقواها و تخته‌هایی گذاشتند و با زبان‌های فارسی و انگلیسی این تسلیحات را توضیح می‌دادند. گفتم چرا به زبان انگلیسی نوشتید؟ مگر به غیر از نیروهای ایرانی کسان دیگری هم به بازدید این نمایشگاه می‌آیند؟ گفتند که کشورهای دیگر می‌آیند و از ما می‌خرند. پرسیدم که مگر شما اینها را به کشورهای دیگر می‌فروشید؟ اینها ناموس ماست. گفت اینها خیلی قدیمی شدند و از آنها عبور کردیم. ده برابر از اینها جلوتر رفتیم و این ورژن‌های قدیمی را به کشورهای دیگر صادر می‌کنیم. در حال حاضر، مبنای ارتش بعضی از کشورها بر اساس تسلیحات ایرانی است. بنابراین در مقطعی که این تسلیحات برای ایران مهم بودند و به جایی صادر نمی‌شدند، عبور کردیم. این همان ابتکار عمل‌هاست که به اینجا رسیده است.

موضوع بعدی تدارکات جنگی است. یکی از دوستان می‌گفت که ما تدارکات نداشتیم بلکه ندارکات داشتیم. برای لباس، پوتین، تعمیر و نگهداری، انواع خودروهایی که مورد نیاز جنگ بود و برای خاکریز تدارکاتی نبود. یکی از دوستان می‌گفت مسئول تدارکات لشکر ما اسمش کَرَم بود. می‌گفتیم که آقای کرم چیزی به ما بده، می‌گفت من کَرَم، نشنیدم که اصلاً شما چه چیزی گفتید. تدارکات ما خیلی پربار نبود و وسایل مورد نیاز بچه‌های ما را نداشت. خیلی از این بچه‌ها که می‌خواستند به میدان مین بروند، بدون پوتین می‌رفتند، می‌گفتند که این پوتین‌ها نو است و می‌تواند

برای رزمنده دیگر مناسب باشد. یعنی حاضر بود خودش تکه تکه و متلاشی شود اما برای آن پوتین‌های نو اتفاقی نیفتد.

باید به اقشار مختلف در جنگ همچون خلبان‌ها، هوانیروز، نیروی دریایی، نیروهای تیپ ویژه هوابرد، نیروهای جنگ نامنظم شهید چمران هم توجه شود. هرکدام از این فصول خلبانی، داستان هوانیروز در جنگ که بسیار تأثیرگذار بود، داستان نیروی دریایی قهرمان، داستان تیپ ویژه نیروهای هوابرد، نیروهای جنگ نامنظم شهید چمران در اوایل جنگ، بی‌سیم‌چی‌ها و مخابراتی‌ها، (حاوی پیام‌هایی هستند که می‌تواند به نسل‌های بعدی منتقل شود). بی‌سیم بچه‌های ما، از بی‌سیم‌های ساده PRC-۷۷ بود که برد آن‌چنانی نداشت در حالی که بعضی‌ها از بی‌سیم‌های راکال استفاده می‌کردند. گفته می‌شود که برد بی‌سیم‌های راکال زیاد است و بردش دور کره زمین (را پوشش می‌دهد). در چنین شرایطی ما به جنگ بعضی‌هایی رفتیم که از نظر ابزار بی‌سیم که انگلیس به آنها فروخته بود. البته ما هم داشتیم ولی هر چه داشتیم از عراقی‌ها غنیمت گرفتیم.

بچه‌های تخریب هم عاشقانه با تخصص و ایثار و گذشت به خط می‌زدند و مین‌ها را خنثی می‌کردند. بچه‌های نیروی‌های اطلاعات و عملیات که از همه بچه‌ها جلوتر بودند و بعضاً پشت خط دشمن سر درمی‌آوردند و بعد اطلاعات را به جبهه می‌آوردند. مظلومیت بچه‌های غواص برای خودش یک داستانی است و مؤلفه مظلومیت و حماسه‌ای در کشور است. نکته این است که دست ما از جنگ هشت‌ساله خالی نیست و هرکدام از این موارد

می‌تواند سوژه خوبی برای تحقیق باشد. هرکسی که کتاب نوشته شده در این زمینه و اسناد جنگ را مطالعه کند، می‌توان ببیند که این مطالب پر از اندیشه قابل انتقال به نسل‌های مختلف است.

حتی می‌توان به نقش اقلیت‌های دینی کشور اشاره کرد، چراکه ما شهدای ارمنی، زرتشتی و یهودی داریم. همچنین می‌توان به قومیت‌هایی همچون شهدای کرد، لر و بلوچ و دیگران اشاره کرد. ارمنه در جنگ بودند و نقش فنی بالایی در تعمیر وسایل سنگین نظامی داشتند. لذا شهدای ارمنه در کشور کم نیستند و بعضاً مقام معظم انقلاب خانه شهدای ارمنی هم می‌روند. اگر اقلیت‌های دینی و اقلیت‌های اجتماعی، اقلیت مذهبی و اینها در جنگ با ما همراهی نمی‌کردند و خدایی نکرده آب به آسیاب دشمن می‌ریختند، وضعیت به ضرر ما تمام می‌شود. این نشان می‌دهد که اینها در آن دوران پای‌کار آمدند و باعث شدند که گنج این جنگ پرمایه‌تر شود. داستان تحریم‌ها، امدادهای غیبی، دعا و مناجات، وصیت‌نامه شهدا و تضرع اینها موضوعاتی است که باید مورد توجه قرار گیرد و اینها پیام رسان‌های اندیشه‌ای ما محسوب می‌شوند.

اگر کسی بخواهد با استفسار کامل موضوعاتی از این دست را جستجو کند و وارد زیر موضوعات مباحثی که مطرح شدند برود، می‌تواند سوژه‌های خلق آثار گران‌قدر ادبی و هنری در این کشور پیدا کند. از سوی دیگر تجربه قلم به داستان حرفه‌ای‌های زمان جنگ که قبل از انقلاب نویسنده بودند؛ همچنین نویسندگان نیمه حرفه‌ای که در زمان جنگ رشد کردند؛

نویسندگان نو قلم و تازه کاری که در میدان جنگ نویسنده شدند؛ رزمندگانی که قلم به دست گرفتند و با نوشتن خاطرات خودشان شروع به نویسندگی کردند و منصوبین به رزمندگان مثل فرزند شهید، رزمنده و جانباز که قلم به دست گرفتند و خاطرات تاریخ شفاهی نزدیکان خودشان را خلق کردند و نوشتند، اینها وسیله‌ای شدند که می‌توان از تجربه خوب این نویسندگان استفاده کرد.

این حرکت برکت دارد و تأثیرگذار است و تعداد کتاب‌هایی که در این زمینه تألیف شده است فکر کنم بیش از ۲۰ هزار جلد می‌باشد. الحمدلله در حال حاضر تولید شعر و تولید داستان کوتاه در مورد دفاع مقدس در اوج قرار دارد. در مورد رمان هنوز کاستی‌هایی وجود دارد و امیدواریم روزی برسد که رمان دفاع مقدس بدرخشد. عجیب است که بعد از پایان سی و چند سال از پایان جنگ هنوز داستان‌هایی با مضامین جدید جنگ و شعرهای نو سروده، مضامین و تصاویر ارائه شده از جنگ و حتی فیلم‌های سینمایی با نگاه جدید در مورد جنگ، برای خواننده تازگی دارد.

در این مورد بسیار مطلب وجود دارد. بنابراین اگر ایران در جغرافیای کنونی خودش و دیگر کشورها و نیز برای نسل‌های آینده تاریخ خودش و دیگر کشورها، تاریخ طلایی ۸ ساله دفاع مقدس خودش را بنگارد و در قالب‌های قوی شعر، متن ادبی، داستان کوتاه، داستان بلند، رمان و فیلم‌های سینمایی و سایر روش‌های ادبی، هنری و هنری‌های تجسمی و غیره ارائه کند، همان

فرمایش رهبر معظم انقلاب می‌شود که این جنگ، گنج بی‌پایانی است و بروید آن را کشف و استخراج کنید.

من به عنوان نویسنده کوچک جنگ هر چه آثار جدیدی که از این جنگ تولید شده است، تعداد متعددی را مطالعه می‌کنم، با حرف‌ها، نگاه‌ها، برداشت‌ها و پیام‌های تازه مواجه می‌شوم. امیدوارم که بتوان این پیام‌ها را به ملت‌های دیگر و نسل‌های آینده نیز انتقال داد. از این طریق بار رسالتی که جهانیان و نسل آینده بر دوش نسل فعلی جنگ دیده و دفاع مقدس درک کرده، گذاشته است را بتوان به درستی انجام دهیم. رهبر معظم انقلاب هم خود ادیب، هنرمند و قصه‌شناس است و بسیاری از ویژگی‌هایی را که هنرمند دفاع مقدس باید داشته باشد را دارند، انشا الله که با راهبری ایشان بتوان این (پیام‌ها و محتواها) را پرورش بدهیم و به نسل‌های آینده منتقل کنیم.

* جناب آقای دکتر اسحاقی: آقای دکتر خیلی ممنون و استفاده کردیم. حاج‌آقای طاهری در خدمت شما هستیم.

ایثار و شهادت از دیدگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی

*حجت الاسلام طاهری: از خدا می‌خواهیم که انشا الله ما را پیرو خط اصیل و نورانی جهاد و شهادت قرار دهد و نتیجه این تلاش‌ها و مجاهدت‌ها را بهره‌مندی از هدیه الهی یعنی شهادت قرار دهد. گفتند که در این جلسه

یک مروری سریعی در مورد مجموعه بیانات رهبر معظم انقلاب در مورد جهاد و شهادت داشته باشم. می‌دانید که حجم این بیانات بسیار زیاد است و اصلاً امکان پذیر نیست که در یک و حتی چند جلسه مرور داشته باشیم. تلاش می‌کنم مباحثی که به شما کلی از منظومه فکری رهبر معظم انقلاب کمک می‌کند، برای حاضرین در این وینار مطرح کنم.

ابتدا چستی، تعریف و ارزش شهادت از نگاه مقام معظم رهبری را در چند جمله عرض می‌کنم. حضرت آقا می‌فرمایند: «شهید، یعنی انسانی که در راه آرمان‌های معنوی کشته می‌شود و جان خود را - که سرمایه اصلی هر انسانی است - برای هدف و مقصدی الهی صرف می‌کند و خدای متعال هم در پاسخ به این ایثار و گذشت بزرگ، حضور و یاد و فکر او را در ملتش تداوم می‌بخشد و آرمان او زنده می‌ماند». این تعریف جامعی است که حضرت آقا در مورد شهادت مطرح می‌کنند.

وجه تمایز شهادت با انواع مرگ را هم بیان می‌کنند، ایشان می‌فرمایند: «عزیزان! هر کشته شدنی شهادت نیست. آن کشته شدنی که در راه خدا با اخلاص و رشادت و تلاش همراه باشد، اسمش شهادت در راه خداست. شهید آن کسی است که مجاهدت - یعنی تلاش - می‌کند و رشادت به خرج می‌دهد و برای خدا حرکت می‌کند؛ چون اگر رشادت به خرج ندهد، اصلاً در معرض شهادت قرار نمی‌گیرد». حضرت آقا در توصیف شهادت می‌فرمایند: «شهادت، گل خوشبو و معطری است که جز دست برگزیدگان خداوند در میان انسان‌ها، به آن نمی‌رسد و جز مشام آنها آن را بو نمی‌کند.

بهترین مردن‌ها، شهادت است. بالاترین اجراها برای انسانی که در راه خدا مبارزه می‌کند، نوشیدن شربت گوارای شهادت است».

موضوع دیگر مربوط به مقایسه در مورد آنچه را که شهدا و عرفای بزرگ به دست آوردند، می‌باشد. این موضوع در بیانات حضرت آقا و مشابه این مضمون در بیانات حضرت امام هم وجود دارد، آنجایی که به طعنه به برخی از عرفا می‌فرمایند (حضرت امام) «هشتاد سال عبادت کردید، و خدا قبول کند، یک روز هم یکی از این وصیت‌نامه‌ها را بخوانید». حضرت آقا می‌فرمایند: «آن حالتی را که عرفای ما پنجاه سال، شصت سال، هفتادسال ریاضت می‌کشیدند، عبادت می‌کردند، به تنشان سختی می‌دادند، از شهوات و اغواءشان صرف‌نظر می‌کردند، برای این که به آن حالت برسند، این جوان یک‌شبهی ما، این ره پنجاه‌ساله و صدساله را در طول مدت چند صباحِ جبهه و قبل از جبهه می‌پیمود و به آن حالت می‌رسید! این یک نعمت معنوی است؛ این شوخی نیست؛ این را به هر کسی نمی‌دهند. شما خیال نکنید که آن گریه‌ها و آن توسل‌ها و آن حال‌ها آسان به کسی داده می‌شود؛ نخیر، کسانی زحمت‌ها می‌کشند، شاید به آن حال‌ها برسند».

اگر بخواهیم یک جمع بندی داشته باشیم، این جمله رهبری مقام معظم انقلاب به عنوان جمع بندی کافی است. ایشان می‌فرمایند: «شهادت در راه خدا و جان بر کف گذاشتن و تقدیم راه خدا کردن قله شرافت‌های انسانی است». یعنی آن نقطه اوجی که ما می‌توانیم برای شرافت انسانی تصور کنیم، بحث شهادت است. نسبت افاضه‌ای و اکتسابی بودن شهادت را حضرت

آقا به خوبی بیان می‌کنند و می‌فرمایند «این هدیه الهی را آسان به دست نیاوردند؛ به قیمت مجاهدت به دست آوردند؛ در راه خدا جهاد کردند، از خودشان گذشتند و خدا این هدیه را به آنها داد». یعنی این‌گونه نیست که هر کس صرفاً به خاطر اینکه مجاهدت و تلاش کند، لایق شهادت شود. خدا به فضل خودش به کسی که مسیر جهاد و مجاهدت را انتخاب می‌کند این هدیه را به آن می‌دهد. ایشان می‌فرمایند: «این فقط مخصوص ما مسلمان‌ها هم نیست، این وعده خدا در تورات و انجیل و قرآن هم داده است». پس شهادت یک هدیه الهی است که در ادیان مختلف سابقه داشته است. پس از شناخت اجمالی که از مفهوم شهادت به دست آمده است، توصیه می‌شود که تفسیر آن را در کتاب ارزشمند مرگ تاجرانه ملاحظه بفرماید.

در ادامه ویژگی‌های فردی و اجتماعی شهیدان که مورد توجه حضرت آقا است، اشاره می‌شود. در بخش ویژگی‌های فردی حضرت آقا می‌فرمایند که شهادت یک اختصاصاتی دارد و یک سری ویژگی‌هایی را خداوند برای شهید در نظر می‌گیرد که این ویژگی‌ها عمومی است و برای همه قابل دست‌یابی نیست. کسی می‌تواند این فضا را دریابد و از این ویژگی‌ها بهره‌مند شود که در مسیر شهادت قرار داشته باشد. حضرت آقا نمونه‌هایی از این ویژگی‌های فردی را بیان می‌کند. اولین ویژگی که حضرت آقا بیان می‌کنند، ایثار و دل بریدن از عواطف و خواسته‌های شخصی است. اگر هنوز دل متعلق نسبت به مسائل مادی وجود داشته باشد، کسی نمی‌تواند

مسیر شهادت را طی کند و در این میدان نقش آفرینی نماید. اخلاص و حرکت فی سبیل الله به عنوان دومین شاخصه، مورد توجه حضرت آقا است. حضرت آقا، برخوردار از ایمان، تقوا و قدرت معنوی را به عنوان خصال عمومی در بین شهدا مطرح می‌کنند. بحث ارمان‌گرایی و الگو‌گیری از معصومین (علیهم‌السلام) را یکی از عناصر اصلی در فضای شهادت می‌دانند. حضرت آقا بر عقلانیت و منطق‌گرایی تأکید می‌کند و تکلیفی‌گرایی در کنار برنامه‌ریزی برای رسیدن به نتیجه را جزو خصال شهدا می‌دانند. خیلی از افراد در دوگانه تکلیف‌گرایی و نتیجه‌گرایی دچار مشکل هستند و در تبیین قضیه به مشکل بر می‌خورند، حضرت آقا در سیره شهدا این بحث را مطرح می‌کنند و می‌فرمایند: «این شهدای بزرگ ما، همین شهدای عزیز، همین شهدای نام‌آور، برادران زین‌الدین و بقیه سرداران شهید، مثل یک انسان معمولی به جبهه رفتند، برای اینکه وظیفه خودشان را انجام بدهند. هر جا هم که احساس کردند که آنجا وظیفه است، به آنجا رفتند».

حضرت آقا نمونه‌هایی را در صدر اسلام اشاره می‌کنند و می‌فرمایند: «در دفاع مقدس و در همه‌ی جنگ‌هایی که در صدر اسلام، زمان پیغمبر یا بعضی از ائمه (علیهم‌السلام) بوده است، کسانی که وارد میدان جهاد می‌شدند، برای تکلیف هم حرکت می‌کردند. جهاد فی سبیل الله یک تکلیف بود. در دفاع مقدس هم همین جور بود؛ ورود در این میدان، با احساس تکلیف بود؛ آن کسانی که وارد می‌شدند، اغلب احساس تکلیف می‌کردند. اما آیا این احساس تکلیف، معنایش این بود که به نتیجه نیندیشند؟ راه رسیدن به

نتیجه را محاسبه نکنند؟ اتاق جنگ نداشته باشند؟ برنامه‌ریزی و تاکتیک و اتاق فرمان و لشکر و تشکیلات نظامی نداشته باشند؟ این‌جور نیست. بنابراین تکلیف‌گرائی هیچ منافاتی ندارد با دنبال نتیجه بودن، و انسان نگاه کند ببیند این نتیجه چگونه به دست می‌آید، چگونه قابل تحقق است؛ برای رسیدن به آن نتیجه، بر طبق راه‌های مشروع و میسر، برنامه‌ریزی کند». این نمونه‌هایی از ویژگی‌ها و خصالی است که حضرت آقا به عنوان ویژگی‌های فردی به آن اشاره می‌کند.

در مورد ویژگی‌های اجتماعی هم حضرت آقا تصریح می‌کنند که اولین ویژگی اجتماعی شهید این است که مصالح امت اسلامی بر خواست خودش ترجیح می‌دهد. حضرت آقا بصیرت و شناخت در لحظه و شجاعت اقدام در فرصت‌هایی که پیش می‌آید را یکی دیگر از ویژگی‌های شهدا می‌دانند. نرسیدن از غربت و استقبال از مرگ در کنار گمنامی و بی‌ادعایی را هم مورد توجه قرار می‌دهند.

حضرت آقا ویژگی‌های شهید در برخورد با دشمنان را هم بیان می‌کنند. ایستادگی و مقاومت در برابر دشمنان تا جایی که دشمن را به عجز درآورد، این جزو ویژگی شهدا بوده است. شهدا، انسان‌های مستحکمی بودند؛ انسان‌های زودرنجی و زود میدان خالی کن نبودند. نرسیدن از تسلیحات مرگبار دشمن، از خصایل شیعیان در برخورد با دشمنان محسوب می‌شود. نکته بعدی که در بیانات رهبری معظم انقلاب به آن تأکید شده است، بحث آثار شهادت می‌باشد. شهید یک مسیر را طی می‌کند و به قله شهادت دست

می‌یابد. اما با شهید شدن او، ماجرای شهادت تمام نمی‌شود، داستان ادامه دارد و آثار شهادت آغاز می‌شود. اولین بخش آثار شهادت برای شهید، آثار فردی دارد. اثر بعدی شهادت که در بخش اول قرار می‌گیرد، نزول ملائکه الهی و بهره‌مندی از عطر فرشتگان است. حضرت آقا می‌فرمایند: «شما شب حمله می‌بینید که بچه‌ها حالشان بهتر از شب قبل است! من بعضی از این خاطرات یا وصیت‌نامه‌ها را که می‌خواندم، می‌دیدم واقعاً منظر عظیم و عجیبی است. هرچه دورتر می‌شویم، کأنه جلوه‌ی این حوادث و حقایق بیشتر می‌شود. چه حالی! چه معنویتی! این نیست، مگر آن عطری که ملائک و روح‌الامین الهی بر سر بندگان خالص می‌پاشند و آنها را از خود بیخود می‌کنند؛ و آلا مگر می‌شود انسان مادی و بشر معمولی این‌گونه مجذوب بشود؟». این یک ویژگی و خصلتی است که شاید کمتر به آن توجه شود، چراکه خیلی از ما با حالات شهدا قبل از شهادت انس نداریم ولی حضرت آقا در این فضا که دائماً تنفس می‌کنند این مسئله را خیلی خوب درک می‌کنند.

دومین خصلت و ویژگی‌ای که شهید پیدا می‌کند این است که بر نقطه اوج و کمال انسانی پا می‌گذارد. (بیانات رهبری): «سپاس خداوندی را که باب جهاد و شهادت را که برترین سکوی پرش انسان به سمت اوج قله‌ی کمال اوست، به روی این ملت با اخلاص و فداکار گشود. سلام خدا بر شهیدان، بر انسان‌های آزاده و بزرگی که جان بر سر پیمان نهادند و در راه خدا از خود گذشتند و با این فداکاری، به برترین قله‌های انسانیت رسیدند و

شیرین‌ترین پاداش الهی را چشیدند؛ فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ». این آیه بخشی از آیه ۱۷ سوره سجده است، در این آیه آمده است که اصلاً نمی‌توان تصور کرد که خداوند برای شهدا چه مقامات و چه نعماتی را کنار گذاشته است و اینها برای ما آشکار نیست.

سومین ویژگی‌ای که حضرت آقا بر آن تصریح می‌کنند، برخورداری از نور قیامتی و دیدن چهره محبوب است. جمله معروف حضرت امام که شهید به وجه الله نظر می‌کند، مضمون روایتی است از امام علی (ع) و این موضوع در کلام حضرت آقا هم تصریح می‌شود که می‌فرماید: «مسئله‌ی شهید یک ویژگی استثنائی دارد. هر آنچه مربوط به وجود نورانی شهید است، شگفتی است. انگیزه‌ی او برای حرکت به سمت جهاد - که در دنیای مادی و در میان این همه انگیزه‌ی رنگارنگ جذاب، یک جوانی برخیزد، قیام لله کند و به سمت میدان مجاهدت حرکت بکند - این خود یک شگفتی است؛ پس از آن، تلاش او، در معرض خطر قرار دادن خود در میدان‌های نبرد، کارهای برجسته‌ی او در میدان‌ها، شجاعت‌ها و شهادت‌هایی که هر سطری از آن می‌تواند یک سرمشق ماندگار و نورانی باشد هم یک شگفتی است؛ و پس از آن رسیدن به شوق وافر و کنار رفتن پرده‌ها و حجاب‌های مادی و دیدن چهره‌ی معشوق و محبوب یکی از شگفتی‌ها است». اصلاً در وصف شهدا چه می‌توان گفت؟ این از رازهایی است که انشا الله به درک آن برسیم و الاً با توصیف این عالم مادی قابل بیان نیست.

موارد دیگری هم است که حضرت آقا به آن اشاره می‌کنند که به دلیل فرصت اندک به آنها اشاره نمی‌شود. فقط یک نکته که برای ما کاربردی و لازم است، این می‌باشد که حضرت آقا می‌فرمایند؛ «توجه داشته باشید که شهدا بر اعمال ما ناظر هستند. خدای متعال خبر داده است وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ. پیش خدای متعال اند، زنده هستند، مشرف بر این عالم‌اند، حوادث را می‌بینند، سرنوشت‌ها را می‌بینند، اعمال من و شما را می‌بینند. آن وقتی که پای ما به سنگی برخورد، آن وقتی که نتوانیم خودمان را درست هدایت کنیم، اداره کنیم، زمین بخوریم، آنها نگران می‌شوند. آن وقتی که می‌فهمیم، می‌بینیم، محکم قدم برمی‌داریم، راه را مستقیم حرکت می‌کنیم، به هدف نزدیک می‌شویم، آنها خوشحال می‌شوند. آن وقتی که ملت ایران در یک عرصه‌ای پیروز می‌شود، آن ارواح طیبه به اهتزاز درمی‌آیند».

آیا ما چنین نگاهی داریم؟ آیا در قبال هرکدام از پیشرفت‌های علمی و اجتماعی که به دست می‌آوریم واقعاً این نگاه را داریم؟ حضرت آقا به این نکته توجه می‌کنند و می‌فرمایند: «آن وقتی که خدای نکرده بر اثر غفلت ما، کوتاهی ما، ملت عقب بماند، مشکل اساسی و عمومی پیدا کند، آنها نگران می‌شوند». این یک بعد مهمی در اندیشه حضرت آقا است. شناخت کم نظیری که ایشان از فضای شهدا دارند، هم به برکت آیات و روایت به آن دست پیدا کردند و هم اینکه دریافت‌های الهی وجود دارد که در قالب این کلمات نورانی تجلی پیدا می‌کند.

آثار اجتماعی شهادت به عنوان یکی دیگر از موضوعاتی است که حضرت آقا به آن تأکید کردند. اولین اثری که حضرت آقا به آن اشاره کردند این است که نتیجه شهادت شهید، الگوسازی برای جوانان و حق طلبان است. راهی که بن بست است و تصور نمی‌شود که راهی برای برون رفت از این بن بست وجود دارد، اما وقتی یک شهیدی پا به میدان می‌گذارد و آن‌چنان مجاهدت خالصانه‌ای از خود بروز می‌دهد که آن بن بست، باز می‌شود و آن بن بست را می‌شکند. لذا شهادت یک الگوی برای جوانان و حق طلبان ایجاد می‌کند. در بخش دیگر نیز، نشان دادن راه و هدف به همگان مورد توجه قرار می‌گیرد. آثار دیگری همچون آزادی، استقلال از وابستگی‌ها مطرح است که همه این موارد دور شدن کشور از خطر و شکست‌ناپذیر کردن انقلاب را به دنبال دارد و حضرت آقا اینها را از آثار و برکات شهادت می‌دانند. صفا، معنویت و نشاط انقلابی در جامعه از طریق این شهادت‌ها گسترش پیدا می‌کند.

حضرت آقا در مورد وظایف ما نسبت به شهیدان، به هشت مورد تأکید دارند که در اینجا به چند مورد اشاره می‌شود. اولین نکته این است که درس شهیدان را به یاد داشته باشید و به پیام شهدا عمل کنید. حضرت آقا اشاره می‌کنند که رویکرد عزت‌نفس و ایمان را حفظ کنید. اینکه روحیه ایثار و گذشت و فداکاری داشته باشیم این درس شهادت است. وظیفه را تشخیص بدهیم و به نیاز لحظه پاسخ دهیم. هوشیاری در برابر مستکبران درس دیگری است که باید به آن توجه شود. حضرت آقا آمادگی برای دفاع از

حاکمیت اسلامی را هم به عنوان یکی از این درس‌ها به آن اشاره می‌کنند. ما هم به عنوان کسی که تلاش داریم ادامه دهنده راه شهید باشیم، باید به این موارد توجه داشته باشیم.

حضرت آقا می‌فرمایند: «درس بزرگ شهیدان که لحظه‌ای نباید از آن غفلت شود آن است که جان را و همه آنچه را که برای ما عزیز است باید هرگاه لازم شود سپر بلای ارزش‌های اسلامی کنیم و با همه وجود از حاکمیت اسلام که مایه عزت، شرف و آزادگی است دفاع نماییم». در بسیاری از زمان‌ها که شرایط سخت می‌شود، این سؤال برای ما پیش می‌آید که آیا ما باید برای حفظ این انقلاب و دفاع از ارزش‌های آن تا مرز جان فشان پیش برویم یا باید بسیاری از چیزهای دیگر را هم مورد ملاحظه قرار دهیم؟ حضرت آقا می‌فرمایند: «کسی که دست شهدا را گرفته و از آنها یاد گرفته و فراگرفته معارف الهی را هیچ وقت اینجا دچار تردید نمی‌شود و در دفاع از حاکمیت اسلامی و ارزش‌ها جان خودش را هم فدا می‌کند». اینها نکات ارزشمندی هستند که به عنوان اولین درس از شهدا باید به آن توجه داشت. به یاد داشتن دشمنی‌های دشمنان و فداکاری شهیدان را باید مورد توجه قرار داد. در بسیاری از موارد به این قضیه توجه نداریم که یک زمانی دشمنان ظلم عظیم اجتماعی به ما روا داشتند، به کشور حمله کردند و به حمایت از دشمنان پرداختند. کسانی هستند که این سؤال را مطرح می‌کنند و می‌گویند، تا چه زمانی این روحیه انتقام باید وجود داشته باشد؟ و می‌گویند که باید ایثار و گذشت داشته باشیم و بگذریم. لذا اینها با این

حرف‌های غلط سعی دارند جامعه را از فضای دشمن ستیزی دور کنند. حضرت آقا می‌فرمایند: «بدانیم که این انقلاب و این ملت و این کشور، بخصوص فعالان این نهضت بزرگ، چه دشمنان خون‌خوار و بی‌رحمی در کمین داشتند و هنوز هم دارند. همان‌هایی که شهید بهشتی را از دست این ملت گرفتند، هنوز در دنیا هستند. همان‌هایی که آنها را کمک می‌کردند، هنوز هم می‌کنند. مبادا بعضی ساده‌دلی‌ها یا احیاناً کج‌فکری‌ها موجب شود که ما تصور کنیم دشمنی‌ها و دشمن‌ها تمام شدند؛ که این خطر بزرگی را تولید خواهد کرد. برای کسی که در مواجهه با دشمن است، هیچ خطری بالاتر از فراموش کردن دشمن نیست». این یک درس مهم برای مسئولین و خصوصاً سیاسیون و کسانی که به نحوی با جریان‌های سیاست بین‌المللی مواجهه دارند، است و همیشه باید این موضوع را مورد توجه قرار دهند. شاید در دولت جوان انقلابی بتوان این امید را داشت که این جمله حضرت آقا به عنوان یک تابلو در بالای سر مسئولین دیپلماسی کشور قرار گیرد.

زنده نگه داشتن یاد شهدا در جامعه هم از دیگر وظیفه‌ای است که ما در قبال شهدا داریم. حضرت آقا در بحث‌های مختلفی که در مورد امام سجاد و حضرت زینب دارند، می‌فرمایند: «گاهی رنج و زحمت زنده نگه‌داشتن خون شهید، از خود شهادت کمتر نیست. رنج سی‌ساله امام سجاد علیه الصلوة والسلام و رنج چندین ساله زینب کبری علیه اسلام از این قبیل است. رنج بردند تا توانستند این خون را نگه بدارند. بعد از آن‌هم همه ائمه علیهم‌السلام تا دوران غیبت، این رنج را متحمل شدند. امروز، ما چنین

وظیفه‌ای داریم». یکی از بحث‌های مهمی که امروز بر عهده ماست بحث زنده نگه داشتن یاد شهدا و فرهنگ شهدا در جامعه است که انشا الله توفیق داشته باشیم که ما هم در این مسیر حرکت کنیم و صدق عمل خود را با امضای خدا بر این کارنامه و اعطای مقام شهادت به ما، ثابت کنیم.

***دکتر اسحاقی:** از حاج‌آقای طاهری ممنونیم. اگر دوستان شرکت کننده سؤالی در این سه زمینه (جهاد در اسلام، ادبیات جهاد و شهادت و همچنین شهید و شهادت در منظومه فکری رهبر معظم انقلاب) دارند، بفرمایند. یکی از شرکت‌کنندگان پرسیدند که جهاد در سبک زندگی چگونه محقق می‌شود؟

***آیت‌الله کعبی:** جهاد در سبک زندگی به این معناست که دشمنان دنبال تحقق سبک زندگی غربی در ایران اسلامی و درصدد به اسارت گرفتن فرهنگ ملت هستند. چون عنصر دشمنی در اینجا وجود دارد، مقابله با این دشمن بر اساس سیاست‌ها و راهبردهای رهبری برای تحقق حیات طیبه و سبک زندگی اسلامی، جهاد در راه خدا تلقی می‌شود. اتفاقاً در این زمینه، روایات زیاد است. در واقع جهاد برای حفظ خود و حفظ خانواده و عمل به مفاهیم اسلامی در مقابل خودباختگی و در مقابل دشمنان بیرونی و برنامه‌های دشمن بیرونی به جهاد در راه خدا نام‌گذاری شده است. بنابراین هرگونه حرکتی برای تحقق سبک زندگی اسلامی با نیت خنثی کردن

توطئه‌های دشمن برای غربی کردن جامعه، سبک زندگی اسلامی تلقی می‌شود. به عنوان مثال، دشمن تلاش می‌کند که تغذیه، لباس، پوشش، تفریحگاه‌ها، سکونتگاه‌ها و حتی ساختمان سازی‌ها بر اساس مدل غربی شود. اگر در مقابل، جنبه‌های اسلامی همچون پوشش، سنت‌ها، تفریحگاه‌ها و شادی‌های حلال در چارچوب سنت‌های دینی و اسلام راه‌اندازی شود؛ ارزش‌ها و اصالت‌ها حفظ می‌شود و غرب زدایی در زندگی صورت گیرد؛ این یک نوع جهاد به سبک زندگی اسلامی است.

در بحث قلمرو جهاد که در ابتدا ذکر شد، جهاد مدافعین حرم هم باید گفته می‌شد. این جهاد به جهاد مقاومت اسلامی و جهاد دفاع از وحدت و تمامیت ارضی ملت در مقابل صدام در هشت سال دفاع مقدس اشاره دارد که هم جهاد دفاعی است و هم جهاد در مقابل یاغیان است که صدام و ۴۴ کشور حامیان غرب و شرق او را شامل می‌شود. همچنین این جهاد، جهاد محاربان و مفسدین فی الارض تلقی می‌شود.

* جناب آقای دکتر اسحاقی: یکی از شرکت‌کنندگان از آقای رحمان دوست پرسیدند که چگونه می‌توان فرهنگ ایثار را تا اعماق جامعه تعمیم داد؟

* جناب آقای دکتر رحمان دوست: بچه‌هایی که در زمان دفاع مقدس از کشور دفاع کردند، بچه‌های همین مردم بودند. یعنی اعماق جامعه همان‌هایی هستند که به جبهه رفتند. بنابراین اگر آثاری تولید شود که مردم

بتوانند راحت مطالعه کنند، این فرهنگ جبهه می‌تواند در اعماق جامعه نفوذ پیدا کند. به عنوان نمونه آثاری که رهبری معظم انقلاب اسلامی بر آنها تقریظ نوشتند، چندین بار منتشر شدند. کتاب در مورد شهید برونسی ۲۶۰- ۲۸۰ بار چاپ شده است. کتاب «دا» ۲۰۰-۳۰۰ بار چاپ شده است. بسیاری از کتاب‌های دیگر ۷۰-۱۰۰ بار منتشر شدند. این ۷۰-۱۰۰ بار چاپ شدن نشان می‌دهد که مردم این کتاب‌ها را خواندند. در واقع این به معنای انتقال فرهنگ جبهه به عمق جامعه است.

اخیراً کتاب‌هایی در مورد شهید حاج قاسم سلیمانی از سوی انتشارات راه سردار سلیمانی منتشر شدند و محتوای این کتاب‌ها مربوط به روزهای تشیع جنازه شهید سلیمانی می‌باشد. در این کتاب به خاطرات مردم شیراز، کرمانشاه و عراق اشاره شد. این کتاب‌ها آن‌چنان رنگ و بوی مردمی دارند که هر کس آنها را مطالعه کند خودش را در این کتاب می‌بیند. بنابراین آنچه در بطن مردم و جامعه است را باید با زبان مردمی و ساده و در قالب خاطره، تاریخ شفاهی و شعر با مفهوم مردمی منتقل کرد. اینها اکثراً چاپ‌های متعددی می‌شوند که نشان دهنده آن است که مردم این کتاب‌ها را می‌خرند و مطالعه می‌کنند. ادارات چقدر می‌توانند این کتاب‌ها را بخرند و به مردم هدیه دهند؟ نهایتاً ۵-۱۰ چاپ می‌توانند این کتاب‌ها را عرضه کنند. وقتی کتابی ۲۰۰ بار چاپ می‌شود، این ۲۰۰ بار که با پول ادارات تکثیر نشده است بلکه مردم این کتاب‌ها را خریدند و چاپ مکرر شده است.

بنابراین به اعتقاد من، این آثار خلقی و مردمی با زبان ساده‌ای که در دفاع مقدس وجود دارد، تولید شده و چندین بار هم چاپ شدند. این آثار در خانه‌های زیادی نفوذ پیدا کردند. کتاب‌هایی که در مورد شهید سلیمانی منتشر شدند و شرح حال وضعیت روحی مردم را در روزهای تشییع جنازه شهید سلیمانی در شهرهای مختلف و به صورت کتاب‌های جداگانه، توصیف می‌کنند، خواننده احساس می‌کند که در دل مردم است. اینها وسیله‌ای هستند که با کمک آن می‌توان فرهنگ را در اعماق جامعه گسترش داد و در دل‌های مردم نفوذ کرد.

***جناب آقای دکتر اسحاقی:** از حضرت آیت‌الله کعبی و حاج‌آقای طاهری و آقای دکتر رحمان دوست تشکر می‌کنیم. اگر مطلبی وجود دارد بفرمایید که استفاده نمایم.

***آیت‌الله کعبی:** این سخنی که شما از حضرت آقا نوشتید تحت عنوان طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن که هرگونه حرکت و تلاش در مقابل دشمن، فراتر از جهاد رسمی است، همان سخنی است که من آن را شرح دادم. در آنجا مطرح شد که جهاد مدنی، خدماتی و سبک زندگی چون در مقابل آماج حملات دشمن است، این هم جهاد است. تفاوت این جهاد با جهاد هشت سال دفاع مقدس این است که در آن هشت سال توپ، تانک و حملات هوایی وجود داشت و قابل دیدن بود. در این جهاد، دشمن

روزانه هزاران عملیات انجام می‌دهد ولی با چشم دیده نمی‌شود. لذا باید به صحنه آمد و با دشمن در همه عرصه‌ها مقابله شود.

حجت الاسلام طاهری: یک جمله از بیانات حضرت آقا خدمت شما عرض کنم، چراکه این جمله با شرایط امروز ما تناسب دارد. حضرت آقا می‌فرمایند: «هنگامی که ملت عزیز در مناسبت‌های گوناگون، بخصوص در دهه‌ی فجر مبارک، یاد شهیدان را گرامی می‌دارد و به نام آنان شعار می‌دهد، بیش از همه باید محصول ارزشمند جهاد و شهادت آن عزیزان در مد نظرها باشد و همه خود را به پاسداری از آن موظف بدانند و یکدیگر را به آن توصیه کنند. اکنون همه باید خود را مسئول حراست از دستاوردهای انقلاب - که در حقیقت دستاورد خون شهیدان ماست - بدانیم و در این راه از هیچ کوششی دریغ نکنیم. آنهایی که رفتند، رفتند و راه‌ها را گشودند؛ من و شما که ماندیم باید از این راه‌های گشوده حرکت کنیم و پیش برویم. وَاَلَا اِذَا رَأَوْا سُلَاطَانَ الْمَدِينَةِ وَهِيَ ابْنَةُ الْكَلْبِ كَانُوا يَمُرُّونَ بِهَا وَهِيَ تَمُرُّ بِأَسْمَانِهَا وَهِيَ تَمُرُّ بِأَسْمَانِهَا وَهِيَ تَمُرُّ بِأَسْمَانِهَا» این قدرشناسی و نمک‌نشناسی است». این وظیفه امروز ماست و انشا الله که خداوند توفیق عمل به این وظیفه را روزی ما کند.

***جناب آقای دکتر رحمان دوست:** اینکه در یک کشوری بالاترین مقام سیاسی و فرمانده کل قوای و مرجع تقلید آن، در عالم شعر و داستان، مردم و بچه‌های رزمنده را به جلو فراخواند و بگوید که در حوزه دفاع مقدس،

شعر و داستان تولید کنید، در هیچ جای دنیا وجود ندارد. همچنین کمتر پیدا می‌شود که رهبر آن کشور کتاب‌های جنگ را مطالعه کند و برای آنها تقریظ بنویسد و آنها را تشویق کنند. هر کتابی را که حضرت آقا مطالعه کردند و تقریظ نوشتند تعداد چاپ‌های آن بیشتر شده است. این نشان می‌دهد که مردم اعتماد دارند. در حال حاضر حدود ۴۰ سال است که شب‌های نیم رمضان، شاعران به محضر حضرت آقا می‌روند و شعرهای خودشان را ارائه می‌کنند و این شعرها عمدتاً در مورد دفاع مقدس و اخیراً در مورد شهدای مدافع حرم است. البته در سال اخیر به دلیل کرونا ملعون این جلسه به صورت حضوری برگزار نشد. حضرت آقا بهترین طرفدار داستان و شعر در این کشور هستند. متأسفانه تلویزیون جلسات شعر ایشان را پخش نمی‌کند و صرفاً قسمت‌های خشک و رسمی آن را پخش می‌نماید. رهبری معظم انقلاب در خلال شعرهایی که ارائه می‌شود، موضوعاتی را در قالب تیکه‌های لطیف و زیبا مطرح می‌کنند که به معنای واقعی کلمه فضای جلسه را مخصوصاً برای شعرهای طنز لطیف می‌کند. ولی متأسفانه تلویزیون این‌ها را حذف می‌کند.

حضرت آقا اهمیت زیادی برای شعر و داستان قائل هستند و به بچه‌های رزمنده می‌گویند که خاطرات خودتان و کتاب‌های تاریخ شفاهی را بنویسید. لذا گنج جنگ هشت‌ساله را می‌توان در قالب شعرها و داستان‌های خوب به نسل‌های آینده انتقال داد و مقدار زیادی از این امر هم مرهون توجه زیاد

حضرت آقا به شعر و داستان است و امیدوارم که بتوان این بار رسالت الهی
و ملی را به خوبی بر دوش بکشیم.

۶. انقلاب اسلامی و معنویت

*جناب آقای دکتر اسحاقی: خوشحالیم که در خدمت برادران و خواهران گرامی در هفدهم بهمن ماه ۱۳۹۹ و در سالروز پیروزی انقلاب اسلامی موضوع مهم بحث معنویت و انتظار را در محضر اساتید محترم به بحث و گفت‌وگو می‌گذاریم. موضوع معنویت از اموری بوده که همزاد و همراه با بشر و همیشه مطرح بوده است. برای انسان دنبال معنا بودن و در جست‌وجوی آن بعد حقیقی و معنای زندگی خود و بعد معنوی به عنوان کشف حقیقت هستی همیشه مسئله بوده و به دنبال شناخت و بهره‌گیری از آن بوده است.

معنویت در مقابل بعد مادیات انسان است و نشان‌دهنده این است که انسان دارای دو بعد مادی و معنوی است. آنچه حقیقت و جان و روح و ماهیت وجودی او را تشکیل می‌دهد، همان معنویت است.

در حوزه معنویت می‌توانیم جریان‌ها و مکاتب مختلفی را برشماریم که در طول سال‌ها و سده‌ها نسبت به آن موضع‌گیری داشته‌اند. در واقع می‌توان گفت که موضوع معنویت از آن موضوعاتی است که مکاتب مختلف نسبت به آن نفیاً یا اثباتاً موضع گرفته‌اند؛ اصلاً از نشانه‌های اینکه مکتبی جامع بوده است یا نه، این بوده که نسبت به موضوع معنویت و بعد مادی و غیرمادی و روحانی انسان، موضوع مشخصی داشته است.

برخی مکاتب از اساس منکر بعد معنوی و روحانی انسان بودند؛ به خاطر همین در ورطه مادی‌گرایی و ماتریالیسم افتادند؛ به همین خاطر صدمات فراوانی به انسان‌ها و نسل بشر زده‌اند. چرا؟

چون وقتی که بعد حقیقی انسان انکار شود، انسان به ورطه نابودی می‌افتد. در قرن اخیر هم مکتب ماتریالیسم در بخش عمده‌ای از جهان معاصر حکومت می‌کرد و به خاطر واقعی بودن آن و معاند بودن با ابعاد فکری و واقعی انسان نتوانست به حیات خود به عنوان یک مکتب و حتی یک نظام سیاسی ادامه بدهد. در مقابل با توجه به اینکه به صورت ویژه در غرب در مقابل دین‌گرایی که از عهد رنسانس به وجود آمد و مقابله آن به نفی ابعاد الهی انسان و مقابله با دین به خاطر تعالیم اسکولاستیک و کلیسایی مطرح بود، انسان غربی دین را به کناری نهاده و به ورطه سکولاریسم می‌افتد و در اینجا برای اینکه نتوانسته به‌طور کامل جنبه معنوی انسان را منکر بشود، به ساخت انواع معنویت‌های بدون دین و همچنین عرفان‌های کاذب و ادیان ساخته دست بشر دست زد؛ در حالی که یکی از خصیصه‌های دین این است که ساخته دست بشر نیست؛ بلکه رابطه آسمانی دارد.

انقلاب اسلامی ایران با ارائه یک مدل نو از معنویت اصیل مبتنی بر ایمان و تقوای الهی یا معنویت اسلامی و قرآنی خدمت بزرگی به بشریت کرد. در حقیقت می‌توان گفت یکی از برکات انقلاب اسلامی که احیای دین و دین‌داری و معنویت بود که گمان می‌رفت، در بشر این نیاز از بین رفته و خاموش شده، ولی همگان می‌دانیم که یکی از جنبه‌های مهم انقلاب اسلامی

معنویت است که در پیام‌ها و شعارهای مردم بود و امامین انقلاب اسلامی و مکتب انقلاب اسلامی یک بسته کامل را در کنار ابعاد مادی و معنوی انسان ارائه کرده است.

با ایمان و باور به مبدأ و معاد جهان و انسان و ارتباط با خالق و هستی انسان و جامعه و بهره‌گیری و امداد و استمداد از آن مبدأ فیاض جان و روح انسان و جوامع انسانی را می‌تواند سیراب کند و او را هدایت کند و به منتهای مقصود از خلقت ببرد.

امروزه بحث‌های مهمی مثل معنای زندگی بحث و گفت‌وگوی اندیشمندان غربی است و فرصت خیلی خوبی است که اندیشمندان مسلمان بتوانند با بهره‌گیری از مبانی زلال فرهنگ قرآنی و فرهنگ انقلاب اسلامی و ریشه وحیانی و تعالیم اهل بیت علیهم‌السلام، آن وجه درست از معنویت را به دور از هرگونه افراط و تفریط که بتواند جان انسان را سیراب و او را هدایت کند، به یکی از نیازهای عصر امروز پاسخ بدهد؛ عصری که زمان و زمانه او مدرنیسم است و می‌خواهد تمام ساعت‌های او را اشغال کند. همچنین ارائه تصویر درست و سازنده و متناسب با نیاز انسان معاصر با همان ویژگی‌هایی که در سبک زندگی خودش و در نظام‌های سیاسی وجود دارد که می‌تواند بسیار راهگشا باشد.

معنویت پیام جاودانه و عمومی انقلاب اسلامی است که می‌شود با همه انسان‌های شرق و غرب عالم و با هر مکتب فکری و سیاسی ارتباط برقرار

کرد. وضعیت انقلاب اسلامی این است که این پرچم و مفهوم را به صورت ناب ارائه کرد و این در مکتب انقلاب اسلامی خیلی گویا است. ان شاء الله با طراحی‌ها و نظام‌پردازی که صورت می‌گیرد؛ به‌ویژه در ذیل گام دوم که توسط رهبری معظم انقلاب تبیین شد، گروه معنویت اصیل اسلامی و قرآنی بتواند ابتدا در جامعه دینی به شکل صحیح ارائه شود و الگوهای زندگی معنوی را برای اقشار مختلف اجتماعی ارائه کند و از همین مسیر هم روزنه و راهی برای پرداختن آن و دعوت جهانیان به معنویت باشد که در کنار عقلانیت و عدالت یک مکتب جامع را شکل بدهد. در این جلسه توفیق داریم در محضر اساتید محترم حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای پناهیان با موضوع جامعه‌پردازی دینی در پرتوی خودسازی معنوی بپردازیم و حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر نجف لکزایی به موضوع نظریه انتظار و نسبت آن با انقلاب اسلامی خواهند پرداخت. جناب آقای محمدمهدی اعتصامی هم الگوی معنویت را در ساخت تمدن نوین اسلامی ارائه خواهند کرد.

جامعه‌پردازی دینی در پرتو خودسازی معنوی

*حجت‌الاسلام والمسلمین پناهیان: ابتدا اجازه می‌خواهم که کمی درباره این معنویت صحبت بکنم که موردنظرمان هست و اینکه معنویت ناب اسلامی چه ویژگی‌هایی دارد که باید به آن توجه داشت.

معنویت به این معنا که ما صرفاً برای عالم خالق قائل باشیم، باطنی قائل باشیم به نیروی ماورایی قائل و معترف باشیم. طبیعتاً در فضای معنویت اسلامی و دین اسلامی با ایمانی که اسلام توصیه می‌کند، ترجمه نمی‌شود. چرا؟ چون این معنویت همه‌جا هست. گره‌ای هم از کار بشر نگشوده است؛ جز اینکه گاهی تسکین آلام او بود.

معنویت در جهان معمولاً وقتی گفته می‌شود که به همین مقدار بسنده می‌کند که به خدایی قائل باشیم. به معنایی برای زندگی و باطنی برای زندگی قائل باشیم و حتی احیاناً آخرتی را معتقد باشیم.

به‌عنوان یک مسکن روح و آرامش‌دهنده از معنویت استفاده کنیم؛ اما معنویت در حوزه معارف دینی، موضوعی فراتر از این حرف‌ها است.

وقتی که در اسلام معنویت گفته می‌شود، منظور معامله‌ای است که انسان با خدا انجام می‌دهد. عمل صالحی که برای او انجام می‌دهد، قربانی که در راه او می‌دهد. اطاعتی که از او می‌کند که بسیاری از فرامین او هم از بستر جامعه و رابطه اجتماعی عبور می‌کند.

ما نمی‌توانیم معنویت را از سیاست جدا کنیم. معنویت را از زندگی جدی تکلیفی و بسیاری از احکام شرعی جدا کنیم. ما معنویت را در اطاعت می‌بینیم؛ نه صرفاً در اعتقاد، کما اینکه قرآن کریم به برخی که نام کفر و حتی نفاق بر آن‌ها قرار می‌دهد، می‌فرماید که آن‌ها می‌دانند خدا هست؛ حتی اگر از آن‌ها بپرسید خالق‌تان کیست؟ ليقولن الله، قطعاً می‌گویند خدا. ولی آن‌ها کفر می‌ورزند در آن معنویتی که ما به دنبال آن هستیم.

عمل صالح بعد از ایمان همیشه در روایات جزء ایمان جز لاینفک یا لازمه قطعی او برشمرده شده است، می‌شود یک رفتار متناسب با معنویت؛ پس معنویت غیر از آن حال و احساس معنوی و تسکین‌دهندگی روحی است، غیراز آن بخشی نگرشی یا آنچه در اندیشه و آگاهی انسان شکل می‌گیرد؛ حتی ممکن است به مرتبه یقین هم برسد.

در آیه کریم قرآن می‌فرماید بعضی‌ها بعد از این که به یقین رسیدند، کفر ورزیدند. غیر از این موارد و آنچه در آگاهی و اندیشه یا در احساس و علاقه می‌گذرد، نسبت به معنای عالم نسبت به خدایی که خالق هست و ما را احاطه کرده، عملی که ما درباره خدا انجام می‌دهیم، عملی که ما را تحت فرمان الهی می‌آورد، جزئی از این معنویت است؛ درواقع ما دنبال آن معنویتی هستیم که می‌تواند بر اساس ابعاد وجود انسان سه وجهی به حساب بیاید. خوب اگر ما معنویت را نه فقط ارتباط حسی یا اعتقاد قلبی به خدا بدانیم؛ بلکه عملکرد و عمل کردن برای خدا بدانیم و تقرب جستن به خدا با فداکاری و حتی محور قرار دادن او در انگیزه‌های خودمان در کلیه رفتارها، اگر این‌قدر به معنویت عملیاتی نگاه کنیم، آن‌وقت یک سؤال پیش می‌آید. سؤال این است که ما در مسیر رشد معنوی آیا محوری، ملاک، ارزشی، نکته‌ای که به‌عنوان نخ تسبیح به حساب بیاید، داریم که کمی بحث ما را درباره عمل صالح راحت کند؟ مجموعه‌ای از دستورات دینی طبیعتاً به ما می‌رسد؛ فقهی، اخلاقی شرعیات یا اجتماعیات یا در حیطه زندگی غرب و غیر آن یا هر اسمی که بتوان به آن گذاشت.

غیر از این مجموعه در دستوراتی که به ما می‌رسد، می‌توانیم نظامی برای این دستورات تصور بکنیم که این نظام محوری و دستگیره‌ای داشته باشد که کل مجموعه دستورالعمل‌های معنوی را بتوانیم بگیریم و نشان بدهیم و برجسته کنیم؟ بله.

اینجا یک موضوع مهمی را باید محور عملیات معنویت تلقی کنیم. بنده می‌خواهم بعد از این بخش دوم به جامعه‌پردازی برسیم و ببینیم که در مرحله دوم خودسازی جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی به چه چیزی باید توجه بیشتری داشته باشیم؟

وقتی که صحنه عمل به خاطر خدا پیش می‌آید، عمل برای تقرب که در منظومه معارف دینی از برای چنین عملی کلمه‌ای با عنوان تقوا استفاده می‌شود، هر عمل خوبی مدنظر نیست. ترک هر عمل بدی مدنظر نیست. معنویت یعنی اینکه شما عمل خوبی را به خاطر خدا انجام بدهید، عمل بدی را به خاطر خدا ترک کنید، این کجا تحقق پیدا می‌کند؟ اصل تحقق آنجایی است که در اطاعت از فرمان خدا با هوای نفس خود مخالفت بکنیم؛ وگرنه خداوند اگر یک فرمانی داد که اتفاقاً خیلی هم خوب ما هم علاقه‌ای داشتیم. هوای نفس ما هم در این جهت بود. این عمل، عمل معنوی محسوب نمی‌شود. موجب رشد معنویت ما نمی‌شود.

یک اشتباهی در برخی از مباحث اخلاقی به وجود می‌آید. وقتی در مباحث اخلاقی گفته می‌شود شما باید ملکاتی را بشناسید. مردم فهرستی از این ملکات نفسانی (فضائل و رذایل) را در نظر می‌گیرند و وقتی لیست می‌کنند،

ممکن است بگویند؛ ما از این ملکاتی که به عنوان فضایل اخلاقی حساب می‌شود ۱۰ مورد از ۲۰ تای آن را داریم؛ پس ما ۵۰ درصد آدم خوبی هستیم! از آن رذایل هم ۱۰ مورد هم از ۲۰ تا نداریم؛ پس ۵۰ درصد آدم خوبی هستیم! نباید این‌طور مباحث اخلاقی که محور آن ملکات هستند، ما را به اشتباه بیندازد. ما آن‌جایی که ملکه‌ای به نام شجاعت داریم و بر اساس آن عمل می‌کنیم و طبع و غریزه ماست و اتفاقاً ترک کردن آن سخت است، معلوم نمی‌شود که چقدر بندگی خدا کرده‌ایم. در روایات داریم که اگر نه به خاطر خدا، به خاطر غریزه شجاعت برود و جهاد کشته شود، شهید نیست، منافق هم خواهد بود!

در آیات کریمه قرآن صریحاً فرموده‌اند؛ «لیس للانسان الا ما سعی» سعی به این است که انسان تلاشی را خلاف مسیر عادی آب داشته باشد و شنا کند. برخلاف مسیر آب یا فعلیتی را انجام بدهد که زحمتی را به خود هموار کند؛ البته این زحمات می‌تواند درجات مختلف داشته باشد و مقابله آن‌ها با هوای نفس هم می‌تواند به مرور زمان راحت‌تر بشود، در یک مراحل و در مراحل بالاتر و سخت‌تر.

غرض اینکه هر خوب بودنی ملاک نیست. خوب بودنی که یک نوع قربانی دادن، نوعی تلاش، مجاهدت، فداکاری، ازخودگذشتگی در آن است در راه خدا، محور معنویت محسوب می‌شود.

می‌فرمایند هر پیامبری آمد، مردم دیدند که مخالف هوای نفس آن‌ها صحبت می‌کند یا او را کشتند یا او را تکذیب کردند یا در جای دیگری

می‌فرمایند؛ «افرایت من اتخذ الهه هوی» آیا ندیدید کسانی را که هوای نفس را خدای خود قرار داده است. این‌هایی که هوای نفس را خدای خود قرار می‌دهند، دور خانه کعبه طواف هم می‌کردند. بت‌پرستی به معنای عملیات پرستش (من با معبود آن‌ها کاری ندارم) انجام می‌دادند. موسم حج، حرمت را نگه می‌داشتند. در آن سه سال شعب ابی‌طالب سلام‌الله علیه پیامبر را آزار نمی‌دادند. اجازه می‌دادند که راحت به حج برود و بالاخره معنویتی از آن جنس در آن‌ها دیده می‌شد. بندگی خدا مخالفت با هوای نفس نمی‌توانستند انجام دهند؛ بالاخره معنویتی از آن جنس در آن‌ها دیده می‌شد. امتحان‌های خدا که فلسفه خلقت ماست، «الذی خلق الموت والحیاه لیبلوکم ایکم احسن عملا» خدا ما را خلق کرده تا ما را امتحان کند. در آن امتحان وضعیت به‌گونه‌ای رقم خواهد خورد که ما آیا مخالفت با هوای نفس به خاطر خدا انجام می‌دهیم یا نه؟

محور این خودسازی مبارزه با هوی است. ارزشمندترین اصل فرهنگی جامعه باید مبارزه با هوی باشد. قوانین تمدن و ساختارهای اجتماعی و ساختارهای حقوقی همه باید بر محور مبارزه با هوی باشد. مبارزه با هوی را تسریع کند. هیچ‌کدام از این‌ها با همدیگر از این جهت فرقی نمی‌کند. برای اینکه توضیح بیشتری داده باشم، نقطه مقابل تمدن و جامعه‌پردازی ما که رقبا و دشمنان ما انجام می‌دهند، چیست؟ زندگی فردی و در تمدن غرب (بالاخره ما در جهان تنها نیستیم) این نقطه مقابل هوی‌پرستی است. در جامعه غرب و افرادی که در آن جامعه تربیت شده‌اند، انگار در تمدن

غرب «افرایت من اتخذ هوی» را تئوریزه کرده‌اند؛ به همین دلیل، مثلاً درباره هم‌جنس‌بازی می‌گویند؛ چون می‌خواهند... هرچه دوست دارند، قانوناً حق آن‌ها است! درحالی‌که اگر دقت کنند، به نتایج دیگری خواهند رسید. جامعه‌ای که می‌گوید ارزش به این است که به هر چه دلم می‌خواهد برسم، دلم می‌خواهد از جنس هوای نفس، نه از جنس دلم می‌خواهدهای متعالی، گرایش‌های عالی انسان.

جامعه‌ای که ارزش و توجه آن معطوف به دلم می‌خواهد باشد، نهایت آن تمدن غرب را شکل می‌دهد. وقتی به قوانین تمدن غرب نگاه می‌کنیم، همه آن آیین‌نامه‌ها کاری می‌کند که انسان هوی‌پرست را مهار کنند. آیین‌نامه‌ها و مقررات و قوانین در جامعه ما در آن تمدنی که می‌خواهیم بسازیم، چگونه باید باشد؟ زمینه ایجاد کند که مردم با هوای نفس مبارزه کنند.

شاید یکی از تفاوت‌ها این باشد که در تمدن غرب نظارت بر انسان‌ها سنگین است. در تمدن اسلامی نظارت‌ها رقیق خواهد بود. تقوا بیشتر انگیزه فعالیت خواهد بود و خیلی مناسبات دیگری ایجاد می‌شود. مناسباتی که بین مردم تحت عنوان امر به معروف و نهی از منکر تعریف می‌شود، از همین جنس است.

مردم خودشان، خودشان را اداره کنند و خیلی از مفاهیمی که ما در دین خودمان داریم؛ چون ولایت‌مداری معنایی است که در ارتباط با موضوع هوای نفس خودش را به زیبایی نشان می‌دهد. اصلاً ولی کسی است که

انسان وقتی خود را در معرض اطاعت از خداوند قرار داد، خداوند و فرمان‌های الهی مدیریت می‌کند که الآن وقت چه چیزی است.

کسی که آمادگی دارد با هوای نفس خود مبارزه کند، می‌گوید این هم شد برنامه اطاعت من، آن وقت ولی خدا گاهی اوقات فرمان‌هایی می‌دهد که دقیقاً مخالف هوای نفس مردم است؛ مثل آنجا که رفتند لب چشمه و لب آب و رسول خدا فرمود که آب نخورید. درحالی که آن‌ها تشنه بودند و می‌خواستند در راه خدا جهاد کند.

ولی خدا سخت‌ترین قسمت دین و معنویت را به عهده دارد، جایی که ما می‌خواهیم مطابق هوای نفس عمل کنیم و قوانینی را دور بزنیم و قوانین را به شکل هوای نفس خود دریاوریم. آن وقت ولی خدا حی و حاضر می‌آید و می‌گوید. نه. الآن باید این کار را بکنیم.

مثلاً کسی که دوست ندارد به فامیل خودش صدقه بدهد؛ اما جای دیگر دو برابر خرج می‌کند. او صدقه داده؛ ولی صدقه هوای نفس بوده است. این آدم را ولی خدا مدیریت می‌کند، می‌فرمایند خیر. شما باید اتفاقاً به فامیلی که نمی‌خواهید صدقه بدهید، صدقه بدهید، قبول می‌شود.

حالا درباره جامعه هم همین‌طور است؛ البته نه با سختگیری، ولی خدا با تدبیر و مهربانی به تدریج عمل می‌کند.

شما در طول تاریخ بشری می‌بینید که امر ولایت‌گریزی موجب این همه بدبختی‌ها شده است؛ برای اینکه کار و شأن اصلی ولی خدا، امر به ولایت خدا، نه معلمی است؛ نه پیام‌آوری، نه الگو بودن، این‌ها همه هست؛ ولی

کار اصلی نیست. ولی خدا را که به خاطر این چیزها نمی‌کشند؛ به خاطر جنبه مدیریتی او را می‌کشند و به قتل می‌رسانند و تکذیب می‌کنند. آن جایی که می‌خواهد مدیریت هوای نفس جامعه و انسان‌ها را به عهده بگیرد.

بالاخره ما در مقام جامعه‌پردازی باید چیزی را در خودسازی برای همه جا بیندازیم که محور خودسازی معنوی و مبارزه با هوای نفس است. معنویت یعنی عملی را برای خدا انجام بدهیم، تعاملی با خدا داشته باشیم. اطاعتی از او بکنیم. اگر فقط معتقد باشیم خدا هست، از نظر دین معنویت نیست. اگرچه گاهی اوقات ممکن است همین خدا (چون به او معتقد هستید)، آرامشی به شما بدهد. این یا معنویت نیست یا حداقل معنویت است و اصلاً پیامبران برای این نیامده‌اند. آدم‌ها اگر روی زمین رها می‌شدند، همین مقدار عارف مسلک و اهل معنویت می‌شدند. پیامبران می‌آیند که آن بخش ربوبیت را فعال کنند؛ نه بخش الوهیت را جا بیندازند! ربوبیت یعنی به او اجازه بدهید که شما را اداره و مدیریت کند. وقتی انسان گناه می‌کند، دیدید که عصى آدم ربه... آدم رب خودش را عصیان کرد. اینجا فرمودند که عصى آدم الله تبارک و تعالی وقتی انسان عصیانگری می‌کند، درواقع ربوبیت را نفی کرده است. حالا یا عمیقاً نفی کرده که فاسق می‌شود یا معصیت‌کاری است که غفلتاً این کار را انجام داده است.

پس جامعه‌پردازی وقتی صورت می‌گیرد که ما یک مفهوم را در جامعه جا بیندازیم؛ نه مفهوم خدا، نه مفاهیم اخلاقی، مثل این قصه ملکات... که هر کس که آدم متواضعی است، آدم خوبی است. خیر اصلاً این‌طور نیست.

ممکن است کسی به خاطر ضعف نفسش متواضع باشد یا کسی متواضع باشد به خاطر ترس از بقیه یا جرئت ابراز وجود نداشته باشد یا فرصت پیدا نکرده است. طمع دارد که خود را پیش دیگران جا بیندازد، این‌ها که ارزشی ندارد. کسی متواضع باشد نه به این مقاصد بد به خاطر این‌که کلاً به خاطر ژنتیک انسان متواضعی است اصلاً مشکلی با رفتار متواضعانه ندارد. عرضم این است که ما خیلی عملیاتی باید به معنویت نگاه کنیم و از بعد عملی معنویت در جامعه صحبت کنیم که مغفول است. این همان چیزی است که حقیقت دین را تشکیل می‌دهد و وقتی می‌خواهیم از آن بعد عملیاتی معنویت صحبت کنیم، محور آن روشن است؛ مبارزه با هوای نفس. جامعه باید بر این مبنا شکل بگیرد. امتحان‌های الهی بر این مبنا شکل می‌گیرد. دقیقاً خدا برای افراد همسرانی قرار می‌دهد که آن همسران محل امتحان خدا می‌شود. این‌ها حرف‌هایی است که در جامعه وجود دارد، ببینید که چقدر فاصله دارد با آن چیزی که باید باشد! می‌گوید همسر من، همسر خوبی نیست. اگر همسر خوبی بود، خدا چگونه باید تو را امتحان می‌کرد؟ یکی از زمینه‌های امتحان همسر شماست. می‌گوید پدر من، پدر خوبی نیست مادر من، مادر خوبی نیست. بچه من بچه خوبی نیست. همه دنبال خوب بودن اخلاقی برای دیگران می‌گردند که خود آن‌ها راحت باشند! باید ببینی که تکلیف چیست؟ در این وضعیت برای مبارزه با هوای نفس قرار گرفته‌اید.

بعضی از متدینین و متشرعین تکالیف را هم بازی می‌دهند. از ۱۰ تا تکلیف
همانی را انجام می‌دهند که به سود خودشان است. این‌ها دشمنان معنویت
هستند. آدرس‌های غلط از معنویت است.

اخلاق و شریعات و اعتقادات دینی که مورد سوءاستفاده هوای نفس قرار
می‌گیرد.

در سوره یاسین که می‌فرماید؛ از آن‌ها می‌پرسند که چرا صدقه نمی‌دهید؟
می‌گویند اگر خدا می‌خواست خودش به او می‌داد! ببینید اعتقاد به رازق
بودن خدا را مورد سوء استفاده خود قرار می‌دهند.

ما باید برای جامعه‌پردازی قیامی معنوی کنیم. علیه سوءاستفاده از ایمان،
اخلاق و حتی احکام شرعی که از آن‌ها در طول تاریخ سوء استفاده شده
است.

اما نمی‌خواهم بحث سوء استفاده را یک نوع غلبه بدسیم که هرکسی که
انسان مذهبی یا اخلاقی یا مؤمن دید، به او سوءظن پیدا کند! نه این‌طور
نیست.

ولی این مسئله محوری عملیات معنویت خیلی باید در جامعه برجسته شود
تا ما متوجه شویم وقتی وارد زندگی می‌شویم. «لقد خلقنا الانسان فی کبد»
انسان در رنج آفریده شده است. حالا باید در این رنج وارد شود. چه
شرایطی ما داریم اینکه دنبال آسودگی کامل باشیم، کاملاً غلط است. چه
برسد به اینکه روش‌های غلطی برای آسودگی و راحتی و لذت انتخاب
کنیم. «یا ایها الانسان انک کادح الی ربک کدحا فملاقیه» این آیه را باید بر

سر در مجموعه‌ای بزنند که می‌خواهند جامعه‌پردازی بکنند. تو با رنج به سوی خدا خواهی رفت و یک رنج اساسی، رنج چیزی است که مخالف هوای نفس انسانی است.

بعضی‌ها اختیاری نیست؛ تقدیری است بعضی‌ها تکلیفی است، اگر تکالیف شرعی را بازی ندهیم.

این بحث مبارزه با هوای نفس که اتفاقاً بعضی از اندیشمندان غربی هم به آن توجه پیدا کردند، چیزی نیست که عقل انسان به آن نرسد؛ اما تحت فرماندهی الهی، با مدیریت ولی خدا، این جامعه‌پردازی را درست می‌کند؛ یعنی ما را به جامعه‌پردازی مطلوب می‌رساند که گاهی از آن به جامعه ولایی تعبیر می‌کنیم. معنای جامعه ولایی چیست؟ جامعه‌ای که بنای خود را بر مبارزه با هوای نفس گذاشته و ایمان و اخلاق و شرع را در آن جهت استفاده می‌کند. زندگی خود را در آن جهت با مدیریت ولی خدا سامان می‌دهد؛ اصلاً کارکرد اصلی ولی خدا این است؛ والّا ولی خدا یک الگو است. چرا باید او را بکشند؟ با او مخالفت کنند؟ چرا انبیا را بکشند؟ «ما ارسلنا من رسول الا لیطاع باذن الله» هیچ پیغمبری را نفرستادیم؛ مگر اینکه از او اطاعت شود.

***جناب آقای دکتر اسحاقی:** درهرحال موضوع معنویت موضوعی نیست که بتوان آن را فراموش یا انکار کرد؛ ولی می‌شود منحرف یا ضعیف کرد و انقلاب اسلامی یکی از برکات و آثاری که داشته و خدمتی که به بشریت

کرد، احیای همین بعد معنوی انسانی است. آن حم نه تنها احیای بعد معنوی، بلکه تبیین و تعریف آن و پاسداری از معنای صحیح و آن رسالت نخبگان جامعه اسلامی همین است که بتوانند آثار و فواید و برکات معنویت را بگویند. در مقابل آن نمونه‌های قلبی و گول زننده، ولی جذاب را حتماً خوب بیان کنند و آثار و پیامدهای منفی آن را بیان کنند. در سطح یک نظام اسلامی حتماً متفاوت است. برنامه‌هایی می‌خواهد که همچنان حاج‌آقا پناهیان هم اشاره کردند. اینکه ما بتوانیم ابعاد عملی موضوع معنویت را بگوییم و بحث خودسازی فردی و سپس به جامعه‌پردازی پرداخت و آن هم مقدمه‌ای باشد برای نقش‌آفرینی در سطح گسترده‌تر که همان بحث تمدن نوین اسلامی است. سپاسگزار هستیم از جناب حاج‌آقا پناهیان در خدمت جناب آقای دکتر نجف لکزایی هستیم.

بحث ایشان بعد دیگری در مورد معنویت هست و آن هم انتظار است. درباره نظریه انتظار و نسبت آن با انقلاب اسلامی در سال گذشته، همایشی با همکاری دفتر تبلیغات اسلامی قم و مؤسسه پژوهشی و فرهنگی انقلاب اسلامی وابسته به دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای برگزار شد. مقالات و بحث‌های خیلی خوبی مطرح شد. این کار هم ان‌شاء‌الله تداوم پیدا کند. الآن هم در خدمت دکتر لکزایی هستیم که ان‌شاء‌الله بتوانیم در بیانات ایشان در فرصت اول استفاده کنیم.

نظریه انتظار و نسبت آن با انقلاب اسلامی

*حجت الاسلام و المسلمین آقای دکتر لکزایی: همان‌طور که آقای دکتر اسحاقی فرمودند؛ عنوان بحث من نظریه انتظار و نسبت‌سنجی آن با انقلاب اسلامی است. اجازه بفرمایید که برای آغاز بحث نقطه ثقل بحث شما را به سوره مبارکه صف ارجاع بدهم. آیه شریفه ۹ را عزیزان ملاحظه بفرمایید؛ خداوند متعال می‌فرماید که اعوذ بالله من الشیطان رجیم «هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون» این آیه مبارکه در دو سوره دیگر قرآن هم آمده است. در سوره مبارکه توبه آیه ۳۳ عیناً این آیه تکرار شده و همین‌طور در سوره مبارکه فتح بدون این قسمت اخیر این آمده؛ یعنی کلمه ولو کره المشرکون را ندارد؛ ولی آن قسمت قبل هست.

مفسران و همین‌طور روایاتی که در ذیل این آیه شریفه آمده است، بر این نکته تأکید کردند که تحقق این آیه شریفه با ظهور حضرت ولی عصر ارواحنا فداه خواهد بود؛ یعنی سؤال این است که طبق مطلبی که خدای متعال فرمودند، روزی خواهد رسید که دین اسلام حاکم خواهد شد در همه ادیان «لیظهره علی الدین کله» خب آن روز چه روزی هست، فرمودند ایام ظهور است. قبل از این آیه می‌فرماید که عده‌ای می‌خواهند که نگذارند این اتفاق بیفتد؛ ولی اراده خدا بر آنها غالب می‌شود.

آیه هشتم این است «یریدون لیطفؤا نورالله بافواهم» عده‌ای می‌خواهند که با تبلیغات و کارهای فرهنگی و رسانه‌ای نگذارند که نور خدا به جهانیان

برسد. می‌خواهند نور خدا را خاموش کنند و الله متم نوره خداوند نور خود را تمام خواهد کرد. و لو کره الکافرون... در آغاز این سوره هم یک مطلبی است که برای بحث ما مهم است؛ یعنی همه آیات قرآن مهم است؛ ولی در بحث ما آیه ۲ نسبت به مؤمنان یک آسیب‌شناسی دارد، می‌فرماید «یا ایها الذین آمنوا» ای کسانی که ایمان آورده‌اید؛ یعنی وارد اسلام شدید و شهادتین گفتید و با رسول‌الله صل الله علیه بیعت کردید و متعهد شده‌اید که به اسلام عمل می‌کنید. «لم تقولون مالا تفعلون» چرا سخنانی می‌گویید که به آن‌ها عمل نمی‌کنید؟!

«کبر مقتا عندالله ان تقولوا ما لا تفعلون» باعث خشم خدا می‌شود. اینکه شما چیزهایی را بگویید که به آن عمل نکنید.

«ان الله يحب الذین یقاتلون فی سبیل الله صفا کانهم بنیان مرصوص» خدای متعال دوست دارد کسانی را که مبارزه می‌کنند. ۱. یقاتلون، ۲. فی سبیله در راه خدا مبارزه می‌کنند. ۳. صفاً مبارزه می‌کنند؛ یعنی تشکیلات و شبکه دارند که این شبکه البته در آیات دیگر قرآن از جمله در سوره مبارکه انفال به عنوان شبکه ولایت مطرح می‌شود. ۴. اینکه استقامت دارند؛ «کانهم بنیان مرصوص» یعنی همچون بنیان مرصوص هستند.

این با بحث انتظار و انقلاب اسلامی چه نسبتی دارد؟ درواقع انقلاب اسلامی یکی از نقاط عطف است برای تحقق این آیه شریفه «هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله»

یک گام بسیار مهم و اساسی از صدر اسلام وقتی نگاه می‌کنیم تا کنون، یعنی یک گام بزرگی است که توانسته است قدم بسیار مهمی را برای تحقق این آیه شریفه بردارد، لذا تعبیری که مقام معظم رهبری دارد، خیلی مهم است فرمودند که *انتظار حرکت است انتظار سکون نیست*. انتظار ابعاد گوناگون دارد. من این جملات را از فرمایشات ایشان در مناسبت‌های مختلف استخراج کرده‌ام. «*انتظار منتظران مهدی موعود در درجه اول انتظار استقرار عدالت است*».

درد بزرگ بشریت امروز همین مسئله *فقدان عدالت است*. انتظار یعنی امید، *انتظار یعنی آماده باش*، برای نیروهای مسلح که صحبت فرمودند؛ انتظار یعنی آماده باش. در واقع انتظار پیروزی اسلام بر همه مکاتب و ایسم‌ها. انتظار به این نیست که ما هیچ اقدامی نکنیم، منتظر باشیم که خود به خود این اتفاق در آینده بیفتد. نه. فرمودند *این انتظار تکلیف بر دوش انسان می‌گذارد*. انتظار یکی از پر برکت‌ترین حالات انسان است.

من می‌خواهم از این جمله برای ادامه بحث خودم استفاده کنم. *این انتظار تکلیف بر دوش انسان می‌گذارد*. انقلاب اسلامی تکلیفی بود که ملت ایران احساس کرد بر دوش او نهاده شده و این را در ایران متحقق کرد؛ اما مسلمانان دیگر آن‌ها هم باید متوجه این تکلیف بشوند و هرکسی در کشور خود این تکلیف را انجام بدهد؛ چون انتظار، انتظار تحقق این آیه شریفه است؛ یعنی *لیظهره علی الدین کله*، «ان الدین عند الله الاسلام» اینکه ما همه تصمیم تسلیم خداوند بشویم. انسان‌ها تصمیم اوامر خداوند متعال بشوند.

اگر تصمیم اوامر خدا شدند، تسلیم اوامر رسول الله صلی الله علیه و آله می شوند.

اگر تسلیم رسول الله بودند، تسلیم اوامر ائمه معصومین علیهم السلام هستند. کسی که به فکر بقیه الله است کسی که مطیع بقیه الله است، مطیع نایب او هم هست؛ یعنی نظریه ولایت فقیه، ولایت فقیه جامع شرایط. آن چیزی که باعث تحقق و پیروزی انقلاب اسلامی بر نظام سلطه و بر نظام استبدادی شد.

اگر ما برگردیم به سال ۴۳ بینیم وضعیت توسعه ولایت، ولایت الهی در سال ۴۳ چگونه است، بعد برویم به سال ۵۷ و بعد به الآن، می بینیم این احساس تکلیف باعث شده است که مسلمانها گامهای بلندی را بردارند. در سال ۴۳ امام از ایران تبعید شد. در سال ۵۷ کسی که امام را تبعید کرده بود، ناگزیر شد که از کشور برود و امام برگردد. چرا؟ چون ولایت در سطح ملت ایران ملت توسعه پیدا کرد. ملت ولایی بیدار شدند، قیام کردند به سخنان رهبرشان گوش دادند. امروز می بینیم که ولایت در سطح منطقه و جهان توسعه پیدا کرده است. شما در سطح منطقه یک جریان مقاومتی دارید، در برابر نظام سلطه و بلکه در سطح جهان.

سؤال، ما چگونه می توانیم انتظار را عمق ببخشیم؟ نظریه انتظاری که ما از فرمایشات مقام معظم رهبری امام خامنه‌ای عزیز حفظ الله استنباط و استخراج کردیم، این است که ما وظیفه داریم در مقابل کسانی که می خواهند با نور خدا درگیر شوند و نور خدا را خاموش کنند، با آنها در بیفتیم.

نگذاریم که آن‌ها توفیق پیدا کنند. کمک کنیم به وظیفه خودمان عمل کنیم تا این «لیظهره علی‌الدین کله» اتفاق بیفتد؛ یعنی ظهور اتفاق بیفتد. این انتظار، این تکلیف را بر روی دوش ما می‌گذارد.

ما می‌خواهیم که امت اسلامی با این تکلیف بیشتر آشنا شود و به این تکلیف راهبردی عمل کند.

باید تربیت راهبردی اتفاق بیفتد؛ یعنی راهکاری که نظریه انتظار به عنوان نظریه نجات بشریت، برای تحقق آن آرمان نهایی جلو پای بشریت می‌گذارد، راهکار تربیت است.

ما در فرمایشات مقام معظم رهبری می‌بینیم که از سه نوع تربیت سخن گفته شده است.

یک تربیت عقلی، تربیت اعتقادی، اینکه انسان‌ها موحد به معنای تمام کلمه بشوند؛ مخصوصاً عرصه توحید افعالی، به اینجا برسند که «لامؤثر فی الوجود الا الله» که اگر اهل صبر و انتظار و صبر و تقوا بودند، نصرت الهی شامل حال آن‌ها می‌شود. چیزی که در سوره مبارکه آل‌عمران به‌کرات مورد تأکید قرار گرفته شده «ان تصبروا وتتقوا» چیزی که در جنگ بدر مسلمان‌ها از آن برخوردار شدند؛ چیزی که رسول‌الله صلی‌الله علیه و آله در هنگام هجرت از مکه به مدینه از آن برخوردار شدند. در سراسر زندگی و یک نمونه آن هم انقلاب اسلامی است

ملت ایران در انقلاب اسلامی از نصرت الهی برخوردار شدند که تا الآن هم ادامه دارد.

بک سطح، سطح تربیت عقلی و اعتقادی، آشنایی با نبوت و امامت و ولایت و از این مهم‌تر باور جدی به بحث رهبری اسلامی و شکل‌گیری شبکه ولایت میان امام و امت، میان احاد امت، به گونه‌ای که هیچ چیز نتواند بین این‌ها فاصله ایجاد کند و تحقق برائت از دشمنان و شناخت دشمنان.

سطح دوم تربیت راهبردی، برای تربیت انسان منتظر راهبردی، تربیت اخلاقی است؛ تربیت اخلاقی آراسته شدن به فضائل است، یعنی انسان با موانع کمال مبارزه کند؛ چه موانعی که درون ما انسان‌ها است، یعنی هواهای نفسانی، چه موانعی که در بیرون وجود ما انسان‌ها هست؛ یعنی نظام‌های استبدادی، سلطه‌گری، استعماری. بزرگ‌ترین تربیت اخلاقی این است که ما مسلمان‌ها را آشنا کنیم و خودمان هم عمل کنیم؛ به اینکه نظام سلطه نظامی است، ضد اخلاق و ضد فضیلت، نظام سلطه مانع به کمال رسیدن بشریت است.

سطح سوم از تربیت، تربیت فقهی قانونی و شرعی است. اینکه مسلمان‌ها یاد بگیرند که طبق اسلام باید عمل کنند. این آیه شریفه که از سوره مبارکه صف خواندم. این سوره در همان آغاز دولت‌سازی در مدینه نازل شده است؛ یعنی حول و حوش سال دوم هجرت یا اواخر سال دوم هجری یا اوایل سال سوم بعثت گفته شده؛ یعنی بعد از بحث جنگ بدر هست؛ اینکه می‌فرماید «لم تقولون ما لا تفعلون» چرا چیزی را می‌گویید که عمل نمی‌کنید؟ با پیامبر بیعت می‌کنید و عمل نمی‌کنید. نه.

این تربیت باعث می‌شود که محرک‌های انگیزشی و معرفتی مؤمنان آن‌گونه که خدای متعال گفته شکل بگیرد. هم یزکیهم یعنی اصلاح انگیزه‌ها تحقق پیدا کند و هم يعلمهم الكتاب و الحکمه یعنی اصلاح اندیشه‌ها و افکار، در این صورت می‌توانند «لیقوم الناس و بالقسط» شوند؛ بر پا دارنده عدالت و مبشر عدالت. در این صورت است که «لیظهره علی الدین کله» با ظهور خورشید عظمای ولایت تحقق پیدا می‌کند، پس یکی هم تربیت فقهی است. اگر تربیت اعتقادی اخلاقی و فقهی صورت بگیرد، می‌توانیم بگوییم که در عرصه تربیت رویکرد راهبردی را تحقق بخشیدیم؛ یعنی تربیت، باید یک تربیت راهبردی باشد. تربیت راهبردی معطوف به انتظار باعث می‌شود که مسلمان‌ها انتظار را یک نظریه نجات برای بشریت ببینند؛ نه فقط برای خود آن‌ها، آن وقت این فرمایش آقا اینجا تحقق پیدا می‌کند که انتظار تکلیف بر دوش انسان می‌گذارد؛ یعنی ما به یک انتظار متعالی می‌رسیم که راهکاری برای تحقق آیه شریفه شماره ۹ سوره مبارکه صف می‌شود. آیه شریفه ۳۳ سوره مبارکه توبه، آیه شریفه ۲۸ سوره مبارکه فتح، «لیظهره علی الدین کله». این مقدمه و تکلیف چیست؟ یک تکلیف همین تحقیق انقلاب اسلامی در سطح جهان است و تداوم انقلاب اسلامی در دیگر کشورها است؛ یعنی مراحل پنج‌گانه‌ای که حضرت امام خامنه‌ای حفظ الله فرمودند که سطح اول، انقلاب اسلامی است، این انقلاب اسلامی در ایران اتفاق افتاده است؛ ولی در وجود همه انسان‌ها باید اتفاق بیفتد که باید از غیر خدا به خدا برگردند. در همه کشورها باید اتفاق بیفتد.

بعد نوبت به تحقق نظام اسلامی مبتنی بر رهبری ولایت فقیه جامع شرایط و تحقق مردم‌سالاری دینی می‌رسد و بعد از آن به دولت راهبردی می‌رسد. دولت‌سازی یعنی اینکه ولایت تعمیق پیدا کند. اینکه در نظریه انتظار گفته می‌شود؛ هیچ دشمنی نتواند میان امام و امت یا میان آحاد امت نفوذ کند.

سطح چهارم جامعه‌سازی راهبردی اتفاق بیفتد؛ جامعه‌سازی راهبردی این است که همه انتظار را به‌گونه‌ای بفهمند و تربیت‌شده باشند و به‌گونه‌ای محرک‌های انگیزشی و معرفتی اصلاح‌شده باشد که تکلیف انقلاب، نظام‌سازی، دولت‌سازی راهبردی، جامعه‌سازی راهبردی و نهایتاً تمدن‌سازی راهبردی را بر دوش خودشان احساس بکنند.

خب شما می‌بینید که در بیانیه گام دوم، مقام معظم رهبری از فردسازی شروع می‌کند به جامعه‌پردازی تا به تمدن‌نوین اسلامی می‌رسد. این تفسیر نظریه انتظار به‌عنوان نظریه نجات بشریت است. تمام تأکید مقام معظم رهبری این است که امت اسلامی، انتظار را به مفهوم آماده‌باش و در حال آماده‌باش بودن بدانند. انتظار، امید را در ما ایجاد می‌کند. می‌فرمایند انتظار یعنی امید، امید به چه چیزی، پیروزی اسلام بر همه مکاتب و ایسم‌ها، با طلوع خورشید عظمای ولایت، البته به شرط اینکه ما مسلمان‌ها اهل صبر و تقوا و اهل مقاومت و استقامت باشیم.

بنابراین ایشان یک نظریه دیگری هم دارند؛ به‌عنوان نظریه دولت مقاومت که ان‌شاءالله آن‌هم جای کار دارد و باید تبیین شود.

بازهم من تشکر می‌کنم از عزیزان متصدی این برنامه در مؤسسه وزین پژوهشی و فرهنگی انقلاب اسلامی، برای همه عزیزان از خداوند آرزوی توفیق می‌کنم. به شما عزیزانی که صحبت‌ها را استماع کردید. خدا قوت می‌گویم و آرزوی توفیق داریم. از خدای متعال می‌خواهیم به همه ما توفیق بدهد که انتظار را به مثابه یک تکلیف و راه نجات هم برای بشریت معرفی بکنیم و هم خودمان ان‌شاءالله عامل به این نظریه باشیم که عبارت است از فهم کامل اسلام معرفی، کامل اسلام و عمل کامل به اسلام.

*جناب آقای دکتر اسحاقی: سپاسگزار هستیم از آقای دکتر لکزایی بحث نظریه انتظار و نسبت آن را با انقلاب اسلامی را تبیین کردند. در خدمت دکتر اعتصامی هستیم.

الگوی معنویت در ساخت تمدن نوین اسلامی

*جناب آقای دکتر اعتصامی: بحث من درباره جایگاه یا الگوی معنویت در تمدن اسلامی است. از حدود ۱۰۰ یا ۱۵۰ سال پیش که جریان و دغدغه احیای تمدن اسلامی در جهان اسلام به تدریج شکل گرفت و نهضت‌هایی در این جهت اتفاق افتاد، با دیدگاه‌ها و گفتمان‌های مختلفی درباره جایگاه معنویت در تمدن نوین اسلامی با گرایش‌های مختلف و متنوع روبه‌رو بوده‌ایم. گاهی موضوع موجود تا اینجا پیش می‌رفت که در حقیقت یکی از

عوامل ناکارآمدی تمدن اسلامی در دوره‌های اخیر همین جنبه معنویت‌گرایی اسلامی است.

یعنی گفتمان معنویت‌گرایی خودش سبب شده که تمدن اسلامی شکل نگیرد یا به افول گرایش پیدا کند. تمدنی که به شکل نیمه‌کاره اتفاق افتاده بود و تا قرن‌های هفتم و هشتم ادامه داشت و افول آن را بعضی‌ها به رویکرد معنوی نسبت دادند که در تمدن اسلامی اتفاق افتاد.

یک جریان روشنفکری به این سمت رفت که به نقد جریان معنویت در دنیای اسلام پرداخت؛ حتی به برخی از گفتمان‌های موجود در جهان اسلام را نسبت داد که این‌ها عامل افول تمدن اسلامی بودند.

بنده می‌خواهم مقداری این موضوع را باز کنم و دیدگاه اصلی مکتب تشیع را تا آنجایی که فرصت است، توضیحاتی ارائه کنم. در میان روشنفکران این دو سه دهه اخیر در جهان اسلام و به خصوص در دنیای عرب شخصیت‌هایی پیدا شدند که به تشیع نسبت دادند که گفتمان تشیع یک گفتمان باطنی و معنوی است و این گفتمان باطنی و معنوی مانع از این است که بتواند جامعه را شکل دهد و جامعه‌پذیر باشد و تمدن و مدنیت ایجاد کند.

کتاب‌های این نویسندگان به فارسی هم ترجمه شده و در بازار این کتاب‌ها یافت می‌شود. بنده برای اینکه نمونه‌ای را عرض کنم، از بین این شخصیت‌ها، محمد عابد الجابری مراکشی را معرفی می‌کنم و بعضی از

جملات او را در این مورد ارائه می‌کنم و اینکه ایشان در این زمینه چه برخوردی با شیعه کرده‌اند.

ایشان کتابی دارند با عنوان «مدخل الی القرآن الکریم» که به فارسی هم ترجمه شده با عنوان رهیافتی به قرآن کریم، در این کتاب جملاتی در این زمینه وجود دارد. برخی از جملات را ایشان عرض می‌کنم. می‌گویند که هرگاه از گفتمان سنی معتزلی و اشعری و حنبلی درباره اثبات نبوت به فلسفه نبوت و ولایت آنچنان که شیعه و متصوفه مطرح می‌کنند، منتقل می‌شویم، در واقع از نظام معرفتی و بیانی که با ظاهر و نص دینی یعنی قرآن و حدیث تعامل دارد، به نظام معرفتی عرفانی منتقل می‌شویم!

یعنی وقتی که وارد گفتمان شیعی یا تصوف می‌شویم، از قرآن و متن قرآن فاصله می‌گیریم! ایشان معمولاً این کلمه تصوف را با شیعه همراه می‌کند و همراه هم می‌آورد.

می‌گویند که این یک نوع فاصله‌گیری است از خود رهیافت قرآن کریم به موضوع معنویت و باطن‌گرایی. ایشان در همین جا بیان می‌کنند که این انتقال ناشی از چه چیزی است؟

می‌گویند این انتقال ناشی از این است که اصولاً شیعه به سمت دیدگاهی رفته است که فلاسفه عرضه کرده‌اند. ایشان می‌گویند نظریه و ایده فیض و نظریه نبوت در فارابی که دیدگاه شیعه بیشتر گرایش به این افراد دارد، مربوط به خود دین اسلام نیست.

یک جمله دیگری هم باید عرض می‌کنم، ایشان می‌گویند که واقعیت این است که آنچه متصوفه را با شیعه دوازده امامی و اسماعیلی در یک‌جا جمع می‌کند که ما آن را زیرساخت بنیادین برای روبنای گفتمان باطنی ایشان می‌نامیم؛ یعنی اینکه سبب شده تصوف و شیعه دوازده امامی و اسماعیلی دارای یک اندیشه باشند و یک گفتمان معنوی داشته باشد، این است که آنان از منبع واحدی که همان فلسفه دینی هرمسی است، سیراب می‌شوند. مستحضر هستید که هرمس در نزد فلاسفه اولین فیلسوف است و در نزد حکمای اسلامی در حقیقت اولین نبی‌ای است که حکمت و فلسفه را بنا گذاشته است. گاهی هم گفته می‌شود که ایشان همان پیامبر ذکرشده در قرآن کریم، ادریس هستند و در واقع با او یکی دانسته‌اند.

و گفته‌شده که از نوادگان و فرزندان شیث نبی هستند که شیث نبی هم که از حضرت آدم سلام الله علیه می‌باشد و گفته‌اند که آن‌ها معتقدند که این هرمس و دیدگاه هرمسی که دیدگاه فلسفی است که بعد وارد یونان شده و یونانیان از آن استفاده کرده‌اند و سپس وارد غرب و مکتب اسکندریه شده و مسیحیت و یهودیت استفاده کرده‌اند، نهایتاً این تفکر وارد دنیای اسلام و شیعه شده و شیعه این تفکر را به جنبه‌های معنوی و باطنی دین باشد، نشر و گسترش داده است.

منظور آن‌ها در اینجا از باطنی‌گری یا معنویت‌گرایی همان چیزی است که ما با عنوان ولایت معنوی و بعد معنوی و باطنی عالم برای پیامبر و نبی و امام استفاده و اثبات می‌کنیم و معتقد می‌شویم که پیامبر و امام

شخصیت‌هایی دارای ابعاد باطنی و معنوی هستند و آن جریان‌هایی که ما در زیارت جامعه کبیره داریم و در برخی ادعیه دیگر برجسته شده و در خود قرآن کریم هم بیان شده است؛ ولی آن‌ها یعنی این قبیل روشنفکران معتقد هستند که این مربوط به دین اسلام نیست و یک برائتی است که وارد دین اسلام شده است!

خوب بنده در اینجا می‌خواهم با قرائنی عرض کنم که این دیدگاه، یک دیدگاه بسیار اشتباه نسبت به اسلام است و با بی انصافی تمام بیان شده است؛ یعنی دین اسلام گرچه یک دین اجتماعی است و کاملاً دنبال برقراری عدالت اجتماعی در جهان است و همه جنبه‌های سیاسی و اجتماعی زندگی بشر را در بر می‌گیرد، در عین حال این جنبه باطنی و معنوی هم در داخل خود دارد و از داخل همین دین اسلام و ادیان توحیدی گذشته بوده که این تفکر نشر پیدا کرده است.

این عزیزان، این بزرگواران روشنفکر، در جهان اسلام به دلیل اینکه نتوانسته‌اند میان ابعاد باطنی دین و ابعاد ظاهری دین جمع کنند، چه در موضوع هستی‌شناسی و چه در موضوع انسان‌شناسی و سپس تمدن‌سازی نتوانسته‌اند جمع کنند، فکر کرده‌اند که اگر جنبه‌های باطنی و معنوی دین را بگیرند. این تمدن‌سازی امکان‌پذیر است؛ به تعبیر دیگر در تفکر و اندیشه نوعی نزدیکی به تمدن غرب در حال شکل‌گیری است.

در حالی که اگر ما به خود قرآن کریم و بعد به روایات و سیره معصومین صلوات الله علیهم نگاه بکنیم، می‌بینیم که این جنبه‌های معنوی و باطنی در

دین به شدت رسوخ دارد و جنبه امتیاز این دین است که به این جنبه‌های باطنی توجه کرده است؛ حتی اگر اشکالی بر تمدن جدید غرب می‌گیریم، به دلیل دور شدن از همین جنبه باطنی است؛ یعنی جنبه‌های تخریبی تمدن غرب مربوط می‌شود به همین جنبه‌هایی که در شخصیت انسان و در جهان‌بینی تمدن جدید نادیده گرفته شده است.

برای نمونه در قرآن کریم ملاحظه می‌کنیم که ما با داستان‌هایی مواجه هستیم که دقیقاً متوجه همین مسائل باطنی است؛ مثل داستان حضرت موسی با حضرت خضر و آن بزرگی که حضرت موسی به نزد ایشان رسیدند و تقاضای تعلیم کرده است.

حضرت خضر در حقیقت تعلیم ایشان را بر عهده گرفت و آن جریان‌هایی که در این زمینه اتفاق افتاد. حتی می‌توانیم ردپای این معنویت عظیم را در برخی از موارد که به شدت جنبه اجتماعی داشته در صدر اسلام، ملاحظه بکنیم.

مثلاً با توجه به اینکه این ایام، ایام مربوط به ولادت حضرت فاطمه سلام‌الله علیها هم هست، بنده به نظر رسید که از یک شخصیتی که در اینجا در اوایل ظهور اسلام یعنی در سال دهم در برهه‌ای که به شدت جنبه اجتماعی داشته و اصلاً وارد یک مبارزه اجتماعی شده است، نام ببرم. وقتی بیانی عرضه می‌کند که جنبه‌های معنوی و باطنی دین آشکار است، معلوم می‌شود که چقدر این جنبه معنوی و باطنی در نزد تفکر دینی و اسلام اهمیت دارد. به تعبیری دیگر این جریان و دو نحله و دو گفتمان از همان ابتدای شروع

نهضت اسلامی شکل گرفته است. جریانی که نگاه ظاهری، سطحی و ابتدایی به دین داشته، نمی‌توانسته لایه‌های باطنی دین را درک کند. این جریان و گفتمان که لایه‌های باطنی و معنوی دین را درک کرده و به آن توجه کرده است و می‌بینیم که اهل بیت عصمت و طهارت صلوات الله علیهم مدافع این جریانی هستند که به باطن دین و جنبه‌های معنوی دین توجه دارند.

به‌طور مثال حضرت فاطمه زهرا سلام‌الله علیها یک خانم جوان در آن موقعیت و آن هم در حالی که برای احقاق حق خود آمده است، خطبه‌ای ایراد می‌کند که مفاهیم عمیق فلسفی و عرفانی را در آن بیان می‌کند و بعد به مفاهیم عمیق و بزرگ اجتماعی می‌پردازند؛ یعنی هر دو جنبه را ایشان در همین خطبه ارائه می‌کند.

که برخی از عبارات‌های آن را عرض می‌کنم. ایشان همان ابتدا می‌فرمایند که «وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، كَلِمَةً جَعَلَ الْأَخْلَاصَ تَأْوِيلَهَا، وَ ضَمَّنَ الْقُلُوبَ مَوْصُولَهَا، وَ أَنْارَ فِي التَّفَكُّرِ مَعْقُولَهَا، الْأُمْتِنِعُ عَنِ الْأَبْصَارِ رُؤْيَيْتَهُ، وَ مِنْ الْأَلْسِنِ صِفْتَهُ، وَ مِنْ الْأَوْهَامِ كَيْفِيَّتَهُ» انگار که ایشان در یک جلسه درس اعتقادی، تشریحی گفتند و برای مردم یک بحث اعتقادی و فلسفه عمیق را بیان می‌کنند. ترجمه نمی‌کنم برای اینکه زمان را از دست ندهیم. «أَبْتَدَعَ الْأَشْيَاءَ لِأَمِنْ شَيْءٍ كَانَ قَبْلَهَا، وَأَنْشَأَهَا بِإِلْحَادِ أَمْتَلَهُ أَمْتَلَهَا، كَوْنَهَا بِقُدْرَتِهِ وَ ذَرَأَهَا بِمَشِيَّتِهِ، مِنْ غَيْرِ حَاجَةٍ مِنْهُ إِلَى تَكْوِينِهَا، وَ لَا فَائِدَةَ لَهُ فِي تَصْوِيرِهَا، إِلَّا تَثْبِيثًا لِحِكْمَتِهِ وَ تَنْبِيهًا عَلَى طَاعَتِهِ، وَ إِظْهَارًا لِقُدْرَتِهِ وَ تَعْبُدًا

لِبَرِيَّتِهِ، وَاعْزَازاً لِدَعْوَتِهِ، ثُمَّ جَعَلَ الثَّوَابَ عَلَى طَاعَتِهِ، وَوَضَعَ الْعِقَابَ عَلَى مَعْصِيَتِهِ، ذِيادَةً لِعِبَادِهِ مِنْ نِعْمَتِهِ وَحَيَاشَةً لَهُمْ إِلَى جَنَّتِهِ».

از بعد اجتماعی هم شما می بینید که ایشان در این خطبه به شکلی بسیار عمیق ابعاد اجتماعی دین اسلام را هم باز کردند؛ «فَجَعَلَ اللَّهُ الْإِيمَانَ تَطْهِيراً لَكُمْ مِنَ الشِّرْكِ، وَالصَّلَاةَ تَنْزِيهاً لَكُمْ عَنِ الْكِبْرِ، وَالزَّكَاةَ تَزْكِيَةً لِلنَّفْسِ وَنِمَاءً فِي الرِّزْقِ، وَالصِّيَامَ تَثْبِيثاً لِلْإِخْلَاصِ، وَالْحَجَّ تَشْيِيداً لِلدِّينِ، وَالْعَدْلَ تَنْسِيقاً لِلْقُلُوبِ، وَطَاعَتَنَا نِظَاماً لِلْمِلَّةِ، وَامَانَتَنَا أَمَاناً لِلْفِرْقَةِ، وَالْجِهَادَ عِزّاً لِلْإِسْلَامِ، وَالصَّبْرَ مَعُونَةً عَلَى اسْتِجَابِ الْأَجْرِ. وَالْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ مَصْلِحَةً لِلْعَامَّةِ»

ملاحظه می فرمایید که با شواهد متعدد تفکر و گفتمان اصیل اسلامی گفتمانی بوده که معنویت همراه با جنبه های اجتماعی و تمدنی ظاهری را در داخل خود داشته است. باید بتوانیم با این گفتمانی که در دنیای عرب شکل گرفته که می خواهد جنبه های باطنی آن را بگیرد و به بیرون از دین نسبت دهد، روشنگری جدی و عمیق صورت بدهیم که ان شاء الله دین اسلام آن تمدنی باشد که مدنظر ما است و در اوج معنویت و کمال خود باشد.

نکته آخر اینکه اصولاً تمدن مطلوب و بدون عیب و متعالی بدون توجه به جنبه معنوی قابل دسترسی نیست؛ یعنی این طور نیست که بتوان تمدن مطلوبی را بنا کرد؛ مثلاً با عدالت اجتماعی و نهضت اجتماعی صرفاً به نتیجه مطلوبی رسد. نه. تمدن مطلوب آن است که بتواند جنبه معنوی انسان و جهان را مورد توجه قرار دهد و آن وقت می توان گفت که تمدن اسلامی شکل گرفته، به همین جهت ما ان شاء الله امیدوار هستیم که در ادامه این

مسیری که پیش می‌رویم، اولاً به جنبه تقویت معنوی گفتمان اسلامی کمک کنیم و ثانیاً بتوانیم در جهان اسلام نیز این موضوع را رشد بدهیم.

***جناب آقای دکتر اسحاقی:** بحثی را که آقای دکتر اعتصامی ارائه دادند، حمل بر ضرورت جنبه‌های معنویتی تمدن نوین اسلامی است که هم به جنبه‌های مادی و هم معنوی توجه دارند. اساساً اگر رشد و پیشرفت مادی باشد و بدون بعد معنویت انسان نمی‌شود گفت که تمدن نوین اسلامی است یا بر اساس مبانی دینی شکل گرفته است؛ حتی تقوا هم در مبانی دینی و قرآن شریف به عنوان مقدمه‌ای است برای تکامل و قرب الی الله، آنجایی که خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید «و تزودوا فان خیر الزاد التقوی» تقوا برای سفر انسان زاد و توشه است. از همان جایی که آمده است «انا لله و انا الیه راجعون» حالا چه برسد که بخواهیم پیشرفت‌های مادی در ابعاد اقتصاد، صنعت و شهرسازی و فناوری‌ها و علوم مختلف داشته باشیم.

مسئله همه این‌ها در یک جهت باید شکل بگیرد و آن هم «کلمه الله هی العلیا» است و تقوای الهی هم مقدمه‌ای برای آن است. بند اول اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی به خوبی این موضوع را روشن می‌کند که وظیفه دولت اسلامی عبارت است از: ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی مبتنی بر ایمان و تقوا و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی و در اصول قبلی قانون اساسی اشاره می‌شود؛ این مجموعه نظام که مجموعه فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، آموزشی، تربیتی در ابعاد مختلف که

در برمی‌گیرد، همه آن‌ها برای رشد و کمال انسانی است و حرکت به سمت پیشرفت الهی و تقرب الی الله است و آن وقت است که انسان، انسان کاملی می‌شود. انسان کامل جامعه را می‌سازد. انسان هم جامعه را می‌سازد و هم از جامعه تأثیر می‌پذیرد.

سؤالی را نوشته‌اند که حدومرز و چگونگی مادیات در رشد معنویت به چه طریق است؟ مثلاً تقوا، دوری و پرهیز از بسیاری از مادیات نهی شده است. در حقیقت می‌خواهند بفرمایند که مادیات و بعد مادی چگونه به رشد معنوی انسان کمک می‌کند؟ خوب اساتید حاضر، در حدی که مقدور است پاسخ‌های کوتاهی را ارائه بفرمایند.

سؤالشان این است که بالاخره مادیات هم لازم و ضروری است، تقوا آیا به معنای دوری و پرهیز از مادیات به صورت کل و قطعی است؟ یا اینکه مادیات رشد معنویت تأثیر دارد؟ آنجا که می‌فرمایند «الدنيا مزرعه الاخره»، جناب آقای دکتر لک‌زایی اگر پاسخی برای این سؤال به صورت کوتاه می‌توانید ارائه بفرمایید، خدمت شما هستیم.

***حجت الاسلام و المسلمین آقای دکتر لک‌زایی:** خیلی استفاده کردیم از فرمایشات جناب آقای دکتر اعتصامی تشکر می‌کنم. پرسش مهمی هست من عزیزان را ارجاع می‌دهم به آیه مبارکه شماره ۶۷ سوره مبارکه انفال، می‌فرماید که «ما كان الله لنبى ان يكون له اسرى حتى يثخن فى الارض» بعد این جمله را دارد که من در پاسخ به برادر عزیزمان جناب آقای ابراهیمی

عرض می‌کنم می‌فرماید: «تریدون عرض الدنيا والله يريد الاخره والله عزيز حكيم». شما انسان‌ها، البته اینجا مخاطب مومنان و کسانی که در جنگ بدر شرکت کردند؛ یعنی ماجرای جنگ بدر است. آنجا که کسانی در ضمن غوغای جنگ به این فکر بودند که اسیر بگیرند که بعداً این‌ها را معاوضه کنند و یک پولی به دست بیاورند. آیه شریفه این را هم مذمت می‌کند و می‌گوید وقتی شما با یک تعداد اندک حدود ۳۱۳ نفر در برابر دشمنی با حدود هزار نفر باید محکم به جنگ و جدال بچسبید، آنجا دیگر به فکر غنیمت و به فکر دنیا نباشید. به فکر انجام وظیفه و تکلیف باشید؛ ولی بالاخره انسان این‌طور آفریده شده است که وجه مادی هم در وجود او است؛ «تریدون عرض الدنيا» شما دنبال همین چیزهای مادی و متاع دنیا هستید؛ یعنی دنیا را تعبیر به متاع کرده است. «والله يريد الاخره» خدا آخرت را می‌خواهد.

خب پاسخ چیست؟ اگر میان تکلیف الهی با خواسته‌های مادی تزاخمی شکل بگیرد، حکم اسلام آن تربیت راهبردی است که عرض کردم، این است که می‌فرماید شما باید تکلیف را مقدم بر خواسته نفسانی خود کنید. در بحث انتظار هم مستحضر هستید که یک حالت ناخشنودی از وضع موجود نهفته است. مهم‌ترین مشکل وضع موجود چیست؟ همین تقدیم دنیا بر آخرت است. الآن چرا وضعیت مسلمان‌ها این شده است؟ آن آیه شریفه سوره مبارکه صف را که خواندم. لم تقولون ما لا تفعلون همین است.

یعنی نزدیک ۲ میلیارد مسلمان، الآن این‌ها چقدر واقعاً با پیمانی که با خداوند متعال بستند که ما قرار است به قرآن به‌عنوان نقشه زندگی عمل کنیم.

چقدر عمل می‌کنند؟ لذا بحث این نیست که شما از متاع دنیا استفاده نکنید چرا؟

خدا که این‌ها را برای ما آفریده و می‌گوید: خلق لکم. خدای متعال هم که نعوذبالله بخیل نیست؛ اما مسئله این است که ارزش‌های الهی را نباید جلوی پای ارزش‌های مادی قربانی بکنید. اگر میان این دو تعارضی و تراحمی پیش آمد، به صورت راهبردی حق تقدم از آن ارزش‌های الهی هست. این «تریدون عرض الدنيا والله یرید الاخره» اینجا باید جلوی چشم ما باشد دو تا راهبرد است؛ راهبرد دنیاگرایی یا آخرت‌گرایی. «... الدنيا متجر اولیاءالله» رفتار ما، کردار ما و عمل ما باید به‌گونه‌ای باشد که بقای اخروی ما و انجام تکلیف ما به خطر نیفتد؛ لذا اگر این مفهوم را در انتظار مدنظر قرار بدهیم که در انتظار یک نوع اعتراض به وضع موجود دنیا هست، آن اعتراض لبش به همین مسئله برمی‌گردد که ما نباید دنیاگرایی را مقدمه بر آخرت‌گرایی کنیم. باید آخرت‌گرایی را مقدم بر دنیاگرایی بکنیم. وگرنه در این صورت دنیا می‌شود متجر اولیاء.

*جناب آقای دکتر اسحاقی: در حقیقت مادیت و دنیا باید در مسیر هدف اصلی که تکامل انسانی است یا به عبارتی یا «والاخره خیر و ابقی»

مورد استفاده و بهره‌برداری قرار بگیرد و خداوند تبارک و تعالی دنیا را برای کشف و استخراج و استفاده انسان قرار داده است؛ ولی نباید منجر به این بشود که انسان در همین دنیا که یک مسیر است، متوقف بماند و میزان استفاده و نحوه استفاده هم در مبانی دینی مشخص شده است که باید این ثروت و این امکانات در اختیار همه انسان‌ها قرار بگیرد که خودش رشد معنوی انسان را شکل می‌دهند. در حقیقت آنچه را که زهد اسلامی است. امام علی علیه‌السلام وقتی می‌خواهند نشان بدهد که تولید در حد اعلا و مصرف در حد نیاز هست و سرجمع و سرریز آنچه را که تولید شده است، برای مصرف عمومی ارائه می‌کند.

سؤالی را نوشتند: سؤالشان این است که در این چهل سال طرح معنویت‌افزایی آیا در ابعاد حاکمیتی به نحو نظام‌مند پیش‌بینی شده و پیش رفته است یا نه؟ به‌طور خاص در نظام تعلیم و تربیت این فرآیند چگونه پیگیری می‌شود؟ اصلاً آیا ایده‌ای وجود دارد؟ به نظر می‌رسد که تنها وضع و توصیه و در نهایت اقدامات فرهنگی رویدادمحور بسنده شده و الگویی برای تربیت پیگیری نمی‌شود. آقای دکتر در خدمت شما هستیم در مورد این سؤال هم بفرمائید.

***جناب آقای دکتر اعتصامی:** عرض کنم خدمت شما که در این موضوع حقیقتاً ما با چالش‌های زیادی روبه‌رو هستیم؛ ولی نه به این شکلی که فرمودند... به‌خصوص در مورد نظام تعلیم و تربیت گفتند که نظام تعلیم و

تربیت احتمالاً منظورشان آموزش و پرورش باشد، ما دارای اسناد حاکمیتی خوبی در این زمینه هستیم. حالا هم در آموزش و پرورش و هم که حالا در تحت عنوان مثلاً سند تحول در نظام آموزش و پرورش به تصویب رسید که مورد تأیید حضرت آقا هم واقع شده و در مورد اجرای توصیه‌های متعدد هم دارند و البته نسبت به کندی کار هم ایشان گله‌های فراوانی کرده‌اند که چرا کار درباره این سند به کندی پیش می‌رود.

همچنین اسنادی شبیه این که ما در ستاد انقلاب فرهنگی داریم و نهادهایی از این قبیل که نهادهای حاکمیتی هستند، در این زمینه اقداماتی کرده‌اند؛ ولی خوب البته ما با فراز و نشیب‌های متعددی در این زمینه روبه‌رو هستیم؛ به خصوص که رویکرد کلی جهانی علیه این موضوع است؛ یعنی این فضای مجازی و امکانات دیگری که در این زمینه هست که در اختیار مستکبرین عالم قرار دارد، علیه این جریان اخلاقی و معنوی اقدامات فراوانی و متعدد انجام می‌دهند و جامعه ما هم با فراز و نشیب‌ها و چالش‌های متعددی روبه‌رو است و البته افرادی هم که مسئولین هستند و در رده‌های مختلف مسئولیت هستند، گاهی نسبت به این جریان معنویت و هم در شخص خود آن‌ها و هم تجلی آن در شخص خود آن‌ها وهم اینکه چقدر پای کار باشند، برای اینکه معنویت جامعه را افزایش بدهند، ما با چالش‌هایی روبه‌رو هستیم؛ ولی الحمدلله همین که ما می‌بینیم استکبار با تمام قدرت و امکانات می‌خواهد با این موضوع مبارزه کند، معلوم است که ما در موقعیت قوی

قرار داریم که این همه امکانات را برای حذف معنویت در جامعه ما تجهیز کرده است.

***جناب آقای دکتر اسحاقی:** جناب آقای دکتر اشاره کردند به سند تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش، این یک سند راهبردی است و یک ابتدا و انتهای دارد. انتهای آن هم هدف‌گذاری در حیات طیبه قرار گرفته است؛ البته می‌دانید که نظام تعلیم و تربیتی که شما اشاره کرده‌اید. فقط نظام تعلیم و تربیت رسمی نیست، نظام تعلیم و تربیت غیررسمی هم هست؛ ولی مجموعه نظام فرهنگی اجتماعی و سیاسی و همه آن‌ها باید بر مدار معنویت اسلامی قرار بگیرد.

اصل چهارم قانون اساسی اشاره می‌کند کلیه قوانین و مقررات باید در چهارچوب احکام اسلامی باشد. خوب احکام اسلامی برای چیست برای ارتقای انسان برای رشد معنویت انسان و تقرب الهی است.

تکالیف به معنای تکلیف و سختی نیست؛ بلکه شرافت و تشریف انسان است. وقتی که انسان احکام الهی را عمل می‌کند، در حقیقت خود را به خداوند تبارک و تعالی نزدیک می‌کند که مبدأ هستی است مبدأ پاکی‌ها رشد و کمال است. این سند البته الزاماتی دارد. در ابعاد مختلف آن باید در نظام تعلیم و تربیت رسمی ما به اجرا درآید و اشاره کردند که آقای دکتر مسائل و مشکلاتی هم وجود دارد تا کل نظام تعلیم و تربیت ما، نظام اقتصاد ما، نظام بانک ما، نظام سیاست و سیاسی ما، همه آن‌ها باید خودشان را

وظیفه‌مند بدانند برای رشد و ارتقای جامعه، همان بند یک اصل سوم را دوباره عرض می‌کنم که دولت به معنای مجموعه نظام سیاسی وظیفه دارند که محیط مساعدی را برای رشد فضائل اخلاقی ایجاد کنند و با کلیه مظاهر فساد و تباهی مبارزه کنند.

آقای دکتر لکزایی هم خواهش می‌کنیم در رابطه با این سؤال و همچنین سؤالی که نوشتند که بیشتر آن جنبه تشکیلاتی و نظام‌مند را اشاره می‌کند، در حقیقت به بیانات شما هم بود که همان بحث شبکه ولایت شاید به نحوی مربوط به این نکته هم باشد.

***حجت الاسلام والمسلمین آقای دکتر لکزایی:** خیلی ممنون و متشکرم. انصافاً باید تشکر کنیم از این پرسش‌های بسیار خوبی که دوستان مطرح می‌کنند، واقعاً پرسش‌های راهبردی هست و ارزش این را دارد که ما وقت بیشتری را روی این پرسش‌ها بگذاریم. من از منظر انتظار به این بحث نگاه کنم که البته با رویکرد مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله‌العظمی امام خامنه‌ای مدظله‌العالی، ببینید انتظار در سازه مفهومی اول بحث اعتراض به وضع موجود دنیا است؛ وقتی ما از وضع موجود خوشمان نمی‌آید، دنبال وضع مطلوب باید باشیم. وضع مطلوب را دین برای ما تعریف کرده، باید آمادگی لازم را کسب کنیم.

پس مرحله اول ناخشنودی از وضع موجود. مرحله دوم تعریف به آن وضع مطلوب و مقدور و آرمانی که بحث جامعه جهانی به رهبری حضرت حجت آرمان ما می‌شود.

آمادگی می‌شود یک مرحله و بعد از آمادگی جایگاه مردم مطرح می‌شود. این از مباحث بسیار مهم در نظریه انتظار حضرت آقا است که جا دارد که روی این ما بیشتر کارکنیم؛ چون گاهی عجیب است که با همه این مباحثی که حضرت آقا دارند، افرادی می‌آیند و می‌گویند که حکومت اسلامی نسبت به مردم بی‌توجه است. جمهوری اسلامی بی‌توجه است. فرمایش حضرت آقا این است که انتظار یعنی همان مردم‌سالاری اساساً مسیر انتظار، نظریه انتظار و دکرین انتظار مسیری هست که می‌خواهد بگوید که حتی حکومت معصوم هم با حضور و مشارکت و آمادگی مردم اتفاق می‌افتد. مردم باید از وضع موجود دنیا ناراضی باشند، مردم باید با وضع مطلوب آشنا شوند، باید برای ظهور آماده شوند، مردم باید تکلیف خود را بدانند و به تکلیف خود عمل کنند

تعبیری حضرت آقا دارند که امام زمان قرار نیست که خودش به تنهایی بیاید و اصلاحات را انجام بدهد! امام زمان قرار است که بیاید و با همکاری مردم، از طریق مردم، با مشارکت مردم، این اصلاحات را انجام بدهد. عدل امام زمان عدالتی است که باید توسط خود مردم به اجرا دربیاید. این برای ما در فرهنگ قرآن خیلی آشنا هست. همان «لیقوم الناس بالقسط» این است.

می‌گوید انبیا آمدند مردم را تزکیه کنند، تعلیم بدهد؛ یعنی دو راهکار مهم هست

اصلاح انگیزه‌ها، اصلاح اندیشه‌ها تا خود مردم اقدام کنند این از مسیر مردم‌سالاری اسلامی می‌گذرد و شبکه آن چیست؟ زمان و مکان هم که از بحث قبلی سؤال کردند.

ببینید اجازه بدهید کد بدهم که مطالعه کنید در کتاب طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن کریم آنجا به آیات پایانی سوره مبارکه انفال مقام معظم رهبری اشاره کردند که این آیات همین راهکار راهبردی و شبکه ارتباطی را می‌گوید. شبکه، شبکه امام و امت است. شبکه ولایت است که در عرایض قبلی هم من اشاره کردم. زمان و مکان هم آنجا توسط امام تعیین می‌شود. امام هست که رهبری و مدیریت می‌کند و تکالیف هر گروهی را مشخص می‌کند و رهبر جامعه اسلامی است که این کار را انجام می‌دهد. اینکه ما الآن چقدر این مسیر را جلو آمدیم؟ به سطح کلان که نگاه می‌کنیم در حال جلو رفتن هستیم. این بحث سال ۴۳ گفتم به لحاظ شبکه ولایت، ببینید در سال ۴۳ وضعیت ما چگونه بود؟ امام از ایران تبعید شد و اتفاق خیلی مهمی هم نیفتاد؛ ولی سال ۵۷ این شبکه گسترش پیدا کرد چگونه گسترش پیدا کرد. علامت آن چه بود؟ علامت آن حضور مردم در صحنه که باعث می‌شود که طاغوت از ایران فرار کند و امام برگردد. این علامت مردم‌سالار بودن، بحث انتظار است. علامت مردم‌سالاری در اسلام هست. الآن چطور؟ ما می‌بینیم که شبکه ولایت در سطح منطقه گسترش پیدا کرده که در جریان

مقاومت خیلی روشن است، شما ببینید شهید سلیمانی عزیز گسترش و تعمیق ولایت را چگونه انجام داده با معنویت انجام داده یا با مادیت؟ با معنویت انجام داده است. معنویت یعنی چه؟ حضرت آقا فرمودند که این تعبیر ایشان این است که معنویت رابطه و اتصال قلبی ما با خدا است؛ یعنی نقطه شروع معنویت اتصال قلبی آحاد ما با خدای متعال است. وقتی با خدا متصل شدیم، به کسی که خدا گفته دستوراتش را اطاعت بکنید، هم متصل می شوید. این همان شبکه ولایت می شود.

و هم ولایت و هم ولایت است. ما هم اطاعت می کنیم، هم محبت داریم. این اطاعت و محبت درجات دارد که من از آن به عمق بخشیدن به ولایت تعبیر می کنم، من بحث دولت سازی را در اندیشه مقام معظم رهبری به عمق بخشیدن به شبکه ولایت معنا می کنم. ما الآن دولت داریم؛ ولی جامعه هم داریم.

الآن خلأ ما در چیست؟ باید راهبرد ما جامعه سازی و دولت سازی با تعمیق شبکه ولایت باشد. تعمیق شبکه ولایت اگر اتفاق بیفتد، چه اتفاقی می افتد؟ همان ۷ توصیه ای که در پایان بیانیه گام آمده است اتفاق می افتد.

علم و پژوهش است که به ما راهکارها را می گوید. معنویت و تهذیب هست که به ما این اتصال قلبی را برقرار می کند و تقویت می کند که حضرت آقا فرمودند که باید این تقویت شود تا به حد جذب برسد؛ یعنی ما مجذوب خدا بشویم. این تعبیر حضرت آقا است.

اگر مجذوب خدا شدیم، این یعنی درجات معنویت را ارتقا دادیم. دشمن نمی‌تواند در رابطه با ولایت و شبکه ولایت نفوذ کند. بین مردم که امت شده‌اند با امام نمی‌تواند فاصله بیندازد؛ چون اصل ولایت هم این است که دو چیز به‌گونه‌ای به هم چسبیده باشند که هیچ فاصله‌ای بین آن‌ها نباشد. کسی نتواند بین آن‌ها فاصله ایجاد کند.

ولایت خط عمقی تاریخی هم دارد، ولایت ما را با تمام اوصیا و انبیا الهی پیوند می‌دهد؛ یعنی از آدم تا خاتم ائمه و حضرت حجت ارواحنا فداه و فقیه جامع‌الشرایط زنده که جامعه را رهبری می‌کند.

بنابراین راهبرد اصلی چه در دولت‌سازی، چه در جامعه‌سازی، چه در نظام‌سازی ولایت است. باید این را عمق ببخشیم و در تمام سبک زندگی ما جاری شود. در بحث استقلال، آزادی، در اقتصاد مقاومتی جاری و عملیاتی شود.

این‌ها راهکارهایی است که بیان شده، شناخت دشمن در آن اتفاق افتاده است. هم ولایت هست هم تولی هست و هم تبری هست. مرزبندی با دشمن اتفاق می‌افتد که این آیات را اگر ملاحظه بفرمائید. من فقط آیه آن را می‌خوانم. شما ببینید آیات ۷۲ تا پایان سوره مبارکه ۷۵ می‌فرماید؛

«ان الذین امنو و هاجروا و جاهدوا»، ایمان، هجرت، جهاد «باموالهم و انفسهم فی سبیل الله»، سبیل الله که همان معنویت است «و الذین ءاواو و نصروا» ... مهاجران و انصار آن‌هایی که پناه دادند به مهاجران از مکه به مدینه و نصروا انصار شدند نصرت کردند، «اولئک بعضهم اولیاء بعض» اینجا

شبکه ولایت بین اعضای امت اتفاق افتاده است. «والذین ءامنوا و لم یهاجروا ما لکم من ولیتهم من شیء حتی یهاجروا» اما یک عده دیگر مسلمان بودند، در مکه ماندند، دستور هجرت را گوش نکردند. با آن‌ها شبکه ولایت ندارید. با آن‌ها ارتباط بر اساس ولایت ندارید؛ مگر اینکه مهاجرت کنند تا زمانی که مهاجرت کنند «و ان استنصروکم فی الدین فعلیکم النصر الا علی قوم بینکم و بینهم میثق والله بما تعملون بصیر».

یعنی این شبکه ولایت در میان کفار نیز هست. آن‌ها هم تشکیلات دارند، شما هم باید تشکیلات خودتان را داشته باشید.

اینجا یک عبارتی هست که بسیار مهم است ما که اگر ما به این تشکیلات ولایی نرسیم، چه اتفاق می‌افتاد. می‌فرماید که این آیه را حضرت آقا خیلی به کرات استناد کرده‌اند.

«الا تفعلوه فتنه فی الارض و فساد کبیر» یعنی اگر شما این شبکه ولایت را مبتنی بر معنویت و توحید و رهبری الهی را متحقق نکنید. دستورات رهبر را گوش ندهید. فتنه فی الارض چیست؟ جامعه دین دچار هرج و مرج می‌شود هرکسی هر کاری دلش که می‌خواهد می‌کند هرج و مرج می‌شود و فتنه می‌شود. کشت و کشتار می‌شود. ناامنی می‌شود دشمن شمارا از پا درمی‌آورد. ببینید همین اتفاقی که الآن در سرزمین‌های اشغالی ببینید. بعد از جنگ جهانی دوم تا الآن اتفاق افتاده، همین‌که در کشورهای اسلامی اشغال شده کفار هر کاری را که می‌خواهند انجام می‌دهد، این فتنه است.

و فساد کبیر، وقتی شما نتوانید امنیت مردم را تأمین کنید، فساد کبیر اتفاق می‌افتد. فرمودند فساد کبیر یعنی خروج از دین؛ یعنی دیگران می‌گویند که ما مسلمان شویم، باید جان خود را از دست بدهیم و امنیت نداریم و آرامش نداریم. فساد کبیر اتفاق می‌افتد؛ بنابراین شبکه ولایت باعث عزت اسلام مسلمان‌ها هست که در فرمایش امام رضا علیه‌السلام آمده است؛ لذا راهبرد اصلی تعمیق شبکه ولایت است. ولایت امت با امام و پیوند خود امت با همدیگر که ید واحده باشیم «واعتصموا بحبل الله ولا تفرقوا».

✽ **جناب آقای دکتر اسحاقی:** این آیه شریفه را من به عنوان حسن ختام یاد کنم که در ابتدای انقلاب خیلی قرائت می‌شد و گفته و تبیین می‌شد. آن هم آیه شریفه است که می‌فرماید: «ان الله لا یغیرما بالقوم حتی ینفسهم»؛ یعنی این‌طور نیست که خداوند بخواهد همین‌طور تغییر در مورد مردم ایجاد کند. آیات متعددی است که می‌فرماید اگر خداوند می‌خواست مردم را مؤمن بیافریند، این کار را انجام می‌داد؛ ولی باید در یک مسیر طبیعی به رشد و تعالی برسند.

نظام اسلامی و حکومت اسلامی و پیامبران از همین شبکه شروع می‌کنند به همین ترتیب سعی می‌کنند مردم را به وجود تغییر در رفتار آگاهی ببخشند، در نگرش و گرایش‌های خودشان آشنا بکنند تا به صورت طبیعی هدایت اتفاق بیفتد که یک امر طبیعی تدریجی است؛ چه هدایت در بعد فردی و چه در بعد جمعی؛ بنابراین حتماً باید این مسیر ادامه پیدا کند. آن

چیزی را که رهبری معظم انقلاب در ابتدای بیانیه گام دوم اشاره کردند، مسیر خودسازی فردی، خودسازی، جامعه‌پردازی، تمدن‌سازی، این مسیر حتماً باید با نظم و نظام‌مند و هدفمند و روشمند و داشتن برنامه و تشکیلات چشم‌انداز و اسناد راهبردی و تمام آنچه که لازم است این مسیر طی شود، از یک طرف و همچنین شناخت نقشه‌ها و توطئه‌های دشمنان که به نحو پیوسته و مدام در خصوص عقاید رهزنی می‌کنند؛ در خصوص راهکارهایی که در جلوی جوانان به عنوان معنویت‌غیردینی قرار می‌دهند، همه این‌ها در این عرصه قابل‌تحلیل و بررسی است.

۷. چگونگی، الزامات، موانع و چالش های تحقق تمدن نوین اسلامی

رهبر معظم انقلاب: «امروز نوبت ما است، امروز نوبت اسلام است. وَ تِلْكَ الْأَيَّامُ نَدَاوُلُهَا بَيْنَ النَّاسِ؛ امروز نوبت مسلمین است که با همت خود، تمدن نوین اسلامی را شالوده ریزی کنند. همچنان که اروپایی ها آن روز از دانش مسلمین استفاده کردند، از تجربه‌ی مسلمین استفاده کردند، از فلسفه‌ی مسلمین استفاده کردند، ما [هم] امروز از دانش جهان استفاده می‌کنیم، از ابزارهای موجود جهانی استفاده می‌کنیم برای برپا کردن تمدن اسلامی، منتها با روح اسلامی و با روح معنویت. این وظیفه‌ی امروز ما است.»

«این عمدتاً خطاب به علمای دین و روشنفکران راستین است. بنده دیگر چندان امیدی به سیاستمدارها ندارم. قبل‌ها تصوّر می‌شد که سیاستمداران دنیای اسلام در این راه بتوانند کمک کنند، [اما] متأسفانه این امید ضعیف شده است. امروز امید ما به علمای دین در سراسر دنیای اسلام و به روشنفکران راستین [است] که غرب را قبله‌ی خودشان ندانند؛ امید به آنها است و این ممکن است. نگویند این کار، شدنی نیست؛ این کار شدنی است، این کار عملی است. دنیای اسلام ابزارهای فراوانی دارد: ما جمعیت خوبی داریم، سرزمین‌های خوبی داریم، موقعیت جغرافیایی برجسته‌ای داریم، منابع طبیعی بسیاری در دنیای اسلام داریم. نیروهای انسانی با استعداد و برجسته‌ای در دنیای اسلام داریم که اگر اینها را با تعالیم اسلام مستقل

بار بیاوریم، می‌توانند آفرینش‌های هنرمندانه‌ی خودشان را در عرصه‌ی علم، در عرصه‌ی سیاست، در عرصه‌ی فناوری و در عرصه‌های گوناگون اجتماعی نشان بدهند و ارائه بدهند».

✽ جناب آقای دکتر اسحاقی: در این نشست، در خدمت صاحب‌نظران، خبرگان و نخبگان اندیشه‌ورز جامعه اسلامی، با پرداختن به موضوعات مهمی که انقلاب اسلامی افق آن را بر روی نه تنها جامعه ایران بلکه بشریت باز کرده است، هستیم. پیام انقلاب اسلامی ایران یک پیام جهانی است و بر دل‌ها می‌نشیند، چراکه از احکام غنی اسلام و معارف دینی ریشه گرفته است. دینی که خداوند آفرید با فطرت او سازگار است؛ فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ. بنابراین، نسخه‌هایی که دین می‌پیچید، آن هم دین صحیح و قیم می‌تواند نجات‌بخش بشر باشد.

آنچه بر بشر در این سده‌ها و هزاره‌ها گذشت، مصیبت‌هایی می‌باشد که به خاطر دوری انسان از مبدا آفرینش ایجاد شده است. در حقیقت انسان تلاش کرده است با راه‌هایی به غیر از راه، اندیشه الهی و آسمانی، مسیر خودش را طی کنند. لذا راه زمین و آسمان قطع شد و جاهلیت مدرن مجدداً بر جوامع انسانی حاکم شد. آنچه را که فرشتگان در هنگام خلقت انسان و هبوط حضرت آدم هشدار می‌دادند أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ؛ اتفاق افتاد. آن هم به خاطر دوری‌ای بود که از مبدا آفرینش صورت گرفت.

تمدن‌های مادی یکسره انسان را به انحراف کشاندند و فکر، روح، اندیشه و معنویت را به نحوه دیگری تعریف کردند. بعضی از مکاتب اساس واقعیت‌ها را انکار کردند؛ یعنی حقیقت روح، جان انسانی و معنویت او را یک امر غیر واقعی و توهمی قلمداد کردند. مکاتبی به وجود آمدند و در این مسیر انسان‌هایی هم پیرو این دیدگاه‌ها شده و به انحراف عقیده و اخلاق کشیده شدند. بعضی از آنها به ماتریالیسم، کاپیتالیسم و انواع ایسم‌هایی که در قرن ۱۹ و ۲۰ به وجود آمدند، روی آوردند. با این حال کماکان انسان سرگشته به دنبال راه‌حل‌ها، نسخه‌ها و فرمول‌های نجات‌بخش می‌گردد. تا وقتی که این باور، معرفت و این حقیقت بر جوامع انسانی آشکار نشود، آن مدد و نجات الهی - هرچند در مسیر است و انسان اراده کند می‌تواند به آنها دست پیدا کند - نمی‌تواند نجات‌بخش وی باشد.

در این اوضاع و احوال جهانی که همه ناامید از نسخه‌های نجات‌بخش هستند، انقلاب اسلامی ایران به رهبری آزاده مردی از تبار پیامبران، انقلابی را بر مبنای، اهداف و روش‌های دینی استوار کرد. در ادامه و بعد از امام خمینی^(ره) که حق حیات بر همه جوامع انسانی و به ویژه ما دارد، رهبری معظم انقلاب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای سکان‌داری هدایت جوامع مسلمین را که بر عهده می‌گیرند، ایده تمدن نوین اسلامی را بیان می‌کنند. حداقل در سه دهه اخیر یعنی از دهه ۸۰، می‌توان ارکان یک تمدن نوین اسلامی را در ابعاد نرم افزاری و سخت افزاری در بیانات، سیره و عملکرد ایشان مشاهده کرد.

حضرت آقا به طور روشن به موضوع تمدن نوین اسلامی با تأکید به آیه وَ تِلْكَ الْآيَاتُ نُّدَوِّلُهَا بَيْنَ النَّاسِ، اشاره دارند. آنجایی که جوامع انسانی و اسلامی اَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ را قبول و باور کنند. جوامع اسلامی در صورتی که به ایمان مبتنی بر قرآن و سنت اهل بیت (علیهم السلام) وفادار و عامل باشند، الْأَعْلَوْنَ شکل می‌گیرد. العلم سلطان، برتری مؤمنان و لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ، همه از نشانه‌های برتری مبتنی بر ایمان و تقوا و نه استیلا روی زمین و گردن‌کشی علیه مستضعفان است.

در این جلسه ایده تمدن نوین اسلامی با حضور صاحب‌نظران این عرصه مورد بررسی قرار می‌گیرد. رهبری معظم انقلاب در بیانیه گام دوم سه مرحله را قبل از ظهور تبیین می‌کنند. این هرچند یک مسیر طولانی است اما افق روشن و امیدوار کننده‌ای دارد. این سه مرحله شامل خودسازی، جامعه پردازی و سپس تمدن سازی می‌شود. رهبری معظم انقلاب در یک پنج‌گانه دیگری به حرکت از یک مسیر انقلاب، نظام، دولت و جامعه اسلامی به تمدن نوین اسلامی اشاره می‌کنند. حداقل سه دهه، کار نرم افزاری و سخت افزاری از سوی حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای صورت گرفته است. البته این اندیشه‌ها را می‌توان به صورت ریشه‌ای‌تر در مجموعه منظومه فکری ایشان و حتی قبل از انقلاب هم مشاهده کرد، ولی نمونه‌های فراوانی از بیانات رهبری معظم انقلاب در سه دهه اخیر در مورد تمدن نوین اسلامی وجود دارد.

در بیاناتی هم که از حضرت آقا پخش شد و همچنین مجموعه‌ای از بیاناتی که در حوزه تمدن اسلامی بیان کردند، اضلاع و ابعاد این تمدن و تفاوت آن با تمدن اسلامی قرن سوم، چهارم و پنجم هجری و همچنین تمدن غرب که بعد از رنسانس و در سده‌ها اخیر به عنوان تمدن غالب خودش را با همان روح مادی که بر بشر دیکته کرد، سیطره یافت و انواع کشت و کشتار و فساد اخلاق و عقیده را به دنبال داشته است، به خوبی مطرح کردند. هرچند پیشرفت‌های خیره‌کننده علم و فناوری بشر و انسان غربی، در طول زمان توانسته است پیشرفت‌های فوق‌العاده‌ای را نصیب انسان کند، ولی وجه ملکوتی و نرم‌افزاری آن به شدت ضعیف و فاسد است.

انقلاب اسلامی در سال ۵۷ شکل گرفت، نظام‌سازی، دولت اسلامی و مسیری که (این انقلاب) طی خواهد کرد، مسیری امیدبخش و معنا بخش است. دو بعد تمدن یعنی فرهنگ و تمدن می‌تواند انسان را از باب ملک و ملکوت پیش ببرد. به طوری که می‌تواند هم به نیازهای مادی و دنیایی و هم بعد معنوی و روحانی او پاسخ دهد. معنویت، عدالت، عقلانیت، ایمان، اخلاق، علم و معرفت، یک مجموعه‌ای است که هم نگاهی به دنیا و هم نگاهی به آخرت دارد و می‌خواهد انسان را به سر منزل مقصود برساند. همه اینها طلیعه‌ای برای ظهور انسان کامل حضرت حجت ولی عصر است. در این نشست ایام‌الله دهه فجر، در خدمت اساتید محترم هستیم. حضرت حجت‌الاسلام و مسلمین جناب آقای ذو علم، رئیس اندیشگاه بیانیه گام دوم و عضو هیئت‌علمی دانشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی که موضوع

جایگاه دولت اسلامی در تمدن‌سازی نوین اسلامی را اشاره خواهند کرد. پس از آن جناب حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای دکتر پیروزمند عضو هیئت‌علمی و قائم مقام فرهنگستان علوم اسلامی، به الزامات تحقق تمدن نوین اسلامی خواهند پرداخت. در نهایت جناب آقای دکتر محمدرحیم عیوضی عضو هیئت‌علمی دانشگاه شاهد و سردبیر فصلنامه مطالعات راهبردی تمدن نوین اسلامی، ضرورت امکان و مطلوبیت مسئله شناسی تمدن نوین اسلامی با رویکرد آینده‌پژوهی را ارائه خواهند کرد. در همین فرصت در خدمت جناب حجت‌الاسلام والمسلمین حاج‌آقای ذو علم با موضوع جایگاه دولت اسلامی در تمدن‌سازی نوین اسلامی هستیم.

جایگاه دولت اسلامی در تمدن‌سازی نوین اسلامی

حجت‌الاسلام و المسلمین آقای ذو علم: بحث تمدن نوین اسلامی به عنوان چشم‌انداز پیشرفت انقلاب اسلامی و آرمان انقلاب اسلامی بحث بسیار مهمی است. اگرچه بیش از یک دهه، این بحث به صراحت مطرح شده است و در دیدگاه‌های حضرت امام^(ره) هم بحث جهانی بودن و افق جهانی نسبت به آرمان‌های اسلامی وجود دارد و حضرت امام به بیان‌های دیگری فراگیری انقلاب اسلامی، صدور انقلاب اسلامی، نجات همه ملت‌ها از استکبار و نظام سلطه را دائماً مطرح کردند، ولی این بحث در مسیر تکامل و باروری خودش به نقطه‌ای رسیده است که امروز جمهوری اسلامی در آن قرار دارد. لذا در مورد امکان آن در درجه اول و لوازم و اقتضائات

آن در درجه دوم و همچنین تلاش‌های عملی که نخبگان جهان اسلام و بشری باید انجام بدهند، باید بیشتر در مورد آنها صحبت شود.

بر اساس چارچوب موضوعی‌ای که دوستان پیش‌بینی کردند، عرایضم را ارائه می‌کنم. نکته اول این است که بحث جامعه پردازی بعد از خودسازی و قبل از تمدن سازی در بیانیه گام دوم وجود دارد. جامعه پردازی با بحث نظام سازی، شکل‌گیری دولت و جامعه اسلامی مرتبط است و این پردازش یا به تعبیر **d** جامعه پردازی، یک فرایندی را نشان می‌دهد که در درجه اول نفی طاغوت و برداشتن موانع، در درجه دوم بحث چارچوب سازی و نظام سازی، در درجه سوم بحث دست‌یابی به دولت اسلامی و در درجه چهارم بحث جامعه اسلامی را شامل می‌شود. این چهار مرحله که در بیانات حضرت آقا مطرح می‌شود، مجموعاً به جامعه پردازی اشاره دارد.

نکته دوم آن است که برای دست‌یابی به تمدن نوین اسلامی در جوامع اسلامی و بر اساس اقتضای همان جامعه، این چهار قدم باید برداشته شود. یعنی در درجه اول باید موانع استقرار ارزش‌ها و چارچوب‌های اسلامی برداشته شود، در ایران، انقلاب اسلامی همین کار را انجام داد و نفی طاغوت در ۲۲ بهمن سال ۵۷، -۴۲ سال قبل- این تحقق پیدا کرد. بعد از آن نظام سازی انجام گرفت که این هم باید متناسب با اقتضائات فرهنگی، توانمندی و بلوغ جامعه باشد. بر اساس این نظام باید دولت سازی و جامعه اسلامی شکل بگیرد.

رهبر معظم انقلاب در موارد بسیاری تصریح کردند که قطعاً اسلامی شدن جامعه و ارائه یک جامعه نمونه اسلامی مقدمه فراگیری ارزش‌های اسلامی در سطح جهان اسلام و تمدن‌سازی نوین اسلامی است. بنابراین تا زمانی که در مقام عمل، یک حدنصاب و حداقلی از جامعه اسلامی محقق نشود، تمدن نوین اسلامی هم به نحو مطلوبی شکل نخواهد گرفت. ولی از طرف دیگر تصریح کردند تا زمانی که دولت اسلامی نشود، جامعه اسلامی نمی‌شود. یعنی تا زمانی که سازوکارها، فرایندها و شیوه مدیریت جامعه و هدف‌گذاری‌ها، سیاست‌گذاری‌ها در جامعه در کلیت دولت - حاکمیت و دستگاه‌های حاکمیتی همچون قوای مجریه، مقننه و قضائیه و دستگاه‌های عمومی، نهادهای علمی مثل دانشگاه‌ها، حوزه و تعلیم و تربیت عمومی - در حدنصابی اسلامی نشود، جامعه هم اسلامی نخواهد شد.

در واقع نقش بخش تعلیم و تربیت و بخش فرهنگ دولت، یعنی آن بخش که با برنامه‌ریزی‌های خود همچون بخش رسانه، تعلیم و تربیت و همچنین بخش فرهنگ و هنر کشور که نگاه جامعه را شکل می‌دهد، در حدنصابی اسلامی نشوند و به یک فهم عمیق از اسلام نرسند، ذهنیت جامعه به حد مطلوب نخواهد رسید و جامعه نمی‌تواند اسلامی شود.

موضوعی که برای من در نظر گرفته شده است بحث جایگاه دولت اسلامی در تمدن‌سازی نوین اسلامی می‌باشد. در شکل‌گیری واقعی و عینی تمدن نوین اسلامی، حتماً باید حدی از دولت اسلامی وجود داشته باشد. تمدن‌سازی نوین اسلامی، کار بسیار پیچیده و دارای ابعاد گسترده است و حتی

باید فراتر از سطح امت اسلامی در نظر گرفته شود. (لذا اگر تمدن سازی نوین اسلامی) یک کار بلند مدت تلقی شود، جامعه سازی اسلامی یک کار میان مدت و دولت اسلامی یک کار کوتاه مدت محسوب می شود.

امیدواریم در نخستین سال قرن ۱۵ هجری شمسی که در آستانه آن قرار داریم، با یک همت، آگاهی و حضور آگاهانه و انقلابی مردم، حداقل قوه مجریه که یک نقش اساسی در مجموعه دولت دارد، بتواند یک گام بلند به سمت اسلامی شدن بردارد و دولت جوان حزب‌اللهی شکل گیرد. اگر این گام برداشته شود، می‌تواند در یک دوره نسبتاً کوتاه مدت -نسبت به کار بلند مدتی که اشاره شد- دولت اسلامی‌تر شود. به طوری که اولاً، اولویت‌ها و ثانیاً، فرایندها، شیوه مدیریت، طراحی‌ها و برنامه‌ریزی‌ها باید به شاخص‌های انقلاب اسلامی، آرمان‌ها و شعارهای جهانی انقلاب اسلامی که حضرت آقا در بیانیه گام دوم به ویژه در مورد عدالت، تعمیق عقلانیت، تدابیر در برنامه‌ریزی‌ها و اقدامات، گسترش اخلاق مدیریتی مطلوب، نگاه معنویت‌گرا و معنویت مدار به مسئولیت‌ها و به پست‌ها تبیین کردند، نزدیک‌تر شوند.

اگر دولت اسلامی با ویژگی‌های ذکر شده، محقق شود، در این صورت می‌توان گفت که یک قدم عملی به سمت تمدن نوین اسلامی برداشته شده است. ولی در کنار آن، دولت به معنای دستگاه حاکمیتی و مدیریتی برای زمینه‌سازی، تسریع و تسهیل در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی وظایفی دارند. رهبر معظم انقلاب به‌صراحت فرمودند که مخاطب این بحث، علمای



دین و روشنفکران راستین هستند. نخبگان جهان اسلام و نخبگانی از غیر جهان اسلام که نسبت به تمدن کنونی غرب انتقاد دارند، به این باور رسیدند که تمدن کنونی غرب به بن بست رسیده است و نمی‌تواند بحران‌های درونی خودش را حل کند و پاسخگوی جامعه بشریت باشد، لذا آنها هم شریک تمدن سازی نوین اسلامی هستند.

در بحث تمدن نوین اسلامی، این مطلب مسلم است که بن‌بست‌های تمدن کنونی غرب، به ویژه در دهه اخیر و در سال‌های اخیر، بیشتر خودش را نشان داده است. دلسوزان و دغدغه‌مندان جهان بشریت که بحران‌های کنونی تمدن غرب را لمس می‌کنند، به ناکارآمدی و عدم کفایت این تمدن برای بشریت امروز پی بردند. بنابراین نیاز بشریت، به یک تحول در تمدن و کلیت تمدن امروز غرب احساس می‌شود. البته همه ابعاد تمدن کنونی غرب نفی نمی‌شود و می‌توان آن را نقد کرد. این بدین معنی نیست که ابعاد تمدن غرب قابل قبول هستند.

تمدن پیشین اسلامی در قرن سوم، چهارم و پنجم شکوفا بود و بعد هم با افت و خیزهایی استمرار پیدا کرد. این تمدن اسلامی پیشین حتماً نکات مثبتی داشته است که حتی آن تجربه‌ها می‌تواند امروز هم برای جمهوری اسلامی ایران قابل استفاده باشد. ولی ابعادی هم داشته است که قابل نقد می‌باشد. نقاط قوت و ضعف این تمدن باید تحلیل شود، چراکه که یک تمدن مطلقاً مورد پذیرش یا رد نیست. به همین جهت، بعضی از ابعاد فناوری و علمی تمدن امروز غرب که دستاوردهای بشری محسوب

می‌شود، برای جمهوری اسلامی ایران مردود نیست. به طوری که این امر در بیانات حضرت آقا هم آمده است. این نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با توجه به یکسری از ملاحظات، از دستاوردهای سخت‌افزاری تمدن امروزی به ویژه در حوزه دانش و فناوری در جهت‌گیری‌های معنوی و اخلاقی بشریت استفاده کند. لذا آنها باید با توجه به نظام ارزشی اسلامی، بازسازی و بازتولید شوند.

زمانی که بحث تمدن نوین اسلامی مطرح می‌شود، منظور تمدن اسلامی است اما قطعاً بازگشت به تمدن اسلامی پیشین نیست. ممکن است از آن تجربه‌ها استفاده شود ولی این به معنای بازگشت به تمدن قبلی نمی‌باشد. تمدن نوین اسلامی، نوین است و از ابزارها و پیشرفت‌های علمی بشر امروزی استفاده می‌کند؛ اما غربی نیست.

آن چیزی که امروز وجود دارد تمدن نوین غربی است که در ۳۰۰-۴۰۰ سال گذشته توانست به تدریج سیطره خودش را البته از طریق جنگ‌افروزی، استثمار و استعمار، در جهان بگستراند. امروز هم آن گفتمان مسلط در وضعیت تمدنی جوامع حتی جوامع شرقی همچون چین و روسیه و امثالهم، از همین تمدن غربی است. یعنی در شرق و غرب امروزی، تمدن غربی مبتنی بر مدرنیته حاکم شده است. بعد از تجربه طولانی، این تمدن نشان داده است که ظرفیت کافی ندارد. هرچند دستاوردهایی در برخی از ابعاد داشته است، اما ابعاد اساسی انسانیت انسان را مورد تهدید قرار داد و فطرت،

معنویت‌گرایی، رشد فضایل اخلاقی در جوامع بشری، عدالت و آزادی را قربانی کرد.

بنابراین، تحول در تمدن امروزی بشریت نیاز است. بسیاری از اندیشمندان غربی هم با جمهوری اسلامی ایران هم صدا هستند و باید یک همگرایی و هم‌سخنی شکل بگیرد. این تصور نباید باشد که تمدن نوین اسلامی فقط راه‌حلی برای امت اسلامی است. از آنجایی که اسلام یک نظام عمیق، جامع، عقلانی و مبتنی بر خصلت‌های فلسفی و حکمی است، این مجال را ایجاد می‌کند که مبانی، اصول‌نگرشی و اخلاقی و نظامات اجتماعی اسلام برای بقیه تبیین شود.

در این راستا می‌توان گفت که مدل مطلوب تمدنی برای جایگزینی تمدن نوین غربی، تمدن نوین اسلامی است. تمدن نوین اسلامی یک راه‌حل کلان‌تمدنی برای همه بشریت است. دو نامه‌ای که رهبر معظم انقلاب در سال ۹۴-۱۳۹۳ برای جوانان غربی نوشتند، از همین خواستگاه قابل تحلیل است. وجدان‌های پاک و فطرت‌های آماده‌ای در جوان‌های غربی و نخبگان دغدغه‌مند آنها وجود دارد. آنها می‌توانند در گفتگوی کلان‌تمدنی مشارکت کنند و در این مشارکت توجیه شوند.

دولت اسلامی در جهت تسهیل و تسریع این امر نقش و وظیفه مهمی دارد. بعضی از این کشورهای غربی که به دروغ می‌خواهند دموکراسی را گسترش دهند، نهادهای به ظاهر دولتی و در باطن تحت حمایت سازمان‌های جاسوسی خودشان برای گسترش دموکراسی در سطح جهان ایجاد کردند.

سازمان‌های گسترش دموکراسی بعضاً به کودتا در برخی از کشورها علیه حاکمیت مردمی آنها می‌پردازند، توطئه می‌کنند و با زور، جبر و تحمیل سعی دارند تفکر استبدادی خودشان را در زیر یک زورق دموکراسی دنبال کنند. حال چرا جمهوری اسلامی ایران و دولت، مجلس و دستگاه‌های آن نباید این نگاه تمدنی را در عرصه نهادسازی و زمینه‌سازی جهت شکل‌گیری گفتگوهای عمیق علمی و مشارکت نخبگان در جهان اسلام فراهم کند؟ چرا ایده‌های تمدنی که در برخی از کشورهای اسلامی بوده و البته نارسایی‌ها و نقص‌های زیادی دارد را برای همگام شدن با جمهوری اسلامی جذب نکنیم؟ و چرا آن نگاه جذب حداکثری را در نگاه تمدن‌سازی تفسیر نکنیم؟

در تمدن نوین اسلامی آنچه مطرح است اسلام می‌باشد. اسلام یک دین جهانی است و اسلام برای همه ملت‌های غرب و شرق راهگشاست؛ الإسلامُ یَعْلُو و لا یُعَلَى عَلَیْهِ. اول این مطلب باید خوب تبیین شود که اسلام یک دین شرقی نیست؛ به این معنا که اسلام در بستر سنت شرقی روئیده باشد. اسلام ناب یک دین فرا دوره‌ای است. اسلام در دوره سنت، مدرن و پست‌مدرن - اگر این تعابیر درست باشد - می‌تواند مشکلات انسان را حل کند. متناسب با سطح بلوغ و معرفت درست دینی و متناسب با توانمندی، مجاهدت و سرمایه‌گذاری مردم در هر عصر و زمانی، اسلام می‌تواند راهگشای تمدن بشری باشد. بنابراین اسلام محور است و باید روی آن تأکید شود.

جمهوری اسلامی و نظام انقلابی ایران به خاطر اینکه در ارائه اسلام ناب، بازخوانی و روی میز آوردن اسلام ناب مجاهدت و کوشش کرده است، موفق شد این انقلاب را پیش ببرد. لذا در بحث تمدن سازی هم باید حضور جدی داشته باشد؛ به طوری که پیشتاز، پیشران و پیشگام باشد. همچنین این گونه نباشد که بقیه امت اسلامی و حتی دغدغه‌مندان جوامع بشری را به حساب نیاورد. بنابراین جمهوری اسلامی باید بتواند در هر جمع و مجتمع اسلامی در کشورهای اسلامی و حتی در مجموعه‌های نخبگان مسلمانی که در کشورهای غیر اسلامی حضور دارند - بعضی از اینها در برخی از کشورهای غربی مظلومانه و البته مجاهدانه و با اخلاص در جهت پیشبرد معرفی اسلام ناب و دفاع از آن تلاش می‌کنند - گفتمان سازی برای تمدن نوین اسلامی را در این بسترها بسط دهد.

یکی از مطالبات جدی جبهه انقلاب اسلامی از دولتمردان کشور در قوه مجریه، مقننه و در دستگاه‌های عمومی و به ویژه در حوزه علمیه، نهادهای دانشگاه و حوزه این است که باید بار گفتمان سازی، تبیین دقیق، کار پژوهشی و اندیشه‌ورزی در حوزه تمدن نوین اسلامی بیشتر شود و در این زمینه‌ها بستر سازی صورت گیرد. در رشته‌های دانشگاهی باید گرایشی در این حوزه وجود داشته باشد. هر چند که رشته‌های تاریخ و تمدن وجود دارد ولی متأسفانه هنوز در رشته‌های تاریخ و تمدن، بحث تمدن نوین اسلامی مطرح نمی‌شود. در واقع بسیاری از اساتید متخصص، با تمدن نوین اسلامی یک مواجهه سیاسی و نه یک مواجهه علمی دارند. در حالی که این

یک بحث علمی، تحقق‌پذیر و قابل طرح است. همه تمدن‌ها همواره دچار تحول شدند و فراز و فرودی داشتند و تمدن غربی هم از این قاعده تمدن‌ها مستثنا نیست. آیا می‌شود گفت که فراتر از تمدن غربی تمدنی وجود ندارد؟ غربی‌های سعی کردند که با تئوری‌سازی‌های نامعقول و بیشتر تبلیغاتی و رسانه‌ای این باور را در جهان ایجاد کنند که فراتر از تمدن غرب، تمدنی وجود ندارد. اما برای ما این ادعا نباید قابل پذیرش باشد. در طول این نیم قرن اخیر، بسیاری از فلاسفه، هنرمندان، جامعه‌شناسان و دانشمندان علوم انسانی به ناکارآمدی علوم انسانی امروز پی بردند. بحث تحول در جامعه‌شناسی و روانشناسی، بحث‌هایی نیستند که صرفاً از سوی جمهوری اسلامی ایران مطرح می‌شوند. در غرب هم کسانی هستند که این بحث را مطرح کردند. اما آنها نتوانستند یک چارچوب فکری جایگزینی را ارائه بدهند و به آن برسند.

مسلمانان انقلابی و به ویژه جوانان اندیشمند در این عرصه باید یک وظیفه بسیار مهم و البته دشوار و طولانی را بر عهده بگیرند و این گفتمان را دنبال کنند. تمدن‌سازی قطعاً کار پیچیده و بلند مدتی است، اما به تعبیر مقام معظم رهبری ما فعلاً باید در عرصه گفتمان‌سازی و کار پژوهشی و ایجاد یک باور عمیق در بین نخبگان، حداقل نخبگان جمهوری اسلامی و بعد در جهان اسلام و در سطح فراتر از جهان اسلام تلاش کنیم و بتوانیم به کارهای طراحی و تدبیری بپردازیم. خوشبختانه امروز بیش از هر زمان دیگری، زمینه اجتماعی و فرهنگی این مسئله کاملاً وجود دارد. به طوری که امروزه

شواهدی از سرخوردگی‌هایی از تمدن غربی در کشورهای غربی وجود دارد. همچنین سردرگمی‌هایی بین متفکران دغدغه‌مند در جهان اسلام که وضع موجود را قبول ندارند، وجود دارد، ولی آنها بدیل، جایگزین مطلوب و مقدر را نمی‌شناسند. قطعاً همان‌گونه که انقلاب اسلامی در یک فضای ناباورانه‌ای در سال‌های قبل از انقلاب به یاری خداوند متعال و بنا بر وعده‌های قطعی الهی تحقق پیدا کرد، این گام بلند و چشم‌انداز انقلاب اسلامی تحقق پیدا خواهد کرد. در صورتی که نخبگان، حوزه علمیه، دانشگاهیان، دولت و نهادهای حاکمیتی کشور هم صداتر و هم‌نوا تر شوند و به یک فهم عمیق و درست نسبت به این مسئله برسند، قطعاً جمهوری اسلامی می‌تواند در مسیر تمدن‌سازی نوین اسلامی گام بردارد.

دولت اسلامی از دو جهت در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی نقش دارد. ۱. نکته اول، نقش تحقیقی تمدن نوین اسلامی است که بدون دستیابی به یک دولت اسلامی در یک حدنصاب قابل قبول، اساساً تحقق تمدن نوین اسلامی شکل نخواهد گرفت و ۲. دولت اسلامی، حاکمیت جمهوری اسلامی و هر کشور اسلامی دیگری رسالت، وظایف و تکالیفی در این زمینه بر عهده دارد. حتماً باید طراحی‌های بین‌المللی کلانی صورت گیرد تا این زمینه‌ها بیشتر فراهم شود و گفتمان جهانی در راستای نقد تمدن امروز غرب، تثبیت و اثبات کارآمدی تمدن نوین اسلامی گسترش یابد. خوشبختانه بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی دلالت‌های بسیار روشن، شفاف،

جذاب، منطقی و قابل قبولی برای نخبگان جهانی در این زمینه دارد و دوستان هم کم‌وبیش آن را مورد توجه قرار دادند. امیدوارم این بحث بتواند همیشه مفتوح بماند و انشا الله بتوانیم به آن اهداف روزه‌روز نزدیک‌تر شویم.

***جناب آقای دکتر اسحاقی:** از جناب آقای ذو علم بسیار متشکریم. واقعاً بحث نظام اسلامی و دولت اسلامی و کلاً نظام سیاسی در شکل‌گیری پیشرفت‌ها در یک پیشرفت همه‌جانبه به نام تمدن، یک نقش بی‌بدیلی است. یعنی بدون در اختیار داشتن تشکیلات و نظام سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، تربیتی و انسانی نمی‌توان آرزوی تمدن را داشت. حتماً، نظام‌های سیاسی و دولت‌ها نقش اساسی دارند. برای نمونه اگر دو سه قرن اخیر گذشته ایران مورد توجه قرار گیرد، مشاهده می‌شود که حاکمان ضد علم و ضد دانشمندان بودند و اصلاً به فکر توسعه و پیشرفت نبودند. این حاکمان هر آنچه مظهر پیشرفت بود را در غرب جستجو می‌کردند. مسلماً صد‌ها قرن هم با این حاکمان نمی‌توان به سراب تمدن هم رسید. نظام اسلامی باید مسیر رسیدن به تمدن را از طریق دولت اسلامی و برنامه تحولی برای رسیدن به تمدن و اضلاع مختلف تمدن در ابعاد فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و دفاعی طراحی کند و آنها را در برنامه‌های خود مندرج نماید. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تمام اضلاع مورد نیاز برای یک تحول همه‌جانبه و عمیق برای رسیدن به تمدن مشاهده

می‌شود. خطوط اصلی تمدن نوین اسلامی را می‌توان در ایمان و عمل صالح یا به تعبیر دیگر ایمان و اخلاق یا بعد معنویت، علم، معرفت، عقلانیت، عدالت و پیشرفت برشمرد. همه اینها در مجموعه‌ای از معارف دینی به شکل نظامندی در قانون اساسی جمهور اسلامی شکل گرفته است. لذا با اجرای قانون اساسی به عنوان یک میثاق ملی می‌توان زیرساخت تمدنی را پی گرفت. دولت‌ها و نظام‌های سیاسی در مجموعه یک نظام سیاسی اعم از قوه مجریه همه دخیل هستند. رهبری معظم انقلاب مسیر و جهت‌گیری کلی را برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی از طریق دولت اسلامی به جامعه اسلامی و رفتن به سمت تمدن نوین اسلامی که طلیعه‌ای برای ظهور است، تعیین کردند. مجدداً از جناب حاج‌آقای ذو علم سپاسگزاریم.

در این فرصت در خدمت جناب آقای دکتر پیروزمند عضو هیئت‌علمی فرهنگستان علوم اسلامی با موضوع الزامات تحقق تمدن نوین اسلامی هستیم. جناب آقای دکتر پیروزمند خیلی خوش‌آمدید و از بیانات شما استفاده می‌کنیم. حتماً دوستان اذعان دارند که این مباحث، مباحث گسترده‌ای است و نسل جوان دانشمند یا به تعبیر رهبری معظم انقلاب جوان مؤمن دانای انقلابی نقش اساسی در این عرصه دارد.

الزامات تحقق تمدن نوین اسلامی

✽ **حجت الاسلام و المسلمین آقای دکتر پیروزمند:** عرایض خودم را با این آیه شریفه، وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ

السَّمَاء؛ آغاز می‌کنم. تقوا محور تمدن سازی اسلامی است و جز با امداد الهی تمدن سازی اسلامی امکان‌پذیر نیست. اما عرایض من در مورد الزامات تمدن نوین اسلامی است. غرض از الزامات یعنی دست‌یابی به چگونگی تمدن سازی اسلامی می‌باشد. این چگونگی ناظر به این است که ما باید نسبت به چه اموری مراقبت کنیم؟ و از چه وسایل و ابزار استفاده کنیم؟ و چه امکاناتی را به خدمت بگیریم؟ تا بتوانیم به تمدن سازی نوین اسلامی دست پیدا کنیم.

مواردی که در اینجا مطرح می‌شود تقریباً مترتب بر همدیگر هستند و یک فهرستی از این موارد در ابتدا عرض می‌شود و به تناسب فرصت، تفسیر بیشتری نسبت به این موارد مطرح خواهد شد. بخش قابل توجهی که مطرح می‌شود برگرفته از محورهای است که در فرمایشات مقام معظم رهبری و در بیانیه گام دوم مشاهده می‌شود.

اولین مسئله‌ای که در الزامات تمدن سازی اسلامی باید به آن توجه داشت، بحث شکل‌گیری فهم و انگیزه مشترکی از تمدن سازی اسلامی است. دوم. تلقی مشترک نسبت به نقشه راه و همچنین الگوی پیشرفتی که ما را در این نقشه راه همراهی می‌کند، باید توجه شود. نکته سوم مربوط به تولید دانش هماهنگ، منسجم و جهت‌دار در خدمت تمدن سازی اسلامی است. نکته چهارم به تربیت نیروی انسانی معتقد و انقلابی، دانا و توانا برای این مسیر اشاره دارد. پنجم. اصلاح ساختارها و قوانین به منظور ایجاد این حرکت جهانی باید مورد توجه قرار گیرد. نکته ششم مربوط به ارتقا، تفاهم و

هماهنگی بین حداقل سه قشر ۱. مدیران و کارگزاران جامعه در دولت اسلامی، ۲. اندیشمندان و ۳. فعالان سیاسی، فرهنگی و اقتصادی که در متن جامعه حضور دارند، می‌شود. نکته هفتم به رهبری اشاره دارد. به تعبیر مقام معظم رهبری در بیانیه که امام را یکی از عوامل موفقیت انقلاب و رهبری اسمانی امام یاد کردند، این رهبری بعد از امام هم استمرار داشته است. برای دستیابی به تمدن نوین اسلامی یکی از الزامات ساختن تمدن، استمرار این رهبری آسمانی و تبعیت از رهبری برای تحقق این هدف بلند است. به تناسب فرصت، توضیح بیشتر داده خواهد شد.

تمدن اسلامی و تمدن نوین اسلامی به چه معناست؟ تمدن اسلامی به معنای ایجاد محیط زیست عینی است که بشر برای ارضای نیاز خود ایجاد کرده است. بنا بر این تعریف، تمدن مصنوع انسان است تا انسان از این طریق بتواند در بستری که ایجاد کرده است و با امکاناتی که فراهم کرده است، نیازهای خودش را بیشتر، سریع‌تر و بهتر تأمین کند. این اختصاصی به اسلام و جامعه اسلامی ندارد. اما وقتی که این تمدن خواستگاه آن تحقق فرهنگ اسلامی و مقصد آن همچون اقامه کلمه توحید و اقامه قسط بنا بر آیه شریفه قرآن باشد، در آن صورت، این تمدن، یک تمدن اسلامی خواهد بود. بنابراین، نقطه عزیمت شکل‌گیری تمدن اسلامی، تغییر در خواستگاه تمدن که عبارت از فرهنگ اسلامی و پایبندی به مکتب اسلام - به تعبیر امام (ره) - است، می‌باشد. لذا اگر این امر رخ دهد، در آن صورت جامعه‌ای که چنین انگیزه‌ای پیدا کرده است، گام‌های بعدی را برای تحقق فرهنگ اسلامی بر

خواهد داشت. بر اساس این مقدمه اولین الزام شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی ایجاد فهم و انگیزه مشترک برای دست‌یابی به تمدن اسلامی است. علاوه بر چیستی تمدن اسلامی، موضوعاتی مبنی بر اینکه تمدن اسلامی با تمدن سده‌های میانی که به عنوان تمدن اسلامی یاد می‌شود چه تفاوتی دارد؟ چرا تعبیر به تمدن نوین اسلامی می‌شود؟ و اینکه اسلامیت یا ایرانیت چه بخشی از تمدن سازی را مورد هدف قرار داده است؟ نیز مطرح می‌شوند. بنابراین، محور بعدی که ذیل این محور باید مورد توجه قرار گیرد، توافق و گفتمان سازی بر سر امکان‌پذیری دست‌یابی به تمدن نوین اسلامی است. علیرغم اینکه انقلاب اسلامی تجربه موفق و درخوری را در مسیر تمدن اسلامی به منصفه ظهور گذاشت - هرچند با اهداف بلند خودش فاصله دارد - اما بعضی این امکان‌پذیری به انحای مختلف زیر سؤال می‌برند که باید در این گفتمان سازی به این مسائل پرداخته شود و عموم جامعه به ویژه نخبگان را در این مورد همراه کرد.

از جمله اینکه گفته می‌شود که تمدن سازی اسلامی یک شعار بلندی است که فقط از عهده معصوم بر می‌آید و در زمان ظهور حضرت حجت (عجل الله تعالی فرجه الشریف) این مسئله می‌تواند محقق شود. *فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا بَعْدَ مَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا؛* این امری است که فقط به دست با کفایت حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می‌تواند اتفاق بیفتد. بنابراین برخی معتقدند همان‌گونه که بلند کردن پرچم حکومت اسلامی قبل از ظهور درست نیست، بلند کردن پرچم تمدن سازی اسلام هم به همین دلیل

امکان‌پذیر نمی‌باشد - هرچند که آن را امر مطلوب و مناسبی می‌دانند. این یک شبهه محسوب می‌شود و پاسخ به آن هم روشن است. حتماً آن شکل کامل و تام از تمدن اسلامی با ظهور محقق می‌شود، اما می‌توان در آن مسیر گام برداشت. چراکه آن عدالت تام، تمام‌عیار و فراگیر جهانی فقط به دست حضرت حجت اتفاق می‌افتد. اما به این معنی نیست که مؤمنین وظیفه‌ای برای اقامه قسط و عدل در قبل از زمان ظهور ندارند.

شبهه دوم آن است که تمدن غرب بر بستر مدرنیته و پست‌مدرن شکل گرفته است و بعد از فروپاشی بلوک شرق و نظام سوسیالیستی، گستره خودش را در کره خاکی پهن کرده است. لذا فائق آمدن بر این مسئله برحسب ظاهر و عادت امکان‌پذیر نیست. این موضوع را مطرح می‌کنند که بعد از انقلاب اسلامی هم علیرغم اینکه علیه تمدن غربی و سردمداران این تمدن شعار داده شد، اما از انواع مظاهر مدرنیته و تمدن غرب، از علم، فناوری و محصولات و تجربیات آن استفاده شده است. این نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی ایران توان پیاده کردن طرح نوین را ندارد. در پاسخ به این موضوع باید گفت که مسئله تمدن سازی یک امر طبیعتاً دفعی نیست و همین مقدار هم که انقلاب اسلامی توانسته است روی پای خودش بایستد و از استقلال و آزادی خودش دفاع کند و گام‌هایی هرچند مقدماتی برای پایه‌گذاری حکمرانی بر اساس اندیشه اسلامی بردارد، این امر متناسب با شرایط و مقتضیات زمانی و مقدرات، گام بلندی محسوب می‌شود. لذا

باید الزامات بعدی را شناخت و به سمت آن حرکت کرد. البته این گونه نیست که واقعیت تمدن غرب نادیده گرفت شود.

علاوه بر این، تمدن غرب با بحران‌های عمیق اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی روبه‌رو است که از درون در حال ترک خوردن است و از بیرون با فشار انقلاب اسلامی، ضعف‌های آن بیش از پیش آشکار می‌شود. به ستوه آمدن ملل مستضعف جهان از نظام سلطه و استکبار جهانی یک ظرفیت جهانی‌ای را ایجاد کرده است که اگر امتی یک جوشش متفاوت و یک نسخه متفاوتی را فراروی بشریت قرار بدهند، از آن استقبال می‌کنند. لذا این قدم‌های اولیه و ناقص هم مورد استقبال و توجه قرار گرفته است.

شبه بعدی که در بحث امکان‌پذیری مطرح می‌شود، این است که دانش و معارف اسلامی که باید پشتوانه و عقبه مشروعیت تمدن سازی اسلامی باشد، از چنین ظرفیتی برخوردار نیست. به این دلیل که، با آن مقدار ابهامات و اختلافاتی که بین علمای دین و معارف اسلامی وجود دارد، وفاق کافی ایجاد نخواهد شد و این خود مانع از صلابت فکری لازم برای معیارها و میزان‌هایی که باید بر اساس آن حرکت کرد، می‌شود. در پاسخ باید گفت همان‌گونه که علمای دینی در طول تاریخ، توانمندی برجسته‌ای در احراز حجیت از فهم منابع دین پیدا کردند و علیرغم اینکه اختلافات هیچ‌گاه به صفر نرسیده است و نخواهد رسید، اما در زمان غیبت مکلف به آن مقدار فهمی هستند که با تلاش جمعی علمای دین به توافق نسبی دست یافتند و از آن به عنوان حجت یاد می‌کنند. لذا اگر حجت جمعی بر مطالبی اتفاق

بیفتد، تکلیف مؤمنین در آن مقطع زمانی التزام به همان است - هرچند که درصدی از آن خطا باشد و یا اینکه تغییر و تکاملی در آن معارف دینی رخ دهد.

در اینجا بحث در مورد بررسی شبهات و پاسخ کامل به این شبهات نیست. اما یکی از گام‌ها، پیش‌نیازها و الزامات برای تحقق تمدن نوین اسلامی توافق بر سر امکان‌پذیری دست‌یابی به تمدن اسلامی است. شبه دیگری که امکان‌پذیری را زیر سؤال می‌برد، کارآمدی جمهوری اسلامی در گام اول است. این موضوع را مطرح می‌کنند که اگر جمهوری اسلامی این توانمندی را داشت، باید در گام اول خودش را نشان می‌داد. از آنجایی که مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم پاسخ آن را بیان کردند و دستاوردهای انقلاب را برشمردند، از پاسخ دوباره به این سؤال صرف‌نظر می‌شود. پس یکی از الزامات این است که موانع ذهنی که برای ایجاد توافق بر سر دست‌یابی به تمدن نوین اسلامی وجود دارد را باید مرتفع کرد. محصول این توافق ذهنی مشترک، ایجاد انگیزه مشترک برای رسیدن به مقصد واحد است و این موتور محرک حرکت به سمت تمدن اسلامی را فراهم می‌کند.

بعد از بررسی فهم و انگیزه مشترک، در اینجا نقشه راه و الگوی پیشرفت مورد توجه قرار می‌گیرد. مقام معظم رهبری در فرمایشات خودشان دو دسته‌بندی دارند که با ارتباط برقرار کردن بین این دو دسته‌بندی می‌توان الگوی اولیه یا اجمالی تمدن سازی اسلامی با توجه به اندیشه مقام معظم رهبری که یک حدی از نقشه راه را نمایان می‌سازد، مطرح کرد.

مقام معظم رهبری در چند نوبت، در بخشی از فرمایشات خودشان، مراحل تکامل انقلاب اسلامی را در پنج مرحله ۱. انقلاب اسلامی، ۲. جمهوری اسلامی، ۳. دولت اسلامی، ۴. کشور اسلامی و ۵. تمدن اسلامی، بیان کردند. در این فرایند، تمدن اسلامی را به مرحله فراملی شدن، جهانی شدن و فراگیر شدن انقلاب اسلامی قلمداد می‌کنند. ایشان اشاره می‌کنند که ما در مرحله دولت اسلامی هستیم و باید این مرحله را پشت سر بگذاریم. این یک دسته‌بندی است که به نوعی یک فرایند را مطرح می‌کند.

ایشان دسته‌بندی دیگری را در عرصه پیشرفت بیان می‌کنند و فرمودند که این عرصه‌های پیشرفت شامل عرصه‌های ۱. معنویت، ۲. فکر، ۳. علم و ۴. زندگی می‌شود. حضرت آقا عرصه زندگی را توضیح دادند و معتقدند که این نظام سازی‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و امثالهم که اتفاق می‌افتد، باید ذیل سبک زندگی اسلامی انجام شوند. این سبک زندگی را علم معنا می‌بخشد و این علم باید ذیل فکر و معنویت عمل کند. رهبر معظم انقلاب معنویت را محور جهت‌بخش مجموعه حرکت به سمت پیشرفت قلمداد کردند.

اگر این دو بخش از بیانات رهبری با هم ارتباط داده شوند و در هم ضرب شوند، می‌توان به یک الگو دست یافت. هر یک از مراحل انقلاب، جمهوری، دولت، کشور و تمدن اسلامی باید با هریک از این عرصه‌ها مورد ارزیابی قرار گیرد و پیشرفت در هریک از این عرصه‌ها باید متناسب با هر یک از مراحل مذکور باشد. یکی از نواقص و کم‌توجهی‌هایی که متوجه

منتقدین به انقلاب اسلامی می‌شود، این است که انتظار از پیشرفت را متناسب با مراحل، شرایط و مقدورات مورد ارزیابی قرار نمی‌دهند. آن پیشرفتی که در مرحله جمهوری اسلامی انتظار می‌رود با آن پیشرفتی که در مرحله کشور اسلامی مورد انتظار است، یک‌گونه نیست.

بدین ترتیب، یکی دیگر از الزامات تمدن‌سازی اسلامی داشتن نقشه راه برای حرکت به سمت تمدن نوین اسلامی است و این نقشه راه - حداقل یک نقشه راه اجمالی - با توجه به ترکیب این دو دسته‌بندی با یکدیگر به دست می‌آید. لذا معنویت، علم، فکر، زندگی و شاخص‌های آن و همچنین پیشرفت در این عرصه‌ها باید متناسب با مراحل پنج‌گانه انقلاب اسلامی تبیین شوند. باید توجه داشت که اگر ما در مرحله دولت اسلامی قرار داریم و این نوع از دولت هنوز تحقق پیدا نکرده است، باید چه حدی از پیشرفت معنوی، فکری و علمی را انتظار داشته باشیم؟ و بعد از اینکه دولت اسلامی اتفاق افتاد باید چه انتظاری داشته باشیم؟ بنابراین یک گام دیگر برای حرکت به سمت تمدن نوین اسلامی، داشتن نقشه راه است.

یکی دیگر از الزامات برای دستیابی به تمدن نوین اسلامی، داشتن الگوی پیشرفت است. تمدن نوین اسلامی به عنوان یک مقصدی است که باید به سمت آن حرکت کرد و خودمان را به آن نزدیک کنیم. برای حرکت در این مسیر - برای نمونه حرکت از مرحله دولت اسلامی به مرحله کشور اسلامی - به منطق حرکت، الگوی تصمیم‌گیری و انتخاب در حرکت نیاز است. رهبری مقام معظم انقلاب در نشست راهبردی الگوی پیشرفت فرمودند که

الگوی پیشرفت به این منظور لازم است که حرکت عمومی کشور را از حرکت‌های زیگزاگی و هفت و هشتی مصون بدارد.

در چه صورتی می‌توان یک حرکت باثبات‌تری را تدبیر کرد؟ معیار و ملاک کشور برای تصمیم‌گیری در دو راهی‌ها باید مبتنی بر یک ملاک و میزان از پیش تعیین شده و مبتنی بر اندیشه اسلامی و انقلابی باشد. اگر بین مذاکره و استقلال، دو راهی اتفاق افتاد باید چه تصمیمی گرفته شود؟ اگر بین جنگ و صلح دو راهی اتفاق افتاد که البته در حال حاضر کشور در چنین مقطعی نیست و در گذشته این دو راهی تجربه شد، باید چه تصمیمی گرفت؟ اگر در اولویت بین معیشت و حفظ فرهنگ مردم، وضعیت دو راهی ایجاد شود، باید چه کاری انجام شود؟ دوراهی بدین معنی نیست که فقط یکی از آنها را می‌توان انتخاب کرد، بلکه بدین معناست که کشور در مواقعی مجبور است یکی را بر دیگری ترجیح دهد.

حال ملاک ترجیح باید چگونه اتفاق بیفتد؟ اگر مسئولین در تخصیص بودجه کشور بین بودجه پژوهش و بودجه فرهنگ و هنر در دو راهی یا چندراهی - به این دلیل که مصارف بودجه متعدد است - قرار گرفتند، باید چگونه تصمیم بگیرند؟ اگر کشور بین محدودیت ارتباطات فضای مجازی با استفاده از اینترنت ملی در دوراهی قرار گرفت، کدام یک باید ترجیح داده شوند؟ چنین دو راهی‌ها زیاد هستند و غرض از بیان این دو راهی‌ها برای تبیین مفهوم الگوی پیشرفت است. الگوی پیشرفت آن منطق، معادله، و میزانی است که برای کشور مشخص می‌کند که اگر در تعارض و تزاخم

صورت‌گزینش شده و هدفمند باید به سراغ علم و فناوری روز دنیا رفت. هوشمندی دوم از این جهت است که این نهال علمی که در بستر تمدنی و فرهنگی روئیده است، نمی‌توان این ساقه را از ریشه و محیطی که در آن رشد کرده است، کاملاً گسست. بنابراین آثار انحراف فرهنگی دنیای مدرن را نمی‌توان از کلیت علم و فناوری که به دست آورده است، نادیده گرفت. در حوزه علوم انسانی و علوم اجتماعی این مسئله اهمیت بیشتری دارد. به نظر می‌رسد نخبگان کشور این مسئله را تاکنون جدی نگرفتند و علت آن به خاطر خوش‌بینی‌ای است که نظام جهانی در حوزه علم و دانش و حتی در حوزه علوم انسانی برای خود ایجاد کرده است. وقتی امام^(ره) انقلاب فرهنگی را شکل دادند و دانشگاه‌ها را به خاطر آن تعطیل کردند، یکی از محوری‌ترین مسائلی که به آن توجه کردن، اسلامی شدن علوم انسانی بود و علمای دانشگاه را به سمت حوزه هدایت کردند. به طوری که امام فرمودند که بروید این نقیصه را با کمک علمای حوزه مرتفع کنید. در آن مقطعی که دانشگاه تعطیل بود، کسانی که انقلابی بودند، مراودات خودشان را با حوزه آغاز کردند و وارد دانشگاه شدند. همچنین کسانی هم که رسالت انقلاب را فراموش کردند، مجدداً با باز شدن دانشگاه‌ها، به دانشگاه رفتند. هنوز هم عده‌ای از آنها، این حرکت ولو نحیفی که در حوزه علوم انسانی - اسلامی اتفاق افتاده است را به استهزا می‌گیرند. به طوری که هم اصل و هم امکان‌پذیری آن را انکار می‌کنند. همچنین، این انکارها نسبت به دستاوردهایی که در تلاش گام اول انقلاب اتفاق افتاده و دستاوردهای مهمی



هم هستند، وجود دارد. این یک مانعی برای حرکت در مسیر تمدن سازی نوین اسلامی است.

بنابراین، در مسیر تمدن اسلامی یکی از پیش‌نیازهای ضروری، تولید علم نافع به ویژه در حوزه علوم انسانی است. این تولید علم به دو بال محتوایی و مدیریتی احتیاج دارد. در بال محتوایی، نیاز است که نظام نیازمندی‌ها به درستی شناخته شوند و مبانی و روش‌های مناسبی مورد توجه قرار گیرند.

***جناب آقای دکتر اسحاقی:** از جناب آقای دکتر پیروزمند متشکریم. تا اینجا ایشان چهار الزام را اشاره کردند و انشاء الله اگر فرصت دیگری در اختیار بود، الزامات دیگر را هم مطرح خواهند کرد. دانستن این الزامات بسیار مهم است. باید الزامات شناسایی شوند و بر اساس آن، طراحی برای گام‌های مهمی که برای تمدن سازی نیاز است، صورت گیرد. هر جوان مسلمان که در هر نقطه جغرافیایی که زندگی می‌کند باید در این زمینه برای خود نقش و جایگاهی را تعریف کند. جوانان و نخبگان جهان اسلام در این زمینه وظیفه‌مند هستند و باید در این مسیر قرار بگیرند.

اعضای حاضر در جلسه می‌توانند سؤالات خودشان را مطرح کند و انشاء الله در فرصت پایانی، نکات تکمیلی اساتید را در ضمن پاسخگویی به سؤالات خواهیم شنید. آقای دکتر پیروزمند، دیگر الزامات در باب تمدن سازی نوین اسلامی را ارائه بفرماید.

حجت الاسلام و المسلمین آقای دکتر پیروزمند: بنابراین چهار الزام همچون فهم مشترک، نقشه راه، الگوی پیشرفت و تولید دانش مطرح شد. الزام پنجم مربوط به تربیت نیروی انسانی است. یکی از ظرفیت‌های حرکت به سمت تمدن نوین اسلامی، نیروی انسانی است. تربیت نیروی انسانی، نه فقط برای ایران اسلامی بلکه برای هر جامعه‌ای که می‌خواهد در مسیر توسعه حرکت کند، یک امر مهم محسوب می‌شود. اگر غرب هم توانست به این نقطه در مسیر توسعه خودش دست پیدا کند، به این خاطر است که توانست نیروی انسانی مناسب با آن حرکت را تربیت کند. باید اذعان کرد که تمدن غرب نه تنها نیروی جامعه خودش را تربیت می‌کند، بلکه توانمندی این را پیدا کرده است که با استفاده از ابزارهای جهانی، نیروی انسانی مناسب با نیازمندی‌های خودش را از کشورهای دیگر گزینش کند و در همان کشورها آنها را تربیت کند. مهم‌تر اینکه غرب سعی دارد تربیت نیروی انسانی کشورها را از راه دور به عهده بگیرد و آنها را در مسیر خود قرار دهد. در واقع غرب سعی دارد که نیروی انسانی سایر کشورها، آن‌گونه‌ای که آنها می‌خواهند فکر کنند؛ مسائل آنها مسائل دنیای غرب باشد و روش‌های آنها روش‌هایی باشد که دنیای غرب آن را مورد تأیید قرار داده است. لذا غرب سعی کرده است که پرورش، انگیزش و سرمایه فکری آن کشورها را در خدمت تقویت تمدن غرب قرار دهد.

در نقطه مقابل آن، باید جوشش و فرصتی که انقلاب اسلامی ایجاد کرده است، توجه شود و از این ظرفیت استفاده بیشتری شود. فرهنگ نه شرقی

و نه غربی، فرهنگ استقلال و آزادی و فرهنگ دفاع از اسلام یک ظرفیت است. مردم یک هویت فراموش شده‌ای را دوباره باز یافتند و به هویت اسلامی، انقلابی و ایرانی خودشان برگشتند. به همین دلیل پذیرفتند که باید بر اساس این جهت‌گیری، تربیت نیروی انسانی اتفاق بیفتد. ملاحظاتی که در تربیت نیروی انسانی در مسیر تمدن‌سازی باید به آن توجه کرد، برگرفته از محورهایی است که مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم به آن توجه کردند.

*جناب آقای دکتر اسحاقی: سوال یکی از شرکت‌کنندگان عبارتند از، مبنا و روشی که کنفرانس‌های الگوی پیشرفت، پیش گرفتند و سندی که جمع‌آوری شده و قرار است تبدیل به یک سند ملی شود، آقای پیروزمند و همفکران ایشان که کارهای پژوهش انجام دادند، حتماً این الزامات، راهبردها، تدابیر، افق و مبانی را دیدند. حضرت آقا هم این را نرم افزار رسیدن به تمدن نوین اسلامی، یعنی نرم افزار دولت‌سازی و نرم افزار جامعه‌پردازی می‌دانند و الگوی پیشرفت را یک حلقه واسطه نرم‌افزاری برای رسیدن به دولت‌سازی و جامعه‌پردازی قلمداد می‌کنند. آیا این الگوی پیشرفت و این سند آن ظرفیت را دارد که بتواند ما را به آنجا برساند یا نه؟ اگر پاسخ منفی است، پس ما چه کاری باید انجام دهیم؟ بدیل آن چیست؟ اگر آقای دکتر پیروزمند نکته‌ای در این زمینه دارند، بیان بفرمایند؟

*حجت الاسلام و المسلمین آقای دکتر پیروزمند: سؤال این عزیز نسبت به موضوع این نشست یک سؤال فرعی محسوب می‌شود. با این حال به تناسب سؤال نکاتی را عرض می‌کنم. آن چیزی که ارائه شده بود، پیش‌نویس بود و امیدواریم با مشارکتی که در ۱-۲ سال اخیر انجام گرفت و مجموعه‌های مختلفی، پیشنهادهای تکمیلی را هم ارائه کردند، با اعمال این پیشنهادات به یک نسخه کامل‌تر و مؤثرتری دست پیدا کنیم. هنوز نسخه اصلاح شده برای ما ارسال نشده است و ما هم اطلاع نداریم که این امکان چقدر فراهم شده است.

آقایان یک سندی را به عنوان سند الگوی پیشرفت مصوب کردند. پیش‌فرض آنها از این سند این بود که این سند بتواند بر اساس مبانی و اهداف مشخص، به یک تدابیر معینی برای دست‌یابی به اهداف مشخصی دست پیدا کند. اگر تلقی از الگوی پیشرفت این باشد که سندی ایجاد شود که بر اساس آن، کشور با چه تدابیری به چه اهدافی دست پیدا خواهد کرد، می‌توان گفت که این سند یک گام به سمت الگوی پیشرفت است. اگر این تلقی را پذیرفته شود، آن وقت این سند باید بتواند از خودش دفاع کند که با چه برآوردی و بر اساس چه امکان‌سنجی‌ای توانسته است، برآوردی از چهل سال آینده داشته باشد؟ و اینکه در چهل سال آینده به چه دستاوردهای مورد انتظاری دست پیدا خواهد کرد؟

پاسخ عزیزان این است که ما یک اسنادی پشتیبانی داریم که این مسئله را توضیح داده است؛ اما آن اسناد پشتیبانی که در اختیار است، در آن چنین

توانمندی‌ای مشاهده نمی‌شود. به عبارت دیگر به نظر می‌رسد آنچه به عنوان سند الگوی پیشرفت ارائه شده است، در خوش‌بینانه‌ترین حالت یک برنامه بلند مدت و یک برنامه چهل‌ساله است. قواره این سند بیشتر قواره برنامه‌ای دارد. همین نوع ملاحظات و بخش‌بندی‌ها را می‌توان در برنامه‌های کشور هم مشاهده کرد.

اما اگر تلقی از الگوی پیشرفت این‌گونه باشد که الگوی پیشرفت باید معادله حرکت به سمت جلو و دوگانه‌هایی که کشور با آن مواجه می‌شود را بیان کند، در این صورت به نظر نمی‌رسد که این سند پاسخگوی آن باشد. البته پاسخ آقایان قاعدتاً این خواهد بود که ما به دنبال ارائه سند بودیم و به الگوی پیشرفت توجه شده است. اساساً در دست‌یابی به الگوی پیشرفت نباید به دنبال سند رفت. اگر قرار است اسنادی نوشته شود باید متناسب با مقدورات و شرایط کشور، تحولات داخلی و خارجی و مبتنی بر آن‌گویی که منطق حرکت را برای کشور مشخص کرده است، باشد.

اگر ما علوم انسانی اسلامی نداشته باشیم می‌توانیم به الگوی اسلامی دست پیدا کنیم؟ درست است که الگوی اسلامی - در دست‌یابی به آن و در تحقق بخشی به آن- به علوم انسانی اسلامی نیاز دارد. ولی نسبت به این مسئله هم نباید صفر و صدی انتظار داشت. طبیعی است که اهتمام مدیریت کلان کشور برای دست‌یابی به یک الگو، بر اساس بضاعت فعلی از علوم انسانی، اتفاق خواهد افتاد. البته هر مقدار که توانمندی بیشتری در علوم انسانی به دست آید، این الگو هم می‌تواند شاهد یک رشد بیشتری باشد.

***جناب آقای دکتر اسحاقی:** یک سؤالی را یکی از شرکت کنندگان مطرح کردند. ایشان به آیه شریفه وَ تِلْكَ الْآيَاتُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ اشاره کردند و می پرسند که ما چگونه می توانیم بهره گیری حداکثری از این سنت الهی برای تحقق عدالت اجتماعی و تمدن نوین اسلامی داشته باشیم؟ آقای دکتر اگر پاسخ کوتاهی به این سؤال دارید، بفرماید.

*** حجت الاسلام و المسلمین آقای دکتر پیروزمند:** این سؤال ایشان را باید با آیات دیگر قرآن که سنن الهی را بیان می کنند، پاسخ داد. آیه وَ تِلْكَ الْآيَاتُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ می فرماید که متناسب با مقاطع مختلف تاریخ و متناسب با شدت ضعف اراده انسان ها در تبعیت از خدای متعال یا دوری از تبعیت از خداوند، این فرصت به صورت چرخشی در اختیار افراد یا امت های مختلف با جهت گیری های مختلف قرار می گیرد. در این آیه آمده است که در حال حاضر نوبت اسلام است که بیاید از این فرصت استفاده کند. اما اینکه از این فرصت چگونه باید استفاده کرد، در این آیه شریفی اشاره نشده است. در سایر آیات شریفه قرآن به این موضوع اشاره شده است.

برای نمونه آیه وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ یکی از آن سنن الهی است. اگر تقوای فردی و تقوای اجتماعی داشته باشید، در آن صورت است که شما از این فرصت استفاده کردید، چراکه

خداوند متعال وعده داده است که برکاتش را به یک جامعه متقی نازل می‌کند. آیه ان تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يَثْبِتْ أقدامکم سنت دیگر الهی است. فرصتی که در این تداول نصیب ما شده است، فرصت نصرت دین خدا صورت آشکارتر و فراگیرتری به خود پیدا کرده است. خدای متعال به ما می‌گوید که اگر شما از فرصت این‌گونه استفاده کنید که توان جمعی در نصرت دین خدا به کار گرفته شود، در این صورت خداوند متعال هم به شما نصرت خواهد داد. آیاتی از این قبیل ما را راهنمایی می‌کند که اگر فرصت در اختیار شما بود با تمسک به سنت الهی می‌توانید استفاده حداکثری را ببرید.

*جناب آقای دکتر اسحاقی: در این فرصت جناب آقای دکتر عیوضی، عضو هیئت علمی دانشگاه شاهد، در مورد ضرورت امکان و مطلوبیت مسئله شناسی تمدن نوین اسلامی با رویکرد آینده‌پژوهی بحث خودشان را ارائه خواهند کرد.

ضرورت، امکان و مطلوبیت و مسئله شناسی تمدن نوین اسلامی با رویکرد آینده‌پژوهی

*جناب آقای دکتر عیوضی: موضوع بنده در مورد ضرورت امکان و مطلوبیت مسئله شناسی تمدن نوین اسلامی با رویکرد آینده‌پژوهی است.

از آنجایی که تمدن نوین اسلامی اساساً ماهیت مطالعاتی در عرصه آینده‌پژوهی دارد، لذا همه جهت‌گیری‌هایی که در بحث تمدن نوین اسلامی مطرح می‌شود، باید در همین مسیر آینده‌پژوهی، ظرفیت‌ها، امکانات و قابلیت‌هایی که در این علم وجود دارد، به عنوان پشتوانه در نظر گرفته شود. عصر حاضر، عصر تمدن سازی است و عظمت یک تمدن این است که با ظرفیت‌های خودش بتواند مسیری که طی می‌کند، بهترین‌ها و مطلوب‌ترین مسیرها را انتخاب کند. همان‌طوری که عزیزان اشاره کردند، تمدن اسلامی از ظرفیت و قابلیت بالایی برخوردار است. در ادبیات دینی به تفصیل دغدغه تمدن سازی وجود دارد و در فرمایشات بزرگان و همچنین بیانات رهبران انقلاب اسلامی هم تأکید شده است. خداوند هم نوید داده است که وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ. مؤمنین اگر ایمان داشته باشند، حرکت به سمت تمدن سازی یک مسیر سهل و دست‌یافتی است. سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود و سه مفهوم در آن وجود دارد، بحث ضرورت، امکان و مطلوبیت مسئله شناسی تمدن نوین اسلامی است. باید مسئله شناسی تمدن نوین اسلامی در رأس امور قرار گیرد. زیرا تا زمانی که مسئله‌ها شناسایی نشوند، نمی‌توان در فضای تمدن سازی با روشنگری، با ژرف‌اندیشی و فرجام‌گرایی گام‌های مهمی برداشت. باید به مسئله شناسی عنایت جدی شود و مسئله شناسی نیز منوط به رویکرد آینده‌پژوهی است. جامعه‌ای که آینده‌نگر باشد، نقش فعال و پیشرو دارد و تلاش می‌کند آینده مطلوب را بسازد. این جامعه سعی می‌کند ارزش‌های انقلابی و هویت

اسلامی-ایرانی را در فضای چشم‌انداز آینده ببیند. بنابراین مجموعه مسئله‌هایی در این رابطه به چشم می‌خورد که باید مورد توجه قرار گیرد. ساختار منعطف، هوشمندی و آمادگی در برابر تأثیرات محیطی و اشراف بر رویدادها و روندها، روند شکنی، روند سازی و روند پذیری‌ها، اینها مباحثی است که به عنوان مقدمات ورود به این بحث باید توجه شود.

تمدن سازی اقدامات و ملاحظاتی دارد که بدون این اقدامات و ملاحظات نمی‌توان این مسیرها را طی کرد. این اقدامات و ملاحظات می‌تواند برای ما تولید مسئله کند. ظرفیت‌سازی نرم افزاری و ظرفیت‌سازی سخت افزاری، بازتعریف هویت، حکمرانی مطلوب، خودآگاهی، خودباوری و مدیریت بر خوداتکا سازی باید در مسیر تمدن سازی مورد توجه قرار گیرند. اینها مهمات معنوی حرکت به سوی تمدن سازی هستند. این ملاحظات اگر به منصف ظهور برسد می‌تواند بسترهای خوبی را فراهم کند. نهادسازی فرهنگ آینده‌نگاری، همگرا سازی چشم‌انداز و مرجعیت سازی علمی و مسائل مختلف دیگر به عنوان پیش‌نیازهای این بحث مورد توجه قرار می‌گیرد.

در حرکت از نظام اسلامی به سمت تمدن نوین اسلامی، یکسری مفاهیمی کلیدی وجود دارد که باید به آنها توجه شود. باید پیشران‌ها، عدم قطعیت‌ها، تولید روندها و مدیریت روندهای پیش رو شناسایی شوند. یکسری مجموعه مفاهیمی کلیدی در آینده‌پژوهی وجود دارد که آنها در ادبیات روز غربی حاصل نمی‌شوند و آنها به عنوان ملزوماتی هستند که خودمان باید تولید کنیم. ما باید عدم قطعیت‌های تمدنی خودمان را بشناسیم و بدانیم که

این عدم قطعیت در چارچوب چه پیشران‌هایی می‌تواند دوام داشته باشد و به شکل مطلوبی ذهنیت پیدا کند.

باید به دو نکته توجه داشت که تمدن نوین اسلام از ظرفیت بالایی برخوردار است و اینکه تمدن اسلامی امکان تحقق هم دارد. همین دو مفهوم مشخص می‌کند که چالش‌های پیش روی ما چگونه چالش‌هایی است و تبدیل به چه مسئله‌هایی می‌شود. این مسئله‌ها باید حل شوند. در اینجا به چالش‌ها اشاره نمی‌شود بلکه مسئله مورد توجه قرار می‌گیرد.

اساساً در حوزه مسئله شناسی باید به وجوه متفاوتی در عرصه اجتماعی و نظام بین‌المللی توجه داشت که اینها می‌توانند مسئله باشند. برای نمونه ماهیت تمدن سازی؛ شناسایی علت‌های در تمدن سازی؛ کارکرد ما در عرصه عمل؛ فرایند حرکت به سوی تحقق یا ساخت تمدن نوین اسلامی و اساساً ساختاری که برای تمدن سازی تعریف می‌شود، می‌توانند مسئله باشند. روندها، نگاه تکاملی به آینده، شرایط مکان، شرایط زمان و پیامدها هم می‌توانند برای ما مسئله باشند. در تمدن سازی نوین باید توجه داشته داشت که گردنه‌های متعدد و سهمگینی وجود دارد که باید از آنها عبور کرد. مسئله‌ها شرایط را به چالش تبدیل می‌کنند و چالش برای ما فرصت یا تهدید و آسیب ایجاد می‌کند.

دغدغه تمدن سازی باید از نقطه مبدأ مسئله‌ها آغاز شود و مسئله‌ها باید حل شوند. به عنوان نمونه در بحث ماهیت شنایی، یکی از مسئله‌های مهم آینده در بحث تمدن نوین اسلامی، ماهیت تمدن است. یعنی باید بتوان



ماهیت تمدنی را شناخت؛ ویژگی‌ها و مؤلفه‌های تمدنی را هم دقیقاً منطبق با شرایط جهانی تعریف کرد. سناریوهای متعددی که سناریوهای رقیب محسوب می‌شوند را می‌توان به عنوان آینده‌های تمدن ساز دید و این سیگنال‌ها امروز در منطقه جهان اسلام و دیگر محیط‌ها وجود دارد. در حال حاضر تفکر تکفیری و افراطی‌گری در جهان اسلام و تفکر پان‌ترکیسم حاکم بر نظام اسلامی سکولار به دنبال تمدن سازی هستند. حتی غرب هم به دنبال تمدن سازی برای جهان اسلام است. همه اینها از یک ماهیتی برخوردارند. بنابراین مسئله تمدن سازی ما در حوزه ماهیت با این رقبا سروکار دارد.

انقلاب اسلامی، رهبری حاکم بر جامعه ایران و مردم و ارتباطشان با فرهنگ تمدن ساز یک فرصت است. سناریوهایی متفاوتی در ماهیت شناسی وجود دارد و باید از این گردنه عبور کرد. رهبری معظم انقلاب هم به کرات، حوزه نرم افزاری و سخت افزاری تمدنی را اشاره می‌کنند و در مورد حوزه نرم افزاری تمدنی به حوزه معنوی و معرفتی تأکید می‌کند. این نگاه هستی‌شناسی است که در بحث تمدن سازی وجود دارد. این از بحث‌ها مهم تلقی می‌شود.

علت و علل تحقق تمدن نوین اسلامی چیست؟ یعنی تمدن نوین اسلامی تحت تأثیر چه علت‌هایی می‌تواند عینیت پیدا کند؟ برخی از این علت‌ها رویدادی هستند، یعنی علت‌هایی که با رویدادها می‌توانند جامعه را در مسیر یا جهت تمدن سازی سوق دهند. برخی دیگر از علت‌ها، علت‌های وجودی

و برخی دیگر هم بقا پذیری هستند. طیف‌های مختلفی وجود دارد که مسئله تولید می‌کند و باید حل شوند.

نگاه علل بقا پذیری تمدن در رابطه با انسان‌ها در این چارچوب قابل تفسیر است که در آموزه‌های دینی انسان اشرف مخلوقات محسوب می‌شود و انسان به دنبال کمال‌گرایی است. کمال واقعی است؛ کمال واقعی از رمزها و رازهایی برخوردار است و معرفت‌های خاص خودش را می‌خواهد. لذا در این فضا باید به یک محصول تبدیل شود تا این مسئله را به فرصت تبدیل کند. بنابراین در ماهیت و علت‌ها مسئله وجود دارد. یکی از علت‌های مهم تمدن سازی، ایجاد جامعه عادلانه است. یعنی تا جامعه عادلانه‌ای به عنوان چراغ فروزان پیش روی ملت‌ها شکل نگیرد، پس در این رابطه مسئله تمدنی حل نشده است. بنابراین باید روی این مسئله تأکید شود.

فرایندهای انقلاب اسلامی ایران موجب فضای گفتمان هویتی شد. این گفتمان هویتی مفاهیمی و ادبیاتی را ایجاد کرد و به ارائه اندیشه‌ها نوین و بازسازی تفکرات پرداخت. مردم‌سالاری دینی، تعبیری از رابطه دین و سیاست، حکمرانی مطلوب در چارچوب تفکر اسلامی، اساساً احیای تفکر دینی و مقوله وحدت؛ از جمله مفاهیم گفتمان هویتی محسوب می‌شوند. مسئله برای تمدن سازی این است که این مفاهیم را باید بتوان در قالب پایه‌های تمدنی به جهان عرضه کرد. این مسئله، مسئله فرایندی محسوب می‌شود؛ یعنی مسئله شناخت مراحل و مقاطع باید به صورت پیوسته و نظام‌مند باشد تا در آن چارچوب بتوان حرکت مطمئنی داشت. این اعتماد

و اطمینان در مسیر و راه در سایه اتخاذ یک فرایند دقیق و عمیق شدنی است. فرایندی که در آن، راهبردهای تمدن‌سازی بتوانند مقتدرانه مسیر را طی کنند، به تعبیری به یک فرابرد نیاز است. فرابرد و راهبرد باید در مسیر حرکت به سمت تمدن‌سازی باشد. این مسئله مهمی است که باید مورد توجه قرار گیرد.

در آینده ما با سه روند در ادبیات روند‌شناسی مواجه هستیم. ۱. روند سازی، برای تمدن‌سازی باید روند را تولید کرد. یعنی باید جریان‌های فکری انسان دوستانه با محوریت عدالت‌خواهانه و الگوهای معنادار جهانی در برابر استکبار و ظلم را باید ساخت. یکی از جلوه‌های اقتداری انقلاب اسلامی تولید روندها بوده است. بسیاری از روندهایی که در مسیر فراموشی بودند، در انقلاب اسلامی شکل گرفتند. ۲. در کنار روند سازی باید به روند شکنی، یعنی آن روندهای رقیب و دشمن در حال حرکت به سمت ایجاد تمدن نارس، غلط و انحرافی به نام تمدن مثلاً نوین اسلامی هم توجه داشت. لذا روندهای پیش‌رو را با روند شکنی که به مدیریت و تفکر انقلابی برمی‌گردد، باید از بین برد. صرفاً با ساخت روند، تمدن نوین اسلامی ساخته نمی‌شود. در کنار ساخت روندهای موجود باید روندهای رقیب را هم درهم شکست. ۳. نکته بعدی روند‌پذیری است. در آینده روندهای وجود دارند که باید این روندها را با هوشمندی و با تدبیر پذیرفت. این روندهایی که در اختیار ما قرار می‌گیرد تبدیل به فرصت می‌شوند.

مواردی بسیاری را می‌توان مثال زد. برای نمونه آمریکایی‌ها مرتباً می‌گویند گزینه‌های مربوط به ایران روی میز است. این بدین معنی است که آمریکایی روندهایی را تولید می‌کند تا بتواند ایران را در مواجهه با این روندها دچار سردرگمی کند. نمونه‌هایی متعددی در عراق، منطقه و در همه زمینه‌ها وجود دارد و اینها را پیاده کردند.

مسئله بعدی ساختارها هستند. یعنی مسئله ما برای تمدن سازی، مسئله ساختاری‌های ما هستند. یعنی نظام سیاسی، جامعه اسلامی، انقلاب اسلامی باید به ساختار مقتدر و قوی منتهی شود؛ امکان آن هم وجود دارد. زیرا اسلام به خاطر جامعیت خودش در هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی و در تأمین الزامات فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی می‌تواند یک پیکره و ساختار منسجمی را ایجاد کند. نمونه‌های آن هم وجود دارد. در عرصه نظامی بحث دفاع مقدس، در عرصه انقلاب‌ها بحث انقلاب جمهوری اسلامی ایران و در عرصه مواجهه با دشمن بحث مقاومت که امروزه در حال تبدیل شدن به یک گفتمان جهانی است، می‌باشد. پس این ظرفیت‌ها، باورها و واقعیت‌های عینی وجود دارد، لذا اگر مسئله‌ها حل شود، تبدیل به فرصت‌ها می‌شوند، چراکه ظرفیت بسیار بالاست و شرایط جهانی هم بسیار مستعد است. ولی اگر از این مسئله‌ها غفلت شود، اینها به تهدید تبدیل می‌شوند.

نکته دیگر، بحث تکامل‌شناسی است. اساساً حوزه اقتدار تمدن‌ها در تعریف آنها از غایت یا غایت‌نگری است. به طوری که غایت تفکر غربی به قول

فوکویاما این بود که غرب می‌خواهد دنیا را به سمت لیبرالیسم دموکراسی و لیبرالیسم غربی سوق دهد. همچنین تفکرهای دیگر هم به سبک و سیاق دیگری به بحث غایت‌گری توجه داشتند. اسلام هم در بحث تکامل‌شناسی نگاه بسیار عمیق و گسترده دارد. ارمان مهدویت، ارمان بسیار قابل قبول برای عقل سلیم است. مهدویت یعنی یک نظامی که در حال احیای جامعه نبوی است. به تعبیر **إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ** در تمدن‌سازی، مبدأ نبوی و مقصد آن مهدوی است. اینها ظرفیت‌های بسیار بالای تمدن‌سازی هستند. اینها مسائلی هستند که باید حل شوند. اگر گام‌های محکمی در مرحله شکل‌گیری، مرحله ظهور، مرحله رشد، توسعه و مرحله تکامل برداشته شود، تمدن‌سازی جمهوری اسلامی ایران به نگرش تعالی‌گرایانه و تعالی-خواهانه منتهی می‌شود. آیات قرآن دائماً ما را به این سمت و سو هدایت می‌کند و ادبیات رفتاری بزرگان ما هم به همین سبک است. **أَوَلَيْكَ عَلَى هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأَوَلَيْكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ** (آیه ۵ سوره بقره). **قُلْ إِنْ هَدَى اللَّهُ هُوَ الْهُدَى** (آیه ۱۲۰ سوره بقره) و **أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ** (آیه ۷۱ سوره انعام)، از جمله این آیات محسوب می‌شوند.

آخرین حوزه مسئله‌شناسی که بسیار مهم است، بحث منطقه‌الفراق تهدید امروز انقلاب اسلامی دو نکته ۱. مکان‌شناسی و ۲. زمان‌شناسی است. مکان‌شناسی و زمان‌شناسی از مهم‌ترین مسئله‌هایی است که اگر با مسئله این دو مفهوم خوب برخورد نشود، همین مسئله به تهدید تبدیل می‌شود. شناخت مکان، فضای جغرافیایی، حرکت، اقدام و تصویرسازی از بحث‌های

بسیار مهمی است که باید به آن توجه شود. فرهنگ غنی، پیشینه کهن، اصالت نژادی، سرزمین، جمعیت و حوزه نظامی از جمله فرصت‌های جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شوند. همه این ظرفیت‌ها وجود دارد اما ضروری است که این فرصت‌ها در قالب یک مرکز راهبردی جهت ظهور تمدن اسلامی به فعلیت درآید.

زمان شناسایی همین ویژگی و همین مسئله را دارد. مباحث نظری، الزامات، ملاحظات و ظرفیت‌ها، پیشینه شناسی، دشمن‌شناسی و امثالهم از اولویت‌های بخش تمدن نوین اسلامی محسوب می‌شوند، اما باید توجه داشت که اگر مسئله‌های پیش‌تدبیرانه تمدنی حل نشود، وارد عرصه چالش می‌شویم. بنابراین باید وضع موجود آسیب‌شناسی شوند و کاستی‌هایی که تاکنون در عملکردها، رفتارها و سایر موارد وجود داشته است باید شناسایی شوند. باید تلاش شود تا رویکرد مشارکتی همچنان به عنوان یک اجماع ملی در تمدن‌سازی مورد توجه قرار گیرد. چون تمدن‌سازی قرار است به عنوان اراده ملت ایران به جامعه بشری (معرفی شود)، باید تعاملات سازنده شکل بگیرد، به هویت اسلامی ایرانی و سایر مسائل این‌چنینی توجه شود تا بتوان با اطمینان راه را طی کرد.



۸. مکتب دفاعی در منظومه فکری حضرت آیت الله

العظمی خامنه‌ای مدظله العالی

*جناب آقای دکتر اسحاقی: در شبی دیگر از ایام الله دهه فجر انقلاب اسلامی در خدمت اساتید محترم و پژوهشگران گرامی هستیم، برای بررسی یکی دیگر از ابعاد مهم انقلاب اسلامی و پیشرفت‌هایی که در این

عرصه داشته است. امروز روز نیروی هوایی است. بعد از انقلاب اسلامی، ۱۹ بهمن همیشه به عنوان روز پرافتخاری که همافران کشور در بیعتی تاریخ‌ساز با امام امت توانستند صحنه ارتش مکتبی را در چشم و دل جهانیان به نظاره بنشانند و همچنان این روز گرامی داشته می‌شود. امروز هم بخشی از فرماندهان نیروی هوایی در محضر رهبری معظم انقلاب حاضر شدند و کما گذشته بیعت و ارادت خودشان را به رهبر معظم انقلاب و امام خامنه‌ای نشان دادند. امشب، به همین مناسبت، سلسله نشست‌های ایام‌الله دهه فجر، به مکتب دفاعی در منظومه فکری حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای اختصاص پیدا کرد تا یک نگاه علمی و عمیق نسبت به بخشی از ابعاد این مکتب داشته باشیم.

واقعیت این است که بحث امشب ما بیش از هر موضوع دیگری، هم اهمیت دارد و هم آثار آن را می‌شود در کشور و در منطقه مورد شناسایی قرار داد و با اندک توجهی قابل اثبات است؛ یعنی تصور مقابل آن تصدیق است و موجب تصدیق می‌شود. این مکتب فقط در نظر نیست، بلکه در عمل است، به همین خاطر در عمل موجب امنیت پایدار جمهوری اسلامی ایران شده و سایه جنگ را حقیقتاً از سر کشور دور کرد. آن چیزی که باعث دور شدن سایه جنگ از کشور شده است، همین مکتب و همین طراحی‌هایی است که در ذیل این مکتب دفاعی شکل گرفته است که از جوانب مختلف قابل بررسی است. این مکتب، نه تنها امنیت پایداری را برای کشور جمهوری اسلامی ایران به وجود آورده، بلکه به‌کارگیری آن در کشورهای همسایه هم موجب شکست نظام سلطه و صهیونیست به سرکردگی آمریکا و رژیم اشغالگر قدس و هم‌چنین هم‌پیاله‌های آن‌ها در

کشورهایی مثل عراق، سوریه، لبنان و یمن شده است. در یمن در اخبار شنیدید که آمریکا عملاً قصد کناره‌گیری گسترده از جنگ بر یمن دارد و عملاً عربستان سعودی را تنها گذاشته و عن‌قرب پیروزی مردم یمن به خاطر استقامت و دفاع جانانه‌ای که انجام دادند، اعلام خواهد شد.

بیش از همه این حقیقت و اهمیت را دشمنان می‌دانند؛ یعنی واقعیت به‌کارگیری این مکتب و سیستم دفاعی با همان آموزه‌هایی که در مکتب اسلام، برگرفته از قرآن و تعالیم اهل بیت علیهم‌السلام است، این موجب امنیت پایدار در کشور به‌گونه‌ای که هیچ‌گونه تعرضی را نتوانند به کشور انجام بدهند و وارد یک جنگی حتی محدود بشوند، به خاطر این واقعیت و این قدرت دفاعی بوده و به همین خاطر بیش از همه آن‌ها می‌دانند، چرا؟ چون در طراحی‌ها و برنامه‌ریزی‌هایشان در به‌کارگیری جنگ و تمهید آن با شیوه‌های مختلف که بر کشورها دارند، آن‌ها می‌دانند که در جمهوری اسلامی، در این سه دهه، یک قدرت و اقتدار دفاعی به وجود آمد در ابعاد نرم و سخت که اگر بخواهند وارد تعرض و جنگی بشوند، آن‌وقت یک جنگ گسترده‌ای و دفاع گسترده‌ای علیه آن‌ها به کار گرفته خواهد شد و چون قدرت دفاعی جمهوری اسلامی را در بسیج شوندگی ملت در داخل و هم‌چنین دوست‌داران انقلاب اسلامی در مناطق دیگر می‌دانند و هم‌چنین فناوری‌های دفاعی که جمهوری اسلامی با استقلال به آن‌ها دست پیدا کرده است، به همین خاطر تلاش و افری دارند که از شیوه‌های دیگری برای مهار ایران استفاده کنند و آن شیوه‌ها در بخش‌های اقتصادی است. جنگ اقتصادی را تقریباً می‌شود گفت از روزهای اول پیروزی انقلاب، آمریکا علیه ایران تحمیل کرد و گسترده‌تر کرد تا همین سال‌ها که این

تحریم‌های فلج‌کننده به اذعان آن‌ها علیه ملت ایران تحمیل شده است و هم‌چنین جنگ نرم فرهنگی و تضعیف اراده‌ها از طریق روش‌های فرهنگی و اجتماعی، به‌کارگیری لشکری از گروه‌های مختلف که بتوانند از نظر فکری و چه از نظر اجتماعی اهداف خود را بکار بگیرند و در مواقعی به‌طور هم‌زمان از همه‌ی روش‌های سخت و نرم هم بتوانند استفاده کنند. البته همیشه این تهدید بر کشور هست و به همین خاطر هوشیاری و بیداری هم لازم و ضروری است.

آن چیزی که در مکتب دفاعی امام خامنه‌ای بیش از همه مشهود است بیدار کردن ملت‌ها و آشنا کردن نیروهای اساسی دفاعی را می‌توانیم به‌صورت برجسته ببینیم. یکی از نمونه‌های بارز این مکتب و اصول آن، آیه شریفه «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» است که این کسب قدرت و اقتدار را در همه زمینه‌ها فراهم کرده است و هم‌چنین دفاع دانش‌بنیانی که باعث شده است امروز در عرصه‌های مختلف، نیروهای نظامی ما بتوانند به پیشرفته‌ترین فناوری‌ها و ابزار دفاعی در زمین و دریا و هوا و فضا دست پیدا کنند. به همین خاطر است که به‌عنوان یک قدرت دفاعی و یک قدرت اصلی که امنیت آن و این قدرت و اقتدار وابسته به بیرون نیست، بلکه درونی و ذاتی است، نزد همگان به‌ویژه دشمنان شناخته شده است.

خب این مکتب را ما می‌توانیم شناسایی کنیم به‌عنوان یک مکتب که دارای اصول، اهداف، ارزش‌ها، راهبردها، چشم‌انداز، ابزار و هم‌چنین شیوه‌های مختلفی که بتواند این مکتب را شکل بدهد و از این مکتب، شما بتوانید نظام دفاعی استخراج کنید و آن را پیاده‌سازی کنید و بکار بگیرید. مهم‌تر از همه آن است که ثمره آن را هم شاهد باشید، این خیلی اهمیت فراوانی

پیدا می‌کند. واقعیت دیگر آن است که این مکتب قابل انتقال است. امکان بررسی آن در دانشگاه‌ها و آکادمی‌های دفاعی وجود دارد و به همین خاطر باید بیش از گذشته ما به شناخت این مکتب، ترویج و تبیین آن و به‌کارگیری آن حتماً اقدام کنیم.

بحث‌های زیادی در این عرصه وجود دارد. ما امشب فرصت محدودی که داریم، در خدمت سه تن از اساتید و پژوهشگران این حوزه هستیم. جناب آقای دکتر یاسر شامانی که بحث امنیت را در مکتب دفاعی آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای بحث خواهند کرد، جناب آقای دکتر رحمان لطفی که دفاع هوشمند را در اندیشه و مکتب امام خامنه‌ای ارائه خواهند کرد و همچنین جناب دکتر محمدعلی عامری که مکتب دفاعی آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای را در حوزه‌ی انتظامی بحث خواهند کرد. ما به خاطر فرصت، این ارائه‌ها را محدود کردیم، و‌گرنه در عرصه‌های مختلف قابل ارائه است و با توجه به اینکه پژوهش‌های خوبی هم در این عرصه صورت گرفته، بنا بر این است که انشاء الله موسسه فرهنگی و پژوهشی انقلاب اسلامی وابسته به دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای (که این نشست هم از سوی آن برگزار می‌شود)، این مجموعه این مکتب را به‌صورت یک اثر قابل بررسی و استفاده، انشاء الله تهیه کند و به جامعه‌ی علمی ارائه کند.

در فرصت اول در خدمت جناب آقای دکتر شامانی هستیم که امنیت در مکتب دفاعی آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای را انشاء الله ارائه بفرمایند و عزیزان حاضر در جلسه هم اگر سؤالاتی دارند، در فرصت مقتضی در پایان ارائه سه‌گانه، چه به‌صورت مکتوب و چه به‌صورت شفاهی می‌توانند سؤالات خودشان را مطرح بفرمایند و پاسخ‌های آن را هم در حد مقدور از سوی

اساتید محترم بشنوند. از همین لحظه در خدمت جناب آقای دکتر یاسر شامانی با ارائه‌ای درباره امنیت در مکتب دفاعی آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای، هستیم.

امنیت در مکتب دفاعی حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای مدظله العالی

*جناب آقای دکتر شامانی: موضوعی که ما انشاء الله شروع خواهیم کرد و پیش خواهیم برد، دفاع و معنی دفاع را از ابعاد ژئوپولوتیک بررسی می‌کنیم. بعد نگاهی داریم به فرمایشات حضرت امام و حضرت آقا در زمینه دفاع، یک مروری داریم بر فرمایشات حضرت آقا در زمینه امنیت و درنهایت یک نتیجه‌گیری داریم که امنیت چه جایگاهی در نظر حضرت آقا و در مکتب فکری ایشان دارند.

زمانی که صحبت از دفاع و امنیت می‌شود، ما اگر نگاه ژئوپولوتیک به قضیه داشته باشیم، دو مسئله بُلد است و باید توجه کرد. اولین مسئله این است که در حقیقت ما باید نگاه کنیم که چه منطقه و چه بعد جغرافیایی در حال بررسی است. از نظر ژئوپولوتیک، وقتی مسئله‌ای می‌خواهد طرح شود و مورد بررسی قرار بگیرد، چند ناحیه ژئوپولوتیک برای آن در نظر گرفته شده که این موارد یعنی ما درنهایت خواهیم دید وقتی تعریف از دفاع می‌شود و وقتی تعریف از امنیت می‌شود، در دیدگاه‌هایی که مفهوم‌پردازی شده و خدمت شما ارائه می‌شود، این نواحی متفاوت است. اولین بحث این است که نواحی مورد بررسی ما نواحی منطقه‌ای، ملی، بین‌المللی، جهانی است و وقتی که ما بحث از دفاع را از دید ژئوپولوتیک می‌کنیم، در حقیقت ما مؤلفه‌های قدرت را در ابتدا بحث می‌کنیم. دفاع

زمانی انجام می‌شود که بین دو قدرت یک تضاد منافی وجود دارد و طرف یک بعد و یک قدرت، گاه می‌تواند یک کشور باشد، گاه می‌تواند یک جریان قدرت باشد که می‌تواند فرد باشد، گروه باشد، جناح باشد یا یک ائتلاف بین‌المللی باشد، خواستی را می‌خواهند به طرف دیگر تحمیل کنند و طرف دیگر مورد حمایت جناح‌هایی قرار می‌گیرد و یا اینکه با این اعمال اراده مقابله می‌کند. از این جهت، وقتی دفاع مطرح می‌شود، مؤلفه‌های قدرت مطرح می‌شود. در حقیقت ما باید ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، بین‌المللی، نظامی، سرزمینی و علمی مسئله را در نظر بگیریم، وقتی می‌خواهیم بحث، بحث علمی کاملی باشد.

ما مفهوم پردازی را در زمینه فرمایشات حضرت آقا در بُعد دفاع انجام دادیم که من در این جا یک اشاره‌ای به آن دارم. حضرت آقا زمانی که صحبت از دفاع می‌کند، کلماتی که در آن واژه دفاع به کار رفته، دارای وجوه مختلفی است؛ یعنی وقتی صحبت از دفاع می‌شود، این مسئله جلب توجه می‌کند که دفاع نگاه‌های مختلف و ابعاد مختلفی برای آن تعریف شده است. اولین مسئله‌ای که در بحث دفاع در دسته‌بندی صحبت‌های حضرت آقا وجود دارد، وجوه دفاع است. اولین چیزی که در بحث دفاع به ذهن ما می‌آید، بعد نظامی است، اما به ابعادی که در اینجا اشاره شده، دقت بفرمایید: دفاع سیاسی، دفاع شخصیت دینی، دفاع از سازندگی، دفاع از هویت ملی، دفاع نظامی، دفاع از عقیده، عزت ملی، دفاع همه‌جانبه، نظام سیاسی، مسلحانه، قضایی، دفاع از مردم مظلوم فلسطین، حقوق زنان، پیشرفت، احکام اسلامی، اخلاق، اقتصاد، اسلام، دفاع از مرزهای جغرافیایی، دفاع از استقلال، دفاع از شخصیت ملی.

یعنی وجوهی که در صحبت‌های حضرت آقا است که این‌ها مفهوم‌پردازی صحبت‌های حضرت آقا است. نگاه می‌کنیم، می‌بینیم وقتی صحبت از دفاع می‌شود، بحث میلیتاری و بحث نظامی نیست، منتهی وجوه مختلفی را در برمی‌گیرد. دفاع فقط متکی به این نیست که یک بعد نظامی داشته باشد. همان‌طور که ما اشاره کردیم در حوزه ژئوپولوتیک دفاع دارای ابعاد مختلف است، چون به مقوله قدرت برمی‌گردد و مؤلفه‌های سیاسی و نظامی را دارد، در صحبت‌های حضرت آقا وقتی صحبت از دفاع می‌شود، ما شاهد این هستیم که مؤلفه‌هایی که اشاره می‌شود، مؤلفه‌های بسیار گسترده‌ای است. شاید یکی دو ساختار آن به مباحث نظامی و میلیتاری برمی‌گردد.

در مقوله دفاع به ارزش‌های دفاعی، دستاوردهای دفاعی، راهکارهای دشمن جهت کاهش قدرت عوامل دفاعی، ویژگی‌های دفاع مسکوت، ضرورت دفاع، عوامل تدارک دفاع و مسئول دفاع و مؤلفه‌های تقویت‌کننده دفاع اشاره دارند. وقتی این مباحث را کنار هم قرار می‌دهیم، من تعدادی از این‌ها را جهت تبیین کلی عرض می‌کنم و بعد یک نتیجه‌گیری کلی راجع به دفاع می‌کنم و بعد از آن به سراغ بحث امنیت می‌رویم.

ارزش‌های دفاعی را، بحث ایستادگی، عدم تجاوز، در صحنه بودن، منافع ملی، مجاهدت و دفاع از تمام مسلمین بدون توجه به مذهب. بحث، بحث گلوبال و جهانی است. دستاوردهای دفاع را مطرح کردند، اثبات حقانیت، ایجاد آرامش در جامعه، خودکفایی، شکوفایی استعداد، نمایان شدن ضعف‌های دشمن و مباحث دیگر. راهکارهای دشمن جهت کاهش عوامل قدرت، یعنی بحث‌هایی که دشمن در مقابل جهان اسلام، یا مقابل کشور و

مذهب استفاده می‌کند، خلع سلاح، اختلاف و تفرقه، جدایی دین از سیاست، جدایی مردم از انقلاب، عافیت‌طلبی، لجاجت، منافع شخصی. ویژگی‌های دفاع مسکوت که بعضی‌هایش را خدمتتان عرض می‌کنم: ایستادگی آگاهانه، زیرکی، ایستادگی تا آخر، دفاع از مسئولین، ابتلاء به خود، دوری از شهوات، شناخت حق، پافشاری بر حق، هوشیاری، پاسخ به موقع و متناسب، تقویت علمی کشور، داشتن بصیرت، عدم انفعال و مؤلفه‌هایی که عنوان شده است.

بینید، وقتی بحث دفاع مطرح می‌شود، دو موضوع خیلی مهم است و جلب توجه می‌کند. مسئله اول، وقتی بحث دفاع مطرح می‌شود، بحث بحث بین‌المللی و جهان اسلام است. شما بینید یک مؤلفه‌هایی در این جا بحث می‌شود، مثلاً دفاع از مظلومین، دفاع از تمام مسلمین بدون توجه به مذهب. بینید مقوله دفاع، فقط مقوله‌ی مربوط به کشور، فرد یا اجتماعی نیست، مقوله‌ای است که نگاه بین‌المللی دارد و نگاه به مظلوم دارد که وقتی بحث مظلوم می‌آید هم ممکن است مسلمانان نباشند. دفاع از مسلمانان را در برابر ظالمین جهانی دارد.

یک نگاه است، وقتی بحث دفاع می‌شود و حضرت آقا از دفاع صحبت می‌کند، نگاهی که ایشان دارند، یک نگاه کلان، جهانی و بر اساس آموزه‌های دین مبین اسلام است. می‌دانید نگاهی که اسلام دارد، یک نگاه جهان‌وطنی است، یعنی ملیت و قومیت چندان مطرح نیست و وقتی بحث از مقوله‌ی انسان‌ها می‌شود، انسان‌ها بدون توجه به قومشان، نژادشان و رنگشان مورد توجه قرار می‌گیرند. تنها دسته‌بندی که ممکن است گاه در بحث جهان اسلام مطرح بشود، جهان کفر و جهان اسلام است، دارالکفر

و داراسلام است که قابل توجه است. در فرمایشات حضرت آقا، این مقوله کاملاً قابل مشاهده است و کاملاً قابل لمس است که بحث دفاع نگاهی جهانی دارد و تمامی مؤلفه‌های قدرت را دربر می‌گیرد، یعنی چه نظامی، چه سیاسی، چه اقتصادی، چه فرهنگی، چه اجتماعی، چه علمی و چه سرزمینی؛ یعنی تمام مقوله‌هایی که به مباحث قدرت برمی‌گردد، در بحث دفاع حضرت آقا وجود دارد.

اما ما وقتی صحبت از امنیت می‌کنیم، یک مقدار در نوع نگاه و نوع گفتمان حضرت آقا تفاوت پیدا می‌شود. کاری را ما با برخی از دوستان در مفهوم‌پردازی فرمایشات حضرت آقا در بحث امنیت انجام دادیم، نتیجه‌ای که حاصل شد، ما صحبت‌ها و فرمایشات رسمی ایشان را، چیزی که منتشر شده، به‌صورت کیفی مفهوم‌پردازی کردیم و دسته‌بندی که ایجاد شد، صحبت‌ها در ۶ دسته‌ی کلی تقسیم‌بندی شد:

دسته اول، وجوه امنیت را ایشان اشاره داشتند، دسته دوم، امنیت را زمینه‌ی پیشرفت در امور مختلف دانستند، دسته سوم به تشریح اهمیت و ضرورت امنیت اشاره داشتند، در دسته چهارم از دسته‌بندی، عوامل امنیت‌آفرین را در بیاناتشان اشاره می‌کنند و درنهایت تهدیدات امنیت، مسائل تأمین امنیت را ایشان در صحبت‌هایشان اشاره داشتند.

وقتی ما صحبت از وجوه امنیت می‌کنیم که در اینجا شما مشاهده می‌فرمایید، جوهری که در امنیت است، ما دو بعد را در صحبت‌ها می‌بینیم. این تقسیم‌بندی بر اساس ادبیات امنیتی انجام شده و شاخص‌هایی که مطرح شده را ما بر اساس تعریف آقای کوردبجان آمدیم فرمایشات حضرت آقا را دسته‌بندی کردیم، چون صحبت‌های عملی حضرت آقا با

مباحث تئوری که آقای کوردبجان مطرح می‌کردند، خیلی هم‌پوشانی داشت، چون که حضرت آقا اشرافیت کاملی به واسطه تجربیات بالایی که داشتند و به واسطه نگاه عمیق و گسترده‌ای که در مباحث امنیتی دارند، باعث شده که وقتی بررسی می‌کنیم از دو بعد خیلی جالب باشد، یکی از بعد علمی وقتی بررسی می‌کنیم می‌بینیم با نظریات علمی، بخصوص نظریات واقع‌گرایی هم‌خوانی دارد و دوم این که نکته زیبا اینجاست که اگر دقیق بشویم، تقریباً برای هر فرمایشات حضرت آقا می‌شود یک حدیثی، آیه‌ای یا یک مشی از سنت معصومین پیدا کرد که این صحبت و این سخنرانی بر اساس این حدیث یا این آیه مطرح شده و سندیت پشت پرده این آیه و حدیث است که برای ما و دوستانی که داشتیم در این زمینه کار می‌کردیم، این وابستگی و همپوشانی صحبت‌های حضرت آقا و آموزه‌های دینی که وجود دارد، خیلی جالب بود.

در زمینه‌ی امنیت ملی، مؤلفه‌هایی که وجود دارد، امنیت نظامی، انتظامی، اجتماعی، داخلی، همگانی، سیاسی، اقتصادی و اخلاقی است. در زمینه‌ی امنیت فردی، امنیت قضایی، روانی، عقیدتی، خانوادگی و خارجی (خارجی منظور خارج از حیطه‌ی فرد است). چیزی که ما می‌بینیم این است که در بحث امنیت هم همان‌طور که در بحث دفاع عرض کردیم، امنیت هم به‌عنوان یک بحث تک‌بعدی، به‌عنوان مثال در بعد نظامی، در بعد اقتصادی یا در بعد سیاسی دیده نشده است. امنیت هم یک مسئله‌ای دیده شده است که در تمامی ابعاد قدرت چه سیاسی، چه فرهنگی، علمی، سرزمینی وجود دارد و در تمام این ابعاد به آن اشاره شده است.

زمینه‌های پیشرفت امنیت را که حضرت آقا تأکید بسیار زیادی داشتند، ما به خاطر همین این قسمت را جداگانه آوردیم، به خاطر تأکیدی که در فرمایشات وجود داشت. امنیت را زمینه‌ی پیشرفت در امور مختلف دانستند، اموری مثل زندگی، مثل معنویت، مثل دانش و فناوری، مثل عدالت، سرافرازی و سربلندی. وقتی حضرت آقا در زمینه‌ی امنیت صحبت می‌کنند، در حقیقت امنیت را به‌عنوان یک بستر می‌بینند که بر این بستر بقیه مباحث می‌تواند سوار شود. در حقیقت امنیت یک زیرساخت است که باقی مباحث و زیربنایی بر روی این زیرساخت سوار می‌شود. اگر امنیت باشد، سایر روساخت‌ها هم می‌توانند باشند. اگر امنیت نباشد، مابقی روساخت‌های یک کشور و یک فرد و یک اجتماع ممکن است که نتواند به وجود بیاید. روساخت‌هایی که ممکن است رشد باشد، توسعه باشد و بقیه که در ادامه بحث خدمت شما عرض می‌کنم. ضرورت و اهمیت امنیت را (اینجا مقوله‌ای که خدمتان عرض کردم، شاید مشروح‌تر باشد)، عبارت است از این که نظم، ثروت، پیشرفت، دنیا و آخرت و تمام مباحث وابسته به امنیت است. اولین نیاز کشورهاست. پیشرفت وابسته به امنیت اجتماعی، مدنی، اخلاقی و روانی است. ببینید صحبتی که ما در بالا اشاره کردیم که در این فرمایشات حضرت آقا که آمدیم شاخه بندی کردیم و آمدیم چکیده‌اش را، شاخص‌ها را این جا آوردیم، این جا مشهود است، اینکه امنیت شرط اصلی و اولیه‌ی تمام حرکت‌هاست. لازمه‌ی نظم، اقتصاد، معیشت و سازندگی است. پیشرفت وابسته به امنیت اجتماعی، شرط حرکت اجتماعی، عزت دنیا و آخرت، نعمت بزرگ الهی، اساسی‌ترین نیاز کشور، از ارکان حیات طیبه و پایه‌ی

پیشرفت و حیات و تحول است؛ یعنی اینکه اهمیت و ضرورت امنیت در این است که اگر کشور می‌خواهد پیشرفت داشته باشد، به‌عنوان سنگ زیربنایی پیشرفت است.

در حقیقت ما در زمینه‌ی پیشرفت، دو نظریه داریم، در جغرافیای سیاسی و ژئوپولوتیکی. یکی اینکه اقتصاد زیربنای توسعه‌ی هر کشور و بعد اقتصاد منتج به امنیت می‌شود. یک رویکرد می‌گوید که امنیت زیربنا است و یک رویکرد این است که امنیت باعث اقتصاد و سپس شکوفایی می‌شود. نگاهی که در این بحث وجود دارد، برداشت بنده در این است، با توجه به فرمایشات و بیاناتی که حضرت آقا دارند، ما می‌توانیم این‌طور صحبت کنیم و نتیجه بگیریم این است که از نظر حضرت آقا، امنیت زیربنای توسعه‌ی اقتصادی و سپس پیشرفت کشور محسوب می‌شود. نبود امنیت باعث عدم پیشرفت اقتصاد و عدم پیشرفت کشور است.

عوامل امنیت آفرین را با توجه به اینکه عوامل امنیت، عوامل متعددی است، در اینجا هم عوامل متعددی قید شده است. نیروهای مسلح، کارگزاران، رسانه‌ها، انتخابات، بسیج مردمی، وحدت ملی، عبادات و نماز، امنیت فردی و بحث عقیدتی در امنیت فردی، بحث اجتماعی و مباحث امنیتی و علمی در اینجا نمود دارد، علم و فناوری، قدرت اسلامی و الهی، حجاب و آگاهی مردم جز عواملی هستند که به‌عنوان عوامل امنیت آفرین قید شده‌اند.

برای امنیت دو مسئله دیگر مهم است که بحث امنیت خاتمه پیدا کند. یک تهدیداتی که برای امنیت وجود دارد و دوم مسئولین. تهدیدات امنیت در صحبت‌هایی که صراحتاً ذکر شده را ما قید کردیم، فقر، فساد و تبعیض،

تفرقه و اختلاف، وجود مفسدان و عدم برخورد با عوامل ناامن. این‌ها عوامل تهدید امنیت حساب می‌شود و مسئول تأمین امنیت همان‌طور که امنیت برای افراد مختلف بود، عامل تأمین امنیتی در موارد مختلف، آن سازمان‌هایی هستند که آن مسئله امنیتی را تأمین می‌کنند. به‌عنوان مثال، بنده جمله را می‌خوانم و به تفسیر خدمتتان می‌گویم. ((تمام سازمان‌ها و نهادهایی که یکی از شاخص‌های امنیت، بدان مربوط می‌گردد، مسئول تأمین امنیت می‌باشد. به‌عنوان مثال، قوه قضاییه مسئول تأمین امنیت قضاست. یقیناً به طبع آن امنیت علمی کشور، با وزارت علوم، امنیت بهداشتی کشور با وزارت بهداشت، امنیت اجتماعی و انتظامی کشور با ناجا است و امنیت نظامی کشور با ارتش و سپاه پاسداران است)).

من یک نتیجه‌گیری و تفاوت در بحث امنیت و دفاع خدمت شما عرض کنم. این چیزی که ما متوجه شدیم و از فرمایشات حضرت آقا برداشت کردیم، تحلیل ما این است نگاهی که به امنیت وجود دارد، در مکتب دفاعی، نگاهی زیربنایی است. نگاهی به‌عنوان عامل زیربنایی عوامل قدرت است؛ اما وقتی صحبت از امنیت می‌شود یک تفاوتی داریم با زمانی که صحبت از دفاع می‌شود. زمانی که صحبت از دفاع می‌شود، ما هم ابعاد داخلی را داریم، هم ابعاد ملی را داریم و هم در مورد مباحث بین‌المللی و منطقه‌ای صحبت می‌کنیم. ما دفاع از مردم فلسطین را داریم، دفاع از مسلمانان جهان را داریم، دفاع از حق مظلوم را در برابر مستکبران جهان داریم، یعنی نگاه، نگاه گلوبال و نگاه جهانی است؛ اما زمانی که صحبت از امنیت می‌شود، می‌بینیم که نوع بحث به نگاه به عوامل داخلی و بستر داخلی برمی‌گردد. دیگر بحث فرا ملی را نداریم. بحث یک سطح پایین‌تر

می‌آید. امنیت ما بحث فردی را داریم، بحث گروهی و اجتماعی را داریم، بحث ملی را داریم، ولی بحث منطقه‌ای را نداریم، بحث بین‌المللی را نداریم؛ یعنی این‌طور شاید بشود نتیجه گرفت که در مکتب دفاعی حضرت آقا، بر اساس نتایجی که ما گرفتیم، بر اساس مطالعاتی که ما داشتیم، امنیت به‌عنوان یک بستری است که زمینه‌ی فعالیت کشور را، در عرصه‌های دفاعی فرا منطقه‌ای هم مهیا می‌کند؛ اما اگر قرار است کشور در عرصه‌های بین‌المللی و فرا منطقه‌ای حضور داشته باشد و بتواند دفاع را در ابعاد فردی، گروهی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی انجام بدهد، نگاهی که هست و ما درک کردیم این است که ابتدا باید امنیت را در ابعاد مختلف اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، نظامی در داخل کشور ایجاد کنیم.

از این جهت است که حضرت آقا، با توجه به رویکرد دینی که دارند، گروه‌های انسانی از اهمیت بسیار بالایی برخوردارند، ایده‌های مردم از اهمیت بسیار بالایی برخوردارند، سعی می‌کند که امنیت را در تمامی سطوح حفظ کند و نگاه به امنیت را یک نگاه فراگیر کند که با عوامل مخل آن برخورد کند و بتواند یک امنیت و ثبات در داخل ایجاد کند. برای ایجاد این، هم از عوامل سازمانی استفاده می‌شود، هم از عوامل مردمی و داخلی. ببینید عوامل قدرت آفرین را، نیروهای مسلح، کارگزاران نظام، رسانه‌ها، انتخابات، بسیج مردمی، وحدت ملی، عبادت، یعنی قدرت اسلام و الهی، آگاهی و اراده‌ی مردم، یعنی مردم را هم‌راستا کند و امنیت را نه به‌واسطه‌ی فشار، بلکه به‌واسطه‌ی جمیع عوامل که بیشترشان از طریق مردم باید ایجاد بشود، ایجاد کند.

من بحث را در دو جمله جمع‌بندی نهایی کنم. از دیدگاه بنده، امنیت بستر ایجاد مؤلفه‌های قدرت و بستر توسعه و رشد کشور است. زمانی که کشور بتواند به واسطه‌ی امنیت به آن رشد و ثبات داخلی برسد، بعد از آن می‌تواند در مباحث دفاعی، از حقوق مردمش، خودش، دوستانش، مسلمانان جهان و مظلومین جهان دفاع کند. این برداشتی است که ما در مکتب دفاعی حضرت آقا داشتیم.

***جناب آقای دکتر اسحاقی:** خیلی سپاس‌گذار هستیم از جناب آقای دکتر شامانی، ایشان فقط توانستند گوشه‌ای فقط از محورهای بحث را، ارائه کنند. عزیزان حاضر در نشست تصدیق می‌کنند که بحث خیلی گسترده است و ما فرصت‌های دیگری از اساتید محترم طلب می‌کنیم تا بحث را به صورت کامل‌تری انشاء الله ارائه کنند. بله خب واقعیت این است که بحث دفاع و امنیت، از جنبه‌های مختلف قابل بررسی است. موضوع دفاع در یک مدل خطی و ریاضی اگر بخواهیم مرور کنیم، دفاع منجر به امنیت می‌شود و امنیت موجب پیشرفت و توسعه است. پیشران توسعه و پیشرفت فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، در هر عرصه‌ای، اگر بخواهد پیشرفت صورت بگیرد، حتماً در فضای امن و با امنیت است. امنیت هم دارای ابعاد مختلفی است که مهم‌تر از همه‌ی این‌ها این است که پیشران اصلی آن که موضوع دفاع است، مورد توجه قرار می‌گیرد. دفاع هم در مکتب دفاعی امام خامنه‌ای، اشاره شد که یک دفاع یکپارچه است، همه‌جانبه است، تک‌بعدی نیست که از یک جنبه فقط بخواهید به آن توجه کنید.

موضوع دفاع مثل یک جبهه‌ای است که باید به‌طور کامل تمام نفوذ دشمن بسته بشود و در مقابل هر هجمه‌ای و هجومی و حمله‌ای باید خط دفاعی داشته باشیم؛ بنابراین شما در این مکتب دفاع را یک دفاع یکپارچه می‌بینید، امنیت را یک امنیت یکپارچه می‌بینید تا بتواند بسط‌ساز ابعاد مختلف در توسعه و پیشرفت بشود. دفاع همه‌جانبه در همه‌ی عرصه‌ها به‌صورت یکپارچه است و در این مکتب از نظر زیربنایی و بحث معرفتی، دفاع هم یک امر غریزی و طبیعی است، هم یک امر فطری است، انسان به سمت دفاع کشیده می‌شود و هم یک امر حقی و شرعی و قانونی است؛ یعنی این همه ابعادی که دفاع دارد، از هر منظری قابل پرداختن و توسعه است و به همین خاطر است که اهمیت زیادی در منظومه فکری رهبر معظم انقلاب پیدا کرده و آن چیزی که در ابتدای نشست عرض کردم که فقط یک مکتب نیست، بحث نظری، دیدگاه‌های نظری آن که اساتید محترم انجام دادند و پژوهش‌های مختلفی که صورت گرفته و الآن در اختیار است، به‌صورت عملی شاهد آن هستیم؛

یعنی این مکتب، یک نظام دفاعی همه‌جانبه‌ای است که آثار آن را شما می‌توانید در پیرامون خودتان، در پیرامون خودمان ببینیم و بیش از همه عرض کردم که این مکتب و مؤلفه‌های دفاعی را، دشمنانی که مترصد غفلت در یک گوشه‌ای هستند، می‌دانند و انشاء الله با شناخت بیشتر این مکتب و شناساندن آن و داشتن یک فرهنگ دفاعی همه‌جانبه و داشتن پیوست دفاعی در امور مختلف، این توسعه‌ی بیشتری پیدا کند. دفاع دانش‌بنیان و فرهنگ پایه‌ای که رهبر معظم انقلاب به آن روی آورده‌اند، کشور را بیمه کرده است. در هیچ عرصه و زمانی، ایران به خود ندیده بود.

خیلی سپاس‌گذاریم از جناب آقای دکتر شامانی؛ در این فرصت جناب آقای رحمان لطفی بحث خودشان را درباره‌ی دفاع هوشمند در اندیشه و مکتب امام خامنه‌ای ارائه خواهند کرد. جنگ نرم و سخت که یک دفاع هوشمند می‌خواهد و انشاء الله ارائه‌ی جناب آقای دکتر را داشته باشیم و به جنبه‌های عملی و کارکردی و کاربردی آن هم انشاء الله اشاره خواهند کرد. جناب آقای دکتر، خیلی خوش آمدید، ایام‌الله دهه فجر بر شما و خانواده‌ی محترم گرمی باشد و تبریک عرض می‌کنیم، خیلی خوشحال هستیم که در محضر شما هستیم، از دوستان انقلاب اسلامی و از موسسه‌ی پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، وابسته به دفتر حفظ و نشر آثار امام خامنه‌ای هستیم.

دفاع هوشمند در اندیشه و مکتب امام خامنه‌ای

*جناب آقای دکتر لطفی: بحث ما راجع به امنیت، بحث دفاع هوشمند در اندیشه‌ی دفاعی حضرت آقااست که انشاء الله بتوانیم این را در این وقت اندکی که اختصاص پیدا کرده، ارائه بدهیم. تشکر می‌کنم از اساتید بزرگواری که در این پنل حضور دارند، جناب آقای دکتر عامری و دکتر شامانی و تشکر ویژه از آقای دکتر شامانی که ارائه‌ی خوبی داشتند و بخشی از کار ما را مقدمتا فرمودند. بحث دفاع و امنیت را انشاء الله در خدمت شما هستیم، انشاء الله بتوانیم موضوع دفاع هوشمند را پیگیری کنیم و داشته باشیم.

خب موضوع ارائه بنده، موضوع دفاع هوشمند حضرت امام خامنه‌ای مدظله‌العالی است. بحث دفاع و امنیت و دفاع در برابر تهدید، یکی از

نیازهای اساسی و اولیه بشر است. در اندیشه‌ی دفاعی اسلام و به طبع آن اندیشه‌ی دفاعی مقام معظم رهبری، دفاع و امنیت، بخشی از سیاست و ابزاری برای سیر الی الله است؛ یعنی خودشان هدف نیستند، بلکه امنیت و کارکرد امنیت، ایمن ساختن و فراهم ساختن شرایط برای حفظ ارزش‌ها و فعلیت درآمدن آن‌هاست. با این مقدمه‌ی کوتاه وارد بحث دفاع هوشمند می‌شویم که دفاع هوشمند چه معنایی دارد و چه رابطه‌ای بین دفاع هوشمند با قدرت هوشمند، جنگ هوشمند، جنگ سخت، جنگ نرم و مفاهیم این‌چنینی وجود دارد. بعد از تبیین این واژه‌ها وارد بحث دفاع هوشمند مقام معظم رهبری خواهیم شد.

خب استحضار دارید، همان‌طور که جناب دکتر شامانی اشاره کردند، بحث‌های دفاع و امنیت ارتباط تنگاتنگی با هم دارند. وقتی ما بحث دفاع را مطرح می‌کنیم، در حقیقت جنگی وجود دارد که دفاعی شکل می‌گیرد. خب این رابطه بین جنگ و دفاع وجود دارد. وقتی جنگی مطرح می‌شود، پس قدرتی هم باید باشد که تا بتواند جنگی شکل بگیرد. پس واژه‌های قدرت، جنگ و دفاع ارتباط تنگاتنگی با هم دارند.

تقسیم‌بندی‌هایی در طول تاریخ بشر تا قرن حاضر، در خصوص قدرت، دفاع و جنگ صورت گرفته است، یعنی تکمیل شده است. در یک مقطعی قدرت، قدرت سخت بود، در یک مقطعی قدرت نرم شد و در حال حاضر به قدرت هوشمند رسیده‌ایم. همین‌طور، جنگ هم همین حالت را دارد، جنگ سخت، جنگ نرم و جنگ هوشمند و برای مقابله با جنگ و تهدید، دفاع هم شکل‌های خاصی به خود می‌گیرد. دفاع سخت، دفاع نرم و دفاع هوشمند را ما شاهد هستیم. پس این رابطه بین این واژه‌ها وجود دارد.

حالا با توجه به این ارتباطی که وجود دارد، با توجه به اینکه در جمهوری اسلامی ایران، انقلاب اسلامی که رخ داده، نیروهای مسلح هم دچار تغییراتی و تحولات و دگرگونی‌های خاصی هم شده‌اند. دچار تحول نرم‌افزاری، سخت‌افزاری و هم‌چنین بحث‌های نوین و هوشمندی شده‌اند؛ بنابراین شکی نیست که وقتی ما از نیروهای مسلح هوشمند حرف می‌زنیم، در غالب یک دفاع هوشمند معنا پیدا می‌کند. اینکه دفاع هوشمند چیست، چه اهمیتی دارد و شاخصه‌ها و مؤلفه‌های آن چیست و برای اجرای آن چه راهبردهایی وجود دارد را ما در این نشست انشاء الله بررسی و واکاوی خواهیم کرد.

بحث اول اینکه چرا راهبرد دفاع هوشمند انتخاب شد و ما در اندیشه‌ی دفاعی حضرت آقا این واژه را انتخاب کردیم و راجع به آن بحث کردیم. خوب طبیعی است که وقتی تهدیدات وجود دارد، برای مقابله با تهدیدات و جنگ‌ها، دفاع مطرح می‌شود؛ بنابراین با توجه به ماهیت و جنس تهدید است که دفاع هم تغییر پیدا می‌کند. ما در یک مقطعی دفاع سخت داشتیم، بعد دفاع نرم و جنگ نرم را برای ما راه انداختند که ما طبیعتاً در مقابل جنگ نرم، دفاع نرم را راه انداختیم و با توجه به تغییراتی که در نظام بین‌الملل رخ داده، الآن بیشتر میل به دفاع هوشمند است و جنگ هوشمند هم نیاز به دفاع هوشمند دارد.

با بررسی فرمایشات حضرت آقا و دستورات، فرامین و اوامری که ایشان در مقاطع مختلف، در دیدارهای مختلف، به مناسبت‌های مختلف ارائه دادند، ما این واژه را درصدد بررسی برآمدیم و سعی کردیم دفاع هوشمند را از این فرمایشات استخراج کنیم. ما مقدمتاً آمدیم در آیات قرآنی و

روایات و ائمه‌ی معصومین بحث دفاع هوشمند را کالبدشکافی کردیم و احصا کردیم. مهم‌ترین بحث و مهم‌ترین آیه‌ای که در مورد دفاع هوشمند و عمدتاً دفاع در قرآن وجود دارد، آیه ۶۰ سوره‌ی انفال است که به زیبایی و دقیق بحث دفاع را و مخصوصاً دفاع هوشمند را برای ما یادآوری می‌کند و در فرمایشات آقا هم می‌بینیم به کرات از این آیه استفاده کرده و در بحث‌هایی که مربوط به بحث‌های دفاعی بوده، از این آیات استفاده کرده که آیه می‌فرماید که: «و شما ای مؤمنان در مقابله با آن کافران خود را آماده کنید تا آن حد که بتوانید از آذوقه و تسلیحات و آلات جنگی و اسبان سواری زین کرده برای تهدید و تخفیف دشمنان خدا و دشمنان خودتان فراهم سازید». این آیه هم بحث دفاع را مطرح می‌کند، هم افزایش دفاع و توان دفاعی را مطرح می‌کند. به این صورت که دشمن نه تنها تصمیم به مقابله و جنگ با ما را نداشته باشد، بلکه حتی به فکرش هم خطور نکند. چون این توانمندی باید به حدی باشد که این بازدارندگی را در نیروهای مسلح ایجاد کند.

خب در همین بحث، ما احادیثی هم داریم، به‌طور اشاره‌ای چند حدیث از پیغمبر اسلام و امیر مؤمنان علی علیه‌السلام را آورده‌ایم که فقط مطلع باشید که ما این بحث هوشیاری و تحول و اینکه دفاع باید به نحو احسن صورت بگیرد، در تاریخ اسلام داریم و از پیغمبر اسلام آمده و حضرت علی علیه‌السلام هم به این اصل تأکید داشته‌اند.

جایگاه دفاع در اندیشه‌ی امام خامنه‌ای باید بررسی کنیم که دفاع اصلاً چه جایگاهی دارد. خب در آرا و اندیشه‌های رهبر معظم انقلاب دفاع از جایگاه بسیار بالایی برخوردار است. یک نکته را باید اشاره کنم که ما

وقتی در جمهوری اسلامی بحث رهبر معظم انقلاب را مطرح می‌کنیم، ایشان هم ولی فقیه هم فرماندهی کل قوا هستند؛ بنابراین وقتی فرماندهی کل قوا هستند، از بحث دفاع به نحو احسن استفاده‌ی مطلوب می‌کنند و تأکید زیادی هم بر بحث دفاع دارند. چون که حکم فقهی هم در این بحث دارند که دفاع از اسلام و مسلمین واجب است و حتی اگر مکلف طبق تشخیص خود احساس کند که کیان اسلام در خطر است، باید برای دفاع از اسلام قیام کند، حتی اگر در معرض کشته شدن باشد.

این مبانی فکری دفاع در اندیشه‌ی حضرت آقا است. علاوه بر این مبانی دینی دفاع در اندیشه‌ی مقام معظم رهبری بر اساس جهاد است و آن هم جهاد دفاعی است، نه جهاد تهاجمی. به طوری که در فرمایشی که در دانشگاه امام حسین علیه السلام داشتند، در آنجا تأکید کردند که «دفاع جزئی از هویت یک ملت زنده است. هر ملتی که نتواند از خود دفاع کند، زنده نیست. هر ملتی که به فکر دفاع از خود نباشد و خود را آماده نکند، در واقع زنده نیست. هر ملتی که اهمیت دفاع را درک نکند، به یک معنا زنده نیست». این تأکید زیادی که مقام معظم رهبری بر بحث دفاع داشتند، در این فرمایشاتشان کاملاً به چشم می‌آید.

جایگاه دفاع هوشمند را می‌خواهیم در فرمایشات حضرت آقا بررسی کنیم که دفاع هوشمند چه جایگاهی دارد. با کنکاش در فرمایشات و بیاناتی که حضرت آقا در خصوص دفاع داشتند، ما مفهوم دفاع هوشمند به مصطلح خاص خودش که ما الآن در علوم سیاسی مطرح می‌شود، به آن معنا پیدا نکردیم. ولی واژه‌ها و الفاظی را داریم که این واژه‌ها ما را می‌رسانند به آن معنایی که دفاع هوشمند دارد و می‌تواند به ما کمک کند که از طریق این

واژه‌ها به دفاع هوشمند در اندیشه‌ی دفاعی حضرت آقا برسیم. واژه‌هایی مثل بصیرت، خردمندی، زیرکی، فریب نخوردن، عاقبت‌اندیشی، فهمیدن، رصد کردن، قدرت تحلیل، فهم قضایا، شناخت لحظه‌ها، وظیفه‌شناسی، موقعیت‌شناسی، آمادگی دفاعی، آمادگی عمومی، هدفمندی، شناخت دشمن، پیشرو بودن، تقوا، امید و واژه‌های این‌چنینی که ما با بررسی این واژه‌ها و تقسیم‌بندی آن‌ها در ۴ دسته‌ی کلی، می‌توانیم مفهوم دفاع هوشمند را در اندیشه‌ی دفاعی حضرت آقا احصا کنیم که می‌توانیم این دسته‌بندی را در اسلایدهای بعدی مورد کاوش و بررسی قرار بدهیم.

اولین بند از مواردی که ما می‌توانیم دفاع هوشمند را احصا کنیم، بحث اقتضائات مفهومی است. بصیرت و خردمندی و عقلانیت در فرمایشات حضرت آقا بسیار زیاد مطرح شده است. من دو بیانات از حضرت آقا را جهت اطلاع آوردم و بحث‌ها و مطالب زیادی هم هست که به علت کمبود وقت نمی‌توان به همه‌ی این‌ها پرداخت. «دفاع هم همیشه با حالات قهریه نیست، با مشیت نیست، با تفنگ نیست، گاهی دفاع با فهمیدن است، گاهی دفاع با زبان است.» یا در مورد دیگر دفاع، «در دنیا یک جنگ عظیم و یک چالش بزرگ برپاست، توپ و تفنگ نیست، اما جنگ اراده‌ها، جنگ عزم‌ها، سیاست‌ها و تدبیرهاست». این دو بیان حضرت آقا در حقیقت این بحث مصداقی دفاع هوشمند را در حوزه‌ی دفاع هوشمند برای ما بیان کرده و به‌روشنی مشخص کرده است.

موارد مصداق بعدی در بند ((ب)) داریم که قدرت‌افکنی، آمادگی، بازدارندگی، رفع تهدید و تعرض (هستند). در اینجا باز فرمایشات زیادی

را ما شاهد هستیم که باز دو نمونه را خدمت شما آورده‌ام. یک بحث اینکه «شما باید هوشمندی خود را به کار بگیرید و شیوه‌ای که او در میان صدها احتمال پیدا کرده، شما باید به خودش برگردانید». یا جمله‌ی دیگری دارند که «حضور نیروهای مسلح، حضور هوشمندانه و آگاهانه و مقتدرانه‌ای است» در ادامه‌ی این فرمایششان دوباره همان آیه ۶۰ سوره‌ی انفال را قرائت می‌فرمایند و «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ» را دوباره می‌آورند که حضرت آقا آمادگی را یک وظیفه‌ی عمومی و ملی برای همه می‌دانند؛ اما به‌خصوص متوجه نیروهای مسلح می‌دانند که این خودش یک راهبردی برای نیروهای مسلح است.

شاخص دیگری که می‌توانیم بیاوریم، عمل به اقتضائات و شناخت لحظه‌هاست که در هوشمندی است. نیروهای مسلح باید آماده‌ی عمل به وظایف خود به‌صورت دقیق و به‌هنگام و هوشمندانه باشند و با در فرمایش دیگر می‌گویند «اگر صحنه را بشناسیم و عرصه را بشناسیم، دشمن را بشناسیم، نقشه‌ی دشمن را بدانیم، غافل‌گیر نخواهیم شد» و مصداق بعدی هم باز شناخت دشمن، استکبارستیزی و جایگاه آن با دفاع هوشمند که باز در اینجا بیانات زیادی از حضرت آقا است که دو نمونه «باید هوشیار بود، من امیدوارم که ملت ایران در شناخت دشمن اشتباه نکند و دشمن را بشناسد. سلاح او و ابتکار اصلی‌ترین سلاح است. درس‌های گذشته این کمک را به ما می‌کند که راهمان را بفهمیم، بشناسیم، تأمین‌کننده‌ها را بشناسیم، تأمین کرده‌ها را بشناسیم». این موارد، موارد بسیار مهمی است که مخصوص وضعیت حال کشور ما هم هست و تصمیماتی که مسئولین ما در موارد مختلف اتخاذ می‌کنند، می‌تواند کمک

کند که این را به عنوان یک شاخص قرار بدهند و از آن پیروی کنند و بتوانند در تصمیمات خودشان به یک جمع بندی درست برسند.

خب ما تا اینجا بحث دفاع هوشمند در اندیشه‌ی حضرت آقا را می‌توانیم به این شکل بیان کنیم که دفاع رفع تهدید دشمن با اتخاذ راهبرد مناسب است. هوشمند به معنای تحول و شناخت و بصیرت و اشراف محیط چالش‌ها و تهدیدات است و دفاع هوشمند به مفهوم این است که علم، هنر و به‌کارگیری همه‌ی ظرفیت‌ها، منابع قدرت، مادی و معنوی، آمادگی داریم به منزله‌ی مقابله با تهدیدات پیش روی نظام، همراه با هوش، بصیرت و اشراف به محیط پیرامونی باشد.

این جمع بندی از بحث خود مفهوم دفاع است، اینکه حالا در حقیقت دفاع هوشمند به ما می‌گوید که بفهمیم دشمن کیست، کجاست، چه توانایی‌هایی دارد، چه نقاط ضعفی دارد، چه نقاط قوتی دارد، ما چه نقاط ضعف‌هایی داریم، چه نقاط قوت‌هایی داریم، چه ابزارها و تجهیزاتی برای دفاع داریم، چگونه وارد کار بشویم، چگونه ابتکار عمل را در دست بگیریم و اشتباه به سمت دوست نشانه نرویم. در حقیقت همه‌ی این‌ها به ما می‌خواهد بگوید که دفاع هوشمند، علم و هنر و تدبیر و به‌کارگیری امکانات مادی و معنوی، سخت‌افزاری، نرم‌افزاری در دستیابی به اهداف ملی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران است.

این می‌تواند ماحصل دفاع هوشمند در اندیشه‌ی دفاعی حضرت آقا باشد. در ادامه‌ی بحث ما یک مدل مفهومی کاملی را در اندیشه‌ی دفاعی حضرت آقا ترسیم کردیم که دفاع هوشمند چیست، ابعادش چیست، مؤلفه‌هایش چیست، شاخصه‌هایش چیست، راهبردهای دفاع هوشمند کدام‌اند. در

بررسی که در اندیشه‌ی حضرت آقا صورت گرفته، با بررسی بیانات و فرامین متعددی که حضرت آقا در این مدت ۳۰ سال و حتی قبل‌تر که حضور در جنگ و فرماندهی جنگ را بر عهده داشتند، دفاع هوشمند را ما در دو بعد سخت و نرم می‌توانیم بررسی کنیم، یعنی دفاع هوشمند هم شامل مسائل سخت‌افزاری و هم مسائل نرم‌افزاری است. هر یک از این ابعاد سخت و نرم، دارای مؤلفه‌هایی است، مؤلفه‌های ۴ گانه‌ای است که هر کدام از آن‌ها باز دارای شاخص‌های متعددی هستند که ما به شکل محدود یکسری از شاخص‌هایشان را آوردیم. پس در بعد نرم‌افزاری دفاع هوشمند، ما مؤلفه‌ی معنوی، مؤلفه‌ی علم و فناوری، مؤلفه‌های سیاسی و مؤلفه‌های فرهنگی را داریم. هر کدام از این‌ها باز شاخصه‌هایی دارند، مثل شاخص معنوی، ایمان و توکل به خدا و تکلیف‌مداری و ایثار و شهادت جز شاخص‌های اصلی مؤلفه‌ی نرم‌افزاری دفاع هوشمند است و هم‌چنین بقیه‌ی مؤلفه‌ها دارای شاخص‌های خاص خودشان هستند.

در بعد سخت‌افزاری دفاع هوشمند هم باز، ما شاهد مؤلفه‌هایی مثل مؤلفه‌ی نظامی، مؤلفه‌ی اقتصادی، مؤلفه‌ی جغرافیایی و مؤلفه‌ی انسانی هستیم. این مؤلفه‌ها هم باز دارای شاخصه‌های متعددی هستند که تعدادی از این شاخص‌ها را آورده‌ایم. مجموع این بحث‌ها یعنی دفاع هوشمندی که برای بعد نرم و بعد سخت است و دارای مؤلفه‌های ۸ گانه‌ی معنوی، فناوری، سیاسی، فرهنگی، انسانی، جغرافیایی، اقتصادی و شاخص نظامی است. هر کدام از این‌ها دارای شاخص‌های متعددی که بیش از سی و خورده‌ای شاخص را ما اینجا آورده‌ایم که تعداد زیادی هم می‌توانستیم به آن اضافه کنیم. خوب این‌ها در مجموع دفاع هوشمندانه را در منش حضرت

آقا به ما ارائه می‌کند که ما بر اساس این ابعاد و مؤلفه‌ها و شاخص‌ها شکل گرفته است و بر همین اساس مقام معظم رهبری، فرمانده معظم کل قوا در بیانات و رهنمودها و در اوامر نظامی و فرماندهی که در سخنرانی‌هایی که در دانشگاه‌هایی که به‌ویژه نیروهای مسلح داشتند، راهبردهای متعددی را هم ارائه دادند و یا به شکل کامل این راهبرد را مطرح کردند و به نیروهای مسلح دستور دادند که این راهبرد باید به شکل اجرایی توسط نیروهای مسلح مورد استفاده قرار گیرد یا این که توصیه کردند این حوزه‌ها فعالیت شود.

۲۴ راهبرد هوشمندانه را در بحث دفاع بر اساس فرمایشات حضرت آقا ما احصا کردیم که در این اسلاید شما ملاحظه می‌فرمایید. راهبردهایش، راهبرد بازدارندگی، راهبرد دفاع همه‌جانبه، راهبرد عمق راهبردی یا بحث دفاع استراتژیک و اقتصاد مقاومتی که بحث روز است و در بحث‌های جدید (بیشتر استفاده می‌شود)، دفاع آینده‌نگر، دفاع قدرت افکنی، استحکام معنویت، تفکر بسیجی، راهبرد ترکیبی، راهبرد تهدید در برابر تهدید، راهبرد استفاده از راه‌های میان برد.

راهبردهای مختلفی که حضرت آقا فرمودند، در راهبردها خواستند که بالاخره نیروهای مسلح در این زمینه کار کنند. بسیاری از این راهبردها اجرایی شده و در حال کار است و در بحث دفاع هوشمندانه ما می‌توانیم این جمع‌بندی کامل را در فرمایشات حضرت آقا داشته باشیم و دفاع هوشمندانه به مفهوم استفاده جامع و کامل هوشمندانه از ابعاد سخت‌افزاری و نرم‌افزاری در مؤلفه‌ها، شاخص‌های مختلف ۸ گانه می‌باشد.

اگر بخواهیم یک جمع‌بندی و نتیجه‌گیری ارائه بدهیم، با بررسی فرمایشات معظم له در حوزه دفاع هوشمند، این یافته‌ها به ما نشان می‌دهد که اولاً دفاع هوشمند یک ارتباط نزدیکی با قدرت هوشمند و جنگ هوشمند دارد، دوم این که در نگاه غربی قدرت هوشمند به معنی ترکیب مناسب قدرت سخت و نرم است که هدف نهایی آن سلطه و یا جنگ است. این بحث دفاع هوشمندی که در غرب مطرح شده و از نگاه آقای جوزف مای و راسل و دیگران مطرح شده، به‌ویژه در ناتو این بحث در سال ۲۰۱۱ شروع شده، بیش‌تر این بحث در جهت جنگ و سلطه بر دیگر کشورها مطرح شده، ولی برای این که رنگ و لعاب بالاتری به آن بدهند، عنوان دفاع را به آن دادند که در حقیقت همان جنگ است.

نکته سوم این که در نگاه رهبری، کسب قدرت و اعمال آن ماهیتی استکبارستیزانه دارد؛ یعنی بحث دفاع که مطرح می‌شود، دفاع در حقیقت همان مفهوم مقابله با سلطه و استکبار و بر اساس همان نگاه حق و باطل است. نکته‌ی بعدی که توجه اصلی اندیشه‌ی رهبری، معنویت و معنویت‌گرایی بوده و امنیت محور و نه تهدید محور می‌باشد. در اندیشه‌ی حضرت آقا، بیش‌تر بحث امنیت محوری را داریم تا تهدید محوری.

آنچه که یافته‌های ما را در این پژوهش تکمیل می‌کند، نگاه هوشمندانه و ژرف‌اندیشانه در حوزه‌ی دفاعی است که در نگاه حضرت آقا ما داریم که ضمن داشتن رویکردی سه‌گانه که بیشتر دین‌مدارانه است، ایمان‌مداری با حرکت در راستای دستورات الهی است، مردم‌داری و تکیه بر توان عمومی، بازدارندگی (است). این سه مؤلفه را در اندیشه‌ی دفاعی حضرت آقا به‌ویژه دفاع هوشمندانه داریم، اندیشه‌ی دفاعی حضرت آقا دارای دو

ویژگی برجسته است. یکی تشخیص درست تهدیدات حال و آینده و تشریح آن برای مسئولین و مقامات مسئول در حوزه‌ی دفاعی و کشوری است. این را همیشه ما در فرمایشات حضرت آقا داریم، در مواقع مختلف، در زمان‌های مختلف، در مکان‌های مختلف، حضرت آقا می‌آید و تهدیدات را به شکل زیبا می‌شکافد و بیان می‌کند و می‌گوید این تهدید برای نظام و برای جمهوری اسلامی ایران وجود دارد و برای مسئولین تشریح می‌کند.

نکته‌ی بعد و مهم‌تر این که علاوه بر این که تهدیدات را می‌شناسد و شناختی نسبت به تهدیدات دارد و ارائه می‌کند، ارائه‌ی راهبردی بسیار قوی و بسیار مؤثری را هم برای مقابله با تهدیدات و تبدیل آن به فرصت‌ها در اندیشه‌ی حضرت آقا داریم که نمونه‌اش همان ۲۴ مورد راهبردی که حضرت آقا در مواقع مختلف، در مناسبت‌های مختلف، راهبردها را بیان کردند را ما شاهد هستیم.

امیدواریم که بتوانیم سربازان خوب و مفیدی برای اجرای اوامر دفاعی حضرت آقا، برای حفظ نظام و کشور و مردم در مقابل تهدیدات و جنگ دشمن باشیم. عذرخواهی می‌کنم، ببخشید که نتوانستیم به شکل صحیح و درست و دقیق، بحث هوشمندی و دفاع هوشمند را در اندیشه‌ی حضرت آقا بر شما ارائه کنیم.

*جناب آقای دکتر اسحاقی: خب از جناب آقای دکتر لطفی سپاس گذاریم، موضوع دفاع هوشمند را در اندیشه و مکتب امام خامنه‌ای مورد بررسی قرار دادند. عرض کردم که در اندیشه‌های رهبر معظم انقلاب در

ابعاد گوناگون، مجموعه‌ای از معارف را برای ما به ارمغان می‌آورد که شناخت درست آن‌ها خیلی می‌تواند کارگشا باشد. هم چنان‌که هم جناب آقای دکتر لطفی و هم جناب آقای دکتر شامانی اشاره کردند، این مکتب و این اندیشه از مبانی دینی، یعنی مبانی قرآنی و معارف اهل بیت علیهم‌السلام ریشه گرفته و به همین خاطر این نگاه قرآنی و مرجعیت قرآنی در اندیشه و عمل به گونه‌های مختلف خودش را نشان داده و می‌شود برای هر کدام از آن‌ها، آیات و روایاتی که مورد استفاده قرار گرفته است را بیاوریم و این رهبری قرآنی که گفته می‌شود و هدایت قرآنی از این مسیر صورت می‌گیرد و این‌که چگونه ما از معارف الهی بتوانیم در زمان کنونی برای نیازهای خودمان استفاده کنیم که «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمٌ» و آنجایی که می‌فرماید «و کلامکم نور و امرکم رشد». این را ما نحوه‌ی استفاده از آن را در اندیشه‌ی امامین انقلاب، امام خمینی رحمه الله علیه و امام خامنه‌ای مدظله‌العالی می‌بینیم.

خیلی از جناب آقای دکتر لطفی سپاس گزار هستیم. آخرین ارائه جناب آقای دکتر عامری، مکتب دفاع آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای در حوزه‌ی انتظامی را ارائه خواهند کرد. خوب می‌بینید که در این مکتب دفاعی، موضوع دفاع و امنیت خیلی گسترده است و در اینجا فرصتی که به وجود آمد، آقای دکتر عامری فقط در حوزه‌ی انتظامی می‌خواهند ارائه کنند. در حقیقت ما در این منظومه‌ی فکری رهبری معظم انقلاب، هم دفاعی، امنیتی، نظامی، انتظامی را در حقیقت می‌توانیم شاهد باشیم که هر کدام از آن‌ها از همان مکتب دفاعی ریشه می‌گیرند و شاخه‌بندی آن‌ها را می‌توانیم در عرصه‌های ۴ گانه‌ی که عرض کردم، شاهد باشیم و البته موضوعات ریزتری هم

هست. ما انشاء الله در فرصتی دیگر متناسب با زمان، انشاء الله یک نشست تخصصی برای پرداختن به ابعاد مختلف دفاعی خواهیم داشت. همین جا این نکته را به عزیزان حاضر در جلسه نوید بدهم که در فرصت دیگر انشاء الله به صورت جامع تری به این موضوع خواهیم پرداخت.

آقای دکتر خیلی خوش آمدید، شب شما بخیر باشد، انشاء الله در کنار خانواده‌ی محترم در صحت و سلامت باشید. ما گزارش شما را و سخنرانی شما را از این لحظه شاهد باشیم و بهره ببریم.

مکتب دفاعی آیت الله العظمی خامنه‌ای مدظله العالی در حوزه انتظامی

✽ جناب آقای دکتر عامری: خدمتتان عرضم که اولاً من ایام الله مبارک دهه فجر را تبریک عرض می‌کنم و به همین مناسبت یادآوری می‌کنم که وقتی ما در اندیشه‌ی دفاعی مقام معظم فرماندهی کل قوا سیر می‌کنیم و بررسی می‌کنیم و تحقیق می‌کنیم، می‌بینیم که دقیقاً ایشان روی نکته‌ای در اندیشه‌ی نظامی شان تأکید دارند که به دنبال نیروی انتظامی در تراز انقلاب اسلامی هستند. حالا قبل از اینکه من وارد بحث بشوم، خیلی دوست دارم در یک کلیپ که دوستان ببینند خود مقام معظم رهبری چه می‌گوید.

« تنها سازمانی هستید که در سراسر کشور در مقابل چشم مردم حضور دارید. توانایی‌های شما آبروی نظام اسلامی است. قدرت شما، رشادت شما مایه‌ی افتخار و سربلندی نظام اسلامی است. هنگامی که شما با یک جریان مفسده‌آمیز مواجه می‌شوید، مردم به چشم خودشان، تلاش شما را می‌بینند. علاوه بر این که نیاز مردم را که امنیت است، تأمین می‌کنید، برای نظام اسلامی هم آبرو تأمین می‌کنید و باید نیروی انتظامی در تراز

جمهوری اسلامی، در تراز دولت اسلامی داشته باشیم. اقتدار را با محبت و صمیمیت نسبت به مردم همراه کنید. آنچه که مهم است پایبندی به قانون است و بالاخره آنجایی که قانون است، با جرئت وارد شوید. وظیفه‌ای که قانون بر عهده‌ی شما گذاشته است، انجام دهید.»

خب ببینید، همان‌طور که ما الآن در کلیبی که پخش شد، دیدیم، دقیقاً متوجه شدیم که مقام معظم رهبری در اندیشه‌شان به دنبال تشکیل پلیس و نیروی انتظامی در تراز انقلاب اسلامی هستند و تقریباً می‌توانیم بگوییم به شاخص‌های اساسی هم اشاره کردند؛ اما خب اگر دقت کنید در همین تکه‌ای که از بیانات ایشان پخش شد، دیدیم که چقدر بر حفظ امنیت تأکید داشتند.

دوستان در بحث امنیت دفاعی و دفاع هوشمند، نظرات خیلی خوبی را ارائه کردند. در بحث امنیت انتظامی که دوستان به‌ویژه دکتر شامانی به آن اشاره کردند، دقیقاً مقام معظم رهبری، بارها و بارها تأکید می‌کنند که حفظ امنیت در جامعه جزء نعمت‌های مجهول هم هست، از وظایف نیروی انتظامی است؛ اما یک واژه‌ای را باز هم در کنار امنیت تحت عنوان امنیت اسلامی به کار می‌برند؛ یعنی آن شاخصه‌ای که ما در کشور به دنبالش هستیم، تفاوت ما با کشورهای غربی، تأمین امنیت بر جامعه‌ی اسلامی به شکل اسلامی است. پس شما ببینید در اندیشه‌ی مقام معظم رهبری، همان‌طور که در ارائه‌ی قبلی هم بود، شاخصه‌ی معنویت و اسلام می‌تواند یک تفاوتی و یک تمایز اصلی بین جامعه‌ی ما و جوامع غربی باشد.

خب ببینید مقام معظم رهبری، نیروی انتظامی را به‌عنوان یک نیروی انقلابی نام می‌برند و می‌فرمایند که نیروی انتظامی از نهادهای انقلابی

است که لازم است حتماً توقعات انقلابی از آن داشته باشیم. نیروی اجتماعی و فراگیر باشد که به دنبال حفظ و حراست از آرمان‌های انقلاب باشد، متناسب با آموزه‌های اسلامی انجام وظیفه کند، به رهنمودهای امام بزرگوارمان عمل کند.

ما الآن در دهه‌ی فجر قرار داریم، ببینید ریشه‌ی این درخت تنومندی که امام راحل برای کشور ما به ارمغان آوردند، خب نتیجه‌اش چیست؟ ما باید همان‌گونه که بیانیه گام دوم مقام معظم رهبری اشاره می‌کند، ما در ۴۰ سال گذشته کارهایی انجام دادیم که باید برای ۴۰ سال دوم در محورهایی که مدنظرشان است، برنامه‌ریزی داشته باشیم. یکی از این محورها، تشکیل نیروی انتظامی در تراز انقلاب اسلامی و رفتن به سمت آن است. خب این پلیس در تراز انقلاب اسلامی یا این نیروی انتظامی در تراز انقلاب اسلامی، وظیفه‌اش حفظ امنیت در تمامی ابعاد است. ابعادی که دوستان به‌خوبی اشاره کردند، امنیت در مرزها، امنیت در شهرها. حالا این امنیت در مرزها و شهرها در هر دو بعدش به سمت امنیت فرهنگی، اخلاقی، امنیت در فضای مجازی می‌رود.

در بیانات مقام معظم رهبری وقتی ما بررسی می‌کنیم، به کلیدواژه‌هایی ایشان اشاره می‌کنند که دقیقاً صراحتاً یک جایی ایشان می‌فرمایند که «امنیت فرقی نمی‌کند برای کیست، هر کسی در جامعه‌ی ما زندگی می‌کند، باید برایش تأمین امنیت کنیم. امنیت در خیابان‌ها، جامعه، در مناطق مسکونی، عمومیت، هر کسی مخالف نظام است، ما باید برایش تأمین امنیت کنیم، وقتی در جامعه‌ی ما زندگی می‌کند.» مسئول امنیت فضای زندگی مردم هستیم، امنیت اجتماعی، فردی، معنوی و روانی، امنیت در

شاخص‌های اسلامی و به‌ویژه اخیراً بسیار بسیار تأکید دارند به امنیت در فضای مجازی که کلیدواژه‌ای است که ایشان چندین بار در بیاناتشان به آن تأکید کرده‌اند.

اما خب وقتی فرمایشات مقام معظم رهبری را بررسی می‌کنیم یکسری راهبردهای اساسی را ما به آن دست پیدا می‌کنیم که برای رسیدن به این نیروی انتظامی در تراز انقلاب اسلامی چه چیزهایی، چه راهبردهایی در اندیشه‌ی مقام معظم رهبری دیده می‌شود. خب تقریباً ۱۴ راهبرد را من اینجا تقدیمتان کردم که ۱۰ عدد از آن‌ها فردی و سازمانی است و ۴ عدد از آن به‌ویژه مأموریتی است. یک اقتدار و صلابت معنوی و قانونی، دو برخورد مهربانانه و عاطفانه، سه استفاده از دانش روز و فناوری‌های نوین، تقویت روحیه‌ی تقوا و پاک‌دامنی، داشتن نیروی کارآمد و مستعد، چقدر به استعدادها و چقدر به نیروی جوانی حضرت آقا اشاره می‌کنند. چقدر در گام دوم به استعداد و جوان‌گرایی تأکید می‌کنند. امانت‌دار و صحیح‌العمل بودن، هوشمندی و بصیرت، دفاع هوشمند را دوستان گفتند، دفاع انتظامی هم باید هوشمند باشد.

آن شاخص‌هایی که در بعد سخت و نرم الآن جناب دکتر لطفی در دفاع اشاره کردند، اینجا هم هست؛ یعنی ما در دفاع انتظامی، شاید خیلی‌ها بگویند مگر نیروی انتظامی هم دفاع می‌کند؟ بله کارهایی که نیروی انتظامی انجام می‌دهد، یک نوع دفاع است، دفاع از امنیت است. امنیت، حریم کشور، حریم شهروندان، حریم مرزها. خب اینجا هم باید هوشمندی باشد، بصیرت باشد، قانون‌گرایی باشد. بارها و بارها مقام معظم رهبری تأکید می‌کنند که نیروی انتظامی باید مر قانون را عمل کند. نظارت

دقیق و مستمر بر عملکردش وجود داشته باشد، برنامه‌ریزی دقیق داشته باشد. ببینید هوشمندانه، باز هم هوشمندی، یعنی ما در عصر هوشمندی حضور داریم.

در بحث مأموریت، ایشان چند کلیدواژه‌ی اساسی را بارها در بحث نیروی انتظامی تأکید کردند. بحث کاهش تصادفات و تلفات جاده‌ای، بحث مبارزه‌ی جدی با فساد و شرارت‌ها، بحث کمک به تحقق اقتصاد مقاومتی که حتی در این راستا پلیس امنیت اقتصادی در سال گذشته شکل گرفت. بحث مدیریت جهادی در مأموریت‌ها را دارند.

خب، هر کدام از این راهبردها که واردش می‌شویم، می‌بینیم که چند مؤلفه است. همان‌طور که الگویی که دوستان ارائه کردند، ابعاد را گفتند، مؤلفه‌ها را گفتند، شاخصه‌ای دارد. مثلاً ما برای هر شاخصه‌هایی که جلو برویم، در بحث اقتدار و صلابت معنوی و قانونی، ببینید ایشان بارها و بارها به کلیدواژه‌هایی اشاره می‌کنند، مبنی بر اقتدار معنوی، اقتدار و معنویت بدون بی‌رحمی، استحکام و ثابت‌قدم بودن در انجام وظایف، مظهر اقتدار، عزت، بحث قاطعیت همراه با خوش‌رویی و مهربانی و کلیدواژه‌هایی که الآن من نمونه‌هایش را برای شما آورده‌ام.

در بحث استفاده از دانش روز فناوری‌های نوین، به کلیدواژه‌هایی اشاره می‌کنند. نوآوری، ابتکار، پلیس دانش‌بنیان، استفاده از تجارب پیشکسوتان، شیوه‌هایی که مهارت‌آموزی در آن است و باید به‌کارگیری شود، توجه به پیشرفت‌های علمی، بحث هوشمندسازی را بارها و بارها در ملاقات‌هایی که با فرماندهان نیروی انتظامی داشتند، به آن تأکید کردند. در بحث برخورد مهربانانه، موضوع محبت و صمیمیت با مردم توسط نیروی

انتظامی، رعایت قانون همراه با کمک به مردم. شما در مأموریت‌های مختلف می‌بینید، تصاویرش را در اینترنت می‌توانید سرچ کنید، ببینید که خیلی از جاها چقدر زیبا، وقتی یک پلیس، یک مأمور نیروی انتظامی به کمک مردم می‌رود.

در مأموریت‌های اربعین دیدیم، طرف مأمور است، بچه‌ی مردم را کول می‌کند و از روی نرده رد می‌کند. این‌ها خیلی مهم است، این‌ها تأثیرگذار است. این‌ها اندیشه‌هایی که مقام معظم رهبری در اندیشه‌هایشان القا کردند و در دید و رفتار و کردار کارکنان نیروهای انتظامی فرهنگ‌سازی کردند. خوش اخلاقی و مهربان بودن در عین اقتدار، پناه دل خائف و مظلومین. مقام معظم رهبری بارها فرمودند نیروی انتظامی باید پناه دل مردم و مظلومین باشد، اما اقتدارش را باید رعایت کند، حتماً باید داشته باشد. من بارها، یکی دو بار من سعادت داشتم در محضرشان بودم، ایشان تأکید می‌کردند که نیروی انتظامی باید اقتدار شرعی و قانونی داشته باشد. قدرت با اقتدار فرق می‌کند، این‌که آنجایی که می‌تواند قدرتش را بکار ببرد، قدرت شرعی و قانونی‌اش را بکار ببرد.

نظارت دقیق و مستمر که همیشه مورد تأکید بوده که نیروی انتظامی باید سریع باشد، بهنگام باشد، با توجه به گستردگی مأموریتی که دارد، سریع العمل باشد و نظارت مستمر و دقیق بر مأموریت‌هایش باشد. در بحث تقویت پاک‌دامنی و تقوا در نیروی انتظامی، خیلی کلیدواژه‌های زیادی ایشان در بیاناتشان دارند. در دیداری که با فرماندهان داشتند، کارکنان داشتند، در جاهای مختلف، در نیروهای مسلح، بحث سلاح علم و دین را، بحث جامعه‌ی اسلامی، بحث آن حرکت که به سمت تمدن‌سازی

داریم می‌رویم، خب بارها و بارها اشاره کردند که ما در نیروی انتظامی باید حرکت کنیم به سمت نیروی انتظامی که تمدن ساز باشد، تمدن اسلامی را بسازد، به سازندگی درونی توجه کند، به عفت و سلامت درونی توجه کند، به پاکی درون، به خودکنترلی، به ارزیابی، به تعالی بخشی و ارزش‌های انسانی و دینی. این‌ها کلیدواژه‌هایی است که در اندیشه‌ی مقام معظم رهبری بارها و بارها به آن تأکید شده است.

در بحث قانون‌گرایی دیدیم، در صحبتی که از ایشان پخش شد، چقدر تأکید کردند که با جرئت وارد شوید و قانون‌گرایی را رعایت کنید. علاوه بر اینکه قانون‌گرایی را رعایت می‌کنید، خودتان مجری قانون باشید. از طریق قانون‌گرایی کسب اقتدار کنید، یعنی از آن اقتداری که حقتان است به‌خوبی و کامل استفاده کنید. کوتاه نیابید، جلوگیری از هرگونه تخطی و تجاوز از قانون، قاطعیت بر اساس قانون، صلابت در اجرای قانون، در بحث برنامه‌ریزی دقیق و هوشمندانه فرمودند که نیروی انتظامی باید سازمانی منظم و سازمان‌یافته باشد، مبتنی بر خرد جمعی، دقیق، مستحکم، عقلانی و صحیح، برای هر نوع ناامنی برنامه داشته باشد و دنبال اولویت‌ها بگردد. هوشمندانه تمرکز کند و هدفمندانه حرکت کند. آنجایی که نیاز است را پیدا کند، تمرکز کند و اقدام انتظامی انجام دهد.

در بحث امانت‌داری، خب، امانت فردی و سازمانی، حرکت بجا و به‌موقع، رعایت درستکاری، اصول و مقررات اسلامی را رعایت کند، امانت‌دار باشد، دیانت را رعایت کند، پلیس اسلامی را رعایت کند، شاخصه‌های پلیس اسلامی و مسلمان را بداند و مسائلی مرتبط با این موضوع را رعایت کند.

در بحث مأموریت‌ها، من ۴ مؤلفه را اسم بردم، یکی دو عدد از شاخصه‌هایش را اشاره کنم، بارها و بارها مقام معظم رهبری اشاره کرده‌اند به اهمیت کاهش تعداد جان‌باختگان در تصادفات جاده‌ای، ایجاد امنیت در تصادفات جاده‌ای، پیشگیری از حوادث جاده‌ای، برای اینکه نیروی انتظامی برود بررسی کند راه‌های کاهش تصادفات جاده‌ای چیست و آن‌ها را کاربردی کند. بحث مقابله با اشرار و ناامنی، خوب، بحث افزایش ظرفیت عملیاتی برای مبارزه با اشرار.

رسیدن به پلیس در تراز انقلاب اسلامی یک پیش شرط و زمینه‌هایی را لازم دارد که چیست؟ یکی اینکه بارها و بارها در صحبت‌هایشان مقام معظم رهبری، تأکید کردند به نظم و انضباط در کارها، بی‌اعتنایی به فضاسازی‌ها، ایجاد تصویر مطلوب از ناجا، مقبولیت و جذب سرمایه اجتماعی مردم، تعامل دستگاه‌های مختلف، ایجاد حس اعتماد، خدمت بی‌منت و سلامت در نیروها.

و سه خصلت اساسی را می‌فرمایند که نیروی انتظامی باید داشته باشد، ایمان، اقتدار و هوشیاری. وقتی که این سه خصلت را داشته باشد، آن چیزی که مدنظر مقام معظم رهبری هست، حالا من دوست دارم دوباره صوت خودشان را بگذارم، اگر که پخش بشود.

« امروز، آن کسانی که در قالب نیروی انتظامی سعی می‌کنند آرامش را، امنیت را، آسایش خیال را برای آحاد شهروندان کشورمان فراهم کنند، در حقیقت به معنای واقعی کلمه مجاهدان فی سبیل الله هستند. این بسیار با ارزش است. لازمه‌ی این سمت مهم، این عنوان بزرگ این است که هر

چه که می‌توانید کار را از آسیب‌هایی که ممکن است در آن و بر آن وارد بشود، مبرا کنید.»

خب ببینید، چگونه می‌توانیم این‌ها را مهیا کنیم؟ باید ایمان داشته باشیم، اقتدار و هوشیاری داشته باشیم. همین سه خصلت اساسی که بارها و بارها در صحبت‌های مقام معظم رهبری شاهد بودیم، اگر نیروی انتظامی عمل کند، می‌توانیم بگوییم به سمت اندیشه دفاعی مقام معظم رهبری حرکت کرده و منجر به این می‌شود که به‌عنوان حسن ختام برنامه‌مان برگردیم به آن نامه‌ای که و آن پیامی که فرمانده معظم کل قوا به مناسبت هفته‌ی ناجای امسال برای فرماندهی نیروی انتظامی ارسال کردند و تشکر کردند از زحمات پرسنل نیروی انتظامی و در آن باز هم اشاره کردند که نیروی انتظامی باید اقتدار داشته باشد و در عین اقتدار باید مهربان باشد، به دنبال ابتکار باشد، به دنبال برخورد با منکرات باشد.

در اینجا اگر اجازه بدهید که به‌عنوان حسن ختام موضوعمان یک کلیپ دیگر از مقام معظم رهبری پخش کنم و شما را به خدای بزرگ بسپارم. «در یک چنین منطقه‌ی پر مسئله و پر ماجرای، شما و جوانان مسئول در این کشور توانستند امنیت را برای این کشور حفظ کنند. امنیت مثال‌زدنی را، بسیار حائز اهمیت است. من لازم می‌دانم از زحمات نیروی انتظامی در بخش‌های مختلف در مقابله‌ی با مفاسد و شرارت‌های گوناگون تشکر کنم.»

خب من تشکر می‌کنم، عذرخواهی می‌کنم، امیدوارم در این مدت زمان کمی که در اختیار من بود، توانسته باشیم حق مطلب را ادا کنیم، هرچند که مطمئناً خیلی بیشتر می‌شود روی موضوع کار کرد. مؤلفه‌ها، ابعاد و

شاخص‌هایی که وجود دارد، جای کار خیلی زیادی دارد. ولی همین قدر که ما بتوانیم در نیروی انتظامی شادی دل امام عزیزمان را به همراه داشته باشیم که باعث تشکر ایشان بشود، برایمان همین کفایت می‌کند و امیدواریم همیشه لبخند روی لب‌های ایشان ببینیم و همیشه سربازان خوبی در مسیر اجرای فرمان ایشان در راه تشکیل نیروی انتظامی در تراز انقلاب و جمهوری اسلامی ایران باشیم.

جناب آقای دکتر اسحاقی: خیلی متشکر جناب آقای دکتر عامری، به موقع هم گزارش خودتان را ارائه کردید. از همه‌ی اساتید محترم سپاس گذار هستیم. اگر حاضران در جلسه، سؤالی یا نکته‌ای دارند و می‌خواهند طرح کنند، بفرمایند تا وقت به آن‌ها داده بشود و اساتید حاضر در جلسه هم نکته یا پاسخی اگر هست، ارائه کنند. هم‌چنین اگر اساتید محترم نکته‌ی تکمیلی دارند، در این فرصت می‌توانیم خیلی کوتاه در خدمتشان باشیم. ضمن اینکه نکته‌ی تکمیلی خودشان را ارائه می‌کنند، جناب آقای دکتر شامانی، جناب آقای دکتر لطفی و هم‌چنین جناب آقای دکتر عامری که تازه از سخنرانی فارغ شدند، اگر نکته‌ای هست، در ضمن پاسخ به سؤالات می‌توانند ارائه کنند.

سوال کردند با توجه به سخنان آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای در روابط سیاست خارجی مبتنی بر آیات سوره‌ی مبارکه ممتحنه بیان شده در کتاب کلیه اندیشه‌ی اسلامی چقدر توان دفاعی هم‌تراز در راستای حفظ قلمرو از لحاظ تسلیحاتی در دستور کار قرار گرفته است؟ با توجه به اینکه نوعی خلع سلاح برای تأسیسات هسته‌ای عراق، سوریه و لیبی رخ داده، چقدر

ضروری است که بازدارندگی هسته‌ای مورد توجه قرار گیرد؟ با توجه به اینکه نوعی خلع سلاح در این کشورها صورت گرفت و سپس مورد تهاجم قرار گرفتند.

باز نکته‌ای دیگر برای دکتر شامانی، نوشتند که عدالت اجتماعی و موارد دیگر در بستر امنیت است که توسعه پیدا می‌کند تا چه اندازه در برنامه‌ریزی این بستر مورد برنامه‌ریزی قرار گرفته است؟ و سوال دیگر اینکه سیاست‌گذاری‌های کلان در حوزه‌ی امنیت نرم مثلاً امنیت معیشتی و اقتصادی در راستای دغدغه‌های حضرت آقا در چه سطحی در دستور کار است؟

سوال دیگر نوشتند نوشتند راهبرد دفاعی چگونه می‌تواند نظام را به سوی تمدن بزرگ اسلام حرکت دهد؟ یعنی یک نگاه تمدنی به بحث مکتب دفاعی دارند. تمدن‌های بزرگ جهان رویکرد تهاجمی و توسعه‌ی قلمرو داشتند.

خب اساتید محترم، جناب دکتر شامانی که در ابتدا سخنرانی‌تان را شروع کردید، الان می‌توانید هر کدام از این سؤالات که مدنظر شما باشد را پاسخ بفرمایید. همچنین (سؤالات از) جناب آقای دکتر لطفی. همچنین نوشتند با توجه به تأکیدات رهبری بر امنیت اقتصادی، نیروی انتظامی از چه جایگاهی در این زمینه برخوردار است. آقای دکتر شامانی، بفرمایید، در خدمت شما هستیم.

*جناب آقای دکتر شامانی: واقعاً بحث، بحث زیبا و جامعی بود. دوست عزیزمان سؤالی را مطرح کردند، در حقیقت دو سؤال است، یکی اینکه

بحث سوریه است و بحث بازدارندگی هسته‌ای است که با توجه به اینکه نوع خلع سلاح که در این کشورها صورت گرفته و سپس تهاجم بوده، رویکرد به بحث توازن دفاعی و توان دفاعی هم‌تراز به چه سمتی باید باشد؟

من دو نکته را عرض کنم، مسئله اول اینکه ما در بحث سیاست دفاعی و نگاهی که حضرت آقا به نقش بازدارندگی دارند، به نوعی می‌شود گفت که حضرت آقا به توازن دفاعی بسیار تأکید دارند. سیاست تهدید در برابر تهدید، یکی از سیاست‌هایی است که حضرت آقا صراحتاً بر آن تأکید دارند و در مقابله با دشمنان این مسئله را در دستوراتشان و در فرامینشان صراحتاً بیان کردند که اگر کشوری امنیت ما را تهدید کرد، به همان شکل و به همان میزان، یعنی نگاهی که هست، نگاه تعدی‌گرایانه نیست، نگاه تهاجمی نیست، متتها جواب تهدید، تهدید است، سیلی در برابر سیلی. صحبتی که خدمتتان عرض کنم در برابر عربستان داشتند، اگر خاطرتان باشد، زمانی که قضیه حجاج پیش آمد، با حفظ اتحاد بین جهان اسلام، اما تأکید داشتند که منافع کشور باید حفظ شود.

اینکه نگاه دفاعی به چه صورت باشد، دفاع برای حفظ مبانی قدرت و برای حفظ موجودیت و برای حفظ منافع کشور، اسلام و مظلومان (است)، چیزی که ما در مکتب دفاعی به آن رسیدیم. از این جهت، اگر از دست دادن توان هسته‌ای، باعث شود که این بعد قدرت از بین برود، آن چیزی که بنده فکر می‌کنم بنا بر آن آیه مبارکه‌ی «نفی سبیل»، «ولن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلاً»، یقیناً این اجازه داده نخواهد شد که با گرفتن توان هسته‌ای از کشور، زمینه‌ای مهیا بشود که کافرین بتوانند بر

مسلمین سیطره پیدا کنند. این مسئله را ما نباید فراموش کنیم، ما وارد جنگ صلیبی جدید شدیم. این کلام بنده نیست، اگر اشتباه نکنم بوش پسر در سال ۲۰۰۲ بود، اعلام کرد که جنگ صلیبی جدید شروع شده، منتها شکل آن تفاوت پیدا کرده، در جنگ‌های صلیبی مسیحیان در مقابل مسلمانان بودند، در جنگ صلیبی جدید، مسلمانان با هدایت، مدیریت، آموزش و پشتیبانی مسیحیان در مقابل مسلمانان هستند؛ یعنی مسلمان علیه مسلمان؛ یعنی چه؟ یعنی وجود داعش، یعنی وجود گروه‌های تندرو. به همین خاطر بنده گمان می‌کنم که در سیاست دفاعی حضرت آقا، از دست دادن توان هسته‌ای یک خط قرمز هست که قبلاً هم دیدیم که این کار را انجام ندادند. جدای از آن تجربیاتی هم که وجود داشته، نشان داده که هر وقت کشوری در برابر آمریکا خلع سلاح شده، دوام چندانی نداشته و هضم شده و از بین رفته است.

این مسئله‌ی اول، مسئله‌ی دوم البته دوستان یقیناً توضیح خواهند داد. سؤالی را یکی از عزیزان مطرح فرموده بودند، پرسیدند راهبرد دفاعی چگونه می‌تواند نظام را به‌سوی تمدن بزرگ اسلامی حرکت دهد؟ عزیزان، وقتی بحث تمدن به وجود می‌آید، یعنی اینکه از ایجاد فرهنگ، ادبیات و علم باید فراتر رفت. ما وقتی می‌خواهیم تمدن اسلامی را به وجود بیاوریم، باید یک شاخه‌ی جدید و یک رویکرد جدید به وجود بیاوریم. اگر قرار است که تمدن اسلامی به وجود بیاید، باید تمام مؤلفه‌های قدرت با تمدن اسلامی شکل بگیرد، یعنی ما تمدن اقتصادی اسلامی را باید داشته باشیم، سیاسی را باید داشته باشیم، نظامی را باید داشته باشیم، فرهنگی، علمی و مابقی ابعاد را باید برایش برنامه و روش

اقدام داشته باشیم. به نحوی که مابقی کشورها بیایند و از این مسلک تبعیت داشته باشند.

به همین خاطر اگر قرار است کشوری ایجاد تمدن کند، باید بتواند در تمامی ابعاد، حرف جدیدی و روش جدیدی بیاورد. این حرف جدید و روش جدید آوردن، علاوه بر مباحث علمی، علاوه بر مباحث اقتصادی، علاوه بر مباحث سیاسی، یک بعد و مؤلفه‌ی آن، مباحث نظامی است؛ یعنی باید تمدن نظامی با علم نظامی، تجهیزات نظامی، فرهنگ نظامی و رویکرد نظامی را بتوانیم ارائه کنیم که این پکیج و مجموعه‌ای که ارائه می‌شود، یک پازل تمدن ایرانی اسلامی یا تمدن اسلامی بشود. به همین خاطر در بحث اسلامی اگر آن تمدن اسلامی می‌خواهد به وجود بیاید، پازل نظامی‌اش اگر ناقص باشد، با توجه به اهمیت مؤلفه نظامی، در مجموعه‌ی روابط کشورها، می‌شود گفت تمدن اسلامی ناقص است و شاید یک مقدار در بلندمدت ابتر باشد.

جناب آقای دکتر اسحاقی: یک سؤال دیگر را هم داشتند که نقش ناجا در تأمین امنیت اقتصادی است. خب، آقای دکتر لطفی، شما اگر خواستید به همین سؤالات دکتر شامانی هم از منظر خودتان پاسخ بدهید. آقای دکتر عامری هم همین جور. در مجموع دو سه سؤال مهم طرح شده، در خدمت شما هستیم.

جناب آقای دکتر لطفی: سؤالاتی که مطرح شده، دو سه سؤال اولی که مطرح کردند، خب در بحث امنیت و عدالت بود که آقای دکتر شامانی

توضیحاتی را دادند و بحث را مطرح کردند، منتها سؤالی که بیشتر به بحث ارائه من می آمد و من باید پاسخگو باشم، بیشتر سؤالی که راهبرد دفاعی چگونه می تواند نظام را به سوی تمدن اسلامی حرکت دهد و تمدن های بزرگ جهان رویکرد تهاجمی و توسعه ای قلمرو داشتند.

خب یک توضیحاتی را جناب دکتر شامانی در این رابطه داشتند و ممنونم و برای اینکه یک مقدار کامل تر بشود، خدمت همه ی دوستان عرض کنم که راهبردهای دفاعی به خودی خود صرفاً ما را به سوی تمدن بزرگ اسلامی ما هدایت نمی کنند. بلکه مجموعه عواملی که جناب آقای دکتر شامانی هم اشاره کردند، می تواند به این بحث کمک کند. هم چنین بحث دفاع، همان طور که آقای شامانی در ارائه شان داشتند، دو رویکردی که برای توسعه، ابتدا بحث اقتصادی ما را به تمدن می رساند یا بحث امنیت یا توان نظامی ما را به تمدن می رساند، ما در جمهوری اسلامی ایران به نظر رویکرد دوم را پذیرفتیم و با افزایش قدرت دفاعی و توانمندی های دفاعی و دفاع به معنای کامل، می توانیم به سوی تمدن اسلامی حرکت کنیم و کمک کنیم که تمدن بزرگ اسلامی محقق بشود.

اینکه حتماً تمدن های بزرگ، در صورت تهاجم و یورش به دیگر کشورها توسعه پیدا کرده اند، چنین چیزی نیست. شیوه های مختلفی وجود دارد، مقام معظم رهبری، چند سال قبل، برای اینکه این تمدن بزرگ اسلامی را گسترش بدهند، نامه ای خطاب به جوانان اروپا و آمریکا زدند و بر اساس آن نامه آن ها را به بیداری، به خیزش و به شناخت اسلام و نگاه اسلامی دعوت کردند و در حقیقت همان بحث توسعه ای تمدن اسلامی است یا در بحث جبهه ای مقاومتی که جمهوری اسلامی ایران دارد حمایت می کند و

رهبری حمایت می‌کند، وضعیت مقاومتی که شکل داده، عمق‌بخشی به مرزهای جمهوری اسلامی ایران و دفاع در عمق راهبردی و استراتژیک و اینکه ما حتی مرزهایمان را علاوه بر منطقه در مرزهای جهانی، حتی در قاره‌ی آمریکا گسترش دادیم، این‌ها در حقیقت همان تمدن اسلامی یا گسترش تمدن اسلامی در حوزه‌ی دفاعی باشد و راهبردهای دفاعی می‌تواند کمک کند که تمدن اسلامی را بهتر و جامع‌تر محقق کنیم. تا اینجا من می‌توانم فقط این توضیحات را در این خصوص داشته باشم.

جناب آقای دکتر اسحاقی: بله خیلی متشکر جناب آقای دکتر لطفی، آقای دکتر عامری، این سؤالی هم که داشتند، نقش ناجا در تأمین امنیت اقتصادی، اگر نکته‌ای دارید، با توجه به گزارشی هم که جنابعالی داشتید، مکتب آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای در حوزه‌ی انتظامی تشریح کردید، این را هم یک پاسخی بفرمایید.

جناب آقای دکتر عامری: در بحث امنیت اقتصادی تا یکی دو سال گذشته، ناجا به‌صورت پراکنده در یکی از پلیس‌های تخصصی خودش به‌عنوان پلیس آگاهی، این کار را پیگیری می‌کرد؛ اما از زمانی که این ویژه و مورد تأکید مقام معظم رهبری قرار گرفت، یک پلیس مستقلاً تحت تابعیت نیروی انتظامی تحت عنوان پلیس امنیت اقتصادی شکل گرفت؛ یعنی الآن ما یک قسمتی را در نیروی انتظامی به نام پلیس امنیت اقتصادی داریم که وظیفه‌اش به‌طور خاص برخورد با مفاسد و جرائم اقتصادی است. کارهای بسیار خوبی انجام می‌دهند، درعین حال ارتباط بسیار بسیار

تنگاتنگی هم با پلیس بین‌الملل ما دارد؛ یعنی بحث اقتصادی بین‌المللی هم پیگیری می‌کنند. آن طرف، دوستان می‌بینند، در گزارشات و اخبار دوستان می‌شنوند، در بحث گمرکات، در بحث قاچاق کالا، در بحث قاچاق ارز، در بحث‌هایی که در این زمینه حالا از خرد تا کلان وجود دارد، کارهای خیلی خوبی انجام شده، علاوه بر اینکه کارهای سطحی و اجرایی انجام می‌شود، کارهای علمی خیلی خوبی هم انجام می‌شود؛ یعنی همان پلیس امنیت اقتصادی، یک مرکز تحقیقات کاربردی دارد که دارد کارهای علمی که نیازمند تدوین راهبردهای علمی در این زمینه هست را انجام می‌دهد و از مأموریت‌های پلیس امنیت اقتصادی پشتیبانی می‌کند.

***جناب آقای دکتر اسحاقی:** در رابطه با بحث دفاع و تمدن نوین اسلامی، این را عرض کنم، مسلماً تمدن یک جنبه‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری دارد و اگر بخواهد به آن نقطه‌ی مطلوب برسد که تبدیل به یک تمدن در ابعاد مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی بشود، یکی از ابعادش ابعاد نظامی، دفاعی و امنیتی است و در حقیقت داشتن یک زمینه‌های امنیت، همچنان که گفته شد، دفاع امنیت را و امنیت توسعه و پیشرفت را به دنبال دارد.

حالا اگر بخواهیم این توسعه و پیشرفت را به سمت یک تمدن گسترش بدهیم، حتماً باید آورده‌های دفاعی امنیتی خیلی گسترش پیدا کند تا فرصت تمدن‌سازی داشته باشد. با توجه به تعارض و تضادی که بین قدرت‌های بزرگ دارد و تعبیر به جنگ تمدن‌ها و درگیری‌هاست، معمولاً قدرت‌های بزرگ سعی می‌کنند که قدرت‌های دیگر را درگیر جنگ کنند و

آن‌ها را دچار فرسایش و چالش کنند که نتوانند قد علم کنند. بخشی از اهداف جنگ‌های بزرگ، همین هست که رقبای خودشان را درگیر کنند. مسلماً تمدن نوین اسلامی در مسیر خودش با چالش‌های زیادی مواجه خواهد شد و هر چه قدرت و اقتدار تأمین بشود، می‌تواند به زمینه‌های تمدنی بیشتر پرداخته بشود.

در رابطه با موضوع زیرساخت‌های امنیت که بحث عدالت اجتماعی و بحث اقتصاد و معیشت است، دکتر اشاره کردند. من هم خواستم یک نکته‌ی تکمیلی را عرض کنم که امنیت پایدار و دفاع در حقیقت، گرچه دفاع در مقابل حمله است، ولی این‌طور نیست که ما باید منتظر باشیم که حمله‌ای صورت بگیرد، یعنی حمله‌ای بالفعل باشد تا دفاع در مقابل آن صورت بگیرد، بلکه آن راهبرد دفاعی که در مکتب رهبری معظم انقلاب هست، یک راهبرد پیشگیرانه هم دارد؛ یعنی اصلاً زمینه‌ی حمله را به وجود نمی‌آورد.

ما اگر در آغاز جنگ تحمیلی در آغاز انقلاب اسلامی، درک احساس ضعف از سوی دشمن نبود، اصلاً حمله‌ای صورت نمی‌گرفت. چون احساس ضعف و فشل در نیروهای نظامی و انتظامی پیدا شد، خب طبیعی هم بود، انقلاب صورت گرفت، کسی مثل صدام که از مدت‌ها قبل کمین کرده بود، با اشاره‌ی قدرت‌های بزرگ این تهاجم و جنگ را تحمیل می‌کند. حتماً اگر این قدرت بازدارنده بود، این اتفاق نمی‌افتاد و در بحث پیشگیری هم باید توجه داشته باشیم که پیشگیری لایه‌های مختلفی دارد. پیشگیری نخستین، اولیه، ثانویه و ثالث که پیشگیری نخستین همان نکته‌ای است که زیرساخت‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، آموزشی و

نیروی انسانی، همه‌ی این‌ها تأمین می‌شود و در پیشگیری اولیه ما حقیقت دچار مشکل می‌شویم که وارد پیشگیری‌های اولیه و ثانویه و ثالث شویم. پیشگیری نخستین، اگر در مکتب دفاعی و نظامی و امنیتی مورد توجه قرار بگیرد، اصلاً زمینه‌های دیگری که دشمن بخواهد هوس حمله و تهاجم پیدا کند، نخواهد کرد و حتماً معیشت داخلی، سیاست داخلی و بحث مربوط به عدالت اجتماعی می‌تواند زمینه‌های استحکام و اقتدار و قدرت بیشتری را برای نظام به وجود بیاورد و تأثیر مستقیمی هم دارد.

۹. همبستگی و مسئولیت اجتماعی در اندیشه رهبر

معظم انقلاب اسلامی

جناب آقای دکتر اسحاقی: موضوع مسئولیت از واژه‌هایی است که دارای ابعاد فرهنگی و اجتماعی، فقهی و حقوقی، فردی و خانوادگی است. انسان نسبت به چه چیزهایی و در قبال چه چیزهایی مسئول شناخته می‌شود و باید به آنها پاسخگو باشد؟ مسئولیت از واژه‌هایی است که کاربرد فراوانی در رشته‌های مذکور دارد.

در یک تعریف بسیار بسیط، انسان در قبال اعضای خانواده، اعضای جامعه - محله و کشور- و در یک گستره وسیع‌تر، در جامعه انسانی که در آن زندگی می‌کند، مسئولیت‌هایی دارد. انسان در قبال فعالیت‌ها، کارها و وظایفی که باید ایفای نقش کند باید مسئولیت‌پذیر و پاسخگو باشد. مسئولیت‌پذیری و انجام مسئولیت‌ها یکی از ویژگی‌های انسان کامل است. در مجموعه معارف دینی، برای انسان در قبال خود، جامعه، خداوند متعال و طبیعت وظایفی وجود دارد که انسان باید اولاً آنها را بشناسد؛ ثانیاً نسبت به انجام آن وظایف با کیفیت بالا پاسخگو هم باشد و خود را عامل به آن

بداند. مسئولیت یک امری است که الزام و تعهد درونی برای انسان به وجود می‌آورد.

تمام نظام‌های تربیتی سعی دارند که فرد یا جامعه را به‌عنوان فرد و جامعه مسئول تربیت کنند. در فرایند تربیتی، انسان به گونه‌ای تربیت می‌شود که به صورت درونی در قبال فعالیت‌های لازم‌الاجرا خودش را مسئول و پاسخگو بداند. در نهاد دین و در مجموعه معارف اسلامی و الهی، شکل، قالب، نوع و الزام این مسئولیت‌پذیری و ادای این مسئولیت، از آنچه در جامعه مدرن به‌عنوان یک شهروند مسئولیت‌ها را بیان می‌کند، بسیار متفاوت است.

امروزه شاید مسئولیت‌پذیری یا مسئولیت اجتماعی را برای نهادهای مختلف بانکی، مالی، اقتصادی و کسب‌وکارهای جدیدی شنیده باشید. فعالیت کسب و کار و بنگاه‌ها به خاطر اینکه در یک جامعه‌ای که زندگی می‌کنند، ممکن است آثار و پیامدهای مخرب و منفی‌ای بر ساکنان آن منطقه داشته باشد. آنها در قبال سود و نفعی که از زندگی در آن اکوسیستم و زیست‌بوم به دست می‌آورند یا در قبال آسیب‌هایی که به دیگران زدند، سعی دارند با انجام فعالیت‌های خیر و عام‌المنفعه به گونه‌ای خودشان را مسئول بدانند و کارهایی را انجام دهند.

حتماً در تبلیغات بازرگانی شنیدید که بانک‌ها ساخت یک مدرسه را به‌عنوان مسئولیت اجتماعی خودشان تلقی می‌کنند. همچنین شرکت‌های تجاری در تبلیغات بازرگانی، کارهای عام‌المنفعه‌ای که انجام می‌دهند را در یک چرخه

سود، بازرگانی و تبلیغات بیان می‌کنند. یک انسان متدین در قبال خداوند متعال و در مجموعه معارف دینی که خودش را همیشه در نگاه، منظر و محضر خداوند متعال می‌بیند، نسبت به خود و دیگری و در ارتباط با روابط چهارگانه مطرح شده در سطور بالا، خودش را موظف و مسئول می‌داند و بدون اینکه کسی دیگر بدانند به انجام آن مسئولیت‌های مبادرت می‌ورزد. در زندگی جمعی و به ویژه در جهان امروز این مسئولیت‌ها؛ شکل، نوع، میزان و نحوی خاصی به خودش می‌گیرند. در مجموعه اندیشه و منظومه فکری رهبری معظم انقلاب در حوزه اجتماعی، واژه‌های فراوانی با بار معنایی برگرفته از معارف قرآنی و تعالیم اهل بیت (علیهم السلام) وجود دارد. یکی از آنها واژه مسئولیت اجتماعی است و انسان در جامعه‌ای که زندگی می‌کند نسبت به آن مسئولیت دارد. در واقع انسان باید متعهد به انجام آن وظایف باشد و خودش را در قبال مرجعی بالاتر از وجدان فردی یا جمعی، یعنی خالق هستی، عَلَیْهِ یُرْجَعُونَ و الی الله؛ همه چیزها به سوی خداوند باز می‌گردد، پاسخگو بداند.

این مفهوم پیشرفته در اندیشه دینی و در فکر، نظر، عمل و سیره رهبری معظم انقلاب بسیار شکوفاست. در سال‌های اخیر و در موقعیت‌های اجتماعی خاص همچون سیل و زلزله و به ویژه در دوران کرونا این واژه‌ها بیشتر از رهبری معظم انقلاب شنیده شده است که چگونه مردم، جوانان و گروه‌های اجتماعی را به انجام این مسئولیت‌پذیری و ایفای آن دعوت کردند

و حتی شیوه‌هایی از این مسئولیت را هم نشان دادند. مشاهده شد که رهبری معظم انقلاب چه حرکتی در جامعه و گروه‌های مختلف ایجاد کردند.

تمام پیمایش‌هایی که در دو سه دهه اخیر در کشور انجام شده است، میل به مشارکت اجتماعی را در سطح بالایی بین گروه‌های مختلف به ویژه جوانان نشان می‌دهد. میل به مشارکت بسیار بالاست. هر زمانی که نهادهای تبلیغی و ترویجی در جمهوری اسلامی ایران زمینه را برای مشارکت مردم به وجود آوردند، مشاهده شد که مردم شهر و روستا، باسواد و بی‌سواد، پیر و جوان، زن و مرد، کودک و بزرگسال به شکل گسترده‌ای به این مسئولیت‌پذیری پاسخ دادند. هر ساله این مسئولیت‌پذیری را می‌توان در وقایع، رویداد و حوادث مختلف مشاهده کرد.

این مشارکت، مسئولیت اجتماعی و همبستگی ملی به نحو بارزی از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی با روحیه الهی و جهادی مشاهده شد. به طوری که امام (ره) می‌فرمایند، نور الهی در کشور جلوه‌گر شده است و قدر این جلوه الهی را بدانید. جوان‌ها با تعطیلی دانشگاه‌ها، به سمت نقاط محروم روستاهای دور و نزدیک رفتند و سعی کردند که در قالب سازندگی، برای اقشار مختلف محرومی که از دوران طاغوت رنج می‌بردند، فعالیت‌های انجام دهند. در دوران جنگ و پس از جنگ هم این مشارکت‌ها تداوم یافت. آن چیزی که هر جامعه پیشرفته نیاز دارد همین احساس همبستگی ملی و همچنین مسئولیت اجتماعی است.

نخبگان باید این معنا را بشکافند و مدل‌ها و الگوهای اصلی نو به نو را به وجود آورند. اتاق‌های فکر و هیئت‌های اندیشه‌ورز و همچنین استارت‌آپ‌ها، کسب‌وکارهای نو یا به تعبیری شرکت‌های دانش‌بنیان فرهنگی و مراکز نوآوری باید به این مسئولیت و عناوین به شکل نو پردازند و با استفاده از شبکه‌های اجتماعی به گسترش آن کمک کنند. موسسه پژوهشی-فرهنگی انقلاب اسلامی وابسته به دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در در نشستی از نشست‌های تخصصی ایام‌الله دهه فجر، موضوع همبستگی و مسئولیت اجتماعی را در اندیشه رهبری معظم انقلاب با جمعی از سخنوران و پژوهشگران به بحث و گفتگوی عمومی می‌گذارد.

جناب آقای دکتر محمود قاسمی، مدیر دفتر مطالعات علوم اسلامی موسسه پژوهشیفرهنگی انقلاب اسلامی، بحث مواسات، همدلی و همبستگی در اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای را ارائه خواهند کرد. حجت‌الاسلام مهدیان نقش همبستگی و مسئولیت در تقویت نظام اسلامی را مورد بررسی قرار می‌دهند. همچنین جناب آقای حمید محمد زمانی بایسته‌های رسانه‌ای تبیین مسئولیت اجتماعی و مکتب شهید سلیمانی را ارائه خواهند کرد. از حاضران در جلسه سپاسگزاریم. انشا الله که در بخش‌های مختلف بحث و گفتگو، حضور فعالی داشته باشند. هر کدام از عزیزان مباحث خودشان را ارائه کنند تا بعد از آن دوستان بتوانند سؤالات خودشان را بپرسند. اساتید محترم هم پاسخ به این سؤالات و نکات تکمیلی را مورد توجه قرار خواهند داد.

در بخش اول، از بیانات جناب آقای دکتر قاسمی با موضوع مواسات در اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای بهره‌مند می‌شویم تا در سپهر اندیشه رهبری مقام معظم انقلاب، این موضع به نحوه شایسته و بایسته مورد شناسایی قرار گیرد.

مواسات در اندیشه حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای مدظله العالی

جناب آقای دکتر قاسمی: بحثی که در این مدت‌زمان مورد نظر است، بحث مواسات در منظومه اندیشه رهبر معظم انقلاب می‌باشد. معظم له در نیمه شعبان سال ۱۳۹۹، فرمودند: «چه خوب است که یک رزمایش گسترده‌ای در کشور به وجود بیاید برای مواسات و همدلی و کمک مؤمنانه به نیازمندان و فقرا که این اگر اتفاق بیفتد، خاطره‌ی خوشی را از امسال، در ذهن‌ها خواهد گذاشت».

مواسات به معنای مشارکت کردن و سهم کردن دیگران در رزق و معاش خود است و یک نوع همدردی با فقرا و افرادی که از شرایط اجتماعی آسیب دیدند، محسوب می‌شود. این کلمه از لحاظ ریشه‌ای، به معنای مداوا کردن مریض یا زخمی که ایجاد شده یا به معنای اندوهگین شدن بر کسی و در نهایت تعزیت و صبر دادن به آن فرد است. ریشه اصلی مواسات به هر دو بعد کمک کردن به دیگران برای رفع حزن و اندوه آنها و همچنین مشارکت دادن آنها در رزق و معاش خود است. بنابراین مواسات به معنای

همراهی کردن با دیگران جهت شریک کردن آنها در امکانات خود و همدردی با آنها در رفع آلام و اندوه است.

در اندیشه مقام معظم رهبری، مواسات صرفاً به معنای انفاق مالی هم نیست بلکه همراهی کردن با مردم هم به یک نحو، مواسات محسوب می‌شود. مواسات به معنای سهیم کردن دیگران با خود در بهره‌گیری از مواهب و امکانات زندگی مادی که در حد کفایت خود هستند، می‌باشد. تعبیری که در ارتباط با مواسات وجود دارد، به این نحو است که گاهی انسان از مازاد مال خودش به دیگران می‌بخشد و گاهی هم این شراکت و تقسیم در مقدار کفاف زندگی خود آن فرد که کفاف وی را تشکیل می‌دهد، است. قبل از اینکه انسان مالی را از خودش ببخشد یا سهمی از زندگی خودش را با دیگری تقسیم کند، دیگری را به منزله خودش می‌داند. در مواسات یک مسئله ذهنی وجود دارد، یعنی در امر مواسات قبل از اینکه شخص فعلی را رقم بزند، یک ترسیم ذهنی برای فرد شکل می‌گیرد و بر اساس آن فرد، دیگری را به منزله خودش تلقی می‌کند. لذا در حد کفاف خودش و آن چیزی که مازاد نیست را با دیگری تقسیم می‌کند.

بنابراین، گاهی انسان از مازاد مالی خودش می‌گذرد و آن را جهت پر کردن یک خلأ اجتماعی انفاق می‌کند. گاهی انسان، آنچه در حد کفاف خودش است را به مشارکت می‌گذارد و تقسیم می‌کند. این فعل و رفتار اجتماعی قبل از اینکه شکل بگیرد، به یک ذهنیت در اجتماع نیاز دارد. این ذهنیت آن است که افراد آن جامعه، دیگری را به مثابه خودشان تلقی کنند. این یک

سطح از مسئله است. سطح دیگر می‌تواند به معنای ایثار تلقی شود. یعنی انسان نه تنها از مازاد مالی خودش می‌گذرد و دارایی خود را با دیگران نصف می‌کند بلکه دیگری را بر خود مقدم می‌دارد. لذا این امر در مسئله ایثار می‌گنجد.

در بیانات رهبر معظم انقلاب در بحث مواسات آمده است که شرایط اجتماعی و این ظرفی که در آن حضور داریم نیازمند این است که تک‌تک افراد در این امر مهم مشارکت کنند و افراد و اقشار آسیب دیده را در عرصه‌ای که حضور دارند، تنها نگذارند. افراد فکر کنند که در هر نقطه‌ای و در هر سطح و قشری که حضور دارند تنها نیستند و دارای یاری‌گرانی هستند. در واقع این احساس باید در جامعه ایجاد شود که هیچ فردی از افراد جامعه فکر نکنند که در تنهایی خودش به سر می‌برد. لذا نکته مورد توجه مقام معظم رهبری این است که دیگری را باید به منزله خودمان بدانیم و از آنچه به‌عنوان کفاف و نه مازاد زندگی است را با دیگران سهیم کنیم. یعنی شرایط اجتماعی و شرایطی که در جامعه ایجاد شده است ما را به این نقطه برساند که تک‌تک افراد جامعه باید مشارکت داشته باشند و در این امر سهیم بشوند.

بحث رهبر معظم انقلاب مسبوق به سابقه بوده است. در بیانات گذشته ایشان هم وجود دارد که فاصله طبقاتی باید کاهش پیدا کند. این مأموریت فقط بر عهده دولت‌ها و حاکمیت نیست، بلکه جامعه‌ای که فضیلت‌مند و اخلاق مدار است و دیگری را به مثابه خودش تلقی می‌کند، چنین جامعه‌ای

برای کم کردن فاصله طبقاتی خودش منتظر حکومت یا دولت‌ها نخواهد بود. در چنین جامعه‌ای هر فردی به ماهوی فرد، خودش را در جایگاه مسئولیتی می‌بیند که به دنبال رفع بلیعه و معضلی است و از مواهب زندگی و امکانات مادی‌ای که در اختیار دارد، با دیگران سهیم می‌شود. لذا به غیر از اینکه دولت‌ها و حکومت برای کاهش فاصله طبقاتی در جامعه وظیفه دارند، باید در جامعه هم یک وظیفه، فضیلت و دغدغه وجود داشته باشد که افراد در مقابل دیگری بتوانند بلیعه را رفع کنند و همدردی و مشارکت داشته باشند. در چنین شرایطی افراد در جامعه اسلامی احساس تنهایی نخواهند کرد و می‌دانند که اگر آسیب و مشکلاتی برای آنها به وجود بیاید از ناحیه برادر مؤمن خودش، حمایت و پشتیبانی می‌شود.

در روایت‌ها هم به موضوع حق مؤمن بر برادرش تأکید شده است و اشاره می‌شود که مؤمن باید در فرح او شادمان و در حزن او محزون باشد. عطایای الهی که به وی بخشیده شده است را با برادر مؤمن خودش مواسات کند و ببخشد. این از حقوق مؤمنین نسبت به مؤمنین محسوب می‌شود. اگر در جامعه‌ای اخوت وجود داشته باشد و مؤمنین ولی یکدیگر محسوب شوند، در این جامعه بحث مواسات به راحتی شکل می‌گیرد. مواسات در حقیقت یک امر کاملاً مردمی است و در حیطة مردم بر مردم جریان پیدا می‌کند.

مقام معظم رهبری در بیاناتی به این مسئله اشاره کردند که معنای مواسات به مؤلفه همراهی، همکاری با دیگران، رفع دردها و اندوه‌های دیگران مربوط می‌شود و یک قسم آن بحث کمک‌های مالی است. تعریفی که مقام

معظم رهبری در نیمه شعبان گذشته مطرح کردند نیز به همین مسئله اشاره دارد. جامعه مهدوی جامعه‌ای است که در آن قسط و عدل وجود دارد و جامعه‌ای است که این مجتمع به ماهوی مجتمع عزتمند است. یعنی همه افراد آن جامعه احساس عزت می‌کنند و جامعه علم، مواسات و برادری است. بحث ولایت مؤمنین نسبت به مؤمنین و اخوت را همه افراد جامعه درک می‌کنند و بی‌تفاوتی در این جامعه معنایی ندارد.

جامعه فضیلت‌مند به فضایل اخلاقی هم به همین معناست که افراد به‌قدر امکان و کفاف زندگی خودشان در رفع بلیعه دیگری مشارکت می‌کنند. انواع کمک فکری، مالی، یدی و آبرویی صورت می‌گیرد تا محرومین که افراد صاحب درد و مشکلات هستند، احساس تنهایی نکنند و بدانند افراد و مؤمنینی در این جامعه حضور دارند که بخواهد از آنها دستگیری کنند و کفایت مالی آنها را بر عهده بگیرند.

رهبر معظم انقلاب در درس خارج فقه خودشان مکرراً این روایتی که در ادامه مطرح می‌شود را با تعابیر متعدد مورد بحث قرار دادند. یکی از وصایای رسول اکرم به امام علی (علیه السلام) این است که *يَا عَلِيُّ سَيِّدُ الْأَعْمَالِ ثَلَاثٌ خِصَالٌ*؛ سید و سرور همه کارهای نیک که انسان می‌تواند انجام دهد، شامل سه خصلت؛ انصاف، مواسات و ذکر خداوند است. مقام معظم رهبری می‌فرمایند که دو خصلت اول، در حوزه روابط اجتماعی قرار می‌گیرد. هرچه که برای خود می‌پسندید برای دیگری هم بپسندید، انصاف را در روابط اجتماعی مورد توجه قرار دهید. همچنین مواسات نسبت به برادران

ایمانی که باید یاری گر آنها بود و به آنها کمک کرد، در حیثه روابط اجتماعی مطرح می‌شود. خصلت سوم رابطه انسان با خدا و به یاد داشتن خداوند در همه حالات را نشان می‌دهد.

ایشان در تعبیری دیگر، ابتلا بزرگی که از روایات مستفاد می‌گردد را مطرح می‌کنند و می‌فرمایند، هنگامی که سه خصلت در انسان مؤمن نباشد، این فرد به ابتلای بزرگ دچار شده است. یکی از آن مؤلفه‌ها مواسات می‌باشد. یعنی آن چیزی که منحصراً در اختیار وی است و در آن زمینه نفوذ و اراده دارد، ولی دیگری را در آن سهم نمی‌کند. مسئله دوم این است که فرد انصاف نداشته باشد. ایشان این مؤلفه را به خودمحوری نسبت می‌دهند، کما آنکه در مواسات هم به همین شکل است. کسی که ملاک قضاوتش خودمحوری و منافع خود باشد، نمی‌تواند این انصاف را به منصف ظهور برساند. لذا مقام معظم رهبری می‌فرمایند سایر ابتلائی که برای مؤمنین ایجاد می‌شود، ابتلائی بزرگی نیستند، ابتلای بزرگ این است که مؤمن مواسات، انصاف و ذکر الله کثیر نداشته باشد.

بنابراین در مجموعه کارهایی که از نظر اسلام ارزش محسوب می‌شود، این سه کار از همه کارها برتری دارد. اینکه انسان بین خودش و دیگران با انصاف رفتار کند. مرتبه‌اعلای انصاف این است که انسان هیچ چیزی را برای دیگران راضی نشود، مگر اینکه برای خودش راضی باشد. در اسلام آمده است که مؤمن باید با برادر مؤمنش در اموال خود مواسات داشته باشد و همراهی کند.

مقام معظم رهبری تعبیری را مطرح می‌کنند و می‌فرمایند، معنای مواسات با مساوات متفاوت است. در نظام‌های کمونیستی، بحث برابری مطرح می‌شود ولی اسلام به اصل مواسات تأکید دارد. در جامعه اسلامی اگر کمک به دیگران از لحاظ مالی شکل بگیرد و تعمیم پیدا کند، به فرموده مقام معظم رهبری، گرسنه‌ای باقی نمی‌ماند. هرچند که ممکن است در آن حد اعلا محقق نشود، اما به هر حال محرومان از رنج فقر و درد گرسنگی نجات پیدا می‌کنند و می‌دانند که حامی‌ای دارند. مقام معظم رهبری اشاره می‌کنند، البته در جوامعی که اسلام بر آنها حاکم است، تا حدود زیادی این مواسات وجود دارد. اطعام‌ها، افطاری‌ها، صدقات، نذری‌ها و انفاقاتی که خیرین انجام می‌دهند، همه اینها لمحهای از لمحات اصل مواسات تلقی می‌شوند. مقام معظم رهبری در یک تعبیر دیگری در درس خارج خودشان می‌فرمایند که شخصی به نام انباری یک نامه‌نگاری با امام رضا (علیه السلام) انجام داده است و می‌گوید که من ۱۴ سال با امام رضا (علیه السلام) نامه‌نگاری کردم و از آن حضرت خواستم که به بنده اذن ورود به داخل تشکیلات حکومت را بدهند، اگر این کار را انجام ندهم و اجازه ندهید، ممکن است که منجر به قتل من شود. حضرت سه شرط را در جواب این فرد مطرح می‌کنند. اولاً وقتی عامل و کارگزار آنها شدید، به شریعت عمل کن؛ ثانیاً، اعوان و انصار خودت را از اهل ملت خودت - یهود یا نصارا نباشد یا اینکه شیعه استخدام شود - انتخاب کن؛ ثالثاً، با فقرا مؤمن مواسات کن.

تعبیری که مقام معظم رهبری در این زمینه مطرح می‌کنند، بسیار جالب است؛ ایشان می‌فرمایند مثل یکی از فقرا زندگی کنید. شهید مطهری هم می‌گوید، هم‌رنگ مردم زندگی کنید. سطحی از مواسات این است که باید مثل فقرا زندگی کرد. اگر کارگزار و عامل حکومت شدید، هر اموال و مواهب مادی که در اختیارت قرار می‌گیرد، باید مختصری خرج خودت شود و بقیه به فقرای مؤمن داده شود. اگر فردی این‌گونه عمل کند؛ حضرت می‌فرماید در این صورت داخل تشکیلات حکومت شدن، اشکالی ندارد و این کار تو می‌تواند کفاره گناه قرار گرفتن در خدم و حشم سلطان جائز، محسوب شود.

رهبر معظم انقلاب در تعبیر دیگری، انصاف داشتن و مشارکت با مردم را به‌عنوان یکی از دشوارترین کارهایی می‌دانند که بر عهده مؤمنین قرار داده شده است. ایشان در تعبیر دیگری می‌فرمایند، فردی به نام زیاد قندی، پیش حضرت می‌آید و می‌گوید که من کارمند دستگاه خلافت شدم. حضرت با لحن توبیخ و گلایه می‌فرمایند، شما چرا کارمند و کارگزار اینها شدید؟ آن فرد در توجیه کار خودش می‌گوید من فرد ابرو داری هستم و به پول نیاز دارم، به همین دلیل استخدام شدم. اما درآمد حاصل از این کار را با برادران ایمانی و شیعیان مواسات می‌کنم. حضرت در پاسخ، کار وی را نفی و تائید نکردند. ایشان می‌فرمایند آن مشکلی را که تو برای برادران دینی‌ات بر طرف می‌کنی، خداوند این قدرت را دارد که آنها را برطرف کند؛ اما اگر از ناحیه



تو در دستگاه جائر وزری (گناه) برای دیگران ایجاد کنی آن وزر بر گردن خودت آویخته می‌شود و آن را نمی‌توان مرتفع کرد.

مواسات برادران ایمانی خود که یکی از فضائل و وظایف انسانی ما محسوب می‌شود، صرفاً محدود به کمک‌های مادی و مالی نمی‌شود. نشستن در کنار فرد آسیب دیده و شنیدن درد و رنج آنها و همچنین انجام کمک‌های مالی، فکری، یدی و آبرویی در حوزه مواسات قرار می‌گیرد. گاهی یک فرد ابروی خودش را قرار می‌دهد تا برای مستضعفین جلب توجهی ایجاد شود، این هم به‌عنوان مواسات محسوب می‌شود.

در روایات دیگر، فردی به نام عاصم به خدمت امام کاظم (علیه السلام) رفتند. حضرت می‌فرماید یا عاصم کیف أنتم فی التواصل والتواسی؟؛ در زمینه مراوده و همیاری کردن با یکدیگر شما چگونه هستید؟ به شرح ما وقع می‌خواهم بدانم. به امام کاظم گفتم، به بهترین شکلی که یک نفر می‌تواند آنگونه باشد. حضرت می‌فرمایند، آیا این‌گونه است که فردی از شما در هنگام تنگ‌دستی به دکان و منزل برادر خودش برود، دخل آن را بیرون بکشد و آنچه را که نیاز دارد را بردارد ولی بردارش به او اعتراض نکند؟ عاصم می‌گوید نه این‌گونه نیست. حضرت می‌فرمایند، در مراوده با یکدیگر آن‌گونه که من دوست دارم نیستید. یعنی آن ذهنیت هنوز شکل نگرفته که در جامعه مهدوی باید به آنجا برسیم. لذا یکی از آثار مواسات با اخوانا این است که تقرب الی الله ایجاد می‌شود. بدین معنی که من با مواسات به مبدأ علا تشبه یا شباهت پیدا می‌کنم و با این مواسات جلب رحمت الهی صورت

می‌گیرد. کسی که فقیری را در مال خودش سهیم کند و با مردم منصفانه رفتار کند، این مؤمن حقیقی محسوب می‌شود و ایمان در جان‌ش قرار گرفته است. در تعابیر دیگر، امام باقر می‌فرماید اگر کسی را یاری می‌کردید شما هیچ‌گاه نیازمند نمی‌شدید.

مواسات انواع مختلفی دارد و صرفاً مواسات مالی نیست. البته بخش زیادی از روایات به مواسات مالی اشاره دارند. حضرت می‌فرماید اگر کسی ثروتی داشته باشد و به مستمندان توجهی نداشته باشد، اینها شیعه ما نیستند. در واقع اگر مواسات وجود نداشته باشد، اینها شیعه واقعی ما محسوب نمی‌شوند. البته سطحی از مواسات در حیطه خانوادگی است که در روایات و در منطق پشتیبان وجود دارد و سطحی از مواسات هم در حوزه علم است. حضرات معصومین می‌فرمایند کفالت یتیمی از ما را -کسی که در رنج غیبت ماست- بر عهده بگیرد؛ یعنی از علوم و معارف ما آنها را ارشاد کنید، این مواسات در حوزه علمی و معرفتی را نشان می‌دهد.

حضرت امام در تحریر الوسیله اشاره می‌کنند که در صدقات مستحبی، صدقه پنهانی افضل است و تحقیقاً وارد شده است که صدقه پنهانی غضب پروردگار را خاموش می‌کند. به طوری که آن همچون آبی است که بر آتش خشم الهی ریخته می‌شود. حضرت امام در اینجا یک نکته‌ای را مطرح می‌کنند و می‌فرمایند، اگر کسی متهم به ترک مواسات شود و بخواهد تهمت را از خودش دفع کند، یا قصد اقتدا نمودن دیگری را داشته باشد، آشکار دادن این صدقه مستحبی مانعی ندارد و مخفی ماندن آن هم تأکید نشده



است. یعنی باید کاری کرد که افراد دیگر یاد بگیرند و این فرهنگ عمومی سازی شود. از دوستان عذرخواهی می‌کنم. با توجه به محدودیت زمانی نمی‌توان به همه مباحث پرداخت. لذا به همین مباحث بسنده می‌کنم، انشاء الله در بخش بعدی اگر فرصتی بود در خدمت دوستان و اساتید هستم.

***جناب آقای دکتر اسحاقی:** از جناب آقای دکتر قاسمی تشکر می‌کنیم که بخشی از مجموعه منظومه فکری رهبر معظم انقلاب در حوزه مسائل اجتماعی با محوریت همبستگی و مسئولیت اجتماعی را ارائه کردند. البته بحث خیلی مفصل و پردامنه است. انشاء الله کار علمی‌ای که در دست گرفتند، در خدمت عزیزان و اندیشه‌ورزان قرار بگیرد. در این فرصت در خدمت حجت‌الاسلام مهدیان با موضوع نقش همبستگی و مسئولیت در تقویت نظام اسلامی هستیم که بحث خودشان را ارائه خواهند کرد.

نقش همبستگی و مسئولیت در تقویت نظام اسلامی

حجت‌الاسلام آقای مهدیان: اندیشه انسجام و وحدت جامعه، اندیشه‌ای است که از مفهوم توحید نشات می‌گیرد، لذا یک مفهوم مقدسی است. وحدت صرفاً یک رفتار یا سازوکار ابزاری صرف برای رسیدن به نتایج در نظر گرفته نمی‌شود، بلکه وحدت یک مفهوم مقدس در فضای اندیشه دینی است و ریشه در مفهوم توحید دارد. این جمله را حضرت امام در کتاب آداب الصلاة خودشان دارند که توحید فقط به معنای یگانه دانستن خدا

نیست، بلکه توحید اساساً به معنای یگانه شدن است. توحید از باب تفعیل و به معنای ضرورت به سمت وحدت است. اساساً حرکت به سمت خدا - الی الله المصیر - یعنی حرکت به سمت آن ذاتی که دارای اوصاف و صفاتی است و باید تلاش کرد تا به آن صفات در جان خودمان و همه عالم ظاهر و باطن دست پیدا کنیم. در واقع آن اوصاف را در عالم بروز دهیم و نشان دهیم.

عین این تعبیر حضرت امام که در کتاب آداب الصلاة مطرح شد، حضرت آقا هم در کتاب طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن اشاره دارند که توحید به معنای یگانه شدن است. لذا حرکت جامعه به سمت وحدت یک امر مقدس و مطلوبی می‌باشد. وقتی یک امری مقدس شد، بدین معنی است که این ارزش را دارد انسان به خاطر آن جان هم بدهد. برخی از مفاهیم در اندیشه دینی وجود دارد که شبیه این مفهوم به تقریر دنیایی و غلط غربی ارائه شده است و بر اساس این تقریرها باورمان نمی‌شود که تحقق این حقیقت، آن قدری ارزش داشته باشد که انسان بخواهد جان خودش را فدا کند. برای نمونه در مورد مفهوم آزادی، حضرت آقا این تعبیر را دارد که آزادی در نظام فکری ما امر مقدسی است و این ارزش را دارد که انسان برای آن جان هم بدهد.

در مورد مفهوم وحدت هم این امر صدق می‌کند. در قرآن کریم آمده است که اگر دو گروه با یکدیگر دچار اختلاف شدند، تلاش کنید اختلاف بین این دو گروه را حل کنید. اگر یک گروهی ظالم بود و زیر بار وحدت

نمی‌رود، برای (ایجاد و حفظ) وحدت، با از بین بردندگان انسجام اجتماعی و وحدت در جامعه درگیر شوید. حرکت به سمت توحید در جامعه با بروز وحدت همراه است. همان طوری که مباحث عقایدی شهید مطهری هم بحث وحدت جامعه را ذیل توحید در عبادت مطرح می‌کند. حضرت آقا هم در کتاب طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن می‌فرمایند؛ توحید به معنای یگانه شدن در وجود انسان و در وجود جامعه است.

این نکته اگر در نظر گرفته شود اتصال حقیقت وحدت با مفاهیم دیگر دینی هم به دست خواهد آمد. اگر وحدت به معنای یک روح متحد، منسجم و یگانه در انسان‌ها شکل بگیرد، بروز خارجی آن انسجام در رفتارها خواهد بود. اتحاد انسان‌ها، باورها و عقاید مشترک، همدلی و هم‌فکری آنها در رفتارها بروز خواهد کرد. لذا در ساحت اقداماتشان یک تشکیلات منسجمی را شکل خواهند داد. از لحاظ ظاهر نگاه اجتماعی مشاهده می‌شود که صورت‌بندی جامعه متحد و واحد یک صورت‌بندی‌ای است که مفهوم ولایت می‌تواند به آن اشاره کند. ولایت به این ارتباطات انسان‌ها که در ذیل حقیقت توحید شکل می‌گیرد، اشاره دارد. یعنی جامعه موحد، جامعه ولایی است و صورت جامعه و ارتباطات بین انسان‌ها ولایی می‌باشد.

بر این اساس اندیشه حضرت آقا در مقوله ولایت به اندیشه ایشان به مقوله توحید گره خورده است. مباحث حضرت آقا در مقوله ولایت، بروز اتفاقی به نام جامعه توحیدی را در صورت جامعه محقق می‌بینند و آن را ترسیم می‌کنند. ایشان سه رکن را در تعریف ولایت معرفی کردند؛ ۱. ولایت محور

جامعه و مرکز جامعه است که نماد اراده کلی جامعه محسوب می‌شود؛ ۲. رکن بعدی به ارتباطات ولایی بین افراد اشاره دارد. به طوری که انسان‌ها به یکدیگر گره می‌خورند و حول آن محور مرکزی، به داد یکدیگر می‌رسند و ۳. رکن سوم مربوط به درگیری با اراده طاغوت و نفی کسانی است که می‌خواهند دعوت به خود کنند و استکبار بورزند. لذا این صورت‌بندی جامعه که انسجام اجتماعی را شکل می‌دهد، بروز آن توحیدی است که در جان امت رقم خورده است.

انسانی که در قالب قیام لله، مثلاً توبه کند، چنین فردی به تعبیر شهید مطهری در آن ساحت من برتر خودش یا من علا خودش قرار می‌گیرد. وقتی فرد در آن ساحت من برتر -من انسانی انسان- قرار گیرد، آن جایگاه، جایگاه وحدت است و همه در آن مشترک هستند. به این دلیل که همه انسان‌ها انسانیتشان با یکدیگر یکی است و فطرت انسانی آنها مشترک است. در آن جایگاه، انسان حاکم بر همه تمایلات متکثر و متعدد خودش می‌شود و آنها را به انتظام خودش می‌کشد. سهم هر تمایلی را به طور عادلانه (پاسخ) خواهد داد تا این حرکت ادامه پیدا کند و بعد حیوانی یا من سفلا در خدمت آن من برتر قرار بگیرد. با این حساب در وجود هر انسان یک من برتری قرار دارد که رفتن به سمت آن، حرکت به سمت وحدت در درون خود است. اگر دو یا سه نفر به سمت آن حقیقت قیام کنند، این سه نفر در هویت برتر با یکدیگر متحد می‌شوند. به تعبیر حضرت امام در کتاب شرح حیث جنود عقل و جهل، این فطرت مخلوقه انسان است که بروز پیدا می‌کند. لذا

اگر انسان‌ها به این مرحله برسند، واحد و متحد می‌شوند. به طوری که می‌توانند کثرات را در جان خودشان جمع کنند و اختلافاتشان را تدبیر کنند. این اتفاق را قیام الله می‌گویند.

حضرت امام^{ره} می‌فرمایند اگر قیام الله در جان یک امت اتفاق افتاد، اسم آن انقلاب است. شبیه همین تعبیر را حضرت آقا هم دارند و عین تعبیر حضرت امام را در این رابطه تکرار می‌کنند. انقلاب قیام الله و یک تحول درونی و روحی در جان امت است. وقتی امت برمی‌خیزد و قیام می‌کند و در آن من برتر خودش قرار می‌گیرد، در این امت انقلاب رخ داده است. ایشان برای این مفهوم تعبیر دیگری به نام بعثت جامعه دارند. این را می‌توان در آثار حضرت آقا و در بیانات ایشان مشاهده کرد. به طوری که حضرت آقا در کتاب طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن می‌فرمایند یک بعثت نبی و دیگر بعثت جامعه داریم. بعثت جامعه انقلاب است و این یک تحول روحی محسوب می‌شود.

وقتی در جامعه انقلاب رخ می‌دهد و جامعه هرچقدر انقلابی‌تر باشد و این انقلاب را در خودش تثبیت کند، آن هویت وحدانی و وحدت بخش خودش که بروز دهنده وحدت است را بیشتر نشان می‌دهد. از جهت دیگر، در سطح ظاهر متکثر اجتماعی، انسان‌ها با یکدیگر گره می‌خورند و ارتباطات عاطفی، صمیمیت جدی و حقیقی بین آنها ایجاد می‌شود. تعبیری در آیه قرآن کریم درباره جامعه حضرت ابراهیم وجود دارد که می‌فرماید، اینها غیر خدا را باعث مودت بین خودشان قرار دادند. در حالی که آنها در

قیامت به یکدیگر کفر می‌ورزند و یکدیگر را لعنت می‌کنند. باطن این ارتباط ظاهری آنها - چون قیامت باطن این عالم است - جنگ، جدال، پراکندگی و تشتت است.

اگر انسان‌ها حول محور الهی جمع نشوند و غیر خدا را مدنظر قرار بدهند - یعنی ارتباطات دنیایی صرف - به وحدت نمی‌انجامد؛ چراکه وحدت یک امر حقیقی است. اگر در ظاهر به این امر حقیقی یک صورت‌بندی داده شود تا تحقق آن ساده‌تر شود، باید به ساختار ولایی توجه شود. ولایت اجتماعی در صحنه جامعه، هم نشان‌دهنده وحدت و هم سهل‌کننده تحقق وحدت است. همان‌طوری که رفتار انسان‌ها حرکت به سمت خدا را آسان می‌کند، به‌طوری که ظاهر یک نماز راحت‌تر انسان را به سمت باطن سوق می‌دهد؛ باطن توحیدی و تقربی انسان‌ها نیز باعث می‌شود که صورت ظاهری رفتارهای آنها عبودیت و نماز شود. لذا این دو، دو روی یک سکه هستند. در اندیشه رهبری معظم انقلاب، جامعه توحیدی جامعه‌ای است که اوصاف حضرت حق را بیشتر در خودش بروز دهد و این یک جامعه واحدی است. اولین ویژگی در توحید، وحدت است. دومین ویژگی که از این جامعه توحیدی می‌توان فهم کرد، این است که ارتباطات اجتماعی بر اساس ارتباطات ولایی می‌باشد. لذا نظام مردم‌سالاری دینی که بروز یافته و شکل گرفته نظام ولایت است، در واقع حرکت به سمت وحدت را در جامعه ساده می‌کند. مردم‌سالاری دینی بروز توحید و ولایت است. دلیل این امر به دو رکن اصلی بر می‌گردد؛ ۱. انسان‌ها نسبت به یکدیگر و جامعه مسئول

هستند و ۲. آنها حق دارند مراقب یکدیگر و تحقق اهداف جامعه باشند. لذا این یک مردم‌سالاری محسوب می‌شود. مردم‌سالاری به تعبیر حضرت آقا یعنی اینکه همه شبان و چوپان هستند و این گونه نیست که یک عده گله و یک چوپانی داشته باشد. این نظام، نظام فرزندگان است؛ انسان‌هایی که خودشان بر خودشان حاکم‌اند، مسئولیت‌پذیرند و مراقب یکدیگر هستند. امر به معروف و نهی از منکر در بستر این اتصالات واقعی و ولایی؛ ساده، سهل و قابل تحمل است. مثل یک خانواده‌ای که آن‌قدر همه اعضای خانواده با هم یکی هستند، اگر یک نفر خطایی انجام دهد و دیگران حتی با نگاه خودشان به او تذکر دهند، او خودش را اصلاح می‌کند؛ به این دلیل که صحنه، صحنه مراقبت و رفاقت است. این در واقع صورت مردم‌سالاری است که مردم‌سالاری به معنای حاکمیت انسان‌ها و حاکمیت ناشی از مسئولیت است. از سوی دیگر مردم‌سالاری دینی دارای محور وحدت است که ولایت الهی در ولایت معصوم و ولایت معصوم در ولایت نواب امام معصوم که ولایت فقیه هم از شعب آن است، می‌باشد. نظام مردم‌سالاری دینی، صورت‌بندی جامعه دینی محسوب می‌شود.

حضرت امام در روز ۱۲ فروردین بعد از فرماندوم جمهوری اسلامی فرمودند که امروز روز آغاز حکومت الله در زمین است. ساختار نظام ولایت همین صورت‌بندی نظام جمهوری اسلامی است. ساختار نظام ولایت روی دیگر سکه توحید می‌باشد. بر اساس این ساختار می‌توان به وحدت و انسجام اجتماعی رسید. انسجام اجتماعی بروز وحدت خدای متعال در

جامعه است و جامعه را به سمت توحید سوق می‌دهد. این مبانی رویکرد وحدت در اندیشه رهبران انقلاب محسوب می‌شود.

درگیری با جبهه باطل نیز ذیل همین مقوله تعریف می‌شود. بعضی‌ها اساساً وحدت را به ضد خودش تبدیل می‌کنند و معتقدند که با کثرت می‌توان وحدت را ایجاد کرد و با باطل هم می‌توان وحدت را رقم زد. اما این شدنی نیست. بر اساس اندیشه توحیدی اگر بخواهید به سمت خدا حرکت کنید طبیعتاً باید حاکمیت بر جامعه دنیای ظاهری اتفاق بیفتد؛ والا اگر دنیا هم بر شما حاکم باشد این غیرممکن است، چراکه این دو با هم قابل جمع نیستند. به تعبیر حضرت امام، کسانی که فکر می‌کنند با اینها می‌توانند تعامل از جنس وحدت و انسجام پیدا کنند با الفبای مبارزه بیگانه هستند. این تعبیری است که در متن قطعنامه ایشان آمده است. الفبای مبارزه یعنی فهم درستی از جریان باطل ندارند. جریان باطل قابلیت جمع شدن و ایجاد وحدت با جریان حق را نخواهد داشت. در تعبیر حضرت آقا، ولایت رکن سومی دارد و آن هم درگیری با جبهه باطل و تبری از جبهه باطل است. در واقع این خط تفاوت و تمایز بین وحدت و مبارزه را ترسیم می‌کنند.

هر نفری از جامعه دینی که جلودار و پیشرو است و تلاش می‌کند که بیش از دیگران انقلاب را در جان خودش رسوخ بدهد، یعنی خودش اهل قیام لله باشد و جامعه قیام لله کند به این معنی نیست که تک‌تک انسان‌ها در وجودشان قیام لله رقم خورده است. حضرت آقا می‌فرمایند اگر جامعه با تقوا داشته باشیم به این معنی نیست که همه آدم‌ها با تقوا هستند. لذا انقلابی

بودن امری است که شدت و ضعف دارد. آنهایی که پیشرو هستند باید بیش از دیگران به فکر وحدت و انسجام در جامعه باشند. وقتی با دیگران وحدت و رفاقت ایجاد می‌کنیم، نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم که دیگران هم همان قدر با ما وحدت داشته باشند. اینکه همه باید در یک سطح باشند، لزوماً این گونه نیست.

نکته بعدی این است که وحدت آثاری دارد و باید به این آثار توجه داشت. وحدت باعث می‌شود که در جامعه اندیشه رشد کند و آزاداندیشی اتفاق بیفتد. آزادی در فضای فکری، در جامعه دینی موتور حرکت جامعه است. آزادی اگر باعث انحصار شود و مدیریت و هدایت جامعه از دست ولایت و اراده عمومی خارج شود، این آزادی، آزادی ممدوحی نیست. در غیر این صورت آزادی موتور حرکت جامعه است. اگر در جامعه دو قطبی ایجاد شود، اولین چیزی که از بین خواهد رفت آزاداندیشی است. دو قطبی در جامعه دینی غیر از اختلاف نظر است. دو قطبی یعنی دعوا، شکن و از بین بردن رشته‌های ولایت و درگیری است. یکی از زخم‌هایی که در دوران دهه ۷۰ مخصوصاً بر اساس فشارهای فرهنگی به جامعه ایران ایجاد شد، این بود که تلاش کردند، زخم دو قطبی را در جامعه جدی کنند. هر چند که با آن همه هزینه به نتیجه نرسیدند، اما به هر حال مقوله دو قطبی در جامعه ما جدی است و تأثیراتی داشته است. یکی از آثار دو قطبی این است که آزاداندیشی را در جامعه از بین می‌برد، چون هیچ‌کس نمی‌تواند منصفانه رفتار کند. فضای تکفیر و برچسب زدن در جامعه حاکم می‌شود.

نکته دوم این است وقتی که جامعه دچار شکن شود و اختلاف در جامعه افزایش پیدا کند، مردم سالاری دینی از بین می‌رود. چون مردم سالاری دینی به معنای این است که همه حاکم باشند. در وضعیتی که اختلاف در جامعه ایجاد شد، فردی که رأی بیشتری پیدا می‌کند و بیش از گروه دیگر بتواند برای خود رأی جمع کند، آن فرد در واقع نماینده همه نیست بلکه نماینده اکثریت است. در اینجا اکثریت برتری پیدا می‌کند. وقتی همه با هم رفیق باشیم، قرار می‌گذاریم وقتی کسی که رأی بیشتری آورد، مدیر شود. لذا آن نماینده همه خواهد بود. بنابراین اگر اختلاف وجود داشته باشد و فضا به سمت جنگ و اختلاف برود آن کسی که بیشترین رأی را بیاورد حاکم می‌شود. در واقع در چنین شرایطی اکثریت حاکم می‌شوند و اقلیت با او همراه نیستند. این یک امر خطرناکی است و به جامعه و نظام اسلامی آسیب می‌رساند. نظام دینی به واسطه نظام اسلامی پوسته و حقیقت همه دین است و به تعبیر حضرت امام، الإسلام هو الحکومة بشؤونها؛ نظام اسلامی پوسته و ظاهر همه دین است، لذا اگر به آن ضربه زده شود، اساساً جلوی حرکت، رشد و تعالی جامعه گرفته می‌شود. آن جامعه هم به لحاظ فکری و هم به لحاظ معنوی دچار ایستایی و گرفتاری می‌شود.

نکته سوم این است که وحدت بروز قدرت است. یعنی قدرت و یوم‌الله به واسطه وحدت جامعه رقم می‌خورد. وقتی جامعه وحدت خودش را به ظهور می‌کشاند، قدرت الهی را به جامعه نشان می‌دهد. قبل از اینکه ماجرای عین الاسد را بروز قدرت خدا تلقی کنیم، آن حرکتی که در مورد حاج

قاسم در جامعه دینی اتفاق افتاد، ظهور و بروز وحدت جامعه بود و این خودش نشانه یوم‌الله است. البته اتحاد مردم و مسئولین در قصه عین الاسد، پشتیبان موشک‌ها بود و آن هم یوم‌الله محسوب می‌شود. این را باید توجه داشت که قدرت و عزت جامعه به مقوله وحدت گره خورده است و این هم مسئله مهمی است. شاید بسیاری احساس کنند که مثلاً در انتخابات رأی بیاورند و پیروز شوند، این برای آنها موفقیت محسوب می‌شود، اما این ضربه‌ای است که به نظام اسلامی وارد می‌شود.

همه نیروهای انقلابی باید بیش از همه آحاد جامعه، نگران رویکردهای حداکثری در فضای اجتماعی باشند. چنانچه شهید حاج قاسم به همه یاد داد که می‌توان به شدت انقلابی و ولایی بود، رویکردهای حداکثری جدی داشت، جامعه را منسجم دیدید و جامعه را در ذیل پوشش ولایت حفظ کرد. با توجه به مبانی‌ای که عرض شد رشد نظام و رشد انقلاب، در سایه تحقق وحدت و هدف‌گیری وحدت رخ می‌دهد.

نکته بعدی این است که وقتی انسان و جامعه در آن حقیقت برتر انسانی خودش که حقیقت توحیدی اوست قرار گیرد، قدرت ایجاد عدالت در او هم بیشتر می‌شود. کسی که در لایه من برتر خودش قرار می‌گیرد، می‌تواند تمایلات خودش را منتظم و هماهنگ کند و هر کدام را در جایگاه خودش قرار بدهد و از آنها مراقبت کند تا یکی حق دیگری را از بین نبرد. جامعه‌ای که در فضای وحدت قرار می‌گیرد توان تحقق عدالت در آن بیشتر می‌شود. این در حالی است که جامعه متکثر قدرت ایجاد عدالت را ندارد.

با این توضیحات، متوجه خواهیم شد که رویکرد مواسات، همیاری، نصرت، انفاق و ارتباط‌هایی از جنس کارهای جهادی در جامعه دینی، اتفاقی‌های راهبردی و مهمی را رقم می‌زنند. این مسئله با نگاه‌هایی که مواسات یا کارهای خیریه و امثالهم در جامعه خودشان را یک نوع سرپوش گذاشتن برای سکوت در جامعه، فقرا و محرومین تلقی می‌کنند، متفاوت است. در واقع آنها تلاش می‌کنند با کارهای خیریه خودشان جلوی نارضایتی‌های طبقات ضعیف‌تر جامعه را بگیرند. اما مواسات در فضای دینی شبیه آن چیزی است که در انقلاب اسلامی در برهه‌های زمانی مختلف یا در مقوله‌هایی مثل فضای اربعین و امثالهم مشاهده شد. اینها بروز هویت وحدانی و جبهه حق است که خودش را ظهور می‌دهد. هرچقدر در این جهت پیش برویم؛ هم نظام تقویت می‌شود، هم انقلاب رشد می‌کند و هم اینکه به ظهور آقا امام زمان که ظهور حضرت حق در زمین است، بیشتر مدد خواهی می‌رساند.

***جناب آقای دکتر اسحاقی:** از جناب آقای مهدیان بسیار سپاس گذاریم. دو سخنرانی اول را می‌توان از باب چیستی موضوع همبستگی و مسئولیت اجتماعی ارزیابی کرد. ولی حتماً باید در بحث‌های مربوط به چیستی و ماهیت همبستگی و مسئولیت اجتماعی، چرایی آن و همچنین ماهیت آن از ابعاد مختلف ضرورت و اهمیت بیشتر صحبت شود. در زمان کنونی مدل‌ها، نمونه‌ها و الگوهای مشارکت، همبستگی و مسئولیت اجتماعی باید برای

اقتدار مختلف بیشتر تبیین شوند. پس از شناخت، بحث مهم شناساندن، تبیین و ترویج این مدل، الگو، ماهیت، ضرورت، اهمیت، فواید، آثار و پیامدهای فردی، اجتماعی، ملی و فراملی مورد توجه قرار گیرد. این چیزی است که باید در گفتمان سازی، فرهنگ‌سازی و برنامه‌های ترویجی در دنیای شبکه‌ای امروز توجه شود. به‌عنوان یک نیاز و ضرورت ملی باید به این موضوع نگاه شود و بیش از گذشته باید درباره آن تأمل کرد. همچنین باید برای ترویج و به‌کارگیری آن تلاش شود.

بخشی از این نظام معنایی و موضوعی در حوزه نظام اندیشه رهبر معظم انقلاب که موضوع مسئولیت اجتماعی است به بحث‌های ترویجی، تبیینی، فرهنگ‌سازی و گفتمان سازی مربوط می‌شود. آقای دکتر محمد زمانی از این زاویه موضوع را انتخاب کردند و برای ما مهم است که بتوانیم بایسته‌های رسانه‌ای تبیین مسئولیت اجتماعی را از زبان ایشان و البته با رویکرد مکتب شهید سلیمانی بشنویم. مشارکت و همبستگی و حرکت ملی و فراملی شهید سلیمانی که مبتنی بر باور، اعتقاد دینی و نگاه توحیدی است، ایشان را به یک شخصیت جهانی تبدیل کرده است. جناب آقای دکتر محمد زمانی در خدمت شما با موضوع بایسته‌های رسانه‌ای تبیین مسئولیت اجتماعی هستیم.

بایسته‌های رسانه‌ای تبیین مسئولیت اجتماعی در مکتب شهید سلیمانی

جناب آقای دکتر محمد زمانی: بحثی را در مورد مبانی مسئولیت اجتماعی ارائه خواهم کرد و اشاره می‌کنم که مسئولیت اجتماعی در اندیشه حضرت آقا چه ابعادی دارد؟ و این مسئولیت اجتماعی در مکتب شهید سلیمانی چه ابعادی را شامل می‌شود؟ در انتها یکسری سیاست‌ها و دلالت‌های رسانه‌ای این حوزه را با شما دوستان به اشتراک می‌گذارم. پس موضوعی که ارائه خواهم داد تبیین بایسته‌های رسانه‌ای در انعکاس مؤلفه‌های مسئولیت اجتماعی مبتنی بر مکتب شهید سلیمانی است.

خواستگاه مسئولیت و تکلیف در اسلام یا از حقوق غایی و یا از حقوق فاعلی است. یعنی افراد به خاطر آنکه از دامن اجتماع رشد پیدا می‌کند، نسبت به اجتماع حقوق دارند و مسئولیت‌هایی نسبت به پدر و مادر خود دارند. از بعد دیگر انسان‌ها چون حقوق غایی همچون حق رشد، به کمال رسیدن، اندیشمند و عالم شدن دارند و در این حق غایی تکلیف قرار داده شده است، نسبت به رسیدن به حق، مسئولیت و تکلیف دارند. باید عالم بشوند، باید رشد پیدا کنند و به کمال انسانی برسند. این دو عامل در اندیشه شهید مطهری و سایر اندیشمندان وجود دارد و این دو عامل ریشه حق، تکلیف و مسئولیت است. یعنی حق غایی و حق فاعلی که در نهاد انسان‌ها قرار داده شده است منشأ ایجاد تکلیف و مسئولیت است. به همین دلیل از

آنجایی که انسان‌ها در دامن جامعه رشد پیدا می‌کنند نسبت به جامعه مسئولیت دارند؛ یعنی به‌عنوان یک تکلیف الهی است.

اندیشمندان هم به بحث مسئولیت اجتماعی اعتقاد دارند، ولی بحث مسئولیت اجتماعی در اسلام، ماهیتاً و خواستگاه متفاوت از اندیشه غربی است. مسئولیت اجتماعی از منظر اسلام یک ضرورت و تکلیف است و باید یکسری وظایف نسبت به جامعه داشته باشیم، ولی در اندیشه غربی مسئولیت اجتماعی به‌عنوان یک فعالیت داوطلبانه است؛ هرچند که ممکن است بعضی اوقات به محیط‌زیست یا به دیگران توجه شود. این اولین تمایز بین مسئولیت اجتماعی در اسلام و غرب است. دومین تمایز بحث این است که مسئولیت اجتماعی در اسلام بیشتر تمرکز بر منافع غیراقتصادی دارد. اما در غرب، مسئولیت اجتماعی مبتنی بر منافع اقتصادی است؛ یعنی گفتند که شما به دیگران کمک کنید که بزهکاری کم شود تا یک‌زمانی آنها برای مال شما دزد نشوند. مسئولیت اجتماعی در غرب مبتنی بر محور اقتصادی است.

سومین تمایز مسئولیت اجتماعی در اسلام و غرب این است که در غرب انتظارات جامعه برای شما مسئولیت ایجاد می‌کند، اما در اسلام، خداوند مسئولیت‌هایی برای شما قرار داده است و از شما توقع دارد که در جامعه انجام دهید. تمایز چهارم این است که تمرکز مسئولیت اجتماعی در غرب بر افراد است. غربی‌ها خواستند که محوریت انسان، اومانیزم، شخصیت‌گرایی و فردگرایی را کم کنند و این منیت‌های انسانی را با مسئولیت اجتماعی کاهش دهند؛ ولی چندان موفق نبودند و محوریت روی افراد

است. در نهایت این افراد هستند که برای خودشان مسئولیت می‌گذارند و در افق خودشان این مسئولیت‌ها را انجام می‌دهند. ولی در اندیشه اسلامی منافع جمعی و فردی با هم مورد توجه قرار می‌گیرد؛ چراکه در اسلام هم جامعه و هم افراد اصالت دارند.

تمایز بعدی این است که مسئولیت اجتماعی در اسلام بر خواسته از حقوق انسانی است. جامعه به انسان‌ها کمک کرده است حالا این انسان‌ها باید نسبت به این جامعه مسئولیت داشته باشند. ولی در غرب از دهه ۱۹۵۰ به بعد، بحث مسئولیت اجتماعی از اندیشه‌های غربی برگرفته شده است و مشاهده می‌شود که یک خاستگاه زمانی دارد. زمانی که کمونیست رشد پیدا کرد، در جامعه لیبرال غرب، مسئولیت اجتماعی به‌عنوان یک پادزهر، یک مسکن و به‌عنوان یک سپر دفاعی در مقابل کمونیست مطرح شد. بحث حقوق انسانی و رشد انسانی در آن مطرح نیست. بحث مسئولیت اجتماعی در اسلام و غرب از ریشه، بنا و ابعاد با یکدیگر با هم متمایز هستند. ریشه‌های مسئولیت اجتماعی در اسلام و غرب را در مقاله خود توضیح دادم و دوستان می‌توانند به آن مراجعه کنند.

از منظر حضرت آقا در بحث مسئولیت چند مرحله باید طی شود. اولاً باید همه انسان‌ها و افراد جامعه باید مسئولیت‌پذیر باشند و از مسئولیت فرار نکنند. قبول مسئولیت باید به‌عنوان یک فرهنگ در ابعاد مختلف نهادی مثل خانواده، سازمان‌ها و افراد پذیرفته شود. ثانیاً، باید نسبت به مسئولیت‌ها خود در جامعه اشرف پیدا کرد. من جوان چه مسئولیت‌های سیاسی،

اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی دارم؟ ثالثاً، امکانات برای انجام مسئولیت‌ها را باید ایجاد کرد و باید به دست آورد. حضرت آقا می‌فرمایند هر کس به اندازه امکانات خودش، مسئولیت خودش را انجام بدهد. همچنین می‌فرمایند باید امکانات انجام مسئولیت‌ها را کسب کنید؛ یعنی انجام مسئولیت به مثابه یک واجب حصولی نیست که مثلاً اگر مستطیع شدیم حج می‌رویم. اما گاهی اوقات باید مقدمات این واجب را تحصیل کنید. پس کسب امکانات برای تحقق آن مسئولیت‌ها واجب است. رابعاً، از موانع تحقق این مسئولیت‌ها باید پرهیز شود. مثل فراموش کردن جامعه و منزوی شدن، یا به تعبیر حضرت آقا دنبال اشرافی‌گری بودن -خطاب به مسئولین- و کسب منفعت‌های شخصی از موانع تحقق مسئولیت‌ها می‌باشد. لذا از این موانع که تحقق مسئولیت‌های اجتماعی را دچار مشکل می‌کند باید پرهیز شود. در گام آخر افراد باید نسبت به این مسئولیت‌ها پاسخگو باشند. هرکسی در جامعه من جوان و افراد در منصب‌های اداری و اجرایی باید پاسخگو باشند.

پس پذیرش مسئولیت، کسب امکانات برای تحقق مسئولیت و پاسخگویی باید مورد توجه قرار گیرد. اگر همه افراد جامعه این فرایند را طی کنند، در آن صورت به فرمایش حضرت آقا احساس مسئولیت هرچقدر ادامه پیدا کند کشور پیشرفت بیشتری خواهد کرد. حضرت امام می‌فرمایند ما اگر بتوانیم این فرایند را از نظر فرهنگی برای همه افراد نهادینه کنیم، پیشرفت محقق می‌شود. پس پیشرفت با تک‌تک افراد جامعه محقق می‌شود.

در اسلام برای انسان مسئولیت‌هایی وجود دارد. انسان نسبت به خدا مسئولیت‌هایی دارد که ارتباط با خدا یک بخشی از آن را شامل می‌شود. مثلاً نماز و روزه از تکالیف شرعی‌ای محسوب می‌شوند که خداوند در حوزه ارتباط با خودش قرار داده است. این مسئولیت‌ها و تکالیف انسان‌ها نسبت به خداوند است. انسان یکسری از مسئولیت‌ها و تکالیفی نسبت به خودش دارد که کسب دانش و حفظ سلامتی نمونه آن است. یکسری از مسئولیت‌هایی هستند که انسان نسبت به محیط‌زیست خودش دارد و شامل حفظ منابع و بهره‌برداری درست از منابع و امکانات می‌شود. همچنین انسان‌ها نسبت به افراد اجتماع هم مسئولیت دارند. دانشمندان مختلف ابعاد مختلفی از این مسئولیت‌ها را مطرح کردند؛ شاید به اسم، اشتراک لفظی وجود داشته باشد اما در ماهیت، ابعاد، بنا، ریشه‌ها و خواستگاه متفاوت هستند.

مسئولیت اجتماعی از منظر اسلام شامل چهار عرصه کلی می‌شود. مسئولیت‌هایی که انسان نسبت به نظام سیاسی دارد. فرد نسبت به نظام سیاسی باید چه نوع مسئولیت‌هایی داشته باشد؟ افراد نسبت به نظام فرهنگی مسئولیت‌هایی دارند. جامعه‌ای که مسلمان است، افراد نسبت به ارزش‌ها و هنجارهای آن جامعه باید چه تکالیفی و مسئولیت‌هایی را انجام بدهند؟ نسبت به نظام اقتصادی حاکم بر جامعه هم یکسری مسئولیت‌هایی دارد که افراد باید به آن پایبند باشند. همچنین افراد یکسری مسئولیت‌هایی هم نسبت به نظام اجتماعی دارد.

بیانات رهبری که ناظر به حوزه مکتب شهید سلیمانی است، یک مقداری بیشتر صحبت می‌شود. نگاه حضرت آقا به شهید سلیمانی تنها به‌عنوان یک شهید نیست و از ما خواستند که به‌عنوان مکتب به آن توجه شود. اینکه مکتب چیست؟ و ابعاد آن چیست؟ با توجه به زمان محدود چندان به آن توجه نمی‌شود و در اینجا عمدتاً به دلالت‌ها و کارهایی که شهید سلیمانی نسبت به جامعه انجام دادند، اشاره خواهد شد.

حضرت آقا ۱۴ سخنرانی و نامه پیرامون شهید سلیمانی دارند. اولین آن به سال ۱۳۸۴ در کرمان بر می‌گردد و در آنجا تعبیر ایشان از شهید سلیمانی این بود که ایشان شهید زنده است. از سال ۱۳۸۴ تاکنون ۱۴ سخنرانی و نامه خطاب به شهید سلیمانی دارند. در اینجا هدف این است که بررسی شود، شهید سلیمانی از منظر حضرت آقا نسبت به جامعه در ابعاد اجتماعی چه کارهایی انجام دادند؟ ابتدا باید عرض شود که عرصه نظام اجتماعی یک عرصه خنثی نیست. این عرصه یک عرصه حق و باطل است. زمین‌بازی آن خنثی نیست و نمی‌توان گفت که در یک جامعه بی‌طرف زندگی می‌کنیم.

پس زمین‌بازی را باید عرصه حق و باطل دید. لذا از این طریق باید ببینیم که شهید سلیمانی نسبت به این عرصه حق و باطل چه کاری انجام دادند. نسبت به جبهه حق و باطل چه کاری انجام دادند؟ اولین مسئولیتی که مطرح شده، مسئولیت نسبت به نظام سیاسی است. در روایت آمده است که رسول اکرم می‌فرمایند، ثَلَاثٌ لَا يُغْلُ عَلَيْنَهُنَّ قَلْبُ امْرِئٍ مُسْلِمٍ؛ سه چیز وجود دارد که انسان مؤمن دلش با آنهاست و به آن خیانت نمی‌کند. اولین آن إِخْلَاصُ

الْعَمَلِ است و کارش را از روی اخلاص انجام می‌دهد. دوم این است که النَّصِيحَةُ لِلْأُمَّةِ الْمُسْلِمِينَ، برای حاکمان مسلمین خیرخواهی می‌کنند و به آنان مشاوره می‌دهند. سومین این است وَاللُّزُومُ لِجَمَاعَتِهِمْ، که مشارکت سیاسی دارند. هر انسان مؤمنی باید مشارکت سیاسی داشته باشد و باید در عرصه سیاسی فعال باشد.

شهید سلیمانی دو الی سه مورد کار برجسته‌ای انجام دادند. یکی از آن اطاعت از ولایت فقیه است؛ ایشان اظهر من الشمس بودند. دومین کاری که کردند تعهد به ارزش‌های انقلابی بود. حضرت آقا می‌فرمایند که ایشان انقلابی بودند. برای گرایش‌ها و احزاب گوناگون کار نمی‌کردند بلکه برای انقلاب کار می‌کردند و قائل به احزاب و بعضاً حد و مرزهای غیرانقلابی نبودند. خط ایشان خط انقلاب و مقاومت بود و با هرکسی که در این خط بودند همکاری می‌کردند. تعبیر دیگری که حضرت آقا دارند این است که شهید سلیمانی تلاش می‌کردند که مردم را نسبت به ارزش‌های انقلابی بیدار کنند. خط انقلاب، نظام انقلابی، ارزش‌های انقلابی و اطاعت از فرمان ولی فقیه را برجسته کردند. پس این یکی از وظایف و تکالیفی است که شهید سلیمانی در حوزه سیاسی و در حوزه جبهه حق به دنبال آن بودند.

دومین بحثی که در حوزه نظام اجتماعی و جبهه حق، شهید سلیمانی به دنبال آن بودند، این بود که ایشان تلاش می‌کردند مردم را برای مقاومت قوی کنند. ایشان نسبت به جبهه مقاومت همکاری و همیاری داشتند و به تعبیر حضرت آقا، ایشان دست فلسطینی‌ها را پر می‌کردند و امیدشان را

لنگ نمی گذاشت. همچنین تلاش می کردند که این جبهه منسجم و یکپارچه‌ای باشد. در سیل خوزستان، ایشان ابوالمهدی را به ایران آوردند و با این کارهای فرهنگی سعی داشتند دو کشور را به یکدیگر وصل کنند. در جبهه هم تلاش می کردند که گردان‌های مختلف از جبهه‌های مقاومت را در کنار هم جمع کند. (ایشان اعتقاد داشتند) که این انسجام جبهه مقاومت و مرزها باید درنور دیده شود و یک جبهه‌ای به نام جبهه مقاومتی ایجاد شود که فراتر از ملیت‌هاست. این یکی از کارهای برجسته شهید سلیمانی نسبت به نظام اجتماعی محسوب می شود.

مورد آخر این است که واحد انسان برای ایشان اهمیت داشت. انسان به ماهو انسان برای ایشان شریف بود. به قول حضرت آقا کسانی که شعار نه غزه نه لبنان جانم فدای ایران می دادند، شهید سلیمانی هم غزه و لبنان و هم ایران را با هم می خواستند. شهید سلیمانی برای جبهه مقاومت جان فشانی می کردند و این، یک نوع دوستی محسوب می شود.

در عرصه نظام فرهنگی و اجتماعی تلاش شهید سلیمانی این بود که در عمل خودش و در کاری که به او محول شده است، دین را متجلی کند. در همان اقدام ممکن است که افراد در بعضی از مواقع حدود شرعی را رعایت نکنند ولی ایشان خیلی مراعات می کردند. این دعوت به دین با عمل و کار است. مردم چون دیدند ایشان اظهارکننده ارزش‌های معنوی و انقلابی هستند و تجلی آن را در ایشان دیدند، قبل و بعد از شهادت به شهید سلیمانی گرایش پیدا کردند.

کاری که ایشان در عرصه نظام فرهنگی و اجتماعی انجام دادند این بود که در عرصه عمل دین را به مردم نشان دادند و این به تعبیر روایت *كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِغَيْرِ اَلْسِنَتِكُمْ* باعث شد که مردم حسن عملی دین را دیدند و به شهید سلیمانی گرایش پیدا کردند. ایشان مسئولیت و تکلیف کلان را انجام دادند. ۱. ایشان جهاد مالی کردند. امکانات نظامی و اقتصادی به جبهه مقاومت از طریق شهید سلیمانی می‌رسید و ۲. ایشان امنیت را برای تعاملات اقتصادی برقرار کردند.

در مقابل، در تقابل با جبهه باطل ایشان چه تکالیف و مسئولیت‌های را انجام دادند؟ ایشان ۱. نقشه‌های آتی دشمن را می‌شناختند و آن را پیش‌بینی می‌کردند. ۲. برای مقابله با این نقشه‌ها تدبیر اتخاذ می‌کردند تا این نقشه‌ها خنثی شوند. عقلانیت مستقل از وحی نیست و خداوند الهام می‌کند. ۳. ایشان استقامت هم داشتند. به تعبیر حضرت آقا، ایشان مجاهد شجاع بودند. ۴. استمرار در کار ایشان وجود داشت. به‌طوری که ۲۴ ساعته در جبهه مقاومت بودند. ۵. گسترده دیدن جبهه مقاومت بود. عرصه‌های مختلفی که احتمال می‌دادند دشمن نفوذ کند - در عرصه دیپلماسی، فرهنگی و نظامی - شناخت گستره تحرکات دشمن را مورد توجه قرار دادند. ۶. حضور در صحنه داشتند و فرمانده دور از میدان نبودند. ایشان در تقابل با جبهه باطل این شش حوزه را پوشش می‌دادند.

در گروه هنر و رسانه تلاش می‌کنیم برای این مفاهیمی که حضرت آقا در بیانات خودشان ترویج می‌دهند، پیوست رسانه‌ای پیدا کنیم. امروز زمان،

زمان رسانه است. باید با رسانه بتوانیم با مخاطبین ارتباط برقرار کنیم تا کار انقلاب سریع‌تر و بهتر پیش برود

یکسری دلالت‌هایی رسانه‌ای این است که ۱. تلاش شود که مفاهیم و ارزش‌های انقلابی به مخاطبین به ویژه نسل جوان، با استفاده از ابزارها مختلف رسانه‌ای همچون حوزه‌های هنر تا سینما، هنرهای بصری و مکتوب منتقل شود. ۲. نوع دوستی و کمک به مستضعفین باید به‌عنوان یک ارزش اجتماعی در رسانه‌ها معرفی شود که متأسفانه این گونه نیست. در فیلم‌هایی که در جشنواره قرار دارند مشاهده می‌شود که این ارزش‌ها اصلاً بین هنرمندان دیده نمی‌شود. ۳. تولیدات باید فراجناحی شوند و بیشتر باید متمرکز بر ارزش‌های انقلابی باشند. ۴. از حرف‌ها و سخن‌هایی که وحدت در جبهه مقاومت را از بین می‌برد باید پرهیز شود. بعضی از گفتارها و موارد دیگری که در مورد شهید سلیمانی گفته می‌شود، وحدت‌شکن است و بعضاً کلاً دیپلماسی منطقه‌ای جمهوری اسلامی را به هم می‌زنند. یک حرف ناصحیح می‌تواند مخرب باشد، به طوری که بعضی‌ها می‌گویند که شهید سلیمانی فقط به خاطر کشور در منطقه حضور پیدا کرده است. این کلاً دیپلماسی مقاومت را تضعیف می‌کند و این حرف‌های وحدت‌شکن است. باید از این نوع حرف‌ها در رسانه‌ها پرهیز شود. ارزش‌های ما باید ارزش‌های مقاومت باشد.

۵. سیاست دیگری که باید در حوزه رسانه پیگیری شود این است که آحاد مردم باید علیه ظلم برانگیخته شوند. ظلم باید به‌عنوان یک ضد ارزش

معرفی شود. ۶. در حوزه مقاومت باید قهرمان‌های مقاومت معرفی شوند. شهید سلیمانی یک قهرمان مقاومت بود که قبل از شهادت هم برجستگی‌هایی داشتند و به جامعه معرفی شدند ولی ما با دیگر قهرمان‌های مقاومت آشنا نیستیم و آنها را به‌عنوان قهرمان نمی‌شناسیم. مشکلی که در جامعه از لحاظ فرهنگی وجود دارد این است که قهرمان نداریم و این یک خلأ جدی محسوب می‌شود. قهرمان‌های ما یکسری سلبریتی‌هایی هستند که نمی‌توان اسم قهرمان را روی آنها گذاشت، اینها برای مردم الگو می‌شوند. باید معرفی قهرمان و قهرمان‌سازی مورد توجه قرار گیرد. این قهرمان‌ها باید قهرمان‌های جبهه مقاومت باشند. قهرمان‌هایی که چه در داخل و چه در عرصه بین‌المللی بتوانند یکسری آدم را دور خودشان جمع کنند...

۷. توطئه‌های دشمن باید معرفی شود. چه آن توطئه‌هایی که انجام داده و چه توطئه‌هایی که قرار است انجام دهند. ما بیشتر گذشته‌نگر هستیم ولی آینده‌نگر نیستیم و این ضربه را همیشه می‌خوریم. هیچ‌گاه نیامدیم که توطئه‌های آینده کشور را از لحاظ رسانه‌ای به مخاطب معرفی کنیم. ۸. حس امید و شجاعت باید در جامعه نهادینه شود. حس نترسیدن و اینکه به قول حضرت آقا آینده بهتر از امروز است، باید مورد توجه قرار گیرد. دشمن از طریق رسانه‌ها بر ناامیدی و ترس تأکید می‌کند.

تلاش ما در گروه هنر و رسانه موسسه انقلاب اسلامی این است که همیشه بیانات حضرت آقا را فهم کنیم و بعد آنها را پیوست رسانه‌ای بدهیم تا این پیوست رسانه‌ای در تولیدات چه مؤسسات خصوصی رسانه‌ای انقلاب و

چه مؤسسات دولتی صداوسیما ترویج داده شود و گفتمان سازی صورت بگیرد.

***جناب آقای دکتر اسحاقی:** اگر عزیزان سؤالاتی دارند ما پاسخ اساتید را می‌توانیم بشنویم. یکی از سؤالاتی را که عزیزان برای من فرستادند این است که آیا مخاطب این اصل مساوات افراد هستند یا حاکمیت، دولت و نظام، آیا یک توصیه اخلاقی صرف است یا تکلیف اجتماعی است و یک وظیفه قطعی است که اگر ترک شود از باب ترک وظیفه پاسخگویی را هم به دنبال دارد. آیا مواخذه و مجازت هم در اینجا مطرح می‌شود یا خیر؟

***جناب آقای دکتر قاسمی:** اختلاف طبقاتی برخلاف فلسفه وجودی و مقاصد انقلاب اسلامی است. یکی از فلسفه وجودی انقلاب اسلامی به رفع محرومیت اشاره دارد. مقام معظم رهبری هم می‌فرمایند، استمرار عدالت راه علاج اصولی فقر و محرومیت‌زدایی است و ما نگذاریم کسی به حقوق دیگران و مردم دست‌اندازی کند و این منابع محدودی که وجود دارد را به نفع خودش مصادره کند. مواسات در ارزش‌های اسلامی به‌عنوان یکی از ارزش‌هایی محسوب می‌شود که در سطح مردم باید تعمیم پیدا کند. لذا در حوزه سیاست‌گذاری حکومت‌ها در ترویج مواسات وظیفه دارند. اما هر فرد در جامعه این را باید وظیفه خودش بداند و منتظر این نباشد که برنامه اجتماعی‌ای حاکمیت برای محرومیت‌زدایی و فقرزدایی به ثمر برسد. در

اینجا این عدم انتظار مدنظر است؛ یعنی اینکه باید بتوان فرد جامعه خود را از حالت اینکه شاهد باشد به حالت بازیگر سوق داد.

در تعبیر رهبر معظم انقلاب در بحث فقرزدایی و محرومیت‌زدایی مشاهده می‌شود که اساساً ما نباید منتظر بمانیم که مستضعفین به سراغ ما بیایند و اظهار نیاز کنند بلکه ما باید به سراغ آنها برویم و از کسب درآمد مشروعی که در اسلام برای ما آزاد است انفاق کنیم. اسلام کسب درآمد مشروع را آزاد گذشته است اما آن را به انفاق و مواسات هم ملزم کرده است. ما در برابر خداوند مواخذه هستیم. لذا اگر کسی ترک بر مواسات کند بر طبق روایات و بیانات رهبر معظم انقلاب مرضی عندالله نیست.

***جناب آقای دکتر اسحاقی:** در بحث مواسات هم در بعد فردی، افراد به‌عنوان شهروند و یک عنصر فعال در جامعه دینی و به‌عنوان یک مکلف مسئول هستند و هم اینکه حاکمیت و دولت هم در سیاست‌گذاری و تربیت اجتماعی مسئول می‌باشند. هرچند که دولت و نظام در ترویج عدل و عدالت و گسترش آن و رفع فقر مسئولیت دارد، در حوزه به‌کارگیری ظرفیت اجتماعی و مردم هم مسئول است و هیچ‌کدام از اینها مقدم بر دیگری نیست و هر دو در آن واحد وظیفه دارند.

دو سؤال دیگر وجود دارد که جناب آقای مهدیان و محمد زمانی می‌توانند پاسخ دهند، بحث مسئولیت‌پذیری اجرایی و مسئولان - آقای دکتر قاسمی تقریباً به این موضوع اشاره کردند - و اینکه فقر اقتصادی در همبستگی

اجتماعی و واپاشی آن چقدر تأثیر دارد؟ اشاره کردند که با توجه به نقش رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی امروز نیاز به یک پیوست رسانه‌ای وجود دارد. همچنین پرسیدند که آیا سیاست وحدت حوزه و دانشگاه و وحدت شیعه و سنی که حضرت امام و حضرت آقا به آن تأکید داشتند، سیاست موفق بوده است و در تمدن سازی باید چه اقدامی انجام داد؟ اینها سؤالاتی هستند که دوستان مطرح کردند.

حجت الاسلام آقای مهدیان: در بین این سؤالات یک مورد را انتخاب می‌کنم و آن هم بحث وحدت حوزه و دانشگاه است. این سؤال مطرح می‌شود که آیا مسیری که رهبران ما برای تحقق وحدت حوزه و دانشگاه طراحی کردن می‌دانیم یا نه؟ آیا رهبران ما (حضرت امام و حضرت آقا) یک راهبردی برای تحقق وحدت حوزه و دانشگاه داشتند یا صرفاً در حد یک شعار مطرح کردند؟ اگر در حد شعار باشد باید به کف صحنه و جامعه نگاه کنیم و بگوییم که این سیاست محقق شد یا نشد. من معتقدم که رهبران ما برای تحقق علم دینی که نرم افزار حرکت جامعه دینی است، یک برنامه راهبردی دارند و تحقق وحدت حوزه و دانشگاه یک راهبردی کلی برای تحقق علم دینی است. یعنی اتصال وحدت حوزه و دانشگاه صرفاً از جنس وحدت فضای اجتماعی و به معنای عمومی آن نیست، بلکه یک اثر راهبردی و تأثیر ویژه برای رسیدن به اهداف انقلاب که تولید علم دینی است، می‌باشد.

برای تحقق وحدت حوزه و دانشگاه هم در واقع آنها معتقدند که حتی قبل اینکه دانش بخواهد شکل بگیرد باید به تغییر نهاد علم یعنی حوزه و دانشگاه باید فکر کرد. یعنی اول باید عالم تغییر کند بعد علم تغییر یابد. این عالم باید در اندازه یک نهاد علمی در نظر گرفته شود. یعنی عالمی به نام حوزه و عالمی به نام دانشگاه باید تغییر کنند. برای اینکه اینها تغییر کنند باید آنها را با نظام اسلامی و مسئله‌های نظام اسلامی درگیر کنیم. یعنی اگر حوزه درگیر با نظام اسلامی و انقلاب بشود و دانشگاه هم درگیر با مسئله‌های عینی و حرکت انقلاب بشود، مجبور خواهند شد به سمت هم حرکت کنند. برای اینکه حوزه و دانشگاه به سمت نظام اسلامی بروند و مسئله‌های نظام را حل کنند، (باید) قشر جوان یا بدنه جوان حوزوی و دانشگاهی را ترغیب کنند که ذیل اندیشه‌های انقلاب اسلامی رشد کنند و با اعتماد به نفس دست به تولید علم و آزاداندیشی بزنند. این اتفاق در فضای دانشگاهیان و حوزویان انقلابی یک‌روال شده است و این مسیر تقریباً راهش باز شده است. این یعنی یک‌قدم جدی در راه وحدت حوزه و دانشگاه است و گروه‌های خودجوش طلبگی و دانشجویی سعی دارند مسئله‌های انقلاب و نظام را حل کنند. اگر این مسیر پیش برود ما در آینده به این وحدت نزدیک‌تر خواهیم شد.



جناب آقای دکتر اسحاقی: آقای دکتر محمد زمانی اگر شما به موضوع پیوست فرهنگی با توجه به موضوع شما که در مورد نقش رسانه‌ها بود، اگر اشاره‌ای دارید خیلی کوتاه بفرماید.

جناب آقای دکتر محمد زمانی: بحث پیوست رسانه در صحبت‌های حضرت آقا این است که ما باید یک اشرافی به فضای رسانه‌ای داشته باشیم و کارکردها و تأثیراتی که این رسانه‌ها بر افراد، نهادها و جامعه می‌گذارند بشناسیم. یک رسانه در سه سطح می‌تواند تأثیر بگذارد. ۱. افراد، ۲. نهادها مثل نهادهای اقتصادی، سیاست، خانواده، ۳. تأثیراتی که رسانه بر کلیت جامعه می‌گذارد. هر کدام از اینها بر ابعاد مختلف شناختی، باوری، نگرشی، رفتاری تأثیر می‌گذارند و این چارچوب باید استخراج شود. باید مقوله‌ها و مؤلفه‌های گفتمان‌های حضرت آقا در حوزه‌های مختلف مثل مسئولیت اجتماعی استخراج شوند. از ضرب اینها می‌توان دلالت‌های سیاست‌گذاری در حوزه رسانه‌ای را فهم کرد. این به نظر من جزو ضرورت‌ها در همه عرصه‌هاست. در حوزه‌های مختلف باید این ضرب‌ها را انجام دهیم و از طریق آن دلالت‌های رسانه‌ای استخراج کنیم.

صد او سیما اگر بخواهد مسئولیت اجتماعی را ترویج دهد چه کاری باید انجام بدهد؟ این سیاست‌ها باید استخراج شود و به زبان مردم تبدیل شود. در همه حوزه‌ها می‌توان این کار را انجام داد. در بخش حوزه و رسانه این کار انجام شده است.

*جناب آقای دکتر اسحاقی: از جناب آقای دکتر محمد زمانی تشکر می‌کنم. بحث مسئولیت و مشارکت اجتماعی انواع و اقسام مختلفی دارد. اهمیت و ضرورت آن در زندگی فردگرایانه، شهرنشینی و محکومیت به مدرنیته و مدرنیسم بیش از پیش است. بنابراین لازم است که به این نیاز فطری با هم بودن، برای هم بودن، همکاری داشتن و توجه به این خصیصه انسانی و ارزش ملی برگرفته از فرهنگ دینی توجه ویژه‌ای شود و این امر موجب همبستگی ملی می‌شود. فرد مسئول جامعه مسئول را به دنبال دارد و جامعه مسئول در برابر فرد مسئولیت دارد. در واقع این دو در قبال یکدیگر مسئول هستند و بر اساس همان مدل قرآنی *المؤمنون بعضهم أولیاء بعضهم* است.

فرهنگ بی‌طرفی، به من چه و به تو چه را شاید در گوشه و کنار شنیده باشید. در اداره‌ای گفته می‌شود که این مشکل من نیست مشکل شماست، یا در یک دعوت به امر خیری گفته شود که به شما چه ارتباطی دارد. این در حقیقت خلاف فرهنگ اصیل اسلامی و حداقل فرهنگ انسانی است و نهایتاً اینکه ما اگر از مسئولیت حرف می‌زنیم مسئولیت دارای ابعاد فرهنگی و اجتماعی، فقهی و حقوقی است و در سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی دارای آثار و فوایدی می‌باشد. نهایتاً از این مدل ریاضی می‌توان به این نکته رسید که مسئولیت اگر باشد به مشارکت همه‌جانبه می‌انجامد.



آنچه رهبری معظم انقلاب در ۱-۲ سال اخیر بر همبستگی و مشارکت دعوت کردند، یکی از مصادیق آن مواسات و کمک، دستگیری و حمایت مؤمنانه از یکدیگر در این سختی‌های ایام کرونایی است. (این مفهوم) در اندیشه مقام معظم رهبری و مبانی دینی خیلی گسترده است. بنابراین مسئولیت مشارکت را به دنبال دارد و مشارکت هم همدلی، همکاری و همبستگی بین افراد، اقشار و گروه‌های اجتماعی را به دنبال دارد و در سطح کلان و ملی این تبدیل به همبستگی ملی می‌شود.

وقتی که این مسئولیت به همبستگی ملی رسید به سرمایه و وحدت مللی تبدیل می‌شود در نهایت به انباشت سرمایه اجتماعی منجر می‌شود. سرمایه اجتماعی هم اعتماد، همبستگی و مشارکت را به دنبال دارد. یعنی از یک نقطه که مشارکت را آغاز می‌کنیم نهایتاً به مشارکت مجدد می‌رسیم و این چرخه در حقیقت همدیگر را به تزايد و تضایف به دنبال خواهد داشت. مثل ایمان و عمل صالح است. هرچه ایمان بیشتر باشد عمل انسان صالح‌تر می‌شود و عمل صالح با نیت خالص موجب تقویت ایمان می‌شود.

۱۰. انقلاب اسلامی، مکتب شهید سلیمانی، جبهه

مقاومت، استکبارستیزی

جناب آقای دکتر اسحاقی: در ایام الله دهه فجر انقلاب اسلامی توفیق داشتیم تاکنون نشست‌های مجازی و حضوری را در روز و بیشتر در شب‌های دهه مبارک فجر برگزار کنیم و مباحث مختلف مربوط به اندیشه رهبری معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در موضوعات مبتلابه جامعه و موضوعات مهم عرصه ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی را مورد

بررسی قرار دهیم. در این نشست‌ها از نظرات و پژوهش‌های صاحب‌نظران و محققان استفاده شده است؛ هرچند فرصت، فرصت محدودی بود با این حال توانستیم مباحث چندی را به بحث و بررسی بپردازیم. در نظر داریم انشاءالله ادامه و استمرار این مباحث را در برنامه‌ها و زمان‌های آتی داشته باشیم.

پیروزی انقلاب اسلامی مرهون فداکاری رهبر عالی‌قدر و فقید جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی و همچنین جوانان و مردم فداکار ایران بود. جمله مشهور امام را حتماً همه عزیزان به خاطر دارند که وقتی در سال ۴۲ امام دستگیر شدند، عده‌ای گفتند با چه کسی می‌خواهید قیام و انقلاب کنید و طرفداران و سربازان شما کجا هستند؟ امام اشاره کردند که سربازان من یا در گهواره‌ها هستند یا هنوز به دنیا نیامدند.

در مکتب امام شخصیت‌های بزرگی رشد کردند. وقتی که در ایام‌الله دهه فجر سال ۵۷، انقلاب اسلامی به پیروزی رسید همگان به این دوراندیشی امام بزرگوار پی بردند. یکی از دستاوردهای مهم و اصلی بزرگ انقلاب اسلامی، تربیت نیروی انسانی فداکار با شاخص‌های هویت انقلابی بود. به طوری که در عرصه‌های مختلف علوم پزشکی فنی و مهندسی، رزم، مسائل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، در عرصه‌های فرهنگ و هنر و همه عرصه‌های مورد نیاز جامعه می‌توان این رده تربیت نیرو را مشاهده کرد. نیروهای انقلابی که در زمینه دفاع مقدس، استکبار ستیزی و مقاومت در مقابل نظام سلطه بتواند اهداف انقلاب را پیش ببرند.

موضوعی که در این جلسه به آن پرداخته خواهد شد موضوع هویت انقلابی، شاخص‌ها و مؤلفه‌های هویت انقلابی تحت عنوان استکبار ستیزی است که جزو مؤلفه‌های ذاتی انقلاب اسلامی محسوب می‌شود. در کنار آن، برای مبارزه با استکبار و سلطه ناپذیری حتماً باید روحیه و جریان مقاومت به شکل نهادینه و کافی به وجود بیاید؛ (چراکه) عرصه نیروی انسانی فداکار آشنا و دارای معرفت، بصیرت، شجاعت و اخلاص نقش اساسی و بنیادی را ایفا می‌کند.

شهید شاخص گام دوم انقلاب اسلامی، شهید حاج قاسم سلیمانی از همان نویدهای امام بود که در هنگام پیروزی انقلاب اسلامی نوجوانانی بودند که به جوانی رسیدند و در عرصه‌های مختلف نقش آفرینی کردند. امروز وقتی ما از مکتب شهید سلیمانی بحث می‌کنیم، مجموعه مکتب انقلابی و مکتب امامین انقلاب را هم مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم و مؤلفه‌های آن را شاهد خواهیم بود. باید بیش از گذشته روش، منش، شخصیت و بینش شهید سلیمانی برای گروه‌های مختلف جامعه به ویژه جوانان ایران و همچنین جوانان کشورهای اسلامی و فراتر از آن جوانان جهان تبیین شود. شخصیت شهید سلیمانی فقط در مرزها و جغرافیای ایران، عراق، سوریه و لبنان محدود نمی‌شود. همان طوری که پیام انقلاب اسلامی مرزها را درنوردیده است، شخصیت و مکتب شهید سلیمانی هم اینگونه عمل کرده است.

امشب بنا داریم مجموعه‌ای از این موضوعات، از مقاومت و استکبار ستیزی تا آشنایی با شخصیت، سیره، ویژگی‌های شخصیتی و خانوادگی شهید سلیمانی را مورد بحث قرار دهیم. جناب آقای حسنی سعدی مدیر گلزار شهدای کرمان و هم‌رزم شهید سلیمانی پیرامون ویژگی‌های شخصیتی و خانوادگی شهید سلیمانی بحث می‌کنند. جناب آقای دکتر شریعتمدار ریزن سابق ایران در لبنان در مورد انقلاب اسلامی، اقتدار ملی و شهید سلیمانی سخنرانی خواهند داشت. حجت‌الله و المسلمین صلح میرزایی مدیر دفتر موسسه پژوهشی و فرهنگی انقلاب اسلامی در قم، نظریه مقاومت در اندیشه رهبری معظم انقلاب را ارائه خواهند کرد. همچنین جناب آقای دکتر رجبی، مدیر دفتر مطالعات سیاسی و اقتصادی موسسه پژوهشی و فرهنگی انقلاب اسلامی، شاخص‌های مکتب شهید سلیمانی را در اندیشه رهبر معظم انقلاب ارائه خواهند کرد.

در فرصت اول در خدمت جناب آقای حسنی سعدی هستیم، تا دل و جان همه ما را با یاد و نام خاطره شهید سلیمانی آکنده کنند و از بیانات ایشان در تبیین ویژگی‌های شخصیتی و خانوادگی شهید سلیمانی استفاده می‌کنیم. ایشان از هم‌زمان و همراهان شهید سلیمانی بودند که سال‌ها این توفیق را داشتند در کنار شهید سلیمانی باشند و روایت صادقی را از این موضوع ارائه دهند. جناب آقای حسنی سعدی خدمت شما سلام عرض می‌کنم. بسیار خوشحال هستیم که در این شب عزیز در خدمت شما هستیم.

ویژگی‌های شخصیتی و خانوادگی شهید سلیمانی را برای ما و بسیاری از جوانانی که بعداً از توضیحات شما استفاده می‌کنند، مطرح بفرماید.

ویژگی‌های شخصیتی و خانوادگی شهید سلیمانی

آقای حسی سعیدی: در ۷ دی‌ماه ۹۹ کتابی تحت عنوان «از چیزی نمی‌ترسیدم»، منتشر شد. این کتاب، دست‌نوشته و خودنوشت خاطرات سردار سلیمانی عزیز در ۵۶ صفحه است که به صورت تایپ شده می‌باشد و دست‌نوشته‌های سردار سلیمانی در ۵۶ صفحه در نصف سمت چپ کتاب آمده است. این کتاب به خدمت مقام معظم رهبری رسیده است و ایشان تقریظی بر این کتاب داشتند. بسیار زیباست که شبیه همین خطرات را حاج قاسم سلیمانی در کتاب «ریشه در آسمان: زندگی نامه شهید احمد سلیمانی» از کودکی‌ها و نوجوانی‌هایش تعریف کرده است.

خانم زینب سلیمانی مقدمه‌ای بر این کتاب نوشتند. در این کتاب سردار سلیمانی عزیز از نسب، عشیره، طایفه، بزرگان و اجداد خودشان اسم می‌بردند و اشاره کردند که نسب‌شناس طایفه‌مان هاجر خانم، خواهر بزرگم است. ایشان حتی به دامادی پدر خودشان هم اشاره می‌کنند و می‌گویند، فلانی تعریف کرده است که در شب عروسی پدرم، پدرم روی شترسوار بود و همین طور که روی شترسوار بود، شتر رمیده شد و فرار کرد. مردم رفتند شتر را برگرداندند؛ در حالی که داماد روی شترسوار بود.

ایشان بسیار زیبا می‌فرمایند، من وقتی که بچه بودم داخل چادر پشت مادرم بسته می‌شدم و مادر من همزمان که من روی شانه‌هایش بسته بودم؛ درو می‌کرد، گوسفندان را می‌دوشید، به گوسفندان علف می‌داد، جاروب می‌کرد، رفت و روب خانه را انجام می‌داد. می‌گوید که من از مادرم آرامش می‌گرفتم و همان‌جا خواب می‌رفتم، چه بسا مادر من هم از من آرامش می‌گرفت. زمانی که راه رفتن را یاد گفتم، مثل جوجه اردکی دنبال مادرم راه می‌رفتم، زمین می‌خوردم، دست و پاهای من خار می‌رفت و مادرم مهربانانه با سوزن خیاطی خارها را از پای من بیرون می‌آورد.

ایشان همچنین ادامه می‌دهد و در مورد میزان لباس و غلبه سرما صحبت می‌کنند. ایشان یک نکته زیبایی را می‌فرمایند که هر مهمانی در عشیره ما حضور پیدا می‌کرد، جایش در خانه پدر من بود، روحانی‌ای که برای محرم، صفر و ماه مبارک رمضان در روستا و محله ما تشریف می‌آورد، جایش در خانه پدر من بود. حتی می‌گوید یک پیرزنی در عشیره ما سل داشت و کسی به این پیرزن توجهی نمی‌کرد، اما پدر من رفت این پیر زن را به پشت خودش گذاشت و به خانه آورد. پدر من چهار سال با مادر من از این پیرزن نگهداری کرد، بدون اینکه یک‌بار به خاطر نگهداری از این پیر زن مسلول بگومگو داشته باشند. مشخص است که طایفه ایشان و خانواده حاج قاسم عزیز حتی در سال‌های سخت؛ مهمان‌نواز بودند، سخاوت داشتند و بزرگ‌منش بودند.

یک روزی پدر من با مادرم آرام صحبت می‌کرد، متوجه شدم که مادرم دچار سردرد شد و برای استراحت رفت. ولی بعداً متوجه شدم پدرم نهصد تومان پول به تعاون یا بانک کشاورزی بدهکار بود و در پرداخت بدهی مشکل داشت. تصورات اینکه پدرم را به خاطر بدهی دستگیر کنند، دست بند بزنند و زندان ببرند، از جلوی چشم من می‌گذشت. حسین برادر بزرگمان را برای کارگری فرستادیم تا پول بیاورد. دو هفته کاری برایش پیدا نشد و برگشت. من که ۱۳ سال سن داشتم، برای کارگری کردن در کرمان آماده شدم.

حاج قاسم سلیمانی در کتاب ریشه در آسمان، می‌فرمایند؛ من و احمد سلیمانی که پدر ایشان هم پانصد تومان بدهی داشت با یکدیگر هم‌قسم شدیم تا کارگری کنیم و پول برای پدرمان بیاوریم. من و ایشان به کرمان آمدیم و در خیابان ناصریه کرمان یا شهید باهنر امروز، در خانه پیرزنی به نام آسیه یک اتاقی با کرایه ماهانه ۱۰ تومان اجاره کردیم. ابتدا به خاطر جسته کوچکی که داشتیم کسی به ما کار نمی‌داد. نهایتاً در انتهای خیابان خواجه که مدرسه‌ای به نام مدرسه فروغ یا مدرسه شهید نامجوی فعلی می‌ساختند، آنجا یک بنایی به نام استاد علی بود؛ پیش این بنا رفتم و برای خودم گریه کردم، به بنا گفتم شما را به خدا به من کار بدید.

بنا گفت اسمت چیست؟ گفتم قاسم هستم. گفت فامیلت چیست؟ گفتم سلیمانی هستم. گفت مگر مدرسه‌ای نمی‌روی؟ گفتم ول کردم آقا. گفت چرا؟ گفتم پدر من قرض دارد. بنا رحمش آمد و گفت فردا ساعت ۷ بیا تا

آجر مورد نیاز برای کار را بیاوری. ۲۰ دقیقه به ۷ قبل از موعدی که بنا گفته بود رفتم آماده شدم. یک هفته کار کردم. به خاطر آجرهایی که جابه‌جا می‌کردم، از سر انگشت‌های من خون می‌ریخت. دوستان گفتند که این کار تو نیست. با مزدی که هفته اول گرفتم یک بیسکویت و چند موز خریدم. پوس کندن موزها را از شاگرد بنایی که آنجا کار می‌کرد، یاد گرفتم.

نهایتاً راه افتادم توی خیابان و به دنبال کار دیگری گشتم. رفتم رستوران دیدم یک آقای چاقی پشت میز نشسته است و در حال شمردن یک دسته پول است. همین طور که محو پول‌ها شده بودم، ایشان با تندی گفتند چه کار داری؟ آنجا هم گریه کردم و به او گفتم که آقا یک کاری به من بدهید. اسم و فامیلم را پرسید و من گفتم. گفت مدرسه نمی‌روی؟ گفتم که آقا می‌خواهم هم درس بخوانم و هم کار کنم. نهایتاً ایشان گفت بیا بالا. رفتم بالا و دلش رحم آمد و کارگش را صدا کرد و گفت آقا محمد یک پرس غذا برای این بچه بیاور. تعصب عشیره‌ایم، عشایری‌ام و خانوادگی‌ام باعث شد که بگویم من سیر هستم، در حالی که از گرسنگی نای راه رفتن نداشتم. ایشان با مهربانی گفت، پسرم غذا تو بخور. غذا و نوشابه را تا انتها خوردم. بعد گفت اگر خوب کار کنی اینجا به شما جا و غذا می‌دهم و روزی ۴-۵ تومان هم به شما دست مزد می‌دهم. لذا ما شروع به کار کردیم.

حتی در روزهای جمعه و فرصت‌های مناسب آبمیوه می‌گرفتم و درآمد کسب می‌کردم. یک شب پول‌هایم را حساب کردم، دیدم ۱۲۵۰ تومان پول دارم و از خوشحالی در پوست خودم نمی‌گنجیدم. هزار تومان از این پول‌ها

را برای پدرم فرستادم. بزرگ‌ترین پیروزی من در زندگی این بود که توانستم قرض پدرم را ادا کنم. پدرم را از زیر دین و قرض بیرون آوردم. به نظر من یکی از بزرگ‌ترین رمز و رازهای حاج قاسم شدن، دعای خیر پدر و مادرش بوده است. ایشان می‌گویند که در روزهای آخر عمر مادرم، شیر برنج درس می‌کردم و خودم قاشق، قاشق غذا به مادرم می‌دادم. در بیمارستان فاطمه الزهرا مادر ایشان بستری بوده است. یک لحظه حاج قاسم گفت که من را با مادرم در اتاق تنها بگذارید. دوستان می‌گویند که یک لحظه دیدیم پای تخت مادر نشسته و کف پای مادر را می‌بوسد. حتی روزی به روستای قنات ملک به عیادت پدرش رفته بود. در آنجا هم به دوستان گفته بود اول من وارد می‌شوم، شما بعد بیاید. آنجا هم دوستان دیده بودند که ایشان جوراب پدرش را درآورد و کف پای پدرش را بوسید. در هواپیما هم مهماندار یک نسکافه یا قهوه برای حاج قاسم و پدرش آورده بود، حاج قاسم آن را شیرین و خنک کرد و قاشق، قاشق در دهان پدرش می‌گذاشت. در همین اواخر پدرش را حمام برده بود. روی حیات خانه گلیم انداخته بود و در آفتاب زمستانی پتو و متکی گذاشته بود، پدرش را خواباند و دست و پیشانی پدرش را بوسیده بود.

یکی از رمز و رازهای موفقیت حاج قاسم، این مهربانی و خدماتش به پدر و مادرش و همچنین دعای خیر پدر و مادر بود. ذاتاً حاج قاسم و طایفشان اهل سخاوت بودند. حسین برادر بزرگش می‌گوید، دبستان که مدرسه می‌رفتیم مداد خودش را از وسط نصف می‌کرد، نصف مداد را به دانش‌آموز

بی‌بضاعت می‌داد. دفتر چهل برگی که پدرمان خریده بود را ده برگ، ده برگ می‌کرد و کاغذهایش را به دانش‌آموزان بی‌بضاعت می‌داد. از من بیست برگ می‌گرفت و مشق‌هایش را می‌نوشت.

می‌گویند با هم شریکی غذا می‌خوردیم. قاسم یک روزی به مادرم گفت، مادر من شریکی غذا نمی‌خورم، غذای من را جدا کن. مادرم گفتم باید بخوری، گفت نمی‌خورم. نهایتاً غذایش را جدا کرد. دیدیم که نصف غذای سهمیه خودش را می‌خورد و نصف دیگر را به مدرسه می‌برد و به دانش‌آموز بی‌بضاعت می‌دهد. حاج قاسم اینگونه حاج قاسم شد.

حاج قاسم انسان مهمان‌نوازی بود. من یادم است که یکی از فرمانده گردان‌های عزیز و قدر لشکر ثارالله یک تخلفی انجام داد- البته یک سوءتفاهم بود- و دستگاه قضا حکم جلب وی را داده بود و می‌خواست بازداشت کند. حاج قاسم پنج روز ایشان را در خانه خودش مهمان کرد، صبحانه و نهار برایش می‌برد تا اینکه رفتند سوءتفاهم کردند و مشکل حل شد.

حاج قاسم با دعای خیر پدر و مادر، با سخاوت -که مادر و منشأ بسیاری از بزرگی‌هاست-، با مهمان‌نوازی، با دین‌داری و تعصب به اسلام ناب و با الگوگیری از امام و رهبری عزیز و با روحیه گرفتن از این مردان بزرگ و قهرمانان تاریخ معاصر و با اخلاص، با تواضع، پرکاری، با تلاش، با اعتقادات و باورها، گریه برای امام حسین، با توسل و کمک گرفتن از فاطمه زهرا (سلام الله علیها)، حاج قاسم شد.

درود خدا بر امام عزیز در این شب ۲۲ بهمن و درود بر خامنه‌ای بزرگ که این چنین سربازی داشته است. درود خدا بر این مردان بزرگ، دور خدا بر اسلام و پیامبر اسلام، بر ائمه اطهار که این عزیزان فرزندان امت محمد (صلی الله علیه و آله) هستند.

***جناب آقای دکتر اسحاقی:** از جناب آقای حسنی سعدی بسیار سپاسگزاریم که دل و روح ما را با سردار دل‌ها، شهید سلیمانی‌ای که چون یک ستاره در آسمان ایران و دل‌ها و قلوب آزادگان جهان می‌درخشد، آشنا کردند. عزتی که خداوند به شهید سلیمانی داد آرزوی همه خوبان و نیکان است. بسیار خوشحال شدیم که شما را دیدیم و زیارت کردیم. انشاء الله از طرف همه ما نایب الزیاره باشید. انشاء الله هر وقت فرصت کردید، یک فاتحه‌ای به نیت همه دوستانی که در این فضای مجاز دل و روح آنها عطرآگین شده است، بخوانید. انشاء الله خداوند توفیق شناخت شخصیت، مکتب شهید سلیمانی و حرکت در این مسیر را برای همه دوستداران ایشان فراهم کند. مجدداً از شما سپاسگزاریم که خیلی خوب روایت کردید.

خدا انشاء الله روح شهید سلیمانی را با اولیه الله محشور بگرداند و روح ایشان قرین رحمت واسعه الهی قرار گیرد. انشاء الله خداوند همه ما را پیرو راه او قرار دهد. در این فرصت در خدمت جناب آقای دکتر رجیبی هستیم.

آقای دکتر رجیبی مدیر محترم دفتر مطالعات سیاسی و اقتصادی موسسه پژوهشی و فرهنگی انقلاب اسلامی هستند. کار ایشان در حوزه مکتب شهید

سلیمانی، تحت عنوان شاخص‌های مکتب شهید سلیمانی از منظر و اندیشه رهبری معظم انقلاب است و ایشان بحث خودشان را ارائه خواهند کرد.

شاخص‌های مکتب شهید سلیمانی در اندیشه رهبر معظم انقلاب

*جناب آقای دکتر محمد رجبی: مطلبی را که خدمت دوستان ارائه خواهم کرد، پیرامون شاخص‌های مکتب شهید سلیمانی در اندیشه مقام معظم رهبری است. ولی قبل از بیان این شاخص‌ها، یک مقدمه بسیار کوتاهی در مورد علت و چرایی اطلاق عنوان مکتب در مورد شهید سلیمانی از منظر رهبر معظم انقلاب عرض خواهم کرد.

۱۳ دی‌ماه ۱۳۹۸ ما شاهد شهادت شهید سلیمانی به دست خبیث‌ترین و شقی‌ترین انسان‌های عالم، آمریکایی‌ها بودیم. متعاقب آن حضرت آقا در ۲۷ دی‌ماه ۹۸ بیاناتی را ایراد فرمودند و در آن بیانیه، لزوم مکتبی نگریستن به این شهید عزیز را تأکید کردند. اینگونه معرفی شخصیت‌ها منحصر در این نام‌گذاری نبوده و وقتی هم به تاریخ انقلاب اسلامی مراجعه می‌شود می‌توان نمونه‌هایی از چنین نام‌گذاری‌هایی را مشاهده کرد. به عنوان مثال حضرت امام ^(ره) از شهید بهشتی به عنوان یک ملت برای ملت ایران یاد می‌کند. در معارف اسلامی و قران مجید هم چنین نام‌گذاری‌هایی را می‌توان مشاهده کرد. آنجایی که خداوند متعال در آیه ۱۲۰ سوره نحل، در وصف حضرت ابراهیم می‌فرماید: *إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ حَنِيفًا؛ همانا ابراهیم امتی مطیع، فرمان‌بردار و یکتاپرست بود.*

بر اساس رجوعی که به تفاسیر شیعی، در باب اینکه چرا از حضرت ابراهیم به عنوان امت مطیع یاد شده است، صورت گرفت. مشاهده می‌شود که دلایل گوناگونی برای آن ذکر شده است. بر اساس این تفاسیر، حضرت ابراهیم واجد هر خصلتی نیک بود که در هر عالم و امتی پراکنده است. همه این صفات نیکوی حضرت ابراهیم در ملت و امت جمع شده بود و به همین جهت است که از ایشان به عنوان امت یاد می‌شود. در واقع ایشان جامع کمالات و فضایی بوده است که آن در افراد و بسیاری از امت پراکنده بود.

وصف رهبر انقلاب در مورد لزوم مکتبی نگریستن شهید سلیمانی را باید بر این اساس تحلیل کرد که شهید سلیمانی واجد ویژگی‌ها و شاخص‌هایی است که عصاره فضایل یک ملت می‌باشد. یک مؤیدی را در بیانات حضرت آقا ذکر می‌کنم که در تاریخ ۲۶ آذرماه ۹۹ مطرح شد. حضرت آقا می‌فرمایند: «شهید سلیمانی قهرمان ملت ایران است، به خاطر اینکه ملت ایران داشته‌های فرهنگی خودش و معنوی خودش و انقلابی خودش را و ارزش‌های خودش را در او متبلور دید، در او مجسم دید. فقط انقلابی‌ها نبودند که او را تکریم کردند و بزرگداشت برای او در ذهن و عالم واقع و خارج ایجاد کردند [بلکه] همه‌ی اقشار نسبت به او ابراز احساسات کردند؛ چرا؟ به خاطر همین: تبلور ارزش‌های فرهنگی ایرانی و ایران بود؛ این خیلی باارزش است». به نظر می‌رسد فرمایش مقام معظم رهبری در مورد اینکه شهید سلیمانی را باید به چشم یک مکتب، مدرسه درس آموز و یک راهنما

نگریست، شاید بتوان از همین منظر تحلیل کرد که ایشان واجد ویژگی‌ها و شاخص‌های هستند که در کلیت جامعه ما به صورت متفرق وجود دارد. به تعبیری می‌توانیم شهید سلیمانی را مصداق این مصرع از اشعار فارسی «آنچه خوبان همه دارند تو تنها داری»، بدانیم.

علاوه بر این، معرفی شهید سلیمانی به عنوان یک مکتب، از این واقعیت مهم سرچشمه می‌گیرد که همه ملت‌ها در حیات خودشان نقاط عطف و قهرمان‌هایی دارند که زنده نگه‌داشتن نام و یاد آنها می‌تواند هم به آیندگان روحیه بدهد و هم اینکه مایه افتخار و عزت ملی باشد. یعنی هر ملتی در تلاش است که یاد و نام قهرمانان خودش را زنده نگه دارد و از این طریق بتواند افتخار و عزت ملی خودش را حفظ کند. بیانات حضرت آقا در مورد معرفی شهید سلیمانی به عنوان الگو، اسوه و قهرمان را هم می‌توان از این منظر تحلیل کرد.

برای تعیین شاخص‌های مکتب شهید سلیمانی به بیانات حضرت آقا رجوع کردم و در حد یک الی دو جمله عرض می‌کنم. مجموع بیاناتی که حضرت آقا از شهید سلیمانی ذکر کردند، ۲۳ پیام و بیان بود که عموم این بیانات هم بعد از شهادت ایشان مطرح شد. البته این بیاناتی هستند که فاقد طبقه‌بندی بودند و در سایت دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری، در دسترس بود. ما بر اساس این بیانات، کار خودمان را سازمان دادیم. از مجموعه ۲۳ پیام و بیان، بنده ۱۱۴ نکته را احصا کردم که به مهم‌ترین این شاخص‌ها اشاره می‌شود.

اولین ویژگی بارز و شاخصه مکتب شهید سلیمانی، شهادت‌طلبی است. از یک سو آرزوی شهادت در راه خدا و شوق به آن داشتن و از سوی دیگر، عمری تلاش بی‌وقفه و خستگی‌ناپذیر در کف میدان عمل که فرد را در جایگاه شهید زنده قرار می‌دهد، شهادت به‌مثابه پاداش الهی به این ایمان و عمل صالح است. در واقع شهادت شهید سلیمانی ماحصل آن ایمان و عمل صالحی بود که ایشان سال‌های سال داشتند. به خاطر عجیب بودن این شهادت با اخلاص و معنویت است که شهادت ایشان برکات زیادی داشته است.

مقام معظم رهبری در بخش عمده‌ای از بیاناتی خودشان که در مورد شهید سلیمانی - بعد از شهادت ایشان ایراد کردند - به این برکات اشاره داشتند. وحدت آفرینی و نزدیک‌سازی یکی از این برکات بود. در واقع در مراسم تشییع شهید سلیمانی دیده شده است که مردم ایران، مردم محور مقاومت و آزاده جهان دل‌هایشان به هم نزدیک شد و یک وحدتی در داخل کشور شکل گرفت. وحدتی که بین ما و عراقی‌ها و لبنانی‌ها ایجاد شد.

دیگر برکاتش بدرقه میلیونی بود. شاید بعد از رحلت امام^(ره) چنین مراسمی را با حضور چند ده میلیونی انسان تجربه نکرده بودیم. سوم، روشن سازنده عشق و ایمان مردم به خط مجاهدت شجاعانه و نمادهای مقاومت است، گاهی در فضای افکار عمومی گفته می‌شود که مردم از مقامت خسته شدند و گفتمان تسلیم باید ترویج شود. شهادت حاج قاسم روشن ساخت که

مردم عاشق قهرمانانی هستند که برای مقاومت آن ایستادند. ایشان این گفتمان و پرچم مقاومت را در کشور مجدداً به اهتزاز درآوردند.

آشکار کننده دست قدرت الهی و غلبه لطف الهی بر قهر خداوند متعال و سازنده ایام‌الله بود. شاهد بودیم که حضرت آقا در شهادت شهید سلیمانی گفتند که این ایام‌الله بود، مراسم تشییع ایشان را ایام‌الله نام گذاشتند. بعد از آن سیلی سختی که سپاه پاسداران به امریکا زد و پایگاه عین الاسد را بمباران کرد، آن را هم حضرت آقا به عنوان ایام‌الله یاد کردند. بعد از جنگ جهانی دوم و اتفاقاتی که توسط ژاپنی‌ها رقم خورده بود، شاهد هدف قرار گرفتن پایگاه‌های آمریکایی نبودیم. ایران اُبَتهت این ابرقدرت پوشالی را به جهانیان نشان داد و یک اقدام غرورآفرینی بود که پایگاه عین الاسد را با موشک‌های خودمان مورد هدف قرار دادیم. این از برکات خون حاج قاسم بود.

از دیگر برکات شهادت ایشان، به رخ کشیدن زنده بودن انقلاب اسلامی است. انقلاب‌های بزرگ همچون انقلاب فرانسه و روسیه و به نوعی انقلاب آمریکا بعد از چند سال به پایان خودشان رسیدند و بازگشت به گذشته خودشان را تجربه کردند. ولی انقلاب اسلامی ایران بعد از ۴۱ سال -زمان شهادت حاج قاسم- و امسال که چهل و دومین سالگرد پیروزی است، نشان داد که بیش از پیش زنده است و در فکر و اندیشه مردم ساری و جاری است.

بصیرت‌افزایی و باز کردن چشم‌های غبارگرفته از دیگر ویژگی‌های آن بود. واژگون کننده نقشه‌های دشمنان بود. به طوری که دشمنان فکر می‌کردند

که با شهادت حاج قاسم خواهند توانست مقاومت را به انفعال بکشانند، اما خون شهید سلیمانی، هزاران حاج قاسم را تربیت می‌کند. شهادت حاج قاسم گریبان امریکا را گرفته است و انشا الله ما شاهد خروج آنها از منطقه غرب آسیا خواهیم بود.

رسواکننده دولت بی ابروی امریکا به عنوان شقی‌ترین آحاد بشر بود. آمریکایی‌ها در ترور شهید سلیمانی یک عملی را انجام دادند که خلاف همه قوانین بین‌المللی بود. آنها شهید سلیمانی را که مهمان مردم عراق بود، در فرودگاه این کشور به شهادت رساندند. از رویارویی مستقیم با این شهید بزرگوار درمانده بودند و او را شبانگاه در فرودگاه بغداد به شهادت رساندند. این هم به بی ابرویی دولت امریکا دلالت داشت. ویژگی اول مکتب شهید سلیمانی شهادت‌طلبی بود و برکاتی داشت که برخی از آنها اشاره شدند.

از دیگر شاخص‌های مکتب شهید سلیمانی، مجاهدت است. مجاهدت در پیوند با مفاهیم دیگری نظیر مجاهدت مخلصانه، شجاعانه، فداکارانه، خستگی‌ناپذیر قرار می‌گیرد. یعنی حاج قاسم، مجاهدت دارد و این مجاهدت در ترکیب با صفات دیگری مانند اخلاص، شجاعت، فداکاری و نظایر آنها قرار می‌گیرد. این مجاهدت است که کشور ایران را از بند استبداد داخلی و دوران اختناق رژیم پهلوی خارج کرد و تهدید جنگ تحمیلی را از سر کشور برطرف کرد. امروز به پاس مجاهدت شهید سلیمانی و رزمندگان بدون مرز سپاه قدس است که ما شاهد ریشه‌کن شدن شجره

خبیث داعش از منطقه هستیم. نمی‌توان به این مسئله ساده نگاه کرد و بگویم که ریشه‌کن شدن داعش از منطقه یک امر ساده‌ای بوده است.

امروز اسنادی منتشر شده است که گواهی بر حمایت‌های گسترده آمریکایی‌ها و اسباب منطقه‌ای آن در منطقه از داعش می‌باشد. این نشان می‌دهد که حاج قاسم چه کار بزرگی را انجام داد. این مجاهدت‌ها، نصرت الهی را پادش تلاش‌های شبانه‌روزی و بی‌وقفه حاج قاسم کرد. حضرت آقا فرمودند که حاج قاسم واجد هر دو حُسنین شد، هم پیروز بود و هم اینکه شهادت هم نصیب او شد.

سومین شاخصه مکتب شهید سلیمانی، تقواست. حاج قاسم تقوا فردی، گروهی و اجتماعی داشت. در نتیجه این ویژگی و شاخص است که شهید سلیمانی آنجایی که حتی می‌تواند حدود شرعی را رعایت نکند، اما مراقب است و حدود شرعی را رعایت می‌کند و ظلم نمی‌کند. جان افرادی که در کنارش قرار دارند را سعی می‌کند در حد توان خودش حفظ کند. با آنکه شهید سلیمانی به عنوان فرمانده جنگ‌آور و مجرب شناخته می‌شود، اما هیچ وقت حدود الهی را فراموش نکرد و تا آنجایی که لازم نبود، از سلاح خودش استفاده نکرد. این تقوا در مکتب شهید سلیمانی معیت الهی و با ما بودن خداوند را برای ما به همراه دارد. در آیه ۱۲۸ سوره نحل، خداوند متعال می‌فرماید: *إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ*؛ خداوند با کسانی است که تقوا داشته باشند. معیت الهی در مکتب شهید سلیمانی کاملاً قابل مشاهده است.

از دیگر شاخص‌های مکتب شهید سلیمانی، اخلاص و دوری از تظاهر و ریاست. اگر به قبل از شهادت حاج قاسم رجوع شود، کمتر می‌بینیم که حاج قاسم بخواهد برای تظاهر و ریا خودش را جلوی چشم دیگران قرار دهد. آنچه برای ایشان اهمیت دارد جهاد در راه خداوند و انجام وظیفه است. حاج قاسم، بی‌پروا از دشمن و هر این و آن است. یعنی حاج قاسم در دفاع از انقلاب اسلامی کاملاً مستحکم ایستاده و کاملاً از هر دشمنی بی‌پرواست.

از شاخص‌های دیگر این مکتب، بحث شجاعت است. حضرت آقا شجاعت را در کنار تدبیر به کار می‌برند. یکی از ویژگی‌های مکتب شهید سلیمانی این است که شاخص‌های این مکتب در پیوند با یکدیگر قرار دارند. خیلی از انسان‌ها را می‌شناسید که شجاع هستند اما فاقد قوه تدبیر هستند و به خاطر همین خودشان را در مهلکه می‌اندازند. این در حالی است که حاج قاسم در کنار شجاعت واجد ویژگی تدبیر هم هستند. یعنی ایشان هم شجاع و هم با تدبیر هستند. این نشان می‌دهد که کفه ترازوی مکتب شهید سلیمانی در موازنه بین این شاخص‌هاست.

عدل در مکتب شهید سلیمانی در معنای حقیقی خودش و از دو منظر متجلی است. حضرت امیرالمؤمنین در نهج البلاغه در حکمت ۴۳۷ می‌فرمایند، معنای عدل وَضَعُ كُلِّ شَيْءٍ فِي مَوْضِعِهِ است. حاج قاسم در اخلاقیات و خلقیات خودش همه‌چیز را در کنار هم قرار می‌دهد. نسبت به فرزند شهدا مهربان است و در عین حال نسبت به اعدا، دشمن و خصم روشن است.

در عین جنگ‌آور بودن، روحیه لطیفی را دارد. بارها در تلویزیون مشاهده شد وقتی که ایشان شهید شدند، خانواده شهدا گفتند که ما بیشتر از فرزندانمان برای ایشان گریه کردیم. این به جهت همین عدلی است که در وجود ایشان است. حاج قاسم تجلی اَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رَحْمَاءٌ بَيْنَهُمْ هستند. ویژگی دیگر حاج قاسم که به نظر می‌رسد ویژگی مهمی است، اما متأسفانه بعضی‌ها سعی دارند این را کمرنگ کنند، انقلابی‌گری ایشان است. انقلابی‌گری در واقع یکی از شاخصه‌های مهم مکتب شهید سلیمانی محسوب می‌شود. اگر وصیت‌نامه ایشان ملاحظه شود، خواهید دید که آن انقلابی‌گری را کاملاً تداعی می‌کند. ایشان اهل حزب و جناح نیستند و به شدت انقلابی هستند. حضرت آقا می‌فرمایند؛ شهید حاج قاسم سلیمانی ذوب در انقلاب بود، انقلابی‌گری خط قرمز او بود؛ در این عوالم تقسیم، به احزاب گوناگون و اسم‌های مختلف و جناح‌های مختلف و مانند اینها وابسته نبود، اما در عالم انقلابی‌گری، به شدت پایبند به انقلاب و پایبند به خط مبارک و نورانی امام راحل^(ره) بود. مکتب شهید سلیمانی نباید جدای از مکتب امام و جدای از مکتب ناب اسلام محمدی در نظر گرفت. این مکتب درون این مکاتب قابل فهم است.

شاخصه بعدی مربوط به تعاون و همکاری می‌شود. یکی از ویژگی‌های شهید سلیمانی و مکتب او روحیه تعاون و همکاری بود و با هر کسی هم وارد همکاری و تعاون نمی‌شدند؛ چراکه او انقلابی است. با انسان‌های مؤمن، شجاع و نورانی، تعاون و همکاری داشتند. شهادت ایشان در کنار

شهید ابو المهدی المهندس، گواهی بر همین مسئله است. ایشان سعی می‌کردند که به‌مثابه برادر دلسوز با برادران عراقی، لبنانی و با هر مظلومی در هر نقطه عالم همکاری داشته باشند. همین مسئله سبب شد که حاج قاسم به تعبیر رهبری معظم انقلاب، دست مردم فلسطین را در مبارزه با رژیم اشغالگر قدس و کودک کشو، پر کند.

از شاخص‌های دیگر مکتب شهید سلیمانی ایثار و فداکاری است. شهید سلیمانی مهم‌ترین دارایی خود که همان جانش است را در دفاع از امنیت کشور و منطقه به کف دستش گرفت و فدا کرد. حضرت آقا شاره کردند که آنهایی که شعار این را می‌دهند ما حاضریم جان خودمان را در راه وطن فدا کنیم، ولی در عالم واقع مشاهده می‌شود (جانشان را فدای ایران نکردند و حتی از راحتی و منافع خود در راه حفظ امنیت کشور نگذشتند). این در حالی است که شهید سلیمانی با دارا بودن ویژگی ایثار و فداکاری، جان خودش را در این راه از دست می‌دهد و به مظهر اقتدار ملی و جهادی ایران تبدیل می‌شود. همین امر باعث شد که ما شاهد بدرقه‌های چند صد هزار نفری در کشورهای منطقه باشیم.

آخرین شاخصه‌ای که در اینجا ذکر می‌شود، دشمن شناسی است. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های شهید سلیمانی، دشمن شناسی است. آن روزی که داعش در سوریه سر برآورد، می‌توان به جرئت گفت تنها کسی که در این حوزه با بصیرت منطقه را دیدند حضرت آقا بودند و تنها کسی که امر حضرت آقا را دنبال کردند شهید سلیمانی بودند. بسیاری در همان زمان به

دلیل عدم بصیرتشان نتوانستند نقشه دشمن را فهم کنند. در مکتب شهید سلیمانی باید دشمن را خوب شناخت. اگر نقشه‌های دشمن خوب شناخته شود، در آن صورت می‌توان با آن مقابله کرد. در واقع شهید سلیمانی تداعی‌گر این فضا هستند. ایشان دشمن شناسی را به نحو مطلوبی صورت می‌دهند و همین امر باعث شد که نقشه‌های نامشروع دشمن به ویژه در منطقه غرب آسیا را خنثی کنند. همین شاخصه است که باعث شد در بیان مقام معظم رهبری، از شهید سلیمانی به عنوان سرشناس‌ترین و قوی‌ترین فرمانده مبارزه با تروریست؛ مانع اجرای نقشه‌های دشمن و مانع بزرگ در مقابل اهداف آمریکا و نظایر آن معرفی شود.

به نظر می‌رسد آن چیزی که در لایه درون و هسته مرکزی مکتب شهید سلیمانی قرار دارد، ایمان توحیدی خالص است. این ایمان توحیدی خالص است که این ویژگی‌ها و این صفات را در مکتب شهید سلیمانی ایجاد کرده است. اگر اطاله کلام شد عذرخواهی می‌کنم. آقای دکتر اسحاقی من در خدمت شما هستم.

***جناب آقای دکتر اسحاقی:** از جناب آقای رجیبی تشکر می‌کنیم. گزارش خوبی را ارائه کردید. این نکته را برای برادران و خواهران حاضر در جلسه اشاره کنم، این ویژگی‌هایی که در بیانات رهبری معظم انقلاب در توصیف مکتب شهید سلیمانی وجود دارد، (نشان می‌دهد که مکتب شهید سلیمانی) یک مکتب کاملی از آرمان‌ها، اهداف، شیوه‌ها، چشم‌انداز، بایدها و نبایدها،

سبک زندگی در بعد فردی و خانوادگی و مسئولیت اجتماعی و انقلابی، خیرخواهی دیگران در ابعاد مختلف است.

مدل موفق تربیت یک انسان بر اساس آنچه در مکتب اسلام به عنوان اسلام کامل و عباد الرحمن ذکر شده است؛ یا آنچه در آیه شریفه مُحَمَّدٌ رَسُوْلُ اللّٰهِ وَالَّذِيْنَ مَعَهُ اَشِدَّاءُ عَلٰى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ وجود دارد؛ ویژگی‌های دیگری که در سایر آیات شریف و در مجموعه تعالیم اهل بیت (علیهم السلام) قرار دارد و همچنین در عصر مدرنیته و مدرنیزاسیون و غلبه شبکه‌های اجتماعی، انواع پیام‌ها و ایسم‌ها را می‌توان در تراز شهید سلیمانی مشاهده کرد.

این شخصیت جنبه‌های جذابی برای جوانان این مرزوبوم و جهان دارد. این مستلزم آن است که خوب شناخته و شناسانده شود. بیش از آنکه بخواهیم به دیگران بشناسانیم، باید در زندگی فردی خودمان ببینیم که چه درس می‌گیریم و چه اتفاق خوبی برای ما خواهد افتاد. اینکه قرآن شریف می‌فرماید لَكُمْ فِي رَسُوْلِ اللّٰهِ اُسُوَةٌ حَسَنَةٌ؛ یعنی شما می‌توانید خودتان را به وجود مقدس حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) نزدیک کنید و در زندگی خودتان آن را الگو و اسوه قرار دهید.

در عصر حاضر، در مکتب پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله)، در مکتب اسلام قرآن و اهل بیت (علیهم السلام)، در مکتب انقلاب اسلامی و در مکتب امامین انقلاب اسلامی ما شخصیتی با ویژگی‌هایی همچون ایمان و عمل صالح، بصیرت و شناخت، معرفت، محبت و ولایت در حد اعلا را شاهد هستیم که

امکان‌پذیری آن را نه تنها بیان می‌کند، بلکه جلوی چشم همه ما قرار می‌دهد و می‌توان درس زندگی هم گرفت.

در این فرصت در محضر جناب آقای دکتر شریعت مدار، رایزن سابق ایران در لبنان هستیم. ایشان موضوع انقلاب اسلامی، اقتدار ملی و شهید سلیمانی را ارائه خواهند کرد. مجدداً خدمت شما سلام عرض می‌کنم و خیلی خوش‌آمدید. امشب هم شب ۲۲ بهمن خاطره انگیزی است که ما چهل‌ودومین سال انقلاب اسلامی را شاهد هستیم. خداوند این انقلاب را به یمن و برکت این ایام، انشاء الله به انقلاب مهدی متصل کند که **إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيداً وَ نَرَاهُ قَرِيباً**.

انقلاب اسلامی، اقتدار ملی و شهید سلیمانی

* جناب آقای دکتر شریعتمداری: موضوع من در مورد بحث انقلاب اسلامی، اقتدار ملی و شهید سلیمانی است. به طور طبیعی در شب ۲۲ بهمن و شب پیروزی انقلاب، چنین موضوعی می‌تواند از هر موضوع دیگری، از جهاتی مناسب‌تر باشد.

هر کشور و نظامی برای تأکید و حفظ حاکمیت خود و برای گسترش نفوذ منطقه‌ای و جهانی خود تلاش می‌کند و این یک امر طبیعی است. هرچند در سال‌های اخیر تلاش شده است که مفهوم حاکمیت ملی به سود سازوکارها و سیاست‌های بین‌المللی کاهش پیدا کند، اما همچنان همه کشورها بر این مفهوم و ایجاد سازوکارهای لازم برای آن تأکید می‌ورزند.

اساساً بسیاری از تنش‌هایی که ما در منطقه و جهان شاهد هستیم، ناشی از بر هم خوردن نقطه تعادل در میان مفهوم حاکمیت ملی و اعمال آن میان کشورهای مختلف است.

ما علاوه بر این مفهوم حاکمیت ملی سنتی رایج در جهان، با مفهوم دیگری هم روبه‌رو هستیم که در طول این ۴۲ سال، تطورات گفتمانی و عملیاتی مختلفی داشته است. آن مفهومی است که در آغاز انقلاب به عنوان صدور انقلاب مطرح شد. در داخل و خارج از کشور دو گروه موافق و مخالف با صدور انقلاب وجود دارد. در داخل انقلاب عده‌ای به صدور انقلاب و تعمیم پیام انقلاب اسلامی اعتقاد داشتند؛ اما در مقابل آن، کسانی با نگاهی محافظه‌کارانه‌تر معتقد بودند، انقلاب به پیروزی رسید و اینک نوبت دولت‌سازی و توجه به داخل کشور است.

در خارج هم کسانی بودند که با الهام بخشی از انقلاب اسلامی ایران، مایل به گسترش این حرکت و تحقق پیام آن در منطقه و جهان بودند. در مقابل نیز قدرت‌های استکباری و منطقه‌ای که گسترش پیام انقلاب را مانعی در جهت اعمال هژمونی خودشان به ویژه امریکا می‌دیدند، وجود دارد. البته (مخالفت استکبار) بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پایان چنگ سرد و تلاش آمریکا برای تحمیل یکجانبه‌گرایی خودش بر جهان و به ویژه جهان اسلام تشدید شد و ما شاهد افزایش تنش‌ها و مواجهه‌هایی بودیم که حداقل در ۱۵-۱۰ سال اخیر رخ داد.

در بحث صدور انقلاب با هر مفهومی، چه در قالب مفهوم اولیه خودش؛ چه به عنوان الهام بخش پیام انقلاب به مستضعفان جهان، عدالت خواهان، استقلال خواهان و مسلمین منطقه؛ نگاه مربوط به اینکه ایران به عنوان ام‌القری جهان اسلام است؛ حتی در چارچوب مفهوم دیپلماتیک و در رویکردی که در روابط دیپلماتیک به عنوان برقراری ارتباط در جهت حفظ منافع ملی با کشورهای منطقه و نگاه به شرق مطرح است و همچنین بحث اهمیت غرب آسیا و محوریت مسئله فلسطین در مناسبات منطقه‌ای و روابط با کشورهای همجوار و ارتباط با مستضعفین جهان در مواجهه با استکبار جهانی - استکباری که به عنوان مهم‌ترین نیرو در برابر انقلاب اسلامی قد علم کرده و همواره برای خاموشی نور انقلاب تلاش کرده - این مسئله قابل طرح است.

البته هدف آن نیست که به نظریات گوناگونی مطرح شده در طول این چهل سال و سیره تطور آنها پرداخته شود. اما حاصل همه آن چیزی که در این چهل سال گذشت، بحث تشکیل محور و جبهه مقاومت در منطقه است. اساساً بحث اینکه آیا انقلاب اسلامی با ۲۲ بهمن ۵۷ به پایان رسید و پس از آن باید به ساختن دولت همت گماشت؟ بحث قدیمی نهضت و نظام، دولت و انقلاب و تداوم انقلاب و امثالهم، از مباحث نظری مهمی هستند که بر مسئله‌ای که ما در حال طرح آن هستیم، بسیار اثرگذار است.

فارغ از همه اینها ما امروز با واقعیتهایی در منطقه و در جهان روبه‌رو هستیم و آن وجود دو پروژه سیاسی و راهبردی است. پروژه استکبار و استعمار

جهانی و به تبع آن صهیونیسم بین‌الملل تلاش می‌کند کشوری به نام اسرائیل را، علیرغم عدم مشروعیت آن، در منطقه ما جا بی اندازد. نه تنها این رژیم را ایجاد می‌کند، بلکه آن را محور همه فعل و انفعالات در منطقه قرار می‌دهد. لذا مشاهده می‌شود که خط قرمز استکبار جهانی، امنیت رژیم صهیونیستی است.

آنچه امروز در منطقه شاهد هستیم، عادی‌سازی روابط برخی از رژیم‌های عربی با رژیم صهیونیستی است، که در همین راستا قابل تحلیل است. استکبار جهانی به خوبی می‌داند که عادی‌سازی موجودی به نام رژیم صهیونیستی در منطقه عربی و اسلامی به‌سادگی امکان‌پذیر نیست و حتی غیر ممکن است. شیمون پرز در کتاب خودش گفته بود که ما نمی‌توانیم عرب شویم، لذا عرب‌ها باید خاورمیانه‌ای شوند. سازوکارها و طرح‌هایی که برای منطقه مطرح شده است، همچون خاورمیانه جدید، خاورمیانه بزرگ، خاورمیانه گسترده و امثالهم برای این است که منطقه غرب آسیا یا خاورمیانه و جهان عرب و این منطقه حساسی که ما در آن زندگی می‌کنیم، به نوعی تابعی از رژیم صهیونیستی و اعمال اقتدار رژیم صهیونیستی در این منطقه باشد.

به طور طبیعی ما در برابر یک رویارویی قرار می‌گیریم. رژیم صهیونیستی مایل است اقتدار خودش را به نمایندگی از استکبار جهانی تثبیت کند و مقدرات منطقه را در اختیار بگیرد. به طوری که ما شاهد اقدامات مختلف امنیتی، سیاسی، اقتصادی و روابطی که با کشورهای منطقه در حال

شکل‌گیری است، هستیم. از این طرف هم کشوری به نام انقلاب و جمهوری اسلامی ایران قرار دارد که به اقتدار ملی و حفظ منافع امنیت ملی خودش تأکید دارد.

در این ۴۲ سال، استکبار جهانی برای محدود کردن انقلاب اسلامی ایران به تحمیل یک محاصره اقتصادی سنگین روی آورد که هدف از آن نه تنها برای کاهش توانمندی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بلکه برای کاهش نفوذ سیاسی ایران در منطقه و همچنین اثرگذاری بر جامعه داخلی ایران از راه ایجاد مشکلات اقتصادی و معیشتی بود. از دید استکبار این می‌تواند به تنش‌های اجتماعی و در نتیجه به مسائل امنیتی بی‌انجامد. علیرغم همه این تلاش‌ها ما امروز شاهد این هستیم که جمهوری اسلامی ایران نه تنها توانست بر اقتدار ملی و حفظ منافع، صیانت از مرزها، حفظ امنیت ملی، پیشرفت علمی و دفاع از مسائل عادلانه در منطقه و در رأس آنها مسئله فلسطین و همچنین ایجاد یک کشور و دولت مقتدر تأکید کند، بلکه روز به روز اقتدار و توانمندی‌های خودش را افزایش بدهد.

با توجه به اینکه هر نظام و ساختاری تمایل به حفظ، تداوم و افزایش اقتدار خودش دارد و هر پیامی هم تمایل به جهانی شدن دارد، انقلاب اسلامی هم از این قاعده مستثنا نیست. باید گفت که انقلاب اسلامی ایران در این زمینه چه کاری انجام داده است؟ نخستین مسئله بحث قدرت‌سازی است. ایجاد و افزایش قدرت و توان نظامی و دفاعی‌ای که نه تنها بتواند به مقابله

با تهدیدات پردازد، بلکه قدرت بازدارندگی در برابر تهدیدات محتمل را هم ایجاد کند.

کسانی که در این حوزه‌ها مطالعه دارند می‌توانند یک مقایسه‌ای را در مورد توانمندی‌های نظامی و دفاعی ایران در سال‌های آغازین انقلاب و جنگ تحمیلی و وضعیت این توانمندی‌ها در امروز، انجام دهند. در جنگ تحمیلی اگر قدرت و ایمان انسان مقاوم و رزمندگان نبود با توجه به کمبودهایی که در زمینه توانمندی‌های دفاعی وجود داشت، امکان محقق شدن پیروزی ممکن نبود. کسانی که آن دوره را تجربه کردند، می‌دانند که حتی برای تهیه یک موشک هم گاهی می‌بایست تلاش‌های وسیعی صورت می‌گرفت. با توجه به اینکه همه کشورهای منطقه و جهان پشت سر عراق ایستاده بودند، باید از طریق کشورهای ثالث، چند موشک را فراهم می‌کردیم. لذا همان کشوری که در جنگ تحمیلی از چنین کمبود و ضعفی رنج می‌برد، امروز، چشم دنیا را در توان موشکی خودش خیره کرده است. امروز توان موشکی جمهوری اسلامی ایران در کنار انرژی هسته‌ای صلح‌آمیز این کشور و بلکه شاید بالاتر از آن مورد توجه قدرت‌های جهانی قرار گرفته است. قدرت سازی و به ویژه ایجاد قدرت بازدارندگی از امور مهمی است که جمهوری اسلامی ایران نسبت به آن اقدام کرده است.

در مرحله دوم، به‌کارگیری این قدرت برای دفاع از امنیت ملی و برای مواجهه با تهدیدات در منطقه یک امر بسیار مهمی است. اقتدار امروز جمهوری اسلامی ایران می‌تواند و باید در کنار کشورهای همسایه، جهان

اسلام و نیروهای آزادی‌خواه در منطقه و علیه همه تهدیداتی که ممکن است نسبت به جمهوری اسلامی ایران و در منطقه صورت گیرد، باشد. جمهوری اسلامی ایران، ایجاد ساختار امنیت جمعی در منطقه خلیج فارس، دریای عمان و در به طور کلی در منطقه را مورد تأکید قرار داده است که باید توسط کشورهای منطقه و با همکاری‌های منطقه‌ای پیش‌بینی و اعمال شود و منطقه باید عاری از وجود نیروهای خارجی باشد. تأکید جمهوری اسلامی ایران بر ضرورت خروج نیروهای آمریکا از منطقه به ویژه پس از شهادت شهید سلیمانی در این راستاست.

مطالبه خروج نیروهای آمریکایی از منطقه صرفاً ناظر به جنایتی نبود که آمریکا حدود یک سال پیش در بغداد مرتکب شد و سردار سلیمانی فرمانده سپاه قدس را به شهادت رساند؛ بلکه یک مطالبه عمومی و همیشگی است. بنابراین به‌کارگیری این قدرت برای رفع تهدیدات و برای ایجاد فرصت‌ها گام دومی محسوب می‌شود که جمهوری اسلامی ایران انجام داده است. یکی از فرصت‌هایی که می‌تواند این اقتدار را تثبیت کند و در جهت رفع تهدیدات هم به کار گرفته شود، ایجاد پیمان‌های منطقه‌ای است. این نکته‌ای است که در عرف جهانی و میان استراتژیست‌ها وجود دارد. اما در مورد جمهوری اسلامی ایران به نوع دیگری ما شاهد آن هستیم. تشکیل محور مقاومت در منطقه در واقع پاسخی به این نیاز بوده است. جمهوری اسلامی ایران باید بتواند با ایجاد این پیمان‌های منطقه‌ای، حوزه نفوذ خودش را گسترش دهد و تهدیدات و خطرات را از مرزهای نه تنها جغرافیایی، بلکه

مرزهای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در مفهوم وسیع خودش دور کند.

جمهوری اسلامی ایران همواره منادی همکاری‌های منطقه‌ای بوده است؛ حتی با بعضی از کشورها توافق‌نامه‌ها و پیمان‌نامه‌های امنیتی دارد. ایران با کشور پادشاهی عربستان سعودی - مهم‌ترین کشوری که به نوعی در چالش منطقه‌ای با آن قرار داریم - پیمان امنیتی دارد. با وجود همه اینها، بدیهی است کسانی می‌توانند هم‌پیمان جمهوری اسلامی ایران باشند که در واقع با پیام انقلاب سازگاری بیشتری داشته باشند و مواجهه با استکبار جهانی را در دستور کار خودشان قرار دهند. لذا ما شاهد تشکیل جبهه مقاومت بودیم. تهدیدات علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران شاید در طول تاریخ نمونه و نظیری نداشته است. با همه اینها بعد از ۴۲ سال مشاهده می‌شود که جمهوری اسلامی ایران موفق بوده است. امروز آمریکا در حوزه کاهش توانمندی اقتصادی، بحث کرونا، نژادپرستی و تنش‌های اجتماعی داخلی با مشکلاتی مواجه است؛ این موضوع نشان می‌دهد که روزگار اقتدار بلامنازعه آمریکا به سر آمده است.

***جناب آقای دکتر اسحاقی:** جناب شریعت‌مدار در حال تبیین دستاوردهای جمهوری اسلامی در چهل و دومین سال پیروزی انقلاب اسلامی و نقشی که شهید سلیمانی در منطقه و حوزه اقتدار منطقه‌ای جمهوری اسلامی و اقتدار امت اسلامی داشتند، بودند. جناب آقای

حجت‌الاسلام و المسلمین صلح میرزایی، مدیر محترم دفتر موسسه پژوهشی و فرهنگی انقلاب اسلامی در قم، بحثشان را در مورد نظریه مقاومت در اندیشه رهبری معظم انقلاب ارائه خواهند کرد. جناب آقای صلح میرزایی در حوزه اندیشه رهبری معظم انقلاب کارهای متعددی را انجام دادند که به نمونه آن می‌توان به کتاب نظریه مقاومت اشاره کرد که این کتاب به عربی هم ترجمه شد و رونمایی هم صورت گرفت. در خدمت جناب آقای صلح میرزایی هستیم.

نظریه مقاومت در اندیشه رهبر معظم انقلاب اسلامی

حجت‌الاسلام و المسلمین صلح میرزایی: بحث مقاومت یکی از مباحث مهم و کاربردی و یکی از راهبردی‌ترین مباحث مربوط به اندیشه امامین انقلاب است. در اندیشه حضرت امام و حضرت آقا، بحث مقاومت را قبل از انقلاب هم شاهد بودیم. رهبر انقلاب در واقع در سال ۵۲-۵۳ که ما اولین متون نگارشی ایشان را داریم، ایشان یک کتابی را به نام کتاب صبر تدوین کردند. بحث ایشان در کتاب صبر دقیقاً هما بحثی است که بعد از سال‌ها در سال ۹۷ خطاب به جوانان و دانش‌آموزان مطرح کردند.

صبری را که ایشان در کتاب گفتاری در باب صبر بیان می‌کنند، دقیقاً همان معنای مقاومت را دارد. در بحث مقاومت رهبری معظم انقلاب سه نکته تعریف، چرایی و چگونگی مقاومت را مطرح می‌کنند. ایشان در تعریف مقاومت می‌فرمایند؛ مقاومت این است که ما مسیری را انتخاب کنیم و مسیر

حقی باشد. به تعبیر دیگر ما تفکر و تأمل کنیم که مسیری را انتخاب نماییم و به سمت آن حرکت کنیم.

قاعدتاً در مقابل هر هدفی و رسیدن به هر هدفی موانعی وجود دارد که بعضی از این موانع درونی است؛ به طوری که تنبلی‌ها و بعضی از انگیزه‌ها مانع از این می‌شود که انسان به سمت هدف حرکت کند. بعضی از این موانع هم بیرونی است. موانع بیرونی شامل انواع موانع طبیعی، انسانی و گاهی هم بر اساس مفاهیم قرآنی از شیاطین است؛ این‌ها موانعی هستند که در مقابل اهداف مهم سد ایجاد می‌کنند.

حضرت آقا بحث‌های اندیشه مقاومت را از سال ۹۷ مطرح کردند اما قبل از این سال هم در بیانات ایشان واژگانی شبیه استقامت و صبر مطرح شد و در بسیاری از موارد هم ایشان کلمه صبر را به کار بردند. در روایت معروف امام علی (علیه السلام) که فرمودند که لا یَحْمِلُ هَذَا الْعَلَمَ إِلَّا أَهْلُ الْبَصْرِ وَالصَّبْرِ؛ آنجا صبر به همین معنای مقاومتی که مدنظر ایشان بوده لحاظ شد. در کنار این بحث ما باید ببینیم که چه اهدافی را برای انقلاب خودمان متصور بودیم. رهبر انقلاب در برخی از بیانات خودشان این را فرمودند. بحث استقلال‌خواهی و قطع هرگونه وابستگی، بحث حاکمیت اسلام بر جامعه و رواج ارزش‌های دینی در کشور از جمله این اهداف می‌باشد. رگه‌هایی از این بحث‌ها را می‌توان در کتاب طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن رهبر انقلاب مشاهده کرد. در این کتاب ایشان نفی طاغوت، بحث حاکمیت الله و حاکمیت اسلام بر قوانین جامعه و ایدئولوژی موجود در

جامعه و اداره قواره‌های مختلف جامعه، آزادی بیان و قلم را به عنوان اهداف انقلاب مطرح می‌کنند. عدالت و رفع تبعیض‌ها از جمله اهداف و آرمان‌هایی است که انقلاب اسلامی برای خودش تعیین کرد.

برای هرکدام از این اهداف موانعی به وجود می‌آید. وقتی استقلال خواهی وجود دارد، در مقابل آن کسانی هستند که علاقه‌مند به این هستند کشور وابسته باشد؛ یا علاقه دارند که بر منابع کشور تسلط پیدا کنند. قاعدتاً چنین اتفاقی یکسری تبعاتی را به دنبال خواهد داشت. لذا در اینجا گزینه‌هایی در مقابل ما مطرح می‌شود. یک گزینه این است که ما به سمت آن مسیری که باید برویم حرکت کنیم. به فرمایش حضرت آقا، مثلاً کسی که هدفش این است به قله برسد، این یک هدف راهبردی برای آن فرد محسوب می‌شود؛ در مقابل این فرد سختی‌های مسیر، دزدی، میل و انگیزه آن فرد وجود دارد. لذا یک راه این است که انسان همین مسیر مطلوب را ادامه بدهد و مقاومت هم به همین معناست.

گزینه بعدی این است که به عقب برگردد و از مسیر خودش و هدفی که در پیش داشت کلاً روی برگرداند. راه سوم این است که یک مسیر میانه‌ای را اتخاذ کند. یعنی نه به سمت مبدأ خودش حرکت کند و نه اینکه به سمت آن هدفی که داشته است، گام بردارد. حضرت آقای می‌فرمایند، مقاومت در واقع همین معنا را می‌دهد. ۱۴ خرداد ۹۸ حضرت آقا در مرقد مطهر حضرت امام (ره)، بحث را به سمت اندیشه مقاومت بردند و یکی از جاذبه‌ها امام را به عنوان بحث مقاومت مطرح کردند. در میانه صحبت‌ها که بحث سازش

مطرح شد؛ مردم شعار نه سازش، نه تسلیم، نبرد با آمریکا سر دادند و حضرت آقا همان‌جا تذکر دادند که من بحث مقاومت را با بحث نبرد متفاوت می‌دانم.

با این تعریفی که رهبری معظم انقلاب در مورد مقاومت فرمودند، قاعدتاً یکسری عرصه‌ها برای مقاومت ایجاد می‌شود. یک عرصه، عرصه مقاومت سیاسی است که بسیار مهم می‌باشد. عرصه بعدی مربوط به مقاومت فرهنگی در برابر تهاجمات دشمن است. عرصه سوم، مقاومت اقتصادی است و دشمن اقتصاد را هدف می‌گیرد. ما باید سدی را در مقابل او ایجاد کنیم و اقتصاد امنی را در برابر هجومی که دشمن ممکن است به اقتصاد کشور داشته باشد، شکل دهیم. عرصه بعدی مربوط به مقاومت در اصول است. حضرت آقا، این را هم یکی از عرصه‌های مقاومت می‌دانند و اشاره می‌کنند؛ یکی از تلاش‌هایی که در حال انجام است، تردید افکنی در اصول به ویژه اصول قانون اساسی و بعد زمزمه‌ها و سخنانی است که گفته می‌شود برخی از این اصول باید تغییر کند. مقاومت در برابر این یک عرصه مقاومت تلقی می‌شود.

عرصه نهایی مقاومت، مقاومت نظامی است. بر اساس آن تعریفی که رهبر انقلاب ارائه دادند، مقاومت را نمی‌توان صرفاً در مقاومت نظامی دانست. مقاومت نظامی بیشتر جنبه بازدارندگی دارد. قاعدتاً مقاومت نظامی و آن بازدارندگی و تأثیر امنیت شرط لازم برای بقیه عرصه‌های مقاومت است، اما ورود به عرصه مقاومت نظامی و عملیاتی کردن آن، بر اساس این

ضرب‌المثل‌هایی که حضرت آقا زیاد به کار بردند، آخر الدّواء الکیّ است. یعنی اگر قرار است کار نظامی جدی‌ای صورت گیرد، آنجا باید آخرین گزینه باشد. حضرت آقا فرمودند وقتی که ما مقاومت را مطرح می‌کنیم، با این تعاریف، نکات و عرصه‌هایی که بیان شد، زود به ذهن‌ها خطور نکند که مقاومت یک کار جنگ‌طلبانه و ماجراجویی است.

یرامون چرایی، سه مبنا در بیانات رهبر انقلاب برای مقاومت وجود دارد. عصاره همه مباحث مقاومت را رهبر انقلاب در ۱۴ خرداد ۹۸ فرمودند. عملاً دیدیم که ایشان یک جمع‌بندی از همه مباحثی که در طول سال‌های قبل از انقلاب و پس از انقلاب داشتند، ارائه کردند. این یک نکته اساسی است. ایشان مبانی‌ای که مطرح کردند را می‌توان در سه دسته کلی قرار بدهیم. ۱. مبانی دینی. بعضی از آیات و روایت صریحاً در بحث مقاومت به این نکته تأکید دارند که شما باید به سمت هدف‌های الهی حرکت کنید و در این مسیر نباید عقب‌نشینی و ارتجاع داشته باشید. این نکته بسیار اساسی است. ایشان به چند آیه به عنوان شاهد مثال اشاره داشتند. و نُریدُ أَنْ نَمُنَّ؛ که برای دوران ظهور حضرت این آیه را می‌خوانیم. ایشان می‌فرمایند؛ این اراده حضرت حق بر اینکه نهایتاً وارث زمین مستضعفان خواهند بود، این خودش یک آیه‌ای است که می‌تواند به عنوان مبانی اندیشه مقاومت مطرح شود. آیه تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ؛ خداوند یاری خواهد کرد. اینها یک دلگرمی برای مؤمنین است و خداوند با این وعده‌ها، همه ما را به این سمت دعوت می‌کند که مقاومت داشته باشیم. همچنین آیه الدّینَ قالوا

رَبَّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ. این آیات شریفه می‌تواند از مصادیق بحث مقاومت باشد.

حضرت آقا فرمودن که علاوه بر مباحث دینی، یک سری مقدمات عقلانی هم وجود دارد و هر موجود زنده‌ای یک اهدافی برای خودش تعیین می‌کند. معنا ندارد وقتی که یک هدف تعیین شد، انسان بخواهد از آن هدف خود کوتاه بیاید و به عقب برگردد. این مبانی عقلانی در همه دنیا (وجود دارد) و انسان‌های هدفمند تلاش می‌کنند تا به آن هدف خودشان برسند و اینگونه هم نیست که با اولین مانع بخواهند برگردند. البته حضرت آقا فرمودند که منظور ما از مقاومت، مقاومت بی‌تدبیر نیست. ما مقاومت با تدبیر را سفارش می‌کنیم.

۲. یکی از نکاتی که حضرت آقا فرمودند، بحث تجربه‌های تاریخی است. تجربه‌های تاریخی از مبانی این اندیشه است و این هم یک نکته اساسی محسوب می‌شود. هرکجای تاریخ که مقاومت وجود داشته است، ملت‌ها به اهداف خودشان رسیدند و هرجایی که مقاومت نبود، حتی به اهداف ظاهری دنیوی خودشان هم نرسیدند. این پیشرفت‌هایی که غرب به دست آورده به خاطر مقاومت بوده است. مقاومتی که اروپایی‌ها در مقابل ناپلئون انجام دادند؛ در مقابل ارتش نازی لنین‌گرا کردند و همچنین بخش‌هایی از اروپا در مقابل ارتش هیتلر (مقاومت‌هایی انجام دادند)؛ اینها از افتخارات غرب محسوب می‌شود. این نکات را می‌توان به عنوان مبانی اندیشه مقاومت در بیانات رهبر انقلاب مشاهده کرد.

۳. نکته اساسی که به عنوان مبانی دینی-عقلی مقاومت در اندیشه حضرت آقا دیده می‌شود، بحث این است که به قول ایشان معنا ندارد که پرچم حق را بلند کنید و به دنبال اهداف حق باشید ولی در مقابل شما مانعی قرار نگیرد. ایشان تقابل بین حق و باطل را یک تقابل قطعی می‌دانند. بعضی‌ها این اشکال را وارد می‌کنند که جمهوری اسلامی ایران ماجراجویی کرده است، یا بعضی‌ها شروع این مشکلات را مربوط به تسخیر لانه جاسوسی می‌دانند، اما حضرت آقا به ضرس قاطع این را رد می‌کنند و می‌فرمایند، از اولین روزهایی که نغمه انقلاب اسلامی ولو قبل از انقلاب و این نهضت شروع می‌شود، مخالفت‌های خودشان را آغاز کردند.

اخیراً در دیداری که مقام معظم رهبری با نیروی هوایی داشتند، همین جمله را فرمودند که امثال هاینر اصلاً مأموریت داشت که انقلاب را سرکوب کند و کودتا انجام دهد. لذا از ابتدای انقلاب این دشمنی‌ها وجود داشته است. این تقابل یک تقابل تاریخی است؛ چون باطل همیشه به دنبال گسترش عرصه خودش است و حق هم در مقابل آن مقاومت می‌کند. انبیای الهی همه مقاومت کردند. این هم یک نکته دیگری است که در بیانات رهبر انقلاب می‌توان مشاهده کرد.

یک اطلاع‌نگاشتی هم نسبت به محتوای کتاب اندیشه مقاومت وجود دارد که فکر می‌کنم دوستان می‌توانند آن را دانلود کنند و در آن می‌توان مواردی که در اندیشه رهبر انقلاب مطرح شده است را به خوبی ببینند. حضرت

آقا آثاری را برای مقاومت برشمردند که اینها می‌توانند جزو مبانی باشند و باعث برانگیختگی افراد به سمت هدف‌ها شود.

همچنین در مقابل اندیشه مقاومت، گفتمان سازش وجود دارد که رهبر انقلاب و حضرت امام به آن اشاره کردند. البته این اندیشه از ابتدای انقلاب بوده و حتی می‌توان گفت که قبل از انقلاب هم کسانی که مخالف حرکت حضرت امام بودند، همین بحث را با ادبیات مختلف مطرح می‌کردند. معمولاً اینها مترادف‌هایی را ایجاد می‌کردند تا جذابیت این سازش را به مخاطبان خودشان نشان بدهند. قاعدتاً اگر کسی بگوید که من می‌خواهم با غرب و استکبار و یا با استبداد طاغوت سازش کنم، عملاً از طرف یک ملت آزاده‌ای مثل ملت ایران موردپذیرش قرار نخواهد گرفت. در اینجا با تغییر کلمات و به‌کارگیری ادبیاتی همچون تنش‌زدایی، توسعه سیاسی، پرهیز از ماجراجویی و مذاکره و امثالهم و به قول حضرت آقا با تحریف برخی از واژه‌ها سعی دارند، اندیشه سازش را بزرگ کنند.

حضرت آقا زیان‌های ترک مقاومت را برشمردند که بعضی از آنها را می‌توان در این اطلاع‌نگاشتی که مطرح شده، مشاهده کرد. اولین زیان آن، نرسیدن به نتیجه است. دشمن یقیناً به دنبال منافع خودش است و به همین دلیل تلاش خواهد کرد تا ما محروم شویم. آیه وَ لَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ نِيزَ بِهِ هَمِينَ معناست که هیچ وقت آنها راضی نخواهند شد و ما نمی‌توانیم با سازش به آن هدف مدنظر خودمان برسیم. این امر باعث می‌شود که ما باید اهداف خودمان را تنزل بدهیم و عزت از بین خواهد

رفت. ایشان به سلطان حسین‌های تاریخ اشاره می‌کنند که اگر آنها ایستاده بودند و مقاومت می‌کردند، مثلاً مردم اصفهان می‌توانستند در پرتو هدایت‌های یک مجموعه نظامی قوی و هدایت‌هایی که آن سردمداران‌شان داشتند، در برابر دشمن مقاومت کنند. ایشان جری‌تر شدن دشمن را یکی دیگر از زیان‌های ترک مقاومت بیان کردند. در این زمینه هم ایشان به یکسری از نمونه‌های تاریخی اشاره داشتند.

برای اینکه مقاومت ایجاد شود، رهبر انقلاب به چند عامل اشاره داشتند. ایمان و عمل به دستورات دین را یکی از نکات ارزنده در این زمینه می‌دانند. بحث وجود روحیه ایثار و فداکاری، شنیدن پیام شهدا و اعتقاد به هویت ملی از جمله عواملی محسوب می‌شوند که می‌توانند مقاومت را تقویت کنند. در مقابل بعضی دیگر از عوامل هم وجود دارند که به فرمایش حضرت آقا، این عوامل باعث کاهش مقاومت می‌شوند. آلوده شدن به گناه، اختلاف مسئولان، دادن نشانه‌های تسلیم به دشمن و ترسیدن از خطرات از عواملی است که باعث کاهش مقاومت می‌شود.

بر اساس این تعاریفی که از مقاومت از بیانات حضرت آقا مطرح شد و با این مبانی، آثار، عوامل افزایش و کاهش، نکته اساسی این است که مقاومت زمانی به نتیجه می‌رسد که مردم و مسئولین در کنار هم باشند. حضرت آقا داستانی را مطرح کردند که در آن داستان، کسی به دفتر ریاست جمهوری زنگ زده بود و گفته بود که به ایشان (دوره ریاست جمهوری حضرت آقا) بگویند که ما در منزل پنیر نداریم، اگر شما هم ندارید که خوب است، ولی

اگر شما دارید یک فکری بکنید. حضرت آقا فرمودند؛ از اینکه در آن زمان در منزل پنیر نداشتیم، خدا را شکر کردم. حالا مردم ما از مسئولین ما با تحصیلات عالی‌ای و نظام پرداخت حقوق و امثالهم توقع ندارند که لزوماً یک فردی فقیری باشد. اما این توقع را دارند که مسئولین به‌گونه‌ای عمل کنند که مقاومت صرفاً برای مردم مستضعف نباشد؛ چراکه طبق فرمایش حضرت امام و حضرت آقا اینها ولی‌نعمت‌های ما هستند. (توجه به این موضوع) می‌تواند یک وظیفه مهمی را برای مسئولین ایجاد کند و تقویت‌کننده بحث مقاومت از طرف مسئولین باشد.

***جناب آقای دکتر اسحاقی:** موضوع مقاومت یک راهبرد مهم قرآنی و انقلابی است و در تعالیم امامین انقلاب این موضوع به نحو برجسته‌ای مطرح بوده است. قرآن شریف می‌فرماید *تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ*؛ اینکه اگر می‌خواهید در مسیر حق باشید، همین مسیر است. نکته بعدی این است که این فقط نظر و نظریات علمی‌ای که دانشمندان ارائه می‌دهند، نیست، بلکه در عمل این نظریه کارآمدی و موفقیت خودش را نشان داد. با توجه به اینکه این نظریه کارآمدی، موفقیت و آثار مثبتی که داشته است، در حال انتقال است. متناسب با فطرت انسان هم است؛ به طوری که تسلیم شدن، سازش و ذلت پذیرفتن در طول تاریخ یک امر نامیمون بوده و ملت‌ها، گذشتگان خودشان را که باید در برخی از زمینه‌ها مقاومت می‌کردند، اما

کوتاه آمدند و یک ذلت و شکست تاریخی را به آیندگان تحمیل کردند، نمی‌بخشند.

ما در موسسه پژوهش و فرهنگی انقلاب اسلامی، درصدد پرداختن عمیق‌تر به بحث نظریه مقاومت هستیم و به دنبال طراحی دوره آموزشی و پژوهشی ویژه در حوزه مقاومت می‌باشیم.

*جناب آقای دکتر شریعتمدار: امروز اگر به نتیجه تشکیل محور مقاومت در منطقه نگاه شود، می‌بینید که دوران حاکمیت مطلق آمریکا در جهات مختلف رو به افول است. این مطلبی است که نه تنها در بیان رهبران ما بلکه تعدادی از استراتژیست‌های منطقه و جهان هم به آن اذعان دارند. رژیم صهیونیستی که مرزهای خودش را از نیل تا فرات ترسیم کرده بود، امروز در جستجوی امنیت خود در چارچوب راه‌حل دو دولت و یهودی کردن خالص قلمرو خودش، جهت‌رهایی از ترس حملات انقلابیون فلسطینی و انتفاضه است. ما شاهد این هستیم که در طول جنگ‌های چهارگانه یا پنج‌گانه اعراب و اسرائیل، رژیم صهیونیستی تا سال ۱۹۷۳ بعد از آخرین جنگ فرسایشی توانست ارتش‌های عربی را شکست بدهد، اما در آزادسازی سال ۲۰۰۰ خاک لبنان، در جنگ ۳۳ روزه ۲۰۰۶ و در جنگ‌های سه‌گانه‌ای که علیه غزه انجام داد، (ناکام بود) و برای اولین بار جبهه مقابل رژیم صهیونیستی یعنی جبهه مقاومت توانست پیروزی‌های جدی‌ای را محقق کند.

امروزه ما شاهد اقتدار جمهوری اسلامی ایران از لحاظ راهبری، توان نظامی، طراحی، تاکتیک و اجرا هستیم. همه پروژه‌های استکبار جهانی در سوریه، عراق، لبنان، یمن و در کل منطقه به شکست انجامیده است و حداقل نتوانست اهداف خودش را محقق کند. به هر حال در هر رویارویی و جنگی؛ چالش‌ها، خسارت‌ها و زیان‌هایی هم وجود دارد. این رویارویی همچنان ادامه دارد.

همه آنچه درباره اقتدار ملی جمهوری اسلامی ایران در طول این چهل و دو سال بیان شده است، از زمان دفاع مقدس تا شهادت سردار قاسم سلیمانی، ما شاهد نقش آفرینی جدی ایشان در همه عرصه‌ها و تشکیل محور مقاومت بودیم. ایشان نه تنها در عرصه نظامی، راهبردی و تسلیحاتی تأکیدات خودشان را داشتند بلکه تأکیدات ایشان بر فعالان در عرصه قدرت نظامی و موشکی و همچنین اقتدار سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را می‌توان مشاهده کرد. ایشان در حوزه سیاسی نقش بسیار اثرگذاری داشتند. کسانی که شاهد این نقش آفرینی شهید سلیمانی هستند بر تسلط ایشان بر فنون مذاکره و اثرگذاری بر مخاطبان آن‌هم در سطح رهبران دنیا، صحنه می‌گذارند و تعجب می‌کنند که چگونه یک فرمانده نظامی میدانی می‌تواند در عرصه سیاست و مذاکره هم، اثرگذار باشد.

توجه ایشان به حوزه رسانه، ارتباطات و عناصر فرهنگی و اجتماعی چه در داخل و چه در کشورهای مقاومت و ریزبینی‌های ایشان و برخوردهای عاطفی ایشان با سربازان و مردم و حضور ایشان در عرصه خدمت و

خانواده‌های شهدا و موارد بسیاری که همه مخاطبان ارجمند آنها را می‌دانند، می‌توان مشاهده کرد. تأکیدات ایشان بر تقویت اقتصاد جبهه مقاومت را می‌توان به عنوان یکی از عناصر مهم و اثرگذار در تشکیل جبهه مقاومت دانست.

این مباحثی که مطرح شد به این معنا نیست که از ایشان یک تصویر توتالیتر یا تمامیت‌خواه یا مسلط بر همه عرصه‌ها ارائه شود. همه ما می‌دانیم که ایشان به هیچ‌وجه نپذیرفت که در عرصه سیاست داخلی نقش آفرینی کند؛ اما در حوزه جبهه مقاومت نگاه ایشان، نگاه مجموعه‌ای بود. به این معنا که نمی‌توان در میدان پیروز شد، مگر اینکه در عرصه سیاست، مذاکرات و در عرصه تقویت سرمایه اجتماعی و توانمندی اقتصادی جبهه مقاومت و ملت‌های منطقه، رویکرد فعالی داشت.

همه اینها در واقع نشان‌گر تلاش خاص ایشان در جبهه مقاومت و در تداوم انقلاب اسلامی بر اساس منویات امام راحل و منویات مقام معظم رهبری است. اگر بخواهیم دلیلی بر بی‌بدیل بودن آن بیاوریم می‌توانیم به نگاه، رفتار، بیانات و تعابیر مقام معظم رهبری و حتی به حرکات و سکنات ایشان و به اشک چشمان ایشان در هنگام نماز بر جسد مطهر شهدای این جنایت آمریکا، اشاره کرد. بی‌بدیل و استثنایی بودن این فرمانده تاریخی و فرمانده جهانی را می‌توان از خلال همین رویه، سلوک و گفتار مقام معظم رهبری دریابیم.

*جناب آقای دکتر اسحاقی: جناب آقای شریعت مدار بسیار متشکریم. همچنین از جناب آقای حسنی سعدی که از مزار شهید سلیمانی با ما صحبت داشتند و شخصیت و ویژگی‌های خانوادگی شهید سلیمانی را بیان کردند، سپاسگزاریم. جناب آقای شریعتمدار بحث اقتدار ملی و شهید سلیمانی و نقشی که در این عرصه داشتند را مورد توجه قرار دادند. جناب آقای حجت‌الاسلام و المسلمین صلح میرزایی هم نظریه مقاومت در اندیشه، نظر، عمل و سیره رهبری معظم انقلاب را تبیین کردند. دکتر رجبی هم به شاخص‌های مکتب شهید سلیمانی اشاره داشتند.

۱۱. مقایسه انقلاب اسلامی ایران با سایر انقلاب‌های بزرگ جهان

* جناب آقای دکتر اسحاقی: موضوع این نشست در مورد مقایسه انقلاب اسلامی ایران با سایر انقلاب‌های بزرگ جهان در ابعاد فرهنگی، سیاسی و اجتماعی است.

در طول چند سده اخیر، حرکت‌ها و تغییرات اجتماعی و در یک گستره وسیع‌تر یک انقلاب در صحنه جهان در شرق و غرب عالم اتفاق افتاده است. در چهل و یکمین سال پیروزی انقلاب اسلامی ایران با ویژگی یک انقلاب همه‌جانبه و با محوریت اسلام که دارای اصول، مبانی، ارزش‌ها و اهداف و حتی روش و غایتی است که برای همه ملت‌ها، خیر و صلاح می‌خواهد. این انقلاب در مقایسه با انقلاب‌های دیگری که در شرق و غرب

عالم، رسالت‌هایی برای خودش قائل است. انقلاب ریشه‌هایی دارد و عواملی برای شروع و پایداری آن لازم است. مقایسه انقلاب اسلامی ایران با انقلاب‌های دیگر، به ویژه از منظر آرمان‌ها، اهداف و رسالتی که نخبگان و صاحب‌نظران آن در مورد نحوه این حرکت، حفظ آرمان‌ها و ارزش‌ها و حراست از آن دارند، یک امر ضروری است.

اهداف نشست امروز، چند محور دارد. در هر مقایسه‌ای وجوه افتراق و اشتراک بین انقلاب‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرند. رهبر معظم انقلاب نیز در بیانیه گام دوم به نحوی گزاره‌های اصلی این مقایسه را برای بازخوانی و تبیین تجربه گزاره‌های تاریخی و سیاسی، بیان کردند. ایشان در یک فرازی فرمودند: «از میان همه‌ی ملت‌های زیر ستم، کمتر ملتی به انقلاب همّت می‌گمارد؛ و در میان ملت‌هایی که به پاخاسته و انقلاب کرده‌اند، کمتر دیده شده که توانسته باشند کار را به نهایت رسانده و به‌جز تغییر حکومت‌ها، آرمان‌های انقلابی را حفظ کرده باشند. اما انقلاب پُرشکوه ملت ایران، تنها انقلابی است که یک چله‌ی پُرافتخار را بدون خیانت به آرمان‌هایش پشت سر نهاده و از اصالت شعارهایش صیانت کرده است». همچنین باید توجه داشت، انقلاب اسلامی ایران که در مرز ۴۱ سالگی قرار دارد با انقلاب‌های بزرگ دنیا مثل انقلاب فرانسه و انقلاب روسیه در وضعیت فعلی مقایسه نمی‌شود. در واقع تلاش می‌شود که در یک محدوده زمانی حداقل ۴۰ سال و در صورت وجود اسناد و مدارک این مقایسه انجام شود.

در این جلسه در خدمت اساتید محترمی همچون جناب آقای دکتر منوچهر محمدی، استاد تمام دانشگاه تهران که پژوهش‌های زیادی در این عرصه انجام دادند، هستیم. ایشان در مورد حفظ آرمان‌ها و دستاوردهای انقلاب اسلامی بحث خودشان را ارائه خواهند کرد. آقای دکتر ابوالحسن فیاض استاد گروه تاریخ دانشگاه اصفهان، چشم‌انداز معرفتی تاریخی انقلاب اسلامی ایران را مورد بررسی قرار می‌دهند. جناب آقای دکتر شکرالله خاکرند استاد تاریخ دانشگاه شیراز به ویژگی‌ها اجتماعی انقلاب اسلامی ایران اشاره می‌کنند. آقای دکتر خواجه سروی استاد علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی، پیشرفت‌های انقلاب اسلامی را در عرصه‌های فرهنگی و علمی ارائه خواهند کرد. جناب آقای دکتر داریوش غلامی، استاد تاریخ دانشگاه یاسوج، راه پیشروی انقلاب اسلامی ایران در آینده تاریخی را بحث خواهند کرد. همچنین جناب آقای محمدباقر بابا هادی، پژوهشگر و نویسنده، به بررسی مؤلفه‌های ماندگاری انقلاب اسلامی در مقایسه با انقلاب‌های بزرگ جهان می‌پردازند.

در جلسه امروز، جناب آقای دکتر منوچهر محمدی و جناب آقای دکتر محمدباقر بابا هادی در موسسه حضور دارند و چهار تن دیگر از اساتید هم به صورت مجازی، مباحث خودشان را ارائه خواهند کرد. در گام اول از جناب آقای منوچهر محمدی استاد محترم خواهش می‌کنیم که مباحث خودشان را ارائه دهند.

حفظ آرمان‌ها و دستاوردهای کلان انقلاب اسلامی

*جناب آقای دکتر منوچهر محمدی: یک نکته بسیار مهم و ظریفی که در ابتدا می‌خواهم، مطرح کنم، این است که اولاً در انقلاب‌های دیگر بلااستثنا بعد از پیروزی، آن نظام سیاسی‌ای که آنها تعریف کردند، جایگزین انقلاب شد و آن نظامی را هم که ایجاد کردند، ساخته و پرداخته دست بشر بود. در انقلاب اسلامی این امر رخ نداد. مرحوم بازرگان در روزهای اول انقلاب این مطلب را بیان کرد که «خیلی ممنون از مردم که انقلاب کردند و روحانیت که این انقلاب را رهبری کردند؛ حالا مردم به خانه بروند و روحانیت به مسجد و دموکرات‌ها حکومت کنند». امام خمینی^(ره) ظرف ۲۴ ساعت در تلویزیون گفتند که «مردم و روحانیت باید در صحنه باشند و اگر صحنه را ترک کنید همان بلایی سر انقلاب می‌آید که سر مشروطه آمد». بنابراین، وضعیت انقلاب اسلامی با انقلاب‌های دیگر فرق می‌کند. یعنی انقلاب در جامعه ایران بر پایه سه رکن رهبری، مردم و ایدئولوژی شکل گرفت و حفظ شد. تا به امروز و با گذشت چهار نسل، هم انقلاب و هم نظام حفظ شدند. نظام و انقلاب هرکدام کار خودشان را انجام دادند. انقلاب از مرزهای کشور گذشته است و فراگیر شد. نظام در داخل مرزهای کشور بود. از آنجایی که نظام بر اساس ارزش‌هایی دینی و اسلامی شکل گرفته است، نمی‌توانست تغییر کند. چراکه ساخته و پرداخته دست بشر نبود، بلکه الهی بوده است. به همین دلیل ارزش‌های انقلاب تمام و کمال حفظ شدند.

در انقلاب‌های دیگر همچون فرانسه و روسیه مشاهده می‌شود که بعد از پیروزی انقلاب، معیارهای ایدئولوژی کنار گذاشته شدند. انقلاب فرانسه مبتنی بر شعار برابری، برادری و آزادی بود ولی به تدریج درگیری‌هایی میان آنها رخ داد و قانون اساسی‌های متعددی نوشته شد، به طوری که هر سال یک قانون اساسی تدوین می‌کردند. نهایتاً انقلاب فرانسه به دیکتاتوری ناپلئونی منجر شد و این دیکتاتوری به مدت ۳۰ سال توسط ناپلئون اول تا سوم تداوم یافت.

مشابه این قضیه در انقلاب روسیه اتفاق افتاد. اولاً انقلاب روسیه با یک کودتا شکل گرفت. اینکه می‌گویند انقلاب اکتبر، یک دروغ واقعی است. اگر سقوط رژیم قبلی مبنا گرفته شود، می‌توان متوجه شد که در فوریه ۱۹۱۷ (اعتراضات علیه رژیم حاکم شروع شد) و نیکولای دوم استعفا داد. (بلشویک‌ها) ۹ ماه بعد و با کودتا علیه یک حکومت انقلابی که حاکم شده بود به قدرت رسید. با وجود اینکه ادعا می‌کردند که اقداماتشان در راستای حاکمیت پرولتاریا و مردم است، اما در اولین انتخاباتی که در مجلس مؤسسان قانون اساسی انجام شد، بلشویک‌ها که حاکم بودند بیش از یک چهارم رأی نیاوردند. صراحتاً گفتند که مردم اشتباه کردند که به ما رأی ندادند و به همین دلیل انتخابات را منحل کردند. بعد از آن یک نفر را معرفی کردند "بولیوورو" و به مردم گفتند که اگر مردم می‌خواهند به وی رأی بدهند یا ندهند. این وضعیت تا زمان فروپاشی شوروی ادامه داشت.

یعنی آن چیزی را که به عنوان حاکمیت پرولتاریا مطرح می‌کردند در همان قدم اول نسبت به آن بی‌اعتنا شدند.

ثانیاً، بعد از سه سال آقای لنین متوجه شد که نمی‌تواند با اقتصاد مارکسیستی کار کرد. لذا یک پروژه‌ای را تحت عنوان «نپ» تعریف کرد که تقریباً به اقتصاد یک نوع آزادی داد. از لحاظ سیاسی هم با مرگ لنین، درگیری‌ها بین رهبران کشور رخ داد و استالین به‌طور توطئه آمیزی همه رهبران را از صحنه خارج کرد و یک دیکتاتوری ۳۲ ساله در کشور حاکم کرد. حتی لنین هم به وسیله استالین مسموم شد. بنابراین مسئله حفظ آرمان‌ها و دستاوردها که در دیدگاه نظریه‌پردازان و راهبران انقلاب بود به‌طور کلی دچار استحاله و شیر بی‌یال و دم شد.

اما در انقلاب اسلامی این بحث اتفاق رخ نداد. یعنی بعد از ۴۲ سال دستاوردهای خرد و کلان انقلاب اسلامی در جهت ارتقا و حفظ بوده است. در سطح ملی کشور دو دستاورد مهم داشته است که در شعارهای مردم هم بود. این دستاوردهای شامل ۱. استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی و ۲. نه شرقی و نه غربی جمهوری اسلامی است. این شعارها که به نظر می‌رسد برنامه انقلاب بود تا به امروز حفظ شد. یک نظام دینی بعد از ۳۰۰ سال در ایران به نام جمهوری اسلامی به وجود آمد که مأمور اجرای همین برنامه‌ها و شعارها شد. امروز مستقل‌ترین کشور در دنیاست که هیچ قدرت خارجی نمی‌تواند در آن نفوذ کند. حتی اروپایی‌هایی که ادعای استقلال می‌کنند، اما بدون اجازه آمریکا نمی‌توانند هیچ اقدامی انجام دهند و آب هم نمی‌خورند.

ایران در زمان شاه از لحاظ سیاسی، فرهنگی، نظامی و اقتصادی تحت سلطه بود. بین وابسته بودن و تحت سلطه بودن تفاوت وجود دارد. یعنی همه چیز شاه، توسط آمریکا و انگلیس اداره می‌شد.

اما امروزه جمهوری اسلامی ایران استقلال کامل دارد. چنانچه حضرت امام فرمودند که امریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند و علیرغم توطئه‌هایی که در طول این چهل سال علیه جمهوری اسلامی انجام دادند، این کشور توانست استقلال خودش را حفظ کند و قدرت‌های بزرگ را شکست بدهد.

در مورد آزادی نیز باید گفت که انقلاب اسلامی آزادی و تصمیم‌گیری به مردم داد. برخلاف غرب که این آزادی در اختیار احزاب است؛ احزابی که خود ساخته هستند و توسط صاحبان قدرت و ثروت ایجاد شدند. در جمهوری اسلامی ایران، این آزادی حتی علیرغم میل رهبران، به مردم داده شد. امام می‌فرمایند «به والله من به بنی‌صدر رأی ندادم». وقتی بنی‌صدر پیش امام می‌روند، امام می‌فرمایند: «تو لیاقت رهبری نداری، تو لیاقت ریاست جمهوری را نداری». با این وجود وقتی که مردم رأی می‌دهند، امام می‌فرمایند «میزان رأی مردم است». لذا مردم نه تنها حکم بنی‌صدر را تنفیذ کردند بلکه فرمانده کل قوا را هم به او سپردند. این وضعیت تا به امروز حفظ شد. بسیاری از موارد بوده است که در انتخابات ریاست جمهوری و مجلس (کسانی انتخاب شدند که) چندان مطابق میل رهبران نبودند اما در اینجا میزان رأی مردم حفظ شد. (اگر سرنوشت انقلاب اسلامی شبیه سرنوشت انقلاب روسیه و فرانسه می‌شد، رهبران جمهوری اسلامی باید

می گفتند که مردم اشتباه کردند که به ما رأی ندادند. یک اندیشمند فرانسوی می گوید که ما در فرانسه هنگ هنگ تصمیم می گیریم و رأی مردم را به عنوان پوپولیسم تلقی می کنیم.

بنابراین: ۱. اکثر انقلاب‌ها پایبند به آرمان‌های انقلاب نبودند و ۲. دستاوردی به عنوان انقلاب نداشتند. به جرئت می توان گفت که همان حکومت‌های پادشاهی که قبلاً بودند با نام دیگری حاکم شدند. استالین وقتی به تهران آمد، بز مخصوصش را با خوش آورده بود. هیچ وقت برابری و عدالت در شوروی حاکم نشد و رهبران کمونیسم همواره در بهترین شرایط و رفاه زندگی می کردند. بنابراین عدالت مد نظر روسیه و آزادی مد نظر فرانسه هیچ گاه حاکم نشد و امروز هم اینها وجود ندارد.

***جناب آقای دکتر اسحاقی:** اگر از مقطع چهل ساله هم عبور کنیم، بعد از دو سده، سه سده و در حال حاضر هم آزادی وجود ندارد.

***جناب آقای دکتر منوچهر محمدی:** در امریکا دو حزب دموکرات و جمهوری خواه وجود دارد که کاندیدا را آنها انتخاب می کنند و مردم هیچ نقشی ندارند. ولی در ایران مردم تصمیم می گیرند. در ایران هیچ حزبی نمی تواند خودش را بر مردم تحمیل کند. بنابراین جمهوری اسلامی ایران ۱. از لحاظ حفظ آرمان‌ها، فوق العاده بهتر و ارزشمندتر عمل کرده است و توانست موفق بشود؛ ۲. از لحاظ دستاوردها هم خوب عمل کرده است و

دستاوردهای زیادی داشته است. من در کتابی، دستاوردهای کلان انقلاب اسلامی را در چهار سطح ملی، منطقه‌ای، جهانی و تمدنی بیان کردم. در سطح ملی دو دستاورد ۱. ایجاد نظام دینی کارآمد و ۲. شکل‌گیری جامعه ولایی، جامعه که در تکامل با جامعه مدنی است، وجود دارد.

در سطح منطقه، جهان اسلام به جای خاورمیانه مطرح شد. جمهوری اسلامی توانسته است هم جهان اسلام را بیدار کند تا بازگشت به اسلام انجام شود و هم اینکه توانست رژیم صهیونیستی را هزاران قدم عقب ببرد. رژیمی که از نیل تا فرات را مطرح کرده بود، امروز به خاطر ترس از نیروهای مقاومت دیوارهایی دور خودش کشیده است. در سطح جهانی نیز نظام جدیدی تحت عنوان نظام برخورد با سلطه به جامعه جهانی ارائه شد که از یک طرف استکبار و سلطه‌گران هستند و از طرف دیگر ملت‌های سلطه ستیز قرار دارند. حتی در آمریکا هم جریانی تحت عنوان تسخیر وال استریت و در فرانسه نیز به نام جلیقه زردها وجود دارند.

به قول حضرت آقا ما در پیچ تاریخی و تاریخ تمدن بودیم. یعنی تمدن ۳۰۰ ساله غرب بود. در این زمان تمدن اسلامی به رهبری ایران اسلامی توانست حرکتی کند که در اغلب رشته‌های علمی که در زمانی در رده دویستم بود، امروز در رده‌های اول قرار گیرد. بنابراین اینها دستاوردهای عظیمی است که اصلاً قابل قیاس با آن چیزهایی که در انقلاب‌های دیگر رخ داد، نیست.

***جناب آقای دکتر اسحاقی:** دو بحث در اینجا وجود دارد. یک بحث نیروهای پیشران در درون نظام و انقلاب‌هاست و دیگری هم بحث نیروهای مقابل است که چالش و موانع ایجاد می‌کنند. در مقابل انقلاب مردمی ایران می‌توان دید که شرق و غرب به خاطر اینکه انقلاب اسلامی با منافع آنها همخوانی نداشت، به شکل‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، جنگ نرم و سخت ایستادند و هیچ‌گاه کوتاه هم نیامدند. در حال حاضر هم، هدف اصلی آنها تغییر نظام است. حداقل می‌خواهند که انقلاب اسلامی از آرمان‌های خود دست بکشد و آنها را کنار بگذارد. آقای دکتر، خیلی کوتاه بفرمایید که آیا انقلاب‌های بزرگ موانعی در مقابلشان بوده است، یعنی قدرت‌هایی با آنها چالش داشتند؟ آیا مثل انقلاب اسلامی ایران، همه شرق و غرب علیه آنها بسیج شده بودند؟ آیا با تحریم‌های فلج‌کننده و انواع فعالیت‌های ضد نظام و حاکمیت مواجه بودند؟

*** جناب آقای دکتر منوچهر محمدی:** برعکس انقلاب اسلامی، شرایط بین‌المللی به نفع انقلابیون سایر انقلاب‌های جهان بود. رژیم فرانسه به دلیل اینکه جنگ علیه اسپانیا، روسیه، پروس و انگلستان انجام داده بود، همه دشمن رژیم شاه بودند و این به نفع انقلابیون فرانسه بود. حتی انقلاب روسیه هم وضعیت مشابه انقلاب فرانسه را داشته است. لنین با کمک آلمانی‌ها به روسیه فرستاده شد تا علیه نیکولای دوم انقلاب کند. در جنگ جهانی دوم، استالین کنار روزولت و چرچیل قرار می‌گیرد و اتحادی علیه

آلمان هیتلری ایجاد می‌کند. این در حالی است که در انقلاب اسلامی و در دوران انقلاب، هیچ قدرت خارجی از انقلابیون حمایت نکردند و همه طرفدار شاه بودند. بعد از ۱۷ شهریور ۵۷، رئیس‌جمهور چین انقلابی برای دلداری شاه به تهران آمد و چون از خیابان‌ها نمی‌توانست حرکت کند با هلیکوپتر به کاخ سعدآباد رفت و با شاه ملاقات کرد. لذا چین، شوروی، اروپاییان و کشورهای منطقه طرفدار شاه بودند.

* جناب آقای دکتر اسحاقی: مصداق بارز مبارزه با انقلاب ایران در زمان جنگ است که در واقع شرق و غرب، عراق را تجهیز کردند. مین‌های روسیه، سوپر اتانداردهای فرانسوی، توپ‌های انگلیسی و آواکس‌های آمریکایی علیه انقلاب اسلامی در جنگ تحمیلی به کار گرفته شدند. لذا در برابر انقلاب‌های فرانسه و روسیه، نیروهای مقابلی وجود نداشتند که یک جبهه واحدی علیه آنها تشکیل بدهند. البته جنگ بین بلوک غرب و شرق هم برای جهان خواهی و نه به خاطر آرمان‌هایی که داشتند، بود. این مقایسه‌ها نشان می‌دهد که چه عواملی و موانعی در مقابل انقلاب وجود دارد و اینها را باید در مقابل چشم جهانیان بگذاریم.

جمهوری اسلامی ایران بعد از چهل و دو سال همچنان بر آرمان‌های خودش افتخار و پافشاری می‌کند. باید توجه شود که این انقلاب در چه فضای اجتماعی، منطقه‌ای و جهانی شکل گرفته است و در حوزه‌های علمی، فرهنگی، نیروی انسانی، اجتماعی دستاوردهای شگرفی داشته است.

پیشرفت‌هایی که جمهوری اسلامی در عرصه‌های علمی-فرهنگی داشت در برخی از موارد اول و در برخی دیگر جزو ۳-۱۰ کشور اول می‌باشد. در علوم هایتک و پیشرفته نیز در رده‌های اول قرار دارد. نیروی‌های انقلابی و رهبری باعث شدند که این آرمان‌ها و اتکا به ملت در همه عرصه‌ها هم در تشکیل و هم در استقرار تداوم یابد.

از آقای دکتر محمدی استاد دانشگاه تهران و صاحب آثار و پژوهش‌هایی در حوزه انقلاب اسلامی بسیار سپاسگزاریم. در این فرصت از جناب آقای دکتر ابوالحسن فیاض، استاد تاریخ دانشگاه اصفهان می‌خواهیم که در یک چشم‌انداز معرفت تاریخی، انقلاب اسلامی را مورد بررسی قرار دهند. در خدمت جناب آقای دکتر فیاض هستیم.

انقلاب اسلامی در چشم‌انداز معرفت تاریخی

*جناب آقای دکتر فیاض: مطلبی را تحت عنوان چشم‌انداز معرفت تاریخی نسبت به انقلاب اسلامی یا به عبارت دیگر انقلاب اسلامی از منظر و چشم‌انداز معرفت تاریخی، ارائه خواهم کرد. آنچه انقلاب اسلامی را از سایر انقلاب‌ها متمایز می‌کند نگاه آن نسبت به مسئله واقع‌گرایی است. انقلاب اسلامی نسبت به انقلاب‌های دیگر، مدل بهتری از واقعیت و واقع‌گرایی را عرضه کرده است. موفقیت، استمرار و دستاوردهای آن مبتنی بر واقع‌گرایی است.

ابتدا باید توجه داشت که یکی از تمایزات انقلاب اسلامی با سایر انقلاب‌های مطرح جهان، تلاش موفقیت‌آمیز برای گرفتار نشدن در دوگانه‌ای، تحت عنوان دوگانه آرمان-واقعیت است. در طول بیش از چهل سال تاریخ انقلاب اسلامی، انقلاب اسلامی موفق شد که از این دوگانه انگاری به سلامت بیرون بیاید. رهبری معظم انقلاب در بیانیه گام دوم اشاره کردند که «انقلاب پُرشکوه ملت ایران که بزرگ‌ترین و مردمی‌ترین انقلاب عصر جدید است، تنها انقلابی است که یک چله‌ی پُرافتخار را بدون خیانت به آرمان‌هایش پشت سر نهاده و در برابر همه‌ی وسوسه‌هایی که غیرقابل مقاومت به نظر می‌رسیدند، از کرامت خود و اصالت شعارهایش صیانت کرده است». نکته اینجاست که انقلاب اسلامی چگونه توانسته است پایبند به آرمان‌های خودش باشد؟

با توجه به اینکه دکتر محمدی فرمودند یکی از مواردی که باعث شد انقلاب‌های قبلی ناموفق باشند به خاطر پایبند نبودن به آرمان‌های خود بود. من در تکمیل این بحث می‌خواهم بگویم که آنها اصلاً نمی‌توانستند به آرمان‌های خودشان پایبند باشند، به این دلیل که درک دقیقی از مسائل انسانی و فهم صحیحی از واقعیت‌نگری در مورد مسائل انسانی و هستی انسان نداشتند. حتی اگر می‌خواستند صادقانه پایبند به آرمان‌های خودشان بمانند، نهایتاً دچار تناقضاتی می‌شدند، کما اینکه شدند.

معرفت تاریخی می‌گوید که دلیل این تمایز بین انقلاب اسلامی و دیگر انقلاب‌ها در بنیادین‌ترین سطح به نحوه‌ی تلقی هر یک از این انقلاب‌ها به

مسئله واقع‌گرایی بر می‌گردد. برای اینکه این مطلب بیشتر توضیح داده شود. باید بحث معرفت‌تاریخی را بیشتر تبیین کرد. معرفت‌تاریخی که دغدغه بنده در چند سال اخیر بوده است و از این منظر به انقلاب اسلامی نگاه می‌کنم، یک گونه‌ای از شناخت است که در آن مسئله تاریخ جایگاه محوری دارد. بدین معنا که تاریخ به عنوان یک منبع اساسی شناخت در مورد بشر مورد توجه جدی قرار می‌گیرد. معرفت‌تاریخی همراه با سه گونه معرفتی دیگر شامل معرفت دینی، فلسفی و تجربی، چهار گونه اصلی شناخت برای انسان را تشکیل می‌دهند. با این نکته که معرفت‌های تجربی، فلسفی و حتی تاریخی می‌توانند و امداری خود از معرفت دینی را انکار کنند. اما در عمل نمی‌توانند به این انکار پایبند بمانند. یعنی عملاً همه این‌ها به نوعی در بستر معرفت دینی در هر جامعه‌ای شکل می‌گیرند و بالندگی پیدا می‌کنند.

معرفت‌تاریخی اولاً، علم تاریخ متداول در مجامع دانشگاهی نیست که عمدتاً به رویکردهای پراکنده و جزئی می‌پردازند. نکته مهم این است که معرفت‌تاریخی به دنبال پاسخ‌های جزئی به وقایع پراکنده، همچون کاری که مورخان حرفه‌ای انجام می‌دهند و البته جای خودش ضروری و قابل احترام است، نیست. بلکه از معرفت‌تاریخی انتظار می‌رود در پاسخگویی به سؤالات بنیادین فکر بشر مشارکت جدی و فعال داشته باشد. سؤالاتی مانند اینکه انسان چیست؟ معنای تاریخ او چیست؟ انسان چه کاری را باید انجام دهد؟ و غایت زندگی او چیست؟ ثانیاً معرفت‌تاریخی، فلسفه تاریخ سکولار نیست. یک تمایز بسیاری مهمی دارد. فلسفه تاریخ متعارفی که در

مجامع دانشگاهی به آن پرداخته می‌شوند و من آن را فلسفه تاریخی سکولار نام‌گذاری می‌کنم، این فلسفه خودش را ذیل معرفت فلسفی و عقل خود بنیاد منقطع از وحی تعریف می‌کند. ولیکن معرفت تاریخی از داد و ستد خلاقانه با معرفت دینی بهره‌مند است و بلکه از آن استقبال می‌کند. به عبارت دیگر معرفت تاریخی از حیث معنایابی ریشه در معرفت دینی دارد و از حیث مصداق یابی چشمانی گشوده به تجربیات تاریخی بشر دارد.

معرفت تاریخی هم از معرفت دینی نیرو می‌گیرد و هم به معرفت دینی برای اعمال قدرت توانمندی می‌بخشد. در معرفت تاریخی، گذشته، حال و آینده نه به مثابه امکان‌های متفرق، مجزا و بی‌ارتباط با یکدیگر همان‌گونه که در تاریخ‌نویس‌های متعارف معمول است، بلکه به مثابه یک‌روند دارای وحدت درونی و برخوردار از پایه واحد در نظر گرفته می‌شود. به عبارت دیگر در معرفت تاریخی، نگاه توحیدی یا نگاه وحدت‌آفرین به زندگی، هستی و تاریخ بشر یک اصل است. از اینجاست که معرفت تاریخی در ارتباط با معرفت دینی هم قرار می‌گیرد. معرفت تاریخی اصرار دارد که به تجربه تاریخی بشر عنایت ویژه‌ای داشته باشد. برخلاف معارف فلسفی و دینی محض که رویکردهای ذات‌گرایانه و انتزاعی دارند، معرفت تاریخی سعی دارد به تجربیات ملموس بشر هم عنایت کند و آنها را در قالب یک نگاه فراگیرتر مورد توجه قرار دهد و از آنها الهام بگیرد و نظام‌سازی کند. معرفت تاریخی می‌تواند کاستی‌ها و دشواری‌های انواع دیگر شناخت را بسامان‌تر کند. به عبارت دیگر معرفت تاریخی، ارتباط برقرار کردن با توده

مردم را تسهیل می‌کند. به این دلیل که معرفت دینی و فلسفی بیشتر نخبگانی است اما معرفت تاریخی مقداری ملموس‌تر و فراگیرتر می‌تواند با بدنه اجتماعی تعامل برقرار کند و آنها را به سمت و سوی که مدنظر است، هدایت کند. معرفت تاریخی، در بررسی تحولات تاریخی بین دو نکته تمایز می‌گذارد. تمایز بین رخدادهایی که مبتنی بر علت‌هاست و رخ دادهایی که برآمده از دلایل، انگیزه‌ها و بایدها و نیت‌ها هستند.

همه پدیده‌های تاریخی از جمله انقلاب‌ها هم در حدوث یا شکل‌گیری و هم در استمرارشان، هم متأثر از بعد علی یعنی مسائلی که غیرارادی است و ناخودآگاه وارد صحنه می‌شود و به حرکت مردم سمت و سو می‌دهد، می‌باشند و هم اینکه از موارد انتخابی، ارادی و انگیزه‌ها نشات می‌گیرند. اما غالباً، به هنگام نظام‌سازی کفه مؤلفه‌های جبری بر مؤلفه‌های اراده غلبه پیدا می‌کند. یعنی کسانی که بعد از انقلاب به نظام‌سازی روی می‌آورند - در اکثر انقلاب‌های گذشته - این‌گونه بوده است که به سمت سازش با واقعیت‌هایی که غیرقابل انکار و جبری است، می‌روند و مقداری از آرمان‌های ابتدایی خودشان فاصله می‌گیرند.

بنابراین، غالباً به هنگام نظام‌سازی کفه مؤلفه‌های جبری بر کفه مؤلفه‌های ارادی غلبه می‌کند. به عبارت دیگر در مقطع نظام‌سازی بیش از آنکه به دنبال تحقق اهداف و آرمان‌های انقلاب باشند به سمت سازش با واقعیت‌های جبری و علی‌گرایش پیدا می‌کنند. از این روند به عنوان حاکم شدن واقع‌گرایی به جای آرمان‌گرایی یاد می‌شود. دوگانه انگاری ارمان و

واقعیت را تئوریزه و در عمل اجرا می‌کند. این روند هرچند در کوتاه مدت و در ظاهر بسیاری از دغدغه‌ها در مورد ثبات و استمرار نظام برآمده از انقلاب را برطرف می‌کند و به‌ظاهر هزینه‌ها را هم کاهش می‌دهد، اما در واقع، آغاز مرگ آن انقلاب است. در بلند مدت به استحاله یا فروپاشی نظام برآمده از آن انقلاب می‌انجامد.

مرگ انقلاب فرانسه در سال ۱۷۹۹ یعنی ده سال بعد از حدوث انقلاب (۱۷۸۹) رقم خورد. ۱۷۹۹ سال کودتا ناپلئون علیه دیرکتوار و آغاز دیکتاتوری است. همچنین ده سال بعد از حدوث انقلاب اکتبر روسیه در سال ۱۹۱۷، استالین با کودتایی در سال ۱۹۲۷، آغاز دیکتاتوری خودش را عملاً رقم می‌زند. ناپلئون و استالین به‌وضوح آرمان‌های انقلاب را به‌سخره گرفتند و با توسل به مفهوم واقع‌بینی، انقلاب خودشان را به حاشیه بردند. حالا چرا این اتفاق می‌افتد؟ چرا بعضی از انقلاب‌ها نمی‌توانند به آرمان‌های مد نظر خودشان پایبند باشند؟ بر اساس دیدگاه معرفت‌شناسی تاریخی، آن ایده‌ها و آرمان‌ها از زیربنا واقع‌گرایانه استواری بهره‌مند نبودند.

از مهم‌ترین مسائلی که در هرگونه معرفتی از جمله معرفت تاریخی به آن پرداخته می‌شود، مسئله واقعیت است. یعنی تلقی ما از واقعیت چیست؟ و نوع تعامل ما با واقعیت‌های جاری چیست؟ در واقع مسئله در بنیادین‌ترین سطح به تلقی و برداشتی بر می‌گردد که ما از مفهوم و مصادیق واقعیت داریم. واقعیت چیست؟ و چه چیزی در زندگی انسان واقعی است؟ تلقی از واقعیت در هرکدام از اقسام معرفتی متفاوت است. در معرفت تجربی،

واقعیت منحصر به واقعیت ملموس، مادی و قابل محاسبه کمی می‌شود. در معرفت‌های فلسفی، واقعیت در مباحث مفهومی، نظری و قابل ارزیابی عقلانی محدود می‌شود. در معرفت دینی هم غالباً واقعیت در بنیادین‌تر وجه به واقعیت قدسی و قابل ادراک روحانی تبدیل می‌شود. اما در معرفت تاریخی، نوعی سنتز بین تاریخ‌مندی و نازمان‌بندی شکل می‌گیرد. یعنی معرفت تاریخی ضمن توجه به رخداد‌های زمانمند و قابل تجربه در بستر زمان، آنها را در قالب انگارهای فرازمانی و به عبارتی فرا تاریخی، تحلیل، فهم و درک می‌کند. به عبارت دیگر فهم تاریخ چه در بعد هستی‌شناسی و چه در بعد معرفت‌شناسی مبتنی بر نوعی فرا تاریخ می‌شود. فرا تاریخ یعنی بستر معنا بخش به حدوث رخدادها و فهم رخداد‌های تاریخی است.

معرفت تاریخی بدون اینکه بخواهد حقیقت را نسبی کند بر این نکته پافشاری می‌کند که برای فهم بهتر حقیقت باید الزامات تاریخی انکشاف آن حقیقت را پذیرفت. به عبارت دیگر، برای معرفت تاریخی، حقیقت را به هر دوری، ظهوری است. بدین ترتیب امکان فهم تحولات و ظهورات یک حقیقت در بستر تاریخی فراهم می‌شود. یکی از بهره‌مندان از معرفت تاریخی می‌گوید: «ایمان دارم که خدا خود را از درون چارچوب تاریخ بر کسانی که صمیمانه بجویندش، هویدا می‌کند». به هر حال آزمون واقع‌گرایی اولین چالش هر نظام انقلابی است.

همه انقلاب‌ها مدعی هستند که درک صحیحی از واقعیت دارند و با آن درک صحیح پای در صحنه تاریخ گذاشتند و آرمان‌های خودشان را مبتنی

بر واقع‌نگری‌ها تنظیم کردند. اما بررسی سرنوشت انقلاب‌های بزرگ معاصر، از جمله انقلاب روسیه، چین و فرانسه و انقلاب آمریکا نشان از آن دارد که سربلند بیرون آمدن از آزمون واقع‌نگری و واقع‌گرایی چندان هم ساده نبوده است. برای شکافتن این بحث، باید تمایز معرفت دینی، فلسفی و تاریخی بیشتر مورد بررسی قرار گیرد تا بر اساس آن اهمیت معرفت تاریخی بیشتر درک شود. در حالی که معرفت دینی با التزام به انگاره قدسی و معرفت فلسفی با التزام به انگاره عقلانی به سراغ شناخت عالم و آدم می‌روند و از این رو دل بسته پاسخ‌های فرازمانی، ثابت و لایتغیر می‌مانند. معرفت تاریخی، با التزام به انگاره تمدن به سراغ فهم مسائل و موضوعات بشری می‌رود. بدین معنا که چون معرفت تاریخی نگاه کلانی بر روند تاریخی و ادوار دارد به سمت کلان‌ترین واحد پژوهش تاریخی یعنی تمدن می‌رود.

مشاهده می‌شود که در انقلاب اسلامی هم مقوله تمدن و تمدن نوین اسلامی جزو کلیدواژه‌های اساسی قرار دارد و از این زاویه قابل بحث است. فهم موضوعات مرتبط با انسان را معرفت تاریخی در نسبتی که با تمدن و مراحل تمدنی زندگی بشر دارد برقرار می‌کند و پی می‌گیرد. این پرسش که در کدام مراحل و چه شرایط تمدنی هستیم و الزامات این مرحله خاص تمدنی برای عمل تاریخی ما چیست؟ معرفت تاریخی را برای پاسخگویی به سؤالات بنیادین فکر بشر در قیاس با اقسام معرفتی یک نوع تمایز و توانمندی می‌بخشد. هنگامی که انقلاب اسلامی را از چشم‌انداز معرفت

تاریخی مورد توجه قرار دهیم، تمایزات بسیار مهمی را می‌توان بین انقلاب اسلامی و دیگر انقلاب‌های معاصر دریابیم. در واقع، درک صحیح از واقعیت است که استواری و استحکام یک پدیده اجتماعی نظیر انقلاب را تضمین می‌کند.

بنابراین، انقلاب اسلامی از یک سو بر اساس ابتدا بر فرا تاریخ مبتنی بر حقیقت قدسی و معنوی و از سوی دیگر بر اساس دغدغه‌مندی نسبت به واقعیت‌های زیست ملموس اجتماعی انسان‌ها، نسبت به دیگر انقلاب‌ها درک بهتری از واقعیت انسان و نیازمندی‌های واقعی او و نحوه پاسخ‌دهی به این نیازمندی‌ها را عرضه کرده و می‌کند. انقلاب اسلامی واقعیت در عرصه تاریخ را در نسبت با ساحت فرا تاریخی و قدسی حقیقت امکان‌پذیر می‌داند. از منظر معرفت تاریخی، حقیقی‌ترین حقیقت در تاریخ بشر، حضور خداوند است و واقعی‌ترین واقعیت در زندگی بشری، نیاز انسان به خداوند است. این چیزی می‌باشد که در تفکر جدید مغفول مانده است. لذا وجه تمایز اصلی انقلاب اسلامی از دیگر انقلاب‌ها، تمرکز بر همین نکته کلیدی است.

در پیام امام به گورباچف که در تاریخ ۱۱ دی‌ماه ۱۳۶۷ ارائه شد، جمله بسیار کلیدی وجود دارد. امام می‌فرماید: «جناب آقای گورباچف باید به حقیقت روی آورد. مشکل اصلی کشور شما مسئله مالکیت اقتصاد و آزادی نیست، بلکه مشکل شما عدم اعتماد واقعی به خداست». عدم درک این واقعیت و حقیقت و یا انکار آن هرگونه ادعایی در مورد واقع‌گرایی را به

بن بست می‌کشاند. از چشم‌انداز معرفت تاریخی، انقلاب اسلامی در واقع دعوت به سمت واقع‌گرایی در حوزه معرفتی بود.

این انقلاب سویی‌انصاف را در فهم و ارزیابی وضعیت انسان معاصر به برجسته‌ترین وجهی مورد توجه قرار داد. یعنی منصفانه‌تر از هر انقلاب دیگری با نیازهای انسان و واقعیت انسان برخورد. واقع‌گرایی انقلاب اسلامی توان گذر کردن و فرا رفتن از دوگانه‌های کاذب را فراهم کرد. دوگانه‌های کاذبی که نگاه توحیدی به عالم انسانی را مخدوش می‌کند. دوگانه‌های کاذبی که به واسطه عدم ارائه تصویری صحیحی از واقعیت انسان، انسان را بر سر دوراهی‌ها بلا تکلیف رها می‌کند. دوگانه‌های نظیر رئالیسم یا ایدئالیسم، واقعیت یا آرمان، سیاست یا اخلاق، مدرن یا سنتی، علم یا ایمان، مردم یا خدا، آزادی یا مساوات و سایر موارد وجود دارد که معروف‌ترین آنها هم دوگانه عینیت یا ذهنیت است که برای فهم موضوعات خیلی در دسرساز می‌شود. اینها دوگانه‌هایی هستند که تفکر انسان امروز در اسارت آنها قرار دارد و هر تلاش برای واقع‌گرایی را ناکام می‌گذارد. از این منظر انقلاب اسلامی نمونه موفقی از انقلاب توحیدی برای رهایی از اسارت دوگانه‌های کاذب است و تا هنگامی که به این نگاه توحیدی پایبند است، آینده از آن او خواهد بود. انقلاب اسلامی، انسان را در جایگاه واقعی در عالم هستی تصویر می‌کند که خلیفه مسئول خدا در زمین است.

از جمله معارفی که به دلیل انگاره تمدنی‌اش سهم به‌سزایی برای تسهیل فهم و درک جایگاه تاریخی انقلاب اسلامی دارد، معرفت تاریخی است. از

منظر معرفت تاریخی دلیل توفیق انقلاب اسلامی برای پایداری در برابر دوگانه انگاری‌های کاذبی که بسیاری از انقلاب‌ها را به‌زانو درآورده است، واقع‌بینی انقلاب در مسائل مربوط به حیات انسان است. انقلاب اسلامی به‌واسطه ابتدا بر بنیادهای هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی مستحکم خود، درک دقیق‌تری از واقعیات انسانی و نیازمندی‌های او دارد. به‌جرئت می‌توان مدعی شد که یکی از ویژگی‌ها که امام خمینی و مقام معظم رهبری را در این نقش راهبری انقلاب در طوفان‌های سهمگین برجستگی بخشیده است، استفاده مؤثر از معرفت تاریخی می‌باشد.

***جناب آقای دکتر اسحاقی:** از آقای دکتر فیاض بسیار متشکریم که با یک نگاه معرفتی البته از باب معرفت تاریخی به مقایسه انقلاب‌های بزرگ پرداختند. ایشان به دلایل ماندگاری انقلاب اسلامی، ریشه معرفتی و بنیان‌های توحیدی اشاره کردند. انقلاب‌های فرانسه و روسیه اساساً در آرمان‌های خودشان امکان تداوم نداشتند، چراکه اینها با واقعیت‌های موجود سازگار نبودند. از دکتر فیاض سپاسگزاریم. در این فرصت در خدمت جناب آقای دکتر خاکنرد، استاد دانشگاه شیراز هستیم که ایشان در مورد ویژگی‌ها اجتماعی انقلاب اسلامی ایران البته با رویکرد مقایسه‌ای، موضوع راه رفته و چشم‌انداز پیش رو را ارائه می‌کنند. آقای دکتر خاکنرد در خدمت شما هستیم.

ویژگی‌های اجتماعی انقلاب اسلامی ایران

*جناب آقای دکتر خاکنند: رویکرد مقام معظم رهبری در مورد مسائل دو وجه دارد و ما اگر بر اساس همین الگو و مدل، مسائل را بررسی کنیم، آن امری که مطلوب مقام معظم رهبری و درست قضیه است، محقق می‌شود. این دو وجه به این شرح است که از یک سو باید نسبت به داشته‌های موجود از باب «وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ» تأکید شود؛ از طرف دیگر مقام معظم رهبری نگاه به آرمان‌ها دارند و تأکید می‌کنند که فاصله از وضع موجود که محصول تلاش جهادگران است با وضع ارمانی که مطلوب همه ماست، باید طی شود و این نگاه به آینده باید یک نگاه امیدوارانه باشد. در ادامه جملاتی از بیانیه گام دوم ارائه خواهد شد. حضرت آقا می‌فرمایند: «آنچه تاکنون شده با آنچه باید می‌شده و بشود، دارای فاصله‌ای ژرف است». تعبیری که انتخاب می‌شود، ژرف بودن فاصله است. موارد دیگری هم گفته شده است، اما نگاه مطالبه‌گرایانه این است که از قشرهای نیازمند غفلت شده و این به هیچ وجه مورد قبول نیست. ایشان تأکید می‌کنند که نگاه ما به جوان‌هاست و جوان‌ها باید فاصله‌ها را به پیمایند.

مقام معظم رهبری همچنین می‌فرمایند: «انقلاب اسلامی همچون پدیده‌ای زنده و بارآده، همواره دارای انعطاف و آمادگی تصحیح خطاهای خویش است، اما تجدیدنظرپذیر و اهل انفعال نیست». این در واقع حرکت بین واقعیت، در کنار همه دستاوردهایی که با خطاها و ناکارآمدی‌هایی روبه‌رو

بوده و نگاه به آینده و چشم‌انداز پیش رو، را بیان می‌کند. حضرت آقا در این بیانیه از واژه عذاب استفاده کردند که بسیار جالب است. ایشان می‌فرمایند: «بی‌شک فاصله‌ی میان بایدها و واقعیت‌ها، همواره وجدان‌های آرمان‌خواه را عذاب داده و می‌دهد، اما این، فاصله‌ای طی شدنی است و در چهل سال گذشته در مواردی بارها طی شده است و بی‌شک در آینده، با حضور نسل جوان مؤمن و دانا و پُرانگیزه، با قدرت بیشتر طی خواهد شد». این نکته‌ای است که حضرت آقا ضمن تأکید بر دستاوردها، می‌فرمایند که باید نگاه به آینده وجود داشته باشد و در این نگاه باید رویکرد مطالبه‌گرایی حاکم شود.

آقای دکتر محمدی اشاره کردند که همه انقلاب‌های جهان با شاخص خشونت همراه بودند. این خشونت، کشتار و در موارد بسیاری زیادی زیر پا گذاشتن حقوق و کرامت انسانی در انقلاب‌های مختلف وجود دارد و ریشه آن در انسانی‌شناسی خاصی است که در این انقلاب‌ها بوده است. مبنای این انسان‌شناسی نیز مبتنی بر این جمله هابز که «انسان گرگ انسان است» می‌باشد. به همین خاطر کشتارها، حرمت‌شکنی‌ها و فروپاشی نظام خانواده، شبیه آنچه در کامبوج و در بسیاری از انقلاب‌ها اتفاق افتاد، وجود دارد.

اما انقلاب اسلامی به واسطه انسان‌شناسی خاصی که دارد و در اندیشه دینی و نگاه حضرت امام و مقام معظم رهبری وجود دارد، انسان را با نام خلیفه‌الله

می‌شناسد. کرامت انسانی به عنوان اصلی‌ترین رویکرد در دعوت رسول گرامی اسلام و ائمه اطهار دیده شده و مردم عیال الله هستند. تأکید بر اینکه مردم عیال خدا هستند. بدین شکل است که عالم حکم خانواده را دارد و خداوند به سرپرست آن خانواده و انبیا الهی به عنوان پدران و متوالیان این خانواده محسوب می‌شود. این نگاه در انقلاب اسلامی هم وجود دارد. لذا نوع حرکتی که در سال ۵۷ وجود داشت و در رویکرد حضرت امام مشاهده می‌شود این است که انقلاب اسلامی ایران، انقلابی بدون خشونت بود. یعنی خشونت به عنوان یک روش در این انقلاب هیچ‌گاه استفاده نشده است. به طوری که در جاهای مختلف مشاهده شد وقتی که مردم در مقابل ارتش قرار می‌گرفتند، کسانی از عناصر ارتش به آنها تیراندازی می‌کردند، رویکرد امام و رهبران انقلاب اسلامی در این زمینه، رویکرد گل در مقابل گلوله بوده است و حضرت امام با جنگ مسلحانه مخالف بودند. این رویکرد در دفاع مقدس هم وجود دارد. مثلاً نوع برخورد جمهوری اسلامی ایران با اسرای عراقی، مثل این بود که همه اعضای از خانواده هستیم و یک عضوی از خانواده فعلاً فریب‌خورده و در بند است.

نگاه خاص به انسان در دوره انقلاب، دفاع مقدس و در نگاه حضرت امام به جریان‌های سیاسی وجود دارد. اما انقلاب‌های مارکسیستی مثل انقلاب روسیه یا چین، صداهاى مختلف را سرکوب کرده و یک فضای تک‌حزبی حاکم می‌کنند. این در حالی است که حضرت امام (ره) حتی در داخل

روحانیت که تفاوت دیدگاه را می‌بینند، فضا می‌دهند که یک نوع رقابت منطقی و معقول در خانواده انقلاب شکل بگیرد.

ریشه این رویکرد آن است که نظام انقلاب اسلامی یک نظام ولایی است. کلیدواژه حاکمیت در فرهنگ دینی و اسلامی از رسول‌الله و انبیا، بحث ولایت است. ولایت واژه‌ای است که هم معنی محبت و هم معنی سرپرستی می‌دهد و به نظر می‌رسد که ترجمه درست آن سرپرستی متکی به محبت است. این فضای سرپرستی مبتنی بر محبت را می‌توان در نظام خانواده به عنوان دیرپاترین نهاد اجتماعی در تاریخ بشر مشاهده کرد که عمدتاً در رفتار پدران و مادران، خودش را نشان می‌دهد. تعابیر و کلیدواژه‌های خاصی وجود دارد که اینها را می‌توان در روایت مختلفی دید. پیامبر گرامی اسلام می‌فرماید: «أَنَا وَ عَلِيٌّ أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّةِ، مَا پدران این امت هستیم». حتی از همسران پیغمبر خواسته می‌شوند که حالت مادرانگی نسبت به مؤمنین داشته باشید. از مؤمنین نیز تعبیر به برادر شده است، (در قرآن کریم آمده است) «أَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا»، به این معنی که فضای رحمت باید بین مؤمنین وجود داشته باشد و همچنین اخوتی که بین مهاجرین و انصار ایجاد شده است، نشان می‌دهد که فضای جامعه اسلامی و اجتماع مسلمانان باید همانند یک فضای خانوادگی به آن توجه شود.

اگر یک خانواده مطرح و ایدئال تجزیه و تحلیل شود، طبیعتاً به ضعفای خانواده و آنهایی که ضعیف‌تر هستند، توجه بیشتری می‌شود. این امر را می‌توان در رویکرد حضرت امام و در نگاه به مستضعفین مشاهده کرد. اگر

فرزندان خانواده، نابهنجاری‌ها و کژروی‌هایی کردند، تحمل‌های مادرانه و دلسوزی‌های پدرانه در پاسخ به این کژروی‌هاست که در سطح اجتماعی گاهی در جوانان مشاهده می‌شود. نگاه به جامعه به حیث خانواده در بیان شهید سلیمانی هم وجود دارد. چنانچه ایشان می‌گویند: «جامعه ما خانواده ماست». این فضا دادن، میدان دادن، تفاخر و اراده پروری کلیدواژه‌هایی هستند که حضرت آقا بیان می‌کنند و نشان می‌دهد که نگاه ایشان کاملاً پدرانه و مادرانه به جامعه است.

این نگاه به جامعه، اجتماع و مردم به حیث خانواده صرفاً یک نگاه در سطح ملی نیست. حضور جمهوری اسلامی ایران در سوریه و کمک به مردم یمن، عراق و افغانستان، در واقع جلوه‌ای از همین نگاه است. در شعر سعدی هم وجود دارد «بنی آدم اعضای یکدیگرند/ که در آفرینش ز یک گوهرند. چه عضوی به درد آورد روزگار/ دگر عضوها را نماند قرار». این بی‌قراری‌ای که در حضرت امام، حضرت آقا و شخصیت شهید سلیمانی به عنوان شاگرد مکتب حضرت امام و رهبری وجود دارد، این ریشه در همین مسئله دارد که جامعه خانواده است و مدیریت این خانواده، اقتضائاتی می‌طلبد که در آن مادران خانواده باید مادرانگی و پدران باید پدرانگی کنند.

آنچه در بیانیه گام دوم حضرت آقا در نگاه به آینده وجود دارد، توجه به سرمایه اجتماعی خانواده است. خانواده نسل پدران و مادران و همچنین یک نسل جوانان و فرزندان دارد. میدان دادن به فرزندان؛ رشد دادن آنها؛ جلوگیری از آسیب‌ها؛ جلوگیری از اینکه در معرض تهاجم فرهنگی قرار

نگیرند؛ اینکه تبعیض در خانواده‌ها نباشد؛ توجه به نقش نخبگان؛ برادر بزرگ‌تر خانواده حکم‌الگو را دارند؛ تأکید بر نسل جوان، مؤمن، دانا و پرانگیزه به عنوان تضمین‌کننده‌های تداوم عزت و بزرگی این خانواده؛ سپردن تدریجی مدیریت به فرزندان خانواده؛ انتقال تجربه مدیریت جهادی؛ حاکمیت فضای اخلاق و معنویت و اینکه گاهی پدران و مادران با سطح آموزشی که به فرزندان می‌دهند، سطح انتظارات را بالا می‌برند و همچنین پاسخ دادن به این سطح انتظار، باید مورد توجه قرار گیرد.

انقلاب اسلامی ایران، به حیث اجتماعی، با آموزش، کرامت بخشیدن و عزت دادن به مردم، سطح انتظارات مردم از نظام را بالا برد. این نه تنها تهدید نیست بلکه فرصت است تا نظام و انقلاب اسلامی در گذشته متوقف نماند. حرکتی که پرشتاب، زاینده و جوشنده است و در بیانات حضرت آقا هم مشاهده می‌شود، انشا الله همچنان تداوم پیدا خواهد کرد. از فرصتی که در اختیار بنده گذاشتید، متشکرم.

***جناب آقای دکتر اسحاقی:** جناب آقای دکتر خاکنند از شما متشکریم و از نکاتی که در مورد ابعاد اجتماعی انقلاب اسلامی و به ویژه از گام دوم اشاره کردید، استفاده کردیم. آقای دکتر خواجه سروی خدمت شما سلام عرض می‌کنم و مباحث خودتان را مطرح کنید.

پیشرفت در عرصه علمی و فرهنگی

*جناب آقای دکتر خواجه سروی: در اینجا به مباحث نظری، آنچه در کلاس‌ها و مقالات علمی و پژوهشی بیان می‌شود، نمی‌پردازم، ولی به عنوان فردی که به مدت ۸ سال در ستاد علمی کشور یعنی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و همچنین مدتی که در نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها فعالیت می‌کردم، نکاتی را که در عمل در کشور وجود دارد، به صورت گزاره‌های اصلی مطرح خواهم کرد. به دلیل محدودیت در زمان، در حوزه فرهنگی هم چندان ورود پیدا نمی‌کنم.

انقلاب اسلامی ایران، در مورد حوزه علمی، تحقیقاتی و فناوری یا آموزش عالی که از رژیم سابق به آن ارث رسیده است، عمدتاً از نظر تعداد دانشجو، آمار دقیقی وجود ندارد، اما بررسی‌ها نشان می‌دهد که قبل از انقلاب بین ۱۰۰ تا ۱۵۰ هزار دانشجو در دانشگاه‌ها و دانش‌سراها و جاهایی که رنگ و بوی دانشگاهی داشتند، (مشغول به تحصیل بودند). تعداد مؤسسات آموزش عالی فعلی کشور نزدیک به ۴۵ دانشگاه مادر است که در مراکز استان‌ها مستقر هستند. این تعداد در مراکز استان‌ها بین ۱-۳ دانشگاه مادر متغیر است. اما در آن زمان تعداد این مؤسسات حدود ۲۰ مورد و حتی کمتر بود.

عمدتاً در دانشگاه‌های آن زمان، سطح تحصیلی تا مقطع لیسانس بوده و البته برخی از رشته‌ها در قبل از انقلاب فوق‌لیسانس هم داشتند. عمده تخصص موردنیاز کشور در حوزه پزشکی است و تا اوایل سال ۶۰-۶۳، علوم پزشکی

و دانشگاه‌های دولتی کنونی در کنار هم بودند. معمولاً در حوزه پزشکی، پزشک عمومی، دکترای حرفه‌ای که فوق‌لیسانس گرفتند، نبودند. دکتر محمدی و دیگر دوستان می‌دانند، کسانی که می‌خواستند در رشته‌های مختلف ارشد یا دکتری درس بخوانند، به خارج از کشور می‌رفتند.

تقریباً از دهه ۶۰ آموزش عالی و حوزه فناوری و تحقیقاتی به دلیل اقتضائاتی که کشور داشته است و به خاطر تحریم‌ها و فشارهایی که به جمهوری اسلامی ایران وارد شده است، بخش‌هایی از آموزش عالی جمهوری اسلامی ایران بر اساس شعار «ما می‌توانیم» انقلاب اسلامی و حضرت امام، مسیری را طی کرده است که به سمت تأمین نیازهای کشور حرکت کرد. به عنوان نمونه، در زمان دفاع مقدس و به دلیلی که به حوزه پزشکی نیاز زیادی وجود داشته است، علوم پزشکی را از وزارت علوم جدا کردند و ایده هم این بوده است که یک کار تخصصی صورت گیرد. اتفاقاتی که در حوزه پزشکی در حال حاضر مشاهده می‌شود بخش اعظم آن مربوط به این ایده و راهی است که طی شده است. دفاع مقدس و بخش‌های درمانی مجروحان جنگی به این موفقیت کمک زیادی کرده است.

جمهوری اسلامی ایران در حال حاضر حدود ۱۰۰ هزار استاد در کشور دارد. تعداد دانشجویان ایران هم با توجه به نوسان جمعیت و پذیرش داوطلبان، بین ۴,۵-۵ میلیون نفر است. همچنین به حوزه‌های موردنیاز کشور از جمله حوزه دفاع و دیگر حوزه‌ها توجه شد و پیشرفت‌های بسیار خوبی هم حاصل شد. در اینجا، هم سطح دانشگاهی بالا رفت و هم اینکه

نیازهای کشور تأمین شدند. بعد از انقلاب، تأسیس دانشگاه آزاد اسلامی، دانشگاه جامع علمی و کاربردی و دانشگاه‌های خاصی که مرتبط با تراز انقلاب اسلامی است همچون دانشگاه امام صادق (ع) و رسوخ رویه‌های آموزش عالی در سازمان حوزه‌های علمیه، اینها عمدتاً در دولت‌های نهم و دهم و بحث کمیسیون علمی نشریات حوزه، اتفاق افتاده است. همچنین گرایش آموزش عالی ایران به کادرسازی برای انقلاب اسلامی در کشورهای دیگر را می‌توان در نمونه جامعه المصطفی و بخش‌های دیگر مشاهده کرد. این اقدامات اصلاً با اقدامات قبل از انقلاب قابل مقایسه نیست.

همان‌طوری که در بیانات دکتر خاگرد و در بیانیه گام دوم آمده است، این پیشرفت‌های هرچند عظیم هستند اما با نقطه مطلوب خیلی فاصله وجود دارد. بخش‌های مغفولی هم در کشور وجود دارد که باید به آنها توجه شود. آموزش عالی کشور باید برای نیرو سازی جهت کار جهادی مرکزیت پیدا کند. در حوزه‌های علوم انسانی وضعیت باید مطلوب‌تر از شرایط فعلی شود. قسمت‌های دیگر هم وجود دارد که به دلیل کمبود وقت، به همین موارد گفته شده بسنده می‌کنم و به‌طور کلی باید فرهنگ‌سازی صورت گیرد (تا آن وضعیت مطلوب محقق شود).

***جناب آقای دکتر اسحاقی:** دکتر سروی یک مقایسه‌ای از انقلاب اسلامی با قبل از انقلاب در حوزه علمی داشتند و برخی از شاخص‌ها همچون دانشگاه‌ها و پیشرفت‌های حوزه پزشکی را هم از نظر آموزشی و هم از نظر

درمان و تحقیقات ارائه کردند. آقای دکتر خواجه سروری از شما بسیار متشکریم. انشا الله نوشتار شما را به طور کامل دریافت خواهیم کرد تا استفاده مطلوب تری در ادامه کار داشته باشیم. در این فرصت در خدمت جناب آقای دکتر بابا هادی، پژوهشگر و نویسنده کتاب مؤلفه‌های ماندگاری انقلاب اسلامی در مقایسه با انقلاب‌های بزرگ جهان هستیم. از ایشان خواهش می‌کنیم که همانند اساتید دیگر گزارش خودشان را ارائه دهند.

مؤلفه‌های ماندگاری انقلاب اسلامی در مقایسه با انقلاب‌های بزرگ جهان

*جناب آقای دکتر بابا هادی: بحثی که قرار است بنده ارائه کنم حاصل یک پژوهش روشمند در مورد اندیشه مقام معظم رهبری و بحث ماندگاری انقلاب‌ها و به طور مشخص مؤلفه‌های ماندگاری است. ابتدا مقدمه و چند نکته ابتدایی را عرض می‌کنم و سپس وارد بحث اصلی، نتیجه‌گیری و پیشنهادها می‌شوم.

حضرت آقا در مورد انقلاب‌ها، قائل به انحراف و شکست انقلاب‌های بزرگ دنیا هستند و نظریه خاص خودشان را در حوزه ماندگاری انقلاب اسلامی دارند. نظریه‌های انقلاب‌ها بیشتر بحث چرایی و چگونگی شکل‌گیری انقلاب‌ها را مطرح می‌کنند و کمتر در مورد تداوم یا استمرار انقلاب توجه دارند، چراکه اصلاً تداومی وجود نداشت و تنها این انقلاب اسلام بود که تداوم داشته است.

از یک حیث به‌ناچار باید انقلاب اسلامی با انقلاب‌های بزرگ جهان مقایسه شود-هرچند که بعضی از حوزه‌ها قابل مقایسه نیستند. در بحث مقایسه، به انقلاب‌های فرانسه و روسیه اشاره می‌شود، به این خاطر که این انقلاب‌ها، انقلاب‌های بزرگ و صاحب‌ایدئولوژی و مادر هستند. به همین دلیل از بقیه جنبش‌ها و جریان‌هایی که بودند، صرف‌نظر می‌شود. همچنین برخی از اندیشمندان این حوزه، سایر جنبش‌ها و جریان‌ها را در قالب انقلاب قرار نمی‌دهند.

انقلاب اسلامی یک حوزه کلان‌تری از جمهوری اسلامی است. جمهوری اسلامی به عنوان یک واحد سیاسی در یک جغرافیای سیاسی قرار می‌گیرد، اما انقلاب اسلامی نیز حوزه کلان‌تری را در بر می‌گیرد. این پژوهش سال ۹۶ و قبل از بیانیه گام دوم انجام شد. حضرت آقا در رابطه با بحث مقایسه انقلاب‌ها خیلی تأکید دارند. ایشان فرمودند که این کار، یک کار شیرین علمی است و خوب است کسانی مقایسه انقلاب‌ها را انجام دهند. همچنین در مورد ماندگاری می‌فرمایند که به عنوان یک هدف باید در نظر بگیریم و این عناصر ماندگاری را شناسایی و تأمین کنیم. در واقع این تأکیدات حضرت آقا مربوط به پیش از بیانیه گام دوم است. بعد از آن نیز در بیانیه گام دوم هم به صورت مستقیم در مورد بحث اهمیت مقایسه انقلاب‌ها اشاره می‌کنند.

ماندگاری چیست؟ فرانسوی‌ها یک جمله دارند که علت ماهوی یک شی، همان علت موجد آن است. در واقع اگر بتوان عوامل پدید آورنده هر

پدیده‌ای را همچنان پایدار نگه داشت، این سبب حیات و تداوم آن خواهد شد. این مؤلفه‌ها، عمدتاً مؤلفه‌هایی هستند که باعث ایجاد انقلاب اسلامی شده و تاکنون هم حفظ شدند. اندیشمندان مختلف هرکدام تعاریف متفاوتی از انقلاب دارند که عمدتاً مربوط به شکل‌گیری انقلاب‌ها و جریان‌های تاریخی در یک بازه مشخصی است. اما حضرت آقا یک نگاه خاصی در مورد تعریف انقلاب دارند و می‌فرمایند که انقلاب یک حقیقت ماندگار و حقیقت دائمی است. انقلاب یعنی دگرگونی؛ دگرگونی‌های عمیق در ظرف شش ماه و یک سال و پنج سال به وجود نمی‌آید. در واقع انقلاب به یک زمانی نیاز دارد و یک حرکت دائمی و همیشگی است. این تعریف، یک تعریف نوین و بکر است و جای کار کردن دارد. یکی از اساتید دانشگاه کلرادو، انقلاب اسلامی را این‌گونه تعریف می‌کند که انقلاب اسلامی بازآفرینی همان انقلاب پیامبر است.

روش اتخاذ شده در اینجا روش تحلیل مضمون است. بدین شکل که مضامین پایه استخراج و سازمان‌دهی می‌شوند. حضرت آقا در مورد انقلاب فرانسه می‌فرمایند که انقلاب کاملاً مردمی و با رهبران کاملاً مردمی و به دنبال یک حکومت مردم‌سالار بوده است. شعار این انقلاب آزادی، برابری و برادری می‌باشد. اما این انقلاب به دلایل متعددی در ۱۰-۱۲ سال بیشتر دوام نیاورد و رهبران این انقلاب اعدام شدند. ناپلئون بازمی‌گردد و وضعیت دیکتاتوری در فرانسه حاکم می‌شود. فرانسه بعد از حدود ۷۰ سال به

جمهوری اول می‌رسد و سلطنت به نوعی خاتمه پیدا می‌کند. اما به قول حضرت آقا نسب به آرمان‌های اولیه انقلاب پایبندی وجود ندارد. انقلاب روسیه هم شبیه انقلاب فرانسه است و حضرت آقا می‌فرمایند که این انقلاب معروف به انقلاب نان است. انقلاب روسیه در اکتبر ۱۹۱۷ و با رهبری حزب کمونیستی که دارای ایدئولوژی خاصی هم بود، اتفاق افتاد. به قول حضرت آقا، به دلیل نبود قرص نان، یک جریان و شورشی در روسیه اتفاق می‌افتد و این حزب روی این جریان موج‌سواری می‌کند و با شعارهای مردمی و برابری به معنای مساوات به قدرت می‌رسد. اما بعد از چند سال با ورود استالین به قدرت این جریان کمونیستی نسبت به شعارهای گذشته خود روی برمی‌گرداند و خشونت بسیار بالا در کشور شکل گرفت. رفته‌رفته این انقلاب با فراموش کردن ایدئولوژی و آرمان‌های خود به سمت سرمایه‌داری پیش می‌رود و در نهایت شوروی در سال ۱۹۹۱ فروپاشید.

در انقلاب اسلامی ایران، رهبری دینی، حضور گسترده اقشار مردم و شعارهای مردمی برآمده از دین وجود داشته است. این انقلاب تداوم پیدا کرد. تداومی که در حفظ شعار و اهداف، مردم‌سالاری و مطالبه‌گری شعارهای انقلاب در نسل سوم و چهارم مشاهده می‌شود. تعدادی از انقلاب‌ها نسل سوم خودشان را ندیدند. چنانچه حضرت آقا می‌فرمایند انقلاب فرانسه و روسیه نسل دوم خودشان را هم ندیدند. اما در انقلاب اسلامی ایران مشاهده می‌شود که شعارهای انقلاب توسط نسل سوم و

چهارم مطالبه گری می شود که به دنبال پیشرفت و با خشونت بسیار پایین هستند.

۱۵۰ فیش با درجه ارتباط بسیار بالا از بیانات رهبر انقلاب شناسایی شدند و تعداد ۲۶ مضمون پایه بازشناسایی شدند. این مضامین در قالب پنج مؤلفه اصلی قرار گرفتند. پنج مؤلفه اسلام، رهبری، مردم، کارآمدی و جامعیت، همان پنج مؤلفه اصلی ماندگاری انقلاب اسلامی ایران در اندیشه حضرت آقا هستند. این مؤلفه های اصلی به عنوان شاخص در نظر گرفته شدند و با توجه به این شاخص ها مقایسه انقلاب ها صورت گرفت. همچنین باید گفت که این مؤلفه ها مستخرج از بیانات حضرت آقا می باشند و خارج از چارچوب حضرت آقا بحث دیگری وجود ندارد.

حضرت آقا در مورد مؤلفه مردم می فرمایند که انقلاب ما یک انقلاب مردمی بود، همان طوری که انقلاب فرانسه، مردمی بود. اما روسیه را نمی توان انقلاب مردمی تلقی کرد. انقلاب روسیه یک موج بوده است که (حزب کمونیست) بر آن سوار شده است. مردم در فرانسه از انقلاب فاصله گرفتند و انقلاب در دست رهبران افتاد و به انحراف کشیده شد. اما مردم جمهوری اسلامی ایران چنانچه در انتخابات و راهپیمایی ها مشاهده می شود، همچنان پای انقلاب خودشان هستند.

در مورد مؤلفه رهبری باید گفت که یک رهبری دینی بر انقلاب حاکم بوده است. جریانی که از سال ۴۲ روی مردم کار کرد. چنانچه ابتدا یک انقلاب در نفوس اتفاق افتاد و بعد از آن به انقلاب اجتماعی در جامعه منجر شده

است. اما حضرت آقا در مورد انقلاب فرانسه می‌فرمایند، رهبر حاکم بعد از چند ماه خشونت بسیار زیاد، اعدام شد. بدین معنی که رهبری تداومی ندارد. در مورد انقلاب فرانسه هم می‌فرمایند، اقتدار بسیار زیاد آن رهبر به دیکتاتوری انجامید و نگاه خاص کمونیستی که وجود داشته است، نتوانست برای مردم رفاه ایجاد کند. در نهایت استالین به قدرت رسید و مردم را فدای ایدئولوژی کرد. ایدئولوژی و مکتب غالب در انقلاب اسلامی ایران، اسلام است. حضرت آقا اشاره می‌کنند که فرانسه صاحب مکتب خاصی نداشتند و صرفاً به دنبال شعار برابری، برادری و آزادی بودند. لیبرالیسم را در پیش گرفتند و همواره بر لیبرالیسم و سکولاریسم تأکید داشتند. در انقلاب روسیه بحث‌های اندیشه‌ای و ایدئولوژی وجود داشت. ایدئولوژی آنها سوسیالیست و مارکسیست است که رویکرد ضد مذهب و ضد دینی دارد. در نهایت شوروی فروپاشید.

حضرت آقا مؤلفه کارآمدی نظام را یکی از دلایل ماندگاری انقلاب می‌دانند. نقاط ضعف و اشکالاتی در سیستم کشور وجود دارد. اما نظام توانست بر مشکلات فائق بیاید و آنها را مدیریت کند. ترورها، بحران‌ها، قائله‌ها، دفاع مقدس و فتنه از جمله این مسائل هستند. نظام این مسائل را پشت سر گذاشت و برای آن پیشرفتی حاصل شده است. لذا نظام قوی‌تر از گذشته مسیر خودش را ادامه می‌دهد. حضرت آقا در مورد انقلاب فرانسه می‌فرمایند که این انقلاب نتوانست خوب عمل کند. هرچند به دنبال رفاه عمومی و حل مشکلات بود اما اختلافی که بین رهبران شکل گرفت، باعث

شد که اهداف انقلاب به حاشیه برود. در مورد انقلاب روسیه می‌فرمایند که این انقلاب، با توجه به دو جنگ بزرگی که داشته و متفقین پیروز شدند، کارآمدتر از انقلاب فرانسه بوده است. اما آن اهدافی که برای مردم ترسیم کرده بودند را نتوانستند عملی کنند. جز سختگیری به مردم، برابری اتفاق نیفتاد.

در مورد مؤلفه جامعیت باید گفت که انقلاب اسلامی یک انقلاب همه‌جانبه و در همه ابعاد بوده است. صرفاً انقلاب سیاسی یا اقتصادی همانند روسیه که زمینه‌های اقتصادی در آن وجود داشت، نبود. مردم خواست حداکثری داشتند و به دنبال استبداد زدایی و استعمارزدایی کامل بودند. لذا یک جامعیتی در انقلاب اسلامی وجود دارد. در انقلاب فرانسه چنین چیزی وجود نداشت به طوری که آنها بعد از ده سال از انقلاب، نتوانستند حتی از استبداد هم جدا شوند. انقلاب روسیه هم شبیه انقلاب فرانسه بود. هرچند که به دنبال برابری بودند اما نگاه سوسیالیستی خودشان را نتوانستند پیاده کنند. روسیه رفته‌رفته به سمت سرمایه‌داری حرکت کرد و در نهایت فروپاشید. این نگاه‌ها تداوم نداشت اما در انقلاب اسلامی مؤلفه جامعیت همچنان تداوم دارد.

حضرت آقا در مورد ماندگاری انقلاب می‌فرمایند که تمام همت آنها این است که این ماندگاری را از بین ببرند. لذا همت ما باید به گونه‌ای باشد که بتوانیم این ماندگاری را افزایش بدهیم و این ماندگاری برای آنها سخت و دردآور است.

در بحث پیشنهادها باید به چند نکته توجه داشت. به نظر می‌رسد که اولاً، باید در مورد نظریه انقلاب حضرت آقا به عنوان یک اندیشمند حوزه انقلاب‌ها به صورت ویژه، نظریه انقلاب و نسبت آن با نظریه‌های نظام انقلابی که حضرت آقا در بیانیه می‌فرمایند، کار شود. ثانیاً، با توجه به اهمیت مقایسه انقلاب‌ها باید نشست‌هایی برگزار شود که این مسائل تبیین شود. باید در این زمینه فیلم و سریال ساخته شود. همچنین باید به تدوین رمان در این زمینه توجه شد. حضرت آقا اشاره می‌کنند که انقلاب روسیه به وسیله رمان‌های آنها تبیین شده و ما نتوانسته‌ایم این فضا را شکل بدهیم. ثالثاً، حضرت آقا می‌فرمایند یک مرکزی باید تشکیل شود تا ابعاد و لایه‌های انقلاب بررسی شود و نگاه کلان به انقلاب اسلامی شکل بگیرد. باید به مسئله آینده‌پژوهی هم توجه شود. به نظر می‌رسد که به این موضوعات چندان توجه نشده است.

***جناب آقای دکتر اسحاقی:** از آقای دکتر بابا هادی تشکر می‌کنیم. اگر می‌خواستند این پژوهش را به صورت کامل ارائه کنند، فرصت بیشتری را می‌طلبید. به هر حال موضوعات و شاخص‌های اصلی تحقیق و نتایج آن را به همراه پیشنهادهایی ارائه کردند. انتظار هم داریم که انشا الله این مباحث را به صورت نوشتاری تحویل ما بدهید تا در مجموعه کتاب این نشست قابل استفاده باشد. در این فرصت، در خدمت جناب آقای دکتر داریوش غلامی استاد محترم تاریخ دانشگاه یاسوج هستیم که از منظر تاریخی و

آینده تاریخی به موضوع انقلاب اسلامی می‌پردازند. آقای دکتر غلامی در خدمت شما هستیم.

راه پیش‌روی انقلاب در آینده تاریخی

*جناب آقای دکتر غلامی: موضوعی که مورد بحث قرار می‌گیرد راه پیش‌روی انقلاب اسلامی در آینده تاریخی است. چند نکته از بیانیه گام دوم به عنوان بیس و پایه کار ارائه می‌شود. در ادامه با ارائه فاکتورهای تاریخی بر اساس بیانیه گام دوم، موضوع تبیین خواهد شد.

حضرت آقا در فرازی از بیانیه گام دوم می‌فرمایند: «برای برداشتن گام‌های استوار در آینده، باید گذشته را درست شناخت». در جای دیگر می‌فرمایند که «انقلاب به یک انحطاط تاریخی طولانی پایان داد و منجر به قطع وابستگی و عقب‌ماندگی و گام گذاشتند در مسیر توسعه و مشارکت با مردم و باور به اصل ما می‌توانیم شد». همچنین می‌فرمایند که «انقلاب اسلامی همچون پدیده‌ای زنده و بارآده، همواره دارای انعطاف و آمادگی تصحیح خطاهای خویش است، اما تجدیدنظر پذیر و اهل انفعال نیست». یکی از نکات بسیار برجسته بیانیه گام دوم که باید به آن توجه شود این است که توجه به مهم‌ترین مؤلفه تحول و لزوم تکیه کردن به نیروی انسانی در تراز انقلاب به عنوان مهم‌ترین موتور محرک به سمت هدف انقلاب که همان ایجاد تمدن نوین اسلامی و محیا کردن زمینه طلوع خورشید ولایت عظمی ارواحنا فداه است، می‌باشد.

دیدگاه بیانیه یک دیدگاه تحولی است لذا باید با رویکرد تحولی به این مسئله توجه شود. انقلاب اسلامی صرف‌نظر از ویژگی‌ها خاص آن، وقوع آن یک الزام مبتنی بر تجربه تاریخی ایران در مواجهه با نظام سرمایه‌داری بوده است. برای تبیین این موضوع لازم است که یک صحبتی در مورد تاریخ معاصر ایران و جهان انجام شود.

نظام جهانی در قرن ۱۶ شکل گرفت. هدف و ویژگی‌ها ذاتی سرمایه‌داری مبتنی بر انباشت سرمایه است. در نیمه دوم قرن ۱۸ انقلاب صنعتی رخ داد و به واسطه به‌کارگیری نیروی بخار، کشفیاتی مانند لوکوموتیو، انقلاب ارتباطات و بحث کارخانه‌ها و تولید بیشتر اتفاق مهمی انجام گرفت و انباشت سرمایه بیشتری را به وجود آورد. لذا نظام سرمایه‌داری به منابع خام و بازار مصرف محصولات خود برای انباشت سرمایه نیاز دارد. از این دوره، رویکرد نظام سرمایه‌داری با جهان خارج از خودش متفاوت می‌شود و هرکدام از این کشورهایی که بخشی از نظام سرمایه‌داری هستند، در سایر مناطق جهان، نقاطی را به عنوان مناطق نفوذ خودشان تعریف می‌کنند. به عنوان مثال انگلیس مناطقی همچون امریکا، افریقا و هند را به دست می‌آورد.

نظام سرمایه‌داری همانند کره است که مرکز آن کشورهای مرکز یا متروپل قرار دارند و انباشت سرمایه در کشورهای اصلی این نظام سرمایه‌داری اتفاق می‌افتد و آنها تولید کالاهای سرمایه‌بر را در اختیار دارند. در لایه بیرونی آن، کشورهای پیرامونی قرار دارند که به کشورهای حاشیه‌ای معروف

هستند. کشورهای حاشیه‌ای وظیفه آنها تأمین مواد اولیه و خام مورد نیاز صنایع کشورهای مرکز و همچنین تأمین بازار مصرف برای محصولات کشورهای مرکز است.

شکل‌گیری نظام جهانی مصادف با تأسیس سلسله صفویه در ایران است. در این دوره، روابط ایران با نظام سرمایه‌داری، روابط تجاری است و در بیشتر مواقع تراز تجاری ایران مثبت اعلام شده است. در این دوره رونق میدان نقش جهان بسیار غنی‌تر از پاریس بوده است. در دوره صفویه، نظام سرمایه‌داری یک جهان مجزایی محسوب می‌شود. جان فوران در کتاب مقاومت شکننده بیان می‌کند که ایران به عنوان یک امپراتوری مستقل در برابر این نظام تازه شکل گرفته، به داد و ستد پرداخت. هیچ نشانه‌ای از وابستگی ایران در این دوره دیده نمی‌شود. با سقوط صفویه در سال ۱۷۲۲ نهادهای تولیدی یا اقتصادی ایران و نهادی اجتماعی ضعیف می‌شوند. در آغاز قرن ۱۹، جنگ‌های جانشینی همچنان ادامه دارد و نهادهای اجتماعی و اقتصادی ایران را بیش از گذشته به تحلیل برد. در این دوره، اروپا انقلاب صنعتی را سپری کرد و یک توان مضاعف و رویکرد متفاوتی را در پیش گرفته است. ایران نیز دیگر یک دنیای مستقل در مقابل نظام سرمایه‌داری نیست بلکه به عنوان پیرامون نظام سرمایه‌داری ایفای نقش می‌کند و به یکی از کشورهای پیرامونی یا حاشیه‌ای نظامی سرمایه‌داری تبدیل شد.

در این زمان ایران دو همسایه مهم دارد. ۱. انگلیس در هند قرار دارد و برای اینکه مستعمره خودش را حفظ کند نیازمند این است که در ایران نفوذ کند

و تسلط داشته باشد و ۲. همسایه بعدی و مهم ایران روسیه است. این کشور سعی داشت از راه ایران به هند به عنوان شاه‌رگ اقتصادی انگلیس و همچنین سیادت انگلیس ضربه بزند. ناپلئون هم این اقدام را انجام داد. انگلیس برای جلوگیری از ضربه خوردن از رقبا در جنوب ایران، خلیج فارس و دریای عمان تسلط یافت و حتی بر اساس قرارداد پاریس، افغانستان و بلوچستان را از ایران جدا کرد. روسیه تزاری نیز ماورای ارس را از ایران جدا کرد و مناطق شمالی ایران را تحت نفوذ خودش قرار داد. در این دوره برای تحول خواهان ایران این سؤالی پیش آمد که چه اتفاقی افتاده است؟ مکتوب‌ترین سؤال را می‌توان در گفته عباس میرزا فرمانده جوان جنگ‌های ایران و روس مشاهده کرد. وقتی ژومیر فرستاده گاردن به نزد عباس میرزا می‌آید، عباس میرزا می‌گوید، ای پرنده بگو ببینم چه اتفاقی افتاده است؟ آیا خورشیدی که بالای سر شماست با ما متفاوت است؟ آیا زمینی که زیر پای ماست با زمین شما متفاوت است؟ آیا روئیدنی‌های ما با روئیدنی‌های شما متفاوت است؟ چه اتفاقی افتاده است که شما این‌گونه هستید؟ آیا خدا خواسته است که شما در قدرت باشید و ما این چنین ضعیف و عقب‌مانده شویم؟ این سؤالات مهمی هستند که در تاریخ معاصر مطرح می‌شوند.

در قرن بیستم و در سال ۱۹۱۷ کودتا بلشویکی در روسیه رخ می‌دهد. در اثر کودتای بلشویکی مناطق شمالی ایران تخلیه می‌شوند و در این زمان انگلیس فرصت پیدا کرد که ایران را کاملاً به تحت سلطه خود درآورد.

ایران در این زمان به واسطه کشف نفت در ۱۹۰۸ و همچنین به‌کارگیری آن توسط ژنرال فیشر در ۱۹۱۴ در سیستم ناوگان دریایی انگلیس، سیادت انگلیس صدچندان می‌شود. ایران که تا زمانی به عنوان دروازه هند در سیاست انگلیس اهمیت داشت، از این به بعد ایران به عنوان کشوری شناخته شد که دارای ظرفیت نفت است و سیادت انگلیس را می‌تواند تضمین کند. لذا ایران در سیاست انگلیس جایگاه مهمی پیدا کرد به طوری که انگلیس خواستار امضای قرارداد ۱۹۱۹ با ایران بود اما به خاطر مخالفت مجلس، روحانیت و مردم و حتی اعتراضاتی که در خارج از ایران به این قرارداد شد، قرارداد ۱۹۱۹ به ثمر نرسید و وثوق‌الدوله نتوانست آن را به تصویب مجلس برساند.

متعاقب آن، انگلیس سعی کرده است با یک کودتا منافع خودش را در ایران تضمین کند. لذا رضاخان میرپنج را وارد صحنه سیاسی ایران کرد. همان طوری که حضرت آقا فرمودند تأسیس پهلوی، حاصل شرایط آن روز بین‌المللی بوده است و انگلیس آن را به وجود آورد. با روی کار آمدن پهلوی، رضاشاه در خدمت منافع انگلیس قرار گرفت. بزرگ‌ترین سودی که رضاشاه به انگلیس رساند، قرارداد داری که غیرقانونی و نزدیک به پایان بود را پاره کرد و قرارداد جدیدی را به تصویب مجلس فرمایشی رساند. به نوعی این قرارداد به مدت ۶۰ سال تمدید شد. قرارداد داری ۱۶ درصد از سود منابع را به ایران می‌داد. هرچند در قرارداد جدید سهم ایران از سود منابع به ۲۰ درصد رسید، اما در همان زمان، آرامکو در عربستان به

صورت ۵۰-۵۰ با عربستان همکاری می‌کرد. همان‌طوری که مشاهده می‌شود یک تفاوت بسیار بزرگی در این قراردادها وجود دارد.

در جنگ جهانی دوم و خلع رضاشاه از قدرت که در اثر محاسبات اشتباه وی انجام گرفت، محمد رضاشاه دوباره توسط قدرت‌های خارجی و با وساطت فروغی به سلطنت رسید. چراکه برای تأمین قدرت‌های بزرگ به ویژه انگلیس، عنصری بهتر از محمد رضاشاه در دسترس نبود. وقتی محمد رضاشاه به قدرت رسید، در ۱۲ سال اول روزنامه‌ها و احزاب مقداری قدرت پیدا کردند و قوی شدند. بعد از آن نیز بحث قرارداد الحاقی یا قرارداد گس-گلشائیان مطرح شد. این قرارداد در دوره ساعد کلید خورد و به رزم‌آرا سپرده شد. اما با ترور رزم‌آرا توسط خلیل طهماسبی از پیروان شهید نواب صفوی، این طرح عقیم ماند و نهایتاً نفت ایران ملی شد.

در دوره محمد رضاشاه رفته‌رفته نه وابستگی بلکه تسلط قدرت‌های خارجی به ویژه آمریکا بر کشور افزایش پیدا می‌کند. انگلیس در این دوره جایگاه هژمونی خودش را به آمریکا تقدیم کرده است و آمریکا جانشین انگلیس در ایران شد. این تسلط را می‌توان در کاپیتولاسیون ۱۳۴۳- که منجر به تبعید امام شد- حضور ۲۶ هزار مستشار آمریکایی در ایران، صنایع مونتاژ و نفوذ بی‌حد و حصر آمریکا در ایران مشاهده کرد. محمد رضاشاه حتی برای انتخاب نخست‌وزیر باید از آمریکا اجازه می‌گرفت. تجربه انقلاب سفید یا انقلاب شاه و ملت که طرح زمان‌کندی برای جلوگیری از تسلط و نفوذ کمونیست بر کشورهای اقمار آمریکا شکل گرفت، نمونه دیگری از

این تسلط است. مهم‌ترین اصل انقلاب شاه و ملت، اصل اصلاح‌طلبی بود. این اصل از یک طرف باعث نابودی کشاورزی ایران شد و از طرف دیگر نیز ایران به مصرف‌کننده ویژه آمریکا تبدیل شد. همچنین باید توجه داشت که برای فهم واقعیت‌های دوره پهلوی باید یکسری از یادداشت‌های اسدالله علم مطالعه شود. اسدالله علم نزدیک‌ترین شخص به محمدرضا شاه است و بسیار زیبا مطالب را عنوان می‌کند و با کمک یادداشت‌های اسدالله علم می‌توان به سطح وابستگی ایران پی برد.

سرانجام انقلاب اسلامی اتفاق می‌افتد و دستاوردهایی هم به دنبال داشته است. مقام معظم رهبری نیز دستاوردها چهل‌ساله انقلاب را برشمردند. حال، آینده انقلاب چگونه رقم خواهد خورد؟ آینده انقلاب بر اساس توصیه‌های مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم رقم خواهد خورد.

برای رسیدن به هدف انقلاب که ساختن تمدن نوین اسلامی است، باید یکسری الزاماتی وجود داشته باشد. وقتی صحبت از تمدن نوین می‌شود، ساختار با ویژگی‌ها خاصی مد نظر است. وقتی گفته می‌شود تمدن نوین اسلامی، یعنی خروج از پیرامونی، وابستگی و خروج از تسلط بیگانگان باید صورت پذیرد. برای تحقق تمدن نوین اسلامی به یکسری الزاماتی نیاز است و این الزامات را مقام معظم رهبری ذکر کردند. با انجام این الزامات، ایران می‌تواند به هژمون و به یک قدرت در مقابل قدرت جهان سرمایه‌داری تبدیل شود. لذا ایران اسلامی می‌تواند ویژگی‌ها خود در حوزه‌های

اقتصادی، صنعت، کشاورزی، فرهنگی و اجتماعی را به دنیای امروز معرفی کند.

مقام معظم رهبری توصیه می‌کنند که علم و پژوهش باید مورد توجه قرار گیرد. به طوری که حضرت آقا فرمودند دانش آشکارترین وسیله عزت و قدرت یک کشور است. استیلای غرب هم به خاطر استیلا دانش آن می‌باشد. جمهوری اسلامی از زمانی که متولد شد، دستاوردهای خوبی داشته است. یازده برابر شدن شتاب رشد علمی ایران و رتبه شانزدهم در دویست کشور کم دستاوردی نیست. ولی برای رسیدن به تمدن اسلامی و هژمون شدن کافی نیست. لذا باید در نظام آموزشی کشور تحول خاصی ایجاد شود و این تحول باید از ابتدایی شروع شود. به روز بودن محتوا باید مورد توجه قرار گیرد. سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش و دانشگاه‌ها نه تنها هزینه نیست، بلکه سرمایه است.

حضرت آقا مهم‌ترین سرمایه تحول کشور را نیروی انسانی ذکر می‌کنند. سرمایه‌گذاری در این بخش به معنای توسعه و قدرت است. پیوند دانشگاه با بخش صنعت، اقتصاد، کشاورزی و خدمات؛ تألیفات دانشگاهی بر اساس نیازمندی‌های جامعه؛ ایجاد فرصت‌های شغلی برای رشته‌های دانشگاهی؛ تأکید بر پژوهش‌های کاربری و پوشش دادن نیازهای جامعه در ابعاد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی از جمله موضوعاتی است که باید مورد توجه قرار گیرند.

یکی دیگر از موضوعاتی که باید در تمدن نوین اسلامی مورد توجه قرار گیرد، بحث معنویت و اخلاق است. بدین معنی که باید ارزش‌های معنوی همچون اخلاص، ایثار، ایمان و توکل و همچنین خلیات نیکو مانند خیرخواهی، تواضع و راست‌گویی در کشور برجسته شوند. حضرت امام و حضرت آقا نماد این نیکویی‌ها هستند. لذا تصمیم‌سازان تمدن اسلامی باید پیرو سنت حضرت امام و حضرت آقا باشند، چراکه گفته می‌شود «النَّاسُ عَلَى دِينِ مَلُوكِهِمْ». در آینده نمی‌توان با تصمیم‌سازانی مواجه شد که با معنویت و اخلاق فاصله داشته باشند.

هرچند اقتصاد در دیدگاه حضرت آقا هدف محسوب نمی‌شود اما مهم‌ترین نقطه کلیدی در رسیدن به هدف محسوب می‌شود. اقتصاد مؤلفه مهمی در تأمین و تضمین استقلال کشور است. همچنین انسجام اجتماعی را به دنبال دارد. از طرف دیگر اقتصاد تقویت‌کننده معنویت در جامعه است، چنانچه حضرت رسول اکرم می‌فرمایند: «كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا». حضرت آقا، معضلاتی را در ارتباط با اقتصاد بر می‌شمارند. مهم‌ترین معضل اقتصاد کشور، ضعف مدیریت است. در این چهل سال، همان‌طوری که حضرت آقا اشاره کردند، در بعضی از مراحل، از آرمان‌های انقلاب عدول کردیم و ضربه آن را هم دریافت کردیم. قاچاق ۱۲ میلیاردی، چوب حراج زدن به پشته‌های ارزی که عامل کنترل بازار ارز و طلاست، معطل کردن مسکن در شش سال توسط یک تصمیم‌ساز هیچ تناسبی با آرمان‌ها و مدیریت‌های انقلابی ندارند. همچنین معضلات داخلی ساختاری دیگری که حضرت آقا

بر می‌شمارند همچون وابستگی به نفت، دولتی بودن اقتصاد، نگاه به خارج، عدم توجه به ظرفیت‌های داخلی و بودجه‌بندی معیوب نیز وجود دارد. لذا حتماً باید در این حوزه فکری شود.

جمهوری اسلامی ایران ظرفیت‌های بزرگی دارد که می‌تواند از آن برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی استفاده کند. موقعیت اجتماعی، جغرافیایی، جمعیتی، مرز ۱۷۰۰ کیلومتری با دریا و متنوع بودن اقتصاد برای تحول در هر اقتصادی مهم و قابل توجه هستند. حضرت آقا تارک اقتصادی را شرط مشروعیت تمام مقامات جمهوری اسلامی قرار دادند. برای رعایت عدالت و مبارزه با فساد الزاماتی وجود دارد. به طوری که قانون باید عادلانه باشد، مجری باید عدالت باور باشد، بروکراسی باید عدالت محور باشد، گفتمان باید مبتنی بر عدالت باشد. اینها چیزهایی هستند که دست یافتنی هستند و آنها را در ابتدا دست یافتیم. این راه بارها طی شد و انشا الله تحت نظر امام زمان و هدایت مقام معظم رهبری طی خواهد شد.

طبق فرمایش حضرت آقا، استقلال و آزادی محبت‌های الهی و نه تفضل حکومت‌ها هستند. استقلال به معنای رهایی از دست‌اندازی بیگانگان و آزادی برای فراهم کردن زمینه مشارکت ملت در اداره جامعه، از آرمان‌های انقلاب و از دستاوردهای مهم چهل‌ساله انقلاب بوده است. این چیزی نیست که بتوان با آن بازی کرد. چنانچه حضرت آقا می‌فرمایند که این خون آورد صدها هزار جوان ایران اسلامی است و وظیفه حکومت پاسداشت و نگهداری از این موهبت است.

به عنوان نکته پایانی باید اشاره کرد که امضای لرد کرزن در قرن ۱۹ و امضای ترومن و سالیوان در قرن ۲۰ برای ایران تضمین کننده نبود و امضای هیچ کس دیگر هم برای ایران تضمین کننده نیست. مشارکت مردم، توانمندی داخلی و باور به اصل ما می توانیم تضمین کننده ایران است. آینده انقلاب بر اساس سنت الهی و قرآن مجید آینده‌ای روشن است. عرض خودم را با استناد به آیه وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعَفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ به پایان می‌رسانم.

***جناب آقای دکتر اسحاقی:** از اساتید محترم جناب آقای دکتر منوچهر محمدی از دانشگاه تهران، جناب آقای دکتر ابوالحسن فیاض از دانشگاه اصفهان، جناب آقای دکتر خاکرند از دانشگاه شیراز، جناب آقای دکتر خواجه سروی از دانشگاه علامه طباطبایی، جناب آقای دکتر غلامی از دانشگاه یاسوج و جناب آقای دکتر بابا هادی از پژوهشگران حدیث ولایت از دانشگاه امام صادق (ع) و دانشگاه امام حسین (ع) که امروز در خدمتشان بودیم، بسیار سپاسگزاریم.

۱۲. بازتاب انقلاب اسلامی در سایر جوامع

*جناب آقای دکتر اسحاقی: چهل و دو سال از انقلاب مردم مسلمان ایران باانگیزه‌های الهی بر ضد رژیم طاغوتی که جهانیان و استکبار جهانی و صهیونیسم جهانی به سرکردگی آمریکا پشتیبان آن بود ولی اراده‌ی الهی بر این قرار گرفت که مردم مسلمان ایران با رهبری امام خمینی^(ره) و با روشنگری و اهتمام به فضل الهی توانستند برای حفظ و استقرار آن‌که تلاش‌ها برنامه‌ها و نقشه‌های جهانی زیادی صورت گرفت. همه‌ی آن‌ها سجل به اراده‌ی الهی از بین برود و تقریباً حدوث انقلاب در این زمان و

عرصه و در این منطقه برای همه‌ی صاحب‌نظران و نخبگان جهانی و همچنین طراحان سیاست‌های جهانی و جهان یک امر غیرقابل باور بود. در همان سال‌های اول پیروزی انقلاب و تقریباً با ظهور انقلاب، یکی از مسئولین رژیم اشغالگر قدس گفته بود این انفجاری هست که ما بعداً آثار و پیامدهای آن را متوجه خواهیم شد. تقریباً همان اوایل پیروزی انقلاب بود به خاطر حساسیتی که روی انقلاب مردم ایران بود و آن واقعه‌ای که اتفاق افتاد.

در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی ما با انواع شگردها، روش‌ها و توطئه‌های همه‌جانبه‌ی دشمنان مواجه بوده‌ایم از انواع جنگ‌های سخت و نرم و تحریم‌های اقتصادی تا جایی که در هنگام جنگ تحمیلی از دادن سیم‌خاردار و نخ بخیه خودداری می‌کردند و در تحریم همه‌جانبه‌ی اقتصادی از دادن پانسمان‌های بیماران پروانه‌ای یعنی همین جهان متمدنی که برای خودش حقوق بشر را ابزاری قرار داده قتل‌عام‌هایی که انجام می‌دهد از این مسائل بشردوستانه هم خودداری کرده برای اینکه نمی‌خواست این نور الهی را برتابد ولی اراده‌ی الهی چیز دیگری بود، تریدون لیدفع بنورالله بافواهمم و الله متم نوره، این اراده‌ی الهی است. چرا ما تأکید می‌کنیم که این یک انقلاب اسلامی هست؟ به خاطر اینکه انگیزه‌ی رهبر انقلاب، انگیزه‌ی مردم، شعارهای آن‌ها، ریشه‌های آن‌ها و بازتابی که داشته از همین محور بود و ارزش انقلاب به همین است که در عصر مدرنیته و حاکمیت همه‌جانبه‌ی مدرنیسم و پیشرفت شگرف تمدن غربی در حوزه‌ی

علم و فن‌آوری از یک طرف و ساختن مبانی فکری متعدد از طرفی دیگر وقوع انقلاب با پیام‌های جهانی باریشه‌ی اسلامی هزار و چهارصد سال قبل، این بعید به نظر می‌رسید ولی اتفاق افتاد و آنچه رمز بقا و استمرار بوده همین علت محدثه بود.

بحمدالله مردم مسلمان ایران شعارهای خود را نه تنها برای کشور بلکه فراتر از کشور و فراملی دیدند. از همان روزهای اول شعار بود که امروز ایران فردا فلسطین؛ برای اینکه یک رسالت عمومی بود. حمایت از مستضعفان در هر جای عالم با هر نگرش و صبغه‌ی دینی که باشند.

در موضوع انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، صاحب‌نظران فراوانی اظهارنظر کردند و در اتاق فکر اندیشکده‌ها روی آن کار کرده‌اند، روی جزء جزء مسائلی که هست؛ یعنی اگر در ایران یک حرکتی آغاز می‌شود در یک دانشگاهی یک نخبه‌ی علمی دارد و به‌ویژه مواضع رهبر انقلاب روی این‌ها کار می‌کنند و بر اساس آن‌ها تصمیم‌گیری و نقش‌آفرینی را انجام می‌دهند. خوب اساتید علوم اسلامی و انقلاب اسلامی امروز تشریف دارند و ما از بیانات و نظرات آن‌ها استفاده می‌کنیم. باین حال در طول این چهار دهه مطالعات زیادی صورت گرفت. موسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی وابسته به دفتر حفظ و نشر آثار آیه الله امام خامنه‌ای (حفظه الله) موضوعات مربوط به انقلاب اسلامی را از زوایای مختلف در دستور کار خود قرار می‌دهد و در یک فضای آزاداندیشی سعی می‌کند آن‌ها را بشناسد و بشناساند تا از هرگونه تحریف و انحراف جلوگیری کند.

یکی از بحث‌هایی در بیانات مقام معظم رهبری هم بوده علاوه بر این بحث‌های تطبیق انقلاب اسلامی با انقلاب‌های دیگر که ما با انقلاب بزرگ فرانسه و در حقیقت روسیه که مقایسه می‌کنیم آن‌ها در ده‌سالگی از اهداف و آرمان‌های خود دست کشیده‌اند و به ده سال نرسیده به ضد خود تبدیل شدند ولی انقلاب اسلامی ایران کماکان بعد از چهار دهه بر سر آرمان‌های خود کماکان مستحکم ایستاده و به آرمان‌های خود هیچ‌گاه خیانت نکرد علیرغم تمام مشکلات و فشارهایی که بوده و زمینه‌های انحراف و تحریف هم بوده، زمینه‌های دست کشیدن هم بوده ولی کماکان ایستاده. یکی از بحث‌های مهم این است که انقلاب اسلامی ایران در جهان بیرون از خودش چگونه شناخته می‌شود و چه بازتاب‌هایی داشته و چه ویژگی‌هایی در این عرصه داشته است. ریشه‌های انقلاب و دستاوردهای آن را چگونه می‌شناسند و داوری می‌کند و تحت یک عنوان عام بازتاب مورد بحث و بررسی اندیشمندان هست.

در جلسه‌ی امروز بزرگوارانی که تشریف دارند از منظرهای مختلف به این موضوع می‌پردازند و بحث ما این است که چگونه می‌توانیم انقلاب اسلامی و شیوه‌های بازتاب و صدور آن را با یک نگاه علمی نگاه کنیم، راهکارهای پیشبرد طرح تمدن اسلامی را به‌عنوان نجات‌بخش نه تنها جهان اسلام بلکه بشریت بتواند این نقش را داشته باشد و اهداف و ارزش‌های انقلاب اسلامی را در ابعاد منطقه‌ای و جهانی چگونه می‌شود مورد شناسایی و بازتعریف قرارداد و نهایتاً اینکه در نسل جوان ایرانی و خارج از کشور و همچنین

جوانان جهان وقتی که رهبر معظم انقلاب پیام می‌دهد به جوانان اروپایی برای این است که نیروی جوان چه در ایران و چه در کشورهای دیگر می‌تواند آینده را رقم بزند و نجات‌بخش جوامع اسلامی و انسانی باشد.

دکتر مجیدی عضو هیئت‌علمی دانشگاه تهران سخنرانی تحت عنوان رویکرد علمی به شیوه‌های صدور انقلاب اسلامی ارائه می‌کنند. جناب دکتر ملکوتیان انقلاب اسلامی و تغییرات در هندسه‌ی قدرت در منطقه و جهان با تأکید بر ابعاد منحصر به فرد انقلاب اسلامی، آقای دکتر منوچهر محمدی بازتاب ارزش‌های انقلاب در جوامع بیان می‌کنند. جناب آقای پاک آیین امید به آینده در نسل‌های جوان داخل و خارج از کشور، جناب آقای محمد مصطفی جهیر معاون سفیر فلسطین از منظر خود موضوع انقلاب اسلامی و بازتاب و روایتی که از آن هست و آقای ماجد غماص رئیس دفتر مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق روایت و نگاه از بیرون به انقلاب اسلامی و دکتر اسلامی عضو هیئت‌علمی دانشگاه تربیت مدرس بازتعریف اهداف و ارزش‌های انقلاب اسلامی در ابعاد منطقه‌ای و جهانی را مطرح می‌کنند.

دکتر مجیدی بحث خود را با عنوان صدور انقلاب اسلامی گام دوم با نگاهی به تجارب گام اول ارائه می‌نمایند.

صدور انقلاب اسلامی در گام دوم با نگاهی به تجارب گام اول

*جناب آقای دکتر مجیدی: ادامه‌ی راه در مسیر حرکت پیش‌رونده‌ی انقلاب اسلامی، نیازمند بازخوانی و مرور راه رفته و تجارب چهار دهه‌ی

انقلاب اسلامی که از آن به‌عنوان گام اول یاد می‌کنیم با رویکردی پاتولوژیک آسیب‌شناسانه، نقاط قوت و ضعف و فرصت‌ها و چالش‌های پیش رو را بشناسیم و با رویکردی آینده‌پژوهانه با اعتنا بر این تجارب و راه‌های طی شده راه‌های وصول به مطلوب را طراحی و اجرا کنیم و به نظر می‌آید الگوی مطرح‌شده در بیانیه‌ی گام دوم علاوه بر محتوای آن از لحاظ روشی و متدلوژی هم می‌تواند راهنمای پژوهش‌ها و مطالعات این حوزه باشد چراکه بیانیه‌ی گام دوم در یک نگاه کلی می‌خواهد به ما بگوید کجا بودیم کجا هستیم و به کجا باید برسیم.

نکته‌ی دیگر که باید در مقدمه اشاره‌کنم ضعف بین‌الملل انقلاب اسلامی در ربع پایانی قرن بیستم میلادی نظام دوقطبی است که ایدئولوژی حاکم بر دو قطب یا دین‌گریزی است و یا دین‌ستیزی است. یعنی دین‌گریزی پسا انقلاب فرانسه که نتایج دوران نوزایی عصر روشنگری است و انقلاب روسیه که رویکرد قالبش دین‌ستیزی است. در چنین شرایطی نهضت اسلامی در دهه‌ی ۴۰ شروع و در اواخر دهه‌ی ۵۰ شمسی به تعبیر اندیشمند غربی، انقلابی به نام خدا برخلاف جریان حاکم و گفتمان‌های مسلط انقلاب‌های دو سده‌ی گذشته به پیروزی می‌رسد و دین را که به ستیز با آن پرداخته بودند و یا از صحنه‌ی جامعه دور کرده بودند مجدداً به عرصه‌ی اداره‌ی جامعه عرصه‌ی روابط انسانی در سطوح ملی و بین‌المللی برمی‌گرداند. به‌گونه‌ای که هم در مجامع نخبگی علمی غرب و هم نخبگان ابزاری غرب که نگاه عمیق‌تری از سطح سیاسی به این تحول چشمگیر

داشتند، حوزه‌های تهدید را ورای حوزه‌های تهدید مادی به تعبیر یکی از ژورنالیست‌های غربی که در ماه‌های اول پیروزی انقلاب گفت راه را به خطا نبرید که وقوع انقلاب ایران در منطقه‌ی خلیج فارس فقط منافع مورد نیاز ما یا منافع غرب را به چالش کشیده بلکه بنیان‌های فکری و تمدنی که چند سده رنسانس و نوزایی و بعد از روشنگری انقلاب فرانسه مطرح کرده را به چالش کشیده است.

در میانه‌ی تضاد شرق و غرب سیاسی که همه‌ی نگاه موجود به این تنازعات بود و غرب هم تلاش می‌کرد که آن روی سکه‌ی تمدن مغرب زمین را پاک کند و ضرب بزند، سکه‌ای که دو رویش الگوی لیبرالیسم متأثر از فضای پساروشنگری و انقلاب فرانسه بود را حاکم کند در چنین شرایطی گفتمان دینی انقلاب اسلامی مطرح می‌شود و خطر و تهدید جدی را به بنیان‌های فرهنگی و تمدنی مغرب زمین متوجه می‌بیند. اگر این نگاه را که نگاه صاحب و هست را نگاه کنیم با توجه به ضیق وقت می‌خواهم کمتر کنم که به بحث اصلی که چه باید کرد براساس تجارب گام اول به راه پیش رو در مسیر حوزه‌ی بین‌المللی انقلاب اسلامی توجه شود.

به هر تقدیر در چهار دهه‌ی اول انقلاب اسلامی که از آن به‌عنوان گام اول یاد می‌شود رویکردهای متفاوتی به مقوله‌ی صدور انقلاب وجود داشت که اساتید در بخش بازتاب‌ها ان‌شاءالله خواهند پرداخت. اگر فقط همین نکته که عرض کردم در مطلع صحبت توجه کنیم و با توجه به جمیع جهاتی که در رویکردهای مختلفی که به مقوله‌ی صدور انقلاب هست از رویکردهای

صد درصد سلبی که رویکردهای ناسیونالیستی و ملی‌گرایانه بود که انقلاب را فقط در ضعف ایران جغرافیایی می‌دید تا رویکردهای کاملاً آرمان‌گرایانه‌ای که مأموریت‌های بسیار مهمی را برای انقلاب در عرصه‌ی بین‌الملل و فراملی می‌دید تا رویکردی که اصطلاحاً یاد می‌شود از آن به‌عنوان آرمان‌گرایی واقع‌بینانه که تلاش می‌کرد در کنار دعوت به‌عنوان یک اصل و قاعده که فرق انقلاب اسلامی با سایر انقلاب‌ها یک نکته بود که اساساً مقوله‌ی صدور خاص انقلاب اسلامی نیست. همه انقلاب‌هایی که در سده‌های گذشته بوده و ذات این انقلاب‌ها این بوده که پیام خود را از چارچوب مرزهای جغرافیایی خود خارج کنند و مخاطبانی برای این پیام در عرصه‌های منطقه و بین‌المللی جستجو کنند.

انقلاب اسلامی با اعتنا به مکتب اسلام و رویکرد جهان‌شمول دینی اسلامی طبیعتاً علاوه بر این نکته که در ذات حرکت‌های انقلابی هست مأموریتی هم برای خود قائل بود که اعتنا در اصول مختلف از جمله اصل دعوت است. به هر تقدیر چه به رویکرد اول که سلبی بود چه رویکرد دوم و چه رویکردی که با توجه به بیانات رهبران انقلاب و هسته‌ی بسیج که مطالبه کنیم اساساً مسئله‌ی صدور انقلاب مسئله‌ی سخت‌افزاری نبوده و رویکرد نرم‌افزارانه به حوزه‌ی صدور انقلاب که عملاً بخواهیم یا نخواهیم این پیام صادر می‌شود و چارچوب‌های تنگ سرزمینی علاوه بر آن مجال نیست من اشاره کنم؛ و یک نگاه اجمالی ظرف انقلاب اسلامی به ایران جغرافیایی هست در کنار خود دو ایران دیگر را دارد یک ایران تاریخی است که ما در

کتاب‌های تاریخ از آن یاد می‌کنیم و یک ایران ضدی فرهنگی است در میان ایران تاریخی و جغرافیایی قرار دارد که انقلاب اسلامی تلاش کرد از ظرفیت‌های ایران فرهنگی هم برای انتقال پیام و بازتاب این حرکت بزرگ در عرصه‌های منطقه و بین‌المللی استفاده بکند.

در فراز اول سخن اشاره می‌کنم که در مهم‌ترین سند و متن بنیادی نظام برآمده از انقلاب که قانون اساسی جمهوری اسلامی است چه در مقدمه‌ی قانون اساسی که تصریح می‌کند با توجه به محتوای اسلامی انقلاب که حرکتی برای پیروزی تمام مستضعفین و مستکبرین بود زمینه‌ی تداوم این انقلاب را در داخل و خارج باید فراهم کرد؛ و با همکاری سایر جنبش‌ها و حرکت‌های مردمی راه تشکیل امت واحده‌ی جهانی را باید هموار کرد. یا در فصل دهم قانون اساسی جمهوری اسلامی در اصول چهارگانه به‌ویژه در اصل ۱۵۴ تأکید می‌کند که ضمن خودداری از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌ها حمایت از مبارزه‌ی حق‌طلبانه‌ی مستضعفین در برابر مستکبرین از وظایف دولت جمهوری اسلامی با توجه به نظام برآمده از انقلاب است. ضمن اینکه اصول شش‌گانه‌ای هم در اصل ۱۵۲ مطرح می‌کند که اگر نگاهی به تأثیرات انقلاب اسلامی بکنیم بر پایه‌ی مدل خاص صدور انقلاب اسلامی، می‌بینیم که در گوشه و کنار جهان این نوع پیام‌ها الآن جای خودش را پیدا کرده است.

شما از مدل عدم تعهد که از ۱۹۵۵ کنفرانس بانکوک در اندونزی شکل گرفت که قرار بود در آن زمان دولت ملی دکتر مصدق هم حضور داشته

باشد اما دو سال قبل با کودتای آمریکای انگلیسی این دولت ساقط شده بود تا ۱۹۷۹ اسمی عدم تعهد بود رسماً یا وابسته به این کمپ یا آن کمپ در نظام دوقطبی بود. به تعبیر یکی از رهبران جنبش بعد از پیروزی انقلاب رهبران آفریقایی در دیدار با مقام معظم رهبری در دوران ریاست جمهوری اشاره کرده بود که عدم تعهد واقعی را انقلاب اسلامی مطرح کرد و الگوی عملی نشان داد که تا به امروز هم مدل نه شرقی و نه غربی که نماد این عدم تعهد و استقلال هست در سیاست خارجی جمهوری اسلامی منعکس و الگویی برای دیگران شده است و این الگو و سرمشق شدن یکی از نکات بسیار مهمی است که در بحث صدور مطرح است.

در گام دوم باید فرصتی فراهم شود که ما نگاهی دیگر به فرصت‌ها و چالش‌های پیش رو داشته باشیم. نظریه‌ی کرامت انسانی بر پایه‌ی انقلاب اسلامی می‌تواند همچنان پرچم‌دار حضور بین‌الملل انقلاب اسلامی باشد که متأسفانه آن‌گونه که شایسته و بایسته است ما در حوزه‌ی سیاست خارجی این را مدون نکردیم که امیدواریم این حرکت در گام دوم نسج و رشد بیشتری پیدا کند. از طرف دیگر در گام اول هسته‌های گوناگون گفتمان انقلاب اسلامی در گوشه و کنار جهان شکل گرفته است. شخصیت‌های علمی فرهنگی اجتماعی و رسانه‌ای حضور دارند.

آنچه الآن مهم است شبکه‌سازی از این هسته‌های پراکنده در گوشه و کنار جهان است یعنی ما در بازخوانی راه رفته به ترسیم افق ده‌ها و صدها و هزاران راه نرفته، باید ظرفیت‌های ایجاد شده در دهه‌های اول انقلاب و گام

اول را حتماً استفاده کنیم و بلکه به انسجام‌سازی آن‌ها کمک شود. در حوزه‌ی دیپلماسی رسمی چون این مسئولیت صرفاً مسئولیت نخبگانی یا عام غیردولتی نیست بلکه یک وظیفه‌ای است بر عهده‌ی همه‌ی ارکان انقلاب اسلامی و نظام برآمده از انقلاب است.

ما در چهار دهه‌ی انقلاب اسلامی عمده‌ی اتکای ما به دیپلماسی رسمی دولت پایه به معنای قوه‌ی مجریه بوده. از بسیاری از ظرفیت‌ها حتی حاکمیتی مثل دیپلماسی قضایی که امروزه به‌عنوان دیپلماسی مکمل از آن یاد می‌شود حساب نکردیم. علاوه بر آن دیپلماسی مردم پایه با پایش و حمایت و نظارت حاکمیت در اشکال دیپلماسی فرهنگی، رسانه‌ای، اقتصادی، گردشگری، فناوری و الآن حوزه و دانشگاه ما نقش و جایگاه نخبگانی در حوزه‌های بین‌الملل انقلاب اسلامی درست استفاده نشده؛ نه خود این نهادها و قوف کامل در عرصه‌ی بین‌الملل داشتند و نه این مجال و میدان برایشان فراهم شده. بر این اساس بازخوانی این ظرفیت‌ها هم بسیار مهم است.

دیروز من ملاقاتی داشتم با آقای صلاح زبایی که جمله‌ی جالبی ایشان گفتند که مفصلاً معاون آقای سفیر می‌گویند. درباره‌ی انقلاب ایران و فلسطین صدسال پیش در همین ماه‌ها و سال‌ها اعلامیه‌ی بالفور صادر می‌شود توافق‌نامه‌ی سانفریسکو برای ملت مظلوم فلسطین از سرزمین آبا و اجدادی‌شان عملیاتی می‌شود که در قالب طرح فروپاشی دولت عثمانی بود توسط فاتحان جنگ اول؛ ولی آن زمان چیزی به نام انقلاب اسلامی و

بیداری متأثر از انقلاب نبود. الآن هم که دو دهه‌ی اول قرن ۲۱ را پشت سر گذاشتیم تلاش بر این بوده که تحت عنوان معامله‌ی قرن آقای ترامپ و امثال آن‌ها، طرح تجزیه‌ی کشورهای اسلامی و شکل بخشیدن به دولت‌های ذره‌ای که دکتر ملکوتیان در بحث هندسه‌ی جغرافیای انقلاب اسلامی اشاره خواهند کرد همان حوادث را رقم بزنند.

تفاوت قرن ۲۱ با حضور انقلاب اسلامی با قرن بیستم دوره‌ی اول بدون انقلاب اسلامی همین نتیجه را دارد. دقیقاً بازتعریف نقشه‌ی منطقه و جهان را به‌نوعی دیگر خواستند انجام بدهند ولی مانع کجا بود؟ انقلاب اسلامی و پیام صادر شده از این انقلاب و الگوسازی و سرمشق‌سازی که انقلاب انجام داد و الآن جریان مقاومت به‌عنوان یک قطب قدرت در منطقه اعلام شده که در معادلات منطقه‌ای و جهانی به ناچار باید سراغ آن‌ها می‌رفت. اگر امروز دولت تازه به کار آمده‌ی بایدن یکی را از لیست گروه‌های تروریستی خارج می‌کند این به‌سادگی نبود. این همان سرمشقی است که اتفاق افتاده و سایر موارد هم در ماه‌ها و سال‌های پیش رو اگر اتفاق افتاد. اگر یک نگاه واقع‌بینانه بکنیم همه را متأثر از فضای بین‌الملل انقلاب اسلامی و بازتاب‌ها و تفکر دقیق صدور انقلاب به معنای صدور نرم‌افزاری انقلاب اسلامی است. جمله‌ی پایانی برخلاف آنچه گفته شد، علائم و شواهدی هم بیان می‌کنند که عده‌ای دنبال صدور سخت‌افزاری انقلاب هم بودند ولی در یک نگاه اجمالی می‌بینیم هم ادبیات رهبران انقلاب و هم عملکرد

انقلابیون به نظام برآمده از انقلاب، چیزی جز انتقال، بازتاب و صدور پیام‌های انقلاب اسلامی به‌عنوان یک انقلاب مردمی بیش نبوده است.

***جناب آقای دکتر اسحاقی:** من فکر می‌کنم نکته‌ی مهمی که آقای دکتر مجیدی اشاره کردند بحث صدور انقلاب با روش انقلاب ما یکسان است یعنی وقتی که انقلاب ما با یاری ملت صورت گرفت و با راهپیمایی، شعار دادن و اعلام مخالفت بود. این اصلاً بنیان و بنیاد رژیم را بر هم زد. اراده‌ی آن‌ها را از بین برد روش سختی نبود جنگ مسلحانه‌ای نبود در صدور انقلاب هم همین است اگر غیر از این باشد این باز هم انحراف است و صدور انقلاب و همین که بشنوند پیام انقلاب را کار خودش را کرده است.

***جناب آقای محمد مصطفی جهیر:** وقتی می‌خواهیم راجع به اثرات انقلاب اسلامی ایران در فلسطین و لبنان صحبت کنیم ما می‌توانیم اثرات متقابل بگوییم. رابطه‌ی فلسطین و ایران به زمانی برمی‌گردد که حضرت امام راحل (رضوان‌الله‌علیه) در نجف اشرف بودند و دیدارهایی بین سران مقاومت فلسطین آن زمان با ایشان انجام می‌شد. ایشان در آن زمان فتوای تاریخی درباره‌ی اینکه خمس و زکات جایز است به فدائیان و مبارزان فلسطینی داده بشود. این رابطه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران ادامه پیدا کرد و پررنگ‌تر شد.

مرحوم یاسر عرفات در اتاق خودشان در بیروت بودند. وقتی خبر رسید که انقلاب اسلامی ایران به پیروزی رسید از اتاق دفترشان به بالکن آمد و کلاشینکف خود را شلیک کرد و گفت که جبهه‌ی من از ثور یعنی جنوب لبنان تا خراسان امتداد پیدا کرد و اولین هیئتی که برای تبریک به پیروزی انقلاب اسلامی ایران هیئت فلسطینی به رهبری مرحوم یاسر عرفات بود که ایشان جمله‌ی بسیار قشنگی گفته بودند. وقتی داشتند وارد حریم هوایی ایران می‌شدند فانتوم‌های ایرانی به پرواز درآمدند. چون این شخصیت که دارد می‌آید معرفی نشده بود. وقتی اصرار کردند گفتند آقای یاسر عرفات همراه با هیئت فلسطین برای تبریک آمدند و ایشان جمله‌ی قشنگی گفتند که: برای اولین بار در تاریخ، فانتوم آمریکایی برای حمایت از من نه بمباران من به پرواز درآمدند. به خدمت امام راحل رسیدند و سفارت فلسطین افتتاح شد و این رابطه تا به امروز ادامه پیدا کرد.

انقلاب اسلامی ایران خیلی از برادران ایرانی در اردوگاه‌های فلسطینی زمان سابق آموزش نظامی دیده بودند. بعضی از مسئولان شما هم آنجا دوره‌ی نظامی دیده بودند و این رابطه در اوایل انقلاب بسیار پررنگ‌تر از زمان الان بوده. مردم فلسطین زیر سیستم‌های مختلف امنیتی زندگی کردند؛ یعنی هر کس در یک منطقه‌ای از جهان زندگی کرد مجبور شد برای اینکه فشار بیشتری تحمل نکند، برای اینکه بتواند به زندگی روزمره ادامه بدهد و برای اینکه مبارزاتش ادامه پیدا کند مماشات بکند. برای همین شاهد بودیم که سازمان آزادی ساز فلسطین از نه گروه مسلح فلسطینی با مشارب مختلف

(ملی‌گرا، اخوان المسلمین، کمونیست و ...) بستگی به شرایط جغرافیایی آن منطقه. ولی وقتی ما وقتی سازمان الفتح را تأسیس کردیم وقتی آغاز انقلاب مسلحانه‌ی فلسطین در ۱۹۶۵/۱/۱ آغاز کردیم. اولین عملیات چریکی که از خاک سوریه به سمت فلسطین اشغالی رفتیم، گفتیم که ما ایدئولوژی‌های خود را کنار می‌گذاریم و بعد از پیروزی بعد از اینکه به خاک و خواسته‌ی خود رسیدیم این دست مردم فلسطین هست که تشخیص بدهند چه سیستم حکومتی داشته باشند. البته مشکلات زیادی داشتیم، جنگ‌های زیادی علیه ملت فلسطین انجام شده در بعضی کشورهای عربی؛ ما در آن زمان قتل عام شدیم که اسم نمی‌برم.

وقتی انقلاب اسلامی ایران به پیروزی رسید ملت فلسطین که در آن زمان مصر را از دست داده بود احساس خوشبختی کرد و اینکه ما یک دولت بزرگی که از دست دادیم خدا جایگزین کرد و قدرتی دیگر به ما داد. سخنرانی حضرت امام وقتی به تهران رسیدند امروز ایران فردا فلسطین در سخنرانی دیگر گفته بودند پیروزی ما ناقص است مگر اینکه کل فلسطین آزاد شود و اسرائیل غده‌ی سرطانی است و باید از بین رود. این‌ها به مردم ما که در معرض فشار داخلی و خارجی بودند روحیه داد و این انقلاب به ملت ما ثابت کرد که می‌شود با خون، شمشیر را شکست داد و از افتخاراتی که این انقلاب در منطقه‌ی ما در فلسطین در لبنان به وجود آورده است، از افتخارات انقلاب اسلامی محور بزرگ مقاومت است که امروز اسرائیل را به لرزه آورده است. این محور مقاومت ثابت کرده که اسرائیل یک چیز

پوشالی است همان‌طور که برادر عزیزمان سید حسن نصرالله گفته بود: (اوهنوا من بیت العنکبوت) ضعیف‌تر از لانه‌ی عنکبوت است، ثابت کرد محور مقاومت. از افتخارات این انقلاب شهدایی مثل شهید راغب فر، شهید محمد مغنیه، شهید عباس موسوی، شیخ شهدا سلیمانی (ره)، برادر عزیزمان ابومهدی المهندس.

هر جا در منطقه نگاه کنیم اثرات انقلاب اسلامی ایران هست چه خواستید صادر نکنید و چه خواستید صادر کنید انقلاب شما خودبه‌خود صادر شده است. شما نمونه‌ای برای مستضعفان جهان شده‌اید. در لبنان مسلمانان و به‌خصوص شیعیان لبنان حقشان محدود بود یعنی نمی‌توانستند به حقشان برسند ولی الآن حزب‌الله لبنان توانست اسرائیل را شکست دهد. در دو جنگ توانست اسرائیل را شکست دهد. حزب‌الله لبنان که از برکات انقلاب اسلامی است الآن صاحب یک کلمه است یعنی می‌تواند در لبنان تصمیم‌گیری کند وقتی می‌خواهند کاری کنند هزارتا حساب ببرند. هم در فلسطین هم در لبنان طرفداران زیادی دارید.

گفتم این رابطه پررنگ‌تر شد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران با اینکه شما مشکلات زیادی داشتید، جنگ تحمیلی شروع شده بود که اگر این جنگ تحمیلی نبود من مطمئن بودم اگر این صدام دیوانه دست در دست جمهوری اسلامی ایران می‌گذاشت آن زمان شاید الآن شاهد آزادی فلسطین بودیم اما متأسفانه گولش زدند و شما داشتید می‌گفتید بسم الله و به شما حمله کردند. بعد از اینکه از این جنگ راحت شدید مسائل دیگری برای

شما پیش آوردند؛ مسئله‌ی اتمی، مسئله‌ی حقوق بشر، مسئله‌ی آزادی بیان (و لن ترضی عنک الیهود و لن النصرارا حتی تتبع ملتها) ما در فلسطین چشم به شما دوختیم مشکلات زیادی داریم و امید ما اینکه ان شاءالله حکومت شما به کمک دوستان عزیزمان در جهان عرب و اسلام بتوانیم این نهضت ملی خود را داشته باشیم که این نهضت می‌تواند مرکزی باشد برای وحدت اعراب و مسلمانان.

شما یکی از مشکلاتی که دارید دفاع از مستضعفان و به‌خصوص دفاع از مسئله‌ی فلسطین است. زمان رژیم سابق غربی‌ها به شما پیشنهاد دادند یک روابط عمومی بسازید حالا چه شده یک دولتی آمده که می‌گوید بسم الله دولتی آمده که می‌گوید من دوستتون دارم یکی وحدت جهان اسلام و دیگری آزادی فلسطین همه علیه شما قیام کردن این شرم نیست، شرم نیست در باشو کنفرانسی علیه ایران تشکیل دهند و بعضی کشورهای عربی و اسلامی در آن شرکت کنند؟ دشمن ما مشخص است دشمن ما رژیم صهیونیستی است. ایران دوست ما است من نمی‌گویم ما مشکلاتی نداریم مشکلاتی داریم همه چیز با گفتگو با نشست و برخاست قابل حل است اما واقعاً شرم است که بگویند ایران دشمن است. ایران دشمن نیست. ایران تنها پروژه‌ای و تنها طرحی که از سال ۱۹۱۶ همان‌طور که آقای دکتر فرمودند تنها طرحی که در برابر طرح آمریکا و دشمن صهیونیستی قد علم کرده. شما کفاره‌ی این موضع‌گیری‌ها را دارید می‌دهید. شما اگر به قول دکتر در مرزهای خود بودید هزار بمب اتم به شما می‌دادند دلارها مثل

باران به سر شما می‌ریخت ولی شما اصول، آرمان و اهداف دارید که وحدت جهان اسلام و آزادی فلسطین و این مسئله باعث شد که شما زیر فشار باشید و در آینده هم زیر فشار خواهید بود. اگر امروز مشکل اتمی حل شد هزارتا بهانه‌ی دیگر برای شما خواهند ساخت.

امیدوارم همان‌طور که گفته بودم در آینده‌ی بسیار نزدیک گروه‌های فلسطینی وحدت خود را به دست بیاورند با کمک جمهوری اسلامی ایران و دیگر کشورهای عربی و اسلامی و بتوانیم ان‌شاءالله آرزوی امام راحل که همانا نماز در مسجدالاقصی مبارک آزاد شده پشت سر رهبر معظم انقلاب ان‌شاءالله نماز وحدت بخوانیم.

***جناب آقای دکتر اسحاقی:** (انهم یرونه بعیدا و نراه غریبا) به هر حال مسیر جهاد مسیر سهل و ساده‌ای نیست. کسی که توفیق جهاد فی سبیل الله را پیدا کند حتماً سخت و پرمشقت هست. اینکه صرفاً بگوییم ربنا الله کفایت نمی‌کند و بعدش ثم استوی هست و شیرینی زندگی انسان برای رشد و تعالی در مسیر تقرب الی الله که جهاد یکی از آن مسیرها هست فضل‌الله المجاهدین علی القاعدین این شعارهای اصلی مردم در زمان انقلاب و مبانی اسلامی و قرآنی بود انقلاب اسلامی هم متعلق به مردم ایران نیست اصلاً در مرز ملت و جغرافیای سیاسی کنونی جای نمی‌گیرد و همچنان که اشاره هم کردم منتظر نمی‌ماند که کسی جلوییش را بگیرد که صادر شود یا صادر نشود انقلاب اسلامی چون یک پیام الهی و فطری نیاز انسان‌ها را دست

گذاشته نمی‌شود جلوی‌ش را گرفت. می‌شود مانع ایجاد کرد تأخیر انداخت ولی این سرنوشت محتوم هست و ان‌شاءالله ملت ایران همچنان که در بیانیه‌ی گام دوم رهبر معظم انقلاب اشاره کردند بر آرمان‌های خودش ایستاده و صادق به وعده‌ی خودش بوده است. خلف وعده و نقض وعده نکرده است.

الآن که ۴۲ سال بعد از پیروزی انقلاب هست آرمان‌های انقلاب، اهداف انقلاب، شعارهای انقلاب زنده هست، نمایان هست و می‌شود ارزیابی کرد که آیا ما ایستاده‌ایم یا نه علی‌رغم همه‌ی مشکلات و علی‌رغم همه‌ی ناملایمت‌ها و خلاف انتظار بود که کشورهای اسلامی که آن‌ها باید براساس قومیت و عربیت می‌گفتند حالا اسلامیت هم پیشکش حداقل پای آن می‌ایستادند. این هم مربوط به حاکمانشان هست هم پست حکومتی خودشان را مرهون حمایت‌های صهیونیسم هستند و اگر یک لحظه آن‌ها اراده کنند زیر پایشان خالی است همین الآن هست.

بازتاب ارزش‌های انقلاب در جوامع شیعی

*جناب آقای دکتر منوچهر محمدی: بحث من درباره‌ی بازتاب انقلاب اسلامی در جوامع شیعی مطرح است. برای اطلاع از این، من معتقد هستم که ما اگر یک چارچوب مناسبی داشته باشیم برای تأثیر انقلاب اسلامی در جوامع مختلف این چارچوب مناسب می‌تواند به ما کمک کند و بنده در این رابطه کار کردم و فعلاً هم کتابی تحت عنوان بازتاب انقلاب اسلامی

در جوامع بشری با تکیه بر نظریه‌ی شیخ اشراق و نظام نوین به رشته‌ی تحریر درآوردم آن هم با استفاده از جمله‌ی معروفی منتسب به حضرت امام (ره) بود که انقلاب اسلامی انفجار نور هست بنابراین با استفاده از نظریه‌ی نوری شیخ اشراق من این مسائل و تأثیر انقلاب اسلامی بر جوامع مختلف از جمله جامعه‌ی شیعی بررسی کردم.

درواقع انقلاب اسلامی در ایران و به اکثریت قاطع آن‌ها که پیرو مکتب اهل بیت و شیعه هستند به‌طور طبیعی این انتظار می‌رفت که اثرات بیشتری بر جوامع شیعی که هم‌بستر هستند داشته باشد که این اتفاق هم افتاد؛ یعنی اینکه چه تأثیراتی گذاشت را خدمت عزیزان طرح می‌کنم. جامعه‌ی شیعی در میان جامعه و جهان اسلام در پیروزی انقلاب اسلامی یک نقش حاشیه‌ای داشت. این نقش حاشیه‌ای هم به خاطر دو عنصر بود. یک عنصر قلت نفرات بود یعنی اکثریت، برادران اهل سنت بودن و شیعیان در اقلیت بودند. دوم با توجه به فشارهایی که در طول تاریخ به‌وسیله‌ی حاکمان اسلامی بعد از عثمانی‌ها و عباسیان اموی‌ها به شیعیان وارد می‌شد نوعی تقیه در جامعه‌ی اسلامی شیعی حاکم بود و آن پرهیز از قول و نظرات خودشان بود؛ و در نتیجه این دو اصل را هدف نگه داشته بود و اینکه انقلابی باشد نبود تا اینکه حضرت امام (ره) در سال ۴۱ جمله‌ی معروفی را داشتند که تقیه حرام است و اظهار عقیده واجب و به‌عنوان یک مرجع شیعی رهبری انقلاب به دست گرفتند. این مسئله در کل جهان تشیع اثر گذاشت و جهان تشیع را از حاشیه به مرکز برد یعنی دقیقاً شیعیان پیش‌قراول حرکت انقلابی در کل

جهان بشریت شدند و نتیجتاً این امر منجر به این شد که یک تحول ۱۸۰ درجه‌ای در جهان شیعیان به وجود آورد و روحیه‌ی انقلابی در میان شیعیان توسعه پیدا کرد. شیعیان قبل از پیروزی انقلاب در همه‌ی نقاط جهان یک حالت قدرتی و روحی پیدا کردند و علاوه بر آن گفتمان شیعی هم که در طول این دوره‌ی انقلاب به‌خصوص دوره‌ی چهل‌ساله این گفتمان توانستند تسری و گسترش بدهد و جهان بشریت نه‌تنها همه‌ی مسلمان‌ها بلکه میان ملت‌های مستضعف جهان.

اشاره می‌کنم به این گفتمان که یکی مسائل شهادت‌طلبی بود که این مسئله‌ی شهادت‌طلبی توانست جایگاه خودش را در میان همه‌ی نیروهای انقلابی پیدا کند. آن عدالت‌خواهی بود که این عدالت‌خواهی را اگرچه قبلاً مارکسیست‌ها مطرح می‌کردند ولی در عمل موفق نشدند. روحیه‌ی عدالت‌خواهی هم به‌عنوان گفتمان شیعه جهانی شد.

مهم‌تر از همه‌ی این‌ها سلطه‌ستیزی بود استکبارستیزی بود که این حرکتی که شیعیان در کشور کردند و بعد در کل جهان تشیع توسعه پیدا کرد مقابله با سلطه و استکبار بود که نهایتاً این امر منجر شد به اینکه گفتمان مقاومت، مکتب مقاومت در کل جهان تأثیر قابل ملاحظه‌ای را در جهان گذاشت. اگر ما بخواهیم به‌عنوان مصداق عرض کنیم مهم‌ترین جایی که اثر گذاشت در لبنان بود که با توجه به موقعیت جغرافیایی شیعیان آنجا را احیا کرد. ما قبل از پیروزی انقلاب، واقعاً یک روحیه‌ی خموده‌ای در میان شیعیان وجود داشت با وجود اینکه اکثریت نسبی نداشتند نه‌تنها روحیه‌ی انقلابی نداشتند

بلکه بسیار فقیر بودند و از طرفی خموده بودند که امام موسی صدر میان آنها آمد و اولین چیزی که مطرح کرد این بود که این‌ها محروماند و لذا حرکت از محرومین را در آنجا شکل داد. من یادم است که سایر برادران که با شیعیان همکاری می‌کنند با رژیم صهیونیستی متحد بودند.

پیروزی انقلاب اسلامی تحول عظیمی ایجاد کرد در شیعیان که این‌ها گلوله‌های آتشی شدند که توانستند با عملیات استشهادی خود پنج قدرت بزرگ جهانی را که در بودند در سال‌های بین ۸۲ تا ۸۵ آنها را فراری دهند. بعد از اینکه رژیم صهیونیستی به لبنان در سال ۸۲ حمله و تجاوز کرد و حتی به بهانه‌ی برقراری صلح نیروهای آمریکایی، انگلیسی ایتالیایی و فرانسوی هم ملحق شدند به رژیم صهیونیستی و پایگاه‌های متعددی برای خود ایجاد کردند و این حرکت استشهادی شیعیان لبنان منجر به این شد که همه‌ی این‌ها بدون اینکه بتوانند فرار را بر قرار ترجیح دادند و بعد هم اصلاحیه مجبور شد ابتدا در سال ۸۵ از جنوب خارج بشه و بعد هم در سال ۲۰۰۰ لبنان را ترک می‌کند و بعداً در سال ۲۰۰۶ شکست مفتضحانه در جنگ ۳۳ روزه از حزب‌الله.

اثرات انقلاب اسلامی بر شیعیان تنها محدود به لبنان نبود بلکه کل جهان تشیع اثراتش را بر جای گذاشت که صحنه‌ی مهم این همکاری شیعیان در جریان سوریه و مبارزه با داعش بود که ساخته و پرداخته‌ی استکبار بود. شما ملاحظه می‌کنید که در این جریان نه تنها خود ایران به عنوان گروه‌های مستشاری شرکت می‌کند حزب‌الله لبنان هم وارد صحنه می‌شود، فاطمیون

از افغانستان وارد می‌شوند، زینیون از پاکستان وارد می‌شوند و وقتی که داعش در عراق تسلط پیدا می‌کند حشد و الشعبی به وجود می‌آید و حیدریون به وجود می‌آید. در لبنان انصارالله که نشانه‌ی این هست که این گروه‌ها داوطلبانه و به‌راحتی در جهت یک هدفی که مقابله با استکبار و مقابله با توطئه‌های دشمنان هست حرکت می‌کند که مجموعه‌ی این حرکت و تجربه‌ای که به دست می‌آید به وجود آمدن مکتب مقاومت است که فرماندهی سردار دل‌ها حاج قاسم سلیمانی که همان‌طور که حضرت آقا فرمودند قهرمان جهان اسلام دانست. این مکتب امروز معرفی شده با معیارهای خاصی که سید حسن نصرالله آن را به‌خوبی تبیین کرد و امروز دیگر این چهره‌ی مقاومت به رهبری شیعیان و به رهبری ایران اسلامی و حزب‌الله لبنان دیگر محدود به شیعیان نیست بلکه سایر گروه‌ها حتی ایزدی‌ها، مسیحی‌ها ملحق شدند و ما یک چهره‌ی جهانی مقاومت را شاهد هستیم که به وجود آمده است.

من آنچه می‌خواهم مطرح کنم در مسئله‌ی گفتمان شیعه، معنویت خواهی مسئله‌ی مهمی است که شیعیان داشت استناد کرد، عقلانیت به تعبیر جدید عقلانیت یک زمانی بود که عقلانیت فقط به مفهوم مادی داشت و با حرکت انقلاب اسلامی و حرکت انقلاب اسلامی بیشتر معنوی‌گرایی بود تا ماده و خدا را مجدداً وارد صحنه‌ی سیاست کردند و خداوند را هم به‌عنوان محور و مرکز همه‌ی حرکت‌های انقلاب اسلامی بود و این منجر شد به اینکه معنویت گسترش پیدا کند و علاوه بر این مسئله‌ی وحدت.

دشمنان ما در جهان اسلام دنبال این هستند که تفرقه بیندازد ولی این با پیروزی انقلاب اسلامی این وحدت میان شیعه و سایر فرقه‌های اهل سنت و هر موضوع اختلافی رو تبدیل به وحدت کردند مثل تاریخ‌های مختلفی که برای خلافت پیامبر اعظم مطرح بود که اختلاف داشت. این هفته‌ی وحدت و از طرفی همه‌ی تلاش‌های دشمن برای ایجاد اختلاف و تکیه بر جزئیات اختلاف شیعیان توانستند جایگاه خودشان را در میان برادران اهل سنت و جوامع اسلام به‌عنوان یک مکتب پذیرفته شده در میان آن‌ها به کار ببرند و استفاده کنند.

شیعیان، همچنان با تکیه بر انقلاب اسلامی به‌عنوان برادران جوامع اهل سنت در مسئله تحولات انقلاب آزادی فلسطین از دست سلطه‌گران و ان‌شاءالله سقوط استکبار، در سطح جهانی و منطقه‌ای شاهد خواهیم بود؛ و پیروزی‌هایی که انقلاب اسلامی به دست آوردند علیه استکبار کتابی را تهیه کردم به‌عنوان ابرقدرت منحصربه‌فردی را شکل می‌دهیم که این ابرقدرت منحصربه‌فرد از لحاظ استثنائی بودن بسیار مهم است.

ان‌شاءالله با پیروزی‌هایی که انقلاب اسلامی در آمریکا پیدا کرد در جریان عین الاسد و جریان فرستاده‌ی کشتی‌های نفت‌کش به بیخ گوش آمریکا دریای کارائیب و آمریکا نتوانست هیچ غلطی بکند ما با شاهد فروپاشی آمریکا و پیروزی انقلاب اسلامی و جهان اسلام و همچنین شکست رژیم صهیونیستی خواهیم بود.

*جناب آقای دکتر اسحاقی: تشکر می‌کنیم. دکتر ملکوتیان استاد دانشگاه تهران بحث خود را با عنوان انقلاب اسلامی و تغییر در هندسه‌ی قدرت در منطقه و جهان را مطرح می‌کنند.

انقلاب اسلامی و تغییر در هندسه‌ی قدرت منطقه و جهان

*جناب آقای دکتر ملکوتیان: من این بحث را در دو قسمت به صورت خیلی خلاصه و بیشتر بایستی ما تیرهای موضوعات را مطرح کنیم و همه قابل توضیح است هر کدام از این موضوعات خودش موضوع کلانی است که ما می‌توانیم در مورد آن‌ها صحبت کنیم. در ابتدا در رابطه با رویکرد بیان بازتاب‌های انقلاب اسلامی درس مختصری تحت عنوان ابعاد منحصر به فرد انقلاب اسلامی را خدمت شما به صورت مختصر عرض می‌کنم. ما می‌دانیم در بررسی انقلاب‌ها موضوعات مختلفی مورد توجه قرار می‌گیرد بحث‌های مختلفی که در مقایسه انقلاب‌ها ما داریم که این مقایسه را در شرایط قبل از انقلاب، وضعیت نیروی اجتماعی یا نیروی انقلاب در انقلاب‌ها مقایسه می‌کنند و همچنین تحولات و نتایج انقلاب‌ها آنچه بعد از انقلاب‌ها رخ داده مورد مقایسه قرار می‌دهیم.

یکی از موضوعات کلیدی در بحث انقلاب‌ها که بیشتر جنبه‌ی جامعه‌شناختی هم دارد در واقع وضعیت نیروی انقلابی یا نیروی اجتماعی یک اصطلاحی وجود دارد تحت عنوان نیروی اجتماعی از آن یاد می‌شود که منظور از نیروی اجتماعی سه تا عنصر هست یکی آرمان‌های انقلاب که

اصطلاحاً امروزه تحت عنوان پیروزی انقلاب ایدئولوژی‌های انقلاب از آن یاد می‌شود. دوم نقش رهبران انقلابی هست در مقایسه با رهبران انقلاب‌های مختلف یا انقلاب اسلامی با انقلاب‌های معاصر مورد بررسی قرار می‌گیرد و بحث سوم نقش مردم و عموم مردم در انقلاب و نقش بسیج مردم در انقلاب‌ها و مقایسه‌ای که در بحث حضور مردم در انقلاب‌های اسلامی و انقلاب‌های معاصر انقلاب‌های فرانسه و روسیه و چین و انقلاب‌های دوره‌ی معاصر این مقایسه انجام می‌شود. تمرکز ما در این بحث بسیار خلاصه پیرامون نیروی اجتماعی است نیروی انقلاب؛ یعنی ما می‌توانیم مقایسه‌ای انجام دهیم که در انقلاب اسلامی و بعد از انقلاب و بعد از پیروزی انقلاب تحولاتی که اتفاق افتاده است مقایسه کنید که در انقلاب اسلامی بعد از چهل و دو سال گذشته بعد از پیروزی انقلاب، تحولاتی که اتفاق افتاده مقایسه کنیم با چهل سال بعد از انقلاب فرانسه، روسیه یا انقلاب‌های دیگر مثل انقلاب چین و در این مسئله ما به این سه عنصر توجه می‌کنیم یعنی آرمان‌های انقلابی، رهبری انقلابی و نقش مردم یا بسیج مردمی در انقلاب‌ها.

در قسمت آرمان انقلابی آرمان انقلاب اسلامی منتج از دین مبین اسلام و نه مبتنی بر اومانیزم و ماتریالیسم که مثلاً در انقلاب فرانسه یا روسیه بود که نتیجه‌ی آن آرمان‌ها ایجاد نظام‌های سکولار، نظام سرمایه‌داری در انقلاب فرانسه و استعمار ملل دیگر و بحث استثمار در سطح داخلی و در سطح منطقه‌ای بود. آرمان انقلاب اسلامی دارای اصالت فرهنگی و تاریخی بود.

خیلی خلاصه وارد بحث می‌شویم در واقع این آرمان با قرض‌گیری از ایدئولوژی‌های دیگر به دست نیامده است. در انقلاب روسیه آرمان، کاملاً برون‌زاست و در انقلاب فرانسه هم اصالت ندارد و سومین ویژگی آرمان انقلاب اسلامی، بحث جامعیت است.

جامعیت آرمانی؛ این جامعیت هست که خودش را در بازتاب‌های گسترده بر مسائل و مناطق مختلف به‌خوبی نشانده. در بحث جامعیت خیلی علمی وارد این بحث نشده‌اند یک تأکیدی هست که ما باید به آن توجه کنیم. یکی از علل عقب‌نشینی‌های بسیاری از انقلاب‌ها از آرمان‌های اولیه‌ی خودشان، عدم جامعیت آرمانی بوده و توضیح بدهیم درحالی‌که جامعیت آرمان‌های انقلاب فرانسه و روسیه تک‌بعدی هست در فرانسه روی آزادی تمرکز می‌کند و در روسیه روی برابری اقتصادی بیشتر تمرکز می‌کند. ما آرمان انقلاب اسلامی را جامع می‌بینیم؛ یعنی خواستار تشکیل نظام اسلامی و دینی توجه دارد به استقلال، یعنی سیاست نه شرقی نه غربی به آزادی توجه دارد به برابری و به پیشرفت در علم و فناوری و در همه‌ی جنبه‌ها از سیاست تا اقتصاد توجه دارد. به معنویت و اخلاق توجه دارد، به برادری، کمک به مسلمانان و مستضعفان جهان. این بحث جامعیت آرمانی می‌تواند خودش را در بحث بازتاب انقلاب نشان دهد. بعد که توضیح دهیم بیشتر مشخص خواهد شد که منظور من از تأثیر جامعیت در بازتاب چیست.

نکته‌ی دوم را در بحث رهبری انقلاب اسلامی عرض می‌کنم. حضرت امام تربیت‌شده‌ی مکتب اسلام و همه‌ی اعمال و رفتارشان بر اساس اجرای

تکلیف الهی بود. در واقع رهبری انقلاب اسلامی یک تفاوتی که داشت با تعدادی از انقلاب‌های مطرح جهان، یک رهبری وحدت‌بخش و واحد بود. حضرت امام به دلیل عمق اعتقاد به مبانی اسلامی بسیار قاطع، دوراندیش و دارای اعتماد به نفس بود. همین‌طور در مسیر انقلاب از راهبردهای دقیق پیروی می‌کرد از جمله توجه به نقش مرجعیت عامه در وقوع انقلاب، تربیت شاگردان توانا برای اداره‌ی انقلاب، راهبرد عدم درگیری با نیروهای مسلح و نظامی در زمان انقلاب و بهره‌گیری از همایش‌های عمومی و مسالمت‌آمیز در این رابطه. این راهبردها تأثیر آشکاری بر سرعت در پیروزی انقلاب و تشکیل نظام سیاسی که ضمن آن تحولات داشت.

بعد از پیروزی انقلاب هم امر نظام‌سازی و با آرای مردم با سرعت انجام شد. قانون اساسی جدید ما و نظام مقدس جمهوری اسلامی بر مبنای مردم‌سالاری دینی به سرعت مستقر شد. مجموعه‌ای از نهادهای انقلابی مثل سپاه، جهاد سازندگی، بسیج دادگاه‌های انقلاب و غیره هم‌زمان پدید آمد و امر نظام‌سازی به سرعت انجام شد. خود این بحث که چگونه است که در بعضی از انقلاب‌ها ما دهه‌ها بعد از انقلاب، بی‌ثباتی، درگیری، خشونت، هشدارهای زیادی داریم مثل انقلاب فرانسه. در انقلاب اسلامی ما بعد از حدود یک سال از پیروزی انقلاب اسلامی قانون اساسی نوشته شده به رأی مردم گذاشته شده و نظام دینی مستقر شده و همه‌ی مقامات عالی آن برگزیده شده‌اند در حدود تقریباً یک سال. این به دلیل نقش و ویژگی‌های نیروی اجتماعی در انقلاب اسلامی ایران است. همان‌طور که گفتیم از آرمان

و نقش رهبری انقلاب اسلامی و سپس نقش مردم و بعد از حضرت امام رهبری مدبرانه‌ی رهبر فرزانه‌ی انقلاب باعث هدایت کشتی انقلاب، پیشرفت‌های بزرگ در علم و فن‌آوری و بازتاب‌های گسترده‌ی انقلاب اسلامی در جوامع مختلف شده است. الآن وارد بحث بازتاب می‌شوم.

سومین عامل در بحث نیروی انقلاب و نیروی اجتماعی، بسیج مردمی در انقلاب اسلامی هست همان‌طور که رهبر فرزانه‌ی انقلاب در بیانیه‌ی گام دوم فرمودند انقلاب اسلامی بزرگ‌ترین و مردمی‌ترین انقلاب معاصر است. برخلاف انقلاب‌های فرانسه، روسیه و چین که درصد کمی از مردم در آن‌ها شرکت کردند در انقلاب اسلامی بیشتر نزدیک به همه یعنی جزو وابستگان به رژیم سابق در صحنه‌ی انقلاب حاضر شدند. خواستگاه انقلاب اسلامی همه‌ی اقشار و گروه‌ها بود. انقلاب یک انقلاب فراطبقاتی بود. در تحولات و حوادث بعد از پیروزی انقلاب هم همواره مشکلات پیش آمده با حضور مردم حل شده است. مثل جنگ تحمیلی، مثل فتنه‌ی ۷۸ و ۸۸ و ۹۶ و ۹۸ درحالی‌که حضور مردم در انقلاب‌های فرانسه، روسیه و چین که مورد مثال ما در اینجا هست بسیار کم بوده است. در رابطه با انقلاب روسیه هم گفته شده که شاید حدود ۱ درصد از مردم شرکت کرده‌اند. در انقلاب ۱۹۴۹ چین درحالی‌که چین حدود ۶۰۰ میلیون جمعیت دارد ولی تنها ۵ میلیون را در اختیار دارد و در انقلاب فرانسه میزان شرکت‌کننده کمتر از ده درصد بوده است، ولی ما در نقطه‌ی مقابل آن‌ها حضور مردمی را در انقلاب اسلامی بسیار پررنگ می‌بینیم.

این از نقاط منحصربه‌فرد است که انقلاب اسلامی در تحولات بعدی از جمله بازتاب تأثیر خود را هم به جا گذاشته است. همان‌طور که در ابتدا گفتیم نقش نیروی اجتماعی در همه‌ی مراحل انقلاب نقش برجسته‌ای است. نیروی اجتماعی در انقلاب اسلامی توانست سریعاً نظام وابسته، مستبد، عقب مانده، فاسد و ضددینی پهلوی را به سقوط بکشد و در کمتر از یک سال نظام جدید را بنیاد بگذارد. همان‌طور درحالی‌که در انقلاب فرانسه به دلیل نقایص در نیروی اجتماعی که صحبت می‌کنیم یعنی عدم اصالت آرمانی، تفرق رهبری و حضور اندک مردمی فرانسه دهه‌ها روی آرامش را ندید. در انقلاب اسلامی ما به دلیل اینکه نیروی اجتماعی را متفاوت می‌بینیم از لحاظ بحث جامعه‌شناختی ما ثبات قابل اعتماد را می‌بینیم.

قسمت دوم بحث تحت عنوان انقلاب اسلامی و تغییر در هندسه‌ی قدرت یعنی بازتاب‌های انقلاب اسلامی هست. در بحث بازتاب‌های انقلاب اسلامی ما شاهد بودیم که هم‌زمان با وقوع انقلاب اسلامی و با ادامه‌ی انقلاب بازتاب‌های انقلاب به‌طور گسترده در نقاط مختلف در مکان‌های مختلف قابل مشاهده بود. نویسندگان از حداقل دو موج گسترده‌ی بازتاب انقلاب اسلامی از زمان پیروزی تا به حال صحبت کرده‌اند. البته اصطلاح موج شاید کاملاً در این رابطه دقیق نباشد ولی در نوشته‌ها زیاد مورد استفاده قرار می‌گرفته. موجی که در دهه‌ی ۱۳۶۰ یعنی ۱۹۸۰ میلادی و موجی که در دهه‌ی ۹۰ یعنی از سال ۲۰۱۱ میلادی در مناطق مختلف جهان تا حالا صورت گرفته ما این دو موج را به‌صورت آشکار دیدیم و مطمئناً اگر

براساس بحث موج صحبت کنیم موج‌های جدید در راه است به‌علاوه‌ی تأثیر انقلاب اسلامی بر جنبش‌های اسلامی در منطقه و جهان، تأثیرات وسیعی هم بر سایر موضوعات صورت گرفته است. الهیات رهایی‌بخش در آمریکای لاتین، استقلال‌طلبی در جهان از جمله آمریکای لاتین، تأثیر بر نظریه‌های سیاسی، نظریه‌های انقلاب و نظریه‌های روابط بین‌الملل تأثیر بر سازمان‌های بین‌المللی و تأثیر بر دولت‌ها و نخبگان که مثال‌های آن را در فرصتی دیگر می‌شود توضیح داد؛ و نهایتاً گسترش اسلام در جهان به‌ویژه تشیع. ما در میان این تأثیراتی که اینجا نام بردیم ما پنج‌تأثیر را ملموس‌تر می‌توانیم بینیم خیلی آشکارا با نگاهی به وضعیت جهان در سال ۱۳۵۷ و وضعیت فعلی در سطح منطقه و جهان ما این پنج‌تأثیر را هر کسی آشکارا می‌تواند تائید کند و ببیند. تأثیرات خیلی بیشتر از این‌ها است.

تأثیر اول فروپاشی بلوک شرق مارکسیست؛ یعنی فروپاشی نظام دوقطبی موجود در آن زمان و آشکار شدن نشانه‌های افول غرب و آمریکا. این تأثیری است که آشکارا دیده می‌شود. پیش‌بینی حضرت امام در مورد سقوط اندیشه‌ی مارکسیستی به وقوع پیوست. انقلاب اسلامی در دسته‌ی دلایل فروپاشی نظام جهانی قرار گرفت. حداقل سه دلیل در این رابطه وجود دارد:

۱. سقوط احزاب مارکسیستی که در کشورهای مختلف جای پای روس‌ها بودند مثل کشور خودمان حزب توده از این نوع احزاب در کشورهای مختلف پراکنده بودند. با پیروزی انقلاب اسلامی آرام آرام جای پای نفوذ روس‌ها از طریق این احزاب با تحریفی که در چهره‌ی احزاب رخ داد یا

آن احزاب رفتند یا ضعیف شدند و یا احزاب اسلام‌گرا پدید آمدند و جای پای آن‌ها ضعیف شد.

۲. تأثیر انقلاب اسلامی بر جمهوری‌های آزادی‌خواه مرکزی شوری سابق که مسلمان‌نشین بودند. جمهوری‌های آسیای مرکزی پنج‌تا بودند که الآن به پنج کشور تقسیم شدند. بحث استقلال‌طلبی در آن‌ها و بعد بحث اسلام‌گرایی در هر دو تأثیر گذاشت که یکی از تأثیرات انقلاب اسلامی بود و زمینه‌های تغییرات در اتحاد شوروی را فراهم کرد.

۳. سومین دلیل در رابطه با اینکه جمهوری اسلامی در دست فروپاشی نظام دوقطبی و نظام شوروی و شرق هست عبارت است از شکست روس‌ها در افغانستان. اصلاً در بحث‌های تاریخی خیلی مطرح می‌شود که روس‌ها هرگاه در جنگی شکست می‌خورند فروپاشی بزرگ‌تری در آنجا رخ می‌دهد به‌عنوان مثال می‌گویند وقتی روس‌ها در سال ۱۹۰۴ اواخر ۴ و اوایل ۵ از ژاپن که کشوری کوچک است شکست خوردند باعث انقلاب ۱۹۰۵ در روسیه شد البته انقلاب ناتمام ماند و انقلاب بعدها شکست خورد ولی در آن مرحله پیروز شده بود. یا اینکه وقتی روس‌ها وارد جنگ جهانی اول شدند در ابتدا خیلی قوی می‌نمودند خیلی هم پیشرفت داشتند اما بعداً جزء دولت‌های شکست خورده در جنگ جهانی اول بودند و این شکست زمینه‌های انقلاب ۱۹۱۷ که در روسیه رخ داد. یکی از دلایل اصلی همین شکست روس‌ها بود و انقلاب صورت گرفت. این بار روس‌ها از مجاهدین افغان شکست سختی خوردند و ما یعنی انقلاب اسلامی ایران می‌شود گفت

بزرگ‌ترین کمک‌کننده به مجاهدین افغانستان بودیم. گروه‌های هفت‌گانه‌ی اهل تسنن و هشت‌گانه‌ی شیعه که در تهران دفتر داشتند و از کمک‌های ایران به‌طور کامل برخوردار بودند تا پایان جنگ و یکی از دلایل پیروزی مجاهدین افغان و مداخله‌ی روسیه عبارت بود از کمک‌هایی که انقلاب اسلامی ایران به آن‌ها داشت.

نکته‌ای که در اینجا باید توضیح دهیم برخلاف انتظار غربی‌ها نظام تک‌قطبی که آن‌ها خواستار آن بودند که بعد از اتحاد شوروی ایجاد کنند نیامد. آن‌ها تلاش‌هایی که در زمان جورج بوش کردند یادمان هست که چقدر تلاش می‌کردند و نظم نوین جهانی مطرح می‌کردند این بحث‌ها یک نظام سلسله‌مراتبی که آمریکا بالا باشد و تک‌قطبی باشد و بقیه هم مثل بردگان در پایان آن قرار بگیرند چون چیزی اتفاق نیفتاد. یکی از دلایل این امر در واقع حضور چالشگران قدرتمند از جمله انقلاب اسلامی ایران در صحنه‌ی جهانی بود.

امروزه هم هرچه زمان می‌گذرد ما نشانه‌های بیشتری از افول غرب و آمریکا می‌بینیم. این افول را می‌توانیم در زمینه‌های فکری فلسفی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و در زمینه‌های مختلف ردیابی کنیم. ۱. فروپاشی نظام دوقطبی به‌عنوان موارد بازتاب انقلاب اسلامی و موارد ملموسی که دقیقاً قابل مشاهده است. ۲. تشکیل محور مقاومت ضد صهیونیستی در منطقه که در اینجا باید از بازتاب‌های انقلاب اسلامی در حزب‌الله لبنان (پیروزی در نبرد سی‌وسه روزه توسط حزب‌الله، بازتاب

انقلاب اسلامی بر فرانسه و فلسطین) پیروزی‌هایی که فلسطینی‌ها به دست آوردند: (جنگ بیست و دو روزه، جنگ هشت روزه، جنگ پنجاه و یک روزه) این پیروزی‌ها را باید از آن‌ها یاد کرد. بازتاب انقلاب اسلامی بر شمال آفریقا هر دو موجی را که گفتیم شامل می‌شود آن زمانی که انور سادات شروع شد و تحولات مربوط به جنبش‌النهزه در شمال آفریقا و جنبش نجات‌الجزایر و انقلاب‌های ۱۹۹۰ را ۲۰۱۱ و ۱۳۹۰ را شامل می‌شود.

تشکیل جبهه‌ی مقاومت درواقع قدرت انقلاب اسلامی بود بر یک جغرافیایی از سواحل مدیترانه تا سواحل دریای سرخ (یمن) را دربر می‌گیرد و غربی‌ها، آمریکایی‌ها، صهیونیست‌ها، عرب‌ها آرام ننشستند، شروع کردند به کارهای ایزایی چون آینده را در خطر می‌دیدند بنابراین تشکیل داعش بود در سوریه، لبنان و عراق بحث داعش را ایجاد کردند و ما بعد از پیروزی بر داعش را داشتیم که درواقع یک جنگی یک نبردی در صحنه‌ی جهانی بود به این دلیل اشاره می‌کنم که جنگ‌های بزرگ همیشه نتایج آن‌ها تأثیرات بزرگی به جا خواهد گذاشت و یکی از نکاتی که اینجا باید توجه داشته باشیم آمریکایی‌ها همچنان در سوریه در کردستان سوریه حضور دارند این‌ها به این منظور هست که می‌دانند اگر از منطقه خارج بشوند نتیجه‌ای که بر کل منطقه به جای خواهد گذاشت منافع آن‌ها را به شدت تهدید خواهد کرد به همین دلیل از خارج شدن از این منطقه ابا دارند. البته از همین حالا مشخص است که این‌ها مجبور به خروج خواهند شد و پیروزی‌ها درجمله.

*جناب آقای دکتر اسحاقی: البته حضورشان در منطقه نکته‌ی مثبتی دارد که پهنه‌ای می‌دهد به جبهه‌ی مقاومت که ضربه بزنند و هیمنه‌ی آنها را از بین ببرند. چه در سوریه چه در یمن و کل منطقه.

*جناب آقای دکتر ملکوتیان: بله. و تلاش‌های اخیر که انجام دادند برای ضربه زدن به جبهه‌ی مقاومت است. تلاش‌هایی که در لبنان انجام دادند، تلاش‌هایی که در عراق انجام دادند و بحث‌های مربوط به عادی کردن رژیم روابط صهیونیستی با کشورهای عربی و همه‌ی این‌ها برای ضربه زدن به جبهه‌ی مقاومت است. ۳. سومین بازتاب انقلاب اسلامی قدرتمند شدن ایران و ظهور ایران قدرتمند است و آشکارا این مسئله‌ی قدرت چه از لحاظ سخت‌افزاری چه از لحاظ نرم‌افزاری یعنی الگو شدن. دو مورد دیگر که در بازتاب انقلاب اسلامی که بر روابط بین‌الملل نظریه‌های روابط بین‌الملل و نظریه‌های انقلاب نسل سوم نظریه‌های انقلاب به نسل چهارم تبدیل شده که نقش عقیده، آرمان، رهبری مورد تأکید است و انقلاب اسلامی توانسته مفروض‌های اصلی نظریه‌ی واقع‌گرایی لیبرالی، مکتب انگلیسی، ساده‌انگاری و مکتب فرانکفورت را ضربه بزند که آثاری وجود دارد و پنجمین مورد بازتاب انقلاب اسلامی بر استقلال‌طلبی در جهان است. در آمریکای لاتین خود را در شکل الهیات روان‌بخش نشان می‌دهد ولی با طرح شعار نه غربی نه شرقی و همین‌طور حفاظت از استقلال در انقلاب

اسلامی، انقلاب اسلامی الگویی برای بسیاری از ملت‌ها شده است. مثلاً در زمینه‌ی اقتصادی همین آمریکای لاتین بعضی‌ها در ده پانزده سال گذشته صدها میلیارد دلار به غربی‌ها به آمریکایی‌ها بدهکارند امروزه قضیه برعکس شده است. یعنی استقلال باعث شده که آن‌ها طلبکار باشند.

***جناب آقای دکتر اسحاقی:** بسیار متشکریم. جناب آقای پاک آیین از سفرای پرسابقه جمهوری اسلامی در کشورهای مختلف هستند که هم بازتاب‌ها را در کشورهای دیگر دیدند و هم در انتقال فرهنگ تلاش داشتند. ایشان مسئولیت معاونت بین‌الملل را داشتند و ما کماکان در محضر و خدمتشان هستیم.

ایجاد امید به آینده در نسل‌های جوان داخل و خارج از کشور

جناب آقای پاک آیین: عنوان بحث بنده تأثیرگذاری انقلاب بر روی جوانان در داخل و خارج است. با توجه به محدودیت وقت، من داخل را که خیلی در ارتباط با آن صحبت شده فاکتور می‌گیرم و اگر لازم شد در وقت دیگری صحبت می‌کنم؛ اما در ارتباط با تأثیرگذاری بر جوانان و به صحنه آوردن آن‌ها در خارج از کشور نکاتی را به‌عنوان نمونه سه نکته را عرض می‌کنم. همین‌طور که اشاره شد انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان یک پدیده‌ی نوین در نظام بین‌الملل باعث شد که توجه دنیا به این انقلاب جلب شود. علت این پدیده بودن این بود که در دوره‌ای که دین در انزوا قرار گرفته بود و در

مقطعی که در شرق عالم دین افیون ملتها بود و در غرب عالم دین به‌عنوان یک عامل توضیح ظلم استکبار و سلطه‌گران از سوی کلیسا مطرح می‌شد یک انقلابی ایجاد شد به نام انقلاب اسلامی که داعیه‌ی حکمرانی داشت و داعیه‌ی به چالش کشیدن ابرقدرت‌ها در منطقه و در جهان؛ و در این دوره جوانان مسلمان، بسیار علاقه‌مند بودند حرکت‌هایی را در جهان انجام دهند اما الگویی نداشتند. الگوی جوانان مسلمان ما در آن مقطع، کشورهای کمونیستی بودند که یا انقلاب کوبا را دنبال می‌کردند؛ چگوارا یا کاسترو الگوی جوانان ما بوده یا نهایتاً در الجزایر به دنبال پاشا بودند یا کسانی که در انقلاب الجزایر بودند که آن‌ها هم الهام گرفته از سوسیالیسم موضوع را مطرح می‌کردند. انقلاب اسلامی ایران باعث شد که یک اسلام احیا شود و جوانان مسلمان دنیا بتوانند خود را در عرصه و صحنه‌ی مبارزه نشان دهند.

من سه نمونه را عرض می‌کنم. نمونه‌ی اول بحث فلسطین است که ما با شعار امروز ایران فردا فلسطین انقلاب را شروع کردیم بعد سفارت اسرائیل را تعطیل کردیم دفتر فلسطین را در اینجا باز کردیم و این باعث شد که جوانان به صحنه بیایند. در آن مقطع وضعیت چگونه بود؟ بیشتر بزرگان فلسطین مسن بودند و نوعی محافظه‌کاری بر آن‌ها حاکم شده بود که دلایلش را فرمودند همان گروه‌های نه‌گانه؛ درحالی‌که خود آقای یاسر عرفات که خدا رحمتشان کند اعتقاد داشت به انقلاب مسلحانه در مقطعی و حتی یک شعاری داشت ایشان که مکتب من تفنگ من است که زیر

عکس‌هایش هم معمولاً می‌نوشتند؛ و من در نامیویا ایشان را دیدم در سالگرد استقلال نامیویا در سال ۱۳۷۰ ایشان با همان کلت آمدند در شهر جایی که شاید حدود سی چهل رئیس‌جمهور هم بودند و کلت را از کمر باز نکرد که نشان‌دهنده‌ی علاقه به مبارزه‌ی مسلحانه بود اما واقعیت‌های صحنه طوری جریان پیدا کرد با دخالت‌های آمریکا و اروپا در جهت منافع رژیم صهیونیستی که نهایتاً این‌ها از مسیر کم دیوید به دنبال دست‌یابی به آزادی فلسطین شدند و از طریق مذاکرات مسکو که در جهت تثبیت مواضع اسرائیل بود. در این زمان جوانان فلسطینی شکل می‌گیرند. سازمان جهاد اسلامی را شما ببینید علی شقوقی شهید متولد ۱۹۵۱ یعنی در زمان انقلاب ۲۸ ساله بودند ایشان می‌آیند جوانان را بسیج می‌کنند این جوانان قبلاً در امتداد اخوان المسلمین فعالیت می‌کردند به صورت انجمن‌های فرهنگی و اجتماعی انگیزه‌های مسلحانه داشتند اما به کار گرفته نمی‌شد از طریق بزرگان فلسطین این‌ها می‌آیند و خودشان یک نهاد نظامی را تشکیل می‌دهند. به‌طور جدی و تأثیرگذار وارد مبارزه با اسرائیل می‌شوند و امروز به‌عنوان یک نهاد تأثیرگذار هستند و فعالیت می‌کنند.

علی شقوقی گفت: پیروزی ما در گرو پیروی از رهبری حضرت امام خمینی^(ره) است که این مشخص می‌کند تأثیرگذاری انقلاب اسلامی بر مسئله‌ی فلسطین و مسیری که منجر به پیروزی علیه اسرائیل و همچنین نقش جوان می‌شود. انتفاضه‌ی اول را اسرائیلی‌ها با ترفندی که داشتند مهار کردند اما بعد از انقلاب اسلامی ما شاهد این هستیم که مردم به صحنه

آمدند جوانان و نوجوانان. عمده‌ی کسانی که ما می‌بینیم جوانان و نوجوانان هستند و این‌ها می‌آیند عکس حضرت امام را به مسجدالاقصی در جلوی چشمان سربازان اسرائیل می‌چسبانند و به صحنه می‌آیند و شما هر جا را نگاه می‌کنید جوان می‌بینید دختر و پسر.

شما حماس را ببینید آقای خالد مشعر در زمان انقلاب بیست‌وسه ساله بوده سال ۱۹۵۶ متولد می‌شود رئیس دفتر سی‌وسه جنبش اسلامی حماس آقای اسماعیل هنیه از آن جوان‌تر بوده متولد ۱۹۶۳ بوده و زیر ۲۰ سال بوده؛ این‌ها به صحنه می‌آیند و جنبش مقاومت اسلامی فلسطین را که امروز در واقع دولت قانونی در فلسطین هست که حالا مقرش در غزه هست می‌آید و چنگ در چنگ آمریکا انداخته و کاملاً در مقابل رژیم صهیونیستی ایستاده است. یا حزب‌الله را می‌بینیم در لبنان که متکی بر جوانان پرشور بود و تأثیرگذارترین محوری هست که ما در جهان اسلام و تشیع می‌بینیم در لبنان و موفق شد در سال بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، اسرائیل حمله کرد به لبنان و این حزب‌الله بود که جلوی آن‌ها ایستاد و از آن روز به بعد علیرغم اینکه از سال ۱۹۶۰ به صورت فرهنگی و اجتماعی با تاکید بر معارف اسلامی در صحنه بودند ولی تبدیل می‌شوند به یک نیروی مقاومت مبارز و طوری که اسرائیل را کاملاً محو بکنند.

مطلب دوم افغانستان است که ما کمتر درباره‌ی افغانستان صحبت کردیم. ده ماه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی آقای کارمل که یک فرد کمونیستی است زیر پرچم افغانستان بوده می‌آید و شوروی را به ورود به افغانستان

دعوت می‌کند. افغانستان اشغال می‌شود توسط شوروی و شوروی در آن زمان با اینکه می‌دانسته ایران در جنگ تحمیلی درگیر است تلاش می‌کند که ایران را به طرف خود متمایل کند حتی به ایران می‌گوید که من آماده هستم که سلاح‌ها و موشک‌های دوربرد را به عراق ندهم اما امام نمی‌پذیرد و آن برخورد را با سفیر شوروی می‌کند که شما مطلع هستید و می‌فرمایند شما از اینجا خارج شوید که اگر از اینجا خارج نشوید شکست می‌خورید. این امید را در دل جوانان ایجاد می‌کند. هسته‌های مجاهدین در افغانستان شروع به کار می‌کنند. احمدشاه مسعود متولد ۱۳۳۲؛ یعنی در آن زمان ۲۹ سالش بوده. ایشان به‌عنوان یک جوان جوانان دیگری را با تأثیرپذیری از انقلاب اسلامی جمع می‌کند می‌رود به خوزستان و بعد تا پنج‌شیر می‌آید و سه سال به‌طور جدی مبارزه می‌کند با ارتش سرخ شوروی و بعد ارتش سرخ شوروی متقاعد می‌شود که با مسعود مذاکره کند و او دو سال به‌عنوان یک رهبر نظامی و یک دیپلمات انقلابی با مقامات و ژنرال‌های شوروی مذاکره می‌کند و در نهایت باعث می‌شود که همین مبارزه و دیگران که عرض می‌کنم این‌ها باعث می‌شوند که شوروی ترک کند. مزاری ۳۵ ساله بود رئیس وحدت اسلامی سوی شیعیان می‌آیند و با الهام از ایران و انقلاب اسلامی محمد کریم خلیلی و برهان‌الدین ربانی که از همه‌ی آن‌ها پیرتر بوده در آن زمان ۳۹ ساله بود؛ این تأثیرپذیری جوان‌ها را ببینید. عبدالرشید ۲۸ ساله بود در زمان انقلاب وارد مبارزه می‌شود با شوروی و این هم در مسئله‌ی افغانستان کاملاً تأثیرپذیری او را می‌بینیم.

اما فوری‌ترین اثر انقلاب اسلامی در جنوب آفریقا بود علیه آپارتایت که کمتر به این موضوع توجه شده. جمهوری اسلامی ایران سفارت آفریقای جنوبی در ایران را می‌بندد درحالی‌که تا آن زمان یکی از فروشندگان نفت به اسرائیل و آفریقای جنوبی بود و موتور جنگ آفریقای جنوبی با نفت ایران روشن می‌شده و تغذیه می‌شده و سیاهان را می‌زنند و حمایت ایران از جبهه‌ی مقاومت کشورهای زامبیا، تانزانیا، زیمباوه، آنگولا و بعد حمایت از آزادی مصر و ماندلا و حمایت از آزادی و استقلال نامیویا. نامیویا در آن زمان مستعمره‌ی آفریقای جنوبی بود. آقای سامو وقتی که مستقل می‌شوند با هواپیمای ایران ایر به وینکوک می‌آورند و در آن مراسم با سردار وحیدی فرماندهی سپاه قدس شرکت می‌کنند. این نشان‌دهنده‌ی این است که ما از همان روزهای اول انقلاب واقعاً نه در شعار بلکه در عمل به دنبال حمایت از مستضعفان و مظلومان جهان بودیم و من در مراسم استقلال نامیویا در کنار آقای وحیدی خدمتشان بودیم و همه به ما نگاه می‌کردند.

وقتی که پرچم آفریقای جنوبی پایین آمد و پرچم نامیویا رفت پایین همه به این‌ها می‌کردند که این ایران هست که باعث پیروزی انقلاب شده چون مقام معظم رهبری وقتی که در ایالت زیمباوه شرکت می‌کنند در آنجا یک هیئتی را به آفریقای جنوبی می‌فرستند و در زندان با ماندلا ملاقات می‌کنند. در زیمباوه درحالی‌که آفریقای جنوبی اسیر آپارتایت است ولی این توجه را ایشان در زمان ریاست جمهوری دارند. این‌ها همه تأثیرپذیری هست از انقلاب اسلامی و ما می‌بینیم نماینده‌ی جوان ای ان سی ماندلا رئیس دفتر

بود می‌شود وزیر خارجه‌ی آفریقای جنوبی آپارتایت؛ یا رئیس دفتر سواپو که یک جوان بود می‌شود نخست‌وزیر نامیویا که این قدر دوستان ایران بودند با کمک ایران روی کار آمدند.

نقش جوانان؛ پیروزی علیه آپارتایت مسلحانه انجام نشد بلکه با حضور پرشور مردم در صحنه و این باعث شد که جامعه‌ی بین‌الملل نهایتاً بپذیرد که آپارتایت باید برود و نقش جوانان در این مسئله بسیار مهم بود یعنی همان‌گونه که انقلاب اسلامی ایران با حداقل خون‌ریزی به پیروزی رسید در آفریقای جنوبی شاهد بودیم که این‌گونه بود و این ایران بود و حضرت امام که پشت این قضیه بودند و بعد هم این منجر شد به استبداد نامیویا. حالا ببینید این چقدر جالب است که روز ۲۲ بهمن آقای ماندلا از زندان آزاد شد سال ۱۳۶۹ و روز اول عید یعنی ۲۱ مارس نامیویا مستقل شد یعنی دو روزی که برای ایران جشن هست همان روز آزادی ماندلا بود و هم روز استقلال نامیویا. در نیجریه نگاه کنید نقش جوانان را کشوری که فاقد شیعه بود و الآن بیش از ۲ میلیون شیعه دارد با حضور جوانان و در آسیای مرکزی. در مجموع انقلاب اسلامی ایران در کنار احیای اسلام جوانان را به صحنه‌ی مبارزه وارد کرد در همه‌ی اماکن در آفریقا، آمریکای لاتین و... اشاره کردم. امیدواریم که به همین روال ما بتوانیم آینده‌ی خوبی را برای جهان رقم بزنیم و ان‌شاءالله در مسیر تمدن نوین اسلامی که همان طلیعه‌ی ظهور است حرکت کنیم.

*جناب آقای دکتر اسحاقی: آقای پاک آیین کدهای سریعی را اشاره کردند که ما به صورت پراکنده می‌دانستیم و بعضی از آن‌ها را نمی‌دانستیم و این انرژی موجود ان‌شاءالله در گام دوم بتواند برای امت اسلامی وحدت اسلامی و ان‌شاءالله به سمت تمدن نوین اسلامی را رقم بزند و انتم الاعلون را شاهد باشیم البته ان کتتم مومنین وگرنه خداوند به هرکسی این پیروزی‌ها و تسلط‌ها را نمی‌دهد حتماً از مسیر خودش به سنت‌های الهی است ان‌شاءالله. در خدمت آقای ماجد غماص هستیم نماینده‌ی مجلس اعلای عراق در تهران ایشان تأثیرات انقلاب اسلامی در عراق را مطرح می‌کنند.

بازتاب انقلاب اسلامی در کشور عراق

جناب آقای ماجد غماص: در مورد تأثیر انقلاب اسلامی ایران در عراق باید ما پیشینه‌ای داشته باشیم در بیان بعضی مسائل مربوط به عراق و خصوصیت کشور عراق. در مورد پیشینه، در صدسال اخیر یا بیشتر یک حرکت‌هایی در عراق پیش آمد نهضت‌ها یا مقاومت‌ها که یکی از نمادهای اشتراک دو ملت ایران و عراق محسوب می‌شود. حرکت جهاد علیه انگلیس در سال ۱۹۱۴ بود. مردم عراق شروع کردند به مقاومت استعمار انگلیس از نقطه‌ی فاو گرفته تا رسیدن به بغداد. این‌ها همراه بودند با علمای نجف که اکثرشان ایرانی بودند و طلبه‌های نجف و علمای عراقی و همچنین عشایر عراق که یک نقطه‌ی واحدی بودند و توانستند خسارت بسیار زیادی به استعمارگران انگلیس وارد کنند؛ و مسئله‌ی دیگر مسئله‌ی انقلاب ۱۹۲۰ که

تقریباً همین همکاری هم بود و احساس می‌شد در آن زمان وحدتی بین دو ملت در آن زمان جاری شده و قبل از آن تأثیرگذاری مشترکی هم بود. از زمان مشروطه بعضی از علمای نجف در مسئله‌ی مشروطیت تأثیرگذار بودند و این مسئله تا مدتی استمرار پیدا کرد تا مرجعیت سید ابوالحسن اصفهانی. بعد از این مرجعیت سید محسن حکیم که یک مرجعیت بود و توانسته جوانان و مردم زیادی را به سمت خود در حرکتش به سمت آن‌هایی که به‌نوعی طایفه گری در عراق ایجاد کردند؛ اما مسئله‌ی دهه‌ی هفتاد میلادی یک دهه‌ای است که خصوصیات ویژه‌ای در این مسئله داشته است. بعد از فوت آیت‌الله محسن حکیم، آیت‌الله خویی بود ولی یک مرجعیت جوانی در صحنه آمدند و آن آیت‌الله‌العظمی شیخ سید محمدباقر صدر که توانستند طلبه و نمایندگان جوانی را بیاورند به مناطق مختلف عراق و همچنین جوان‌های عراقی را به سمت خود جمع کرد. این یک زمینه‌ی بسیار مستعدی برای قبول انقلاب اسلامی بود که در ایران در سال ۷۸ شروع شد. یک سال قبل از شروع تظاهرات در ایران یک کمیته‌ای به وجود آمده که کمتر به آن اشاره شده و این مربوط به یک مشترک بزرگ است که وجود دارد بین دو ملت که همان مسئله‌ی نهضت امام حسین و عاشورا و اربعین که در سال ۱۹۷۷ یک تظاهراتی بود که رژیم صدام سعی کرد آن‌ها را از شروع به پیاده‌روی اربعین منع کنند و این‌ها اصرار کردند و رفتند. شهید صدر، شهید محمدباقر را برای پشتیبانی از این تظاهرکنندگان فرستاد که ما به روزهای سالگرد شهادتشان نزدیک هستیم. رژیم تقریباً یازده حداقل هزار

نفر دستگیر کرد و حکم اعدام برای چند نفر از فرماندهان و رهبران این تظاهرات بود و به حبس ابد محکوم شد.

این مسئله زمینه‌ساز بسیار بزرگی بود برای تفقد و همراهی مردم عراق و آدم‌های متدین و مؤمن برای انقلاب اسلامی ایران و ما جوان بودیم تقریباً هفده هجده ساله بودیم جزئیات انقلاب و تظاهرات مردم ایران متأسفانه فقط از طریق بعضی رادیوهای بیگانه رادیو، رادیو صدای آمریکا، بی بی سی در خانه‌ها جمع می‌شدیم و جریانات انقلاب اسلامی را پیگیری می‌کردیم. یادم است روزهای نخستین تقریباً اخبار منقطع شده بود و یک حالت مبهم یک حالت لیبرالی ایجاد کرده بود این انقلاب پیروز شد و در میان مردم عراق معتقد بودند که یک جنبشی باعث شد جوانان عراق همراه با انقلاب اسلامی شوند. یک باوری که حضرت امام داشتند اینکه در زمانی که حرکت‌های مقاومت و حرکت‌های انقلابی فقط یک زبیتی وجود داشت اینکه فقط چپ‌گرایان می‌توانند مردم را تحریک کنند اما حرکت حضرت امام این ذهنیت تغییر کرد و توانسته جایگاه بالایی را در جوانان عراقی ایجاد کند. حتی ما با هم عهد و پیمان بستیم که یک حرکتی انجام دهیم حتی مسلحانه غیر از تظاهرات و تجمعاتی که به وجود آمده بود. در این بین پیروزی انقلاب تا جنگ تحمیلی یک مدتی خیلی حساس بود چند تا کار صورت گرفت که این تظاهراتی که علیه رژیم به خاطر دستگیری شهید صدر و البته محرک هم شهید بنت‌الهدی بود. طلبه‌ها و مومنین در نجف تجمع کردند و تظاهرات کردند البته باعث سرکوب شدید رژیم شد.

نکته‌ی دوم اعدام ده‌ها نفر از وابستگان به تشکیلات اسلامی ایران چه در بغداد چه در جاهای دیگر و اقداماتی مانند آن در دستگیری‌های بسیار وسیعی به‌وسیله‌ی رژیم انجام داد و این به خاطر این بود که آن‌ها اعلام کردند که ما دیوان انقلاب اسلامی هستیم و انقلاب خواهیم کرد؛ و همچنین مسئله‌ی رانده کردن عده‌ی زیادی از عراقی‌ها به اتهام تبعیت ایرانی صدها هزار نفر خارج کردند به جمهوری اسلامی و در آخر بزرگ‌ترین جنایتی که انجام دادند مسئله‌ی شهادت سید محمدباقر صدر که باعث شد ضربه‌ی بزرگی به رهبری مبارزات مردم عراق علیه رژیم وارد شود.

مواضع شیخ صدر این مورد بسیار روشن و واضح بود در مورد پشتیبانی از انقلاب اسلامی. این کلمه‌ی بسیار واضح ایشان بود که گفت ذوبو فی امام الخمينی کما ذوبو فی الاسلام در امام خمینی ذوب شوید همان‌گونه که ایشان در اسلام ذوب شده است و یک اظهار دیگر داشتند که من آرزو دارم امام جماعت یک دهی در جمهوری اسلامی باشم و با مرجعیت ایشان اعلام پشتیبانی و وفاداری به انقلاب اسلامی. حضرت امام و ایشان هم یک نوشته‌ای دارند که شما اطلاع دارید در مورد قانون اساسی جمهوری اسلامی در این مورد نوشته که این باعث شد کل جهان متوجه بشود که جهان استکباری، عراق در خطر تغییر ماهیت و رجوع به اصلش که اکثریت مردمش شیعیان هستند و این‌ها به‌طور خیلی سریع دارند به سمت همگامی و همراهی با انقلاب اسلامی ایران می‌روند.

مسائل زیادی در این مورد وجود دارد ولی خوب ما باید به مسئله‌ی رهبری آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای را اشاره بکنیم. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در مورد عراق نگاه خاصی داشتند نسبت به ملت عراق داشتند و دارند. بارها من خودم از ایشان شنیدم اینکه عراق پتانسیل بسیار زیادی دارد در مورد پیشرفت و مبارزه و وجودش در محور مقاومت وجود اساسی بود و ایشان اشاره کردند که پیشینه‌ی فرهنگی و پیشینه‌ی اعتقادات مردمی که وجود دارد البته باید اشاره می‌کردم که مسئله‌ی مشترکاتی که وجود دارد یک تأثیر بسیار زیادی وجود دارد در مورد ایجاد یک هماهنگی و همراهی بین دو ملت و تأثیر انقلاب اسلامی یعنی استمرار انقلاب در چهل و دو سال وجود دارد.

جمهوری اسلامی ایران بعد از انقلاب با رهبری حضرت آقا، بزرگ‌ترین پشتیبان مبارزات ملت عراق در این چند دهه‌ی اخیر بوده است از زمانی که مجاهدان عراقی در حرکت‌های مسلحانه علیه رژیم و موسسه‌های رژیم پشتیبانی بسیار زیادی داشتند کسانی که در عراق و شهرهای مختلف عراق حرکت می‌کردند البته حرکت‌های خودجوش بودند ولی با پشتیبانی‌های جمهوری اسلامی حرکتشان بسیار وسیع‌تر شده و همچنین پشتیبانی‌های سیاسی بعد از سقوط رژیم صدام، شاید تنها کشور جمهوری اسلامی ایران بود. چندی رئیس‌جمهور رفتند آنجا درحالی‌که هیچ‌کس حاضر نبود و یا می‌ترسیدند از لحاظ وضعیت امنیتی که بود. روسای جمهوری اسلامی ایران رفتند و با مسئولان و وزرای مختلف دیدار داشتند.

ولی نقطه‌ی تحولی که در این مسئله موردنظر است وجود شهید بزرگوار حاج قاسم سلیمانی تأثیرگذاری خیلی زیادی داشتند و شخصیت ایشان باعث شد ملت عراق چه شیعه چه سنی و چه کرد مجذوب حرکت ایشان با استناد به مبانی انقلاب اسلامی و رهنمودهای حضرت امام شدند و توانستند هماهنگی و همدلی بین جمهوری اسلامی ایران و ملت عراق ایجاد کنند و این در جنگ داعش نمایان شد که ایشان با منش‌هایی که اتخاذ کردند توانستند در دل برادران اهل تسنن در مناطق موصل، الانوار، فلوجه و صلاح‌الدین و مناطق مختلف به دست بیاورند و با مسیحیان و مناطقی که توسط داعش اشغال شده و مسیحیان و ایزدی‌ان توانست آن‌ها را جذب خودشان کند و این‌ها خودشان اعلام کردند و البته با کرد‌ها و آقای قازانی گفته که ایران ما را از داعش نجات داد و به شخص قاسم سلیمانی اشاره کردند.

عراق الآن به خاطر این وفاداری و پشتیبانی در محور مقاومت زیر فشار زیادی از سوی آمریکا، اسرائیل و بعضی از کشورهای منطقه امارات یک جنگ نرمی زیر این تأثیرات به سر می‌بریم و این‌ها توانستند با پول‌های کلانی که پخش می‌کردند عده‌ای ضعیف‌الحال را به خود جذب کنند تا بتوانند این شکاف را بین ملت‌های عراق و ایران ایجاد کنند. البته با جواب دندان‌شکن مردم عراق که ما دیدیم یک تظاهراتی یک سال پیش در ساحت تحقیق سه میلیون نفر در تظاهرات شرکت کردند و از مردم عراق که این‌ها پشتیبان محور مقاومت هستند و خواهان خروج آمریکایی‌ها از عراق بودند

و همچنین تشیع شهید حاج قاسم سلیمانی و ابومهدی المهندس یکی از نمادهای این تلاقی و انسجام بین دو ملت است البته الآن ما با یک چالشی روبه‌رو هستیم و کارهای بسیار سختی در پیش داریم برای محافظت از این روابط و باید بیشتر تلاش بکنیم.

مسئله‌ی ارتباطات اجتماعی بین دو ملت که باید به آن اشاره کرد که پتانسیل بسیار زیادی وجود دارد و زیاد از آن استفاده نشده مسئله‌ی اربعین است که الآن به خاطر کرونا محروم بودیم اما در آینده باید به آن توجه کرد. مسئله‌ی اربعین مسئله‌ی زیارت عتبات ورود زائران جمهوری اسلامی به عراق و همچنین این خون‌هایی که مشترکا ریخته شده در عراق بین ایرانیان و عراقی‌ها. مستشاران ایرانی نقششان غیر از نقش نظامی نقش اجتماعی هم داشتند و روابط بسیار خوبی داشتند ولی این کافی نیست باید به سمت خانواده‌ها برویم به سمت خانواده‌های شهدا و مجروحین؛ این‌ها را جذب خودمان بکنیم و با هم یک دیدارهایی داشته باشیم تا بتوانیم فقط در بین گروه‌های سیاسی نباشیم و بین آحاد مردم باشیم تا بتوانیم این توطئه‌ای که با آن روبه‌رو هستیم خنثی بکنیم و خود مردم این توطئه‌هایی که ایجاد شده که عرب و عجم و این مسائل که از قبل وجود داشت و آمریکا و اذتاب آن روی این مسئله خیلی تأکید داشتند و حرکت کردند و پول‌های زیادی هم ریختند تا بتوانند این شکاف‌ها را ایجاد کنند لذا ما مسئولیت بسیار بزرگی در مورد عراق داریم که ما هرچه آنجا سرمایه‌گذاری کنیم در همه‌ی زمینه‌ها ما بتوانیم نتیجه‌اش را به نحو احسن بگیریم.

***جناب آقای دکتر اسحاقی:** پیوند بین ملت‌های مسلمان و عراق جایگاه ویژه‌ای دارد و دشمنان هم بیکار ننشسته‌اند. خیلی متشکریم. در خدمت آقای دکتر اسلامی هستیم عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس بحثشان بازتعریف ارزش‌های انقلاب و اهداف در ابعاد منطقه‌ای و جهانی.

بازتعریف اهداف و ارزش‌های انقلاب اسلامی در ابعاد منطقه‌ای و جهانی

***جناب آقای اسلامی:** وقتی ما از انقلاب اسلامی ایران صحبت بکنیم یعنی انقلابی که دارای بازتاب هست و انقلاب اسلامی ایران انقلاب بزرگی تعبیر می‌شود. تعبیر بسیار درستی آقای میشل فوکو دارند که انقلاب ایران در زمانی اتفاق می‌افتد که روح در دنیا وجود ندارد و انقلاب ایران روح برای جهان فاقد روح می‌شود. ایرانیان توسط مرحوم امام پنجره‌های ملکوت را باز شده به نظاره‌ی ملکوت پرداختند؛ یعنی این قدر انقلاب ایران انقلاب مهمی است.

دوستان درباره‌ی انقلاب ایران صحبت کردند به‌واقع جا دارد درباره‌ی انقلاب ایران صحبت بشود اما نکته‌ی من این هست که انقلاب ایران الهام‌بخش بود و چون الهام‌بخش بود هر چه الهام‌بخشی این انقلاب بیشتر شده تأثیرگذاری انقلاب در منطقه و جهان بیشتر شده یعنی یک اصل در نوشته‌ها وجود دارد در معنای اینکه انقلاب اسلامی ایران آیا الهام‌بخش

است؟ مثلاً در یک دوره‌ای بعد از انقلاب دولت‌ها رفتند به سمت اینکه اصلاً نگاه انقلاب را کم‌رنگ ببینند. یک دوره‌ای بیشتر توجه کردند. درباره‌ی الهام‌بخشی انقلاب اسلامی ایران. تأثیرگذاری انقلاب اسلامی ایران را دربر دارد وقتی که انقلاب به پیروزی رسید برخی مفاهیم جدید مطرح شد که اساتید اشاره کردند که این مفاهیم هم در جهان مطرح شد هم در منطقه. تعبیر مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم این هست که قطب سوم زاده شد. خب ما روابط بین‌المللی‌ها تعبیر قطب سوم را در اینجا خیلی جالب و دارای اهمیت می‌دانیم که انقلاب اسلامی ایران تعبیر قطب شد و در ادبیات سازی مفهوم‌سازی در سطح جهان مثلاً مشروعیت دینی هم مهم است. ملت، امت هم مهم است. بحث سیاست، اخلاق هم مهم است. امنیت، امنیت انسانی هم مهم است. توسعه، توسعه‌ی معنوی هم مهم است؛ یعنی همه‌ی این ادبیات و مفاهیم جدید توسط انقلاب اسلامی وارد شد و یک نظام سلطه تعریف شد که این نظام سلطه در آن دوره که دو قطب دو قطب بودند یک تعریف جدیدی وارد کرد به واسطه‌ی تعریف نظام سلطه کار خود را دنبال کرد.

اما نکته‌ای که آمریکایی‌ها وقت گذاشتند این بود که تصورشان از انقلاب اسلامی ایران تصویری بود که می‌شود محدود و جمع کرد و مهار کرد. جنگی را با عراق راه انداختند و بحث محرومیت، تحریم‌های اقتصادی، به تعبیر معروف آمریکایی یک کمربند ایمنی دور ایران ایجاد کردند که این کمربند منجر بشود که انقلاب ایران بیرون نرود. فکر می‌کردند موفق هستند

اما چون امام بسیار هوشمندانه مباحثی را مطرح کرد که خارج از این محصورات بود و جهان اسلام مسئله‌ی فلسطین، مسئله‌ی ظلم‌ستیزی، ضد آمریکایی بودن آقا اجانب دارند غارت می‌کنند اموال و سرزمین شما را این منجر شد که انقلاب در آن سرزمین محصور نشود و در آن دوره که سیاست مہار آمریکایی برای ایران بود شکست بخورد.

دو دوره‌ی تنفس هم انقلاب اسلامی ایران داشت یک دوره دوره‌ی فروپاشی نظام دوقطبی است که به واسطه‌ی نظریاتی که ما در روابط بین‌الملل داریم چون واگرایی ایجاد شد و یک نظام دوقطبی از بین رفت منجر شد که یک انرژی‌ها آزاد شود. انقلاب اسلامی می‌توانست در این دوره خوب انرژی بگیرد یعنی کار خود را در منطقه و در جهان بیشتر کند اما به نظر می‌رسد که به واسطه‌ی جنگ یا مسائل مختلف داخلی این فرصت را آن‌چنان‌که باید و شاید درک نکرد اما در ایستگاه دوم که برمی‌گردد به ابتدای دهه‌ی دوم قرن ۲۱ که بحث خیزش عربی است اینجا جمهوری اسلامی ایران یا به تعبیری رهبران انقلاب اسلامی فرصت را قاپیدند یعنی دومین ایستگاه در مدار این بازتاب‌های انقلاب اسلامی ایستگاه خیزش عربی است.

اینجاست که انقلاب اسلامی ایران در منطقه یکه‌تاز می‌شود و کار خود را می‌کند. در مسیر جهانی هم به یک قدرت منطقه‌ای تبدیل می‌شود یعنی قدرت منطقه‌ای برای رسیدن به اهداف و در مدل‌سازی و الگوسازی. به همین جهت من اینجا چند گزاره را به‌عنوان گزاره‌هایی که می‌توانم به‌عنوان مجمل این گزارش داشته باشم این هست که دیگر انقلاب اسلامی ایران در

ایستگاه دوم تنفسی که می‌بیند سعی می‌کند که از مرحله‌ی ذهنیت عبور کند و به عینیت توجه کند یعنی انقلاب اسلامی ایران به تعبیر معروف می‌گویند آرمان‌ها صادر شده این فکر صادر شده این نظرات صادر شده این ارزش‌ها صادر شده اما در ایستگاه دوم انقلاب اسلامی ایران به یک سری مدل‌های عینی واقعی برگرفته از آرمان‌های انقلاب توجه می‌کند.

این یک گزاره‌ای است که ما در این ده‌ساله‌ی اخیر می‌بینیم این هم همین‌طور که اساتید اشاره کردند مرهون یک بلند نگاه کردن رهبر ایران یعنی سیاست خارجی خودش را به بال جدید پیوند می‌زند که این بال جدید می‌تواند نیروی قدس تعریف شود یعنی به رهبری حاج قاسم سلیمانی این نکته‌ی بسیار مهم است که می‌بینیم عینیت‌ها مهم است به‌رحال همه‌ی دوستان خود صاحب تجربه هستند در کشورهای مختلف بودند دیگر یک مقدار وصل کردن یک جریان سیاسی در یک کشور به یک نهاد سیاسی در کشور ایران چقدر تفاوت می‌کند؛ یعنی دیگر این‌گونه نیست که فقط جریان سازی شود بلکه این جریان با یک نهادی مرتبط شود به همین جهت گزاره‌ی بعدی این گزاره‌ای است که انقلاب اسلامی در این دوره به کادرسازی یا رهبرسازی اهمیت می‌دهد یعنی یک گزاره‌ی جدید که در این فضا بازتعریف می‌شود این است که شما رهبران و جریاناتی که رهبران درست و مفید و مناسب و مؤثر در جهان اسلام ایجاد بکنند شما شناسایی بکنید و آن‌ها را تربیت کنید پرورش دهید شما می‌بینید که یک نفر مثل سید حسن نصرالله یا ابومهدی المهندس هم ایجاد می‌شود.

نکته‌ای که اینجا بتوانم اشاره کنم به صحبت آقای دکتر در مورد فلسطین این است که گروه‌های سیاسی که ۴۲ سال با ایران کار می‌کنند در نوع نگاهشان به ادبیات جدید و بازتعریف شده‌ی انقلاب اسلامی تصمیم می‌گیرند که چه کار بکنند برخی می‌پذیرند همراهی کامل بکنند برخی هم نقدی بکنند. این همان نکته‌ای است که ما در بازتاب انقلاب اسلامی در کشورهای اسلامی با آن مواجه هستیم. نکته‌ی بعدی اینکه انقلاب اسلامی در این دوره به دولت‌سازی تمدن‌سازی اهمیت می‌دهد یعنی دیگر می‌پردازد به اینکه یک مدلی شکل بگیرد. اینجا مقام معظم رهبری بحث دولت قوی را مطرح می‌کند دولت مقاومت را مطرح می‌کند تعبیر دولت مقاومت، به معنای این است که دولت مقاومت دولت گروه میلشیا نیست. دولتی است که اقتصاد دارد فرهنگ دارد سیاست دارد نظامی دارد تقویت شده است در مقابل نظام استکبار و این هم بسیار مهم است.

یک نکته‌ای مهم این است که انقلاب اسلامی در دوره‌ی جدید به واسطه‌ی فشارهای تحریم‌های بسیار کلان همین نکته‌ی دیروز رهبری یک نماد واقعی از ایستادگی در برابر فشارهای بین‌المللی در خصوص نظام استکبار و سلطه است یعنی اینجا می‌شود نماد مقاومت چون نماد مقاومت هنوز ایستاده ۴۲ سال ایستاده یعنی سطح الهام‌بخشی‌اش افزایش پیدا کرده پس سطح ماندگاری‌اش رشد می‌کند و دیگران هم رفتند: مثلاً ترامپ رفته یک سری کشورهایی که مخالف بودند رفتند این منجر به این می‌شود که نماد مقاومت ایران و نماد مقاومت انقلاب اسلامی ضخیم‌تر بشود و بیشتر پهنه

بگیرد. دوستان اشاره کردن در مورد ونزوئلا آقای دکتر محمدی. این بحث، نماد مقاومت علی‌رغم فشار تحریم، بحث جدی است .

نکته‌ی دیگر این است که انقلاب اسلامی ایران یک جبهه به‌عنوان جبهه‌ی مقاومت طراحی می‌کند چیزی که در دو سه دهه‌ی گذشته به فکرش نبود بلکه گفته افرادی را شناسایی بکنید. به آن‌ها فکر برسائید اما الآن بحث جبهه‌ی مقاومت را مطرح می‌کند. به همین جهت سردار سلیمانی شهید در این راه می‌شود چون نقشه‌ای که آمریکایی‌ها به آن توجه می‌کنند که ایران به دنبال این هست که پای آمریکایی‌ها را از منطقه بیرون کند یعنی سرجمع این انقلاب اسلامی بازتعریف می‌شود اینکه منطقه‌ای خواهیم داشت که آمریکایی‌ها جای آسایش نخواهند داشت؛ یعنی این تعریفی است که در بازتعریف اهداف و ارزش‌های انقلاب طراحی شده و به نظر می‌رسد که در ابتدا شیعه هراسی کردند اما انقلاب ایران بسیار هوشمندانه بحث شیعه هراسی را جمع کرد الآن به‌گونه‌ای شده که اهل سنت هم طرفدار انقلاب هستند اصلاً نگاه مذهبی نیست و نکته‌ی دیگر ایران هراسی بود که بحث‌های داعش را مطرح کردند که این هم پاسخ داده شد. به نظر من در بازتعریف این تأثیرات انقلاب اسلامی بحث خروج آمریکا از منطقه، قطع کردن دست اجانب از کشورهای اسلامی اساسی‌ترین هدفی است که انقلاب اسلامی ایران دنبال می‌کند و این نکته‌ای است که می‌توانم اینجا اشاره کنم.